ژورنال

شماره ۹۰۱

۱ دسامبر ۲۰۲۴ – ۱۱ آذر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

نه انتقام که اجرای عدالت

حسن صالحی

فلاکت اقتصادی، سد انقلاب؟

سینا پدرام

تصویب قانون حجاب، چه بود، چه شد؟

کیوان جاوید

اوضاع سوریه، بن‌بست‌ها و یک راه‌حل

منظر دریاکناری

نه انتقام که اجرای عدالت

حسن صالحی

نشست قربانیان و بازماندگان جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی با هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل که چندی پیش در آلمان انجام گرفت چند پیام مهم دارد که لازم است به آنها اشاره ای شود.

اولین موضوع، روش کمیته حقیقت یاب برای دریافت حقیقت خشونت دولتی در ایران است که مستقیما با قربانیان و بازماندگان سرکوب دیدار می کند. کافیست به خاطر بیاورید که در جریان بازدید معاون کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان از جمهوری اسلامی ایران در فوریه ۲۰۲۴ وی فقط

با مقامات حکومتی دیدار کرد و کسی هم درست نفهمید که در این دیدارها چه گذشت.

موضوع دیگری که در گزارش دیدار هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل با این بازماندگان سرکوب خشونت‌آمیز حکومت اسلامی مهم بوده این است که بسیاری از بازماندگان از یافته‌های مأموریت حقیقت‌یابی استقبال کرده، اما از عدم اقدام جامعه بین‌المللی برای پایان دادن به سرکوب جاری در ایران ابراز ناامیدی کردند. به عبارت دیگر بازماندگان، مثل همه ما، از سیاست سازش و مماشات با جمهوری اسلامی انتقاد کرده اند و خواستار اقدامات عملی بیشتر برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی بمنظور پایان دادن به خشونت دولتی و انواع تبعیضات نسبت به شهروندان در ایران هستند. اقداماتی که

بتواند به انزوای بیشتر و بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی بیانجامد.

یک جنبه مهم دیگر که در گزارش این دیدار دیده می شود این است که بسیاری از بازماندگان درباره انتقام صحبت نکردند، بلکه بر نیاز به تضمین برابری، آزادی و کرامت تأکید کردند. آن‌ها همچنین شجاعت کسانی را که با وجدان و شجاعت به حمایت از آن‌ها در داخل ایران اقدام کردند، مانند پزشکان و وکلا، که اغلب با خطرات بزرگی مواجه بودند، مورد توجه قرار دادند. دادخواهان به دنبال انتقام جویی نیستند بلکه خواهان اجرای عدالت هستند و میخواهند از تکرار جنایات دولتی در ایران جلوگیری کنند. برای اجرای عدالت فقط مستندسازی جنایات جمهوری اسلامی کافی نیست

بلکه عاملین اصلی این جنایات را باید در دادگاهی بین المللی لاهه محاکمه کرد.

و بالاخره همانطور که شهین سردارعلی، عضو کمیته حقیقت یاب گفته است: "شنیدن صحبت‌های بازماندگان درباره مبارزات بی‌نظیرشان برای اعتراض به بی‌عدالتی و در نهایت رسیدن به امنیت، الهام‌بخش بود. صدای آن‌ها به ما یادآوری می‌کند که همچنان به همبستگی و حمایت از همه بازماندگان سرکوب جاری علیه معترضان ۲۰۲۲ "زن، زندگی، آزادی" در ایران نیاز داریم."

فلاکت اقتصادی، سد انقلاب

سینا پدرام

به گزارش خبرگزاری‌ها نرخ دلار بار دیگر رکورد جدیدی زد و ۷۱ هزار تومان در بازار خرید و فروش شد.

در هفته‌های گذشته نرخ دلار نوسانات شدیدی داشته و روند صعودی خود را مقابل ریال ادامه داده است. پیش‌بینی می‌شود این رقم به بالای ۱۰۰ هزار تومان در سال ۱۴۰۴ افزایش یابد.

یک نگاه گذرا به اخبار و تحلیل‌های پُرشمار در داخل و خارج ایران، همه از سنگینی فاکتورها و رویدادهای سیاسی دوره اخیر در روند صعودی

دلار تأکید می‌کنند.

طبق معمول نیز تحلیل‌های اقتصادی از جمله عدم اعتماد مردم به سیاست‌های حکومت، سیاست‌های تورمی دولت پزشکیان که به فلاکت مردم انجامیده و تقاضای بازار و غیره در زمره مسائل دخیل در روند صعودی دلار محسوب می‌شود.

تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه، تضعیف نقش جمهوری اسلامی در خاورمیانه، جلو آمدن دیگر بازیگران سیاسی و دولت‌های منطقه برای پُر کردن این خلأ سیاسی، نافرجامی برجام و غیره قطعاً دلایل ویژه این اقتصاد آشفته در ماه‌های اخیر است.

از آنچه که معمولاً در مدیای رسمی به آن "تبعات" سقوط دلار و تأثیر آن بر معیشت شهروندان نام برده می‌شود، یک معضل و مشکل اساسی همواره در این چندماهه غایب بوده است و بدون شک فقر مزمن و نزدیک به "فلاکت عمومی" روزافزون را می‌توان به آن اضافه کرد.

اما وضعیت سیاسی در ایران و آگاهی سیاسی بالای جنبش‌های درگیر در مبارزه و خواسته‌های پیشرو این جنبش‌ها و صفی از رهبران روشن‌بین، همراه با شناخت از دلایلی که موجب چنین فلاکتی شده است از ویژگی خاصی است که به مبارزه مردم در ایران می‌دهد. همچنین تجربه‌های تاریخی انقلابات اجتماعی و سیاسی یک قرن و نیم گذشته، وجود گفتمان غالب انقلاب برای

تغییر رژیم اسلامی از پایین توسط مردم، این وضعیت دشوار اقتصادی و به یک معنی فلاکت اقتصادی را می‌تواند به سکوی پرش دوباره‌ای برای مردم تبدیل کند.

ایران آبستن انقلابی است که هنوز به پایان نرسیده است. انقلابی که در هر لحظه از زبان هر شهروندی جاری است و در ضمیر جوانان آن و بخصوص زنان آن نقش بسته است و به راه چاره اساسی و به "نقشه راه" اجتماعی مبدل شده است. اقتصاد تورمی، شوک اقتصادی، تغییرات ژئوپلیتیک منطقه‌ای ترمز این انقلاب نیستند، دریچه‌های دخالت مردم هستند.

تصویب قانون حجاب، چه بود، چه شد؟

کیوان جاوید

روز شنبه ۱۰ آذر، متن نهایی "قانون حجاب" در ۷۴ ماده و پنج فصل در مجلس شورای اسلامی منتشر شد.

کجا بودیم؟ این دیگر داستانی تکراری و کسالت‌بار است که هر سال جمهوری اسلامی یکبار دیگر از "نقطه سر خط" شروع می کند. با آن هجوم عظیمی که از بدو به قدرت رسیدن علیه زنان سازمان دادند و آن پارچه سیاهِ ضخیم بردگی اسلامی را بر سر زنان کشیدند و به این وسیله حجاب خفقان و دیکتاتوری و استبداد را بر سر کل جامعه سفت‌تر

بسته بودند بیش از ۴۵ سال گذشته است.

از همان ابتدا با تحمیل آن حجاب کذایی اجباری اسلامی این پیام قوی و ممتد را به مردم در ایران و همه دولت‌ها و مردم جهان مخابره می‌کردند که "ایران جامعه‌ای اسلامی" است و رعایت قوانین اسلامی بخش جدایی‌ناپذیر از هویت ملی و دینی و اعتقادی همه مردم است.

قوانین مثل همیشه تصویب می‌شوند و برای اجرا آن دستورالعمل‌های ۷۴ ماده‌ای و صد ماده‌ای و هزار ماده‌ای جدید وضع می‌کنند. جریمه‌ها، خصوصاً جریمه‌های نقدی سنگین‌تر می‌شوند و لیست جدیدی تری از محرومیت‌های اجتماعی

بر لیست‌های قبلی اضافه می‌شود. همچنین برای محکم‌کاری تسریع کرده‌اند: "توهین یا تمسخر حجاب یا ترویج برهنگی، بی‌عفتی، کشف حجاب یا بدپوششی در فضای مجازی یا غیرمجازی جرم است و منجر به جریمه نقدی و دستگیری خواهد شد."

حالا کجا هستیم؟ از آن زمان تا امروز اتفاقات زیادی افتاده است. چندین بار جامعه برای سرنگونی جمهوری اسلامی خیز برداشته است، اما در آخرین نمونه این خیز اجتماعی برای سرنگونی جمهوری اسلامی ما با پدیده‌ای به نام انقلاب زن زندگی آزادی روبرو شده‌ایم که تماماً جمهوری اسلامی را در موضع ضعف و مردم را در موقعیت برتر قرار

داده است. در این خیز اجتماعی زنان موقعیت ممتازی داشته‌اند و فضای عمومی نه‌تنها فقط برای ازبین‌بردن نابرابری‌های اقتصادی و پایان‌یافتن فقر و فلاکت اقتصادی بود که همچنین ما شاهد یک جنبش عظیم انقلابی برای نابودکردن فرهنگ منحط اسلامی نیز بودیم و هستیم. این فضای انقلابی را با تصویب هیچ قانونی نمی‌توان عقب راند. این قانون نیز بر سر حکومتِ در حال فروپاشی کوبیده خواهد شد. نیرویی که این شکست عظیم را به جمهوری اسلامی تحمیل کنند هم اکنون در میدان‌اند. موهای افشان در باد را به مثابه بیرقِ مبارزه مشاهده کنید.

اوضاع سوریه، بن‌بست‌ها و یک راه‌حل

منظر دریاکناری

هزاران نیروی نظامی اسلامی در سوریه در دو روز اخیر بیشتر مناطق شهر بزرگ حلب را تصرف کرده و فرودگاه آن را تحت کنترل خود درآوردند. این نیروی نظامی مخالف بشار اسد، سپس حملات خود را به استان‌های مجاور نیز گسترش دادند.

انقلاب سوریه که انقلاب کرامت نیز نامیده می‌شود، مرحله اولیه اعتراضات اجتماعی مردم سوریه بود که از مارس تا ژوئیه ۲۰۱۱ ادامه داشت و با واکنش خشونت‌آمیز دولت سوریه روبرو شد و تماماً به خون کشیده شد.

با سرکوب خونین اعتراضات مردم، بخشی از نیروهای نظامی که از بدنه ارتش سوریه جدا شده بودند و همچنین هجوم شبه‌نظامیان از خارج سوریه، اوضاع را شدیداً به سناریو سیاه و کشتار بی‌رحمانه سوق داد و باعث آوارگی میلیونی مردم شد. از پایان ژوئیه ۲۰۱۱ تا امروز آنچه بر زندگی مردم در سوریه حاکم شده است چیزی جز کشتار و خانه‌خرابی و هیولای فقر و آوارگی نیست. انقلاب به خون کشیده شد و در چنین وضعیتی جنبش تروریستی اسلامی همراه با دخالت چندین دولت در منطقه بر آتش مرگ و نیستی در سوریه دمیدند.

جمهوری اسلامی و دولت روسیه از یک طرف و از طرف دیگر دولت ترکیه و همه کشورهای عربی

در خاورمیانه، سوریه را به جولانگاه مرگ و نابودی و سیه روزی تبدیل کردند. در چنین بستر آماده‌ای داعش و القاعده و حالا هم جریان تروریستی "تحریر الشام" آنچنان بلایی بر سر مردم آوردند که در تاریخ کم‌نظیر است.

در این میان دولت‌های اوباما و ترامپ و بایدن نظاره گران بی‌دست و پای اوضاع بودند و در تقابل با جمهوری اسلامی و روسیه و هجوم نیروهای تروریست اسلامی به سوریه نتوانستند تأثیری بر روند اوضاع داشته باشند. منظور این نیست انتظار می‌رفت در جهت انقلاب مردم سوریه اقدامی کنند. چنین انتظاری هرگز از حاکمین در آمریکا وجود نداشت، حتی در پایان‌دادن به این سناریوی سیاه

نیز بی‌رمق و بی‌تأثیر ظاهر شدند.

پایان‌دادن به این وضعیت حاکم بر سوریه راه دارد. همان راهی که مردم در مارس ۲۰۱۱ با نام انقلاب کرامت در آن گام گذاشته بودند. پایان‌دادن به این بدبختی‌ها تنها از عهده مردمی بر می‌آید که برای کرامت انسانی و برای به کرسی نشاندن برابری و رفاه و آزادی به میدان آمده‌اند. دولت‌ها بن‌بست‌ها و سد این راه هستند. انقلاب این سد را می‌شکند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۰۲

۲ دسامبر ۲۰۲۴ – ۱۲ آذر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

قانون حمایت از کارگران جنسی در بلژیک

سیاوش آذری

جایگاه و اهمیت اعتراضات افراد دارای معلولیت

اصغر کریمی

توماج صالحی، خوانندهٔ محبوب آزاد شد

منظر دریاکناری

بازنشستگان راه خیابان را مقابل جامعه میگذارند

شهلا دانشفر

روشنک مولایی و شلاق اسلام بر بدن زنان

کیوان جاوید

قانون حمایت از کارگران جنسی در بلژیک

سیاوش آذری

”مجبور بودم در حالی که ۹ ماهه باردار بودم، کار کنم.“ این را سوفی، یک کارگر جنسی در بلژیک می‌گوید و می‌افزاید: ”یک هفته قبل از زایمان با مشتری‌ها رابطه جنسی داشتم.“

تحت یک قانون جدید در بلژیک که در جهان بی‌سابقه است حق مرخصی زایمان با پرداخت هزینه و بازنشستگی کارگران جنسی به رسمیت شناخته شده است. ازاین‌پس ”کارگران جنسی حق قراردادهای رسمی کاری، بیمه سلامت، حقوق بازنشستگی، مرخصی زایمان و مرخصی‌های

استعلاجی خواهند داشت.“

در جامعه‌ای انسانی که نه بر مبنای سودآوری سرمایه بلکه بر اساس تأمین نیازهای تک تک آحاد جامعه و دسترسی همگان به‌تمامی مصنوعات و محصولات جامعه بشری استوار باشد روابط میان انسان‌ها، از جمله روابط جنسی، نه کالاهایی برای خرید و فروش بلکه اشکال تحقق موجودیت اجتماعی-انسانی افراد خواهد بود. در چنین جامعه‌ای اشکال مختلف ستم که شامل کار جنسی نیز می‌شود ریشه‌کن خواهد شد. بااین‌همه و در شرایط اجتماعی موجود تمامی کارگران از جمله کارگران جنسی نیاز به برخورداری از

حقوقی هستند که معیشت و منزلت آنها به‌عنوان یک انسان را تأمین نماید.

احتمالاً اکثریت قریب به‌اتفاق کارگران بخش جنسی از روی ناچاری و اجبار به این حرفه روی آورده‌اند. اما در سطحی کلان‌تر، این شکل ”انتخاب“ هر شغلی در سیستم سرمایه‌داری است. مبنای اقتصاد سرمایهداری جدایی تولیدکنندگان بلافصل از ابزار تولید و متعاقب آن کالا شدن نیروی کار است. کنه ”انتخاب“ حرفه در سیستم سرمایه‌داری انتخاب میان فروش نیروی کار، چه یدی و چه فکری و چه در عرصه تولید یا خدمات، در قبال مزد و یا مرگ از گرسنگی است. به این

اعتبار "اجبار" به انتخاب حرفه جنسی مختص به این بخش از خدمات نیست.

به‌رسمیت‌شناسی حقوق کارگران در دیگر بخش‌ها، از جمله در کارهای سخت و پرخطر مانند بخش معدن، ساختمان و توزیع شهری، حمایت قانونی از آنان در مقابل دست‌درازی‌های سرمایه‌داران و کارفرمایان را امکان‌پذیر می‌سازد؛ بخش خدمات جنسی که از جمله کارهای سخت و پرخطر است نیز باید شامل چنین حمایتهای قانونی باشد.

بعلاوه شناسایی حقوق کارگران جنسی گامی بزرگ در مبارزه با اخلاقیات و باورهای واپسگرا

در جامعه که کار، بویژه نوع یدی آن را تقدیس و رابطه و به تبع آن حرفه جنسی را تحقیر و تکفیر می‌نماید است.

باید از این پیشروی استقبال کرد و برای تحقق شرایط و حقوقی انسانی‌تر در این عرصه و در تمامی کشورها پرچم مبارزه را برافراشت.

جایگاه و اهمیت اعتراضات افراد دارای معلولیت

اصغر کریمی

جمعی از افراد دارای معلولیت همراه با خانواده‌های خود روز یک‌شنبه ۱۱ آذر مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. این چندمین تجمع آنها در اعتراض به اجرایی نشدن قانون حمایت از حقوقشان است که در حال گسترش و سازمان‌یافتگی بیشتر است. روز ۲۹ آبان نیز در مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کرده بودند.

طبق آمار حکومتی بیش از یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر در ایران دارای معلولیت هستند و مجبورند

برای بقاء خود دست به تجمع بزنند تا گوشه کوچکی از حقوق خود را از حلقوم حاکمان فاسد و میلیاردر و ضد انسان بیرون بکشند. رقم سبد معیشت به صورت غیررسمی حدود ۳۶ میلیون تومان اعلام شده، اما مجموع دریافتی یک فرد دارای معلولیت از محل مستمری و یارانه معیشتی دولت، حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است.

نفس اینکه افراد دارای معلولیت مجبورند مدام تجمع کنند تا درمان و دارو در اختیار آنها قرار گیرد و تسهیلات زندگی و خدماتی به آنها اختصاص داده شود، هر انسانی را تکان می‌دهد. در این مملکت از کودک دبستانی تا بازنشسته و معلول و بیمار مجبورند برای ساده‌ترین حقوق

خود بجنگند. چرا که این جامعه توسط مشتی ضد جامعه، عقب‌مانده و مرتجع به اصطلاح دارد اداره می‌شود. اقلیتی که برای دفاع از یک حکومت قرون وسطایی کل درآمد این مملکت را صرف خرافه و دزدی و سرکوب و موشک و نیابتی می‌کند و جالب اینکه در تمام این عرصه‌ها نیز شکست خورده است.

در عین حال اعتراض افراد دارای معلولیت بسیار شورانگیز است. آنها شبکه‌های خود را سازمان داده‌اند، اعتراض سازمان می‌دهند، شعار می‌دهند، پلاکارد بلند می‌کنند، سخنرانی می‌کنند، بیانیه می‌دهند و توجه جامعه را به خود جلب می‌کنند. اعتراض می‌کنند و دزدان حاکم را سکه یک پول

می‌کنند. همانطور که بازنشستگان بخش‌های مختلف شبکه‌ها و جمع‌های خود را در ابعاد سراسری سازمان داده‌اند و به یک نیروی سیاسی مهم اعتراض و انقلاب، به یک نیروی متحدکننده و مروج و مبلغ تبدیل شده‌اند.

اعتراض افراد دارای معلولیت نشانه پویایی یک جامعه بپاخاسته است که دارد با چنگ و دندان برای به گور سپردن یک حکومت قرون وسطایی و برپایی جامعه‌ای انسانی می‌جنگد. آنها حق دارند از بیشترین رفاه و خدمات اجتماعی برخوردار شوند و جا دارد از حمایت قاطع و همه‌جانبه کلیه تشکل‌ها، فعالین و کلیه رسانه‌ها، احزاب و سازمان‌های سیاسی برخوردار شوند.

توماج صالحی، خوانندهٔ محبوب آزاد شد

منظر دریاکناری

روابط‌عمومی دادگستری کل استان اصفهان روز یکشنبه ۱۱ آذرماه اعلام کرد که توماج صالحی که "بابت ارتکاب جرم تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس قطعی محکوم شده بود با گذراندن دوران محکومیت خود" از زندان آزاد شده است.

زندگی توماج این رپر انقلاب زن زندگی آزادی بی شک می‌تواند سناریوی یک فیلم مهیج و آموزنده باشد. داستان زندگی جوانی که پدر مبارزش از زندانیان سیاسی دهه شصت بود. داستان جوانی که شجاعت را با آگاهی و انسانیت در هم آمیخت

و نه‌تنها در کنار مبارزات مردم برای آزادی و برابری ایستاد، بلکه در متن مبارزه و در میدان نبرد حضور پر رنگی داشت. یادمان نمی‌رود که چگونه در گرماگرم اعتراضات خیابانی در دل انقلاب زندگی آزادی توماج در خیابان فریاد حمایت از و پیوستن به اعتراضات سر می‌داد و مورد تشویق مردم قرار می‌گرفت.

توماج به یکی از سمبل‌های انقلاب زیبای زن زندگی آزادی تبدیل شد و محبوبیتش از مرزهای ایران گذشت و جهانی شد. او هم "پسر ایران" و هم "پسر جهان" نام گرفت و استوار در برابر جانیان اسلامی با شعرها و آوازها و شعارهایش در میدان مبارزه به نبرد پرداخت. توماج خورشیدی

شد که در این کهکشان زندگی خوش درخشید و با روشنایی‌اش در کنار هزاران ستاره درخشنده، آسمان انقلاب را نورانی‌تر کرد.

هیچ مانعی و شکنجه‌ای نتوانست در عزم و اراده این چهره درخشنده انقلاب خللی ایجاد کند. نه زندان و نه سلول انفرادی و نه تهدید به اعدام؛ هیچکدام نتوانست توماج را عقب براند و وادار به سکوت کند. او ایستاد و رژیم را باز هم به مصاف طلبید. توماج با ایستادگی‌اش نشان داد جامعه ایران با همه قوا فقط به سرنگونی می‌اندیشد. به انقلاب می‌اندیشد، انقلابی برای رهایی و آزادی و انسانیت.

آزادی توماج صالحی عزیز، این پسر جهان را به همه مبارزین راه آزادی و برابری تبریک می گوییم. دور نیست روزی که جمهوری جنایتکار اسلامی به قدرت مردم به زیر کشیده شود و بر ویرانه‌های این حکومت فساد، انسانیت به گُل بنشیند و نغمه زندگی تنها سرودی باشد که نواخته شود.

بازنشستگان راه خیابان را مقابل جامعه میگذارند

شهلا دانشفر

دوشنبه ۱۲ آذر بازنشستگان مخابرات و روز گذشته تامین اجتماعی و فولاد در شهرهای متعددی تجمع و راهپیمایی داشتند. یکشنبه، دوشنبه و سه شنبه، روزهای ثابت اعتراضات بخشهای مختلف بازنشستگان است. باقی روزها نیز بخشهای مختلفی از آنان تجمعاتی داشته اند و در هفته های اخیر شاهد اعتراضات هزاران نفره آنان بوده ایم. یک نمونه اش تجمع ده هزار نفره معلمان بازنشسته ۱۴۰۰ در ۳۰ آبان در تهران بود.

”فقط کف خیابون بدست میاد حقمون“ شعار اعتراضی جا افتاده بازنشستگان است که همراه با آن با فریاد ”اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد“ کل جامعه را به اعتراض علیه فقر، بی تامینی، نابرابریها و علیه دزدسالاران حاکم و سرکوبگری حکومت به اعتراض فرامیخوانند.

بازنشستگان صدای اعتراض جامعه اند و در جنگ حکومت علیه زنان برای بازپس گرفتن خاکریز فتح شده حجاب این دستاورد مهم انقلاب زن زندگی آزادی نقش آفرین بوده و در همین روزهای اخیر وقتی آهو دریایی با اعتراض عریانش مقابل سرکوب حکومت ایستاد، بازنشستگان با فریاد ”آهو دریایی آزاد باید گردد“ به دفاع از او

برخاستند. یا وقتی خطر اعدام شریفه محمدی (فعال کارگری) را تهدید میکرد، در تجمعاتشان "شعار شریفه محمدی آزاد باید گردد" سر دادند و زیر فشار جامعه بود که این حکم جنایتکارانه لغو شد. نمونه دیگرش حکم اعدام توماج صالحی خواننده محبوب مردمی بود و فریاد "توماج یک ملت است، ملت را آزاد کنید" از تجمعات بازنشستگان و بخشهای مختلف جامعه بلند شد و امروز خبر مسرت بخش آزادی توماج را میشنویم.

بدین ترتیب بازنشستگان یک ستون مهم جنبش قدرتمند بر سر معیشت با فریاد "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" تبدیل شدند. جنبشی

که یک پایه مهم سرنگونی و تداوم انقلاب زن زندگی آزادی است و اخبارش را هر روزه می شنویم. اعتراضات گسترده کارگران نفت و نمونه تجمع سه هزار کارگر ارکان ثالث در ششم آذر، اعتراضات گسترده و سراسری پرستاران، تجمعات متوالی افراد دارای معلولیت علیه وضع اسفبار معیشتی و درمانی شان ، تجمعات متوالی کشاورزان بخاطر مشکلات کاری و معیشتی شان و بلند شدن دوباره زمزمه های اعتراض در نیشکر هفت تپه سرتیترهایی از اخبار در این روزهاست و این لیست طولانی است. بازنشستگان در ردیف بالای این لیست قرار دارند و برای رهایی و داشتن معیشت و منزلت انسانی راه خیابان را جلوی جامعه میگذارند. از مبارزاتشان حمایت کنیم.

روشنک مولایی و شلاق اسلام بر بدن زنان

کیوان جاوید

حساب کاربری "کانون زنان ایرانی" می‌گوید روز چهارشنبه، هفتم آذر، روشنک مولایی، زنی که به آزار جنسی یک مرد موتورسوار واکنش نشان داده بود، پس از اجرای حکم "شلاق" از زندان قرچک ورامین آزاد شده است.

انتشار آن ویدئو که نشان می‌دهد روشنک آن متجاوز جنسی را که تحت حمایت بی‌دریغ حکومت اسلامی قرار دارد و چه‌بسا با فرمان مستقیم مقامات جمهوری اسلامی مأموریتش را اجرا کرده است، با موج گسترده‌ای از حمایت

روبرو شد. کلیپی که نشان می‌دهد این زن شجاع به نمایندگی از سوی همه زنان در ایران، متجاوز را به‌سختی گوشمالی می‌دهد، ثابت کرد جنبش سرنگونی‌طلبانه زن زندگی آزادی با قامتی استوار در نبرد برای آزادی و به‌دست‌آوردن هویت و کرامت انسانی زنان ذره‌ای پا پس نمی‌کشد و با همه قوا می‌جنگد.

پیام روشنک مولایی در آن ویدئو گویا بود. آن‌چنان گویا که فوراً به یکی از پربیننده‌ترین ویدئوها در شبکه‌های اجتماعی تبدیل شد و آتش به خرمن جمهوری اسلامی زد. رژیم بعد انتشار آن کلیپ فوراً حساب روشنک را در شبکه ایکس از دسترس خارج کرد، اما کار از کار گذشته بود

و این ویدئو توسط هزاران نفر در همه شبکه‌های اجتماعی و همه تلویزیون‌های ماهواره‌ای مخالف رژیم اسلامی بازتاب گسترده یافت.

روشنک کار خود را به‌خوبی انجام داد. در این ویدئو او یک مظلوم و سرکوب شده و دست‌وپابسته ظاهر نشده است. او با ضربات مشت و لگد جواب متجاوز را داد و ثابت کرد که از حق انسانی خود دفاع می‌کند و عقب نمی‌نشیند و مرعوب نمی‌شود. روشنک ستاره روشنی است که همچون میلیون‌ها ستاره پُر فروغ دیگر در آسمان مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی می‌درخشد.

روشنک دستگیر شد و شلاق خورد، اما او مثل

دیگر مبارزان اظهار پشیمانی نکرد. روشنک خوب می‌داند این شلاق اسلام است که بدن او را مورد آماج قرار داده است. روشنک پیام روشنی به همه زنان و دختران داد که متجاوز را در هر لباسی به مصاف می‌طلبیم و انسانیت خود را پاس می‌داریم. همه ما یک روشنک هستیم. مردان در این میدان مبارزه بیش از همیشه در کنار زنان خواهند بود تا آزادی و برابری و انسانیت بر تاریک‌اندیشی چیره شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۰۳

۳ دسامبر ۲۰۲۴ – ۱۳ آذر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

اجرایی‌کردن قانون عفاف و حجاب، کابوس رژیم!

دو سؤال از سینا پدرام

سوریه در منگنه تحریرالشام و بشار اسد

محسن ابراهیمی

امان از این "دشمن"

سیامک بهاری

اجرایی کردن قانون عفاف و حجاب،
کابوس رژیم!
دو سؤال از سینا پدرام

سوسن صابری: چند سال است که سران رژیم مشغول بحث و جدل در مورد تصویب لایحه حجاب و عفاف و امروز در مورد اجرایی کردن آن هستند. به نظر شما دلیل اختلاف بین جناح‌های مختلف رژیم بر سر این قانون و تعویق در اجرای آن چیست؟

سینا پدرام: یک مثل قدیمی می گوید: "ترس از بهشت آمده است". اما در مورد رژیم اسلامی باید اذعان داشت که "ترس سیاسی" رژیم از انقلاب اجتماعی نشئت گرفته است. نگاه اجمالی به نوشته‌ها، مجادلات

و بحث‌های جناح‌های مختلف رژیم اسلامی در چند سال گذشته و به‌ویژه در چند هفته گذشته در مورد موضوع حجاب فقط و فقط بیانگر یک واقعیت عظیم و یک موجود واقعی در عالم سیاست ایران است و آن انقلاب و به معنای دقیق‌تر انقلاب زن زندگی آزادی است. انقلاب آن کابوس مهیب و خوف‌انگیزی است که تمامی سیاست‌ها و تحرکات رژیم اسلامی را در سال‌های گذشته قالب‌زده است. حضور انقلاب زن زندگی آزادی را در تمامی سیاست‌گذاری‌ها و به‌قول‌معروف در تمامی سکنات رژیم می‌توان دید. جنگ جناح‌های رژیم را امروز گفتمان انقلاب رقم می‌زند. می‌خواهند به همدیگر طعنه بزنند، انقلاب و خطر "نافرمانی‌های اجتماعی" را به رخ هم می‌کشند. سکینه پاد، مسئول پیگیری حقوق و آزادی‌های اجتماعی ریاست‌جمهوری، درباره قانون عفاف و

حجاب می‌گوید: "قانون حجاب و عفاف می‌تواند به نافرمانی اجتماعی منجر شود و به قالیباف طعنه می‌زند که "با ابلاغ این قانون با این عجله به نظر می‌رسد که اقتضائات واقعی جامعه در نظر گرفته نشده است." محمدتقی فاضل میبدی، عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم ، با ترس از به فنا رفتن اسلام نوشته است: "آیا با این قوانین دور از عقل و منطق و اخلاق، توقع داریم جوان ایرانی در کشور بماند؟". معصومه ابتکار، این "غمخوار" همیشگی رژیم در مصاحبه‌ای با "هم میهن" به پزشکیان نهیب می‌زند که "رئیس‌جمهوری باید پای وعده صریحش درباره اجرانشدن این قانون بایستد و اجازه ندهد اعلام‌جرم علیه زنان ایران، اجرا شود". آیت‌الله محقق داماد نیز در نامه‌ای به بقیه "هم‌حجره‌ای‌های معظم" خود یادآور شده است که با اجرایی‌شدن قانون عفاف

و حجاب "به دین و آیین و رژیم خسارت خواهد رسید". پزشکیان هم در مصاحبه تلویزیونی اعلام کرد که "در دولت خود آمادگی برای اجرای قانون عفاف و حجاب را نمی‌بیند."

خلاصه کلام بلبشو و آشوبی در میان جناح‌های رژیم برپاست. دلیل واقعی آن ترس همگی این اوباشان از انقلاب و سرنگونی رژیم است. انقلابی که در آن نه از "تاک نشان ماند و نه از تاکنشان".

سوسن صابری: آیا می‌شود جمهوری اسلامی بدون حجاب اجباری در سطح کل جامعه را تصور کرد؟

سینا پدرام: "یا روسری یا تو سری" آشکارترین و اولین حمله رژیم اسلامی به انقلاب ۵۷ و آزادی‌های سیاسی حاصل از آن بود. با سیاست خانه‌نشین

کردن و سرکوب ۵۰ درصد جامعه یعنی زنان و با به تمکین کشاندن این بخش، رژیم اسلامی سیاست‌های وحشیانه خود علیه انقلاب را کلید زد. حجاب و زن‌ستیزی امری کاملاً پایه‌ای برای رژیم اسلامی بوده و هست. در سطح سیاسی حجاب سنبل اختناقی بود که رژیم در کل جامعه گسترده کرد. در سطح ایدئولوژیک بدون شک زن‌ستیزی جزو لایتجزای مذهب و به‌ویژه دین اسلام است. و بالاخره در سطح اقتصادی با حمله به معیشت زنان، سیاست تولید و باز تولید کارگر ارزان و خاموش راحت‌تر از گذشته در دستور رژیم تازه به‌قدرت‌رسیده قرار گرفت.

از زاویه تاریخی نیز موضوع حجاب به یک مسئله بودونبود برای رژیم تبدیل شده است. حساسیت رژیم در قبال حجاب تنها یک حساسیت تئولوژیک یا دینی نیست، بلکه کل موجودیت یک رژیم سیاسی

با مشخصاتی که در ۴۶ سال گذشته با آن شناخته شده است به این معضل مرتبط شده است. رژیم اسلامی بدون حجاب اجباری یک پارادوکس سیاسی در سپهر سیاسی معاصر ایران است. این همان قدر ناممکن است که سلطنت بدون شاه و ملکه.

سران "اصول‌گرا" ولی "واقع‌بین" رژیم می‌دانند که بدون حجاب اجباری، جامعه کل موجودیت رژیم را به چالش خواهد کشید. سران "اصلاح‌طلب" ولی "متوهم" رژیم می‌دانند که با تحمیل حجاب به زور قانون و چماق، اعتراضات اجتماعی و انقلاب زنانه سرعت خواهد گرفت. این آچمز سیاسی فقط یک برون‌رفت و یک امکان واقعی برای رفع خود دارد و آن سرنگونی رژیم اسلامی است.

سوریه در منگنه تحریرالشام و بشار اسد

محسن ابراهیمی

تصرف شهر حلب توسط گروه اسلامی تحریرالشام و پیشروی به سمت حما و شهرهای دیگر رعدآسا بود، اما رعدی در آسمان بی‌ابر نبود.

بعد از ضربات سنگین ارتش اسرائیل به "محور مقاومت"، توازن سیاسی در منطقه علیه جمهوری اسلامی و بشار اسد تغییریافته است. حزب‌الله که در سرکوب مردم سوریه برای حفظ بشار اسد جنگیده بود، امروز به‌شدت درهم‌شکسته است. جمهوری اسلامی هم مشغول عزاداری برای بازوهای لت‌وپار شده‌اش در منطقه است.

چه شرایطی بهتر از این برای اردوغان که بعد از قریب ده سال سازماندهی و مجهز کردن نیروهای اسلامی در ادلیپ دست‌به‌کار شود؟

دولت اردوغان در زمینه‌سازی حمله نقش داشته است. گروه اسلامی جیش الوطنی، یک نیروی نیابتی اردوغان در ادلیپ است که همراه تحریرالشام تهاجم به حلب را پیش برده‌اند. یک هدف مهم اردوغان تعیین تکلیف "نیروهای دمکراتیک سوریه" است که هنوز مناطقی در شمال و شمال شرقی سوریه را تحت تسلط خود دارند. اما هدف بزرگ‌تر استفاده از تغییر توازن کنونی و تأمین موقعیت برتر برای ترکیه در آینده سیاسی سوریه و به این اعتبار در منطقه است.

اینکه وضعیت سوریه به کدام سمت پیش می‌رود بسته به این است که بند و بست‌های پشت پرده میان دولت‌های مرتجع و لاشخور منطقه و روسیه و آمریکا و سایر دول غرب چگونه پیش خواهد رفت. جمهوری اسلامی حتماً نگران سرنوشت بشار اسد است. خامنه‌ای به قاسم سلیمانی گفته بود برو بشار اسد را حفظ کن؛ سلیمانی هم زیر پوشش هوایی خونبار پوتین در خون پاشیدن به اعتراض بحق مردم سوریه نقش ایفا کرده بود. الان بشار اسد با خطر تهاجم وسیع آن‌هم توسط نیروهای اسلامی سنی رقیب مواجه است و پوتین و جمهوری اسلامی هم در وضعی نیستند که بتوانند به دادش برسند.

مردم سوریه نگران فاجعه‌ای هستند که قبلاً

با خون پاشیدن بر انقلابشان توسط بشار اسد، جمهوری اسلامی و ارتجاع منطقه و جهان تجربه کرده‌اند. می‌توان امیدوار بود که همین مردم آنگاه که از زیر ضرباتی سربلند کنند که قبلاً در مصاف با دیکتاتوری بشار اسد تحمل کرده‌اند؛ با انقلابی پیروزمند، آینده خود را به دست بگیرند. سقوط نظام اسلامی متحد اصلی بشار اسد، توسط انقلاب مردم ایران، می‌تواند در شکل‌دادن به چنین لحظه تاریخ‌ساز نقش ایفا کند.

امان از این "دشمن"

سیامک بهاری

رئیس قوه قضائیه: "دشمنان می‌خواهند اسلام ناب و جمهوری اسلامی را نابود کنند"!

جلسه مشترک مجلس و قوه قضائیه، با شرکت اژه‌ای، قالیباف، اعضای شورای‌عالی قضایی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، پس از تصویب لایحه حجاب و عفاف، بر متن طوفانی از بحران و تحولات پرشتاب در خاورمیانه، تشتت اندرونی حکومت را به نمایش می گذارد.

بازهم "دشمن" و خطر نابودی اسلام، کلیدواژه خطر فروپاشی کل حکومت است! اژه‌ای بر مسند

دستگاه قضایی خون‌ریز و بی‌رحم، به‌عنوان چماق حکومت، در بزنگاهی مهم، بر متن دود شدن عمق استراتژیک، در میانه شکست خفت‌بار جنگ‌افروزی و ماجراجویی‌های تروریستی نظامی، در تقلای بی‌حاصل برای بازپس گیری سنگرهایی که حکومت اسلامی در خیزش شکوهمند زن زندگی آزادی برای همیشه ازدست‌داده است، به مجلس اسلامی آمده است.

می گوید اگر "متحد" نباشیم کارمان ساخته است. او فروپاشی و آینده تاریک را محتمل می‌بیند. این را به نمایندگان مجلسی می گوید که از رگ گردن به حکومت نزدیک‌ترند. می‌خواهد بفهمند "اتحاد" بر سر چیست!

اژه‌ای سرراست سراغ "نقشه دشمن" و لزوم اتحاد بر اجرای لایحه حجاب و عفاف می‌رود. تا آن را به‌عنوان چماق حکومت در حمله به زنان، به‌قصد ارعاب کل جامعه عملی کند. می‌خواهد خودی‌ها را متقاعد کند که بر سر تحمیل آن به جامعه با هم "متحد" باشند. چرا که اسلام ناب یعنی خود حکومت در خطر است. او می‌داند دیوار اتحاد درونی حکومت زیر فشار بی‌وقفه مبارزه و اعتراض مردم ترک برداشته است. "روسری را رها کن فکری به حال ما کن" پاسخ روشن جامعه به لایحه حجاب و عفاف و کل تقلای حکومتی است.

پیش چشم حکومت، خیابان عرصه پیشروی مبارزه زنان از پس‌زدن حجاب تا ایستادن بر سکوی اعتراض عریان، از بنیاد پنبه عفاف و حجاب را زده

است و سپریه‌سپر حکومت ایستادگی می کند! این سکویی برای پس‌زدن کل جمهوری اسلامی است. دورانداختن حجاب، دورانداختن حکومت اسلامی است.

آهو دریایی، مظهر خشم و عزم جامعه و پرچم افراشته اتحاد قدرتمند مردم علیه حکومت است. آن‌چنان پر قدرت که نه فقط زیر پای خودی‌های حکومتی را خالی کرده است. بلکه خود "قانون حجاب" را دارد به امکانی و فرصتی برای مبارزه جمعی جامعه علیه حجاب بدل می‌کند. اتحاد جامعه علیه این قانون دقیقاً اعلام "نه" بزرگ جامعه علیه کل حکومت برای به زیر کشیدن آن است!

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۰۴

۴ دسامبر ۲۰۲۴ – ۱۴ آذر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

پایان پارادایم اسلام سیاسی

حمید تقوایی

حکومت اعدامی و ضرورت تشدید مبارزه علیه اعدام

کیوان جاوید

قانون حجاب و عفاف را هم شکست خواهیم داد

مینا بهروزی

۱۳ آذر روز مبارزه با سانسور

رضا درویش

پایان پارادایم اسلام سیاسی

حمید تقوایی

محمدجواد ظریف در مقاله‌ای در نشریه آمریکایی Foreign Affairs تحت عنوان "ایران مسیر رسیدن به صلح را چگونه می‌بیند" از آمادگی دولت پزشکیان برای مذاکره با آمریکا سخن می گوید. او در این نوشته از دولت پزشکیان تصویری واقع‌بین، صلح‌طلب و خواهان رفع تنش‌های منطقه‌ای از طریق دیپلماسی و گفتگو و مذاکره با دولت دونالد ترامپ و دولت‌های غربی و منطقه‌ای به دست می‌دهد. تصویری که ۱۸۰ درجه با سیاست‌های استراتژیک رژیم علیه "شیطان بزرگ" و "رژیم اشغالگر قدس" و حمایت همه‌جانبه از نیروهای تروریستی که حکومت

آنها را "محور مقاومت" می‌نامد، در تناقض است. قبلاً پزشکیان و لاریجانی، فرستاده ویژه خامنه‌ای به لبنان و سوریه، نیز برای مذاکره حکومت اسلامی با دولت دونالد ترامپ اعلام آمادگی کرده بودند. اما نوشته ظریف نه‌تنها از مذاکره با آمریکا بلکه از کنارگذاشتن "پارادایم کهنه" به‌وسیله دولت پزشکیان و دیپلماسی و گفتگوی سازنده با غرب صحبت می‌کند. این پارادایم کهنه چیزی به‌جز پارادایم غرب‌ستیزی اسلامی نیست.

بازنده اصلی تحولات خاورمیانه در یک سال اخیر جمهوری اسلامی بوده است. حماس و حزب‌الله ضربات سهمگینی خورده و کارایی خود را ازدست‌داده‌اند، موشک‌پرانی‌های جمهوری اسلامی بی‌ثمری خود را عیان کرده است، و پایگاه دولتی

”محور مقاومت“ یعنی دولت سوریه نیز در سراشیب سقوط است. ازاین‌رو جمهوری اسلامی اهرمی برای اعمال‌نفوذ در منطقه و حتی معامله و امتیازگیری در سر میز مذاکره ندارد. استراتژی مرگ بر آمریکا و انهدام اسرائیل که سنگ بنای استراتژی جمهوری اسلامی، اهرم اعمال‌نفوذش در منطقه، محمل و توجیه کشتار مردم سوریه و عراق و یمن، و ابزار سرکوب مردم در خود ایران بود به آخر خط رسیده است و مهره‌هایی نظیر ظریف و پزشکیان و لاریجانی به جلو رانده شده‌اند تا مگر این درماندگی و بن‌بست را به نحوی علاج کنند. اما این دیپلماسی از سر ضعف و ناچاری نیز راه به جایی نخواهد بود. نقطه‌ضعف اساسی رژیم نه در سیاست خارجی و منطقه‌ای بلکه در جامعه ایران و در مقابله با مردمی است که از جمهوری اسلامی متنفرند و عزم جزم کرده‌اند آن

را به زیر بکشند. دوران "پارادایم کهنه" همراه با رژیم ورشکسته پرچم‌دار آن می‌رود تا جای خود را به پارادایم زن زندگی آزادی بسپارد. این یک پیش‌شرط تعیین‌کننده برای استقرار صلح و آرامش در منطقه نیز هست.

حکومت اعدامی و ضرورت تشدید مبارزه علیه اعدام

کیوان جاوید

گزارش‌ها حاکی است که روز سه‌شنبه ۱۳ آذر دست‌کم سه زندانی در زندان‌های شیراز، رشت و گرگان اعدام شده‌اند. همچنین اعدام هشت تن در زندان قزل‌حصار استان البرز طی روز سه‌شنبه مشخص شده است.

این دیگر برای همه روشن است که اعدام‌ها با هدف سیاسی صورت می‌گیرد و برای حفظ نظام است. گزارش‌ها حاکی است که شمار اعدام‌ها در سال گذشته میلادی نسبت به سال پیش از آن، با رشد ۸۴ درصدی به "۴۷۱ اعدام" رسیده است. بخش زیادی از این محکومین به اعدام

در ارتباط با اتهامات مربوط به مواد مخدر به دار کشیده شده‌اند.

بر کسی پوشیده نیست که این اعدام‌ها برای ایجاد وحشت در دل مردمی است که فقر و فلاکت و تیره‌روزی را بر نمی‌تابند و برای اینکه این زندگی جهنمی را تغییر بدهند خوب می‌دانند باید رژیم حاکم را از میان بردارند. جمهوری اسلامی در باتلاق فلج اقتصادی اسیر شده است؛ تضادهای داخلی حکومت بیشتر از همیشه اوج گرفته و به بدترین وجه ممکن در منطقه شکست خورده است و نیروهای نیابتی‌اش بی‌تأثیر در اوضاع منطقه بیش از همیشه روحیه باخته‌اند.

در این شرایط جمهوری اسلامی مجبور به کرنش

در مقابل دولت آمریکا و دول اروپایی است و چاره‌ای جز نوشیدن جام زهر دیگری ندارد. هر عقب‌نشینی در مقابل مردم و در عرصه جهانی و منطقه‌ای قرار است با افزایش اعدام‌ها در ایران همراه باشد تا رژیم به خیال خود بتواند کمکی برای حفظ نظام باشد.

انتخاب لیست اعدامی‌ها یک سیاست کار شده رژیم است. لیستی از انسان‌هایی که ظاهراً قدرتی در دفاع از خود ندارند و از نظر رژیم نیروی وسیع اجتماعی علیه اعدام آنها به میدان نخواهد آمد. اما تیر این سیاست حکومت اعدامی به سنگ می‌خورد. مردم مسبب همه بدبختی‌ها و فلاکتی که زندگی آنها را به جهنم تبدیل کرده است را خوب شناخته‌اند. جنبش علیه اعدام "به هر جرم

و بهانه‌ای" وسیعاً در ایران در حال گسترش است. برای اینکه این چرخه کشتار پایان یابد، همه آنها که دل به انقلاب زن زندگی آزادی بسته‌اند باید با همه توان در ایران و جهان به میدان بیایند تا بر به توحش اعدام در ایران پایان دهند. به کمپین سه‌شنبه‌های علیه اعدام و کارزار جهانی علیه اعدام بپیوندید. طناب دار را از دست رژیم بیرون بکشیم. این ممکن است.

قانون حجاب و عفاف را هم شکست خواهیم داد

مینا بهروزی

به گزارش خبرگزاری مهر، "لایحه حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب" چندین بار رفت‌وبرگشت میان مجلس و شورای نگهبان داشت و در نهایت و با رفع ایرادات، تبدیل به قانون شد! طبق گفته محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی این قانون ۲۳ آذرماه برای اجرا، ابلاغ خواهد شد.

جمهوری اسلامی در جبهه‌های بسیاری شکست خورده است. از جمله در جبهه‌های جنگ با اسرائیل توسط نیروهای نیابتی‌اش. اما در جبهه

مبارزه با مردم در داخل ایران که اتفاقاً مهم‌ترین عرصه شکست جمهوری اسلامی است، همچنان تلاش می‌کند صورت خودش را با سیلی سرخ نگه دارد. زنان این حکومت را در سنگر حجاب، در خیابان و محل کار و زندگی شکست داده‌اند. حجاب اجباری را از در بیرون کرده‌اند و این حکومت زور می‌زند از پنجره وارد کند، اما این قانون آپارتاید جنسیتی هم قبل از اجرا محکوم به شکست است.

تصور کنید یک زن با پوشش اختیاری می‌خواهد سوار تاکسی و یا اسنپ بشود، یا برای خرید به مغازه برود و یا به یک رستوران غذاخوری مراجعه بکند. طبق این لایحه راننده‌تاکسی و اسنپ، مغازه‌دار

و صاحب رستوران و راننده‌تاکسی نه‌تنها نباید هیچ گونه خدماتی به این شهروند زن بدهند بلکه باید او را به متجاوزین و سرکوبگران حکومت هم معرفی کنند تا تنبیه و جریمه نقدی بشود. در غیر این صورت خود صاحبان این مشاغل مجرم شناخته شده و مجازات و جریمه می‌شوند. می‌بینیم که این لایحه علیه کل جامعه است. تلاشی وقیحانه برای راه‌انداختن جاسوسی مردم علیه مردم است. بر طبق این قانون یا باید جاسوسی کنی و یا مجرم هستی و محکوم! هدف رژیم کاملاً معلوم است. تعرض به زنان و از این طریق تعرض به کل جامعه به‌پاخاسته.

مردم می‌دانند هر تعرضی به زنان تعرض به کل

جامعه است. به ضرر زندگی و آزادی است و همچنین در جهت تداوم سرکوب و بی‌حرمتی به مردم است. مردم در مقابل جنایت‌های رژیم علیه زنان یکپارچه و متحد ایستاده‌اند و این بار هم در مقابل این قانون ضد زن خواهند ایستاد.

خطاب به حکام اسلامی اعلام می کنیم که همانطور که قبلاً گشت ارشاد را از خیابان‌ها جمع کرده‌ایم، این قانون ضد زن را هم شکست خواهیم داد.

۱۳ آذر روز مبارزه با سانسور

رضا درویش

۱۳ آذرماه بیاد دو جان‌باخته راه آزادی، محمد مختاری و محمدجعفر پوینده از سوی کانون نویسندگان ایران روز مبارزه با سانسور نام‌گذاری شده است. کانون نویسندگان ایران با تأکید بر بند اول منشور این کانون، "آزادی اندیشه و بیان و نشر بی‌هیچ حصر و استثنا برای همگان" اعلام داشته است که به مبارزه علیه تمامی اشکال سانسور ادامه خواهد داد.

جمهوری اسلامی از ابتدا برای مقابله با عقاید مخالفین و با هدف برقراری اختناق از ابزار سانسور

به طور سازمان‌یافته استفاده کرده و در این مسیر جنایت‌های بی‌شماری مرتکب شده است. سعید سلطان‌پور، شاعر و نویسنده، توسط سپاه پاسداران دستگیر و چند ماه بعد به جوخه اعدام سپرده شد. سعیدی سیرجانی، نویسنده و پژوهشگر در زندان به قتل رسید. بعدها، محمد مختاری نویسنده و شاعر، و محمدجعفر پوینده، نویسنده و مترجم را ربوده و به قتل رساندند و جسدشان را خارج از شهر رها کردند. این قتل‌های حکومتی بعدها به‌عنوان قتل‌های زنجیره‌ای شناخته شد و هنگامی که رژیم دید نمی‌تواند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند به "نیروهای خودسر" نسبت داده شد.

به‌قتل‌رساندن‌نویسنده،شاعر‌ومحقق‌وحشیانه‌ترین

شکل سرکوب آزادی بیان است و میراث بجای مانده از قرون‌وسطاست که در اکثر کشورها منسوخ شده است. چنین جنایاتی مصداق بارز توحش و یادآور دوران بربریت است.

رژیم برای استفاده از سانسور با هدف سرکوب عقاید به شیوه‌های متفاوتی روی می‌آورد. خالی کردن کتاب‌ها و روزنامه‌ها از محتوای اصلی و موردنظر نویسندگان، تحمیل تنگ‌نظری و تحجر فکری تا حد به ابتذال کشاندن آثار فرهنگی و هنری و حتی توقیف این آثار و محروم کردن صاحبانش از ارائه حاصل کارشان به جامعه نمونه آسیب‌های بی‌شماری است که رژیم از ترس عقاید مخالف به مردم ترقی‌خواه ایران تحمیل می‌کند.

علی‌رغم به کارگیری سانسور و سرکوب علیه آزادی بیان، رژیم ناتوان از مقابله با انواع جنبش‌های آزادی‌خواهی در این برهه در مخمصه بدی گرفتار شده است. شبکه‌های اجتماعی هم اکنون به طرز چشمگیری وسیع ترین عرصه را برای ابراز نظر مردم فراهم کرده است. حضور مردم در این شبکه‌ها آن‌چنان گسترده و فعال است که رژیم اسلامی هرگز نمی‌تواند کنترل کند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۰۵

۵ دسامبر ۲۰۲۴ – ۱۵ آذر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

بن‌بست، هراس و سردرگمی در افزایش قیمت بنزین

عبدل گلپریان

کشته‌شدن سه کارگر در جنایت کاری

سیاوش آذری

کاهش یارانه‌ها برای تأمین هزینه‌های سرکوب و مذهبی

میلاد رسایی‌منش

بن‌بست، هراس و سردرگمی در افزایش قیمت بنزین

عبدل گلپریان

مسعود پزشکیان گفته، "احتمال بالارفتن قیمت بنزین بیشتر شده". روز دوشنبه۱۲ آذر، پزشکیان گفته بود، "اگر مجلس برای واردات، ارز اختصاص ندهد، بنزین گران می‌شود" که تلویحاً تأیید افزایش قیمت بنزین بود و توپ این افزایش را به زمین مجلس انداخت. علی لاریجانی هم با اشاره به اظهارات اخیر پزشکیان و وزیر امور اقتصادی و دارایی او، آن را شایعه خواند و افزایش قیمت بنزین در دی‌ماه ۱۴۰۳ را کوتاه‌مدت خواند. یکی از اعضای کمیسیون تلفیق بودجه مجلس اسلامی هم گفته است، "افزایش قیمت

بنزین می‌تواند به تشدید نارضایتی عمومی منجر شود". همتی وزیر اقتصاد گفته بود، "افزایش قیمت بنزین تصمیمی شوک‌آور است". او روز۱۳ آذر به حجم بالای قاچاق سوخت اشاره کرده بود. و بالاخره محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس گفته است، "اختیار افزایش قیمت بنزین بر عهده دولت است"

بنا به خبرهای منتشر شده جلسه‌ای ویژه با حضور سران سه قوه و فرماندهان ارشد سپاه پاسداران برای بررسی ابعاد امنیتی افزایش قیمت بنزین تشکیل شده است. اکنون به طور هم‌زمان دولت و مجلس بر سر به‌عهده‌گرفتن مسئولیت این افزایش قیمت با یکدیگر دچار چالش شده‌اند.

افزایش قیمت بنزین و دیگر نیازمندی‌های ضروری

مردم در حکومت غارت و چپاول اسلامی هیچگاه توسط یک نهاد مشخص صورت نگرفته است چرا که در ساختار حاکمیت اسلامی هر گونه فعل‌وانفعال در تنظیم و افزایش اقلام ضروری شهروندان و تحمیل فقر و فلاکت بر مردم توسط شبکه‌ای گسترده از باندهای مافیای حکومت صورت می‌گیرد و این دستجات از بیت رهبری و مجلس گرفته تا دولت و نیروهای سپاه را در بر می‌گیرد که با چپاول و با دست‌بردن در جیب خالی مردم همچنان به غارت هستی و دسترنج آنان ادامه می‌دهند.

گوشه‌ای از این غارت که زندگی مردم را تباه کرده است در حجم سر به فلک کشیده شبکه قاچاق سوخت نهفته است که وزیر اقتصاد دولت پزشکیان به آن اعتراف می‌کند.

اکنون این شبکه تارعنکبوتی حکومت اسلامی در وحشت و هراس از سربلند کردن مجدد اعتراضات مردم در بن‌بست و بحران گیرکرده است. این را می‌دانند که افزایش قیمت بنزین و افزایش قیمت حیاتی‌ترین نیازهای مردم بستری برای فوران مجدد انقلاب زن زندگی آزادی خواهد شد که کل این بساط چپاول و جنایت را در هم بپیچد.

کشته‌شدن سه کارگر در جنایت کاری

سیاوش آذری

روز گذشته سه کارگر به علت آتش‌سوزی در یکی از مخازن روغن‌کشی کارخانه روغن سه گل در زیرخان از توابع نیشابور جان خود را از دست دادند. بنا بر اظهارات ابوالفضل اسدی، رئیس سازمان آتش‌نشانی نیشابور، علت این حادثه هنوز مشخص نشده است. روز سه‌شنبه نیز در جنایت کاری دیگری در کارخانه فولاد سرخه در استان سمنان، به دنبال رهاشدن پاتیل مواد مذاب، دست‌کم یک کارگر کشته و دو تن مجروح گشتند.

بر اساس گزارش‌های رسمی در پاییز سال جاری در ایران ۵۴۸ کارگر به دنبال جنایات کاری جان خود را ازدست‌داده‌اند. بنا بر آمار پزشکی قانونی در شش ماه اول همین سال تعداد جان‌باختگان در سوانح کاری بالغ بر هزار و ۷۷ نفر است. با این حساب تعداد کارگران کشته شده در حوادث در نه ماه اول سال جاری دست‌کم به هزار و ۶۲۵ نفر می‌رسد که این یعنی جان‌باختن ۶ کارگر در روز.

همین آمار رسمی ابعاد وحشتناک جنایات سیستماتیک علیه کارگران در ایران تحت سیطره رژیم اسلامی را به‌روشنی نمایان می‌سازد. در ایران کارفرمایان، که معمولاً خود از اعوان‌وانصار دست‌اندرکاران رژیم هستند، نیازی به رعایت

کوچک‌ترین موازین ایمنی کاری نمی‌بینند و معمولاً در پی چنین حوادثی این کارگران هستند که متهم به عدم رعایت موازین ایمنی می گردند.

علت اصلی ابعاد دهشت‌انگیز جنایات کاری در ایران اقتصاد دزدسالار و بحران‌زده جمهوری اسلامی است. این بحران در ذات خود امری سیاسی و ناشی از ماهیت بحران‌زای رژیم است. عدم ادغام در اقتصاد جهانی به علت انزوای ناشی از سیاست حمایت از نیروهای تروریستی اسلامی در منطقه و جهان، اجتناب سرمایه‌داران خارجی از سرمایه‌گذاری در ایران به علت هرج‌ومرج اقتصادی و در نتیجه استفاده از تکنولوژی کهنه و متعاقب آن بهره‌وری پایین نیروی کار و خودداری کارفرمایان از بکار بستن سیستم‌های ایمنی برای

کاستن از مخارج تولید و افزایش نرخ سود از جمله علل سوانح کاری در ایران هستند. عامل اصلی این جنایات اما رژیم اسلامی است.

باید خواست بکار بستن بالاترین استانداردهای ایمنی در محیط‌های کار از طرف کارفرمایان، جرم‌انگاری سوانح کاری، و کاهش ساعات کار به‌ویژه در کارهای سخت و پرخطر را در دستور گذاشت. با مبارزه متحدانه خود تحقق خواست شرایط ایمنی کاری را به رژیم سرمایه اسلامی تحمیل خواهیم کرد.

کاهش یارانه‌ها برای تأمین هزینه‌های سرکوب و مذهبی

میلاد رسایی‌منش

در ادامه سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی، شهرام دبیری، معاون رئیس‌جمهور، اظهار کرده است که دولت قصد دارد یارانه دهک‌های بالای درآمدی را به‌تدریج قطع کرده و این منابع را به دهک‌های پایین اختصاص دهد. این اظهارنظر، بار دیگر رویکرد همیشگی حکومت را به نمایش می‌گذارد: تأمین منابع مالی از جیب مردم، به‌جای کاهش هزینه‌های گزاف دستگاه‌های مذهبی و سرکوب.

حکومتی که سال‌هاست ادعای حمایت از مستضعفان را تکرار می‌کند، در عمل چیزی جز گسترش فقر و بی‌عدالتی به همراه نداشته است. حذف یارانه دهک‌های بالا، گرچه در ظاهر رویکردی برای افزایش عدالت اقتصادی به نظر می‌رسد، اما در واقع تنها بخشی از سیاست‌های عوام‌فریبانه‌ای است که در نهایت نه به نفع دهک‌های پایین تمام می‌شود و نه بهبود معیشت مردم را در پی دارد. چراکه بخش قابل‌توجهی از منابع کشور، به‌جای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی، صرف تقویت نهادهای سرکوب، تبلیغات مذهبی، و پروژه‌های ایدئولوژیک می‌شود.

دستگاه‌های مذهبی و سرکوب و گروه‌های نیابتی در منطقه، که همچنان سهم عمده‌ای از بودجه

عمومی را به خود اختصاص می‌دهند، نه‌تنها هیچ نقشی در رفاه عمومی ندارند، بلکه باری سنگین بر دوش اقتصاد کشور هستند. از ساخت و اداره حوزه‌های علمیه گرفته تا هزینه‌های کلان برای ترویج حجاب اجباری و سرکوب مخالفان و هزینه‌هایی که صرف نیروهای تروریست اسلامی در منطقه می‌شود، همگی نشان‌دهنده اولویت‌های حکومتی است که مردم را ابزار بقای خود می‌داند.

حذف یارانه دهک‌های بالا، بدون اصلاح ساختارهای کلان اقتصادی، تنها بار دیگری بر دوش مردم خواهد بود، چرا که تورم و کاهش قدرت خرید، حتی دهک‌های به‌ظاهر مرفه را نیز به‌سوی فقر سوق داده است.

این سیاست‌ها، به‌روشنی نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی نه توان حل مشکلات اقتصادی را دارد و نه اراده‌ای برای قطع هزینه‌های زائد نهادهای سرکوب و مذهبی. مردم ایران، بار دیگر باید بهای ناکارآمدی سیستمی را بپردازند که تنها هدفش حفظ قدرت به هر قیمت است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۹۰۶

۷ دسامبر ۲۰۲۴ – ۱۷ آذر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

فراخوان جهانی علیه اعدام‌ها و آپارتاید جنسیتی در ایران

حسن صالحی

از قتل‌های زنجیره ای تا انقلاب مهسا

بابک یزدی

بحران سیاسی در فرانسه

کاظم نیکخواه

فتوای رهبر طالبان، انسان‌زدایی از زنان است!

سیامک بهاری

کمک ۷۷ میلیون دلاری "امام خامنه ای" به حزب الله

کیوان جاوید

فراخوان جهانی علیه اعدام‌ها
و آپارتاید جنسیتی در ایران

حسن صالحی

در پاسخ به فراخوان جهانی از سوی ۶ شبکه مبارزاتی از مخالفین جمهوری اسلامی در خارج کشور، ۷ تا ۱۵ دسامبر ۲۰۲۴، ۱۷ تا ۲۴ آذر، در اعتراض به اعدام‌ها، علیه آپارتاید جنسیتی در ایران و برای آزادی زندانیان سیاسی که در ارتباط با روز جهانی حقوق بشر اعلام شده است تاکنون در ۱۰ کشور استرالیا، کانادا، آمریکا، انگلستان، نیوزلند دانمارک، آلمان، فرانسه، هلند و سوئد و در ۱۵ شهر دنیا برنامه‌هایی سازمان داده شده است.

همزمانی این فراخوان با دعوت شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی در داخل کشور که همگان را به اعتراض علیه جمهوری اسلامی در دو هفته موسوم به نارنجی (۲۵ نوامبر تا ۱۰ دسامبر) فراخوان داده بود، پیوند ناگسستنی داخل و خارج کشور در مبارزه علیه رژیم ضد بشر اسلامی را به نمایش می‌گذارد.

همگرایی فعالین داخل و خارج در مبارزه بر سر موضوعاتی نظیر لغو صدور و اجرای احکام اعدام، آزادی زندانیان سیاسی و مقابله با حجاب اجباری اسلامی و مبارزه برای لغو آپارتاید جنسیتی در ایران راهی است که باید با قدرت پیموده شود.

این اتحاد و همگرایی تنها وسیله‌ای است که ما را در مقابل یک رژیم جنایتکار و ضد انسانی مثل جمهوری اسلامی می‌تواند به جلو براند و موجب موفقیت ما علیه این همه ظلم و بیداد شود. بخصوص در شرایطی که جمهوری اسلامی با شکست‌های بزرگ منطقه‌ای و جهانی بشدت تضعیف شده است و صفوف دشمنان ما مشتت است.

این همکاری‌های فراگیر را باید به فال نیک گرفت و انتظار داشت که بر محورهای زن زندگی آزادی و خواست‌های انسانی و پیشرو مردم ایران در نفی کامل جمهوری اسلامی فعالین بسیار بیشتری بتوانند به گرد هم آیند و با فراخوان‌های مشترک خیابان‌های شهرهای جهان را به تسخیر مخالفین

جمهوری اسلامی در آورند و شعله‌های انقلاب را فروزان‌تر کنند.

بطور قطع ما می‌توانیم با درخواست حمایت و پشتیبانی جهانی از جنبش انقلابی زن زندگی آزادی، با خواست بایکوت سیاسی جمهوری اسلامی، با مطالبه قرارگرفتن سپاه پاسداران در لیست نیروهای تروریستی و خواست بستن سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی و بسیج افکار عمومی مردم دنیا علیه جنایتکاران حاکم بر ایران، پایان قطعی عمر رژیم اسلامی را رقم بزنیم و رسیدن به آزادی را نزدیک‌تر کنیم. اتحاد صفوف مردم ضامن پیروزی است.

از قتل‌های زنجیره ای تا انقلاب مهسا

بابک یزدی

۲۶ سال پیش وزارت اطلاعات رژیم دست به سلسله قتل‌هایی زد که در ایران به قتل‌های زنجیره‌ای معرف شده است. این قتل‌ها شامل گروهی از روشنفکران، نویسندگان و فعالان سیاسی در ایران، از جمله محمد مختاری و محمدجعفر پوینده و داریوش فروهر و همسرش پروانه اسکندری بود که در روزهای ۱۲ و ۱۸ آذرماه اتفاق افتاد.

از آن تاریخ تا امروز هر سال خانواده‌های این جان‌باختگان تلاش می‌کنند در سالگرد قتل

عزیزان خود مراسم برگزار کنند که همیشه با استقبال و حمایت مردم روبرو بوده است. امسال اما مشخصاً وزارت اطلاعات در همان دقایق اول از ترس دادخواهان مراسم را برهم زده و اجازه برگزاری آن را نداد. مریم حسین‌زاده، همسر محمد مختاری، به بی‌بی‌سی فارسی گفت به او حتی اجازه پیاده شدن از ماشین داده نشد.

جمهوری اسلامی خیال می‌کرد با شروع قتل‌های زنجیره‌ای آنچنان خفقانی در ایران ایجاد می‌کند که مردم در وحشت از این‌همه بی‌رحمی و قساوت قلب در خود فرو روند و دست از مخالفت با رژیم و مبارزه برای احقاق حقوق بردارند. اما این پروژه درست عکس خود عمل کرد و منجر به انزجار

عمومی‌تر مردم از حکومت شد.

جامعه ایران از آن دوره تا حالا آنچنان در جنگ با جمهوری اسلامی جلو آمده است که حاصلش خیزش ۸۸ و دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ و خصوصاً انقلاب زن زندگی آزادی در تابستان ۱۴۰۱ است. به ویژه پس از "انقلاب مهسا" توازن قوا روز به روز به نفع مردم تغییر کرده و با اتکا به فضای اعتراضی عمومی، تعرض خانواده‌های دادخواه نیز بیشتر شده است و برعکس ترس رژیم از مردم حد و مرزی ندارد. به همین دلیل جانیان حاکم سختگیری بیشتری برای مراسم‌های یادبود جانباختگان اعمال می‌کنند تا شاید بتوانند از گسترش اعتراضات جلوگیری کنند.

پرونده قتل‌های زنجیره‌ای ظاهراً با "خودکشی شدن" سعید امامی در داخل زندان که از مقام‌های ارشد و امنیتی وزارت اطلاعات و متهم اصلی پرونده بود و حکم حبس برای چند مأموران دون‌پایه امنیتی مختومه اعلام شد. اما پرونده این جنایت برای خانواده‌های جان‌باختگان و جامعه ایران همچنان باز است و تا سرنگونی رژیم اسلامی دست از دادخواهی برنداشته و "نه می‌بخشند و نه فراموش می‌کنند."

بحران سیاسی در فرانسه

کاظم نیکخواه

بحران سیاسی فرانسه با رأی عدم اعتماد به دولت دست راستی میشل بارنیه و استعفای او از نخست وزیری، عمیق‌تر از قبل سر بلند کرده است و مکرون رئیس‌جمهور این کشور در وضعیت لرزانی قرار گرفته است. این بحران در شرایطی که آلمان نیز در بحران سیاسی جدی ای بسر می‌برد، برای اتحادیه اروپا عواقب بسیار خطرناکی خواهد داشت.

با سقوط بارنیه، خواست استعفای مکرون از همه سو شنیده می‌شود. او می‌گوید تا سال ۲۰۲۷ که

موعد ریاستش به سر می‌رسد کنار نخواهد رفت. سه ماه پیش مکرون مجلس ملی فرانسه را ملغی کرد و انتخابات پیش از موعد را فراخواند. امید او این بود که مردم از ترس چپ و راست به جبهه راست میانه او رأی دهند. اما در این انتخابات ائتلاف چپ (□□□) بیشترین رأی را آورد و پس از آن جبهه فاشیستی مارین لوپن قرار گرفت و جبهه مکرون یک شکست کامل را متحمل شد. این انتخابات بحران سیاسی فرانسه را عمیق‌تر کرد و دولت مکرون را در وضعیت بن‌بست کامل قرار داد. مکرون برای ادامه ریاست‌جمهوری‌اش، نخست وزیری از نیروهای محافظه کار را انتخاب کرد. میشل بارنیه به این ترتیب از ابتدا با وضعیتی شکننده وارد کاخ الیزه شد.

اکنون با استعفای بارنیه مکرون با یک بن‌بست مواجه است و معلوم نیست چگونه دولت جدیدش را می‌تواند شکل دهد. او سراغ چپ نخواهد رفت. اگر از همان جبهه راست بارنیه کسی را منصوب کند فوراً با رای عدم اعتماد احزاب دیگر مواجه خواهد شد. اگر سراغ فاشیست‌های مارین لوپن برود به انفجاری اجتماعی دامن خواهد زد و اولین نتیجه‌اش سرنگونی خودش خواهد بود و بحران سیاسی بسیار عمیق‌تر خواهد شد.

بحران سیاسی فرانسه و همچنین آلمان در واقع از این واقعیت ناشی می‌شود که مردم وسیعاً از احزاب و نیروهای مدافع وضع موجود متنفرند و

خلاصی را در روی‌آوری به احزابی می‌بینند که ضد سیستم حاکم‌اند. اما مساله اصلی اینست که رهایی مردم از فقر و ریاضت اقتصادی و معضلات اجتماعی از دل انتخابات و دموکراسی حاکم بدست نمی‌آید. این بحران قطعاً با تحولات بسیار دراماتیک‌تری ادامه خواهد یافت. باید دید آیا کارگران و مردم می‌توانند بتدریج نیروهای سیاسی ناجی خود را که تنها چپ رادیکال و کارگری می‌تواند باشد شکل دهند و نهایتاً خود را از معضلات بلوک‌های سرمایه‌داری کلا خلاص کنند؟

فتوای رهبر طالبان، انسان‌زدایی از زنان است!

سیامک بهاری

رهبر طالبان: "تمامی مؤسسات تحصیلات عالی پزشکی به روی زنان و دختران باید بسته شود."

همزمان با اعلام جهانی ۱۶ روز نارنجی علیه خشونت به زنان، دوشنبه ۱۲ آذر، رهبر طالبان، فتوای جدیدی علیه زنان در افغانستان صادر کرد. تمامی مؤسسات تحصیلات عالی پزشکی شامل تحصیل زنان در تمامی آموزشگاه‌های دولتی، خصوصی، در دوره‌های آموزش در رشته‌های مامایی، پرستاری، داروسازی، رادیولوژی، فیزیوتراپی، امور آزمایشگاهی و حتی بهداشت

دهان و دندان ممنوع است. همزمان اعلام شده است که دختران ۱۳ساله، واجد شرایط ازدواج هستند و حق ندارند ادامه تحصیل بدهند.

فتوای طالبان در واکنش به حکم نشست مجمع کشورهای عضو دیوان کیفری بین‌المللی است. کشورهای فرانسه، مکزیک، اسپانیا، لوکزامبورگ، شیلی و کاستاریکا، با ارجاع پرونده طالبان در نقض گسترده و نظام‌مند حقوق زنان در افغانستان، به دیوان کیفری بین‌المللی و تأیید آن توسط دیوان، اعلام شد احتمال صدور حکم بازداشت برخی از رهبران طالبان ممکن است.

پیش از این نیز با افشاگری و اعتراضات وسیع

زنان شجاع افغانستان، نقض گسترده حقوق زنان و آپارتاید جنسیتی به زنان در افغانستان بعنوان جنایت علیه بشریت توسط گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور افغانستان اعلام شده بود. علی‌رغم این، اما سیاست تعامل و سازش با طالبان همچنان در دستور سازمان ملل و قدرت‌های جهانی قرار دارد. نشست‌های سه‌گانه در دوحه و ده‌ها کنفرانس و سمینار توسط لابیگران بی‌شرم طالبان برای این منظور در چندین کشور برگزار گشته است.

ذبیح‌الله مجاهد سخنگوی طالبان بارها اعلام کرده است که اگر جهان با طالبان تعامل نکند، سخت‌گیری‌های بازهم بیشتری علیه زنان

اعمال خواهد شد. او رسماً با وقاحت بی‌نظیری گروگان‌گیری و قربانی‌کردن زنان در افغانستان را وسیله‌ای برای چانه‌زنی و گرفتن امتیاز و باجگیری و فشار برای تعامل و سازش جامعه بین‌المللی بدل کرده است.

زنان شجاع در کابل، هرات، بدخشان و تخار، جسورانه دست به اعتراض زدند و جامعه جهانی را به دلیل سکوت در مقابل توحش طالبان مورد خطاب قرار دادند. ده‌ها تشکل معتبر بین‌المللی به این احکام اعتراض کرده‌اند و خواهان برچیده‌شدن بساط زن‌ستیزی در افغانستان هستند.

زنان در افغانستان به اظهار تأسف و نگرانی نیاز

ندارند. خواهان پشتیبانی عملی و قطع سازش آشکار و نهان با طالبان هستند. تنها راه دفاع از ارزش‌های انسانی و حقوق زنان در افغانستان سرنگون کردن طالبان و برچیدن بساط این تروریسم هار اسلامی است.

کمک ۷۷ میلیون دلاری "امام خامنه‌ای" به حزب‌الله

کیوان جاوید

نعیم قاسم دبیر کل حزب‌الله، از خامنه‌ای، پزشکیان و سرداران سپاه پاسداران از صمیم قلب تشکر کرده است! چرا؟ چون به قول او، حزب‌الله با کمکهای "امام خامنه‌ای" تاکنون ۷۷ میلیون دلار برای کمک به آوارگان لبنانی اختصاص داده است؛ مبلغی برای کمک به اجاره مسکن آوارگان اختصاص یافته است که به صورت نقدی از طرف جمهوری اسلامی ایران پرداخت می‌شود و حزب‌الله تصمیم گرفته است که "به هر خانواده یک هدیه نقدی بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ دلار از طرف مردم ایران و حزب‌الله اعطا کند.

طی همین روزها تعداد معینی از دولت‌ها بخاطر بمباران‌های گسترده لبنان توسط ارتش اسرائیل که حاصل آن ویرانی‌های گسترده، آواردگی وسیع مردم و بی تامینی مالی و کبود شدید مایحتاج عمومی بود، کمک مالی‌هایی در اختیار دولت لبنان گذاشته‌اند.

در این میان رهبر حزب‌الله هم برای اینکه به مردم خشمگین لبنان ثابت کند خامنه ای و رژیم اسلامی در کنار شما است نه دشمن شما اعلام می کند مبلغ ۷۷ میلیون دلار توسط جمهوری اسلامی به "مردم لبنان" کمک شده است. این ۷۷ میلیون دلار که به حزب‌الله رسیده و نه

دولت لبنان فقط جنبه تبلیغاتی دارد و با این هدف صورت می گیرد که شکست‌های پی در پی جمهوری اسلامی در لبنان و خشم مردم لبنان علیه بانیان این خانه‌خرابی را پرده‌پوشی کند.

مردم لبنان در همین روزهای سخت بمباران و کشته دادن‌ها و ویران شدن خانه و کاشانه خود، نه تنها دولت اسرائیل بلکه همچنین به درست جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان را نیز مورد آماج انتقادات و خشم خود قرار داده‌اند. می گویند دست رژیم اسلامی از لبنان باید کوتاه شود و جمهوری اسلامی بعد از هزیمت سنگین حزب‌الله می‌خواهد وانمود کند که دوست مردم لبنان است و و به نجات آنها برخاسته است.

طبعا همیشه در شرایط سوانح طبیعی مثل زلزله و ... برخی کشورها داوطلب کمک به مردم آسیب‌دیده می‌شوند. این یک جنبه انسانی از همبستگی جهانی با مردم آسیب‌دیده است. مردم ایران نیز در این مواقع از کمک‌های بین اللملی برخوردار شده‌اند. هر چند این کمک ها هم سر از آخور رژیم در آورد و به دست مردم نرسید. اشکال کمک به مردم داغدیده لبنان نیست. مسئله حفظ آبروی جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان است. باید به این تروریست‌ها گفت. ما را به خیر تو امید نیست، شر مرسان".

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۰۷

۸ دسامبر ۲۰۲۴ – ۱۸ آذر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

پایان اسد، پایان جمهوری اسلامی!

کاظم نیکخواه

علیه اعدام جنبشی قدرتمند و سیاسی در ایران

سوال از شهلا دانشفر

پزشکیان و ناامیدی از درمان اقتصاد بیمار

کیوان جاوید

”به حکم خدا“ قطع دست به وفور اجرا می‌شود

منظر دریاکناری

حمایت رسانه‌های بستر اصلی از تیرانداز نیویورکی!

پتی دبونیتاس

پایان اسد، پایان جمهوری اسلامی!

کاظم نیکخواه

یکشنبه ۸ دسامبر، ۱۸ آذر، رژیم بشار اسد سقوط کرد و موجی از شادی سراسر سوریه و ایران و منطقه را فراگرفت. سقوط اسد که ستون اصلی حکومت اسلامی و روسیه در منطقه بود، بسیار ناگهانی و سریع صورت گرفت و شهرهای بزرگ سوریه طی دو هفته اخیر پی در پی به دست شورشیان افتاد. رژیم اسد سمبل کشتار ۵۰۰ هزار نفر در خیزش و انقلاب سال ۲۰۱۱ در سوریه و سکوی اصلی جمهوری اسلامی و روسیه در منطقه بود. از این نظر سقوط او اهمیتی جهانی پیدا می‌کند.

اینکه در راس نیروهای شورشی جریانات اسلامی قرار دارند این نگرانی را ایجاد کرده است که نظام بعدی در سوریه نظامی اسلامی از نوع طالبان خواهد بود. اما این احتمال بسیار ضعیف است و آینده سوریه را جریانات اسلامی رقم نخواهند زد. با توجه به اینکه فضای حاکم بر سوریه اسلامی نیست و مردم وسیعاً به جریانات سکولار همراهی و سمپاتی دارند و بویژه با توجه به تنوع قومی و مذهبی وسیع در سوریه که سر هم بندی یک حکومت مذهبی را با دشواری‌ها و بحران‌های زیادی روبرو می‌کند و بویژه به این دلیل که در کنار مرز سوریه اسرائیل قرار دارد که به شدت نسبت به جریانات اسلامی حساس است و حاضر به تحمل یک حکومت اسلامی نیست، و با توجه به

اهمیت استراتژیک وضعیت سوریه برای دولت‌ها و قدرت‌های مختلف جهانی، بسیار بعید به نظر می‌رسد که سر کار آوردن یک حکومت اسلامی از هر نوعی در این کشور امکان پذیر باشد. در کوتاه مدت ممکن است که فضای اسلامی بر جریانات شریک در حکومت حاکم باشد. اما در میان مدت به طور قطع اوضاع به سمت ایجاد دولتی با رنگ و بوی سکولار و ائتلافی پیش خواهد رفت. این تنها راه جلوگیری از یک بحران سیاسی حاد در سوریه است.

اما مهم‌ترین اهمیت سقوط اسد تأثیر آن بر وضعیت جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی طی یک سال گذشته ضربات مهلکی خورده و تمام نیروهای

نیابتی‌اش در منطقه زخم‌های عمیق و مهلکی برداشته‌اند. در سطح بین‌المللی نیز این حکومت دچار انزوای بی‌سابقه‌ای بوده است. اکنون با سقوط اسد در واقع سقوط جمهوری اسلامی در چشم‌انداز نزدیک‌تری قرار گرفته است. اینکه حکومت در برابر تحولات سوریه کاملاً آچمز شد و فلج ماند وضعیت نزار این حکومت را به‌خوبی نشان می‌دهد. بی‌تردید خیلی زود بازتاب این فضا را در جامعه ایران می‌توان دید. جشن و شادی وسیع مردم از سقوط اسد بیشتر از این حقیقت ناشی می‌شود.

علیه اعدام جنبشی قدرتمند و سیاسی در ایران

سوال از شهلا دانشفر

کیوان جاوید: ارزیابی شما از جنبش علیه اعدام در داخل ایران چیست. حرکت‌های خود جوش اعتراضی یا پیش روی به سوی سازمانیابی؟

شهلا دانشفر: جنبش علیه اعدام یک جنبش قدرتمند سیاسی در ایران است. بعد از سرکوب اعتراضات خیابانی در جریان انقلاب زن زندگی آزادی، حکومت با سرعت بخشیدن به ماشین سرکوبش و افزایش اعدام‌ها کوشید جامعه را عقب بزند و دستاوردهای مبارزات مردمی را بازپس بگیرد. جامعه ایستاده و اجازه نمی‌دهد

و امروز بطور واقعی جنبش علیه اعدام نمادی از صف متحد سراسری مردم علیه حکومت و برای تداوم انقلاب است.

این جنبش به هیچوجه خود بخودی نیست و با گفتمان‌هایی چون اعدام قتل عمد دولتی است. اعدام تحت هر عنوانی ممنوع، تمامی احکام اعدام باید لغو شود و با خواست توقف فوری اعدام‌ها بسیار متعین است. این جنبش هر روز سازمانیافته تر شده و یک کانون داغش زندان‌ها ست. بند زنان اوین که فریاد رسای زن زندگی آزادی است. زندان‌ها که اساساً برای سرکوب جامعه سازمان یافته‌اند. کارزار "سه شنبه‌های نه به اعدام" از زندان‌ها و از قزلحصار با بیشترین

اعدام‌ها، سر بلند کرد و به مرکز ثقل این جنبش در جامعه تبدیل شد و صدایش جهانی شده و دامنه‌اش به ۲۵ زندان کشیده شده است. همراه با این کارزار، تظاهرات خانواده‌های محکومین به اعدام را داشتیم که با فریاد "اعدام نکنید"به خیابان آمدند. آخرین اتفاق مهم نیز شکل گرفتن نهادی به اسم "اعدام نکنید" است که در همبستگی با سه شنبه‌های نه به اعدام و اعتراضات خانواده‌های محکوم به اعدام اعلام موجودیت کرد.

از سوی دیگر نهادها و تشکل‌های مختلف کارگری و اجتماعی یک پایه مهم جنبش علیه اعدام‌ها هستند و این اعتراض همواره خود را در

بیانیه‌های اعتراضی آنها در مناسبت‌های مختلف بازتاب می‌دهد. نمونه‌هایش بیانیه‌های آنان به مناسبت شانزده آذر روز دانشجو و به مناسبت روز جهانی منع خشونت علیه زنان است. یک تأکید فوری همه اینها لغو احکام اعدام وریشه مرادی، پخشان عزیزی، عباس دریس و جوانان اکباتان و کسانی است که خطر اعدام تهدیدشان می‌کند.

بالاخره اینکه جنبش علیه اعدام کارزاری جاری است. طومارهای متعددی در حمایت از پخشان، وریشه و جوانان اکباتان جریان دارد و در و دیوار خیابان‌ها با شعار نه به اعدام پر است. دانشگاه‌ها کانون‌های اعتراضی علیه اعدام‌ها هستند و اعتراض

علیه اعدام به شعار کف خیابانی از جمله شعار مبارزاتی بازنشستگان در روزهای مختلف هفته تبدیل شده است.

این روند نشاندهنده ابعاد سازمانیافته این جنبش است. به جنبش علیه اعدام در ایران باید به عنوان اعتراضی برای تداوم انقلاب زن زندگی آزادی نگاه کرد تا مکان واقعی اش را دید. در عین حال جنبش علیه اعدام بُعد انسانی و امیدبخش انقلاب در ایران که زندگی را فریاد می‌زند نمایان‌تر می‌کند. همه ما خود را عضو این جنبش بدانیم.

پزشکیان و ناامیدی از درمان اقتصاد بیمار

کیوان جاوید

مسعود پزشکیان با اذعان به مشکلات اقتصادی راههای خروجی را بر شمرده است. می گوید باید تلاش کنیم از فهرست سیاه FATF خارج شویم. (گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، نهادی بین‌المللی است که در سال ۱۹۸۹ با هدف مقابله با جرایم مالی از جمله پولشویی، تأمین مالی تروریسم و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی تشکیل شد. کشورهای عضو یا همکار FATF ملزم به اجرای قوانینی هستند که معاملات مالی را تحت نظارت قرار می‌دهد.

یکی از دلایلی که این بیمار از زیر دست "پزشک" جمهوری اسلامی و دعاو نویس ها و فال گیر های رژیم جان سالم بدر نمی برد تروریستی بودنش است. جمهوری اسلامی نمی تواند بدون یاری رساندن به تروریست های منطقه ای خود ادامه حیات بدهد. باید به آنها پول و اسحله و نیروی برساند تا بتواند قدرت چانه زنی منطقه ای و بین المللی با رقبایش را داشته باشد. هر چند این روزها با در هم شکسته شدن بیشتر "محور مقاومتش" و از جمله سقوط بشار اسد، دیگر پول رساندن به این جانیان هم دردی از جمهوری اسلامی درمان نمی کند. (گفته می شود جمهوری اسلامی برای سرپا نگهداشتن بشار اسد ۳۰ میلیارد دلار از جیب مردم ایران هزینه کرده است)

با این روند پر شتاب در اضمحلال نیروهای نیابتی و سقوط بشار اسد، حتی تعهد به قوانین بین المللی از جمله (FATF) این مرده روی دست رژیم را زنده نمی کند.

یکی دیگر از محورهای مهم سخنرانی پزشکیان، بحران انرژی و مصرف بی‌رویه در کشور بود. او با بیان اینکه ایران با مشکلات جدی در تأمین منابعی مانند برق، آب، بنزین و گاز مواجه است بر "راه حل طلایی" انگشت می گذارد. افزایش چندین برابری قیمت گاز و برق و آب و تامین منابع بین اللملی برای سرمایه گذاری در میادین گازی و نفتی.

این دو راه حلِ پزشک حکومت اسلامی نیز دادن تنفس دهان به دهان به مرده ای است که روی دست رژیم مانده است. دنیا با جمهوری اسلامی وارد روابط اقتصادی عادی نمی شود. این رژیم بنا به ماهیت خود نمی تواند حکومتی متعارف باشد. راه حل فشار اقتصادی بیشتر به مردم هم در این اوضاع آشفته حکومت و روند رو به گسترش اعتراضات و فضای انقلابی در جامعه به انفجار اجتماعی تبدیل خواهد شد. انفجاری که این بار می تواند جمهوری اسلامی را به زیر بکشد. این است موقعیت رژیم اسلامی.

"به حکم خدا" قطع دست به وفور اجرا می‌شود

منظر دریاکناری

غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی، اعلام کرد بیشترین تعداد حکم قطع دست در ایران، طی سه سال گذشته به اجرا درآمده است. او گفت قطع دست را حکمی جاری شده از سوی خدا است.

طی سه سال گذشته چه اتفاقی در ایران به وقوع پیوسته است که باعث شده قطع دست و انگشتان شتاب بیشتری بگیرد؟ از جنبه اقتصادی و شرایط مادی زندگی مردم شروع کنیم. گرانی‌ها بیش و حقوق‌ها کمتر شده‌اند. بیکارها افزایش

و فلاکت اقتصادی گسترده‌تر شده است. اجاره خانه‌ها نجومی و جیب‌های بیشتر خالی از پول شده است. هزینه بهداشت و درمان و بیمارستان سر به فلک کشیده و داروها حتی در بازار آزاد نیز پیدا نمی‌شود و اگر هم دارویی پیدا شود پرداخت هزینه آن از ۹۹ در صد جامعه بر نمی‌آید. قیمت نان و گوشت و میوه از یک سو و افزایش سرسام آور قیمت گاز و برق و آب از سوی دیگر، زندگی را به یک کابوس دائمی برای مردم تبدیل کرده است.

از نظر سیاسی. جامعه یک پارچه علیه این وضعیت در حال اعتراض و جوش و خروش است. اعتصاب و اعتراض و تجمع، بخش جدایی ناپذیر

از حیات سیاسی در ایران است. حجم اعتراضات در ایران آنچنان زیاد است که نیروی سرکوب رژیم را خسته و بی روحیه تر کرده است. اعتراضات صنفی در ایران روز به روز سیاسی‌تر می‌شود و اتحاد فرا صنفی را بیشتر در دستور مبارزات جاری قرار می‌دهد.

فضای فرهنگی ضد حکومتی را بر وقایع جاری در ایران اضافه کنیم تا یک بُعد مهم دیگر از وضعیت سیاسی در ایران آشکارتر شود. بی حجابی به یک نبرد عظیم زنان با حکومت تبدیل شده است که سنگر ارتجاع حاکم را در هم می‌شکند. جامعه از نظر فرهنگی روز به روز تعرض بیشتری علیه حکومت اسلامی سازمان می‌دهد.

در این شرایط است که رژیم برای ادامه بقا، دست و انگشت بیشتری قطع می‌کند و اعدام‌های بیشتری را در دستور گذاشته است. امید این رژیمِ در هم شکسته و ناامید این است تا شاید بتوانَد با سرعت بخشیدن به اعدام‌ها و اجرای دیگر احکام خدا مرگش را عقب بیاندازد. علیه این بربریت اسلامی باید بیش از این متحد شد و رژیم را درهم شکست.

حمایت رسانه‌های بستر اصلی از تیرانداز نیویورکی!

پتی دبونیتاس

روز چهارشنبه، ۴ دسامبر، ۱۴ آذر، یک فرد مسلح ناشناس، برایان تامپسون، رئیس شرکت یونایتد هلث‌کر (بیمه درمانی)، که عازم جلسه‌ای با سرمایه‌گذاران در نیویورک بود، او را به قتل رساند. امروز، یک ستون‌نویس نیویورک تایمز نوشت که این فرد مسلح برای برخی به نوعی قهرمان مردمی تبدیل شده است و حمایت‌های ضمنی و آشکار از سوی مجامع بستر اصلی آن لاینی را دریافت کرده است. برخی این رویداد را به‌عنوان "ضربه شروع در یک جنگ طبقاتی

گسترده‌تر" می‌بینند، موضوعی که کارشناسان را نگران کرده زیرا ممکن است نشانه‌ای از خشونت بیشتر در آینده باشد.

به دنیایی که توسط افرادی مانند برایان تامپسون و شرکایش ساخته شده است، خوش آمدید! جایی که سود حکم خدا را دارد و مردم می‌توانند به‌آرامی نابود شوند، در حالی که سازندگانش در حال جشن و ضیافت‌اند. دنیایی که زندگی مانند یک مبارزه خونین برای بقا به نظر می‌رسد، اما البته، مبارزه‌ای که از همان ابتدا با ریاکاری همراه است.

دینگ دینگ دینگ، در یک طرف، مردم قرار دارند که وظیفه‌شان متمدن بودن و پرداخت

مالیات است.
دینگ دینگ دینگ و در طرف دیگر، سودجویان به همراه دوستانشان در دولت، نیروهای امنیتی، و دستگاه قضایی.
ادامه مسابقه: سیستم را تغذیه کن و خودت آشغال تغذیه کن.
این واقعیت دنیای ماست، و چرا این فرهنگ عاشق اسلحه نباید کسی را تولید کند که دیگر نمی‌خواست آشغال بخورد؟

سه کلمه‌ای که روی پوکه‌های گلوله در صحنه جرم نوشته شده بود: "تأخیر"، "انکار" و "دورانداختن"، به طور عجیبی برای مردم آشناست. "تأخیر" و "انکار" رایج‌ترین تاکتیک‌هایی هستند که

شرکت‌های بیمه برای عدم پرداخت هزینه درمان و افزایش سود خود استفاده می‌کنند. همین سه کلمه اکنون روی لباس‌ها و دیوارهای شهرهای دیگر توسط مردم نوشته می‌شود.

اگر حمایت از این فرد مسلح یا نظرات تند در اینترنت شما را شوکه کرده، پس هنوز سرتان را عمیقاً در زیر برف در یک دنیای خیالی دفن کرده‌اید. جایی میان رؤیای آمریکایی و یک باتلاق.

اگر آن فرد مسلح را پیدا کنند، کارشناسان و رسانه‌ها فرصت را غنیمت شمرده و او و انگیزه‌هایش را موشکافی خواهند کرد؛ احتمالاً او

را به‌عنوان فردی بیمار یا روانی معرفی خواهند کرد. اما چیزی که قطعی است، این سیستم است که بیمار است. قتل یک مدیرعامل بیمه سلامت یا محکومیت یک فرد مسلح تغییری در آن ایجاد نخواهد کرد. آنچه تغییر ایجاد خواهد کرد این است که همه مردمی که اکنون خشم خود را از نحوه رفتار سیستم با آنها ابراز می‌کنند، برای دنیایی واقعاً بهتر گرد هم بیایند و کاری بکنند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۹۰۸

۹ دسامبر ۲۰۲۴ – ۱۹ آذر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

سقوط اسد، گامی بلند در جهت سقوط خامنه‌ای

محسن ابراهیمی

خاکریز دیگری هم فروریخت

اصغر کریمی

فیلترینگ و خوف از انقلاب

شهاب بهرامی

عزیزان سالمند ما در خیابان

کیوان جاوید

سقوط اسد، گامی بلند در جهت سقوط خامنه‌ای

محسن ابراهیمی

بعد از سقوط بشار اسد، سران حکومت اسلامی که هنوز در شوک هستند، اظهار امیدواری کرده‌اند که "مردم سوریه بتوانند بدون مداخله مخرب بیرونی، برای تعیین سرنوشت خود تصمیم بگیرند" و "روابط دوستانه ایران و سوریه" تداوم داشته باشد!

اینها اظهارات سران حکومتی است که با "مداخله مخرب بیرونی"، با هزینه کردن بین ۳۰ تا ۵۰ میلیارد دلار، با اعزام آدمکشانی مثل قاسم سلیمانی و خون پاشیدن به خیزش حق‌طلبانه

مردم و نجات بشار اسد از سرنگونی، همیشه از این دم می‌زدند که در منطقه قدر قدرت هستند.

مهدی طائب یکی از آخوندهای امنیتی حکومت زمانی گفته بود که سوریه استان سی و پنجم ایران است و "اگر دشمن به ما هجوم کند و بخواهد سوریه یا خوزستان را بگیرد اولویت با این است که ما سوریه را نگه داریم. چون اگر سوریه را نگه داریم می‌توانیم خوزستان را هم پس بگیریم. اما اگر سوریه را از دست بدهیم تهران را هم نمی‌توانیم نگه داریم". از همین چند جمله ساده می‌توان به جایگاه و اهمیت محوری سوریه تحت سلطه بشار اسد در استراتژی منطقه‌ای جمهوری اسلامی پی برد.

جمهوری اسلامی همیشه روی چهار رکن برای بقای سیاسی‌اش حساب کرده است: ایدئولوژی اسلامی، دستگاه سرکوب، محور مقاومت و برنامه اتمی. ایدئولوژی اسلامی به ضد خودش تبدیل شده است. ناکارایی دستگاه سرکوب هم در جریان انقلاب زن زندگی آزادی برملا شد. قبلاً حماس و حزب‌الله به‌عنوان دو نیروی مهم محور مقاومت ضربات سنگینی خورده بودند و با سقوط دیکتاتور سوریه، رکن دولتی محور مقاومت هم تماماً در هم شکست. آخرین کارت حکومت اتمی شدن است که در آن هم سرش به سنگ خواهد خورد. حال و روز خامنه‌ای این روزها تماشایی است!

سقوط اسد، گامی بزرگ در جهت سقوط خامنه‌ای

است. با این اتفاق، پشم و پیله تبلیغاتی حکومت به عنوان قدرت منطقه‌ای تماماً فروریخت. اختلاف در بالای حکومت هم از همین الان شدت گرفته است طوری که همدیگر را به عنوان مسبب سقوط اسد متهم می‌کنند.

با یک حکومت تضعیف شده در منطقه و متشتت در بالا، بی تردید فضا و امید و عزم برای ساقط کردن خامنه‌ای و نظام اسلامی بیش از پیش فراهم می‌شود. بی دلیل نیست که مردم ایران، در کنار مردم سوریه و لبنان از سقوط دیکتاتور سوریه عمیقاً خوشحالند.

خاکریز دیگری هم فروریخت

اصغر کریمی

با شکست حزب‌الله و به دنبال آن سقوط اسد "محور مقاومت" کذایی رژیم یعنی خاکریز منطقه‌ای حکومت در هم شکست. "محور مقاومت" ابزار چانه‌زنی در مقابل غرب، ابزار جنایت علیه مردم منطقه و قدرقدرتی در مقابل مردم ایران بود. ستون‌های این محور یک رکن مهم حاکمیت جمهوری اسلامی بودند و یک به یک در هم شکستند. این مستقیما شکست جمهوری اسلامی و در راس آنها شکست خامنه‌ای است.

در داخل کشور نیز خاکریز حجاب مدتها است

در هم شکسته شده است و با تصویب لایحه حجاف و عفاف آخرین تیر به تابوت آن کوبیده شد. لایحه را پس از ۱۹ ماه قانون کردند اساسا برای یک‌دست کردن حکومتیان حول آن. اما تصویب آن شکوه و جلالی! برای حکومت نداشت، بلافاصله با مخالفت‌ها پاسخ گرفت و پزشکیان گفت عملی نیست و اجرا نمی‌کنیم. این اعلام شکست حکومت در مقابل زنان و جامعه‌ای است که از اسلام و حجاب و فرهنگ کثیف اسلامی عبور کرده است.

اگر حجاب ستون مهم ایدئولوژیک و اسلامی حکومت است و با شکست آن خاکریزهای دیگری هم فروریخته است، "محور مقاومت" نیز ستون

مهم نظامی و ابزار اصلی دخالت جمهوری اسلامی در منطقه بود و با ریزش آن خاکریزهای دیگری نیز به سرعت در هم خواهد شکست. یکی از مهمترین ستون‌های هویتی حکومت غرب‌ستیزی و بطور مشخص آمریکاستیزی آن بود که دیگر محلی از اعراب نخواهد داشت. ظریف در مجله آمریکایی Foreign Affairs از پارادایم کهنه حرف زد و اینکه دولت پزشکیان صلح‌طلب و طرفدار رفع تنش‌های منطقه‌ای و مذاکره با ترامپ است. با سقوط دولت اسد بعنوان آخرین ستون نیروهای نیابتی حکومت، کل هیئت حاکمه راهی جز توافق با موضع ظریف ندارند. ظریف سیاست تازه کل حکومت را در این مقاله فرموله کرده است. به زبان آدمیزاد یعنی حکومت مجبور است

خاکریز مرگ بر آمریکا و آمریکاستیزی را هم جمع کند و به ساز آمریکا برقصد.

تاثیر فوری این شکست‌ها تشدید سریع بحران در حکومت و زلزله‌ای است که در صفوف بالایی‌ها شکل می گیرد، میان حکومتیانی که آینده خود را در آیینه اسد دیده‌اند و در مقابل رهبر شکست‌خورده به صف می‌شوند. در هفته‌های گذشته شاهد به میدان آمدن گسترده‌تر و تعرضی‌تر بخش‌های مختلف مردم بوده‌ایم. با شکست حکومت در منطقه توازن قوای بازهم مناسب‌تری برای گسترش مبارزه و به سرانجام رساندن انقلاب ناتمام زن زندگی آزادی شکل گرفته است. فرصت را نباید از دست داد.

فیلترینگ و خوف از انقلاب

شهاب بهرامی

محمدجعفر قائم پناه، معاون اجرایی پزشکیان گفت: "شورای عالی فضای مجازی با ۱۵ عضو حقیقی، فعلاً رفع فیلترینگ را به صلاح نمی‌داند."

غلط کرده‌اند آنانی که می‌گویند ما علم و تکنولوژیکا حالیمون نیست، شکر فرموده‌اند آنان که فکر می‌کنند فقط آفتابه مسی و تنقیه یا اماله و غیره و ذالک را علم و دانش می‌دانیم. اگر شما نمی‌دانید پس بدانید که ما علم و دانش خوب و بد داریم، لذا وظیفه خود می‌دانیم که شما را هدایت کرده و از امور منکراتی دور

نمائیم. روزگارانی مجبورمون کردین که گشت مایکل جمع کن رو روانه خیابونا کنیم، کاست‌های موزیک رو از اتومبیل‌ها بیرون کشیده و جوانان ابله رو با کتک و اردنگی و زندان آدم کنیم؛ بعدها مجبورمون کردین تا به جنگ صدها هزار و شاید چند میلیون دیش ماهواره بریم تا اسلاممون بر باد نره، البته برادران طالب هم بیکار نبوده و در خیابان‌های کابل تلویزیون‌ها رو دار زده و اعدام انقلابی می‌کردند.

اما بدبختی ما وقتی شروع شد که اینترنت و اونترنت راهش رو به خونه ها باز کرد، اینجا بود که نظام و اسلام عزیز واقعاً به خطر افتاد، اینا همه‌اش نتیجه همون علم و دانش بد بود. امروز

خوشبختانه امت اسلام مجهز به نوعی علم خوب و مفید است، به عربی تکنولوژیکا می‌گویند، غربی‌های کافر، علم فیل ترنینگ می‌نامند و ما از نوع اسلامی و اصیلش را داریم.

متاسفانه برادرانی در دولت داریم که از سر نفهمی هی غر می‌زنند که بابا اوضاع خیطه، این فیل ترنینگ لعنتی رو بردارین و گرنه بزودی به سرنوشت بشار اسد دچار میشیم. این آقایان نمی‌فهمند که اگر این فیلترنت تکنولوژیکا را برداریم شاید پشت سر دوست و برادر اسدمان سرنگون بشیم. اینا نمی‌دانند که نه راه پس داریم و نه راه پیش، اصلاً معلوم نیست ما با خودمون چند چندیم حالا ترس و دلهره و غر زدن‌ها هم

رویش، واقعاً بدجوری گیر کردیم. از این بدتر، می‌گویند که گوشی‌هایی به بازار آمده که دیگر احتیاجی به دیشچی چی لینک هم ندارد و دیگر امکان شنود یا فیل ترنینگ و این حرفا هم تمام. آقا خودش فرموده که این اینترنت اونترنت، از اسرائیل ملعون هم هزاران بار خطرناک‌تر است.

یادتان هست برای فرار از شبح انقلاب زن زندگی آزادی حتی خواستند اینترنت ملی راه‌اندازی کنند؟ توصیه می‌کنیم تا دیر نشده بعد از اسد، سوراخ موش بخرید.

عزیزان سالمند ما در خیابان

کیوان جاوید

در حالی که اخبار جهان به روی سرنگونی بشار اسد خونخوار متمرکز است در یک بخش از این جهان سالمندانی با یک عمر تلاش و نبرد برای زندگی مجبورند برای ادامه بقا به خیابان بیایند. عزیزانی که در این سن و سال باید در آرامش کامل در حال تفریح و استراحت باشند و در کنار عزیزان خود؛ در کنار نوه‌ها و بستگان دور و نزدیک خود خوش باشند و لذت ببرند.

اما در زیر سایه شوم حکومت اسلامی هیچ‌کس در هیچ سن و سالی نمی‌تواند از زندگی لذت

ببرد، مگر از اینکه در صف جانیان و حامیان حفظ حکومت اسلامی باشد. برای زنده ماندن و دفاع از کرامت و انسانیتِ خود همه در حال جنگیدن با حکومت مفت‌خورهای اسلامی‌اند. در رأس همه مبارزات، نبرد روزانه بازنشستگان خوش می‌درخشد. نمونه تجمعات بازنشستگان در اعتراض به ستاد اجرایی و تعاون سپاه (مالکان شرکت مخابرات) روز دوشنبه ۱۹ آذر از این قرار است:

شیراز

تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات استان فارس

زنجان

تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات زنجان

تهران

تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات در تهران

تبریز

تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات آذربایجان شرقی تبریز

کرمانشاه

تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات کرمانشاه

تهران

تجمع بزرگ فرهنگیان بازنشسته ۱۴۰۰ جلوی مجلس با حضور پررنگ زنان

اینها تنها مشتی نمونه خروار از مبارزات است. در همین روز پرستاران نیز در اعتراض خود مقابل استانداری قم، نوری از امید بیشتر در دل‌ها تاباند تا شاهد باشیم جامعه برای زندگی شایسته انسان پا در میدان گذاشته است. در این تجمع "اتحاد و اعتراض سراسری، رمز پیروزی ماست" شعار محوری پرستاران بود. شعاری که به همه جامعه متعلق است.

از مبارزات جاری بازنشستگان و پرستاران و همه کارگران و مزدبگیران که بی‌وقفه در خیابان و کارخانه در حال نبرد علیه جمهوری اسلامی هستند با همه قوا حمایت کنیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۰۹

۱۰ دسامبر ۲۰۲۴ – ۲۰ آذر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

پزشکیان و روضه عدالت و علم!

کاظم نیکخواه

اژه‌ای و ترس از "بدخواهان برای ایجاد ناامنی"

کیوان جاوید

بیش از ۵ هزار کارمند زن علیه تبعیض جنسیتی

شهلا دانشفر

بمناسبت ۱۰ دسامبر روزجهانی حقوق بشر

میلاد رسایی منش

طوفان آزادی و دیوار فرو ریخته‌ی حجاب اسلامی

دوستدار آرمیتا

پزشکیان و روضه عدالت و علم!

کاظم نیکخواه

مسعود پزشکیان روز دوشنبه در سخنانی خطاب به حکومتی‌ها گفت: "این ادبیات که اگر ما دستور بدهیم اجرا نکنند، جریمه می‌کنیم، زندان می‌کنیم و اعدام می‌کنیم سه نتیجه در پی دارد؛ قلب را سیاه می‌کند، دین را سست می‌کند و انقلاب و دگرگونی‌ها را نزدیک می‌کند. با امر و نهی نمی‌توان رفتارها را اصلاح کرد بلکه در عمل می‌توان افراد را جذب کرد و الگو ایجاد کرد. باید بر اساس حق، عدالت و انصاف عمل کنیم." رئیس‌جمهور علم را لازمه الگو شدن دانست و تاکید کرد: "باید کاری کنیم که دانشجو احساس کند در کنار ما می‌تواند رشد

کند.“

به این جناب باید گفت از این روضه‌ها این روزها زیاد میشنویم. چهل سال است که حکومت اسلامی تان خلاف علم و انصاف و عدالت عمل کرده و شما عامل همین سیاستها بوده‌اید. چه شده که امروز به این نتیجه رسیده‌اید که به زور نمیشود به جایی رسید؟ جواب این سوال برای ما مردم روشن است. انقلاب ما مردم ضربه‌ای محکم به همه مغزهای خشک حکومتی‌ها کوبیده و وحشت صفوف تان را فرا گرفته است. سرکوب و زندان و اعدام برعکس تصور شما باعث شده قلبها و مغزها بازتر و روشنتر شوند. دین کثیف تان تماما به فنا رفته است. اکنون باید به خامنه‌ای حق داد که اگر با همان زور و سرکوب با مردم مقابله نکنید یک ماهه مثل بشار

اسد بساطتان جمع خواهد شد. اگر هم سرکوب را ادامه دهید باز هم ادامه انقلاب عظیم زن زندگی آزادی را در برابر خود خواهید داشت و میلیونها زن و مرد و پیر و جوان گسترده‌تر از پیش برای سرنگونی‌تان به خیابان میریزند.

حقیقتا جناب پزشکیان خیالتان تخت باشد برای نجات این حکومت کاری نمیشود کرد. برای حکومتی که در دنیا منزوی است، محور مقاومت کذایی‌اش در هم شکسته شده، بشار اسد و حسن نصرالله و هنیه و سنوارش پرپر شده‌اند و در داخل کشور هم انقلاب مردم را مقابل خود دارد، واقعا کاری نمیشود کرد. مردم آزادی و برابری و رفاه میخواهند و میدانند که برای رسیدن به آنها باید خود را از شر شماها یعنی حکومت اسلام و زندان

و اعدام و خرافه و چپاول خلاص کنند و خواهند کرد. شما هم مثل بشار اسد جایی برای خودتان در روسیه پیدا کنید.

اژه‌ای و ترس از "بدخواهان برای ایجاد ناامنی"

کیوان جاوید

اژه‌ای رئیس قوه قضاییه رژیم می‌گوید: "ممکن است در این روزها بدخواهان در داخل کشور بخواهند با عملیات روانی و پمپاژ دروغ از طُرق مختلف در جامعه ناامنی ایجاد کنند و چه از حیث امنیت روانی و چه غیر از آن، مشکلاتی را بوجود آورند؛ لذا همه مسئولان ذیربط قضایی بویژه دادستان کل و دادستان‌های سراسر کشور باید با همکاری و هماهنگی دستگاه‌های امنیتی، اطلاعاتی و انتظامی، بصورت مستمر و مداوم موضوعات را رصد کنند."

"پمپاژ دروغ و عملیات روانی" چرا باید باعث

خدشه وارد شدن به رژیمی شود که مدعی است "پایگاه مردمی" و "اقتدار و قدرت نظامی" دارد و بر اوضاع مسلط است؟ چه نیازی است که به همه مسئولان ذیربط قضایی بویژه دادستان‌های سراسر کشور و دستگاه‌های اطلاعاتی و انتظامی آماده باش بدهند، اگر که سایه مرگ تهدیدشان نمی کند؟ حقیقت این است که شکست برق آسای اسد یک زنگ خطر بزرگ برای خامنه‌ای و سران حکومت اسلامی است که مردم ایران با نیروی متحد و همبستگی سراسری خود بر سر رژیم بریزند و جانیان اسلامی را تارومار کنند. رژیم اسلامی می‌داند کمترین پایگاهی در میان هیچ بخشی از جامعه ندارد و روحیه نیروهای نظامی‌اش از هر زمان دیگر در هم شکسته‌تر شده است. از این نظر تشابهات فراوانی بین رژیم بشار اسد

و رژیم خامنه‌ای قابل مشاهده است.

اژه‌ای می‌گوید: "دشمنان از طریق بنگاه‌های دروغ‌پراکنی خود درصدد ترویج القائات مسموم علیه جریان مقاومت هستند و قصد سوءاستفاده از فضای ایجادشده را برای مخدوش کردن امنیت روانی شهروندان ما دارند."

پس مشخص است که مسئله به موقعیت زار محور مقاومت و فضای ایجاد شده بر می‌گردد. این فضای ایجاد شده چیست؟ هنیه در بغل گوش خامنه‌ای دود می‌شود و به آسمان می‌رود؛ حسن نصرالله زیر خروارها خاک مدفون می‌گردد و حکومت اسد، این گُل سرسبد محور مقاومت با خاک یکسان می‌شود. همه این داده ها، بعلاوه

موقعیت داخلی حکومت امید به سرنگونی را قویا تقویت کرده است.

باید به اژه‌ای، این رئیس مفلوک قوه قضاییه گفت حداقل روسیه‌ای وجود داشت که به اسدِ فراری پناه بدهد. شما رهبران حکومت اسلامی و شخص خامنه‌ای و بیت آقا راه فراری نخواهید داشت. می‌مانید و بدست ما مردم محاکمه می‌شوید. سرنگونی حکومت جنایتکار اسد باعث اوج گرفتن روحیه اجتماعی در مبارزه برای نابودی دیکتاتوری اسلامی در ایران است.

بیش از ۵ هزار کارمند زن علیه تبعیض جنسیتی

شهلا دانشفر

بیش از پنج هزار کارمند زن دولت و اعضای هیات علمی دانشگاهها در نامه ای سرگشاده به قالیباف رئیس مجلس اسلامی و زهرا بهروز از معاونین پزشکیان در اعتراض به تبعیض جنسیتی بر سر حقوق و مزایای شغلی خود کارزاری مطالباتی اعلام کرده اند .

امضا کنندگان نامه با اشاره به قوانین تبعیض آمیز، به مواردی از تبعیضها اعتراض کرده اند. عدم پرداخت حق عائله‌مندی و اولاد، تبعیض در پرداختهای رفاهی بین زنان و مردان متاهل و

دارای فرزند، عدم برخورداری فرزندان زنان متاهل کارمند از حقوق وظیفه و مستمری بازنشستگی در صورت فوت آنها، تبعیض در ارائه تسهیلات از سوی سازمانها بین زنان و مردان متاهل با وجود پرداخت حق بازنشستگی در طی سالیان طولانی خدمت، مثل مردان، تبعیض در لایحه بودجه ۱۴۰۴ در مورد افزایش حقوق پرسنل طبق عائله‌مندی و تعداد اولاد که فقط مردان کارمند و هیئت علمی را شامل میشود، موارد ذکر شده در نامه است.

آنها همچنین به پرداخت حقوقی کمتر به زنان کارمند متاهل علیرغم کار مساوی با همکاران مرد، به شمار آمدنشان بعنوان نیروی کار ارزان و اینکه زنان متاهل از حق اولاد محرومند معترضند

و بر مطالباتی همچون پرداخت حق عائله مندی و اولاد صرف نظر از وضعیت اشتغال همسرانشان، اصلاح جدول پرداختهای رفاهی، برخورداری فرزندان زنان کارمند متوفی، دختران مجرد و پسران آنان (تا اتمام دوره تحصیل) از مستمری بازنشستگی و افزایش حقوق سالانه زنان و مردان کارمند بطور عادلانه تاکید کرده اند.

این حرکت اعتراضی علیه تبعیض جنسیتی که به زنان شاغل اعمال میشود حرکتی مثبت است. اما اشکال نامه استنادش بر اصلی از قانون اساسی است. قانونی بر اساس اسلام که پایه هرگونه تبعیض و آپارتاید جنسیتی حاکم است. خلاف استناد نامه، حتی در صورت طلاق حق اولاد به زن تنها در صورت نبود قیمی دیگر(مرد) داده میشود.

جمهوری اسلامی با قوانین اسلامی و پرچم حجاب به کل جامعه تعرض کرده است و استناد به چنین قانونی و درخواست پاداش تحکیم خانواده برای زنان بیراهه است.

طبعا اعتراض علیه مظاهری از تبعیض جنسیتی علیه زنان اقدامی مثبت بوده و بازتابش در سایت دولتی ایلنا نشانی از پیشروی انقلاب زن زندگی آزادی دراعماق است. انقلابی که یک رکن آن اعتراض علیه آپارتاید جنسیتی است. با اعتراض علیه مظاهر مختلف تبعیض علیه زن، حلقه حمله خود را بر حکومت تنگ تر کنیم. جمهوری اسلامی با کل بساط آپارتاید جنسیتی اش نابود باید گردد.

بمناسبت ۱۰ دسامبر روزجهانی حقوق بشر

میلاد رسایی منش

امروز ۱۰ دسامبر سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر توسط سازمان ملل در سال ۱۹۴۸ است. این اعلامیه، که به ظاهر هدفش دفاع از "حقوق بشر" است، به طور فزاینده‌ای توسط دولتها ی حافظ سیستم سرمایه‌داری به ابزاری برای پیشبرد منافع خود تبدیل شده است.

هر چند در این اعلامیه روی برخی حقوق و آزادی‌ها تاکید شده اما بسیاری از حقوق اساسی مردم نیز نادیده گرفته شده است. به عنوان مثال، خواست ممنوعیت مجازات اعدام و یا جدایی مذهب از

دولت در این اعلامیه مطرح نشده است. علاوه بر این، برسمیت شناخته شدن مالکیت در این اعلامیه مصداق بارز صدور مجوز استثمار سرمایه داری است که اساس همه نابرابری‌ها و تبعیضات و سرکوب‌ها است. بر این اساس تا جاییکه بویژه به ما مردم ایران مربوط میشود جایی برای دفاع از کلیت این اعلامیه نیست. لغو مجازات اعدام و سکولاریزم و جدایی دین از دولت و آموزش و پرورش از خواسته های مهم مردم است. جنبش علیه اعدام و همچنین جنبش خلاصی فرهنگی ضد مذهب در ایران بسیار از مفاد این اعلامیه فراتر رفته است.

در سطح دولتها هم، استفاده از "حقوق بشر" ابزاری

برای پیشبرد منافع سیاسی است. دولتهای غربی که خود را مدافع حقوق بشر میخوانند، در بسیاری از موارد از مفاد این اعلامیه تنها به عنوان یک ابزار سیاسی برای بعضا مقابله و بعضا مماشات با دولتهای مخالف خود بهره می‌برند. به عنوان مثال، در مواجهه با نقض "حقوق بشر" توسط حکومتهای اسلامی، این دولت‌ها سکوت کرده یا حتی بعضا حمایت از رژیم‌های سرکوبگر را توجیه می‌کنند. در دوره هایی هم براساس منافعشان در نقض حقوق بشر این و آن حکومت متخاصم قطعنامه صادر می کنند.

اعلامیه حقوق بشر، پرچم مبارزه برای رسیدن به آزادی و برابری و حقوق انسانی نیست. برای

تحقق واقعی جامعه انسانی، باید پرچم مبارزه با نابرابری‌های اقتصادی و سیاسی و بی حقوقی انسانها را بدست گرفت. پرچمی که سالهاست مردم در ایران در اعتراضات معیشتی و سیاسی هر روزه شان علیه رژیم؛ در اعتراضات کارگران و معلمان و پرستاران و بازنشستگان، در مبارزه زنان علیه حجاب اجباری، در جنبش علیه اعدام، در جنبش دادخواهی، در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، بدست گرفته اند. مردم ایران برای حقوقی بسیار فراتر از اعلامیه حقوق بشر مبارزه می کنند.

طوفان آزادی و دیوار فرو ریخته‌ی حجاب اسلامی

دوستدار آرمیتا

قانون "عفاف و حجاب" برخلاف هدف و ظاهرش، در واقع اعلامیه تسلیم رژیم در برابر طوفان آزادیخواهی زنان ایران است. این قانون با زبانی خشک و بی‌رحم میخی بر تابوت ایدئولوژی کهنه‌ی جمهوری اسلامی است. جریمه‌ها و زندان‌ها، ابزارهایی بی‌اثر در برابر اراده زنان هستند که با جسارت بی‌نظیر، حجاب اسلامی را به چالش کشیده‌اند. این قانون نه تنها نتوانسته زنان را به سکوت وادار کند، بلکه خود سرمنشاء موجی از مقاومت و اعتراض و سرپیچی شده که تمام ساختار قدرت رژیم را به لرزه انداخته است.

زنان در ایران، با مخالفت با و کنار گذاشتن حجاب، نه تنها به دنبال آزادی‌های فردی، بلکه به دنبال آزادی کل جامعه از چنگال یک رژیم فاسد و سرکوبگر هستند. این مبارزه، مبارزه‌ای برای آزادی است، مبارزه‌ای که به طور قطع به پیروزی خواهد رسید. قانون جدید، پاشنه آشیل رژیم اسلامی و نشان دهنده ضعف آن است. دیوار حجاب اسلامی و سرکوب زنان با هجوم طوفان آزادیخواهی، در حال فرو ریختن است و رژیم با تمام قدرت سرکوبگرانه خود نمی‌تواند از این طوفان جلوگیری کند.

آینده‌ای که زنان و مردان پیشرو با شجاعت و

پایداری خود برای آن می‌جنگند، جامعه ای آزاد و بدون سرکوب و تبعیض است. فروریختن حجاب اسلامی یک قدم بزرگ در این راه است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۱۰

۱۱ دسامبر ۲۰۲۴ – ۲۱ آذر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

قانون حجاب و عفاف مرده به دنیا آمد!

اصغر کریمی

اعتراف محسن رضایی به بی‌کسی جمهوری اسلامی

کیوان جاوید

فسیل‌های مذهبی همچنان مازوت می‌سوزانند

رضا درویش

زندان قرچک، جهنمی برای زنان و کودکان

سهیلا دالوند

قانون حجاب و عفاف مرده به دنیا آمد!

اصغر کریمی

پس از ۱۹ ماه چرخاندن لایحه کذایی حجاب و عفاف بالاخره و ظاهراً آن را تصویب کردند. می گویم ظاهراً چون هنوز سر تصویبش کلی حرف است. عباس سلیمی‌نیا از چهره‌های اصول گرا دو روز قبل در مصاحبه‌ای گفت: "وقتی قوه قضائیه در مورد قانون عفاف و حجاب ابهام دارد، از نظر قوه مجریه هم دارای ابهاماتی است، چرا در این زمینه تأمل بیشتری نکنیم"؟

قرار بود این قانون را ۱۵ آذر به دولت ابلاغ کنند اما شورای امنیت ملی اوضاع کشور را مناسب ندانست

و آن را به تعویق انداخت. حالا گفته‌اند ۲۳ آذر ابلاغ می‌کنیم. پزشکیان هم گفته ابهام داریم و اجرا نمی‌کنیم! یعنی درست وقتی قرار است قانون اجرایی شود رئیس هر سه قوه اصلی رژیم می‌گویند ابهام داریم! علاوه بر این نه‌تنها اصلاح‌طلبان بلکه بخش وسیعی از اصول‌گرایان و تعداد قابل‌توجهی از ائمه جمعه و "مراجع تقلید" و نمایندگان مجلس هم با آن مخالف‌اند.

سلیمی‌نمین در مورد نظر ائمه جمعه‌هایی که طرف‌دار اجرایی‌شدن این قانون هستند هم می‌گوید: "ارتباط برخی ائمه جمعه با اقشار مختلف جامعه خیلی خوب است و می‌توانند جمع‌بندی درستی از مسائل جامعه داشته باشند، اما متأسفانه تعدادی از ائمه جمعه به‌ویژه آقای علم‌الهدی خودشان را در محیط‌های

خیلی بسته‌ای قرار دادند و بر اساس اطرافیان خودشان قضاوت می‌کنند که به نظر من خیلی جمع‌بندی درستی عاید آنها نمی‌شود". منظورش این است که حتی بخشی از امام‌جمعه‌ها هم مخالفت این قانون هستند و تعدادی از آنها مخالفت عموم مردم با این قانون و خطرات امنیتی آن را نمی‌دانند. در این مصاحبه به مسائل منطقه هم اشاره شده است: در شرایطی که "شاهد آشفتگی در برخی از کشورها از جمله سوریه، لبنان و عراق هستیم، در این شرایط چقدر لازم است که انسجام داخلی را حفظ کنیم؟" یعنی الان که حکومت شکست‌های زیادی در منطقه خورده و حال‌وروز خوبی ندارد بهتر نیست این قانون را فعلاً کنار بگذاریم؟

یکی از مدیران وزارت کشور نیز گفته است: "دولت

با آئین‌نامه‌های اجرایی می‌تواند این قانون را تعدیل کند"!

صاف‌وساده باید گفت این قانون مرده به دنیا آمده است و حکومت مفلوک‌تر از آن است که بخواهد آن را به اجرا درآورد. این سند ورشکستگی حکومت در مقابل انقلاب زنانه‌ای است که به قدرت غیر قابل حذفی تبدیل شده است.

اعتراف محسن رضایی به بی‌کسی جمهوری اسلامی

کیوان جاوید

محسن رضایی، دبیر شورای‌عالی هماهنگی سران قوای جمهوری اسلامی، در واکنش به سقوط حکومت بشار اسد گفت: "این حادثه نشان می‌دهد که ما باید روی پای خود بایستیم. به هیچ‌کس نمی‌توانیم اعتماد کنیم."

مدت‌ها بود سران حکومت اسلامی در بلبشویی که خصوصاً بعد از شکست آمریکا در عراق و به قدرت رسیدن جریانات اسلامی در آن کشور پیش‌آمده بود احساس قدرتمندی می‌کردند و این احساس قدرت نیز بی‌دلیل نبود.

جریان قوی تروریستی حشدالشعبی و دیگر نیروهای مسلح وابسته به جمهوری اسلامی در عراق؛ حضور قدرتمند نیروی مسلح حوثی‌ها در یمن؛ وجود حماس در غزه؛ قدر قدرتی حزب‌الله به‌عنوان بزرگ‌ترین سازمان مسلح غیردولتی جهان در لبنان و خلاصه اتحاد و هم‌سنگری دولت بشار اسد با جمهوری اسلامی، دلیل چنین احساس غرور و قدرتی بود که باعث می‌شد جمهوری اسلامی نقش پر رنگی در معادلات منطقه داشته باشد. شکست سهمگین نیروهای نیابتی و نابودی برق‌آسای دولت بشار اسد، رؤیای بزرگ‌ترین قدرت منطقه بودن رژیم را دود کرد و به هوا فرستاد.

تحت این شرایط سیاسی است که محسن رضایی

حقیقت عریانی که در بالای حکومت اسلامی چرخ می‌زند را اعتراف می‌کند. احساس واقعی بی‌کسی و تنهایی آن جمع‌بندی‌ای حقیقی است که سران جمهوری اسلامی به آن رسیده‌اند.

دیگر حلقه‌ای از مدافعان و هم‌پیمانان و دوستان حال و آینده‌ای برای جمهوری اسلامی باقی نمانده است. معلوم شده است کاری از روسیه هم بر نمی‌آید. فقط یک رژیم متشتت در محاصره مردمی که شیپور انقلاب را پشت بیت رهبری به صدا درآورده‌اند به جا مانده است.

جامعه ایران این احساس تنهایی سران رژیم را می‌بیند و با روحیه جنگنده‌ای که دارد از این فرصت برای واردآوردن ضربه نهایی؛ ضربه

سرنگونی به جمهوری اسلامی استفاده می‌کند. انقلاب در ایران بی شک در دور بعدیِ یورش خود به حکومت از موقعیت به‌مراتب بهتری در جهان برخوردار خواهد شد. انقلاب در ایران با تکیه بر ضعف شدیدتر حکومت ضربات سخت‌تر و برق‌آساتری را به جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد.

تنهایی سران حکومت، بستری است که ما مردم "همه با هم"، به تعداد دست‌های همه مردم ایران، کار رژیم را یکسره کنیم. آزادی، برابری، رفاه و خوشبختی در انتظار مردمی است که بر ویرانه حکومت جانیان اسلامی یک حکومت انسانی بنا می‌کنند.

فسیل‌های مذهبی همچنان مازوت می‌سوزانند

رضا درویش

مقام‌های محلی حکومت اسلامی اعلام کردند مدارس در چندین شهر ایران در روز سه‌شنبه ۲۰ آذر به دلیل آلودگی شدید هوا تعطیل و غیرحضوری خواهند بود. آمارها نگران کننده است: خوزستان ۱۷ شهر، اصفهان ۱۲ شهر، آذربایجان ۴ شهر، سایر شهرها از جمله قزوین، اراک، ارومیه، آبیک و البرز برخی مقاطع تحصیلی و تهران تمام مدارس و ادارات تعطیل اعلام شده‌اند.

تشدید آلودگی هوا در شهرهای مختلف ایران در حالی روی می‌دهد که موضوع ازسرگیری استفاده

از سوخت مازوت در برخی نیروگاه‌ها خبرساز شده است. این در حالی است که آمار مرگ‌ومیر سالانه اعلام شده ناشی از آلودگی هوا در ایران ۵۰ هزار نفر می‌باشد.

در کشوری که دومین منابع گاز جهان را در اختیار دارد و درعین‌حال میلیاردها دلار برای بلندپروازی‌های مالیخولیایی در پروژه هسته‌ای هزینه شده است در حال حاضر هنوز گازوئیل و مازوت سوخت نیروگاه‌ها هستند و دولت حتی در تأمین این گونه سوخت هم به میزان کافی ناتوان است.

بیاد بیاوریم روزی را که احمدی‌نژاد در فروردین

سال ۸۵ دستیابی ایران به چرخه تولید هسته‌ای را اعلام کرد. اما مردم حق دارند بپرسند بعد از این‌همه سال و میلیاردها دلار هزینه صرف شده در پروژه هسته‌ای چه دستاورد صلح‌آمیزی برای مردم داشته است. آنچه از پرونده هسته‌ای رژیم تاکنون برای مردم رقم خورده است انواع تحریم‌ها و به‌تبع آن فقر اقتصادی و مشکلات معیشتی بوده که به این فهرست فلاکت، کمبود آب آشامیدنی و محرومیت از تنفس هوای پاک را نیز باید افزود.

جالب اینجاست که در آموزش‌های مذهبی در ایران بارها این شعار را شنیده یا خوانده‌ایم که پاکیزگی نشانه ایمان است. حالا مردم به‌وضوح می‌بینند که سران رژیم، این مبلغان دروغین

پاکیزگی و ایمان همه چیزهای خوبی را که وعده دادند نصیب همین شیادان مذهبی شده است. البته این سوداگران مرگ همین حالا هم ممکن است به مردم توصیه کنند که برای پاکیزگی هوا نماز باران بخوانند یا در برابر مشکلات صبور باشند. اما در جهنمی که جمهوری اسلامی برای مردم درست کرده صبر ایوب جایی ندارد. بساط این فسیل‌های به لحاظ تاریخی منقرض شده به‌وسیله مبارزات مردم برچیده خواهد شد و با خلع‌ید سیاسی از این غارتگران جنایت‌پیشه شرایط زندگی انسانی فراهم خواهد شد.

زندان قرچک، جهنمی برای زنان و کودکان

سهیلا دالوند

سازمان حقوق بشر ایران، در گزارشی که از وضعیت زندان زنان قرچک ورامین به مناسبت روز جهانی حقوق بشر منتشر کرده تأکید می کند که شرایط زندان قرچک نشان می‌دهد که این زندان به "یکی از تاریک‌ترین نمادهای نقض سیستماتیک حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده" است. این سازمان اعلام کرده است که زندان قرچک "جهنمی برای زنان و کودکان" است و خواستار تعطیلی آن شده است.

این گزارش با اتکا به سخنان زنان زندانی سیاسی

شجاع و جسوری تهیه شده است که شرایط جهنمی حاکم بر زندان قرچک را به دنیای خارج از زندان منعکس کرده‌اند. مژگان اینانلو، کارگردان، نویسنده و مستندساز و از بازداشت‌شدگان انقلاب "زن، زندگی، آزادی"، مژگان کشاورز، فعال حقوق زنان و تعداد دیگری از زنان زندانی، از جمله زنانی هستند که این زندان را به دلیل وضعیت وخیم، غیرقابل‌تحمل و به‌شدت غیرانسانی آن، شکنجه‌گاه زنان نامیده‌اند.

سپیده قلیان سال‌ها پیش نوشت "زندان قرچک ورامین در بیابان‌های حوالی شرق تهران در ابتدای جاده شهرری به سمت قرچک واقع شده است. اما در حقیقت قرچک آخر دنیاست. ده بند دارد که

در هر بند ۱۲۰ تا ۳۰۰ نفر را جا می‌دهند!“

زندان قرچک تنها یکی از صدها زندان است که هزاران زندانیان سیاسی و عقیدتی و مخصوصاً زنان در شرایط وحشتناک و به‌شدت غیرانسانی در آنها حبس هستند و در نقاط مختلف کشور پراکنده‌اند و از شرایط آنها هم گزارشی در دسترس نیست. در این زندان‌ها، بسیاری از زندانیان ناپدیدسازی قهری شده‌اند. برای مثال سعید زینالی دانشجویی که در اعتراضات ۸۸ بازداشت شده است تا به حالا نشانی از او نیست.

باید در کنار خواست تعطیلی زندان قرچک، آزادی بی‌قیدوشرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی

و توقف احکام اعدام یکی از خواسته‌های مهم اعتراضات مردم باشد. زندان‌های جمهوری اسلامی در واقع مراکز شکنجه و کشتار هستند. دور نیست روزی که درهای زندان‌ها در ایران به دست مردم درهم‌شکسته شود و آمرین و عاملین شکنجه در زندان‌ها همراه با سران حکومت اسلامی محاکمه شوند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۱۱

۱۲ دسامبر ۲۰۲۴ – ۲۲ آذر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

چرا خامنه‌ای از بردن نام دولت ترکیه پرهیز می‌کند؟!

نسان نودینیان

لغو حکم اعدام مجاهد کورکور: یک موفقیت برای جنبش ضداعدام

حسن صالحی

تصویری آشنا از زندان زنان صیدنایا

شهره قنبری

دست‌درازی به حریم و حقوق کودکان ممنوع!

آذر پویا

موقعیت نیروهای سیاسی کرد بعد از سقوط بشار اسد

عبدل گلپریان

چرا خامنه‌ای از بردن نام دولت ترکیه پرهیز می‌کند؟!

نسان نودینیان

خامنه‌ای چهارشنبه ۲۱ آذر ۱۴۰۳ سقوط سریع رژیم بشار اسد در سوریه را «نقشه مشترک» آمریکا و اسرائیل نامید و بدون اشاره به نام کشور خاصی، گفت که یک کشور همسایه سوریه هم در این اتفاق «نقش آشکاری» ایفا کرده است.

عالم‌وآدم می‌داند کشور همسایه جمهوری اسلامی ترکیه‌است. خامنه‌ای عمداً و آگاهانه «نقش آشکار» و نقش‌آفرینی «کشور همسایه» سوریه، یعنی ترکیه را بر زبان نمی‌آورد.

خامنه‌ای و اردوغان در دو سوی دست‌به‌دست شدن سناریوی قدرت در سوریه بودند. اردوغان یکی از برندگان سناریوی سوریه شد و خامنه‌ای بازنده اصلی آن.

بشار اسد با شکست حزب‌الله و ناتوانی‌های نظامی و لجستیکی سپاه قدس در سه ماه گذشته و حملات ارتش اسرائیل شکست خورد، پا به فرار گذاشت و از صحنه سیاسی و قدرت در سوریه حذف شد. دولت ترکیه یکی از حامیان گروه‌های اسلامی در ادلب، گروه تروریستی تحریرالشام و محمد جولانی را برای تصرف قدرت در سوریه و مقابله با بشار اسد و خامنه‌ای به‌طرف دمشق هدایت و حمایت کرد. خامنه‌ای زبان سیاسی و عمل‌گرای این بازی سیاست و شکست را خوب می‌فهمد. به این دلیل

از بردن نام ترکیه پرهیز می‌کند.

خامنه‌ای با سقوط ستون اصلی نیروهای نیابتی (محور مقاومت اسلام سیاسی) حزب‌الله و بشار اسد بازنده‌ای معرفی شد که نامش در صحنه سیاسی بخش‌های زیادی از کشورهای خاورمیانه و غرب زبانزد شده است. این معادله سیاسی شکست سنگین خامنه‌ای را ثبت کرد. خامنه‌ای حتی نتوانست میزبان اسد بشود که برایش بیش ده‌ها میلیارد دلار از جیب مردم ایران، بیش از ۶ هزار نفر کشته از نیروهای سپاه قدس و هزاران معلول و آواره را، هزینه داد.

خامنه‌ای این روزها بر صفحات روزنامه‌ها، مدیای اجتماعی و تلویزیون‌های دنیا بجای بشار اسد، تصاویر رهبر گروه اسلام‌گرا و تروریستی محمد

جولیانی را می‌بیند. او امروز مشغول اعلام دولت انتقالی بجای بشار اسد است. سناریوی به قدرت رسیدن جولیانی تحت حمایت‌های رجب طیب اردوغان از نظر سیاسی برای خامنه‌ای گران و پر از هزینه است و احتمال گرفتار شدن به سرنوشت بشار اسد را غیرممکن نمی‌بیند.

خامنه‌ای این معادله سیاسی را خوب فهمیده است.

لغو حکم اعدام مجاهد کورکور:
یک موفقیت برای جنبش ضد اعدام

حسن صالحی

حکم اعدام عباس (مجاهد) کورکور ، زندانی محبوس در زندان شیبان اهواز، توسط دیوان عالی کشور نقض و پرونده وی برای رسیدگی مجدد به شعبه هم‌عرض ارجاع داده شد.

بسیاری با نام مجاهد کورکور آشنا هستند. چرا که نام او بارها در اعتراضات متعدد و در شبکه‌های اجتماعی بر سر زبان‌ها بوده است و همه ما آزادی وی و لغو حکم اعدام این معترض زندانی را فریاد زده‌ایم. مجاهد کورکور در جریان انقلاب

زن زندگی آزادی دستگیر شد. با اتهام "محاربه و افساد فی‌الارض" برایش حکم اعدام صادر کردند و درعین‌حال قتل حکومتی کیان پیرفلک ، کودک جان‌باخته در اعتراضات ۲۵ آبان ایذه، را بی‌شرمانه به گردن او انداختند. خبر لغو حکم اعدام مجاهد کورکور طبعاً برای خانواده وی و همه ما که برای نجات این جوان معترض مبارزه کردیم خبر بسیار خوشحال‌کننده‌ای است. این یکی از نتایج مبارزه و اعتراض متحدانه ما علیه احکام ضدانسانی اعدام در ایران است. اتحاد بزرگ علیه اعدام طبعاً می‌تواند جان‌های بیشتری را از مرگ نجات دهد و ما موظف به ادامه این مبارزه متحدانه تا لغو همه احکام اعدام و متوقف کردن ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی هستیم.

جمهوری اسلامی با اعدام دست‌کم ۳۱۰ نفر در دو ماه به اعدام‌های وسیع و گسترده‌ای دست‌زده است. ما حتی اگر بتوانیم جلوی یک اعدام را هم بگیریم موفقیتی را نصیب خود کرده‌ایم. حکومت در شرایطی نیست که بتواند جامعه را به سکوت و خاموشی بکشاند. در همه‌جا صدای اعتراض بلند است. از کارگران نفت تا بازنشستگان و معلمان و پرستاران و دانشجویان، تا صدای زنانی مثل پرستو احمدی که با اجرای شجاعانه یک کنسرت بی‌حجاب در کاروان‌سرایی آتشی به پا کرد. مردم نه فقط عقب ننشسته‌اند بلکه با ضعف و زبونی رژیم خود را برای تعرضی جدید علیه ظالمان حاکم بر ایران آماده می‌کنند.

با دیدن صحنه‌های گشوده شدن درب زندان‌ها

در سوریه مردم ایران نیز در پی تکرار همین صحنه‌ها در ایران هستند. در اوج ضعف و زبونی حکومت اسلامی، زمان تعرض دوباره مردم فرار رسیده است.

به‌پیش برای گشودن درب زندان‌ها و نجات همه عزیزانمان. تا لغو حکم اعدام ایستاده‌ایم تا پایان!

تصویری آشنا از زندان زنان صیدنایا

شهره قنبری

با باز شدن درب زندان‌های سوریه حقایق هولناکی آشکار شد، تصاویری فجیع از زیر پا گذاشتن کرامت انسانی. آنچه در زندان‌های سوریه گذشته است حکایت‌های بسیار آشنایی است که سال‌های زندان اوین و دیگر زندان‌های جمهوری اسلامی را تداعی می کنند.

شکنجه، بازجویی، کابل، چشم‌بسته، باز شکنجه و خون و داستان زنان زندانی در زندان‌های سوریه که شباهت زیادی هم به زندان قرچک ورامین و وضعیت زنان و کودکان در آنجا دارد. قرچک زندانی با جمعیت متراکم، نبود تهویه و آب آشامیدنی

سالم و بالازدن مداوم فاضلاب در زندان، شیوع انواع بیماری‌ها، وفور حشرات و حیوانات موذی و شرایط سخت غیرقابل‌تحمل.

زنان زندانی در تمام زندان‌ها علاوه بر شکنجه‌های رایج همیشه در معرض خطر تجاوز جنسی قرار دارند. تجاوز به‌عنوان نوعی بسیار خشن و آزاردهنده از شکنجه که آثار روحی و روانی مخرب آن همیشه همراه زندانی باقی خواهد ماند، در زندان‌های جمهوری اسلامی در دهه سیاه ۶۰ تجاوز برای اقرارگیری، و تجاوز به دختران باکره قبل از اعدام بسیار شایع بود.

باز شدن درب زندان‌های رژیم اسد و دیدن زنان زندانی که در شرایطی بسیار غیرانسانی زندگی

می‌کردند و تجاوزات مکرر به آنها، وجود کودکان بی‌گناهی که حاصل تجاوزات مکرر به این زن‌ها از طرف بازجویان و گارد زندان صورت گرفته بسیار دردناک است و دیدن کودکانشان نیز یادآور تجاوز به دختران و زنان در زندان‌های جمهوری اسلامی است و یادآور بچه‌های کوچکی است که در زندان اوین و قزل‌حصار با امکاناتی بسیار محدود و شرایطی غیرانسانی زندگی می‌کردند.

شرایط زندگی در اوین و سایر زندان‌های ایران دست‌کمی از زندان‌های سوریه ندارد چرا که ما آن را زندگی کردیم. به‌خاطر میاورم وجود سه زن حامله در اتاقی با ۸۰ و گاهی ۹۰ نفر که برخی بیمار، تعداد زیادی شکنجه شده، و نوزادانی که در همان اتاق از مادرانی با حکم‌های سنگین به

دنیا می‌آمدند، نه دارویی بود و نه غذای مناسبی و نه هوایی برای تنفس.

بسیاری از زنان در بند سوری که در غیرانسانی‌ترین شرایط نوزادانشان را به دنیا آوردند حالا باید جنگی دیگر را بیرون از زندان آغاز کنند، چرا که از طرف خانواده‌هایشان پذیرفته نمی‌شوند، و باز این زنان هستند که حتی بیرون از زندان هم قربانی خواهند بود.

چه حکایات و صحنه‌های آشنائی. به امید یک‌دنیای بهتر بدون زندان.

دست‌درازی به حریم و حقوق کودکان ممنوع!

آذر پویا

بنا بر گزارشات، مأموران امنیتی جمهوری اسلامی با ورود به یک جمع بهائی در اصفهان، تلاش کرده‌اند از کودکان و نوجوانان حاضر در این جمع، از جمله چند کودک هفت و هشت‌ساله، «اعتراف اجباری» بگیرند. بنا بر همین گزارش نهادهای امنیتی چند روز پس از این واقعه با برخی از نوجوانان حاضر در این جمع تماس گرفته و آن‌ها را وادار به «جاسوسی از بهائیان برای نهادهای اطلاعاتی» کرده‌اند.

جنایات جمهوری اسلامی تمامی خطوط قرمز را

رد کرده است. علاوه بر اعدام کودکان، که گفته می‌شود دست‌کم ۷۰ کودک بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ در ایران اعدام شده‌اند، و کودک‌همسری که خود مصداق بارز کودک‌آزاری و نقض آشکار حقوق کودکان است و صدها جنایت دیگر علیه کودکان، حالا نوبت به جاسوس‌پروری، اذیت و آزار و گرفتن اعترافات اجباری از کودکان و نوجوانانی رسیده است که بدون هیچ اراده‌ای فقط به علت متولد شدن در خانواده‌ای بهائی، به آنها هم بهائی اطلاق می‌شود. داشتن اعتقادات مذهبی غیراسلامی، از منظر حکومتی که سعی دارد حتی نفس‌کشیدن شهروندانش را هم کنترل کند جرم‌انگاری شده و بارها شاهد دستگیری و اعدام افراد منتسب به بهائی بوده‌ایم. ما بارها اعلام کرده‌ایم که کودکان

مذهب ندارند، آنها می‌توانند بعد از رسیدن به سن بزرگسالی هر مذهبی و یا بی مذهبی را انتخاب کنند.

حکومتی که در همه زمینه‌ها دست و بالش یکی بعد از دیگری قطع می‌شود، حکومتی که با تنی رنجور و نحیف در بستر مرگ دست‌وپا می‌زند و می‌خواهد با سیلی صورتش را رنگین کند به‌مانند غریقی است که برای نجات خود به هر چیزی چنگ می‌زند. جمهوری اسلامی مزدوران قداره‌بندش را روانه کوچه و خیابان شهر کرده تا محملی پیدا کنند، بگیر و ببندی راه بیندازند و بگویند که ما هنوز هستیم و تا هستیم سرکوب و جنایت از جامعه رخت نخواهد بست.

کودک‌آزاری تحت هر نام و بهر علتی باید جرم‌انگاری شود. آزادی داشتن اعتقادات مذهبی یا اعتقاد نداشتن به هیچ دین و مذهبی از حقوق اولیه هر انسانی است. این امر در مورد کودکان بسیار روشن‌تر و بی مذهبی کودکان امری کاملاً روشن و بدیهی است.

در دنیائی بدون جمهوری اسلامی تمام آحاد جامعه از جمله کودکان نفس راحت‌تری خواهند کشید.

موقعیت نیروهای سیاسی کرد
بعد از سقوط بشار اسد

عبدل گلپریان

با سقوط بشار اسد توسط جریانات اسلامی و با حمایت همه‌جانبه دولت ترکیه، اوضاع و شرایط مردم در کردستان سوریه با مخاطراتی روبرو شده است. اردوغان و دولت ترکیه دشمن تمام‌قد هر آنچه که از سال ۲۰۱۱ در شمال شرق سوریه موجب ایجاد یک چارچوب نیمه‌خودمختار شد هستند. دولت و ارتش ترکیه، حزب دموکراتیک خلق سوریه و شاخه نظامی آن را وابسته به پ ک ک معرفی می‌کنند که در ترکیه فعالیت دارد.

با فروپاشی حکومت بشار اسد اکنون جریان اسلامی تحریرالشام با حمایت دولت ترکیه دست به حملاتی علیه نیروهای سیاسی کرد در کردستان سوریه زده است. گروه "ارتش ملی سوریه" نیز بخشی از ائتلاف شورشیان به رهبری هیئت تحریرالشام است. در تازه‌ترین تحول شبه‌نظامیان کرد سوریه که از سوی دولت آمریکا حمایت می‌شوند، از توافق با طرف‌داران دولت ترکیه، بر اساس یک آتش‌بس با میانجیگری آمریکا خبر دادند. بر اساس این توافق، شبه‌نظامیان کرد، شهر منبِج در شمال سوریه را به نیروهای طرف‌دار ترکیه واگذار کردند.

یکی از اهداف استراتژیک اردوغان پایان‌دادن به

حاکمیت حزب دموکراتیک خلق سوریه و یگان‌های مدافع خلق در شمال سوریه است. آیا این هدف دولت ترکیه متحقق خواهد شد؟ فاکتورهایی وجود دارد که مانع از تحقق اهداف دولت ترکیه است. از جمله حمایت دولت آمریکا از آنان، وجود یک خودمختاری نیم‌بند، جنگ چند ساله یگان‌های نظامی در کنارزدن داعش و ایجاد آرامشی نسبی در این مناطق.

علی‌رغم اینکه احزاب و نیروهای ناسیونالیست کرد در هر چهار بخش کردستان اهدافی در راستای رفع ستم ملی بر مردم کردستان ندارند و تأمین حقوق برابر شهروندی در دایره افق و سیاست آنان قرار ندارد، سیاست دولت ترکیه در

کردستان سوریه، حمله نظامی و گسیل داشتن نیروها و جریانات اسلامی مورد حمایت خود در جهت حذف نیروهای سیاسی در شمال شرق سوریه اقدامی ضدانسانی و قبل از هر چیز علیه مردم کردستان سوریه است که به بهانه جنگ با پ ک ک می‌کوشد زندگی مردم ساکن در این منطقه آن‌هم در جغرافیای دیگری (کردستان سوریه) را در معرض ناامنی، قتل و کشتار قرار دهد. باید این سیاست ضدانسانی دولت ترکیه و دستجات اسلامی تحریرالشام و ارتش ملی این کشور در قبال مردم کردستان سوریه را محکوم کرد و هر چه بیشتر افشا و رسوا ساخت.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۱۲

۱۴ دسامبر ۲۰۲۴ – ۲۴ آذر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

پرستو احمدی در شوق آزادی

حسن صالحی

سقوط بشار اسد، جشن مردم سوریه، خوشحالی مردم ایران

محسن ابراهیمی

شکست‌های جدی‌تر در راه است

اصغر کریمی

ژیزل پلیکوعینک دودی خود را برداشت

کیوان جاوید

پرستو احمدی در شوق آزادی

حسن صالحی

در حالیکه جمهوری اسلامی به خیال خود می خواست با قانون "عفاف و حجاب" صدای زنان ایران را خفه کند، آواز خوش زنی، آنهم با پوشش اختیاری، بلند شد که قلب ایران را تسخیر کرد. نغمه های دلنشینی که از اشتیاق به آزادی شعله ورند و آینده ای را نوید می دهند که در آن زنان هنرمند با غرور و افتخار برای انبوه حضار مشتاق کنسرت اجرا می کنند.

"کنسرت فرضی" پرستو احمدی هم از لحاظ هنری کاری فوق العاده بود و هم به لحاظ سیاسی

جلوه ای از آزادیخواهی زنان را به نمایش می گذاشت. در کشوری که آواز خوانی و حضور زنان در استادیوم های ورزشی ممنوع است، جداسازی جنسیتی بر آن حاکم است و هر روز فتوای جدیدی علیه شان صادر می کنند، آری در چنین جهنمی صدای پرستو احمدی و حضور جسورانه وی با پوشش اختیاری پرتو درخشانی بر ظلمت زن ستیزی انداخت که نوید پایان این شب طولانی را می داد. همین باور داشتن به خود و همین اعتقاد راسخ به آزادی، دشمن مستبد را چنان هراسان کرد که فوراً فرمان پرونده سازی برای او و ارکسترش صادر شد. این تمهیدات سرکوبگرانه در حالیکه پرستو احمدی و یارانش از حمایت گسترده مردم برخوردارند تنها و تنها

می تواند به انفجار خشم عمومی بیانجامد.

از قمرالملوک وزیری، اولین زنی که بی حجاب کنسرت اجرا کرد، و ویدا موحد، اولین دختر انقلاب که روسری اش را در اعتراض به حجاب اجباری برداشت، بگیرید تا مهسا امینی که نامش رمز انقلاب زن زندگی آزادی شد و اعتراض برهنه آهو دریایی، مسیری گشوده شده که راه به آزادی زنان در ایران و خاورمیانه میبرد. اقدام پرستو احمدی نقطه درخشانی در متن همین تاریخ پر تلاش است.

انقلاب زن زندگی آزادی به زنان اعتماد به نفس و جسارت عظیمی بخشیده تا از محدودیت ها و

ممنوعیت ها عبور کنند و در جلوی صحنه قرار بگیرند. این انقلاب اشاعه دهنده هنر اعتراضی و مظهر نوگرایی در برابر مذهب و ارتجاع، و پیام‌آور رهایی زنان از ستم بوده است که شروین ها و پرستوها نمونه مجسم آن هستند. جامعه ما در متن این انقلاب در حال پوست انداختن است. این انقلاب هر مانعی را برخواهد چید و راه شکوفایی شهروندان در عرصه های گوناگون را هموار خواهد کرد. برگزاری کنسرت حقیقی پرستوها در فردای سرنگونی حکومت اسلامی فرضی مسلم است.

سقوط بشار اسد، جشن مردم سوریه،
خوشحالی مردم ایران

محسن ابراهیمی

روز جمعه ۲۳ آذر مردم سوریه به میدان‌های شهرها سرازیر شدند تا سقوط بشار اسد، یکی از سفاک‌ترین دیکتاتورهای تاریخ را جشن بگیرند. مردم جشن گرفتند چون دیکتاتوری ساقط شده است که خاندانش بیش از پنجاه سال با شقاوت تمام اکثریت عظیم مردم سوریه را چپاول و زندگی چند نسل را نابود کرد و سیزده سال پیش هم انقلاب مردم را به کمک پوتین و خامنه‌ای با بیرحمی تمام به خون کشید و میدان را برای جنگ نیروهای نیابتی دول مرتجع منطقه

فراهم کرد و با کشتار بیش از نیم میلیون انسان و آوارگی بیش از ده میلیون شهروند در قدرت ماند.

با سرنگونی بشار اسد بیت خامنه‌ای عزادار است اما مردم ایران عمیقاً خوشحال‌اند چون سقوط بشار اسد را گامی بزرگ در جهت سقوط خامنه‌ای می‌دانند که اسد را چهره "مبارز بزرگ و ثابت قدم" محور مقاومت توصیف می‌کرد و برای حفظ او میلیاردها دلار هزینه کرد و تعداد زیادی از نیروی سپاه و بسیج را به سوریه فرستاد تا بکشند و کشته شوند.

مردم سوریه حق دارند غرق شادی شوند. اما

همین مردمی که جشن پیروزی گرفته‌اند نگران هم هستند چون با ابعاد هولناک جنایات جریانات اسلامی در قالب داعش و انواع باندهای اسلامی آشنا هستند. اگر مردم سوریه علی‌رغم نگرانی‌های قابل‌درک هنوز به خیابان‌ها می‌ریزند و جشن می‌گیرند به این خاطر است که می‌بینند موقعیت اسلامی‌ها امروز در مقایسه به لحظه انقلابشان در سیزده سال پیش عمیقاً فرق کرده است. شاخه شیعی اسلام سیاسی، همان که زیر بغل بشار اسد را گرفته بود، خودش با یک جنبش عظیم ضداسلامی به چالش کشیده شده و در لبه پرتگاه سقوط است. جریانات متعلق به شاخه سنی اسلام سیاسی هم که جای اسد را گرفته‌اند خودشان به ابعاد گسترده نفرت علیه تروریسم اسلامی

در جهان و مخصوصاً در منطقه و در خود سوریه واقف هستند. اینکه یک جریان متحجر اسلامی در قدرت مجبور شده از ممنوعیت دخالت در پوشش زنان حرف بزند به‌خاطر دست‌کشیدن از تحجر اسلامی نیست، به‌خاطر احساس خطر از پتانسیل واکنش اعتراضی علیه اعمال قوانین اسلامی است. هر حرکت به سمت پیاده‌کردن شریعت اسلامی می‌تواند با یک تحرک اعتراضی پاسخ بگیرد که قطعاً با همبستگی گسترده در جهان مخصوصاً در ایران مواجه خواهد شد.

شکست‌های جدی‌تر در راه است

اصغر کریمی

شکست‌های رژیم در منطقه، ورشکستگی اقتصادی و فضای اعتراضی خطرناک! در داخل، حکومت را مجبور به پایین کشیدن فتیله آمریکاستیزی و امتیازات بیشتر به دولت آمریکا و دول غربی خواهد کرد. مقابله با آمریکا و شیطان بزرگ یکی از اصول پایه‌ای سیاسی حکومت بوده است و حکومت راهی جز کنارگذاشتن آن نخواهد داشت. یعنی یکی دیگر از بنیادهای سیاسی و ایدلوژیک حکومت نیز فروخواهد پاشید. رژیم تا آخر عمر کوتاهش می‌تواند همچنان شعار مرگ بر آمریکا بدهد اما از محتوای آن چیزی باقی نخواهد ماند. این عقب‌نشینی منشاء بحران‌های خردکننده

دیگری برای حکومت نیمه‌جان اسلامی خواهد بود.

لاریجانی نماینده ویژه خامنه‌ای و پزشکیان رئیس دولت اسلامی درخواست مذاکره با ترامپ، قاتل سلیمانی، کرده‌اند و روشن است که از موضعی ضعیف‌تر از کل تاریخ جمهوری اسلامی. شکست‌های داخلی و منطقه‌ای حکومت را مجبور می‌کند سیاست اتمی‌اش را مطابق دستورات غرب تغییر دهد و بساط در هم شکسته خود در کشورهای منطقه را بیشتر جمع کند تا شاید تحریم اقتصادی تخفیف داده شود.

اولین نتیجه این عقب‌نشینی‌ها تشدید آشکار شکاف درون حکومت و ریختن کامل پشم و پیله

خامنه‌ای خواهد بود. داشتند تلاش می کردند برای جانشینی خامنه‌ای در فضایی آرام فکری بکنند بدون اینکه زمین‌لرزه‌ای در حکومت اتفاق بیفتد اما با اینهمه شکست چنین روندی غیر ممکن شده است. فاصله از خامنه‌ای که فی‌الحال در صفوف حکومت در حال گسترش است به مقابله آشکار با او منجر می‌شود و این صفوف کنونی حکومت را با تشنجات تندی مواجه خواهد کرد.

مردم با هوشیاری وضعیت حکومت را رصد می‌کنند و هر روز دارند گام‌های بیشتری به جلو برمی‌دارند. کل جامعه شاهد خالی شدن ته دل خامنه‌ای و کل مقامات و سرکوبگران است. استیصال مجلس و دولت و کل دم و دستگاه حاکم در مقابل حجاب و ناتوانی از اعلام و

اجرای قانون مرده حجاب و عفاف، گسترش اعتراضات کارگران نفت و تندتر شدن اعتراضات بازنشستگان، گسترش اعتراضات دانشجویی و خشم و اعتراض علیه قطع برق و هزار مصیبت دیگری که هر روز جامعه را بیشتر می‌فشارد و آشفتگی در سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های مجلس و دولت همه و همه جامعه را در آستانه تحولاتی زیرورو کننده قرار داده است. متشکل شدن، بلند کردن پرچم همه خواست‌های اقتصادی و سیاسی، تقویت همبستگی و دفاع از مبارزات همدیگر از جمله اقداماتی است که مردم را در موقعیت بهتری برای به سرانجام رساندن انقلاب ناتمام ۱۴۰۱ قرار می‌دهد.

ژیزل پلیکوعینک دودی خود را برداشت

کیوان جاوید

ژیزل پلیکو زن فرانسوی که شوهرش طی ده سال به او قرص خواب‌آور و مواد مخدر می‌داده تا ۵۰ مرد غریبه به او در حالت بیهوشی تجاوز کنند، روز پنجشنبه ۵ سپتامبر (۱۵ شهریور) با عینک دودی برای اینکه چهره‌اش تماماً شناسایی نشود برای شهادت در دادگاه حاضر شد. در ادامه حضور در جلسات دادگاه ژیزل پلیکو عینک دودی را کنار گذاشت تا همه جهانیان چهره درد کشیده این زن ۷۲ ساله را ببینند.

ماجرا از آنجا شروع شد که یک نگهبان سوپرمارکت

شوهر ژیزل را در حال عکس‌گرفتن از زیر دامن زنان دستگیر کرد. این موضوع منجر به جستجوی تلفن و رایانه دومینیک پلیکو توسط مأموران شد و نهایتاً در کامپیوتر شخصی‌اش هزاران عکس و ویدیو از مردانی پیدا کردند که نشان می‌داد درحالیکه ژیزل در خانه‌اش بیهوش است، به او تجاوز می‌کنند.

این زندگی زنان است که تاراج می‌شود و ژیزل پلیکو تنها یکی از قربانیان این تجاوز، این تاراج و این به یغما رفتن زندگی‌اش است. جهانی که در آن بسر می‌بریم یک ماسک بزرگ، یک عینک دودی و یک حجاب ضخیم بر چهره دارد تا جنایت و ستم و آپارتاید جنسیتی علیه زنان را از دیده

پنهان کند.

این اصلاً اتفاقی و از سر جنون فردی نیست که زنان در همه جهان، حتی در پیشرفته‌ترین آن قربانیان تجاوز و قتل و شکنجه و عذاب می‌شوند. در ایسلند، کشوری که به برابری جنسیتی معروف است آمار تجاوز به زنان واقعاً خیره‌کننده است. در آلمان نیز آمار تجاوز و آزار جنسی و کتک‌زدن زنان شوکه آور است. در روسیه هر ۱۰ دقیقه یک خشونت خانگی صورت می گیرد و به طور متوسط هر روز دست‌کم سه زن، اغلب به دست مردان خانواده، کشته می‌شوند.

آمارهای رسمی در ایران نشان می‌دهد که سالانه

به طور متوسط بیش از ۷۴ هزار زن برای معاینات جسمی همسرآزاری به مراکز پزشکی قانونی مراجعه می‌کنند. برآوردها نشان می‌دهد که موارد واقعی خشونت خانگی علیه زنان در ایران تقریباً ۱۰۰ برابر این رقم است.

ژیزل پلیکو عینک دودی از صورت بر می‌دارد تا پرده از ابعاد وحشتناک تجاوز به زن فقط در "کانون گرم خانواده" که سرمایه داری برای زنان ساخته است برداشته شود. تنها بعنوان نمونه حمایت های جهانی از پرستو احمدی، آهو دریایی و ژیزل پلیکو به ما می‌گوید پایان‌دادن به این ستم علیه زنان ممکن است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۱۳

۱۵ دسامبر ۲۰۲۴ – ۲۵ آذر ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

پرستو بازداشت و آزاد شد!

حمید تقوایی

افزایش قیمت دلار، نشانه کاهش عمر حکومت

کاظم نیکخواه

خالی شدن دل رژیم از دست مردم

سیاوش آذری

پروژه هسته‌ای رژیم، تسلیمی دیگر!

سینا پدرام

پرستو بازداشت و آزاد شد!

حمید تقوایی

”کنسرت فرضی“ پرستو احمدی صدای رسای انقلاب زنانه علیه یک حکومت پوسیده و وامانده است. سرود کوبنده جنبش ضد حجاب و جنبش ضد اپارتاید جنسی؛ سرود مارش عظیم یک جامعه بپاخاسته علیه یک حکومت ضدزن.

جمهوری اسلامی پرستو و دو تن از اعضای ارکستر او را بازداشت و بعد از چند ساعت آزاد کرد. خود حکومتی‌ها هم می‌دانند بگیر و ببند تنها این مارش عظیم را کوبنده‌تر و وسیع‌تر خواهد کرد. در حالی که صفوف حکومت حول لایحه عفاف و حجاب

بهم ریخته و درهم شکسته است یک زن شجاع و جوان با کنسرتش پرچم پیروزی جنبش علیه حجاب را بر می‌افرازد و با ترانه‌های شورانگیزش ممنوعیت آواز خوانی زنان و کل سیستم آپارتاید جنسیتی را در هم می‌شکند. حرکت او گام بلندی در تداوم جنبش پیروزمند علیه حجاب و علیه آپارتاید جنسیتی است.

اما فراتر از این پرستو کل حکومت پوسیده و درمانده جمهوری اسلامی را بچالش کشیده است. پرستو احمدی پرچمدار حرکت رویا حشمتی‌ها و ویدا موحدها و آهو دریایی‌ها است. حرکتی که می‌رود با پرچم زن زندگی آزادی کل نظام مفلوک جمهوری اسلامی را در هم بشکند.

حرکت جسورانه پرستو می‌تواند و باید سرآغاز موج تازه‌ای از جنبش علیه آپارتاید جنسیتی و علیه حکومت زن ستیز جمهوری اسلامی باشد. لغو قانون ممنوعیت آواز زنان و آزادی برگزاری کنسرت و هر بیان هنری دیگری باید به یک گفتمان و به یک خواست و شعار فراگیر در متن بیانیه‌ها و اطلاعیه‌ها و فراخوان‌ها، در دیوارنویسی‌ها و شعارهای خیابانی، در مدیای اجتماعی، و در تجمعات هر روزه بازنشستگان و کارگران و همه بخش‌های معترض جامعه تبدیل شود. کلیپ کنسرت پرستو می‌تواند بطور پیوسته و هر روزه در مدیای اجتماعی تکثیر و تکرار شود. فراتر از آن، کلیپ آواز زنانی که کنسرت پرستو را الگو قرار داده‌اند می‌تواند به

یک حرکت گسترده تبدیل بشود. هم اکنون در مدیای اجتماعی زنان جسوری کلیپ‌های آواز خود را منتشر کرده‌اند. این حرکت را تکثیر کنیم. ما می‌توانیم و باید این مصداق دیگر آپارتاید جنسیتی را مانند حجاب عملاً لغو کنیم. این بعهده هنرمندان و موزیسین‌ها و خوانندگان زن است که قدم جلو بگذارند، کنسرت‌های بی‌حجاب خود را برگزار کنند و حرکت شجاعانه پرستو را تکرار کند. آواز خواندن و کنسرت زنان نیز مانند بی‌حجابی می‌تواند به یک حرکت گسترده اجتماعی تبدیل بشود. بر سر حکم ممنوعیت آواز زنان می‌توانیم همان بلایی را بیاوریم که بر سر حجاب اجباری و لایحه شکست خورده حجاب و عفاف آورده‌ایم.

حکومت ورشکسته جمهوری اسلامی در ضعیف ترین و درمانده‌ترین موقعیتش در ایران و در منطقه قرار گرفته است. در این شرایط انفجاری حرکت جسورانه آهو و پرستو نوید تعرض قدرتمند انقلاب زن زندگی آزادی به حکومت در حال سقوط زن ستیزان حاکم است. این حرکت را زنده نگهداریم و ادامه دهیم. پیروزی از آن ماست!

افزایش قیمت دلار، نشانه کاهش عمر حکومت

کاظم نیکخواه

سرمایه داران و معامله گران در مورد اوضاع سیاسی بسیار حساس‌اند و همه چیز را بو می کشند که پول‌هایشان بر باد نرود. روز گذشته نرخ هر دلار آمریکا از مرز ۷۵ هزار تومان گذشت. با سقوط بشار اسد معامله گران ارز وضعیت جمهوری اسلامی را شکننده و خطرناک ارزیابی می کنند و "ریسک‌های سیستماتیک" جدیدی را در بازارهای ایران شناسائی کرده‌اند و به همین دلیل اکثر بازارها از جمله طلا، ارز و سهام تحت تأثیر تحولات سیاسی اخیر در منطقه قرار گرفته‌اند. بعد از این تحولات، ریال سقوط مجددی داشت و در برابر بیشتر ارزها

شیب ارزشی زیادی در پیش گرفت. این روند کاهش ارزش ریال همچنان ادامه دارد.

اولین نتیجه این وضعیت طبعاً تورم بالاتر و فشار معیشتی بیشتر بر زندگی مردم است که اکثراً برای تأمین ساده‌ترین معاش با معضل روبرو هستند. گسترش اعتراضات بازنشستگان، کارگران، پرستاران و معلمان نتیجه فوری این وضعیت فلج اقتصادی است که سفره همه آنها را از قبل خالی‌تر می‌کند.

با سقوط اسد جمهوری اسلامی یک شکست آشکار را تجربه کرد. میلیاردها دلار از ثروت‌های عمومی را در کشور سوریه سرمایه گذاری کرده و ده‌ها

هزار نیروی زبده‌اش را تحت عنوان "مستشار" به این کشور گسیل کرده بود. همه اینها دود شد و نیروهایش تماماً فراری شدند. شکست اسد در واقع سرنگونی جمهوری اسلامی در منطقه بود. به قول طائب که گفته بود اگر اسد سقوط کند تهران را هم نمی‌توانیم نگه داریم، اکنون مانده‌اند که چه کنند که تهران از دستشان نرود. فضای اعتراضی و سرنگونی گسترده در جامعه، انزوای بین‌المللی، نابود شدن سران حزب الله و حماس بر متن یک اقتصاد ورشکسته و فلج و صفوف بهم ریخته و متشتت، تنها راهی که مقابل سران حکومت می گذارد فکر جایی برای بعد از سرنگونی است.

خالی شدن دل رژیم از دست مردم

سیاوش آذری

در پی سخنان خامنه‌ای، بعد از سقوط رژیم سوریه، مبنی بر جرم‌انگاری "خالی کردن دل مردم" قوه قضاییه تلاش به اثبات پایه‌های قضایی و حقوقی ادعای او نمود. ادبا و علمای قوه قضاییه، که از قضا تبحر در زبانشناسی نیز دارند، در استدلالات خود به این نتیجه رسیده‌اند که "دل کسی را خالی کردن" به معنای ترساندن، تشویش و ایجاد هراس و وحشت و اضطراب است؛ عجب! از اینرو، خالی کردن دل مردم "مصداقی از جرم نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی" است و از آنجا که "امنیت روانی افراد همانند امنیت فیزیکی اشخاص، مهم و ارزشمند است، جرایم

علیه بُعد معنوی اشخاص جامعه نیز جرم‌انگاری شده و به لحاظ قانونی قابل تعقیب و پیگیری است.“

چه اتفاقی افتاده که دست اندرکاران رژیم را اینچنین نگران ”مخدوش شدن امنیت روانی جامعه“ کرده است؟ مردم مورد نظر این حضرات چه کسانی و کجا هستند؟

مسلماً جامعه مورد نظر خامنه‌ای و رژیم، مردمی که در ایران به دنبال سقوط اسد همراه با مردم سوریه به جشن و پایکوبی پرداختند نیست. مردم در ایران که در آینه سقوط رژیم سوریه و دود شدن و به هوا رفتن ”محور مقاومت“ کذایی، سرنگونی رژیم به دست انقلاب مردم و رهایی از

شر بختک حکومت اسلامی را رویت کرده‌اند نه دچار تشویش بلکه دلگرم‌تر و به تحقق آینده‌ای آزاد، برابر و مرفه خوشبینتر گشته‌اند.

در مقابل، حکومت الله، با زمینگیر شدن نیروهای تروریستی اسلامی مورد حمایتش و با شکستن بازوی دولتی "محور مقاومتش" و با رویت کردن خشم و انزجار عمیق و بیش از پیش مردم از رژیم که در اعتراضات هر روزه اقشار مختلف، از جمله کارگران، پرستاران، بازنشستگان و زنان متجلی می‌گردد به آینده و ادامه حیات خود بدبین‌تر و وحشتزده شده است.

جرم‌انگاری "خالی کردن دل مردم" و رجزخانی‌های خامنه‌ای و دادستانی و قوه قضاییه قرار است با

ایجاد رعب و وحشت جنبش انقلابی مردم را به عقب رانده به طول عمر رژیم بیافزاید. زهی خیال باطل! این عربده کشیدنها نشانه "خالی شدن دل رژیم" در مقابل مردم متنفر از حکومت اسلامی و اعتلای انقلاب زن زندگی آزادی است.

بهراسید و بر خود بلرزید! هیچ راه فراری در مقابل خود و هیچ سوراخ موشی برای پنهان شدن ندارید. روز پایکوبی مردم بر فراز ویرانه‌های رژیم ننگینتان نزدیک است.

پروژه هسته‌ای رژیم، تسلیمی دیگر!

سینا پدرام

روز شنبه ۲۴ آذر، رئیس سازمان انرژی اتمی و معاون رئیس جمهور اظهار کرد "نظارت بیشتر بر برنامهٔ اتمی را می‌پذیریم و با آژانس همکاری می‌کنیم تا همه پرونده‌ها بسته شود"

رژیم اسلامی آنچنان مفلوک و درمانده شده است که کلماتی مانند تسلیم و کرنش حق مطلب را ادا نمی‌کنند. در یک سال گذشته و پس از حمله خونین تروریست‌های حماس به اسرائیل و متعاقب آن جنگ آدمکشانه دولت نتانیاهو بر علیه مردم فلسطین و لبنان فاکتورهای عدیده‌ای

را در خاورمیانه بر هم زده است که سقوط بشار اسد یکی از آخرین اپیزودها و نتایج این تغییرات به شمار میاید.

همانطور که از ابتدای این تحولات انتظار می‌رفت، و صرف‌نظر از پیچیدگی‌های سیاسی منطقه خاورمیانه، تضعیف رژیم اسلامی در منطقه و ایران از نتایج مطلوب این تغییرات اساسی برای مردم خاورمیانه و به ویژه برای مردم ایران بود.

موضوع دستیابی رژیم اسلامی به انرژی هسته‌ای و تلاش آن برای دستیابی به سلاح هسته‌ای در ۲۰ سال گذشته از مجادلات سیاسی مابین رژیم اسلامی از یک سو و دول غربی و منطقه‌ای از سوی

دیگر را تشکیل داده است. دیروز، محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی رژیم اسلامی گفت: "شما وقتی فعالیت هسته‌ای انجام می‌دهید، تغییر مقیاس فعالیت‌ها به طور طبیعی سطح نظارت را هم تغییر می‌دهد". همچنین چند روز پیش نیز خبرگزاری رویترز، بنا بر گزارش جدید آژانس بین المللی انرژی اتمی گزارش داد: "ایران پذیرفته است که بازرسی‌های آژانس بر مرکز هسته‌ای فردو افزایش یابد."

واقعیت این است که سقوط اسد و متلاشی شدن "محور مقاومت" همراه با فلج کامل اقتصادی رژیم، بعلاوه قدرت روز افزون جنبش سرنگونی در ایران، موضوع "سیاست انرژی هسته‌ای" رژیم اسلامی

را نیز چنان زیر ضرب برده است که تسلیم در مقابل خواست‌های غرب تنها گزینه رژیم در حال حاضر است. "فرار رو به جلو" در جای‌جای اظهارات مقامات رژیم در مورد نظارت آژانس هسته‌ای دیده می‌شود.

ما بارها تاکید کرده‌ایم که رژیم اسلامی چه با سلاح هسته‌ای و چه بدون آن، در داخل ایران با نیروی بزرگ‌تری درگیر است که بود و نبود رژیم را رقم خواهد زد. مردمی که پرونده کل رژیم را و نه فقط برنامه هسته‌ای آن را خواهند بست.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۱۴

۱۶ دسامبر ۲۰۲۴ – ۲۶ آذر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

زنانی که نامشان جاودانه خواهد ماند

نسان نودینیان

جمهوری اسلامی و اَبَر بحران انرژی

سیامک بهاری

جنبش علیه اعدام در ایران را می‌توان گسترده‌تر کرد

یک سؤال از شهلا دانشفر

مضحکه ای دیگر به نام طرح ” قاضی در مدرسه“

سیما بهاری

ترس پاپ از لائسیته در فرانسه

شهاب بهرامی

زنانی که نامشان جاودانه خواهد ماند

نسان نودینیان

یکشنبه ۲۵ آذر ۱۴۰۳ صدها نفر از زنان مبارز و انقلابی و فعالین اجتماعی در سنندج با حمل گل یادبود ستاره سرخ، نماد سنندج سرخ و مبارز، در مراسم خاکسپاری "مادر فراست جعفر قشلاقی" شرکت کردند. مادر فراست مادر سه زنِ پیشمرگ مبارز و انقلابی، جانباختگان پروین، نسرین و پرشنگ رستم گرجی بود.

مادر فراست عضوی از خانواده هزاران مادر دادخواه و جانباختگان در سنندج بود. او همواره در میان زنان مبارز، فعالین جنبش زنان، فعالین مراسم های

روز جهانی زن و روز جهانی کارگر، مردم سنندج و خانواده های دادخواه و جانباخته جایگاه ویژه و دوست داشتنی داشت. مادر فراست با جان باختن سه فرزند دلبند و عزیزش استقامت و استواری در راه مبارزه علیه رژیم تبهکار اسلامی را برگزید. او سخت ترین و جانکاه ترین درد زمانه یعنی جان باختن سه دختر دوست داشتنی را تجربه کرد. پروین، نسرین و پرشنگ رستم گرجی، سه دختر مبارز و کمونیست، محبوب و دوست داشتنی در میان زنان و مردم سنندج، سه مبارز پیشمرگ صفوف کومله تنها سازمان انقلابی آن سالها در کردستان بودند. مادران ما او را به نماد استقامت و پایداری میشناختند. بی دلیل نیست که در باره درگذشت مادر فراست نوشتند:

”تو را خواهم نوشت، در کلمات بی انتهای زمان که همواره در من خواهند بود، مثل دلی که همیشه برای تو می تپد“ـ شعر از احمد شاملو.

مادر فراست‌ها در کردستان بیشمارند. آنها مادران جانباختگان بیش از چهار دهه مبارزه رادیکال و انقلابی در کردستان هستند. مادران هزاران جانباخته که زندگی و مبارزه آنها درس هایی بزرگ و پایبندی به آرمانهای مشترک در راه سرنگونی رژیم اسلامی و تداعی کننده مبارزه با نابرابری، ستم ملی و سوسیالیسم بود.

مادر فراست توسط زنان مبارز و مردم انقلابی سنندج با احترام و برای گرامیداشت سه فرزند

انقلابی و عزیزش، و در مراسمی سرخ و انقلابی بدرقه شد. زنان انقلابی سنندج با شرکت گرم و پُرشورشان در مراسم‌های خانواده‌های دادخواه و جانباختگان انقلاب ژینا/مهسا امینی پرچمدار دستاوردهای زن زندگی آزادی هستند.

یاد عزیز مادر فراست گرامی باد. گرامی میداریم یاد عزیز سه جانباخته مبارز و کمونیست، پروین، نسرین و پرشنگ رستم گرجی را که توسط رژیم جنایتکار اسلامی، جان باخته اند.

جمهوری اسلامی و اَبَر بحران انرژی

سیامک بهاری

تجسم و معنای واقعی فروپاشی زیرساخت‌های یک کشور و ابر بحران انرژی، به وضوح در وضعیت فاجعه بار روزهای اخیر خودنمایی می‌کند. حاصل سیاست اقتصادی دزد سالار حکومت اسلامی، ماجراجویی‌های نظامی و هسته‌ای، شکست‌های پی در پی عمق راهبردی حکومت سالهاست سر از سفره‌های خالی، بیکاری و گرانی با نبود برق و آب و امکانات گرمایشی، درآورده است و دیگر دارد جامعه را به عمق فاجعه فرو میرود.

بر گنجی از دومین ذخیره گاز و سومین ذخیره

نفت جهان، میلیون‌ها مردم در تاریکی و بی برقی، در سرمای جانسوز زمستان گرفتار شده‌اند. ۲۶ استان کشور در بحران فرو رفته است! قطع مکرر برق و کمبود سوخت، از خانه تا کلاس درس، مؤسسات و بازار، گریبان جامعه را گرفته است. حکومت قادر نیست حتی چند ساعت گرمایش کلاسهای درس را تأمین کند. به بهانه سرما ادارات را هم تعطیل می کند تا بلکه موقتاً مصرف سوختی را که نمی‌تواند مهیا کند پایین بیاورد. علیرغم ناتوانی در تأمین سوخت نیروگاه‌های مازوت سوز و تولید روزانه صدها هزار تن گاز مسموم و آلودگی زیست محیطی، می گویند مازوت هم نداریم که به نیروگاه‌ها تزریق کنیم.

خاموشی‌های مکرر و کمبود برق و سوخت گریبان صنایع سنگین چون فولاد، سیمان و صنایع فلزی را هم گرفته است. دومینوی فروپاشی زیرساخت‌ها، فرسودگی خطوط حامل انرژی، دیگر غیرقابل جبران شده است.

مدتهاست کار از هشدار به عواقب ناترازی حامل‌های انرژی گذشته است. اینکه چگونه کمبود چند هزار مگاوات برق و چند میلیون لیتر سوخت به یک ابر بحران خرد کننده بدل شده است و مدام وضع بدتر می‌شود، برای مردم روشن است. کل جامعه از کارگران تا معلمان و بازنشستگان معترض هزار بار فریاد زده‌اند. "نه حاکم، نه دولت، نه مجلس، نیستند به فکر ملت"،

”کشور ما دزدخونه‌ست، توی جهان نمونه است“. جامعه می‌داند و به درستی مسبب و عامل بقای این فاجعه را انگشت نشان کرده است. شعارهای شبانه فریاد بلندی است که چرا باید پول خاموشی را ما بپردازیم!؟ از هزینه‌های میلیاردی جنگی و نیابتی‌ها، هزینه‌های مؤسسات مفت‌خور مذهبی و آقازاده‌ها و ماشین سرکوب بپردازید.

راه خاتمه دادن به تمامی حرمان‌های بی‌پایان کنونی، اعتراض همگانی و سنگر خیابان است. شور و حرارت و انرژی که نابودی جمهوری اسلامی و این سرمای جانسوز را یکجا خرج گرمای پیروزی و خوشبختی و رفاه جامعه خواهد کرد.

جنبش علیه اعدام در ایران را می‌توان گسترده‌تر کرد

یک سؤال از شهلا دانشفر

کیوان جاوید: اعدام‌ها در ایران افزایش یافته است. علیه اعدام در ایران بیش از آنچه که تاکنون انجام گرفته است چه می‌شود کرد؟

شهلا دانشفر: بله اعدام‌ها افزایش یافته و حکومتی که خود را در سراشیبی سقوط می‌بیند، می کوشد از این طریق هر چند کوتاه مدت هم شده مفری پیدا کند. اما در دل همین جنگ و کشمش عقب نشینی‌های معناداری را شاهدیم که دیدن کل این تصویر می‌تواند پاسخ روشن‌تری به سؤال شما بدهد. ابتدا به اعدام‌ها می‌پردازم.

بیانیه کارزار سه شنبه‌های نه به اعدام که شمار این زندان‌ها به ۲۷ رسیده از اعدام ۷۷۰ نفر در کمتر از ۹ ماه سال ۱۴۰۳ سخن می گوید و تنها در یک روز ۲۵ آذر یازده زندانی که ۹ نفرشان بلوچ بودند، اعدام شدند. اما در دل همین کشاکش‌ها شاهد عقب نشینی‌های معنا دار حکومتیم که نشانگر قدرت اعتراضات مردم است. حکم اعدام مجاهد کورکور از بازداشت شدگان انقلاب زن زندگی آزادی در ۲۳ آذر لغو شد که نتیجه کارزاری قدرتمند و جهانی بود.

به گفته وکیل جوانان اکباتان که در خطر اعدام‌اند، "قاضی" پرونده حکم قصاص نداده و امکان نقض

حکم در دیوان عالی کشور هست. قبلاً هم شاهد لغو حکم اعدام فعال کارگری شریفه محمدی و قبل‌ترش توماج صالحی خواننده محبوب انقلاب بودیم که اخیراً هم آزاد شد. اینها پیشروی‌های جنبش قدرتمند علیه اعدام‌اند که ابعادی جهانی دارد.

بعلاوه همین هفته پرستو احمدی خواننده شجاعی که "کنسرت فرضی" بی‌حجاب را برگزار کرد و دو نفر از همراهانش بازداشت شدند. اما قدرت اعتراضات مردمی فرجه‌ای به حکومت نداد و فوراً آزاد شدند. مثال دیگر تعویق افتادن اجرای طرح عفاف و حجاب کذایی است.

این حکومتی است که دیگر باروتی ندارد. حکومت می‌خواهد بکشد تا بیشتر بماند و مردم که شاهد ضعف حکومت و به هم ریختگی صفوفش هستند، قدرت خود را می‌بینند، تداوم انقلابشان را فریاد می‌زنند. با این تصویر به تأکیدات برای پیشروی‌های بیشتر می‌پردازم. سقوط اسد نیز میخی برتابوت رژیم در منطقه است.

اولین تأکید گسترش اعتراضات در سطح جامعه و فلج کامل حکومت است. در همین راستا تداوم همبستگی با "کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام" در داخل و در خارج کشور مهم است.

دوم پیوستن به کارزارهای اضطراری برای افراد

زیر خطر اعدام است. برای نجات پخشان عزیزی کارزارهای متعددی به راه افتاده و تاکنون ۱۳۶۳ نفر از فعالین اجتماعی باکس استوری ای در حمایت از او را امضا کرده‌اند. به این کارزار و اعتراضاتی ازاین‌دست بپیوندیم.

مضحکه ای دیگر به نام طرح " قاضی در مدرسه"

سیما بهاری

"یک مقام قضایی در استان مرکزی از آغاز اجرای طرحی به نام "قاضی در مدرسه" خبر داد. از جمله اهداف این طرح پیشگیری از جرائم اینترنتی و آسیب‌های ویژۀ مجازی" عنوان شده است.

با ارائه هر طرحی از جانب جمهوری اسلامی، یک دریچۀ اعتراض اجتماعی و یک عرصه از وحشت حکومت عیان‌تر می‌شود. طرح عفاف و حجاب پس از سرگردانی‌های مکرر در این اداره و آن وزارتخانه مجدداً بخاطر وحشت از طغیان عمومی به پستو منتقل شد. طرح حجاب و عفاف

مصادف شد با یک تعرض شجاعانه دیگر علیه رژیم. تعرض اینبار از جانب پرستو احمدی بود که با آن صدای زیبا و آرایشی زنانه و کاملاً مغایر با معیارهای رژیم، بی حجاب و آزاد کنسرت اجرا کرد؛ حجاب را پس زد و دیوار آپارتاید جنسیتی را در هم شکست و انتشار آن کلیپ شورانگیز خواب از چشم مرتجعین ضد زن ربود.

این نسل "زد" حکومت را ذله کرده است. هر جور می‌خواهند کنترلش کنند نمی‌شود. به آهو دریایی تذکر حجاب دادند، اعتراض عریان کرد. قانون حجاب را رو کردند، پرستو احمدی بال‌های دفاع از آزادی را گشود و رؤیای هنرمندانه و زنجیر شده اش را پرواز داد. با این دلاوری‌ها رژیم کپک‌زده

نمی‌داند چه کند. جوانان کاری کردند کارستان و تا مسئولین دارند یقهٔ همدیگر را به خاطر درماندگی‌هایشان جر می‌دهند، فضای مجازی پر می‌شود از این گل‌کاری‌ها. تا مسئولین به خودشان بیایند جهان خبردار شده و نام قهرمانان این اتفاقات سر زبان‌ها می‌افتد. حالا می‌خواهند فضای مجازی را از این بیشتر کنترل کنند. جلو این سیل را نمی‌شود سد کرد.

مقام قضایی از "آسیب‌های ویژهٔ اینترنت" می گوید. باید به این حضرات گفت وجود شما بزرگ‌ترین آسیب نه فقط به جوانان بلکه به بشریت است. شر شما که از سر جامعه کنده شود آسیب دیگری نمی‌ماند. جوانان در مدارس پاسخ شما را خواهند

داد. از این طرح‌های عقب‌ماندهٔ ارتجاعی، کم نداشتید. مگر در مدارس برای تبلیغ ایدئولوژی اسلامی و کنترل دانش‌آموزان طلبه وارد نکردید؟ مگر حجاب بان به خیابان‌ها گسیل نکردید؟ مگر مرده چرخانی در دانشگاه‌ها نکردید؟ همه و همه دود شد و به هوا رفت. مردم و بخصوص نسل جوان، جسور و نافرمان شما را نمی‌خواهند. روی پنجه ایستاده اند آماده تا نبرد نهایی.

ترس پاپ از لائسیته در فرانسه

شهاب بهرامی

خبر این است: ”پاپ فرانسیس، جزیرهٔ کُرس را به مراسم بازگشایی کلیسای نتردام پاریس ترجیح داد.“

عمو پاپ یا کیسه بوکس محبوب من! به خودم قول داده بودم که دیگه با این پیرمرد در نیفتم. به یاد دارم هنگامی که صد و پانزده کاردینال مرد، به طرف ”نمازخانه سیستین“ در حرکت بودند تا در آن سرمای نفس گیر مارس ۲۰۱۳، رهبر آینده و مادام العمر واتیکانِ مرد سالار را انتخاب کنند، ناگهان همه دوربین‌های رسانه، بطرف دودکش

نمازخانه ای زوم شد که قرار بود پیام آور رهبری جدید و نوظهور برای نجات دنیای گندزده شده امروز باشد. دودی سفید که از دودکش نمازخانه سیستین بیرون جهید، نشان از انتخاب پاپ جدید، جناب فرانسیس بود.

پس از آن دود سفید که قرار شد فرانسیس جانشین "رسولانه پطروس" باشد و عیسی تقدم را به او اعطا کرده، کلیدهای بهشت و قدرت‌های "وصل و فصل کردن" را به او بخشیده و خرافات و خزعبلات دیگه، سرشاخ شدن من هم با فرانسیس شروع شد.

برایش نوشتم یادت رفته در جوانی از هواداران

نازیستهای آرژانتینی بودی، دوست و یارِ غار "خورخه رافائل" دیکتاتور نظامی و خونخواری که بیش از سی هزار سوسیالیست و کمونیست را قتل‌عام کرد بودی؟ یادت رفته گفتی" "زن یک پذیرنده باور، نماد رسیدگی و تسلیم شونده زنده است". یادت رفته که در دفاع از تجاوز مردان کلیسا به هزاران کودک بیگناه در چهارگوشه جان گفتی:"شیطان عزم جزم کرده تا کلیسای کاتولیک رم را تضعیف کند و برای این کار شبانه روز و حتی با اضافه کاری در این راه تلاش می‌کند" شرم نمی‌کنی؟ حالا اینها کافی نبود به قوانین و سنت پردوام لائیسیته در فرانسه حمله می‌کنی؟ چرا نمیگی از چی دلخوری؟

نتردام پیشکش، برای سر زدن به مستغلات میلیارد یورویی واتیکان در پاریس سری می‌زدی، چرا بازم خودت رو سکه یه پول کردی؟ چون میدونی پاریس آوردگاه انقلاب کبیر بود، چون میدونی کلیسا رو با اردنگی از اریکه قدرت دور انداختند، چون میدونی پاریس محل اولین انقلاب کارگری، مشهور به کمون پاریس بود، زادگاه و پاتوق ولترها، دادائیست‌ها، شارلی هبدوها، پاتوق انقلاب بی‌دینان، پاتوق اردنگی به کلیسا!

ولتر روزی گفته بود اولین شیاد روی زمین یه روحانی بود. برای تحمیق مردم به هر ده کوره ای سرک می کشی ولی جرأت و میل رفتن به پاریس رو نداری، چون جون به جونت کنن بالاخره آخوندی.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۹۱۵

۱۷ دسامبر ۲۰۲۴ – ۲۷ آذر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

جان سامان محمدی را نجات دهیم

ژینو ابراهیمی

سقوط اسد و تشدید بحران "اقتصادی" رژیم اسلامی

سیاوش آذری

پرستو احمدی و آزادی بیان

سینا پدرام

پزشکیان و " هنر ایرانیان"

سوسن صابری

جان سامان محمدی را نجات دهیم

ژینو ابراهیمی

روز شنبه ۲۴ آذرماه سامان محمدی خیاره، زندانی سیاسی برای اجرای حکم شنیع اعدام به سلول انفرادی در قزل‌حصار کرج منتقل شد. سامان از معترضین ۱۳۸۸ است که درحالی‌که تنها ۱۹ سال داشت وی را بازداشت و زیر شکنجه‌های شدید وادار به اعترافات اجباری علیه خودش کردند. سامان در بیدادگاهی توسط قاضی جلاد ابوالقاسم صلواتی با اتهامات محاربه، عضویت در گروه‌های سیاسی و قتل امام‌جمعه در سنندج به اعدام محکوم شد که بعدها به دلیل نبود دلایل کافی حکمش نقض شد و به ۱۵ سال زندان کاهش یافت.

اما امروز بعد از ۱۵ سال در زندان و باوجود ابهامات زیاد در پرونده، رژیم قصد اعدامش را دارد. با خانواده سامان تماس گرفته‌اند که برای آخرین بار به ملاقاتش بروند. قرار است فردا چهارشنبه ۲۹ آذر با اذان صبح جمهوری نکبت اسلامی اعدامش کنند.

جمهوری اسلامی با صدور احکام اعدام و اجرای آن اوج ناتوانی و ترسش از مبارزات مردم و سرنگونی را به نمایش می‌گذارد. در شرایطی که حکومت با ابربحران‌های همه‌جانبه مواجه شده و در ضعیف‌ترین و بحرانی‌ترین دوران حیاتش مواجه شده می‌توانیم ماشین کشتار حکومت اعدامی را متوقف کنیم و اجازه ندهیم هیچ انسانی اعدام شود. بهر شکل و طریقی صدای سامان باشیم. در کنار

خانواده‌اش مقابل زندان قزل‌حصار تجمع کنیم و هم صدا و همبسته علیه حکم اعدام سامان بپا خیزیم.

سقوط اسد و تشدید بحران "اقتصادی"

رژیم اسلامی

سیاوش آذری

بنا بر گزارش دفتر تحقیقات کنگره آمریکا و مؤسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم، جمهوری اسلامی بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۲۳ در پروژه‌های مختلف نظامی و "اقتصادی" در سوریه که شامل ایجاد زیرساخت‌های نظامی و لجستیکی، آموزش نیروهای رژیم اسد و استقرار مستشاران خود و همچنین نوسازی و نگهداشت اماکن مذهبی و بخش مسکن می‌شود، بین ۳۰ تا ۳۵ میلیارد دلار هزینه کرده است. به دنبال سقوط رژیم اسد این زیرساخت‌ها و پایگاه‌ها به حال خود رها شده و

به دست نیروهای مخالف بشار اسد افتاده است. سرنوشت سرمایه‌گذاری‌های نهادهای وابسته به سپاه در سوریه در بخش انرژی و بازسازی شهری نیز ناروشن است و امیدی به بازیافت آنان نیست.

هدف رژیم از "سرمایه‌گذاری" در سوریه حفظ رژیم اسد که شاخه دولتی "محور مقاومت" کذایی را تشکیل می‌داد بود. رژیم قصد داشت با تأمین حضور نظامی و نیابتی خود در منطقه، حمایت از حزب‌الله، حماس و دیگر نیروهای تروریستی اسلامی ادعای قدرت منطقه‌ای بودن را حفظ کند و به سهم‌خواهی سیاسی ادامه دهد.

انتقال این مبالغ هنگفت پول در حالی صورت می‌پذیرفت که اکثریت عظیم مردم در ایران با

فقر و فلاکت معیشتی، بیکاری، تورم رسمی ۵۰ درصدی و گرانی روزافزون، مشکل مسکن و بی‌خانمانی و کمبود مایحتاج اولیه دست‌به‌گریبان بوده‌اند. رژیم در حالی دست به ساخت پایگاه‌های نظامی، سامانه‌ها و انبارهای موشکی و تونل‌های زیرزمینی در سوریه می‌زد که حتی قادر به تأمین سوخت نیروگاه‌های برق و تولید نفت و گاز موردنیاز مردم و کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی نبوده و اقتصاد کشور در ورطه ورشکستگی کامل قرار گرفته است.

اوضاع موجود نشانه صحت ادعای سیاسی بودن سرشت بحران اقتصادی رژیم اسلامی است. مسلماً ضربه سیاسی واردآمده به حکومت پس از فروپاشی رژیم اسد بازتاب اقتصادی خواهد داشت،

منجر به انزوای بیشتر رژیم و در نتیجه تعمیق فلج اقتصادی، افزایش نرخ تورم، گرانی و تشدید فقر و فلاکت معیشتی خواهد گشت.

بحران سرمایه‌داری دزدسالار اسلامی راه‌حل اقتصادی ندارد؛ این بحران پاسخی سیاسی می‌طلبد. علت استمرار و تعمیق مداوم بحران اقتصادی موجودیت رژیم اسلامی است؛ حکومت اسلامی خودِ بحران است. مردم معترض به وضع موجود بر این امر واقف‌اند و با تمدید و تشدید اعتراضات خود پرچم انقلاب خود را برخواهند افراشت و این بحران را با سرنگونی جمهوری اسلامی به پایان رساند.

پرستو احمدی و آزادی بیان

سینا پدرام

روابط‌عمومی خانه موسیقی در بیانیه‌ای به لغو بعضی کنسرت‌ها و همچنین بازداشت پرستو احمدی، احسان بیرق نوازنده و سهیل فقیه نصیری، نوازنده گیتار اعتراض کرده است. در همین خبر آمده است که خانه موسیقی از دولت مسعود پزشکیان خواست تا در زمینه مطالبات هنرمندان موسیقی به‌ویژه ممنوعیت فعالیت زنان هنرمند "بیش‌ازپیش همت گمارد" و به شعار "وفاق ملی" که وعده آن را داده است عمل کند. به اینکه خانه موسیقی از رئیس‌جمهور درخواست کرده‌اند به "وفاق ملی" پایبند باشند برمی‌گردیم.

بدون تردید، ولوله‌ای که "کنسرت فرضی" در آشیان رژیم اسلامی انداخته است تماشایی است. پیش از هر چیزی باید اقدام بجا و شایسته پرستو احمدی را ارج گذاشت و از دیگر هنرمندان خواست که به حرکات مشابه در هر سطح و اشلی که قابل حصول هست، همت کنند. حضور زنان در هر سطحی با لباس اختیاری باید به چنان قدرت اجتماعی تبدیل شود که رژیم را به شکل عملی فلج کند. از "کنسرت فرضی" تا "کنسرت واقعی" می‌توان با اقدامات مختلف پلی زد که راه و مقصد را کوتاه و سهل‌تر کند. پرستو احمدی نشان داد که رژیم اسلامی بسیار ضعیف‌تر از آن تصویری است که از خود به جهان عرضه کرده است. الدرم و بلدرم‌های رژیم با یک حرکت پرستو و گروه ارکسترش دود شد و رفت هوا.

معلوم شد که آنچه که در رژیم اسلامی تا چند سال پیش ناممکن بود، می‌شود ممکن کرد. اما هنوز می‌توان پیش‌تر رفت.

موازنه قدرت بین مردم و حکومت همچنان به نفع مردم در حال تغییر است. شکست طرح عفاف و حجاب نمونه آخر از ضعف رژیم در مقابل سیل عظیم نافرمانی زنان و سرپیچی آنان از قوانین مالیخولیایی و مذهبی این پارازیت‌های اجتماعی است.

بدون تردید اعتراض به تعرضات رژیم به آزادی بیان هنرمندان و کل جامعه از طرف خانه موسیقی قابل حمایت است اما درخواست از رئیس‌جمهوری که خود مروج حجاب اجباری

از روز اول به‌کارآمدن رژیم اسلامی بوده، باید به‌حساب محاسبات نادرست نویسندگان نامه خانه موسیقی از اوضاع سیاسی متحول ایران و فضای اعتراضی جامعه نوشته شود. جنبش‌ها و حرکت‌های اعتراضی موجود می‌باید بر خواست آزادی بی‌قیدوشرط بیان و هنر در هر شکلی از تصویری تا صوتی و غیره پافشاری کنند.

پزشکیان و "هنر ایرانیان"

سوسن صابری

در جلسه‌ای در سازمان برنامه‌وبودجه پزشکیان به خیال خودش دست به افشاگری زده است. افشای دزدی بیست میلیون لیتر سوخت در روز. رئیس‌جمهور حکومت اسلام اضافه می کند که در حوزه آب و برق و... هم وضع به همین منوال است و خودش را هم به‌خاطر این "افشاگری" بزرگ آماده اعدام می‌داند و این حد از چپاولگری خودشان را هم به هنر ایرانیان نسبت می‌دهد.

انسان بعضاً از این حد از وقاحت می‌ماند که چه بگوید. از زمانی که ایشان دانشجو بوده تا

به امروز در این چهل و اندی سال میلیاردها از ثروت مردم به غارت رفته است. از سود استثمار کارگران و مردم زحمت‌کش بگیر تا پول فروش نفت و گاز و معادن و جنگل‌ها و... که به جیب سرمایه‌داران و سران رژیم و آقازاده‌هایشان رفته و یا خرج تروریست‌های نیابتی‌شان در لبنان و یمن و عراق و حکومت اسد شده است. در این ۴۶ سال از دزدی دکل هم نگذشته‌اند و تازه امروز که دیگر هر کودک دبستانی هم صفت دزد و اختلاسگر را در کنار سایر صفات ضدانسانی این رژیم می گذارد و چپاولگری این حکومت آشکار و عیان است، پزشکیان دست به افشای بغل‌دستی‌هایش می‌زند.

باید به ایشان گفت که جوابتان را سال‌هاست ما

مردم با اعتراضات خیابانی و اعتصابات و تجمعات هر روزه داده‌ایم و می‌دهیم. "هنر" ما مردم در همین اعتراضات نهفته است. هنر ما مردم را بخصوص در ۸۸ و ۹۶ و ۱۴۰۱ شاهد بوده‌اید. امروز اطلاعات سوخته را آن‌هم تحت‌فشار مبارزات کارگران و بازنشستگان و سایر اقشار مردم و با خیال خام نجات خود، به‌عنوان افشای دزدی‌ها جا می‌زنید. آقای دکتر دیگر دیر شده است. به فکر کشوری باشید که شما را بپذیرد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۹۱۶

۱۸ دسامبر ۲۰۲۴ – ۲۸ آذر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

لغو موقت اجرای حکم اعدام سامان محمدی خیاره

حسن صالحی

نگاه "انسان‌مدارانه" رژیم به زندانیان در ایران

سهیلا دالوند

برای توقف اعدام‌ها در ایران متحد شویم

رضا درویش

زن در ایران و درد بی‌درمان علی خامنه‌ای

کیوان جاوید

یک زن معترض، یک استاندار حقیر

محسن ابراهیمی

لغو موقت اجرای حکم اعدام
سامان محمدی خیاره

حسن صالحی

زندانی سیاسی سامان محمدی خیاره قرار بود سحر گاه چهارشنبه ۲۸ آذر اعدام شود ولی خوشبختانه اجرای حکم اعدام وی به تعویق افتاد. شب گذشته شب پُر اضطرابی برای همه ما و بخصوص خانواده وی بود که از بهمن سال ۱۳۸۸ عزیزشان در اسارت جمهوری اسلامی است. سامان محمدی خیاره را به اتهام ربایش و قتل ابراهیم فرهادی امام جمعه مسجد قبای سنندج از سوی شعبه پانزدهم دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ریاست قاضی صلواتی به اعدام محکوم کردند. اتهامش را "محاربه" و عضویت در

یک "گروه ضد انقلابی" اعلام کردند.
بنا به اسنادی که کمیته بین المللی علیه اعدام به آنها دست یافته است طبق رأی شعبه اول دادگاه کیفری یک استان کردستان به تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ از سامان محمدی به لحاظ اتهام قتل به دلیل نبودن شواهد کافی و همچنین با توجه به گذشت خانواده مقتول اعلام برائت شده است و از این نظر قرار رفع تعقیب وی صادر گردیده است. همه شواهد نشان می دهد که جمهوری اسلامی حتی علیرغم رای دادگاهشان بدنبال گردنی برای طناب دارش می‌گردد تا مبادا مردم فکر کنند که رژیم کنترل اوضاع از دستش خارج شده است. علیرغم اعدام‌های گسترده زندانیان عادی توسط جمهوری اسلامی که بیشتر آنها نیز از اقشار ضعیف جامعه هستند، رژیم اسلامی در چند مورد معین مرتبط با

زندانیان سیاسی مجبور به عقب نشینی‌هایی شده است. آزادی توماج صالحی که به اعدام محکوم شده بود، لغو موقت حکم اعدام شریفه محمدی و مجاهد کورکور از نمونه‌هایی هستند که رژیم جنایتکار اسلامی به دلیل اعتراضات گسترده در ایران و جهان مجبور شد عقب بنشیند. حالا قرار است تاوان این عقب نشینی‌ها را امثالی نظیر سامان محمدی خیاره بپردازند که پانزده سال گروگان جمهوری اسلامی بوده و حتی دادگاه‌های خودشان رأی به برائت وی داده‌اند.

سامان محمدی به مدت پانزده سال در زندان است و اکنون ۳۴ساله است. با اینکه در باره وی خبررسانی زیادی نشده بود ولی مردمان زیادی به ندای خانواده وی پاسخ مثبت دادند و برای نجاتش به حرکت در

آمدند. همین‌ها باعث به تعویق افتادن حکم اعدام این زندانی سیاسی گردید. ولی او هنوز در خطر اعدام قرار دارد و ما باید برای نجات قطعی وی از مرگ به مبارزه ادامه دهیم. حکم اعدام سامان باید فوراً لغو شود!

نگاه "انسان‌مدارانه" رژیم به زندانیان در ایران

سهیلا دالوند

غلامعلی محمدی، رئیس سازمان زندان‌های جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه ۲۷ آذرماه در مورد وضعیت زندان‌ها گفت: "در زندان‌ها توجه بسیاری به حقوق شهروندی زندانیان و رفاهیات آنان می‌شود، اما متأسفانه مغرضین سعی در جوسازی دارند." او افزود: "در زندان‌ها به زندانی صرف‌نظر از جرم، سابقه و وضعیت قضایی نگاه انسان‌مدارانه داریم."

وقاحتی در این سطح از زندانبان اصلی جمهوری

قابل‌انتظار است. همین چند روز پیش سازمان حقوق بشر گزارشی تحت عنوان "زندان قرچک جهنم زنان و کودکان" از وضعیت ضدانسانی زندان قرچک، بر اساس روایات مستند از قول زندانیان محبوس در این زندان منتشر کرد که نشان می‌دهد زندانیان حتی از ابتدایی‌ترین امکانات مثل آب آشامیدنی مناسب و سیستم گرمایشی هم برخوردار نیستند.

در زندان‌های جمهوری اسلامی محرومیت از دارو و درمان به‌عنوان ابزار شکنجه زندانیان به کار می‌رود و زندانیان سیاسی و عقیدتی به دلیل محرومیت از دارو و درمان جانشان را از دست می‌دهند. بکتاش آبتین فقط یک نمونه است که به دلیل عدم برخورداری از درمان جان باخت.

همچنین در زندان‌ها گرفتن اعترافات اجباری تحت‌فشار و شکنجه روش دیگری برای صدور احکام اعدام بکار برده می‌شود. جوانان اکباتان یک نمونه هستند که با اعتراف اجباری زیر شکنجه به اعدام محکوم شده‌اند.

علی‌رغم ادعاهای وقیحانه سران رژیم، طبل رسوایی حکومت سرکوب و شکنجه و اعدام سال‌هاست با صدای بلند به صدا درآمده است. درحالی که هر روز زندان‌های بیشتری به شنبه‌های اعتراضی می‌پیوندد، مجمع‌عمومی سازمان ملل روز سه‌شنبه ۲۷ آذر قطعنامه محکومیت نقض حقوق بشر در ایران که ماه گذشته به تأیید کمیته سوم این مجمع رسیده بود را تصویب کرد. این قطعنامه یک شاهد دیگر بر رسوایی

حکومت اسلامی و دستگاه سرکوب و زندان‌هایش در سطح بین‌المللی است.

دیر نیست روزی که درهای زندان‌ها با انقلاب مردم شکسته خواهد شد و آنگاه ابعاد وسیع توحش و شکنجه و کشتار در زندان‌های جمهوری آشکار خواهد شد و حکام اسلامی و زندانبانان و شکنجه‌گرانشان محاکمه خواهند شد.

برای توقف اعدام‌ها در ایران متحد شویم

رضا درویش

حکم اعدام سامان محمدی خیاره، زندانی سیاسی ۳۴ساله اهل سنندج چهارشنبه ۲۸ آذر متوقف و او به داخل بند بازگشت. خانواده سامان که از شنیدن خبر توقف اجرای حکم اعدام فرزندشان خوشحال‌اند، همچنان در باره وضعیت فرزندشان در بلاتکلیفی به سر می‌برند.

رژیم‌های سرکوبگر با صدور حکم اعدام تصور می‌کنند می‌توانند مبارزات حق‌طلبانه را متوقف

و مردم را از مطالبه حقشان منصرف کنند. جمهوری اسلامی یک نمونه مثال‌زدنی از این نوع حکومت‌هاست. بندناف این رژیم را با اعدام بریده‌اند. اعدام‌های اوایل انقلاب روی پشت‌بام مدرسه رفاه و اعدام‌های دهه شصت نمونه‌های بارزی هستند که در محاکم بین‌المللی بپای این رژیم نوشته شده است.

ایجاد ترس در میان مخالفان یکی از مهم‌ترین اهداف سرکوب سازمان‌یافته از سوی رژیم است. علاوه بر این رژیم تصور می‌کند که وقتی فردی زندانی می‌شود عملاً فعالیتش متوقف شده و این خود نوعی اختلال در مبارزات مردم محسوب می‌شود. البته رژیم این امید واهی را نیز دارد که دیگر فعالین دست از مبارزه بردارند. رژیمی که جز

سرکوب پاسخی برای مطالبات مردم ندارد وقتی با تداوم مبارزات مواجه می‌شود چاره را در تشدید سرکوب‌ها می‌بیند و در همین راستا از پرونده‌سازی و صدور احکام طولانی‌مدت، شکنجه‌های روانی و جسمی در زندان و نهایتاً حکم اعدام استفاده می کند. اینها اجزای تشکیل‌دهنده ماشین سرکوب رژیم‌اند.

عدم کارایی ماشین کشتار و سرکوب رژیم برای فعالین در عمل اثبات شده است. اعتراضات و مطالبات مردم در اشکال متنوع تر مبارزه ادامه دارد. مطالبات و اعتصابات کارگری، مبارزه دانشجویان با جو امنیتی در دانشگاه‌ها، مقاومت گسترده زنان علیه حجاب اجباری، اعتراضات و مطالبات معلمان و بازنشستگان همه از عدم کارایی ماشین

سرکوب رژیم گواهی می‌دهند.

مبارزه علیه اعدام با کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" درون زندان‌ها، همان جایی که این قتل‌های عمد دولتی روی می‌دهند در جریان است. فریاد حق‌طلبانه "اعدام نکنید" از سوی خانواده‌های زندانیانی که حکم اعدام دریافت کرده‌اند جلوی مجلس شنیده می‌شود. کارزار جهانی علیه اعدام گروه‌ها و شخصیت‌های مخالف اعدام را گرد هم سازمان داده است. جنبش علیه اعدام هم اکنون یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مبارزه علیه رژیم است.

زن در ایران و درد بی‌درمان علی خامنه‌ای

کیوان جاوید

خامنه‌ای در دیدار با گروهی از زنان حامی حکومت با تأکید بر حجاب اسلامی گفت: "بی‌بندوباری‌های امروز در غرب نیز نسبتاً جدید است." او افزود: "توصیف زن اروپایی در آثار ادبی دو سه قرن پیش نشان می‌دهد در غرب نیز ملاحظات زیادی در مسئله زن وجود داشته است."

زن در اسلام و باور خامنه‌ای و همه تهی‌مغزهای

اسلامی همیشه در پستوی خانه معنی می‌داد. زن بنا به آموزه اسلامی ضعیف، بی‌اراده، بی‌دست‌وپا، مطیع و فرمان‌بردار است و بی‌هیچ اراده‌ای باید به شوهر سرویس جنسی بدهد و بچه‌داری و پخت‌وپز کند.

جمهوری اسلامی و خیل آخوندهای گندیده مغز با همین فرهنگ رشد کرده و بی‌وقفه تلاش کردند همین فرهنگ عقب‌مانده و پوسیده عصر حجری را به زنان و همه مردم در ایران تحمیل کنند. خمینی از کندن پوست زنان بی‌حجاب گفت و خامنه‌ای در خفا فرمان اسید پاشیدن به‌صورت زنان "بدحجاب" را داد. اما زنان داستان دیگری آفریدند. آنها پشت خدای جهالت، ذلالت و رسالت

اسلامی در پهنه ایران را به خاک مالیدند و انقلابی را خلق کردند که جهان را مبهوت و شگفت‌زده کرد و تحسین همگان را از این شجاع‌ترین شجاعان تاریخ معاصر بر انگیخت.

حالا خامنه‌ای به یاد قرون‌وسطی افتاده است، زمانی که کلیسا و اسلام با یک دستور واحد دمار از روزگار زنان در می‌آوردند و زنان نافرمان را به‌عنوان جادوگر در آتش خشم مذهب می‌سوزاندند. در اروپا و مشخصاً در فرانسه، انقلابی در گرفت که مذهب را از زندگی خصوصی مردم و محیط کار و تحصیل جارو کرد که تا حد زیادی اولین آزادشدگان این انقلابات زنان بودند. جامعه مذهب را در مقیاس وسیع کنار گذاشت و زن یک‌قدم به

آزادی و رهایی نزدیک‌تر شد. زن در اروپای امروز به‌مراتب آزادتر، رهاتر و دور از خرافه مذهب، از زندگی، بهتر و بیشتر لذت می‌برد. آیا کسی شکی دارد که خامنه‌ای در کابوس نام مهسا و نیکا و سارینا و حدیث و آهو و پرستو و میلیون‌های زن قهرمان دیگر خواب ندارد؟

با مسرت و شادمانی تمام به خامنه‌ای می‌گوییم این زنان قهرمان در ایران هستند که نگاه تاریخ را به نقش زن بیش از این عوض می‌کنند و دمار از روزگار مذهب و اسلام در می‌آورند و آتش بر مناره‌های جهل و خرافه می‌کشند. انقلاب زنانه بر در می‌کوبد و خامنه‌ای را در کنج دیوار بیت خود می‌لرزاند.

یک زن معترض، یک استاندار حقیر

محسن ابراهیمی

روز ۲۶ آذر، اهواز صحنه نمایش قدرت یک زن جسور در مقابل یک استاندار حقیر بود.

در این روز، بعد از فروریزی یک ساختمان شش طبقه در خیابان زاهد در کوی زیتون، استاندار خوزستان همراه اوباش امنیتی‌اش به محل حادثه می‌رود تا مثلاً نشان دهد که خدمتگزار مردم است! اما زنی آگاه و معترض چشم در چشم او

با سخنان بی‌پروایش کاسه‌کوزه شیادی استاندار را به هم می‌ریزد. نمایش ریاکارانه او را به صحنه محاکمه او، حکام اسلامی، خامنه‌ای و کل نظام اسلامی بدل می‌کند.

رفتار حقیرانه و مزورانه استاندار دست‌به‌سینه در مقابل آن زن، یک‌بار دیگر حال‌وهوای انقلاب زن زندگی آزادی را منعکس کرد. اعتراض آن زن اهوازی انعکاسی از نفرت و آگاهی و جسارت یک جامعه به وسعت ایران، و حقارت آن استاندار جلوه‌ای از حقارت حکومتی است که سرانش شب‌ها با کابوس بازگشت مردم برای سرنگونی سر بر بالین خونینشان می‌گذارند. در این تقابل، قدرت یک انقلاب و حقارت یک حکومت را می‌بینیم. جریان

رودخانه عظیم انقلاب زن زندگی آزادی زیر پوست شهر را می‌بینیم.

وقتی استاندار به وعده‌سرخرمن "ان‌شاءالله دنبال می‌کنیم" متوسل شد، خشم و نفرت بیشتر تحویل گرفت: "همه‌اش دروغ میگین. دل من خونه برای آون خانم خونه‌دار که ذره‌ذره اساسشو جمع کرده. دزدی که نکرده که راحت بخواد میلیاردی اختلاس کنه شوهرش که بره اینارو بخره."

با تکرار "ان‌شاءالله هر کاری از دستمون بر بیاد کمک می‌کنیم" فریادی حتی بلندتر تحویل گرفت: "هر کاری؟ همه کار باید بکنید. تا حالا هی گفتین هر کاری از دستمون بر بیاد. از اون

رهبر گرفته. فقط فلسطین، لبنان، سوریه. خوب اینجا بدتر از لبنان و سوریه است الان. خودمون بدتر از لبنان و سوریه‌ایم.“

فقط یک پچ‌پچ کوتاه با اوباش امنیتی کافی بود تا معترض بی‌پروا، استاندار بزدل را تحقیر کند که ”“نترس، توهین نمی‌کنم. اگر هم توهین بکنم حقمه“ و حتی عمق راهبردی رهبر را به سخره بگیرد: ”به ما چه عراق و سوریه... این هم از سوریه‌تان“ و بالاخره به بنیان‌گذار عمارت اسلامی بتازد: ”خیر نبینه اونم که این حکومتو آورد رو سر ما گذاشت... یک پدربزرگ داشتم گفت نرین دنبال این آخوندها. اینا نفسشون عین ملخه. بخوره بهتون میسوزودتون. راست می گفته. مثل یک ملخ که میزنه مزرعه رو میسوزونه، سوزوندنمون.“

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۱۷

۱۹ دسامبر ۲۰۲۴ – ۲۹ آذر ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

بحران سوخت نیز به ابربحران تبدیل شد

سینا پدرام

باندهای سپاه پاسداران و قاچاق نفت

عبدل گلپریان

ژیزل در فرانسه و ضرورت انقلاب زنانه

کیوان جاوید

زن زندگی آزادی بر روی صحنه تئاتر ملی پراگ

آذر پویا

بحران سوخت نیز به ابربحران تبدیل شد

سینا پدرام

دیروز و امروز خبرهای مختلفی از افت انرژی، خاموشی‌های مکرر، کمبود مواد سوختی و گرمایشی، افت تولید فولاد و سیمان به واسطه خاموشی برق در صنایع مختلف و غیره در رسانه‌های ایران گزارش شده است که بیشتر از هر چیزی وضعیت بحرانی اقتصاد رژیم اسلامی را نشان می‌دهند.
اما کامنت‌ها و اظهار نظرات کار به دستان و حواریون رژیم اسلامی فوق‌العاده رقت‌آور است.

عالم‌وآدم در مورد کهنه بودن زیرساخت‌ها و اتلاف برق در شبکه برق‌رسانی ایران صحبت می کنند ولی

خانم معصومه ابتکار که همواره نگران حال رژیم اسلامی است ، یک‌باره "پلتیک" می‌زند و وضعیت گرمایش خانه‌ها در اروپا و ایران را مقایسه می کند و می گوید: در بسیاری کشورهای اروپایی سیستم گرمایش مرکزی چند ساعت بیشتر گرمای خانه‌ها را تأمین نمی‌کند و بقیه ساعات افراد باید لباس گرم بپوشند و در و پنجره‌ها را ببندند تا دوباره نوبت گرمایش آنها فرابرسد.

واقعاً کسی نیست که به حضرت خانم توضیح مختصری در مورد تفاوت سیستم‌های انرژی‌رسانی در اروپا با رژیم اسلامی بدهد و از ایشان خواهش کند که هر موقع تقی به توقی می‌خورد فوری یاد مقایسه مع‌الفارق‌ها نیفتد.

ایران یکی از بزرگ‌ترین دارندگان منابع گازی دنیاست که حداقل در حال حاضر یکی از سوخت‌های پاک برای تأمین انرژی است. نبود برق در ایران ارتباط مستقیم با سیاست‌های دزدسالارانه رژیمی دارد که همه چیز را به شکل یک مافیای تودرتو اداره می کند و به نیازهای مردم هیچ اهمیتی نمی‌دهد.

سیاست اقتصادی رژیم را در یک‌کلام می‌توان رهاکردن‌شهروندان‌در کام‌فاجعه‌هاونابسامانی‌های اقتصادی تعریف کرد. سیاست دزدسالارانه و رانتی نتیجه‌ای جز این ندارد.

مطالبات جنبش‌های اجتماعی جایگاه ویژه‌ای در

مقابله با این حملات ضدمردمی و ضد رفاهی رژیم دارد. پرستاران، معلمان، بازنشستگان و کارگران همه‌وهمه مشترکاً باید در مقابله با این تعرضات بایستند. به‌جای قطع برق شاهراه‌ها و به خطر انداختن جان مردم در جاده‌های عمومی باید رژیم را واداشت که برق اماکن غیرضروری مذهبی، نظامی را خاموش کند و هر چه زودتر با خرید برق از دیگر کشورها وضعیت روشنایی و گرمایشی شهرها و خانه‌ها را به وضعیت قابل‌قبولی برساند. مبارزه متحدانه برای خواست‌های رفاهی و سیاسی تنها راه مقابله با حکومتی است که نفس‌های آخر را می‌کشد.

باندهای سپاه پاسداران و قاچاق نفت

عبدل گلپریان

خبرگزاری رویترز گزارش داده است که سپاه پاسداران کنترل خود بر صنعت نفت ایران را افزایش داده و نیمی از صادرات نفت را، که منبع عمده درآمد جمهوری اسلامی و تأمین هزینه‌های نیروهای نیابتی آن در خاورمیانه است، در اختیار دارد. بر اساس این گزارش، که رویترز چهارشنبه ۲۸ آذر آن را با استناد به اظهارات بیش از "دوازده تن" از مقام‌های غربی، منابع امنیتی و افراد مطلع در داخل ایران تهیه کرده است، سپاه پاسداران از طریق شرکت‌های صوری و"ناوگان اشباح"، نفت تحریم شده را به‌صورت مخفیانه و عمدتاً به مقصد

چین حمل می‌کند.

علی‌رغم صحت خبر خبرگزاری رویترز، برای مردم ایران این خبر تازه نیست چرا که سال‌ها پیش احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور حکومت اسلامی در جریان جنگ و جدال‌های حکومتی از نقش سپاه پاسداران و دیگر نهادهای زیر مجموعه آن در قاچاق نفت و بسیاری از فراورده‌های داخلی کشور، از آنان به‌عنوان "برادران قاچاقچی" نام برد. اکنون بر کسی پوشیده نیست که اقتصاد کشور و سرمایه و هستی مردم ایران توسط سپاه پاسداران در جهت تأمین نیازهای دارودسته‌های نیابتی، در یمن، عراق، نوار غزه و لبنان، هزینه شده.

این در حالی است که مردم در ایران از ابتدایی‌ترین

نیازهای رفاهی زندگی روزمره، از برق، آب، گاز و دیگر امکانات، خوراکی و بهداشتی بی‌بهره هستند. افزایش قیمت سرسام‌آور مایحتاج روزانه تا دوبرابر آن‌هم اگر این نیازها قابل دست‌یافتن باشد، بالارفتن قیمت دلار و بی‌ارزش شدن هر روزه ریال و کاهش لحظه‌به‌لحظه قدرت خرید مردم و ده‌ها مشکل و معضل عدیده دیگر، مردم با زندگی زیر خط گرسنگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

تحمیل این وضعیت دهشتناک از سوی حاکمان، باندها و دارودسته‌های قاچاقچی و تروریست سپاه پاسداران پایانی ندارد. تلاش برای انزوای بین‌المللی رژیم، در دستور گذاشته شدن سپاه در لیست تروریستی توسط دولت‌های غربی و نهایتاً بایکوت سیاسی رژیم از یک سو و از سوی دیگر

ادامه حرکت‌های اعتراضی که این روزها در میان اقشار مختلف مردم در حال سربلند کردن است، بدون تردید انفجار بس عظیم و قدرتمندتر از ۱۴۰۱ در سراسر کشور را با خود به دنبال خواهد داشت. مردم خشمگین، معترض و انقلابی در ایران راهی جز پایان‌دادن به کل دستگاه سرکوب و غارت حکومت اسلامی که در بحران‌های همه‌جانبه گرفتار است ندارند.

ژیزل در فرانسه و ضرورت انقلاب زنانه

کیوان جاوید

قضات در فرانسه دومینیک پلیکو، همسر سابق ژیزل پلیکو را برای تجاوز جنسی به او مجرم شناختند و او را به بیست سال زندان محکوم کردند.

احکام صادره تا این لحظه برای پنجاه نفر از متجاوزان دیگر در این پرونده بین ۳ تا ۱۵ سال اعلام شده است. فیلم‌های به دست آمده از کامپیوتر دومینیک پلیکو پرده از این تجاوزات طولانی‌مدت برداشته است.

این لحظه‌ای تاریخی در یکی از بزرگ‌ترین

محاکمات مربوط به تجاوز بود. در بسیاری از مواقع با توجیه عدم مدارک کافی یا با بی‌توجهی قانونی، متجاوزین یا احکام بسیار سبکی دریافت می‌کنند یا اصولاً تبرئه می‌شوند یا وقتی زنان به پلیس مراجعه می‌کنند اظهاراتشان نادیده گرفته می‌شود.

داستان ژیزل متفاوت است. این زن به مدت ۱۰ سال توسط شوهرش با استفاده از داروهای قوی خواب آور بی هوش شده و با سازماندهی شوهرش مورد تجاوز بیش از ۷۰ نفر قرار گرفته است. از این تعداد پنجاه تجاوزگر شناسایی و طی جلسات متعدد محاکمه و محکوم شدند.

ژیزل خواهان دادگاهی علنی و نمایش همه

ویدئوهای ضبط شده حین تجاوز به خود شد تا همه زنان در جهان ببینند و جامعه هوشیار باشد و آگاهی پیدا کند. شجاعت ژیزل در علنی کردن این دادگاه مثال‌زدنی و درس‌آموز است.

امروز پنجشنبه ۲۹ آذر، ژیزل در حالی به دادگاه رسید که افرادی با فریادهای حمایت و تشویق در بیرون از دادگاه از او استقبال کردند. نمونه این زن که به قهرمان بسیاری در جهان تبدیل شده است تنها یکی از میلیون‌ها تجاوز مستمر در جهان علیه زنان است. زنان قربانیان تجاوز در همه جنگ‌ها بوده و هستند. زنان قربانیان تجاوز در خانه و محل کار و خیابان هستند. زن مورد تجاوز قرار می‌گیرد نه به این دلیل که جسماً به‌اندازه مردان قوی‌هیکل نیست؛ بلکه

به این دلیل که این جهان بر اساس مردسالاری سازمان‌یافته است. فرهنگ غالب بر جهان مردسالاری است.

در بخش دیگری از این جهان، حکومت‌های مذهبی و اسلامی با استناد به اینکه مرد صاحب زنش است، تجاوز به زنان را به رسمیت نمی‌شناسند و اینجا تجاوز شوهر به زن محلی از اعراب ندارد. نمونه ژیزل نشان داده است جهان به انقلاب زنانه نیاز دارد. انقلابی از نوع انقلاب زن زندگی آزادی در ایران برای رهایی زنان و همه جامعه.

زن زندگی آزادی بر روی صحنه تئاتر ملی پراگ

آذر پویا

مبارزه‌ای بی‌امان که حدود ۲ سال پیش با قتل مهسا امینی شروع شد و به اسم زن زندگی آزادی تمام مرزها را در نوردید هر روز در ابعاد تازه‌ای جان گرفته و در گوشه دیگری از جهان به جلوی صحنه میاید. انقلاب زن زندگی آزادی این بار در صحنه تئاتر ملی پراگ همراه با رقص و در لباس تازه‌ای بنام باله "شهرزاد" به نمایش درآمد و جلوه دیگری از شجاعت و مبارزات زنان در ایران را به نمایش گذاشت.

این تئاتر بر اساس داستان‌های هزار و یک

شب توسط مائورو بیگونزتی، طراح و کارگردان سرشناس رقص از ایتالیا کارگرانی شده است. در این تئاتر مائورو با برجسته‌کردن شخصیت "شهرزاد افسانه هزار و یک شب" و با نماد بریدن موهایش، به مبارزات مردم ایران در سال ۱۴۰۱ و نقش تعیین‌کننده زنان در این مبارزات اشاره دارد. شهرزادی که به گفته بعضی‌ها می‌توان در خیابان‌های شهرهای ایران سراغش را گرفت.

بعد از خلوت‌شدن خیابان‌ها، بعضی‌ها تصور می‌کردند این جنبش هم مانند خیزش‌های قبلی رو به خاموشی خواهد نهاد، ولی تمام شواهد نشان می‌دهد که این انقلاب سر باز ایستادن ندارد و هر روز در شکلی تازه و با عمق بیشتر و

سازمان یافته تری حضور خود را به نمایش می گذارد. حرکات اعتراضی از جنس عکس‌العمل زیبای آهو دریائی و جواب دندان‌شکنش به نمایندگان الله، کنسرت مجازی پرستو احمدی که تحسین میلیون‌ها نفر را برانگیخت، صحبت‌های جسورانه زن اهوازی در مقابل استاندار حقیر و هزاران نمونه دیگر ابتکارات فردی در ایران، جوایز متعدد به کارگَردانان فیلم‌های مرتبط با این اعتراضات از جمله فیلم "دانه انجیر معابد" نامزد جایزه اسکار و گلدن‌گلوب و حالا تئاتر باله شهرزاد در پراگ گویای ابعاد جهانی این انقلاب و یادآور ادامه مبارزه بی امانی است که برای رسیدن به آزادی در رگ‌های مردم جاری است. بیان هنرمندانه این اشکال از مبارزات، همین‌طور اعتراضات خیابانی و

هرروزه اقشار مختلف مردم نشانه امتداد اعتراضات سال‌های گذشته و کوتاه‌نیامدن تمامی انسان‌های آزادی‌خواه و برابری‌طلب در مقابل یک حکومت به‌شدت متحجر و افسارگسیخته ولی بی‌افق و متشتت است. مردم با حضورشان در خیابان‌ها و با شعارهای کوبنده‌شان نشان داده‌اند که ایستاده‌اند تا پایان. پایانی نه‌چندان دور.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۱۸

۲۱ دسامبر ۲۰۲۴ – ۱ دی ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال:

یلدا، زیباترین شب سال

منظر دریاکناری

وحشت حکومت از اعتراضات گسترده کارگری

شهلا دانشفر

آهو دریایی زنی از جنبش رهایی زنان

عطیه نیک‌نفس

ده‌ها هزار زن در ورزشگاه "نقش‌جهان"

کیوان جاوید

اَبَر – قاچاق سوخت و اقتصاد دزدسالارانه!

سینا پدرام

سوریه: مردم نظام غیردینی می‌خواهند

کاظم نیکخواه

یلدا، زیباترین شب سال

منظر دریاکناری

یلدای زیبا با انارهای دان دان و هندوانه قاچ‌قاچ و آجیل‌های جورواجور از یاد رفتنی نیست. یلدا پیر و جوان و زن و مرد نمی‌شناسد. مراسمی به‌دور از مذهب و به‌دور از غم و غصه اسلامی. در این شب، نه صدای گوش‌خراش بلندگوهای مراسم ماه محرم اعصاب و روان کسی را آزار می‌دهد نه قرار است سر از تن گوسفندی جدا شود تا مؤمنانی مسلمان از خون ریخته شده این "حیوان زبان‌بسته" صواب ببرند. طبعاً همچون ماه رمضان کذایی هم قرار نیست در خیابان و محل کار و انظار عمومی برای آشامیدن و خوردن، کسی بازداشت شود یا اینکه

شلاق بخورد.

یلدا با ارتجاع اسلامی یک‌دنیا فاصله دارد. جشن تلاش انسان برای ادامه زندگی؛ جشن دوست‌داشتن و دوست داشته شدن، جشن پیروزی شدن بر تاریکی و جشن امید برای رسیدن به صبح درخشنده است.

اما این یلدای زیبا فقط در محاصره مراسم‌های ارتجاعی و اسلامی نیست. یک دشمن آشکار و بزرگ دیگری هم دارد. این دشمن برای همه ما مردم در ایران شناخته شده است و چهره هیولاواری دارد. "افعی ای هفت‌سر" اما رو به موتی به نام حکومت اسلامی که دشمن شادی و زندگی و زیبایی است.

این حکومت دزدان فاسد اگر چه رسماً نمی‌تواند

یلدا را غیرقانونی کند و با وارد کردن اتهام به مردم به‌عنوان برهم‌زنندگان امنیت ملی و همکاری با دشمنان بیگانه جلوی شادی مردم را بگیرد، اما توانسته است شادی این شب زیبا را به کام مردم تلخ کند. ابزار حکومت برای این کار چیزی جز از فقر و گرانی و فلاکت اقتصادی نیست. قیمت‌ها در این روزها سر به آسمان می‌ساید. خرید آجیل و انار و هندوانه دیگر دارد به رویایی دور دست تبدیل می‌شود. رنگین کردن سفره یلدا با شیرینی‌های متنوع برای بسیاری از مردم زیادی لوکس شده است. این داستان فقر، سر درازی دارد.

علیرغم این‌همه رنج اما مردم خوب می‌دانند باید یلدا را جشن بگیرند هر چند که سفره‌شان خالی باشد. این یک نبرد سیاسی و فرهنگی با حکومت

اسلامی است. این تلاش و انتخاب عمومی مردمی است که تصمیم گرفته‌اند پایانی باشند بر این شب تیره و تار و سرودی باشند برای زندگی بهتر همراه با روشنایی هرچه تمام‌تر. یلدا مبارک باد.

وحشت حکومت از اعتراضات گسترده کارگری

شهلا دانشفر

ابراهیم عزیزی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی طی اظهاراتی در واکنش به اعتراضات گسترده بخش‌های مختلف کارگری اعلام‌خطر کرده و می‌گوید: "اگر تصمیمات درستی دررابطه‌با مشکلات قشر کارگر اتخاذ نشود، اثرات جدی و نگرانی‌هایی به وجود خواهد آمد... رفع مشکلات کارگران می‌تواند به امنیت ملی کشور کمک کند".

این گفته‌ها نمایانگر وحشت کل حکومت از شرایطی است که خیزش قدرتمند مردمی را در

چشم‌انداز قرار داده است؛ شرایطی که بخش‌های مختلف کارگری نقش فعالی در روند روبه‌جلوی آن دارند.

واقعیت این است که اقتصاد تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اقتصادی عمیقاً بحران‌زده است. ضربات مهلکی که بر حکومت وارد شده، به‌ویژه سقوط بشار اسد، آن را در موقعیت ضعیف‌تری قرار داده و صفوفش از هر وقت متشتت‌تر است. این وضعیت و بساط دزدسالاران حاکم اقتصاد را به مرز فلج کامل رسانده است. قطع برق، گاز، آب و در کنار اینها مازوت‌سوزی و آلایندگی بالای هوای شهرها حرکت جامعه را مختل کرده است. از جمله مراکز تولیدی به تعطیلی کشیده و بهانه‌ای دیگر برای نپرداختن دستمزدها و بیکارسازی‌ها

شده است. این وضعیت جامعه را به مرز انفجار رسانده است.

با تضعیف حکومت مردم که همواره تداوم انقلاب زن زندگی آزادی را فریاد زده‌اند، در موقعیت تعرضی‌تری قرار گرفته و اعتراضاتشان کیفیت دیگری پیدا کرده است. کنسرت بی‌حجاب پرستو احمدی و اعتراضات قدرتمندی از نوع تجمع پنج هزارنفره کارگران ارکان ثالث در مجتمع پارس جنوبی همراه با خانواده‌ها و با اولتیماتوم "این آخرین پیام است بدون ما کار شما تمام است" بروزات بارز این شرایط‌اند.

اعتراضات کارگران و مردم شهرک‌های صنعتی در چند روز اخیر به‌خاطر قطعی برق که نطفه‌هایی

از شورش‌های شهری را رقم زده و نیز تجمعات سراسری پرستاران، بازنشستگان و دانشجویان علیه افزایش نرخ شهریه‌ها و اعتراضات معلولین مثال‌های دیگری است و لیست وسیع است.

بعلاوه درحالی‌که سطح نازل حقوقها در برابر گرانی‌های روزافزون و سقوط هر روزه ارزش ریال یک موضوع در کانون‌های داغ اعتراضی از جمله در نفت است، نزدیک‌شدن آخر سال و موعد تعیین حداقل دستمزدها نگرانی حکومت را شدت می‌دهد.

به‌خاطر این روند به آخر خط رسیدن حکومت و به زیر کشیده‌شدنش توسط مردم است که چنین هشدارهایشان بالا گرفته است.

آهو دریایی زنی از جنبش رهایی زنان

عطیه نیک‌نفس

”جمعی از فعالان دانشجویی در دانشگاه‌های مختلف ایران در بیانیه‌ای با حمایت از زنان و حرکت اعتراضی آنها برای رسیدن به حقوق قانونی و آزادی‌های فردی، از آهو دریایی، دختر علوم و تحقیقات، دفاع و تشکیل پرونده بیماری روانی برای او را محکوم کردند.“

این اولین‌بار نیست که جمهوری زن‌ستیز اسلامی برای زنی مبارز پرونده بیماری روانی تشکیل داده است. اما موضوع این است که حربه رژیم آن‌قدر نخ‌نماست که هیچ‌کس حتی لحظه‌ای به داشتن مشکل روانی آهو فکر هم نکرد، همه آزادی‌خواهان

او را تحسین کردند و جسارتش تا چند روز تیتر روزنامه‌های جهان شد.

و همانطور که به‌درستی در بیانیه دانشجویان آمده: "اصرار داریم و تأکید می‌کنیم که کنش دختر علوم و تحقیقات درخششی یک‌باره نبود و هرگونه تار یخ‌زدایی از شورش او کج‌فهمی‌ای خام‌اندیشانه است چرا که دستان آهو را در دستان هما، ویدا و دیگر زنان عصیانگر است که نامی از آن‌ها نمی‌دانیم."

بعد ۴۶ سال سرکوب و شکنجه زنان توسط رژیم و پیشروی‌های جنبش رهایی زنان تا تحمیل عملی بی‌حجابی به رژیم، جمهوری اسلامی آن‌قدر در تنگناست که برای خلاصی از فشارهای داخلی و

خارجی می‌خواهد این‌طور موضوع را جلوه دهد، که آهو بیمار است، درحالی‌که بیماری که نفس‌های آخرش را سر می‌دهد خود رژیم ضدزن اسلامیست که زنان با اعتراضات متشکل و درخشان پرونده‌اش را برای همیشه خواهند بست.

آهو دریایی و تمامی زنانی که با دادن هزینه‌های سنگین حق‌طلبی می‌کنند و هرگز در تمام این ۴۶ سال اسلام و قوانین سرکوبگرانه‌اش را نپذیرفتند، نقش‌آفرینان جسور جنبش رهایی زنان هستند که انقلاب زن زندگی آزادی را به ثمر می‌نشانند.

ده‌ها هزار زن در ورزشگاه "نقش‌جهان"

کیوان جاوید

در مسابقه بین تیم‌های فوتبال سپاهان و پرسپولیس حدود ۴۵ هزار زن اجازه یافتند در ورزشگاه "نقش‌جهان" اصفهان حضور پیدا کنند. جیانی اینفانتینو، رئیس فیفا، روز پنج‌شنبه ۲۹ آذر نوشت که از حضور زنان در این بازی از لیگ برتر ایران مطلع شده و "بسیار خرسند" است.

در این مسابقه فوتبال، رژیم از ورود مردان به ورزشگاه جلوگیری کرده است تا به قول خودش "زنان در معرض فحش‌هایی که مردان در ورزشگاه می‌دهند قرار نگیرند". در واقع با این تاکتیک

احمقانه می‌خواهد شکست خود در برابر زنانی که سازنده انقلاب زن زندگی آزادی هستند را پرده‌پوشی کند. باید به این اوباش اسلامی گفت در فرامین حکومتی و دستورها و احکام اسلامی دیدن بدن نیمه‌برهنه مردان غریبه گناه است و زن نباید حتی در برابر تلویزیون خانه خودش هم شاهد دیدن چنین مسابقاتی باشد و به این دلیل ورود زنان به ورزشگاه ثبت یک عقب‌نشینی دیگر در کارنامه رژیم است.

نکته حائز اهمیت دیگر، "بسیار خرسند" شدن جیانی اینفانتینو، رئیس فیفا و تشکرش از مقامات جمهوری اسلامی است. بله این یک تحول است، اما نباید این را از حکومت اسلامی پذیرفت که

هم‌زمان مردان از دیدن مستقیم فوتبال محروم شوند. دیدن هر مسابقه‌ای و از جمله فوتبال و حضور در ورزشگاه‌ها، از ابتدایی‌ترین حقوق همه شهروندان است. عقب‌نشینی جمهوری اسلامی را دراین‌رابطه باید تکمیل کنیم. تشکر از مقامات رژیم بی‌معنی است.

اصل قضیهٔ اجازه یافتن انبوه زنان در ورزشگاه این است که رژیم زیر ضربات شدید جنبش انقلابی زن زندگی آزادی مدام در حال عقب‌نشینی و نوشیدن پیاپی جام‌های زهر بیشتری است. در چنین شرایطی ما مردم در هیچ ایستگاهی توقف نمی‌کنیم. ما مردم می‌رویم تا قله را فتح کنیم. هر عقب‌نشینی رژیم به ما مردم فرصت جدیدتری

می‌دهد تا با امکانات و بکار گرفتن قوای بیشتر دست به پیشروی‌های گسترده‌تری بزنیم. وضعیت فعلی رژیم به ما می گوید که دشمنان ما مفلوک‌تر و زبون‌تر از هم زمان دیگر فقط مجبورند در برابر ما کوتاه بیایند. این عقب‌نشینی‌ها را هیچ یک از ما مردم به‌حساب عاقل شدن رژیم نمی گذاریم. حضور ۴۵ هزار زن در ورزشگاه نقش‌جهان اصفهان تنها حاوی این پیام به جامعه است که با تمام قوا باید به‌پیش رفت، زیرا حکومت خسته‌تر، متفرق‌تر و بحرانی‌تر از همیشه است. برای پیروزی انقلابمان به‌پیش!

اَبَر – قاچاق سوخت و اقتصاد دزدسالارانه!

سینا پدرام

مدیر اتحادیه کشوری سوخت‌های جایگزین گفت: طبق آخرین آمار میزان قاچاق بنزین روزانه ۱۰ میلیون لیتر و گازوئیل ۸ میلیون لیتر در روز است که از این بابت کشور سالانه ۶ میلیارد دلار دچار چالش می‌شود.

داستان قاچاق لیتر سوخت، داستان پیچیده‌ای نیست. دولت به‌اصطلاح مسئول تولید و عرضه سوخت و کالاهای جانبی آن است ولی در اصل سپاه و شرکت‌های خصولتی گرداننده اصلی این بیزینس هستند و به احدی نیز جوابگو نیستند.

این دزدی‌ها در چنان ابعادی صورت می‌پذیرد که حتی صدای خودی‌ها و باقی حضرات که دستشان از این خوان یغما به دور است درآمده است.

به مردم می‌گویند سوخت نداریم به نیروگاه‌ها برسانیم، نیروگاه‌ها می‌گویند سوخت نداریم برق تولید کنیم. کارخانه‌های دیگر می‌گویند با نبود برق نمی‌توانیم تولیدی داشته باشیم و در میانه این‌چنین هرج‌ومرجی از رئیس‌جمهور گرفته تا حتی خانم ابتکار به مردم توصیه می‌کنند که برق استفاده نکنند و درجه‌حرارت خانه‌ها را کم کنند!

دلیل: چون که در اروپا هم وضع سوخت و گرمایش خانه‌ها مشابه ایران است! و یا اینکه باید قیمت

بنزین را افزایش دهیم چرا که "ناترازی" وجود دارد. یعنی قدرت استدلال در حد همان ۲۰ میلیون لیتر سوختی که هر روز قاچاق می‌شود، مجاب کننده است.

واقعیت این است که دزدسالاری در سیستم اقتصاد سرمایه‌داری ایران و رژیم اسلامی به‌اندازه‌ای به شکل سیستماتیک و ارگانیک درهم‌تنیده شده است که بدون چنین آرایش و سازماندهی نمی‌تواند به روند خود ادامه دهد. یک ویژگی "غیررسمی" تاریخ انکشاف سرمایه‌داری ایران در یک صده گذشته نیز همین دزدسالاری، ظهور مافیای قدرت و ثروت و در دست گرفته‌شدن قدرت اقتصادی توسط نزدیکان به حکومت وقت است.

از همین رو ارتقا و تثبیت جنبش‌های مطالباتی و رفاهی بهترین شکل مقابله با چنین سیستمی دزدسالار است. نباید اجازه داد که این دزدی‌های رژیم بدون پاسخ بماند و فراموش شود. به همین شکل نباید گذاشت که این دزدی‌های خانه‌برانداز، دست‌آویزی باشد برای تحمیل ریاضت‌های اقتصادی بیشتر به مردم.

با پایان عمر رژیم اسلامی، سؤالی که روی میز قرار خواهد گرفت، این است: چگونه می‌توان به سرمایه‌داری با تمام شائبه‌هایش در ایران نقطه پایانی گذاشت؟ پاسخ این پرسش دست جنبش کارگری و احزاب کمونیستی را می‌بوسد.

سوریه: مردم نظام غیردینی می‌خواهند

کاظم نیکخواه

با سقوط رژیم اسد در سوریه، فضای این کشور همچنان متلاطم است. روز گذشته در دمشق جمعیتی هزاران نفره دست به تظاهرات زدند و برای آزادی و رفاه و حکومت سکولار شعار دادند. تظاهرکنندگان شعار می‌دادند "رفاه و برابری" و "ما سکولاریسم می‌خواهیم". این حرکت عکس‌العملی در مقابل جریان اسلامی تحریر شام است که به کمک ترکیه در رأس نیروهای سرنگون کننده اسد قرار داشتند. چند روز قبل نیز بنا به گزارش‌ها صدها تن از زنان و مردان در میدان الامویین دمشق در دفاع از حقوق زنان و سکولاریسم

و علیه وضع قوانین دینی دست به تظاهرات زدند. تظاهرکنندگان شعار می‌دادند "حکومت دینی نمی‌خواهیم" و "دموکراسی می‌خواهیم" و پلاکاردهایی حاوی شعار "بدون آزادی زن هیچ کشوری آزاد نیست" توسط تظاهرکنندگان حمل می‌شد. آنها همچنین خواهان حقوق برابر برای تمامی اقلیت‌ها و ساکنین سوریه شدند.

دویچه‌وله خبر داده بود که سخنگوی هیئت تحریر شام، عبیده آرنوود در تلویزیون لیبی در پاسخ به سؤالی مبنی بر مشارکت زنان در دولت آتی گفته است "زنان بنا بر سرشتشان برای برخی مسئولیت‌ها مانند وزارت دفاع و یا دادگستری مناسب نیستند" و این سخنان مخالفت‌ها و واکنش‌های زیادی را

در سوریه برانگیخته است.

تجمعات و تظاهرات مردمی در دفاع از نظام غیردینی و مردمی در سوریه، بسیار مهم و تعیین کننده است و کاملاً قابل‌انتظار بود که چنین فضایی را در میان مردم شاهد باشیم. این مهم‌ترین فاکتور در تضمین این است که این کشور اسیر سیستم اسلامی و ضد اقلیت‌های دینی و ملی و جنگ داخلی نشود. گرچه انقلاب ۲۰۱۱ سوریه توسط اسد و حمایت حکومت اسلامی و روسیه به خون کشیده شد، اما تجربه آن انقلاب همچنان زنده است و مردم وسیعاً علیه سلطه قوانین اسلامی در این کشور هستند. تاکنون رسماً تلاشی جدی از جانب سازمان "تحریرالشام" و احمد الشرع رهبر

آن در دفاع از سیستم اسلامی برای سوریه مشاهده نشده و اینها تلاش می‌کنند که خود را "میانه‌رو" نشان دهند. اما قطعاً پشت پرده تلاش‌هایی در جریان است و جنبش خیابانی وسیع مردم می‌تواند تا حد زیادی مانع توطئه‌گری مرتجعین شود. یک دولت سکولار، ضد اعدام، مبتنی بر برابری و رفاه برای همه مردم می‌تواند هم سنگ بنای یک آینده روشن را برای مردم سوریه بگذارد و هم مانع توطئه‌گری دولت‌های ارتجاعی شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۱۹

۲۲ دسامبر ۲۰۲۴ – ۲ دی ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

قطع برق، شیادی قالیباف

محسن ابراهیمی

خامنه‌ای خودی‌ها را تهدید می‌کند

اصغر کریمی

حال و هوای کشور و ترس از افزایش قیمت بنزین

کیوان جاوید

لاپوشانی نابینا شدن ۹ شهروند در بیمارستان

حسن صالحی

قطع برق، شیادی قالیباف

محسن ابراهیمی

قالیباف گفته است با رتبه اول ذخایر نفت و گاز جهان چرا امروز باید شاهد قطعی‌ها و ناترازی‌ها باشیم؟ "امروز چه پاسخ قانع کننده‌ای داریم تا به یک جوان ۲۰ساله بابت این ناترازی‌ها بدهیم؟ وقتی هم که پاسخی به آنان بدهیم، به ما می‌گویند پس چرا عرضه ندارید این پاسخ‌ها را اجرایی کنید؟"

جوانان می‌دانند این درجه از وقاحت فقط از عهده شما شیادان حکومت اسلامی برمیاید که تک‌تکتان در تباه کردن زندگی چندین نسل مستقیماً نقش دارید، اما با ژست ناراضی از

وضعیت ظاهر می‌شوید!
از نظر جوانان این شیادی شما مضحک، رقت‌بار و منزجرکننده است وقتی می‌بینند با هم می‌دزدید، با هم می‌چاپید، با هم جنایت می‌کنید و بعداً با رذالتی بی‌نظیر، باندهای درون مجلس همدیگر را، دولت مجلس را، مجلس دولت را، هر رئیس‌جمهور، رئیس‌جمهور قبلی را مقصر وضع قلمداد می‌کنند. خود علی خامنه‌ای هم که بالای سر شما گله "ویرانگرن انسانیت" نشسته است، سراغ همه‌تان میاید که به توصیه‌های داهیانه‌اش عمل نکرده‌اید! و شما آنقدر رذل هستید که دست آخر به سراغ مردم می‌روید که اصرافشان باعث کمبود برق و گاز و "ناترازی" شده است!
مردم علت "ناترازی" را می‌دانند. می‌دانند در

همه چیز "ناترازی" هست چون شما یک مشت مرتجع ناتراز بر ثروت و امکانات کشور چنگ انداخته‌اید. چون حکومتتان به‌جای تأمین نیازهای جامعه، به‌جای هزینه‌کردن روی زیرساخت‌های آب و برق و گاز برای تأمین نیاز جامعه، در مقیاس نجومی هزینه کرده تا برای حماس تونل درست کند؛ تا به زرادخانه حزب‌الله و حماس و حشدالشعبی موشک و راکت برساند؛ تا سفاک سوریه را در قدرت نگه دارد؛ تا جفنگیات خمینی را کرور کرور چاپ کند؛ تا به جای آب و هوای پاک برای مردم، لجنزار اسلامی و آخوند پهن مغز تولید کند.

مردم راه مقابله با "ناترازی" را هم می‌شناسند. می‌دانند شما را به زور اعتراضات قدرتمند می‌توانند

عقب برانند. اعتراضات به قطع برق در شهرک‌های گلگون، شمس‌آباد، صبا، اروین، در اراک اصفهان و تبریز آغاز شده است و باید سراسری شود تا شما چپاولگران زندگی را سر جایشان بنشاند. مردم راه رهایی کامل از "ناترازی" را هم می‌شناسند: انقلاب "زن، زندگی، آزادی". انقلابی که با غرش "مرگ بر خامنه‌ای" ستون‌های نظامتان را لرزاند و وحشت بر جان و روان تک تک شما انداخت.

خامنه‌ای خودی‌ها را تهدید می‌کند

اصغر کریمی

خامنه‌ای امروز یکشنبه ۲ دی، در سخنرانی برای مداحان گفت شبهه‌افکنی، هراس‌افکنی، اختلاف‌افکنی و یأس آفرینی جرم است و ملت ایران هر کسی را که مزدوری آمریکا را قبول کند، در زیر گام‌های خود لگدمال خواهد کرد. هفته قبل نیز گفت "خالی کردن دل مردم و ترساندن آنها جرم است."

منظور خامنه‌ای از این تهدیدات مردم نیستند. آنها همیشه مورد تهدید بوده‌اند. صحبت خامنه‌ای با حکومتی‌ها است که به سرعت دارند از روی جنازه

آقا رد می‌شوند. رهبری که مدام از خالی شدن دل مردم و هراس‌افکنی صحبت می‌کند دل خودش کاملا خالی شده است. اما این تهدیدات دیگر موثر نیست. بخش زیادی از حکومت از سال‌ها قبل، از خامنه‌ای روی‌گردان شده بود اما بدنبال شکست‌های دومینووار در منطقه و در داخل و بحرانی‌تر شدن اوضاع، آشکارتر دارد دل خامنه‌ای را خالی می‌کند. نه تنها او را همراهی نمی‌کند بلکه علنی‌تر دارند با او در می‌افتد و "این هنوز از نتایج سحر است". فرار اسدشان را دیده‌اند، دلشان خالی شده و دارند رهبر را تنها می‌گذارند و اعلام برائت می‌کنند.

آنچه دارد اتفاق می‌افتد با گذشته کیفیتا متفاوت

است. نق‌زدن‌های درون حکومتی همیشه بود اما دارد به صدای بلند تبدیل می‌شود و این برای حکومت خطرناک است. حکومت برای عقب‌راندن مردمی که آماده می‌شوند خدمت آقا و حکومت برسند احتیاج به سرکوبی همه‌جانبه‌تر از دهه شصت دارد و اولین ملزومات آن یک‌دستی در صفوف خود حکومت است. و خامنه‌ای با چشمان وحشت‌زده از هم پاشیده شدن صفوف حکومتش را می‌بیند. می‌بیند که انگار دارند به جنگ او می‌آیند آنهم از درون قلعه و اردوگاه حکومت. و این هولناک است و واقعا ته دل را خالی می‌کند قرار بود همراه با این اوباش گوش به‌فرمان یک جامعه خشمگین و آماده انقلاب را ساکت کند اما شاهد آنست که خشت‌های حکومتش تک تک از

جا کنده می‌شود.

شکست در آخرین قلعه بیرونی یعنی سوریه، شکست در قلعه داخلی را تسریع کرده است. پزشکیان در راس بقیه حکومتی‌ها دارد از فروپاشی اقتصاد حرف می‌زند و مقابل طرح حجاب و عفاف می گوید نمی‌شود اجرا کرد. شورای امنیتش هم با پزشکیان همراهی می کند و می گوید عقب بیندازید. فرماندهان سرکوب نیز حال و روز خوبی ندارند.

اینها، شکست در منطقه و در داخل، محصول انقلابی است که دوباره پشت در خوابیده است. مشت گره کرده و برای هجوم دارد خود را آماده می کند.

حال و هوای کشور و ترس از افزایش قیمت بنزین

کیوان جاوید

عبدالوحید فیاضی، عضو کمیسیون تلفیق بودجه مجلس به سایت دیده‌بان ایران گفت: "حال و هوای کشور فعلاً مناسب افزایش قیمت بنزین نیست."

این حال و هوا حاکم بر کشور چیست که اجازه نمی‌دهد رژیم با خیال راحت دست به افزایش قیمت بنزین بزند؟ آنچه که قابل مشاهده می‌باشد این است که هوای حاکم بر کشور بسیار طوفانی است. هواشناسان جمهوری اسلامی هر روز هشدار خطر قرمز می‌دهند و مصرانه و با تهدید از مردم

می‌خواهند در خانه بمانند و علیه فقر و فلاکت و گرسنگی اعتراض و اعتصاب سازمان ندهند.

این حال و هوا که رژیم را می ترساند و باعث می‌شود در افزایش قیمت بنزین این‌چنین دست به عصا باشد، فضای سرنگونی حکومت است. مردم واقعاً با همه وجود اعتقاد دارند رژیم ضعیف‌تر از همیشه است و همین ضعف حکومت باعث قدرت، بالا رفتن روحیه مبارزاتی و انگیزه سازمان‌دادن بیشتر به مبارزات صنفی – سیاسی و رفاهی می‌شود.

در همه جای جهان از جمله در ایران وقتی دولتی قصد دارد دست به تعرض اقتصادی علیه مردم بزند و هزینه‌های خدمات درمانی را کم کند، قیمت‌ها

را افزایش بدهد یا دستمزدها را منجمد کند، اول نگاهی به مردم می‌اندازد و فضا را بررسی می‌کند، بعداً دست به اقدام می‌زند. اگر روحیه جنگندگی و مبارزه جویی و اعتراضی را ببیند به شیوه همین عبدالوحید فیاضی می‌گوید هوا پس است و باید منتظر فرصت مناسب بود.

این فرصت را نباید به حکومت داد تا تعرض اقتصادی‌اش را گسترده‌تر کند. باید از همه ضعف‌های رژیم بیشترین استفاده را برد و دست به مبارزه سراسری زد. اتحاد در مبارزه یک رکن اصلی در پیروزی‌های بیشتر است. بخش‌های مختلف جنبش رفاهی و معیشتی باید هماهنگ و متشکل عمل کنند. رهبران میدانی و پیشروان

سازمانده اعتراضات موانع اعتراضات سراسری را بشناسند و کنار بزنند و همه مردم از این اعتراضات حمایت کنند. بطور مثال بالارفتن قیمت بنزین یک مشکل همگانی است. این مشکل می‌تواند در اعتراضات معلمان و بازنشستگان و پرستاران و همه کارگران صنایع و خدمات اجتماعی نیز طرح شود و هم‌زمان مورد حمایت همگانی قرار بگیرد. هوای آلوده حاکم بر کشور را با مبارزه به بهترین و دلپذیرترین هوای ممکن برای زندگی کردن تبدیل کنیم. ما می‌توانیم.

لاپوشانی نابینا شدن ۹ شهروند در بیمارستان

حسن صالحی

رسانه‌ها در ایران چند روز پیش خبر دادند که ۹ نفر از کسانی که ۱۷ مهرماه در مرکز "چشم پزشکی نگاه" عمل جراحی آب مروارید داشتند پس از بروز علائمی مانند درد، آبریزش و تهوع، بینایی چشم عمل شده را از دست دادند. این خبر در رسانه‌ها بازتابی گسترده یافت و حالا حسینعلی شهریاری، رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس از این بابت خشمگین است که چرا اینهمه درباره نابینا شدن ۹ نفر از شهروندان می‌نویسید!

حاکمین اسلامی می‌دانند که این همه فجایع که در جمهوری اسلامی روز و شب اتفاق می‌افتد باعث فوران خشم بیشتر مردم می‌شود. خودشان با کوچک‌ترین درد و کسالت بهترین امکانات پزشکی را دریافت می‌کنند و یا برای درمان راهی کشورهای "کفر زده" می‌شوند و آنوقت از ترس خشم مردم می‌خواهند نابینا شدن شهروندان را در اثر یک عمل ساده پزشکی پنهان کنند.

حکومتی که می‌گوید دزدی و فساد را بزرگ نکنید، در مورد نابینا شدن شهروندان اینهمه ننویسید خودش به خوبی می‌داند که چه در انتظارش نشسته است. مردم نه بر دزدی‌های حکومت چشم می‌بندند و نه وضعیت درمان و

بهداشت فاجعه‌آمیز در کشور را می‌پذیرند و نه در قبال جنایات هر روزه این حکومت ساکت نشسته‌اند!

این عضو طویله اسلامی به خوبی می‌داند که مردم به دلیل همین دزدی‌ها، به دلیل همین اهمال‌کاری‌ها، به دلیل همین ظلم و بیدادی که برپا کرده‌اید و به دلیل محکوم کردن شهروندان به گرسنگی و مرگ خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستند. حکومتی که نمی‌تواند آب و برق و بهداشت مردم را تامین کند جایش در زباله دانی است همین و بس. اعتراض علیه بی حقوقی درمانی و علیه قطع برق و آب و گرانی در همه جا جریان دارد و این مردم تا آخرین قطره،

حق خود را از حلقوم شما بیرون خواهند کشید.

به سرنوشت رژیم جنایتکار بشار اسد نگاه کنید و تا دیر نشده خود را تسلیم مردم کنید! ما به خوبی می‌دانیم که چطور از امکانات این مملکت برای رفاه و آسایش همه شهروندان استفاده کنیم. ما در این سال‌های حاکمیت منحوس شما چیزهایی زیادی را از دست داده‌ایم. اما وقتی قدرت را بدست بگیریم می‌دانیم که چطور دنیای زیبایی برای خود و فرزندانمان بسازیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۲۰

۲۳ دسامبر ۲۰۲۴ – ۳ دی ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

بحران انرژی و وعده سر خرمن وزیر نیرو

سیاوش آذری

آیا احتمال کنار زدن خامنه‌ای هست؟

سؤال از کاظم نیکخواه

فضای مجازی و جنگ مغلوبه رژیم

شهاب بهرامی

قالیباف، زنجیرباف حکومت علیه زنان

کیوان جاوید

بحران انرژی و وعده سر خرمن وزیر نیرو

سیاوش آذری

عباس علی آبادی، وزیر نیروی رژیم در رابطه با کمبود شدید گاز که منجر به اختلال در تولید برق، تعطیلی کارخانه‌ها، ادارات دولتی، مراکز خرید و فروش و قطع برق و گاز منازل گشته گفت "هر کاری توانستم انجام دادم، مردم کمک کنند از این زمستان رد شویم. قول می‌دهم سال آینده مشکلات حل شود." وی همچنین افزود: "در تلاشیم بخش خصوصی وارد تولید انرژی‌های تجدیدپذیر شود... تا به حال بودجه قابل توجه‌ای برای انرژی‌های تجدیدپذیر دریافت نکرده‌ایم."

این افاضات وزیر نیروی کشوری است که دارای دومین ذخیره بزرگ گاز طبیعی در جهان است. مسلماً افزایش مصرف و عدم افزایش تولید گاز متناسب با این افزایش یکی از عوامل بحران جاری انرژی در ایران است. همچنین، عرضه "انرژی یارانهای" به "صنایع مهم" برای تضمین سودآوری آنها از عمده دلائل دیگر افزایش بی‌رویه مصرف و بحران است. صنایع داخلی در ایران به علت عدم استفاده از تکنولوژی روز و متعاقب آن بارآوری پایین نیروی کار بدون سوبسیدهای دولتی قادر به ادامه حیات نخواهند بود و در ورطه ورشکستگی قرار خواهند گرفت.

عدم سرمایهگذاری خارجی و ورود تکنولوژی بالا در بخش تولید نفت و گاز از مهم‌ترین عوامل بحران جاری است. وابستگی ۹۵ درصدی تولید برق به نیروگاه‌های حرارتی، از جمله نیروگاههای گازی، و بازدهی پایین این نیروگاه‌ها به دلیل فرسودگی و عدم سرمایهگذاری جدید در این بخش از دیگر دلائل بحران است. لازم به یادآوری است که سهم نیروگاه‌های اتمی در تولید برق در ایران کمتر از یک درصد است و این در حالی است که رژیم ده‌ها میلیارد دلار صرف هزینه پروژه اتمی خویش کرده است.

روشن است که بحران جاری وجه دیگری از بحران سیاسی اقتصاد رژیم اسلامی است. از یک سو تحریم

و انزوای جمهوری اسلامی در نتیجه سیاستهای حمایت از تروریسم اسلامی در منطقه و جهان مانع ادغام اقتصاد ایران در بازار جهانی گشته است. از دیگر سو، کنترل صنایع و نهادهای اصلی و پایه‌ای اقتصادی توسط باندهای مافیایی از جمله سپاه و بنیاد مستضعفان و دیگر اعوان و انصار بیت رهبری و سردمداران رژیم و سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر دزدسالاری و رانت‌خواری اقتصاد کشور را به ورطه یک بحران همه‌جانبه و فروپاشی سوق داده است.

بحران انرژی، همچون بحران اقتصادی رژیم، بحرانی سیاسی است. راه خروج از این بحران سرنگونی جمهوری اسلامی است.

آیا احتمال کنار زدن خامنه‌ای هست؟

سؤال از کاظم نیکخواه

کیوان جاوید: موقعیت خامنه‌ای بعنوان بالاترین مقام حکومت اسلامی را چگونه می‌بینید، آیا انتظار کنار گذاشتن خامنه‌ای و دست بالا پیدا کردن فرد دیگری در رأس نظام قابل پیش بینی است، این احتمالات چه تأثیری در حفظ یا تضعیف نظام خواهد داشت؟

کاظم نیکخواه: برای خامنه‌ای اکنون بهترین زمان برای رفتن است! خامنه‌ای سمبل و نماینده کل جمهوری اسلامی و تمام سیاست‌های این حکومت است و همه این سیاست‌ها به شکست کامل و آشکار

رسیده است. اقتصاد به فلج و بن‌بست کامل رسیده، جامعه از خشم و اعتراض می‌جوشد، حجاب و عفاف دود شده و به هوا رفته است، اسرائیل پیروزی و برتری آشکاری نسبت به حکومت پیدا کرده و بارها ضربات تحقیرآمیزی به حکومت زده است، سران حماس و حزب‌الله به همراه شمار زیادی از سران سپاه درو شده و نابود شده‌اند، در سطح بین‌المللی حکومت مدام با ضربات و محکومیت و تحریم‌ها روبروست، فاصله گرفتن از اسلام و دین در میان مردم به اوج خود رسیده است، بشار اسد در سوریه سرنگون شده، و خلاصه حتی یک مورد از سیاست‌های داخلی و خارجی حکومت نمانده است که خامنه‌ای بتواند به پیشروی آن افتخار کند. شکست پشت شکست در همه زمینه‌ها! بویژه

سرنگونی اسد میخ آخر بر تابوت خامنه‌ای و کل حکومت بود و کار او را تمام کرد. خامنه‌ای اکنون یک موجود شکست‌خورده و یک مرده متحرک است که اتوریته خود را در درون حکومت از دست داده است و برخی رسانه‌ها و دست اندرکاران حکومتی علیه او مستقیماً یا تلویحاً سخن می گویند.

اینکه در مقابل این شکست‌ها، خود حکومتیان خامنه‌ای را کنار بگذارند احتمالش هست. نفس روی کار آوردن پزشکیان و جلو آمدن امثال ظریف و کنار رفتن کاندیداهای مورد حمایت خامنه‌ای، و بحث‌هایی که حول جانشینی او مطرح می‌شود، گام‌هایی در این جهت است. اما شخصاً فکر می کنم احتمالش به‌صورت کودتا و جنگ و کشاکش کمتر

باشد، بلکه به‌صورت نرم و با "رضایت آقا" احتمالاً چنین سیاستی را عملی خواهند کرد. معضل اصلی اینست که دست‌اندرکاران سپاه و غیره نمی‌دانند بعد از خامنه‌ای چه کنند. یا در واقع می‌دانند که راه‌حلی برای مشکلات بعد از او ندارند و با کنارزدن خامنه‌ای بحران گسترده‌تری دامن حکومت را خواهد گرفت و مردم با مشاهده ضعف و بحران درون حکومتی، انقلابشان را از سر خواهند گرفت و کار را تمام خواهند کرد. اما می‌توانند امیدوار باشند که رضایت از رفتن خامنه‌ای ممکن است برای حکومت چند صباحی فرصت بخرد و بتوانند حداقل فضای بین‌المللی را به نفع خود تغییر دهند، شاید گشایش‌های حداقلی ایجاد شود.

اما بطور واقعی در برابر حکومت اسلامی راهی جز سرنگونی وجود ندارد. حکومتی که حتی جریان برق و گاز و آب مردم را نمی‌تواند تضمین کند بدون هیچ تردیدی جایش در زباله‌دان است. فضای جامعه کاملاً انفجاری است و بدون تردید همین روزها شاهد فوران خشم مردم در ابعادی گسترده‌تر از قبل خواهیم بود. مردم می‌دانند که برای دستیابی به حداقل زندگی انسانی باید کل حکومت را با خامنه‌ای و یا بدون خامنه‌ای به زیر بکشند.

فضای مجازی و جنگ مغلوبه رژیم

شهاب بهرامی

رئیس پلیس فتا تهران اعلام کرد در راستای اجرای طرح موسوم به "ارتقا امنیت روانی در فضای مجازی"، بیش از ۴۰ شهروند به این نهاد امنیتی احضار و بازداشت شده‌اند.

وی افرادی که کلیپ‌هایی با محتوای چالشی، سرگرم کننده، طنز، شاد و یا در قالب دوربین مخفی تولید کرده‌اند را به "قدرت‌نمایی، تبلیغ فرهنگ اوباش گری، ایجاد مزاحمت و سلب امنیت روانی مردم" متهم کرد. این اتفاق تازه‌ای نیست، همه می‌دانند که از اولین روزهای تولد فضای مجازی،

رژیم اسلامی بدون انقطاع، اقدام به احضار و بازداشت کاربران فضای مجازی و مسدود کردن صفحات آن‌ها نموده، صدها و شاید هزاران "بلاگر" و وبلاگ نویس را زندانی و شکنجه کرده است، ستار بهشتی فرزند دلیر و شجاع گوهر عشقی، مادر مبارز و شجاع دادخواه، فقط یکی از آنها است.

از نمونه‌های مؤخرتر در همین ماه‌های گذشته، قوه قضاییه صفحه اینستاگرام زینب موسوی، کمدین ایرانی و خالق شخصیت امپراتور کوزکو و صفحه اینستاگرام "صادق بوقی" که در بازار رشت می‌خواند و می‌رقصید را مسدود کرد.

بجز قوه قضائیه، پزشکیان رئیس قوه اجرائیه هم

بعد از رئیس شدنش، فرمان‌های مشعشع رهبر پهلوان پنبه و بزدل یا همان فرمانده درمانده، مبنی بر"مدیریت صحیح فضای مجازی را به شکل جدی مورد توجه قرار دهید" را به وزرایش ابلاغ کرد. خامنه‌ای در جای دیگری گفته بود که قوه قضائیه باید با مدیریت و برنامه ریزی، قاطعانه با مخالفان در فضای مجازی برخورد کند، فراموش نکنید که این عر و تیزها قبل از نابودی "محور مقاومت" و سیر سریع فروپاشی رژیم با شیب تند بود که امروز شاهد آنیم.

سوال اینجاست چرا امروز که سران رژیم بفکر یافتن سوراخ موشی برای فردایشان هستند بجان سازندگان کلیپ‌های سرگرم کننده شاد دوربین

مخفی افتاده‌اند؟ بنظر شکست‌های پی در پی رژیم چه در منطقه، و چه به ویژه درداخل، یکی از علل اصلی این عملیات "دون کیشوتی" است. شکست در اجرای قانون "حجاب و عفاف" بخاطر مبارزه و مقاومت جانانه جامعه علیه آن، ضربه مهلکی به رژیم وارد کرد، لذا لازم بود جای دیگری قدر قدرتی پوشالی‌اش را به رخ جامعه کشیده و به آن اندک مزدوران باقیمانده‌اش نشان دهد که هنوز سرپا است و قدرت تعرض دارد. بی‌دلیل نیست که کاربران شبکه‌های اجتماعی رژیم اسلامی را دشمنِ شادی و امید می‌خوانند.

قالیباف، زنجیرباف حکومت علیه زنان

کیوان جاوید

یکشنبه، دوم دی‌ماه محمدباقر قالیباف در نشستی با اعضای فراکسیون زنان و خانواده مجلس شورای اسلامی "به مناسبت ولادت حضرت فاطمه زهرا" گفت: "امروز دشمنان تلاش می کنند موضوع زنان که نقطه قوت انقلاب اسلامی است را به پاشنه آشیل جمهوری اسلامی تبدیل کنند. او تأکید کرد سزاوار نیست که ضدانقلاب بر این بستر سوار شود درحالی‌که جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با هر کشوری در حوزه زنان و توجه به بانوان قوی‌تر است.

این خودارضایی یکی از قاتل‌ترین سران جمهوری اسلامی که در جنایت علیه زنان شهره آفاق است را با آخرین تلاشش برای اضافه‌کردن زنجیری دیگر به‌پای زنان پاسخ می‌دهیم. روز ۱۳ آذر ۱۴۰۳ محمدباقر قالیباف اعلام کرد که "حجاب و عفاف" در مجلس تصویب شده است و این قانون ۲۳ آذر به مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، ابلاغ می‌شود تا آن را امضا و ابلاغ کند. آنچه اتفاق افتاده است احتمالاً بر همگان روشن باشد که نه‌تنها این قانون اجرا نشد بلکه واکنش‌های زنان و جامعه آنچنان محکم بود که خواب از چشم سران حکومت ربود. یک نمونه کنسرت فرضی پرستو احمدی است که نه‌تنها بازتاب آن در ایران واقعاً یک زمین‌لرزه سیاسی بود، بلکه

باعث شد یک‌بار دیگر توجه جهانی به نبرد بین مردم و جمهوری اسلامی جلب شود.

قالیباف اوضاع را خوب تشخیص داده است. زنان پاشنه آشیل این حکومت‌اند. همچنان که خوب می‌داند این دشمن از خارج مرزهای ایران به جان جمهوری اسلامی نیفتاده است. دشمن در کلاس‌های درس دختران نوجوان به کمین نشسته است. دشمن، همانا پرستو و آهو و آن ارتش میلیونی زنانی است که در خیابان‌های ایران رژه می‌روند. قالیبافِ، عظمت و بزرگی زنان جسور و مبارز را می‌بیند و به خود می‌لرزد. او نیکای ۱۶ساله را دیده است که چگونه یک‌پارچه شور و خشم و شجاعت روسری به آتش می‌کشید و

اعتراضات خیابانی را رهبری می‌کرد. نه فقط قالیباف که همه سران و وابستگان ریز و درشت حکومت اسلامی زنانی را می بینند که تیشه به ریشه اسلام و حکومت اسلامی می زنند. درد رژیم از دیدن این زنان است.

آنچه که در انتظار قالیباف و خامنه‌ای و دیگر اوباش اسلامی نشسته است بسیار فراتر و عظیم‌تر از حضور تا کنونی زنان بی‌حجاب در خیابان‌ها است. این حکومتِ انکارکننده هویت انسانی زنان به دست دشمن واقعی خود به خاک کشیده می‌شود. به دست "خواهرم، خواهرت، خواهرامون".

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۲۱

۲۴ دسامبر ۲۰۲۴ – ۴ دی ۱۴۰۳

سردبیر این شماره:کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

بحران سوخت و هشدار امنیتی اژه ای

خلیل کیوان

خامنه‌ای و معضل نیابتی‌ها

سینا پدرام

سقوط تاریخی ریال، خیز بلند انقلاب

کیوان جاوید

ترور در آلمان، زمینه حمله به مهاجران و پناهجویان

فریبرز پویا

بحران سوخت و هشدار امنیتی اژه ای

خلیل کیوان

اژه ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی دوشنبه سوم دیماه در مورد بحران کمبود سوخت و نارضایتی مردم از قطع برق و گاز، به دادستان کل کشور و دادستان‌های استان‌ها دستور داد در همکاری با مسئولین اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی جلو هر گونه ناامنی "به طور خاص در مقطع فعلی" را بگیرند. او یک روز پس از اینکه خامنه ای در سخنرانی برای مداحان گفت جمهوری اسلامی هر کسی که در ایران "مزدوری آمریکا" و اغتشاش کند را "زیر گام‌های خود لگدمال خواهد کرد" این سخنان را بر زبان آورد.

در حالیکه زمین زیر پای سران جمهوری اسلامی به لرزه در آمده است، اعتراضات مردم را به آمریکا نسبت میدهند و تهدید میکنند. اژه ای گفت دشمن در مقطع فعلی از طریق "هراس‌افکنی" و "دروغ‌پراکنی" به دنبال ایجاد ناامنی در جامعه است. چشم انداز فوران اعتراضات به وحشت شان انداخته است.

جمهوری اسلامی در چنبره اَبَربحران های داخلی، منطقه ای و بین المللی در حال جان دادن است. صدای خرد شدن استخوانهایش همه جا شنیده میشود. سیاست بازدارندگی جمهوری اسلامی مبتنی بر نیروهای نیابتی، موشکی و ترور در منطقه

و جهان به شکست کشیده شده است. گلوی جمهوری اسلامی بر سر مساله اتمی را گرفته اند. عزیز دردانه جمهوری اسلامی یعنی حزب الله در هم کوبیده شده است. رژیم بشار اسد که ستون محور مقاومت بود بسرعت از هم پاشید و سقوط کرد. در عراق فی الحال افسار نیروهای نیابتی را کشیده اند. کار بجایی کشیده شده است که خامنه ای میگوید جمهوری اسلامی نیروی نیابتی ندارد.

در پی شکست های نظامی و سیاسی چسب درونی نیروهای جمهوری اسلامی وا رفته است. افق و سرمایه مبتنی بر آمریکا ستیزی و نابودی اسرائیل بکلی بر باد رفته است. جمهوری اسلامی

به ورشکستگی تمام عیار اقتصادی و سراشیبی سقوط رسیده است.

در آستانه تحولات بزرگی قرار گرفته ایم. رژم نه توان سرکوب وسیع را دارد و نه قدرت مهار و مدیریت وضعیت کنونی را. در حالیکه بی حجابی گسترش میابد جرئت ابلاغ لایحه عفاف و حجاب را ندارند. موقعیت را برای گران کردن بنزین مناسب نمیدانند و افزایش بهای آن را به آینده موکول کرده اند. جدال های حاد و چه بسا خشن درونی رژیم برای چرخش های سیاسی و "نرمش قهرمانانه" و نجات خود بالا میگیرد. تعیین تکلیف نهایی با این حکومت مفلوک در راه است.

خامنه‌ای و معضل نیابتی‌ها

سینا پدرام

خامنه‌ای روز یکشنبه دوم دی در دیدار با شماری از مداحان گفت که جمهوری اسلامی در منطقه نیروی نیابتی ندارد. او همچنین تأکید کرد که "مرتب می‌گویند که جمهوری اسلامی نیروهای نیابتی خودش را در منطقه از دست داد. این هم یک غلط دیگر."

خامنه‌ای در ارتباط با سقوط اسد گفت: "یک گروه اغتشاشگر با کمک، نقشه و برنامه‌ریزی دولت‌های خارجی توانست از ضعف‌های درونی سوریه استفاده کند و این کشور را به هرج‌ومرج

بکشاند.“

این سخنرانی بار دیگر نشان داد که حال رژیم اسلامی در خاورمیانه بسیار آشفته است، اما مخاطب اصلی این سخنرانی نه دولت‌های منطقه و یا دولت‌های آمریکا و اسرائیل، بلکه مردم ایران بود. در واقع قصد خامنه‌ای قوت قلب دادن به نیروهای خودی داخل کشور بود و می‌خواست نشان دهد که در داخل ایران هنوز قدرت به دست رژیم اسلامی است.

معضل و ترس رژیم در واقع از موقعیت بحرانی خود رژیم در مقابل مردمی است که جانشان به لبشان رسیده است و در آرزوی سرنگونی رژیم

دست‌اندرکار مبارزه هر روزه با رژیم هستند.

این سخنرانی کسالت‌آور نشان می‌دهد که رژیم پس از شکست سیاست‌هایش در منطقه در چنان اوضاع شکننده‌ای قرار دارد که بیشتر از آنکه از اسرائیل و آمریکا نگران باشد، از حرکات مردم ایران احساس خطر می‌کند و می‌خواهد تصویر مقتدرتری از خود به نمایش بگذارد. خامنه‌ای با اشاره به احادیث "صدر اسلام" و مقایسه آن با شرایط کنونی می‌خواست که وضعیت نزار و وخیم "ته اسلام" را لاپوشانی کند.

جالب این بود که در بخشی از این سخنرانی، اوباشان و فاطمه کماندوهای حاضر در جلسه

به‌جای صلوات فرستادن، برای نشان‌دادن "احساسات اسلامی" خود به کف‌زدن پرداختند.

سخنرانی خامنه‌ای نشان می‌دهد که کلید سرنگونی رژیم در دست مردم است و جنبش سرنگونی حرف آخر را در ایران خواهد زد. جنبش‌های اجتماعی مانند جنبش کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، زنان، جوانان و غیره می‌روند که بالانس قدرت را هر چه بیشتر به نفع مردم تغییر دهند. مردم ایران بدون شک با شکل‌دادن اعتراضات متحدانه خود، رژیم اسلامی را به همان عاقبتی دچار خواهند کرد که نیروهای نیابتی آن در منطقه دچار شدند.

سقوط تاریخی ریال، خیز بلند انقلاب

کیوان جاوید

همزمان با سقوط ریال به کمترین ارزش تاریخی خود، روز دوشنبه سوم دی‌ماه، عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی در جلسه کمیسیون اقتصادی مجلس در واکنش به ناتوانی دولت در حفظ ارزش ریال گفت: "با زور که نمی‌شود خیلی از کارها را انجام داد."

یادمان هست که همین همتی یکی از کاندیداهای نمایشی حکومت در مقابل پزشکیان بزک شده بود تا تنور سوت‌وکور انتخابات رژیم بعد از سرنگون‌کردن رئیسی را با "جادو و جنبل" گرم

کند. هم او می‌گفت من بیاییم و رئیس‌جمهور بشوم با این اقتصاد چنین‌وچنان می‌کنم و فوراً رونق به اقتصاد می‌دهم و به ریال ارزش در خورد می‌دهم و دیگر خزعبلات دیگر.

حالا مشخص‌تر شد که گیر اول رژیم اقتصاد نیست. این ماشین دیگر اسقاط شده است و دیگر ممکن نیست با هیچ تعمیر و عوض‌کردن قطعات به کسی سواری بدهد. جمهوری اسلامی فقط در خیابان و با انقلاب مردم نیست که سرنگون می‌شود. این به خیابان آمدن مردم زمینه‌های متعددی دارد که ما بارها به نمونه‌های آن اشاره کردیم.

درد رژیم سیاسی و فرهنگی هم هست. سیاسی به این معنا که سال‌های متمادی ای است که دیگر نمی‌تواند با شعارهای دهن‌پرکن مرگ بر آمریکا و اسرائیل و شیاطین بزرگ و کوچک گلیمش را از آب بیرون بکشد. جهان، این رژیم را در شدیدترین محاصره‌ها قرار داده است و این اقتصاد رژیم به بازار جهانی دسترسی دارد.

این رژیم در جنگ فرهنگی عظیم با مردم کمرش در حال خردشدن است. اسلام و شعائر مذهبی و عقب‌ماندگی‌های اسلامی بیش از همیشه در ایران زیر ضربات فرهنگی مردم قرار دارند. این مردم پشیزی ارزش برای چرندیات اسلامی قایل نیستند و همه دارایی رژیم که خود را سرپا

نداشته است بر همین عقب‌ماندگی‌های اسلامی بنا شده است.

این رژیم از نظر اقتصادی در فلج کامل قرار دارد. با یک جامعه آماده انقلاب و یک جامعه در میدان برای بدست آوردن معیشت و رفاه نمی‌تواند این اقتصاد را شفا داد. حلقه محاصره چندسویه علیه رژیم هر روز تنگ‌تر می‌شود. مشت آخر مردم زیر چانه این حکومت به‌زودی زده می‌شود.

ترور در آلمان، زمینه حمله به مهاجران و پناهجویان

فریبرز پویا

حمله تروریستی شامگاه جمعه ۳۰ آذر به بازار کریسمس در شهر ماگدبورگ آلمان، که منجر به کشته شدن ۵ نفر از جمله یک کودک ۹ساله و زخمی‌شدن بیش از ۲۰۰ نفر شده بار دیگر توجه همه را به سیاست‌های تروریستی کور جلب کرد. پلیس آلمان همان شب طالب ال عبدالمحسن را به جرم عملیات تروریستی دستگیر کرده است.

طالب ال عبدالمحسن دکتر روانپزشک که در بیمارستان دولتی شهر برنبرگ به طبابت مشغول بود است و با اینکه خود را بعنوان از اسلام برگشته

و آته ایست معرفی می‌کرد بشدت هوادار تز نبرد تمدن‌ها بود و از احزاب دست راستی اروپا حمایت می‌کرد.

نهاد هماهنگی بین المللی اکس مسلم بلافاصله در اعلامیه‌ای محکومیت این حرکت تروریستی را با ابراز همدردی با خانواده‌های کشته‌شدگان و زخمی‌ها، اعلام کرد که این شخص در فعالیت خود در مدیای اجتماعی یک "مزاحم سایبری" بوده است

بنا به گزارش‌های منتشر شده، از جانب سازمان اکس مسلم آلمان طالب ال عبدالمحسن مخالف سیاست پناهنده پذیری دولت آلمان بوده و همچنین

تلاش‌ها و فعالیت‌های مخربی از جمله علیه بسیاری از مخالفین دولت سعودی، زنان پناهنده از عربستان سعودی و اکس مسلم در المان انجام داده تا جایی که چندین زن از او به دلیل تهدید و ارعاب در رسانه‌های اجتماعی به پلیس و دادگاه شکایت کرده بودند. اما مسئولین و دولت آلمان در نهایت این شکایت‌ها را جدی نگرفته‌اند.

کاملاً آشکار است که این حمله تروریستی او جهت دامن زدن به فضای ضد پناهنده در آلمان و در خدمت جریان‌های راست افراطی بوده است. بی جهت نیست که بلافاصله جریانات ضد پناهندگی و فاشیستی در آلمان دست بکار شده و تظاهرات و حمله علیه پناهندگان و مهاجران سازمان داده و

خواهان اخراج همه مهاجران از آلمان شده‌اند.

جنبش راست افراطی همه‌جا و از جمله در اروپا بر جدایی، نفاق و نژادپرستی استوار است و این سیاست مرزهای نژادی، مذهبی و فرهنگی نمی‌شناسد. اینها دشمن انسان و انسانیت هستند.

ما، اما، تنها با همبستگی میان مردم بر مبنای اتحاد حول حقوق مشترک انسانی‌مان است که می توانیم با جنبش دست راستی مقابله کنیم. در این مهم، رودررویی با احزاب و جریانات راست افراطی چه مذهبی چه غیرمذهبی که ترور و ارعاب را وسیله پیشبرد سیاست‌های خود می کنند وظیفه است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۲۲

۲۶ دسامبر ۲۰۲۴ – ۶ دی ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

اعتراضات معیشتی. نتایج و انتظارات پیش رو

سؤال از شهلا دانشفر

رفع فیلترینگ و یا رفع اختناق سیاسی؟

حسن صالحی

در دفاع از ساکنان کُرد در شمال سوریه

اصغر کریمی

بابانوئل در خواب زمستانی

سؤال از کیوان جاوید

اعتراضات معیشتی. نتایج و انتظارات پیش رو

سؤال از شهلا دانشفر

کیوان جاوید: ابعاد اعتراضات چه گستره‌ای را در بر می‌گیرد و خواسته‌های عمومی چیست. نقاط قوت کجاست و برای پیش روی‌های بیشتر چه قدم‌هایی باید برداشته شود؟

شهلا دانشفر: فلج اقتصادی حکومت، تعطیلی جامعه بخاطر قطعی‌های متوالی برق و نیز آلایندگی هوا و به خط قرمز رسیدن هوای تنفسی در بسیاری از شهرها، جامعه را به نقطه انفجار رسانده است. با قطعی متوالی برق زندگی متعارف مردم، کسب و کار آنان و فعالیت‌های اقتصادی جامعه متوقف

شده و حکومت از سونامی بیکارسازی‌ها سخن می‌گوید. آلایندگی هوا و رسیدن بسیاری از شهرها به خط قرمز موجب تعطیلی مدارس، دانشگاه‌ها و ادارات شده و زندگی و معیشت مردم در حال نابودی است.

سقوط ارزش ریال و کاهش شدید قدرت خرید مردم نیز بیش از گذشته وخیم‌تر می‌شود و معیشت کل جامعه را دچار تلاطم کرده است. در برابر این وضعیت اعتراضات معیشتی گسترده و ابعادی اجتماعی دارد.

سال‌هاست که جنبشی گسترده بر سر معیشت و علیه بساط توحش و بردگی در جریان است و

جنبش کارگری ستون محکم مقابله با این شرایط است. جنبشی که درکشیده شدن اوضاع به شرایط انقلابی نقش‌برجسته‌ای داشته و مستقیماً نیز از آن تأثیر گرفته و در جهت تداوم و عمق بخشیدن به انقلاب در حرکت است.

اما امروز بحث بر سر تحولی کیفی در جنبش کارگری در پی تحولات سیاسی اخیر است. به این معنا که فلج اقتصادی حکومت، قرارگرفتن آن در حلقه محاصره اعتراضات معیشتی، سقوط بشار اسد این ستون اصلی رژیم در منطقه و ضربات مهلکی که بر پیکر حکومت وارد شد، درهم‌ریختگی صفوف حکومت و سیر فروپاشی آنرا شدت بخشیده است. در برابر این شرایط بخش‌های مختلف کارگری و

کل جامعه قوی‌تر و متعرض‌تر جلو آمده و تداوم انقلاب را فریاد می‌زنند.

نفت یک کانون داغ اعتراضات معیشتی است. در این هفته چندین هزار کارگر ارکان ثالث در مجتمع گاز پارس جنوبی و در مراکز نفت و گاز گچساران و فجر جم تجمعات بزرگی داشتند و اولتیماتوم محکمی به حکومت دادند. اعتراضات پرستاران و بازنشستگان ادامه دارد و بازنشستگان فریاد اعتراض کل جامعه علیه فقر، بی تأمینی و ستم و تبعیض هستند. بعلاوه اعتراضات در دانشگاه‌ها و شهرک‌های صنعتی نیز گسترده است.

اعتراضاتی چنین گسترده و قدرتمند به فاکتوری

مهم در سیر تحولات سیاسی تبدیل شده است. این اعتراضات در کنار اعتراض عریان آهو دریایی، کنسرت بدون حجاب پرستو احمدی، و جنبش قدرتمند برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدام، فضای انقلابی امروز را رقم می‌زند و می‌تواند بسترساز اعتصابات سراسری باشد و به اعتراضات گسترده خیابانی کشیده شود.

اعتراضات معیشتی اتصال مستقیمی با انقلاب زن زندگی آزادی دارد. با سازمان‌یابی قدرتمند صفوف اعتراض خود و تدارک اعتصابات سراسری در نفت و در سطح جامعه، با اتحاد حول مطالبات سراسری و برپایی تجمعات بزرگ اعتراضی در شهرها و شهرک‌های صنعتی، با اتحاد مبارزاتی

علیه سرکوب، اعدام و پیوستن به سه‌شنبه‌های نه به اعدام و با هم‌صدا شدن بخش‌های مختلف جامعه علیه آپارتاید جنسیتی و بلندکردن فریاد دادخواهی در سطح جهان اعتراضات معیشتی را می‌توان عمق بخشید.

رفع فیلترینگ و یا رفع اختناق سیاسی؟

حسن صالحی

روز چهارشنبه ۵ دی‌ماه ۱۴۰۳ شورای‌عالی فضای مجازی جمهوری اسلامی با توافق سه قوه و با اجماع همه اعضا این شورا اقدام به رفع فیلترینگ واتساپ و گوگل پلی کرده است.

رژیمی که از دسترسی آزادانه مردم به اینترنت و استفاده شهروندان از آن به‌شدت وحشت دارد و در مقاطع اعتراضاتی نظیر آبان ۹۸ حتی مبادرت به قطع چندروزه اینترنت کرده است، حالا ظاهراً کمی از خود انعطاف نشان می‌دهد. چرا؟ به این دلیل ساده که سیاست فیلترینگ حکومت عملاً

کارساز نبوده و درعین‌حال باعث خشم و اعتراض عمومی مردم شده است. این یکی دیگر از نشانه درماندگی‌های حکومتی است که از سر ناچاری خیلی محتاطانه از مواضع پیشین خود عقب‌نشینی می‌کند تا از انفجار "دیگ بخار" خشم و نارضایتی عمومی جلوگیری کند. در شرایط ضعف و زبونی جمهوری اسلامی و بیزاری عمومی مردم از حکومتی که زندگی شهروندان را به اسارت گرفته است، ما شاهد رفتارهای این‌چنینی در آینده نیز خواهیم بود.

برای مردم، اما مسئله به شکل دیگری است. از نظر مردم ایران محروم بودن شهروندان از دسترسی آزادانه به اینترنت یکی از نشانه‌های اختناق سیاسی حاکم بر ایران است که باید تماماً از میان برداشته

شود. نه فقط واتساپ و گوگل پلی بلکه دسترسی به دیگر اپلیکیشن‌ها نظیر یوتیوب، تلگرام، اینستاگرام، فیس‌بوک و شبکه ایکس و غیره نیزه باید آزاد شود. این حق طبیعی و اولیه مردم است که به اینترنت با سرعتی بالا و به طور آزادانه برای انجام فعالیت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، هنری و تفریحی دسترسی داشته باشند. عدم دسترسی آزادانه به اینترنت یعنی سلب آزادی شهروندان. اینها از جمله حق‌کشی‌های متعددی است که باعث شده است مردم علیه جمهوری اسلامی بپا خیزند.

ما نه فقط خواهان رفع فیلترینگ از اپلیکیشن‌های اینترنتی هستیم، بلکه خواهان برچیده‌شدن بساط اختناق و سرکوب جمهوری اسلامی نیز هستیم. در

آخرین ماه‌های حکومت پهلوی، محمدرضا شاهِ دیکتاتور وقتی که صدای انقلاب مردم را شنید، وعده‌های اصلاحاتی زیادی داد، ولی دیری نپایید که ساقط شد. جمهوری اسلامی هم سرنوشتی جز این ندارد چرا که با مردمی روبروست که به کمتر از سرنگونی رژیم مستبد اسلامی و رسیدن به آزادی و رفاه راضی نمی‌شوند. زمان، زمان تعرض مردم برای به‌دست‌آوردن همه آزادی است.

در دفاع از ساکنان کُرد در شمال سوریه

اصغر کریمی

وزارت دفاع ترکیه، روز ۵ دی اعلام کرد که ارتش این کشور ۲۱ شبه‌نظامیِ کُرد را در شمال سوریه و عراق کشته است. طبق این خبر ۲۰ نفر از این شبه‌نظامیان کرد عضو پ ک ک و "یگان مدافع خلق" (ی پ گ) بوده‌اند که در شمال سوریه کشته شدند و یک شبه‌نظامی کُرد دیگر نیز در شمال عراق کشته شده است. وزارت دفاع ترکیه تأکید کرده که عملیات نظامی علیه مردم و نیروهای سیاسی کردستان سوریه و عراق به طور مؤثر و قاطعانه ادامه خواهد یافت.

دولت ترکیه که سال‌ها است مشغول حمله به

مردم کردستان است، اکنون فرصت را مغتنم شمرده تا همراه با دست‌نشاندگان خود در سوریه مردم کردستان سوریه را که با رهبری ی پ گ نقش موثری در تقابل با داعش داشتند، خلع سلاح کند و مقاومت آنها را در هم شکند.

تحریر شام نیز که همراه با نیروهای حامی دولت ترکیه قدرت را در سوریه به دست گرفته است، خواهان آزادی دهها هزار مزدور داعش است که در زندان نیروهای کُرد این کشور قرار دادند. دولت آمریکا نیز علیرغم ظاهر بی‌طرف و حتی مخالفت با حمله به نیروهای کُرد، عملا بخاطر منافع خود در همسویی با دولت ترکیه و تحریرالشام عملا در حال فشار به مردم کردستان سوریه است. گفته می‌شود که فرماندهان آمریکایی مستقر

در کردستان سوریه خواستار عقب نشینی "ی پ گ" و سایر نیروهای مسلح در کوبانی و خلع سلاح مردم محلی شده‌اند.

مردم کردستان سوریه علاوه بر نقش موثر در شکست داعش، دستاوردهای مثبتی در اداره این منطقه داشته‌اند از جمله زنان در این منطقه از آزادی‌های قابل توجهی برخوردار بوده و نقش برجسته‌ای در سطوح مختلف حاکمیت در این منطقه دارند.

دفاع از مردم کردستان سوریه و مقابله با حملات فاشیستی دولت ترکیه علیه آنها در مقابل همه مردم آزادیخواه جهان قرار گرفته است. تظاهرات‌هایی در کشورهای مختلف اروپایی و

در کردستان عراق در حمایت از مردم کردستان سوریه و علیه سیاست جنایتکارانه دولت ترکیه شروع شده است. این تظاهرات‌ها در صورتی که بتواند با جلب حمایت افکار عمومی مردم جهان و احزاب و سازمان‌های مترقی همراه شده و توده‌های وسیع مردم را به میدان بیاورد میتواند با فشار به دولت ترکیه و همچنین دولت آمریکا به فاکتور موثری در جلوگیری از تداوم حملات دولت ترکیه به مردم کردستان سوریه تبدیل شود.

بابانوئل در خواب زمستانی

سؤال از کیوان جاوید

سیاوش آذری: جهان در سالی که گذشت را چطور می‌بینید؟

کیوان جاوید: آخرین روزهای یک سال میلادی پرتلاطم را پشت سر می‌گذرانیم. قلب زندگی با ریتمی، "گاه تندتر" و "گاه کندتر" می‌تپد. کارت‌های تبریک و هدایا و خیابان‌گردی‌های طولانی و خریدهای دیوانه‌کننده، کوچک و بزرگ، ارزان و گران‌قیمت بخش جدایی‌ناپذیر از این روزها در بخش وسیعی از جهان است. خیابان‌ها چراغانی و خانه‌ها پُر از مهمان. آری کریسمس

آمدورفت و حالا همه مردم جشن باشکوه سال نو را به انتظار نشسته‌اند.

واقعاً دوست‌داشتنی است. خوش بودن و شادی‌کردن و جشن‌گرفتن یک وسیله بشر برای ادامه بقا است. در هر شرایطی، حتی در دل یک جنگ خانمان‌برانداز نیز انسان‌ها از کمترین و ساده‌ترین اتفاقات برای خوشحال شدن استفاده می‌کنند. حتی اگر این خوشحالی برای دست‌یافتن به یک لیوان آب آشامیدنی سالم باشد یا برای به‌دست‌آوردن یک‌لقمه‌نان برای ادامه زنده‌ماندن. این تلاش برای "خوشبخت" بودن می‌تواند حتی برای بیرون‌کشیدن یک عزیز از زیر آوار یک بمباران باشد که در بخشی از جهان روزانه در

حال رخ‌دادن است.

نبرد برای زندگی ادامه دارد. ناامیدی و امید در کنار هم به سر می‌برند. خبر اینکه اسد رفت و نیروی دیگری در سوریه روی کارآمد موجی از شادی و غم را توأمان بر دل‌های سوری‌ها راه داد. شادی برای اینکه یک جنایتکار خون‌آشام و سنگدل با قتل ۵۰۰ هزار انسان برای دوام‌آوردن سرنگون شد و غم به این دلیل که اینده بدست این نیروهای اسلامیست حاکم بر سوریه به چه سمت و سویی خواهد رفت. سوریه در پرده‌ای از ابهام دست‌وپا می‌زند.

غزه همچنان زیر چکمه ارتش اسرائیل خون

می‌گرید. کودکان گرسنه و آسیب‌دیده، مردم بی‌غذا و بی بهداشت و درمان و اسیرِ ناامیدی. حماس، این سازمان تروریست‌های ضد زندگی هنوز نفس می‌کشد و آینده فلسطین و ساکنینش نامعلوم و تیره‌وتار است.

خبرها از کشور آفریقایی سودان اوج بی‌پناهی انسان را بازگو می‌کند. مادری می‌گوید: ”برای نجات دخترانم به سربازان گفتم به من تجاوز کنند“؛ در هیچ کجای جهان این‌همه کودک در حال فرار نیستند؛ میلیون‌ها کودک در سودان گرسنه‌اند. این آینه‌ای از بخش اعظم زندگی در آفریقای به خون نشسته و فقرزده و اسیر دیکتاتورها است.

در اروپا احزاب راست فاشیست بر سر کار می‌آیند و احزاب چپ پارلمانی در حال کشتی‌گرفتن با راست‌ها هستند. نبردی که اگر چه لازم است، اما دریچه‌ای به‌سوی زندگی بهتر در چشم‌انداز قرار نمی‌دهد. مردم خشمگین و برای رفاه بیشتر اعتراض می‌کنند و فاشیسم را برنمی‌تابند.

جنگ در اوکراین همچنان به‌شدت قربانی می گیرد و پایانی بر این توحشی که روسیهٔ تحت حاکمیت پوتین مسبب آن است، متصور نیست. در آمریکا نیز ترامپ آمده است تا زندگی‌های بیشتری را بر باد بدهد و برنامه حزب رقیب نیز پروارتر کردن یک‌درصدی‌ها و فقیرتر کردن ۹۹ درصدی‌ها در این کشور است. این داستان همه جای دنیای

است. یک‌درصدی‌ها جهان را به قهقرا می‌برند و اکثر جامعه می‌جنگند تا شاید آینده را از آنِ خود کند.

بابانوئل فقط در جدیدترین فیلم‌های هالیوودی همچنان شب‌ها در حال پخش هدایای کریسمس است. چهره واقعی دنیا نزدیک به آن چیزی است که فیلم سینمایی ماتریکس به تصویر می‌کشد.

بااین‌همه قلب زندگی می‌تپد و امید به آینده‌ای بهتر در دل‌ها زبانه می‌کشد. این امیدی بی‌حاصل نیست. جهانی در برابر بربریت و توحش حاکم در حالا نبردی هر روزه است. گاه آشکار، مثل انقلاب زن زندگی آزادی در ایران، و گاه پنهان برای ادامه زندگی در همه جهان. به این نبرد خوش آمدید.

جهان می‌تواند جای دلپذیری برای زندگی همه جانداران و انسان‌ها باشد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۲۳

۲۸ دسامبر ۲۰۲۴ – ۸ دی ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

آرزو بدری با آرزوهای بر باد رفته

کیوان جاوید

ترانه علیدوستی، پرواز بر فراز جمهوری اسلامی

عطیه نیک‌نفس

اصلاحات در قوانین مراکش به نفع زنان

سیاوش آذری

امیدهای معصومانه‌ای که بی‌رحمانه غرق شدند

شهاب بهرامی

آرزو بدری با آرزوهای بر باد رفته

کیوان جاوید

آرزو بدری زنی ۳۱ساله و مادر دو فرزند خردسال به تاریخ یکم مردادماه ۱۴۰۳ حدود ساعت یازده شب به همراه خواهرش در شهر نور به‌خاطر بی‌حجابی در ماشین هدف گلوله مأموران پلیس قرار گرفت و تا امروز در بیمارستان بستری بوده و با خطر جدی فلج شدن روبرو است. به گفته پزشکان، آرزو بدری دچار آسیب جدی به ستون فقرات شده و احتمالاً هرگز قادر به راه‌رفتن نخواهد بود. این در حالی است که خانواده‌اش تحت‌فشار مداوم رژیم برای سکوت قرار دارند.

این "آرزوی" ما و تک‌تک دختران و زنان در ایران است که توسط تاریک‌اندیش‌ترین و یکی از قاتل‌ترین حکومت‌های ضدبشری در جهان به این روز افتاده است. این دنیایی است که حاکمان سنگدل و بی‌رحم اسلامی برای ما مردم و بخصوص برای زنان در ایران ساختند. آرزوبدری با تیر مستقیم حکومت خدا بر زمین به این روز افتاده است و حالا خانواده‌اش نیز تحت فشار است تا دلیل این شلیک را انکار کنند.

سناریوهای تکراری و نخ‌نمای حکومت همیشه همان است که از اولین روز به قدرت رسیدنشان گفتند و نوشتند. آنچه که اینجا مطرح است نه شنیدن این داستان‌های تهوع‌آور حکومت و عصبانی شدن

و نثار کردن فحش و نفرین به مسبب این جنایت‌ها، بلکه سازمان‌دادن اقدامات وسیع اعتراضی علیه این بربریت اسلامی است که اهمیت دارد.

همه ما می‌توانیم اسم و تصویر بدری را در مدیای اجتماعی بازتاب دهیم و صدای این زن که به‌خاطر بی‌حجابی به گلوله بسته شد باشیم. ما می‌توانیم کاری کنیم که رژیم نتواند با ارعاب، خانواده آرزو را وادار به سکوت کند یا بر خلاف حقایق موجود حرف بزند.

بی‌حجابی را بیش از این گسترده کنیم. همه مردان می‌توانند در خیابان مدافع زنان بی‌حجاب در برابر اوباش اسلامی باشند. این جنگ همانطور که تا حالا

نیز مشخص شده است فقط جنگ زنان با حکومت نیست. جنگ همه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

در دنیا بیش از این رژیم را منزوی کنیم و صدای همه آسیب‌دیدگان انقلاب زن زندگی آزادی و از جمله صدای آرزو بدری باشیم. دنیا باید علیه این بربریت اسلامیون حاکم در ایران در کنار ما قرار بگیرد. نگذاریم آرزوهای بیشتری بر باد روند. این حکومت درمانده و بی‌ریشه را به خاک کشیم.

ترانه علیدوستی، پرواز بر فراز جمهوری اسلامی

عطیه نیک‌نفس

”مینا اکبری، روزنامه‌نگار و فیلمساز ساکن ایران، جمعه هفتم دی، در حساب کاربری خود در شبکه ایکس، خبر داده که کد ملی خانم علیدوستی مسدود شده و او ”ممنوع‌الپرواز“ شده است.

رژیم اسلامی چه سخیف و مذبوحانه برای زنده‌ماندن دست‌وپا می‌زند! ترانه علیدوستی از همان ابتدای انقلاب زن زندگی آزادی کنار مردم ایستاد و با موضع‌گیری‌ها و بی‌حجابی‌اش از انقلاب مردم حمایت کرد و به به‌خاطر همین رودررویی آشکار و شجاعانه برای مدتی زندانی

شد.

رژیم نمی‌تواند از پسِ ترانه‌ها و آهوها و پرستوهای زن زندگی آزادی بر آید. این زنان شجاع بر یک پشتوانه عظیم مردمی تکیه زده‌اند و از این سنگر مستحکم انقلاب زیبای زن زندگی آزادی جمهوری اسلامی را نشانه گرفته‌اند و به جنگ این کثیف‌ترین نیروی ارتجاعی تاریخ بشری می‌روند.

تلاش بیهوده رژیم برای مسدود کردن حساب بانکی و ممنوع الپرواز کردن ترانه تنها دست‌وپازدن‌های مذبوحانه رژیمی در حال مرگ است. اینها رعشه‌های آخرین لحظات رژیمی مفلوک است

که در محاصره همه‌جانبه مبارزت مردم اسیر شده است. ترانه در قلب انقلاب و مردم جا دارد و رژیم اسلامی با این تقلاهای بیهوده به‌سوی سرنگونی با شیبی تند می‌تازد.

ترانه مصمم با حجاب اسلامی و ارتجاع حکومتی در مبارزه است و این را با بی‌حجابی خود به تصویر می‌کشد. حالا جای اینست که با تمام قوا از او حمایت کنیم. برایش پیام‌های حمایتی بفرستیم؛ از جامعه هنری در ایران و جهان و تمامی سازمان‌ها و انسان‌های آزاده و مدافع حقوق انسانی بخواهیم علیه زن‌ستیزی اسلامی و نقض حقوق مدنی و شهروندی مردم ایران بیشتر از همیشه به جمهوری اسلامی اعتراض کنند.

جمهوری اسلامی از همیشه متزلزل‌تر و مفلوک‌تر است و باید هر چه بیشتر مورد تهاجم جامعه قرار بگیرد. ترانه‌های انقلاب بر فراز ویرانه جمهوری اسلامی به پرواز درآمده‌اند و سرود زندگی می‌خوانند. این سرود رهایی را رساتر کنیم.

اصلاحات در قوانین مراکش به نفع زنان

سیاوش آذری

دولت مراکش اخیرا اصلاحاتی در قوانین مرتبط با ازدواج دختران زیر سن قانونی، حضانت فرزندان و ارث اعلام کرده که موقعیت زنان را تا حدودی ارتقا خواهد داد. اجرایی شدن اصلاحات پیشنهادی مستلزم تایید این قوانین از طرف پارلمان و پادشاه مراکش است.

در قوانین تا کنونی حداقل سن ازدواج در موارد "استثنایی" ۱۵ سال است. همچنین قیمومیت والدین به شکل خودکار به پدران اعطا می گردد و حق ارث زنان نصف برادران آنهاست. قوانین

همچنین چندهمسری مردان را مجاز میشمارد. اصلاحات پیشنهادی، حداقل سن ازدواج در موارد "استثنایی" را به ۱۷ افزایش میدهد، قیمومیت والدین را بین دو والد به اشتراک میگذارد، اهدای نامحدود ارث به وارثان زن را امکانپذیر می‌سازد و چندهمسری مردان را مشمول قوانین سختگیرانه تر میکند.

مسلما اصلاحات پیشنهادی، همانند قانون خانواده مراکش، معروف به "مدونه" که در سال ۲۰۰۴ تصویب شده بود، نه حاصل "استحاله" دولت اسلامی مراکش و خواب نما شدن جناب پادشاه، بلکه نتیجه مبارزه بی‌وقفه زنان و دیگر فعالین حقوق انسان‌ها است.

صد البته قوانین پیشنهادی پاسخگوی تمامی مطالبات جنبش رهایی زن نیست. با اینحال نفس اینکه حکومتی مبتنی بر قوانین شرعی و اسلامی، که ضدیت با زن و آزادی و رهایی در ماهیتش نهفته است، دست به تغییراتی به نفع زنان در قوانین بزند نشانه پیشروی و پویایی جنبش زنان در جامعه است. به علاوه این اصلاحات همچنین نشانگر بی پایگی و بی پرنسیبی سیاستهای دولت‌های غربی است که با استناد به تزهای نسبیت فرهنگی و ادعای "احترام به فرهنگ دیگران" تلاش در توجیه سیاست مماشات با چنین حکومت‌هایی را داشته اند.

در این میان نقش انقلابات عربی و همچنین انقلاب زن زندگی آزادی قابل چشم‌پوشی نیست. انقلابات عربی، مستقل از پیروزی‌ها، شکست‌ها و عاقبتشان به مردم تحت سیطره دیکتاتوری‌های خشن و جنبش هار اسلام سیاسی در منطقه نشان داد که با تکیه بر قدرت خویش و مبارزاتشان قادر به ایجاد تحولات اساسی در راستای ایجاد جوامعی آزاد، برابر و مرفه هستند. و انقلاب زن زندگی آزادی این امر را مشخص نمود که جنبش رهایی زن نوک پیکان مبارزه برای رهایی کل جامعه و مبارزه متشکل در این مسیر راهی واقعی در جهت تعمیق و پیشبرد و به پیروزی رساندن انقلاب است.

امیدهای معصومانه‌ای که بی‌رحمانه غرق شدند

شهاب بهرامی

یک سازمان مردم‌نهاد اسپانیایی در گزارشی اعلام کرد در سال ۲۰۲۴، بیش از ۱۰ هزار مهاجر در تلاش برای رسیدن به اسپانیا از راه دریا جان خود را از دست دادند.

جنگ و کشتار مردم اوکراین، بحران خاورمیانه و کشتار و قتل‌عام فجیع غزه، تروریسم دولتی اسرائیل، تروریسم اسلامی حماس، حزب‌الله و جمهوری اسلامی فقط پرده‌هایی از عمق جنایت علیه بشریت امسالِ در حال گذر بود، لذا دنیا دیگر برای دیدن پرده دیگری از تراژدی انسانی که در همین سال اتفاق افتاد رمقی برای شنیدن و

حتی برای نظاره گری هم نداشت، فاجعه غرق‌شدن انسان‌هایی که هیچ آرزویی جز زنده‌ماندن نداشتند به امری پیش‌پاافتاده و عادی بدل شده است.

انگار ما داریم صفحه آگهی‌ها را ورق می‌زنیم و رد می‌شویم. آدمی از این‌همه سقوط، مات و حیران می‌ماند که دنیا به کجا می‌رود. در همین سالها ده‌ها هزار پناهجوی کودک و زن و مرد، طعمه امواج دریاها شدند، از این تعداد بیش از ده‌هزار نفر فقط پناهجویان آفریقایی بودند که از دست جنگ‌های داخلی و قحطی و خشکسالی از طریق جزایر قناری عازم اسپانیا بودند و هرگز به مقصد نرسیدند.

میلیون‌ها برده آفریقایی که اجداد همین پناهندگان امروزی آن قاره‌اند حین انتقال به اروپا و آمریکا طی پنج قرن اخیر به همین سرنوشت دچار شدند. غارت منابع طبیعی، کشتار و نابودی محیط زیست، فقر و عقب‌ماندگی، ثمره دوران استعماری و البته آرایش جهانی سرمایه‌داری امروز و بن‌بست سیاست‌ها و اشکال رنگارنگ توسعه اقتصادی، بخوان غارت اقتصادی در کشورهای فقیر، بویژه کشورهای آفریقایی بوده است. رقابت کمپانی‌ها و دولت‌های غربی در این قاره، گسیل سیل اسلحه، جنگ‌افروزی و کمک به روی کار آمدن دیکتاتورها، ایلخان‌ها و گانگسترهای صحرایی که با سلاح‌های اهدایی قدرت‌های غربی مردم را می کشند و غارت می کنند، توضیح چرایی و علت فرار میلیونی مردم

بی‌پناه این قاره نگون‌بخت است.

با توسعه جغرافیایی اروپای واحد و عروج راست افراطی بویژه در عرصه قدرت سیاسی، اروپامحوری به سیاست نرمال کشورهای عضو این اتحادیه تبدیل شده و با اتخاذ سیاست‌های به‌شدت غیرانسانی پناهندگی ادامه کشتار پناهندگان و آوارگان آفریقایی در دریا باز هم بیشتر و بیشتر می‌شود. آیا جهان متمدن صدای بردگان امروز را خواهد شنید؟

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۲۴

۲۹ دسامبر ۲۰۲۴ – ۹ دی ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

سازماندهی کلید پیشروی است

سؤال از اصغر کریمی

تزریق آب مقطر بجای داروی شیمی درمانی

میلاد رابعی

اوضاع وخیم اقتصادی و اعتراض بازاریان

کیوان جاوید

جهش فنری قیمت مسکن و سیاست

سینا پدرام

سازماندهی کلید پیشروی است

سوال از اصغر کریمی

کیوان جاوید: خاموشی‌ها زندگی مردم را فلج کرده است. آیا ابعاد اعتراضات با این موقعیتی که زندگی مردم را مچاله می‌کند جور در می‌آید؟ راه مقابله چیست؟

اصغر کریمی: قطع برق و مختل شدن زندگی روزانه مردم، کاهش بسیاری از تولیدات صنعتی و غیر صنعتی، اخراج کارگران برخی کارگاه‌ها، تنها گوشه‌ای از مجموعه مشکلات مردم است. معضلات اقتصادی از جمله گرانی و بیکاری و فقر و بی‌تامینی در کنار انواع بی‌حقوقی‌ها و سرکوب‌ها،

تبعیضات و غیره اکثر قریب به اتفاق مردم را بشدت خشمگین کرده است و قطع برق به همه این مشکلات به شدت دامن زده است. اما اینکه چرا اعتراضات بویژه اعتراضات معیشتی و اعتراض بخاطر قطع برق و انواع مشکلات دیگر تناسبی با میزان نارضایتی مردم ندارد، دلایل متعددی دارد. سرکوب از یکطرف و فقدان تشکل‌های سراسری کارگری، دانشجویی و توده‌ای که توان سازمان‌دهی اعتصابات و تجمعات سراسری داشته باشند و نیز حزبی که توان بسیجی صدها هزاری مردم را داشته باشد سه دلیل اصلی است. اما چه باید کرد و کلید پیشروی در این شرایط چیست؟

از میان این سه دلیل، سرکوب دست رژیم است اما این ابزار نیز با گسترش مبارزات توده‌ای ناکارآمد

می‌شود بنابراین تمرکز را باید روی سازماندهی توده‌ای و حزبی گذاشت. در اینجا به سازماندهی توده‌ای، تشکل‌های متنوع حول مسائل مختلف در میان بخش‌های مختلف مردم، می‌پردازم و در مورد سازماندهی حزبی در جای دیگری به آن خواهم پرداخت.

در ماه‌های گذشته بدلیل شکست‌های پی در پی رژیم در داخل و خارج کشور و تعمیق تشتت در صفوف رژیم، توازن قوا برای خیلی از کارهایی که یک سال پیش غیر عملی جلوه می‌کرد امروز بیش از همیشه عملی شده است. به دنبال شروع انقلاب زن زندگی آزادی تشکل‌ها و شبکه‌های متعددی در زمینه دانشجویی و دانش‌آموزی، جوانان، زنان، کارگران و پرستاران، بازنشستگان، دادخواهان و

نیز در میان هنرمندان و بخش‌های دیگری از جامعه شکل گرفت و یا تشکل‌های موجود تقویت شدند و در موقعیت جدیدی قرار گرفتند. این دستاورد بسیار مهمی است و الگوهای موفقی به جامعه ارائه داده و راه را برای ایجاد تشکل‌ها و شبکه‌های بیشتر هموار کرده است. اما این تشکل‌ها هنوز نه از نظر نیروی هر کدام از این تشکل‌ها و نه تعداد این تشکل‌ها در موقعیتی نیستند که توان بسیج توده‌های وسیع مردم را داشته باشند مگر در شرایطی که توازن قوا بیش از پیش به نفع مردم تغییر کند. با گسترش سازماندهی می‌توان توازن قوا را نیز تغییر داد. شرایط کنونی این فرصت را ایجاد کرده است.

امروز سازماندهی کلید هر گونه پیشروی و تغییر

توازن قوا است. اگر در تک تک شهرک‌هایی که با قطع برق مواجهند و یا در محلات مختلف شهرها جمع‌ها، کانون‌ها و تشکل‌هایی شکل بگیرد به سرعت می‌تواند مردم کارد به استخوان رسیده را به حرکت درآورد. این تشکل‌ها می‌توانند علیه قطع برق و سایر محرومیت‌های رفاهی در یک منطقه باشند یا برای دادخواهی، یا راه‌اندازی گروه‌های رقص و موسیقی در خیابان‌ها، یا تیم‌های کوچکی برای شعارنویسی یا حول هر خواست و مساله دیگری. در تک تک شهرک‌ها و محلات شهرها فعالینی حضور دارند که توان جلو افتادن و سازماندهی را دارند. دهها و صدها جمع و کانون و شبکه‌های اعتراضی می‌توان ایجاد کرد و تشکل‌های موجود را گسترش داد.

کلید پیشروی و ادامه‌کاری مبارزه سازمان‌دهی است و کلید سازمان‌دهی وجود فعالینی است که هم در جنبش کارگری و هم در بخش‌های دیگر جامعه حضور دارند و در کوران مبارزات طولانی مدت بویژه مبارزات دو سال و چند ماه گذشته بدنبال انقلاب زن زندگی آزادی پختگی زیادی به دست آورده‌اند. هر تشکلی که توسط این فعالین ایجاد شود به الگویی برای دیگران تبدیل می‌شود و گامی جامعه را جلو خواهد برد. باید همه جا دست به کار سازمان‌دهی شد. باید جامعه را برای سرنگونی و پیروزی سازمان داد.

تزریق آب مقطر بجای داروی شیمی درمانی

میلاد رابعی

رئیس پلیس آگاهی آذربایجان شرقی، روز شنبه ۸ دی، درباره تزریق آب مقطر به‌جای داروی شیمی‌درمانی به بیماران سرطانی در بیمارستان بین‌المللی تبریز، گفت که دراین‌خصوص ۲۰ پرونده قضایی تشکیل شده است.

همه ما می‌دانیم که سیستم بهداشت و درمان در ایران تبدیل به تجارتی کثیف و پرسود برای مافیای دارو و قاچاق اعضای بدن شده است که مستقیماً و بلاواسطه از جان انسان‌ها ارتزاق می‌کند، مافیایی که مثل تمام موارد مشابه به سپاه پاسداران و سران

ریزودرشت حکومتی وصل است.

در مورد اخیر ظاهراً این اقدام توسط تعدادی از کادر درمان بیمارستان صورت گرفته است. ناگفته پیدا است که انگیزه این اشخاص چیزی جز ایجاد درآمد برای گذران زندگی خود و خانواده‌شان نبوده است. اینها جانی بالفطره نیستند. اگر حقوق و مزایایی در شأن شغلشان دریافت می‌کردند چه‌بسا جانشان را هم برای بیماران فدا می‌کردند. این گفته به معنای تبرئه این افراد نیست اما در چنین مواردی باید به دنبال مقصر اصلی بود.

وقتی دزدی و چپاول به امری روزمره و سیستماتیک در نظام اداری یک کشور تبدیل می‌شود و از آن مهم‌تر هنگامی که ارزش جان و شأن و حرمت

انسان هر روز و هر ساعت توسط حاکمین لگدکوب می‌شود بروز چنین فجایعی دور از انتظار نیست.

یکی از بزرگ‌ترین جنایات حکومت اسلامی در ایران، بی‌ارزش کردن جان انسان است؛ کاری که حکومت به هزار و یک شکل مشغول انجام آن است. این حکومت امروز یا فردا رفتنی است و باید از امروز در تلاش بود تا در آینده جامعه‌ای بسازیم که حتی فکرکردن به چنین اعمالی دون شأن شهروندانش باشد.

اولین اقدام همانطور که اشاره شد تأمین معاش و رفاه همه مردم و ازجمله کارکنان بخش بهداشت و درمان است. کارمند و پرستاری که مشکل مالی نداشته باشد دلیلی برای گرفتن رشوه و فروش

دارو نخواهد داشت.

اما در کنار رفع مشکلات معیشتی مردم، احیای حرمت لگدمال شده انسان و ارزش انسان در جامعه یک وظیفه فوری نظام سیاسی موجود در جامعه است. انسان و هر آنچه به او و حیات و منزلتش مربوط می‌شود باید محور اداره جامعه و فلسفه سیاسی حاکم بر آن باشد.

انسان و انسانیت منهای هر هویت کاذب ملی، مذهبی، قومی و جنسیتی و لغو بردگی مزدی معیار اصلی و اصل اساسی اداره جامعه خواهد بود. پیش به‌سوی انقلابی انسانی برای جامعه‌ای انسانی.

اوضاع وخیم اقتصادی و اعتراض بازاریان

کیوان جاوید

روز یکشنبه ۹ دی، بازاریان تهران در اعتراض به شرایط وخیم اقتصادی دست به اعتصاب و راهپیمایی زدند. اعتراض و اعتصاب بازاریان از راسته سیدولی بازار کفاشان شروع شد و به بازار پارچه‌فروشان تسری پیدا کرد. بازاریان با فریاد "ببندید، ببندید" از سایر صنوف خواستند که به اعتصاب بپیوندند.

این اقتصاد فروپاشیده جمهوری است که در برابر چشم ما هر روز بر ابعاد فقر و فلاکت عمومی می‌افزاید. با این وضعیت اقتصادی هیچ چشم اندازی برای ادامه زندگی متصور نیست. مردم

معطل نان شب شده‌اند و روند فروپاشی اقتصادی هر روز اوضاع را تیره و تارتر می‌کند.

این روند فروپاشی اقتصادی، زمینه در وضعیت سیاسی جمهوری اسلامی دارد. این رژیم درمانده از حل بنیادی بحران‌های بین المللی سیاسی خود در بن بست کامل قرار گرفته است. دولت‌های جهان با رژیم اسلامی نه تنها مراوده عادی ندارند بلکه هر روز یک بحران جدید بر بحران‌های دیگر افزوده می‌شود. آخرین نمونه این بحران‌ها دستگیری "چچیلیا سالا"، روزنامه‌نگار ایتالیایی است که رسماً در ایران فعالیت حرفه‌ای خبرنگاری انجام می‌داده است.

جمهوری اسلامی نمی‌تواند به یک رژیم نرمال

تبدیل شود. ماهیت این رژیم با قوانین اسلامی و غرب ستیزی و "ارتجاع ناب محمدی" گره خورده است و ماهیت جامعه ایران با انزجار از اسلام و قوانین اسلامی و دوستی با تمدن پیشرو در جهان همساز است. به این معنی آب و روغن را نمی‌شود در هم آمیخت. جمهوری اسلامی فقط باید سرنگون بشود.

حل وضعیت وخیم اقتصادی در ایران نه تنها با وجود حکومت اسلامی ممکن نیست بلکه هیچ راه حل سرمایه داری دیگر هم ندارد. تمام راه‌های امتحان پس داده دیگر دولت‌ها در مواقع بحران‌های اقتصادی تحمیل ریاضت اقتصادی همراه با تزریق وام‌های بین المللی است تا موقتاً این بحران را مهار کنند. مردم ایران در

اوج فلاکت اقتصادی بسر می‌برند و هیچ ذره‌ای از شوک درمانی اقتصادی را بر نمی‌تابند. این وضعیت فقط می‌تواند با به چنگ آوردن یک زندگی انسانی پاسخ شایسته بگیرد.

سازماندهی اعتصابات و اعتراضات سراسری و اتحاد و مبارزه همگانی برای دست یافتن به رفاه و آزادی و برابری تنها اسلحه دست مردم است که می‌توانند به این فلاکت اقتصادی و ارتجاع سیاسی پایان بدهند.

جهش فنری قیمت مسکن و سیاست

سینا پدرام

بنا به گزارش خبرگزاریها در ایران انتظار میرود که در هفته های آینده مردم ایران با افزایش بسیار شدید قیمت مسکن مواجه شوند. در این گزارشها از اصطلاح باز شدن فنر قیمت مسکن استفاده شده است. در طول روزهای اخیر نیز با افزایش قیمت ارزهای خارجی به رکورد های جدید موضوع اَبَر بحران های مختلف و تورم کمر شکن در صدر خبرها قرار گرفت.

در ارتباط با مسکن دولتهای مختلف رژیم اسلامی وعده های توخالی ساخت یک میلیون مسکن در

سال را بارها و بارها تکرار کرده اند ولی در واقعیت حتی به رقم ۳۰۰ هزار مسکن در سال نیز نزدیک نشده اند.

با توجه به بحران سوخت، قطعی مداوم برق کارگاهها و کارخانه ها و کمبود تولید سیمان و فولاد بار دیگر ساخت مسکن در ایران با اختلالات شدیدی مواجه خواهد شد و رابطه عرضه پایین مسکن قیمتها را به شکل جهشی افزایش خواهد داد.

در گزارشات مختلف و تحلیل های بسیاری از کارشناسان اقتصادی متغیرهای اقتصادی همیشگی و بخصوص موضوع تاثیر عرضه و تقاضا و عدم

تناسب افزایش قیمت رهن و کرایه ها در مقایسه با قیمت خانه ها در سال های اخیر و بخصوص رکود مسکن در ۲-۳ سال گذشته در صدر دلایل این جهش فنری قرار گرفته است. اما آنچه که غایب است موضوع دخالت سیاست در رشد تورمی قیمتها و به طور عمومی در اقتصاد ایران است.

آنچه که روشن است رژیم اسلامی در چند سال گذشته در مقابل مردم ایران در موقعیت سیاسی بسیار متزلزل تر و بی ثبات تری قرار گرفته است و جنبش انقلابی جاری زن زندگی آزادی تمامی موجودیت این رژیم را زیر سوال برده است.

با توجه به شکستهای سیاستهای منطقه ای رژیم

و بخصوص سقوط اسد در سوریه و خنثی شدن نیروهای نیابتی آن، جمهوری اسلامی هرچه بیشتر به لحاظ سیاسی در یک توازن قوای منفی در مقابل مردم قرار گرفته است.

آنچه که در عالم اقتصاد و بازار از آن به نام اَبَر تورم یاد میشود و هر روز یک کالای مشخص و امروزه کالای مسکن را با افزایش قیمت چند صد درصدی مواجه کرده است، بار دیگر این واقعیت را روشن میکند که با وجود ادامه حیات این رژیم هیچ تغییر اقتصادی به نفع مردم در ایران قابل حصول نیست.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۲۵

۳۰ دسامبر ۲۰۲۴ – ۱۰ دی ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

به مناسبت سال نو میلادی

سه شنبه و چهارشنبه ۱۱ و ۱۲ دی

ژورنال منتشر نمی شود

در این شماره ژورنال:

سپاه پاسداران و رجزخوانیهای مضحک!

کاظم نیکخواه

جمهوری اسلامی و حربه گروگان‌گیری

سیامک بهاری

شاید "قحطی" شود

کیوان جاوید

"محدوده زنان" و طالبان‌های ایران و افغانستان

منظر دریاکناری

سپاه پاسداران و رجزخوانیهای مضحک!

کاظم نیکخواه

سپاه پاسداران در بیانیه‌ای به مناسب ۹ دی بر "آمادگی همه‌جانبه" سپاه پاسداران و بسیج برای مقابله با ایجاد آشوب و ناامنی و فتنه افروزی" تأکید کرد.

به گزارش خبرگزاری تسنیم "در این بیانیه با تأکید بر ضرورت درس‌آموزی از فتنه ۸۸ و حماسه ۹ دی؛ بهره‌گیری از عبرت‌های این رخدادها برای مقابله با جنگ ترکیبی و شناختی دشمن و مقایسه مشابهت‌های دسیسه‌های امروز دشمنان در ائتلاف‌سازی علیه ایران اسلامی به‌ویژه پس از

تحولات اخیر منطقه و حوادث سوریه برای ایجاد فتنه و آشوب در کشور را ضروری قلمداد کرده و در ادامه چنین آورده: "بی‌تردید ملت ایران حماسه تاریخی ۹ دی ۸۸ را که خیزشی برخاسته از ایمان و اراده الهی و حرکتی جوشیده از عمق بصیرت، دشمن‌شناسی و استکبارستیزی بود، در بزنگاه‌های تاریخ‌ساز مانند امروز فراروی خود قرار می‌دهد و در اوج هوشمندی و صلابت از متن چالش‌ها و مشکلات ناشی از طراحی اتاق‌های فکر دشمن که در تهدید، تحریم، جنگ اقتصادی، جنگ ادراکی، تزریق روح یأس و ناامیدی در مردم، ناکارآمد نشان‌دادن نظام و هراس‌افکنی در جامعه جلوه‌گری می‌کند، عبور خواهد کرد."

این روزها رجزخوانی‌های حکومتی‌ها برای مردم اسباب مزاح و طنز است. از ترس "فتنه و آشوب‌های بیشتر" و همچنین سرنوشت هنیه و نصرالله و بشار اسد، خود را در هفت سوراخ مخفی کرده‌اند و به صفوفشان در مقابل "روح یاس و نا امیدی" هشدار می‌دهند! بیچاره‌ها شاهدند که جامعه دارد از تجمعات و اعتراضات می‌جوشد، حجاب مقدسشان توسط زنان و دختران لگدمال شده و قانون حجابشان را به ناچار زیر فرش کرده‌اند، اقتصادشان هم که ناسلامتی توپ است و از پس حداقل نیازهای مردم نظیر گاز و برق و آب بر نمی‌آیند و صدای همه حتی بازاریان را درآورده‌اند، نیروهای نیابتی‌شان هم به همراه سرداران قدس لت‌وپار شده‌اند، اما هنوز هم ناچارند بگویند ما "آماده مقابله با دشمن هستیم و

از این اوضاع عبور خواهیم کرد"!

وضعیت نزار حکومت از خلال همین بیانیه‌ها و "عبور خواهیم کردها" کاملاً آشکار است. مردم اینها را می‌بینند و خود را برای تمام‌کردن کار آماده‌تر می‌کنند. با سرنگونی این ماشین جنایت و چپاول، مردم در صفوف میلیونی یاد همه جانباختگان خیزش ۸۸ و خیزش‌های گسترده بعدی و انقلاب زن زندگی آزادی را گرامی خواهند داشت.

جمهوری اسلامی و حربه گروگان‌گیری

سیامک بهاری

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران: "بازداشت چچیلیا سالا خودسرانه و هدف آن باج‌خواهی است."

چچیلیا سالا، خبرنگار روزنامه "ایل فایلیو" ایتالیایی، ۲۲ آذرماه با ویزای معتبر روزنامه‌نگاری، برای چندمین بار به ایران آمد. ۲۹ آذر در تهران بازداشت شد. اما خبر بازداشتش مخفی ماند، جمعه هفتم دی علنی شد. دولت ایتالیا در تلاش با چانه‌زنی محرمانه، با خیال اینکه می‌تواند او را نجات دهد، بازداشت او را پنهان نگهداشته بود.

این گروگانگیری رسوا را نهادها و رسانه‌های بین‌المللی بعنوان نمونه واضح باجگیری و انتقام‌گیری محکوم کرده‌اند. چچیلیا قربانی وطعمه جدید حکومت اسلامی برای آزاد کردن "محمد عابدینی" و همدست او "مهدی محمد صادقی"، دو عامل سپاه قدس در آمریکا و ایتالیاست که به جرم تهیه و قاچاق مخفیانه تسلیحات پهبادی برای جمهوری اسلامی ایران دستگیر شده‌اند.

باج‌گیری و گروگانگیری شیوه آشنا و شناخته شده به قدمت عمر پر نکبت جمهوری اسلامی است. اقدامی تلافی‌جویانه که سال‌های متمادی به اشکال مختلف، در معامله و مماشات با بسیاری

از کشورهای اروپایی انجام گرفته است. بازداشت خبرنگاران خارجی یکی از رایج‌ترین روش‌های امتیازگیری جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی با رویکرد سازشکارانه کشورهای غربی آشناست. با همین شیوه بارها از آنها باجگیری کرده است. نمونه‌های معاوضه قاتلین بختیار، قاسلمو، جنایت میکونوس، معاوضه اسدالله اسدی و حمید نوری، تا باجگیری مالی در قبال آزادی امثال نازنین زاغری و ده‌ها نمونه دیگر، تا گروگان‌گیری دو تابعیتی‌ها مانند احمدرضا جلالی، ناهید تقوی و... از جمله تبادل زندانیان، اقدامات مکرر جنایی شرارت‌بار و شناخته شده جمهوری اسلامی است.

دولت‌های غربی بارها از این سوراخ گزیده شده‌اند، به باجگیری جمهوری اسلامی تن داده‌اند، عناصر تروریست، قاتلین مخالفان، آدم‌ربایان، قاچاقچیان با انواع شرارت‌های جنایتکارانه دستگیر شده‌اند و با حربه گروگانگیری معاوضه شده‌اند.

"کایلی مور گیلبرت"، زندانی پیشین استرالیایی – بریتانیایی که چندی پیش معاوضه شد، درباره مماشات با جمهوری اسلامی به درست می‌گوید: "این دقیقاً تعریف دیوانگی است که کاری را بارها و بارها انجام دهید و انتظار نتیجه‌ای متفاوت داشته باشید. دولت‌ها دیپلماسی گروگان‌گیری را جدی بگیرند و آن را به‌عنوان تهدیدی فزاینده

برای حقوق بشر و امنیت ملی به رسمیت بشناسند.“

حکومت اسلامی در آستانه سقوط و سرنگونی است. تقلاهای آخر حکومت را باید به شکست کشاند. این حربه را باید با بایکوت بین‌المللی جمهوری اسلامی از او گرفت و به سیاست‌های تروریستی و باجگیری آن خاتمه داد!

شاید "قحطی" شود

کیوان جاوید

روز یکشنبه ۹ دی‌ماه، سلمان ذاکر، عضو کمیسیون صنایع مجلس شورای اسلامی، به خبرگزاری حکومتی "رکنا" نسبت به بروز "قحطی" در ایران هشدار داد.

این هم آخر حرف حکومت اسلامی است. حالا دیگر هشدار قحطی می‌دهند. سؤال این است چرا باید در ایران قحطی بشود؟ ایران چه کم دارد که نمی‌تواند امکانات رفاهی و غذایی و درمانی و بهداشتی را به وفور تأمین کند و زندگی مردم طوری باشد که اسیر فقر و فلاکت و خاموشی و

بی گازی نباشند؛ ایران چه کم دارد که میلیون‌ها کودک باید از تحصیل باز بمانند؛ ایران چه کم دارد که مناطق محروم در این کشور حتی دسترسی به آب آشامیدنی و حمام و مدرسه و درمانگاه و بیمارستان ندارند؛ ایران چه کم دارد که دارو پیدا نمی‌شود و اگر هم پیدا بشود باید در بازار سیاه دنبال آن گشت؛ ایران چه کم دارد که سراسر این کشور رشوه خانه و زیرمیزی دادن شده است و خلاصه این کشور چه کم دارد که از اعتیاد در صدر جدول جهانی قرار گرفته است و سرآمد اعدام‌ها در جهان است؟

ما مردم دلیل این فجایع را می‌دانیم. برای اینکه بیشتر از این در این فقر و فلاکت اقتصادی و در این

باتلاق تباهی که رژیم ساخته و پرداخته است غرق نشویم باید بیش از این مبارزه متشکل را سازمان بدهیم. ما مردم هر چه قدر هم که قوی باشیم و این جانیان را دشمن شخصی خود بدانیم و مسبب این همه فلاکت را بشناسیم، باز هم به تنهایی نخواهیم توانست جلوی فاجعه را بگیریم. البته ما این نکات را هم خوب می‌دانیم و برای سرنگونی این حکومت گام‌های متحدانه بزرگی به پیش برداشتیم. آخرین نمونه این مبارزه متشکل، سراسری، آزادیخوهانه و پیشرو همین جنبش انقلابی زن زندگی آزادی است. اما یک مانع دیگر را باید از پیش پا برداریم. باید بتوانیم نیروی سرکوب جمهوری اسلامی را خنثی و بی‌اثر کنیم. برای این کار به صدها تشکل در میدان و مبارز نیاز داریم. در این میان باید بدانیم

یک حزب همیشه و در همه حال پرچم سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را با خواسته‌های مدرن و انسانی برافراشته نگهداشته است. حزب کمونیست کارگری را انتخاب کنید تا به کمک هم جمهوری اسلامی را از پا در بیاوریم. همه با هم می‌توانیم آینده‌ای زیبا، مرفه، برابر و آزاد بسازیم.

"محدوده زنان" و طالبان‌های ایران و افغانستان

منظر دریاکناری

در بیانیه‌ای که روز یکشنبه ۹ دی‌ماه توسط طالبان منتشر شده است: "ساختمان‌های جدید نباید پنجره‌هایی داشته باشند که امکان دیدن حیاط، آشپزخانه، چاه همسایه و سایر مکان‌هایی که معمولاً زنان از آنها استفاده می‌کنند را فراهم کند".

این فرمان در ایران نیز آشنا است: بنا بر نظر آیت الله جوادی آملی، این "مفسر بزرگ قرآن کریم" (سایت شیعه نیوز اینطور معرفی‌اش کرده است. مقصر ما نیستیم)، ساختن خانه‌های

با آشپزخانه‌های به اصطلاح open (باز) که در آن صاحبخانه نتواند خود را از مهمان مصون و مستور نگه دارد، اسلامی نیست. زن باید هنگامی که در خانه مهمانی وجود دارد بتواند بدون آنکه در معرض دید مهمان باشد کارهای خود را انجام دهد و از نگاه دیگران مصون و محفوظ بماند.

همین قانون طالبان و هم قانون فسیل‌ها اسلامی در ایران یکی است. در نگاه اسلامی هر دو بخش از اسلامیون که اسلحه بدست به شکار زنان پرداخته و هنوز ادامه می‌دهند عنصر کثیف ضدیت با جسم و جان و روح و روان زنان برجستگی ویژه‌ای دارد و یادمان باشد هر دو بخش از این اسلامیون ضد زندگی و ضد بشر با همکاری دولت آمریکا و

مشارکت کشورهایی اروپای به قدرت رسیدند.

سرنوشت زنان افغانستان و زنان در ایران یکی است. اگر اینطور است، باید یک جنبش و یک هدف مشترک مردم این دو کشور را به‌سوی رهایی و آزادی رهنمون شود. در ایران علی‌رغم کشتار بی‌سابقه و ستم مضاعف و غیر قابل تصور علیه زنان، انقلاب زن زندگی آزادی پا به عرصه نبرد با جمهوری اسلامی گذاشت و دیدیم که چه بلایی بر رژیم می‌آورد. در افغانستان نیز درست مثل ایران باید چنین جنبشی در صدر مبارزات مردم قرار بگیرد. این جنبش خودبخودی پا به عرصه حاد مبارزه نمی‌گذارد. سازمان‌ها، نهادها و تشکل‌های آزادیخواه و برابری‌طلب و حزب پیشرو و مدرن و

برابری‌طلبی لازم است که چنین جنبشی را سازمان بدهد. تجربه انقلابیون زن زندگی آزادی در ایران می‌تواند در اختیار فعالین سیاسی و اجتماعی و مردم افغانستان قرار بگیرد تا در دو کشور حساب حکومت‌های اسلامی را کف دستشان بگذارند. تا آن زمان از همین امروز به کمک زنان و مردم افغانستان بشتابیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۲۶

۲ ژانویه ۲۰۲۵ – ۱۳ دی ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

خامنه‌ای و بازگشت به روضه کربلا!

کاظم نیکخواه

اف‌ای‌تی‌اف و عقب‌نشینی خامنه‌ای

اصغر کریمی

علم الهدی و مجلس اسلامی جاسوس پرور

محسن ابراهیمی

مهدی یراحی و شلاق پوسیده حکومت

کیوان جاوید

اعدام در عربستان و ایران

حسن صالحی

خامنه‌ای و بازگشت به روضه کربلا!

کاظم نیکخواه

روز چهارشنبه ۱۲ دی‌ماه خامنه‌ای در مراسم مرگ قاسم سلیمانی روضه خوانی جالبی کرد. زیر فشار شکست‌ها و ضربات ی پی در پی ناچار بود به صفوفش توضیح دهد که اینهمه ضربه که خورده‌ایم و اینهمه مزدور که از دست دادیم چه بدست آورده‌ایم. او گفت: "حتی اگر چنانچه پیروزی حاصل نشود، خونی که ریخته شد هدر نمی‌رود. خون جناب حمزه در احد ریخته شد، هدر رفت؟ نه. بالاتر از همه، خون سیدالشهداء (سلام اللّٰه علیه) در کربلا ریخته شد، هدر رفت؟ نه. اگر... حاج قاسم توی کوه‌ها و بیابان‌های این منطقه با آن شهامت حرکت

نمی‌کرد و دنبال خودش [این شهدا را] نمی‌کشاند، امروز از این اعتاب مقدس خبری نبود...، نه فقط از زینبیه خبری نبود، از کربلا هم خبری نبود، از نجف هم خبری نبود...عده‌ای از روی عدم تحلیل درست و عدم فهم درست و عدم شناخت لازم از مسائل ... تصور می‌کنند، و به زبان میاورند و شاید ترویج می‌کنند که با حوادث اخیر منطقه، خون‌هایی که در راه دفاع از حرم ریخته شد، هدر رفت! ”

عجب! قرار بود اسرائیل نابود شود. قرار بود ”راه قدس از کربلا“ بگذرد. اما امروز کار به جایی رسیده که خامنه‌ای از درون حکومت زیر فشار قرار گرفته و به جای رجزخوانی‌های معمول، سراغ روضه ”اجر معنوی“ و ”خون‌هایی که به هدر نمی‌رود“ رفته و

دستاوردلشکرکشی‌هاونابودی‌نیروهایش راا ینگونه توضیح می‌دهد که اگر ما نبودیم قبر حسین و زینب و علی هم نابود شده بود! از این بهتر نمی‌شد به وضعیت نزار حکومت اعتراف کرد!

مشکل خامنه‌ای و حکومتش امروز اینست که نه فقط اسد و نصرالله و هنیه و سرداران سپاه نابود شده‌اند، بلکه مهمتر از آن در داخل کشور حجاب و عفافشان تماماً برباد رفته، اقتصاد در لبه فروپاشی است، مردم علیه حکومت دزدان اسلامی بسیار متعرض هستند، و صفوف حکومت در حال از هم پاشیدن است. برای خامنه‌ای جایی در دفاع از سیاست‌هایش جز یادآوری کربلا و شهادت حسین نمانده است! علم الهدی دیروز نمایندگان مجلس اسلامی را هم به

نفوذی بودن متهم کرد و گفت مجلس اسلامی جای جاسوس گرفتن دشمن است!

تنها راه برای خامنه‌ای و امثال علم الهدی اینست که راهشان را بکشند و بروند و با رفتن خود کل این دستگاه ورشکسته را نیز به گور بکشانند. انتخاب دیگری نمانده است.

اف‌ای‌تی‌اف و عقب‌نشینی خامنه‌ای

اصغر کریمی

پزشکیان گفته است که موضوع اف‌ای‌تی‌اف با موافقت خامنه‌ای قرار است مجددا در مجمع تشخیص مصلحت مورد بررسی قرار گیرد. جلوگیری از پولشویی به منظور تامین مالی تروریسم بخشی از FATF است. شورای نگهبان قبلا با آن مخالفت کرده و مجمع تشخیص نیز لایحه را مسکوت گذاشته بود و عملا روابط بانکی که مکانیزم اصلی فعل و انفعالات مالی خارجی است کاملا مختل شده و گروه ویژه اقدام مالی بین‌المللی دو ماه قبل اعلام کرد که جمهوری اسلامی را همچنان در لیست سیاه قرار خواهد

داد.

عدم موافقت خامنه‌ای و جمهوری اسلامی با اف‌ای‌تی‌اف به این دلیل بود که موافقت با آن مانع کمک‌های مالی مستقیم جمهوری اسلامی از طریق بانکها به گروه‌های نیابتی تروریستی می‌شد. به نظر می‌رسد که موافقت خامنه‌ای با بررسی مجدد آن به منظور تجدید نظر در این مورد باشد. در هر صورت موافقت با آن به معنی قبول محدودیت در حمایت مالی- نظامی از گروه‌های تروریستی در منطقه و مخالفت با آن به معنی ادامه محدودیت شدید در مناسبات مالی با جهان خارج است.

این یکی از دو راهی‌های جمهوری اسلامی است که در هر دو حالت شکستی برای آن است. حکومت‌هایی که در سرازیری سقوط قرار می‌گیرند اکثر تصمیمات آنها، چه لجاجت چه عقب‌نشینی، معامله باخت- باخت است. در مورد حجاب نیز حکومت با همین مشکل مواجه بود. اجرای آن با شکست مواجه می‌شد و عدم اجرای آن ناتوانی حکومت را به معرض دید جامعه می‌گذاشت و در هر دو صورت با رشد صعودی بی‌حجابی پاسخ می‌گرفت و دیدیم که اینچنین شد.

در مورد اف‌ای‌تی‌اف دو نکته قابل تعمیق است. اول اینکه، موافقت خامنه‌ای با بررسی مجدد آن

تحت فشار دولت و بخش زیادی از حکومتیان اعم از اصول‌گرا یا اصلاح‌طلب صورت می‌گیرد. شکست‌های پشت سر هم که قبل از هر چیز به معنی شکست مستقیم خامنه‌ای است، توازن قوا را در میان حکومتیان به زیان خامنه‌ای تغییر داده است و به سرعت بیشتری باز هم تغییر خواهد داد. این موازنه تاکنونی در میان جناح‌های حکومت را به هم میزند و تلاطم‌های زیادی به همره خواهد داشت. دوم اینکه، هیچ فاکتوری، قبول اف ای تی اف و حتی برداشتن فرضی کامل تحریم‌ها بحران اقتصادی جمهوری اسلامی را حل نخواهد کرد و تحمیل فشار اقتصادی بیشتر به مردم ادامه خواهد داشت. راه حل به صحنه آمدن مردم برای یک جراحی سیاسی بنیادی است.

علم الهدی و مجلس اسلامی جاسوس پرور

محسن ابراهیمی

احمد علم الهدی تجسم تمام‌عیار رذالت‌ها، دزدی‌ها، تحجر و جهالت اسلامی، در دیدار با بسیج قوه قضاییه ، گفت: "مجلس شورای اسلامی محلی است که برای انتخاب جاسوس از همه جا مناسب‌تر است." او اضافه کرد: "دشمن به دنبال نابودی اسلام و ارزش‌های دینی بین مردم با فتنه‌انگیزی است."

می‌دانیم که کاندیدهای مجلس شورای اسلامی قبل از ورودشان به مجلس از قیف تنگ ایدئولوژیک – سیاسی شورای نگهبان رد می‌شوند تا معلوم شود

معتقد و پایبند به نظام اسلامی هستند. طبق اقرار علم الهدی مجلس با حضور چنین نمایندگانی، مناسب‌ترین محل برای شکار جاسوس از طرف "دشمن" یعنی به زعم جمهوری اسلامی اساساً اسرائیل و آمریکا است!

می‌توان حدس زد تصفیه حساب‌های مافیایی در بالای حکومت یکی از دلایل چنین اظهاراتی در باره یکی از سه نهاد اصلی حکومت اسلامی توسط یکی از سردسته‌های مافیای اسلامی است و موقعیت جمهوری اسلامی هر چقدر بیشتر در داخل و منطقه بحرانی‌تر شود، این نوع اختلافات و تصفیه حساب‌ها تشدید خواهد یافت که قطعاً مایه خوشحالی مردم است.

سخنان علم الهدی چیز تازه‌ای به اطلاعات مردم در باره ابعاد جاسوسی در رده‌های بالای نظام اسلامی اضافه نمی‌کند. مردم قبلاً شنیده‌اند که اسرائیل یکشبه ۵۳ هزار صفحه اسناد هسته‌ای را بار کرد و برد. محسن فخری زاده، شخصیت اصلی برنامه هسته‌ای را در داخل اتومبیلش کشت. اسماعیل هنیه را در اتاق خوابش به قتل رساند. مسئول میز اسرائیل در سازمان اطلاعات سپاه دستگیر و اعدام شد. رئیس دفتر فرمانده بسیج به اتهام جاسوسی دستگیر شد. احمدی نژاد هم گفت که بالاترین فرد مسئول کنترل جاسوس‌های اسرائیل خودش جاسوس اسرائیل از کار در آمد! بی دلیل نیست که مردم جوک

درست کرده بودند که اسرائیل نماز خامنه‌ای بر جنازه اسماعیل هنیه را بمباران نکرد، چون صف اول همه آدم‌های خودش بود!

اقرار علم الهدی مبنی بر اینکه مجلس اسلامی محل انتخاب جاسوس توسط دشمنی است که "برای نابودی اسلام" کار می‌کنند، نشانه دیگر از این حقیقت است که حکام اسلامی مشتی دزد فاسدند که به‌خاطر پول و ثروت به هر کاری حتی علیه نظامشان دست می‌زنند و این یک نشانه دیگر از پوسیدگی درونی عمارت اسلامی است. چنین عمارت پوسیده‌ای بی‌تردید در مقابل تعرض نهایی مردم مثل خانه‌ای پوشالی فرو خواهد ریخت!

مهدی یراحی و شلاق پوسیده حکومت

کیوان جاوید

مهدی یراحی، خواننده محبوب مردمی، روز سه‌شنبه ۱۱ دی اعلام کرد که برای "اجرای حکم ۷۴ ضربه شلاق" آماده است. مهدی به همین دلیل در شبکه اجتماعی "ایکس" نوشت: "ضمن محکوم کردن این شکنجه ضد بشری، هیچگونه درخواستی برای لغو آن ندارم". دوران حبس مهدی یراحی با "پابند الکترونیکی" به اتمام رسیده ولی او همچنان با حکم ضد انسانی ۷۴ ضربه شلاق مواجه است.

زندان و شلاق بخاطر خواندن ترانه‌ای در دفاع از

بی‌حجابی زنان و حمایت از جنبش انقلابی زن زندگی آزادی. یادمان هست وقتی ترانه زیبای "روسریتو" منتشر شد، موج وسیعی از شادی برانگیخت و موجب ایجاد انگیزه مبارزاتی بیشتر در جامعه شد. این ترانه در کنار ترانه‌های دیگر در دفاع از مبارزات زنان همچون سرودی است که در جنگاوران در زمان حمله به صفوف دشمن می‌خوانند و بر طبل می کوبند و در شیپور می‌دمند تا دشمن وحشت‌زده شود. واقعاً هم باید ترسناک باشد وقتی که دشمنی متفرق، مفلوک و در حال هزیمت صفوف میلیونی جنگاورانی را می‌بیند که در لباس رزم و موهای افشان که بسان پرچمی در باد در اهتزاز است به‌سوی پیروزی گام بر می‌دارند.

و چه خوشبخت‌اند سازندگان سرود و ترانه و موسیقی که همراه و همرزم این صف بی‌پایان مبارزاتی به‌سوی خوشبختی و زیبایی و آزادی گام بر می‌دارند. مهدی یراحی عزیز بی‌شک یکی از این یاران انقلاب زن زندگی آزادی است. زنان و مردانی که علیه مذهب و اسلام و حکومت اسلامی ضد بشر پا به میدان مبارزه گذاشته‌اند بی‌شک چنین خوانندگانی را عزیز می‌دارند و هر تعرض به خوانندگان محبوب خود را تعرضی به همه مردم قلمداد می‌کند و مصمم‌تر از همیشه به جنگ این تیرگی و تباهی می‌روند.

مهدی می‌گوید: ”ضمن محکوم کردن این

شکنجه ضد بشری، هیچگونه درخواستی برای لغو آن ندارم". می‌دانید چرا؟ زیرا دل مهدی به مردمش گرم است و می‌داند جمهوری اسلامی اگر چنین حکمی را اجرا کند با خشم داخلی و اعتراضات جهانی بیشتری روبرو می‌شود. در هر دو حالت بازنده رژیم مستأصل اسلامی است. اگر این حکم را اجرا نکند باز هم بازنده این رژیم است، زیرا از ترس مردم تن به عقب‌نشینی داده است. جمهوری اسلامی "مرده‌ای است که راه می‌رود".

اعدام در عربستان و ایران

حسن صالحی

روز چهارشنبه ۱۲ دی ۱۴۰۳ خبرگزاری رسمی عربستان سعودی اعلام کرد که شش ایرانی متهم به مواد مخدر در این کشور اعدام شده اند. ما بعنوان مخالفین اعدام، صدور و اجرای احکام اعدام در هر کجای دنیا باشد و به هر دلیل و عنوانی را شدیدا محکوم می کنیم و خواهان دنیایی بدون اعدام هستیم.

در این وسط واکنش جمهوری اسلامی جلب توجه می کند. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرده که در "اعتراض شدید" به این اقدام

عربستان، سفیر این کشور در تهران را احضار کرده است. ظاهرا رژیم اسلامی ایران خواهان تخفیف مجازات این متهمین بوده است!

همه ما می دانیم که میزان آمار اعدام ها در جمهوری اسلامی از عربستان سعودی، که اجرای مجازات مرگ بطور وحشیانه و به وسیله شمشیر و جدا کردن سر از بدن صورت می گیرد، بسیار بیشتر است. و همه ما می دانیم که بیش از نیمی از اعدام شدگان در ایران افرادی هستند که به دلیل اتهامات مرتبط با مواد مخدر دستگیر شده اند. اگر واقعا جمهوری اسلامی نگران اعدام کسی در یک کشوردیگراست بهتر است قبل از هر چیز در رفتار ضد انسانی خود تجدید نظر

کند و به اعدام ها در ایران و از جمله اعدام زندانیان متهم به مواد مخدر پایان دهد. چطور ممکن است در حالیکه تبهکاران حاکم بر ایران روزانه چندین نفر از بخش های ضعیف جامعه را به دلیل حمل مواد مخدر و بدون داشتن یک دادرسی عادلانه اعدام می کنند، در یک کشور دیگر به چنین احکام مشابه و ضد انسانی اعدام اعتراض می کنند.

این ریاکاری و دغلکاری اسلامی وقیحانه و شرم آور است. مجازات مرگ اگر ضد انسانی است در همه جا ضد انسانی است. فرق نمی کند در عربستان سعودی باشد و یا در ایران! در فارسی ضرب المثلی داریم که می گوید: "تو اگر

طبیب بودی، سر خود دوا نمودی"! حالا حکایت جمهوری اسلامی است. رژیم اسلامی همچنان در ایران اعدام می کند و آمار اعدام ها در سال ۲۰۲۴ دستکم ۲۰ در صد افزایش داشته است. ما برای لغو صدور و اجرای همه احکام اعدام مبارزه می کنیم. ما با تلاشهای خود تضمین خواهیم کرد که در فردای ایران مجازات مرگ از قوانین کشوری حذف شود و ایران به جرگه کشورهای بدون اعدام بپیوندد. همین آرزو را نیز برای پایان یافتن اعدام در عربستان سعودی داریم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۹۲۷

۴ ژانویه ۲۰۲۵ – ۱۵ دی ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

زندانیان زن اوین، خوش برقصید

کیوان جاوید

رنگ خدا در دل صدیقی امام جمعه موقت تهران

شهاب بهرامی

دیپلمات تروریست‌های رژیم در فرودگاه بیروت!

بابک یزدی

گرانی‌ها، سقوط ریال، سقوط حکومت

شهلا دانشفر

زندانیان زن اوین، خوش برقصید

کیوان جاوید

ویدئویی از زندان اوین منتشر شده است که نرگس محمدی همراه با دیگر زندانیان زن می‌رقصد و موج شادی فضا را پُر کرده است. در ویدئویی دیگر یکی از هم‌بندان می گوید: "ترگس یه چیزی برامون بخون" و نرگس محمدی می‌خواند که: "خیلی وقته که دل تو دیگه برام تنگ نمی شه... خیلی وقته که یه بوسه ندادی واسه من ..."

رقص و ترانه عاشقانه هر دو در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ممنوع است. خصوصاً رقص زن و انتشار علنی آن "عرش خدا" را به لرزه در می‌آورد.

اسلام هر چه در توان دارد علیه زندگی زنان بکار می گیرد تا از آنها موجوداتی فرمان‌بردار و کنیزانی گوش‌به‌فرمان بسازد. این کلیپ در دل زندان علیه خاموشی و علیه سرکوب است.

واکنش نسبت به این کلیپ رقص از سوی جمهوری اسلامی این است که "ثابت" کند وقتی زندانیان می زنند و می رقصند بنابر این شکنجه در "بهشت اوین" تبلیغات دروغین مخالفین حکومت است. در سوی دیگر این تعرض به زندانیان سیاسی زن و باز هم مشخصاً به نرگس محمدی، سلطنت‌طلب‌ها ایستاده‌اند. می گویند آزادی نرگس محمدی پروژه امنیتی جمهوری اسلامی است. چرا باید آزادی یک زندانی سیاسی، نرگس محمدی و توماج صالحی

از طرف سلطنت‌طلب‌ها یک پروژه امنیتی جار زده شود؟ دلیل ساده است. اینها با "شاهزاده رضا پهلوی" بیعت نکرده‌اند. این تعرض به مخالفین آدم را یاد بابای ایشان می‌اندازد که می‌گفت: "هر کس عضو حزب رستاخیز نشود پاسپورت را بردارد و از ایران خارج شود."

زندان در هر شرایطی با مقاومت و مبارزه و روحیه سرشار از جنگیدن درهم تنیده است. امید از زندانی سیاسی گرفته شود دیگر چیزی برای ادامه مبارزه باقی نمی‌ماند. تبلور امروزی امید در زندان همین رقصیدن و آوازخواندن و شاد بودن است.

به‌عنوان یک زندانی سیاسی سابق در تیره و

تارترین ایام حاکمیت جمهوری اسلامی به یاد دارم که ۱۷ زندانی سیاسی در یک سلول سه در چهارمتری عموماً شکنجه شده با پاهای بانداژ و آثار شکنجه‌های بدنی فراوان در سلول به‌صورت نشسته با توپ کامواییی والیبال بازی می‌کردیم، ورزش دسته‌جمعی داشتیم و شعر و آواز می‌خواندیم. به یاد دارم در مواقعی که یکی از زندانیان را به برای اعدام از ما جدا می‌کردند هرگز در برابر دشمن نمی‌گریستیم. روحیه شاد و جنگندگی با ارتجاع هم‌زاد هم‌اند. پر تداوم تر باد رقص زنان و مردان مبارز در زندان‌های جمهوری اسلامی.

رنگ خدا در دل صدیقی امام جمعه موقت تهران

شهاب بهرامی

صدیقی، امام جمعه تهران: "برخی علما درس خوانده‌اند، اما رنگ خدا ندارند!"

امان از گردش روزگار! بعضی وقتا آدم از کار این روزگار در عجب می مونه. آخه یکی پیدا نمیشه به این کاظم صدیقی بگوید، اگر حرف نزنی فکر می‌کنی لالی؟ خب ببند این چاک ناپاک دهانت را، سنگِ پا. اگر دروغ گفتن کنتور ندارد، وای به طول و عرض وقاحت و بی‌شرمی! صدیقی در خطبه نماز جمعه همین هفته در تهران می‌گوید: "یک عده از علما درس خوانده‌اند، ولی رنگ

خدا ندارند، متمایل به دنیا هستند و به شرق و غرب باج می‌دهند و از بردن نام خدا می‌ترسند“ و با اشاره به مزدوران قمه‌کش و لباس‌شخصی میگوید: ”یک عده از توده‌های مردم درس دینی نخوانده‌اند ولی پیرو علما هستند و در مکتب عالم تربیت شده‌اند.“

این اشارات در ادامه صحبت‌های علم الهدی، آن یکی وقیح منبرنشین خامنه‌ای است که نمایندگان مجلس را که از ده‌ها قیف امنیتی و شورای نگهبان و غیره رد می‌شوند، جاسوسان آمریکا و اسرائیل می نامد. مبارک باشد. مرکب زمین‌خواری این بابا هنوز خشک نشده بود (زمین‌خواری ۱۰۰۰ میلیاردی آیت‌الله صدیقی و پسران) که پرونده

اختلاس و دزدی و اجاره ماهانه یک‌میلیاردی برای هتل جهان ایشان تیتر اول روزنامه‌های کشور شد.

دارند پایان عمر ننگینشان را می‌بینند، فردای سیاه و تاریک هر روز از جلو چشمانشان رژه می‌رود، در چنین شرایطی بالایی‌ها به جان هم افتاده، هر روز و هر ساعت یکدیگر را افشا می‌کنند، برای نجات خودشان از روی هم رد می‌شوند و حتی به نزدیک‌ترین کسانشان هم رحم نمی‌کنند. علم الهدی و صدیقی و بقیه همپالگی‌هایشان از این قماش اند. پس هر چه حجم دزدی و وقاحت بیشتر باشد، به کارگاه رنگرزی خدا نزدیک‌ترند.

نمایندگان مجلس با شنیدن صدای پای انقلاب، صدای خردشدن ستون فقرات رژیم را حس کرده و رسماً رهبری را به‌خاطر شرایط حاضر مؤاخذه می‌کنند. تلاش علم‌الهدی و صدیقی و بقیه، جلوگیری از عمیق‌تر شدن شکاف در بالای حکومت است تا از بی‌اعتباری و بی‌آبرویی بیشتر خامنه‌ای در میان خودی‌ها جلوگیری کنند، غافل از اینکه دیر از خواب غفلت برخاسته‌اند. اسد شانس فرار داشت، این آقایان به کدام جهنم‌دره فرار کنند؟

دیپلمات تروریست‌های رژیم در فرودگاه بیروت!

بابک یزدی

دیپلمات‌های رژیم اسلامی در فرودگاه بیروت مورد بازرسی قرار گرفتند! شب پنجشنبه ۱۲ دی‌ماه "فرودگاه بین‌المللی رفیق حریری بیروت" پس از دریافت اطلاعاتی مبنی بر احتمال انتقال پول برای حزب‌الله از طریق یک پرواز ایرانی متعلق به خطوط هوایی "ماهان ایر" در حالت آماده‌باش قرار گرفت. همزمان بسام مولوی، وزیر کشور لبنان، در گفتگو با شبکه "ام تی‌وی" اعلام کرد که هواپیمای ماهان‌ایر ایران در فرودگاه بیروت کیف به کیف در حال بازرسی است. تمام مسافران از جمله هیئت دیپلماتیک سفارت ایران در بیروت،

بازرسی بدنی شدند.

این اولین مورد است دیپلمات تروریست‌های رژیم اسلامی در فرودگاه بیروت رسماً مورد بازرسی قرار می‌گیرند. مزدوران نیابتی جمهوری اسلامی، (حزب‌الله) زمانی بخش بزرگی از لبنان و به ویژه فرودگاه بیروت را تحت کنترل خود داشتند و میلیون‌ها دلار ثروت مردم ایران را برای تروریست‌های حزب الله و رهبرشان حسن نصرالله به‌راحتی از طریق این فرودگاه جابجا می‌کردند.

قاسم سلیمانی که این روزها رژیم اسلامی سالگرد مرگش را به عزا نشسته است، گروه‌های تروریستی زیادی را در عراق، لبنان، سوریه، یمن،

افغانستان و... به نام محور مقاومت سازمان داده بود و میلیاردها دلار ثروت به غارت رفته مردم ایران را خرج این گروه‌های تروریستی می‌کرد. اما در حال حاضر روز به روز جهان شاهد ضعف مفرط و منزوی‌تر شدن این رژیم و سرازیرشدنش به ورطه سرنگونی است.

رژیم نه‌تنها در سوریه شکست سنگینی خورده، ماشین جنگی‌اش در عراق نیز به‌گل‌نشسته است. در لبنان نیز که زمانی جولانگاهش بود حالا ضربات نظامی و سیاسی سنگینی خورده است. به همین دلیل دولت لبنان به خودش اجازه می‌دهد جلوی دیپلمات تروریست‌های جمهوری اسلامی را بگیرد.

اما دنیا نباید به این قناعت کند و فقط دیپلمات تروریست‌های رژیم را بازرسی کند، بلکه همانطور که دولت کانادا سال‌هاست سفارت رژیم را به‌عنوان لانه جاسوسی و مرکز تروریستی بسته است و سپاه پاسداران را نیز در سال گذشته در لیست تروریست‌های جهان قرار داده، همه دولت‌ها باید چنین کنند. انقلاب زن زندگی آزادی در ایران نیازمند یک تعرض جهانی به حکومت اسلامی است. همه مخالفان جمهوری اسلامی می‌توانند بر خواست تعطیلی سفارتخانه‌های و بایکوت جهانی این رژیم یک‌صدا شوند.

گرانی‌ها، سقوط ریال، سقوط حکومت

شهلا دانشفر

وب‌سایت نور نیوز، نزدیک به شورای‌عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی در سیزدهم دی‌ماه طی گزارشی از افزایش بی‌سابقه قیمت اقلام معیشتی مردم خبر داد. درعین‌حال بانک مرکزی جمهوری اسلامی طبق معمول با اعلام آمار دروغین از نرخ تورم و ادعای رسیدن آن به کمترین میزان در ۵۰ ماه گذشته، تلاش می‌کند اوضاع را آرام جلوه دهد.

اما بحث بر سر سقوط ریال و به گفته حکومتیان سقوط اقتصاد جمهوری اسلامی است. سقوط ریال که گرانی‌های بیشتر را همراه دارد و نابودکننده

معیشت مردم است و بحران انرژی و برق و معضل مازوت سوزی هم جامعه را فلج کرده است.

این وضعیت جامعه را به حد انفجار رسانده و با تضعیف حکومت، مردم پر توان‌تر به میدان آمده و با تأکید بر اتحاد و همبستگی، خواست‌هایشان را طلب می‌کنند. در همین هفته بازنشستگان نفت در اهواز با شعارهایشان بر اتحاد بخش‌های مختلف نفت و اعتراضات سراسری پای فشردند. همچنین یک تأکید کارگران نفت و دیگر بخش‌های کارگری بر حق تشکل و اعتراض است و شعار زندانیان سیاسی آزاد باید گردد شعار خیابانی شده است. روز شنبه ۱۴ دی‌ماه نیز بخش‌های مختلف بازنشستگان در کرمانشاه برای ۱۶ دی فراخوان به تجمعی مشترک و بزرگ

داده‌اند که الگویی برای سراسر کشور است.

با نگاهی به اعتراضات اخیر از سوی کارگران و بخش‌های مختلف جامعه، ما شاهد حضور میدانی هزاران کارگر، بازنشسته، پرستار و دیگر بخش‌های جامعه بر سر معیشت هستیم که به خیابان گرما بخشیده‌اند. در کنار این اعتراضات رقص زنان در بند زنان اوین و به سخره گرفتن بساط سرکوب حکومت، رقص مختلط زن و مرد در خیابان‌ها به مناسبت آغاز سال جدید میلادی و عصیان جامعه علیه بساط آپارتاید جنسیتی حاکم و تداوم کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام با فراخوان به اتحاد و همبستگی برای خشکاندن ریشه اعدام و ساختن سرزمینی عاری از خشونت، تپش قلب انقلاب زن زندگی آزادی را به نمایش

می گذارد.

این شرایط نشانگر شتاب جامعه به‌سوی اعتصابات سراسری و به‌ویژه در نفت است. اعتصابات همراه با تجمعات بزرگ که به اعتراضات مردمی در خیابان قدرت می‌بخشد. اتحاد فعالین و اکتیویست‌های کارگری و اجتماعی بر سر خواست‌های رادیکال و سراسری، ایجاد شبکه‌های سراسری اعتراضی و شوراهای هماهنگی اعتراضی در بخش‌های مختلف مبارزاتی از نوع الگوهای موفقی چون شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان قدم‌هایی مهم برای پیشروی بیشتر است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۲۸

۵ ژانویه ۲۰۲۵ – ۱۶ دی ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال:

پروژه هسته‌ای، مذاکره با آمریکا، بن‌بست سیاسی

محسن ابراهیمی

یا خوابند، یا مست‌اند یا دیوانه‌اند!

اصغر کریمی

”طوفان مهاجرت“ از ایران و زندگی انسانی

عطیه نیک‌نفس

بحران آموزش‌وپرورش: ناکارآمدی نظام و ضرورت اعتراض مردمی

میلاد رسایی‌منش

بحران انرژی، فلاکت اقتصادی!

سینا پدرام

پروژه هسته‌ای، مذاکره با آمریکا، بن‌بست سیاسی

محسن ابراهیمی

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه با تلویزیون چین گفت جمهوری اسلامی آماده است "بدون تأخیر" وارد مذاکره در مورد برنامه هسته‌ای خود شود! آیا این اعلام آمادگی خواهد توانست حکومت اسلامی را از تنگناها و بن‌بست سیاسی نجات دهد؟

برای پاسخ روشن‌تر به این سؤال لازم است سؤال دیگری طرح شود: پروژه هسته‌ای در محاسبات استراتژیک جمهوری اسلامی چه جایگاهی داشته

و دارد؟

حکومت اسلامی از همان اول، علی‌رغم هزینه‌های سنگین مالی و همچنین هزینه‌های اقتصادی و سیاسی به‌خاطر تحریم‌های مربوطه، مدام در جهت دسترسی به سلاح هسته‌ای پیشروی کرده است. در استراتژی جمهوری اسلامی، حتی صرف چرخاندن شبح مسلح شدن به بمب هسته‌ای در بالای سر دولت‌ها، برگی برای اخاذی سیاسی بوده است. بعد از فروپاشی محور مقاومت، این حکومت بیشتر احساس نیاز می‌کند تا همچنان این خطر را بالای سر دولت‌ها نگه دارد. بی‌دلیل نیست که در جریان فروپاشی محور مقاومت، مقامات حکومت علناً از امکان لغو فتوای خامنه‌ای و تغییر دکترین هسته‌ای صحبت می‌کردند.

بااین‌وجود چرا حکومت اسلامی اعلام می‌کند حاضر است به مذاکره "بدون تأخیر" آن‌هم با کسی که فرمان قتل قاسم سلیمانی را صادر کرده است تن دهد؟

مهم‌ترین دلیل این رویکرد، احساس خطر جدی از یک خیزش بزرگ در ایران است که این بار "بحق" نگران هستند خیمه نظام اسلامی را ویران کند. می‌دانند که انزوای جهانی بعد از فروپاشی محور مقاومت می‌تواند موقعیت حکومت در مقابل چنین خیزشی را ضربه‌پذیرتر کند. دلیل دوم نگرانی از سیاست‌های متفاوت ترامپ است. بر طبق گزارشی در وال‌استریت ژورنال، تیم انتقالی دونالد ترامپ حتی گزینه "حمله پیشگیرانه" برای جلوگیری از اتمی شدن حکومت اسلامی را بررسی می‌کند. به

این اضافه کنید همراهی بیشتر دول اتحادیه اروپا را علیه پروژه هسته‌ای جمهوری اسلامی.

علاقه "بدون تأخیر" حکومت اسلامی برای مذاکره، عملاً آمادگی عجولانه برای "نرمشی" رقت‌بارتر از گذشته است که نخواهد توانست حکومت اسلامی را از بحران سرنگونی نجات دهد. فاکتورهایی که در نافرجامی برجام اول نقش داشتند، این بار با شدت بیشتر در کار هستند. شکاف در بالای حکومت، نگرانی حکومت از دست کشیدن از برنامه اتمی شدن، فروپاشی محور مقاومت، انزوای جهانی و فضای انقلابی علیه حکومت همه در جهت تعمیق بن‌بست حکومت اسلامی در همه عرصه‌ها هستند.

یا خوابند، یا مست‌اند یا دیوانه‌اند!

اصغر کریمی

حسین شریعتمداری: "کسانی که این روزها به‌جای تلاش برای حل برخی از مشکلات پیش روی، نسخه مذاکره با آمریکا را می‌پیچند، یا ساده‌لوح‌اند، یا ناکارآمدند، یا خدای‌نخواسته به فریب یا به طمع "سر و سری با دشمن دارند" و یا به قول آقای روحانی دیوانه‌اند. هر یک از چند احتمال درباره پیشنهاددهندگان مذاکره با آمریکا صحت داشته باشد، در این نکته تردیدی نیست که صلاحیت حضور در مسئولیت‌های نظام را ندارند!"

شریعتمداری نقل‌قول‌های طولانی از خامنه‌ای نیز

همراه این نوشته کرده و اتفاقاً نکته همین جاست. شریعتمداری بو کشیده است که زیر پای خامنه‌ای سست است و به خیال خودش خواسته است دست آقا را در پوست گردو بگذارد که آقا از این غلط‌ها نکند! شریعتمداری گرایش غالب در هر دو جناح حکومت برای مذاکره با ترامپ را دیده است و آنها را غیرمستقیم ستون‌پنجم دشمن و پادو و کج‌فهم و ساده‌لوح خوانده است. اما اینجا خطابش به رهبر است. او دیده است که لاریجانی به‌عنوان نماینده خامنه‌ای در سایت مربوط به رهبر برای مذاکره اعلام آمادگی کرده و به دولت آمریکا هم پیام داده است. مقامات دولت پزشکیان نیز با تأکید بیشتر دارند برای مذاکره با ترامپ التماس می‌کنند. می‌گویند آماده‌ایم و واقعاً می‌خواهیم به توافق برسیم.

بخشی از نقل‌قول‌ها از خامنه‌ای این است: "خب با آمریکا چه جوری مشکل حل می‌شود؟ این سؤال واقعی است، جدّی است. نمی‌خواهیم با هم دعوا کنیم، سؤال می‌کنیم: مشکل با آمریکا چه جوری حل می‌شود؟ با نشستن و مذاکره کردن و از آمریکا تعهّد گرفتن مشکل حل می‌شود؟ آمریکا به تعهّد عمل نمی‌کند". یکجا هم اشاره کرده که مذاکره مشکل ما را با آمریکا حل نمی‌کند. اما به مقامات گفته است واقعاً دارم سؤال می‌کنم، نمی‌خواهیم با هم دعوا کنیم! روشن است که خامنه‌ای مخالف مذاکره نیست در مورد چندوچون مذاکره و نوع تعهدات دارد صحبت می‌کند.

مقامات حکومت نه خوابند، نه مستند، نه دیوانه. مستأصل‌اند. و با توافق خامنه‌ای به‌سرعت به

مذاکره با ترامپ خواهند رفت و دست به یک نرمش قهرمانانه! بزرگ خواهند زد. خیلی بزرگ‌تر از نرمش‌های قبلی. در "عمق استراتژی!" بحران گیر کرده‌اند و همراه با رهبر تسلیم دولت ترامپ خواهند شد و آن‌وقت شریعتمداری بیچاره می‌ماند که آقا را هم رسماً ساده‌لوح و پادو و ستون‌پنجم دشمن معرفی کند یا ماله‌کشی کند!

"طوفان مهاجرت" از ایران و زندگی انسانی

عطیه نیک‌نفس

"رسول صادقی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران در سومین نشست همایش "مهاجرت نخبگان علمی در ایران امروز، چالش‌ها و راهکارها" با موضوع وضعیت اجتماعی و اقتصادی ایران و تأثیر آن بر مهاجرت نخبگان، گفت: افزایش مهاجرت از ایران، بازنمایی شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و محیط زیستی است که از دهه ۸۰ سرعت گرفته است."

فارغ از اینکه زیستن در هر کجای این کره خاکی حق مسلم همه انسان‌هاست، معمولاً انسان‌ها نمی‌خواهند از علایق، خاطرات و خانواده خود

دور شوند، اما گاه شرایط به حدی طاقت‌فرسا می‌شود که آنها حاضرند برای بقا و رفاهی نسبی تمام سختی‌های مهاجرت را به جان بخرند و به کشوری دیگر بروند.

در کشورهای اسلام‌زاده از جمله ایران این موضوع ابعاد و جزئیاتی بیشتر و نگران‌کننده‌تری دارد. شرایط زندگی در ایران باوجود رژیم اسلامی در حدی غیرانسانی است که جنگی هر روزه و هر ساعته را بر مردم تحمیل کرده است و اساساً کرامت انسانی هیچ جایی در آن ندارد.

در این میان جوانان و افرادی که تحصیلات عالیه دارند و می‌توانند به‌راحتی در دیگر کشورهای تقریباً مدرن زندگی نسبتاً آسوده‌ای داشته باشند

برای بقای خود مهاجرت می‌کنند زیرا می‌دانند این رژیم اصلاح‌ناپذیر است و نفس‌کشیدن امری واجب.

بسیار غم‌انگیز است که کشوری به وسعت ایران و با این حجم از منابع غنی طبیعی و نیروی انسانی نتواند برای مردم خود رفاه، آزاری و معیشت فراهم آورد و این تنها به دلیل در قدرت بودن رژیمی سراسر سرکوبگر، دزد و چپاولگر.

هیچ انسانی سرزمینی که در آن بتواند به حقوق انسانی‌اش برسد را ترک نمی‌کند و این مهاجرت اجباری نتیجه بودن یک سیستم سراسر فاشیسمی دینی است که برای بودن مذهب در قدرت به طور کامل از روی تمام انسان‌ها می‌گذرد و "جان"

کمترین اهمیت را برای آن دارد.

تا این رژیم خفقان‌آور در قدرت است، ما شاهد مهاجرت اجباری هر روزه هزاران انسان از ایران خواهیم بود. مگر اینکه با متشکل شدن، اعتراضات و اعتصابات را تقویت، پیگیر و مستمر کنیم، بی‌حجابی عملی و زیر پا گذاشتن تمامی قوانین ضدبشری اسلامی رژیم را هر چه بیشتر گسترش دهیم و با پایین کشیدن این رژیم اسلامی ضدبشری طرحی نو دراندازیم و جامعه‌ای سکولار و عاری از تبعیض را رقم بزنیم.

بحران آموزش‌وپرورش: ناکارآمدی نظام و ضرورت اعتراض مردمی

میلاد رسایی‌منش

وضعیت بحرانی مدارس در تهران بار دیگر ناکارآمدی جمهوری اسلامی را در تأمین ابتدایی‌ترین حقوق شهروندان آشکار کرده است. به گزارش مقامات، بیش از ۸۵۰۰ کلاس درس در تهران نیاز به تخریب و بازسازی دارند و برای رسیدن به استانداردهای آموزشی، استان تهران به ۱۳ هزار کلاس جدید نیاز دارد. این آمار نشان‌دهنده وضعیت فاجعه‌بار نظام آموزشی است که نه‌تنها استانداردهای لازم را تأمین نمی‌کند، بلکه امنیت دانش‌آموزان را نیز به خطر می‌اندازد.

نبود ایمنی مدارس، یکی از چالش‌های جدی است. طبق اعلام سازمان آتش‌نشانی تهران، تنها ۳ مدرسه از میان ۴۵۰۰ مدرسه پایتخت تأییدیه ایمنی دریافت کرده‌اند. این شرایط، زندگی و سلامت صدها هزار دانش‌آموز را در معرض تهدید قرار داده است. علاوه بر این، سرانه فضای آموزشی در تهران تنها ۵/۱۶ مترمربع است، درحالی‌که استاندارد لازم ۵/۲۸ مترمربع اعلام شده است.

این بحران تنها به تهران محدود نیست؛ استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان، خوزستان و قم نیز شرایط مشابهی دارند. این وضعیت نتیجه دهه‌ها سوءمدیریت، فساد و تخصیص منابع به اولویت‌های

غیرمردمی همچون سرکوب داخلی و گسترش تروریسم اسلامی در منطقه و دنیا است.

در چنین شرایطی، والدین و جامعه باید برای تغییر وضعیت موجود دست به اعتراض بزنند. اقداماتی همچون تشکیل کمپین‌های مطالبه‌گری، حضور گسترده در شوراهای آموزش‌وپرورش و درخواست شفافیت از مسئولان می‌تواند فشار اجتماعی را بر نظام افزایش دهد. تجربیات گذشته نشان داده که اعتراضات هماهنگ والدین در شهرهایی مانند اصفهان و شیراز، مسئولان را وادار به پاسخ‌گویی کرده است.

همچنین، استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای

انتشار تصاویر و ویدئوهای مدارس فرسوده و ناایمن می‌تواند افکار عمومی را به سمت این بحران سوق دهد. افزایش آگاهی عمومی و ایجاد موج‌های اعتراضی، راهی مؤثر برای پاسخگوکردن نظام و نجات نسل آینده از این شرایط بحرانی است. تنها با اتحاد و اقدام جمعی می‌توان این چرخه ناکارآمدی را شکست.

بحران انرژی، فلاکت اقتصادی!

سینا پدرام

دبیرکل انجمن کارفرمایی صنعت پتروشیمی از قطع گاز ۱۲ مجتمع پتروشیمی خبر داده است. توانیر نیز در ماه‌های اخیر از کمبود سوخت برای تولید برق خبر داد.

این روزها کمتر رسانه و روزنامه‌ای در ایران می‌توان یافت که معضل بحران انرژی را مورد نقد و بررسی قرار نداشته باشد. هر شهروند ایران معنای خاموشی‌های متوالی و چندساعته برق و کمبود گاز و غیره را به‌خوبی می‌داند.

اَبَر بحران‌های سوخت، بنزین، گاز، برق، انرژی و غیره و غیره نه‌تنها دانسته عمومی بلکه آزموده عمومی نیز هستند.

فرسودگی زیر ساخت‌های انرژی، قاچاق بنزین، فروش برق و گاز به کشورهای همسایه مانند ترکیه و عراق، دزدسالاری مزمن، اداره مافیایی اقتصاد توسط سران و سرمایه‌داران حکومتی، خصولتی‌سازی‌های نیروگاه‌های انرژی و سپردن آنان به نزدیکان حکومتی و سپاه برای غارت هرچه بیشتر ثروت عمومی، نقل هر محفل و رسانه خودی و غیره خودی رژیم اسلامی است. و این لیست پایانی ندارد. "فروپاشی اقتصادی" گفتمان روز و واقعیت رژیم است و این "فروپاشی اقتصادی" می‌رود که "فروپاشی سیاسی" رژیم اسلامی را هر

چه بیشتر تسریع کند.

آنچه که اهمیت ویژه‌ای دارد آن است که معضل انرژی مانند باقی معضلات مانند گرانی، کمبود دارو، بیمارستان و خدمات درمانی و آموزشی و غیره می‌رود که به موضوع اعتراضات عمومی تبدیل شود و به نظر می‌رسد رژیم اسلامی شدیداً از این موضوع هراسناک است. فعالین اجتماعی و کارگری قطعاً می‌توانند این اعتراضات را به شکل‌های مختلف سازماندهی کرده و رژیم را تحت‌فشار قرار دهند. حق برخورداری از یک زندگی شاد و مرفه حقی است که باید همین امروز در اشکال گوناگون در صدر مطالبات مردم قرار بگیرد.

داشتن مطالبات رفاهی چه باوجود رژیم اسلامی و چه در صورت روی کار آمدن هر حکومت دیگری، سنگر مناسبی است که جامعه را در مقابل تعرضات سیاست‌های دست راستی و سرمایه‌دارانه هر حکومتی متشکل خواهد کرد. اتحاد در مبارزه و تشکل در احزاب انقلابی و چپ مانند حزب کمونیست کارگری ضامن تحقق آمال و مطالبات ما خواهد بود. برای یک زندگی بهتر باید تمامی حقوق رفاهی و سیاسی را مطالبه کرد و به کمتر از آن راضی نشد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۲۹

۶ ژانویه ۲۰۲۵ – ۱۷ دی ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

فقر کمرشکن با یا بدون یارانه

کاظم نیکخواه

خشونت خانگی امتداد خشونت دولتی است

سیما بهاری

جهان علیه اردغان

به یاری مردم در کردستان سوریه بشتابید

نسان نودینیان

زن زندگی آزادی بر سفارت مخروبه رژیم در سوریه

اصغر کریمی

فقر کمرشکن با یا بدون یارانه

کاظم نیکخواه

سخنگوی دولت پزشکیان در یادداشتی در روز ۱۵ دی ماه اعلام کرد یارانه به بخشی از دهک‌ها تعلق نخواهد گرفت. او میگوید ”ساختار و نظام تعریف‌شده در دهک‌بندی یارانه‌ها، بعد از یک دهه نیازمند تغییر است. زیرا شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی تغییر کرده و با شاخص‌های یک دهه گذشته نمی‌توان میزان توانایی مالی افراد جامعه را سنجید“.

قطع یارانه ها یعنی سوبسید کالاهای اساسی، بخشی از ”جراحی اقتصادی“ احمدی نژاد در

دهه هشتاد شمسی بود و قرار بود اقتصاد فلج جمهوری اسلامی را به حرکت در آورد. یارانه ها را به جیب زدند و گفتند با یارانه نقدی به بخش اعظم مردم آنرا جبران میکنیم. بعدا حکومت برای جلوگیری از تنشهای اجتماعی ناچار شد به همه افراد مستقل از وضعیت مالی، یارانه ای ناچیز حدود ۴۵ هزار تومان در ماه که هیچ چیز را پوشش نمیداد، بپردازد. بعدا شروع به زدن یارانه ها در دهک های بالا کردند. اکنون میخواهند همین را هم قطع کنند.

مساله اصلی اینست که اقتصاد جمهوری اسلامی در حال فروپاشی است و آوار این اقتصاد فروپاشیده روی سر مردم فقیر یعنی کارگران،

معلمان، پرستاران، بازنشستگان، کارکنان رده پایین ادارات و کشاورزان فرود می آید. به گفته ابراهیم صادقی‌فر، رئیس موسسه کار و تامین اجتماعی "امروزه فقر در ایران یک مسئله حاشیه‌ای نیست و تبدیل به واقعیت انکارناپذیر شده که بخش اعظمی از جامعه را درگیر کرده است". برخی از آمارهای رسمی میزان فقر در ایران را بیش از ۳۳ درصد اعلام کرده‌اند. با توجه به جمعیت نزدیک به ۹۰ میلیونی ایران، این رقم به معنای بیش از ۳۰ میلیون نفر مردم زیر خط فقر است. واقعیت اما از این بسیار بیشتر است.

قطع یارانه های ناچیز کنونی که به چند صد

هزارتومان رسیده، نه کمکی به اقتصاد حکومت میکند و نه با توجه به بی ارزش شدن پول ایران، حقیقتا بار چندان سنگینی بر دوش مردم میگذارد. اما فشار هرروزه لاشه این اقتصاد در حال فروپاشی، دارد کمر مردم را میشکند. با اعتراضات گسترده مان باید فشار این اقتصاد از هم پاشیده را بر دوش خود حکومت بیندازیم تا حکومت ورشکسته، ورشکسته تر شود و کمر حکومت مفتخوران شکسته شود و بتوانیم با انقلابمان از شر این لاشه متعفن خلاص شویم.

خشونت خانگی امتداد خشونت دولتی است

سیما بهاری

مدیرکل پزشکی قانونی استان تهران، از مراجعه بیش از ۲۸ هزار زن در هشت ماه اول سال ۱۴۰۳ به پزشکی قانونی به دلیل آسیب‌های ناشی از نزاع خانگی خبر داد.

صحبت در مورد ایجاد امنیت برای زنان تحت حکومتی که خشونت خانگی را جرم نمی‌داند امر بیهوده‌ای است. خانه‌ای که از پای بست ویران است، باید از بنیاد خرابش کرد تا بتوان استاندارد انسانی برایش پی‌ریزی کرد.

زنان در ایران از شروع روز که زندگی اجتماعی خود را آغاز می‌کنند از خیابان تا مترو تا محل کار و تا هر گوشه‌ای که حکومت می‌خواهد قانون پیاده کند، با تحقیر و خشونت مواجه هستند. خانه‌ای که برای بسیاری از زنان اسارتگاه است تا آشیانه نه‌تنها امنیتی ندارد که مرکز اعمال خشونت است. ۲۸ هزار مراجعه طی هشت ماه برای خشونت، یعنی روزی بیش از ۱۱۰ نفر کتک‌خورده و مجروح و آسیب‌دیده به پزشکی قانونی مراجعه کرده‌اند. (ابعاد خشونت بسیار بیشتر از این آمار است) بعد از آن چه می‌شود؟ جایی یا نهادی تن و روح زخم‌خورده آنها را التیام می‌بخشد؟ خانه امنی وجود دارد که امنیت این زنان را تأمین کند و به آنها اهمیت بدهد؟ در

یکی از این خانه‌های امن به نام ”خانه امن مهر شمس آفرید“ یک کودک ۱۳ساله که مورد خشونت واقع شده کودکش را به دنیا می‌آورد. او مادر شده است در حالیکه فقط سیزده سال دارد. شرم باد به حکومتی که تحت حاکمیتش کودکی ۱۳ساله این‌چنین خشن له می‌شود و پر پروازش چنین بی‌رحمانه چیده می‌شود.

نگاه جمهوری اسلامی به زن کالایی و برده‌وار است. با قوانین این حکومت زن باید از مرد خانواده فرمانبری کند و مرد صاحب زن است. خوشبختانه جامعه این قوانین را نمی‌پذیرد. زنان شجاعی که عصیان کرده‌اند کم نیستند. قوانین تحقیرآمیز این حکومت از جانب بخش عمده‌ای

از زنان اجازه اجرایی‌شدن نیافته و به بایگانی سپرده شده است. زنان پیشرو دارند جامعه را شخم می‌زنند و هر آنچه بوی عقب‌ماندگی می‌دهد را دور می‌ریزند.

هر کدام از ما که خود را فعال عرصه‌های برابری زنان با مردان می‌دانیم ضمن اینکه خود را برای به زیر کشیدن حکومت ضد زن سازمان می‌دهیم، تلاش کنیم مراکز کمک به زنان خشونت دیده راه بیندازیم.

جهان علیه اردوغان
به یاری مردم در کردستان سوریه بشتابید

نسان نودینیان

دیده‌بان حقوق بشر سوریه اعلام کرد که از شامگاه جمعه ۱۴ دی ۱۴۰۳، درگیری‌ها در چندین روستا در اطراف شهر "منبج" ۱۰۱ کشته برجای گذاشته است، از جمله ۸۵ نفر از اعضای گروه‌های طرفدار ترکیه و ۱۶ نفر از نیروهای سوریه دموکراتیک که تحت تسلط کردها هستند.

نیروهای کُرد در شمال سوریه شایسته حمایت همه مردم جهان در مقابل تعرضات جنایتکارانه دولت اردوغان و نیروهای جهادی داعشی هستند.

سوریه از سال ۲۰۱۳ و با خیزش بهار عربی از موقعیت ژئوپلتیک ویژه ای برخوردار است. در شمال و شرق سوریه نیروهای کُرد در این مناطق حضور بسیار فعالی دارند و در مبارزه علیه داعش و شکست نیروهای جهادی و اسلامگرا که تحت حمایت دولت ترکیه قرار دارند، نقش مثبت و تاریخی داشته اند.

حملات وحشیانه هوایی ارتش ترکیه از چند سال گذشته به مناطق مسکونی و کشتار مردم و حملات پی در پی به مناطق مسکونی، نیروگاه های برق و آب رسانی، مدارس و بیمارستان‌ها، پالایشگاه و کارخانه‌ها ادامه دارد.

دولت و ارتش ترکیه همواره سیاست سرکوب و حملات هوایی و زمینی علیه ساکنین کردنشین مناطق شمال و شرق سوریه و مناطق اقلیم کردستان عراق (شنگال) را دنبال میکند. سیاستی که به‌مرور گسترده‌تر شده.

با تسلط گروه اسلامی تحریر شام در دمشق و حمایتهای دولت ترکیه، تحریر شام خواهان آزادی بیش از ده هزار مزدور داعشی که در زندان و همراه خانواده‌هایشان در اردوگاه‌های نیروهای کُرد هستند، شده است. آزادی این نیروی داعشی خطر جدی برای مردم در منطقه خاورمیانه و بویژه در سوریه است. اهداف عملیاتی دولت فاشیستی و اسلامی طیب اردوغان سرکوب نیروهای کُرد

مستقر در شمال سوریه و آزادی داعشی‌هایی است که سالیان درازی است در زندان‌های این نیروها نگهداری می‌شوند.

نیروهای کُرد سوریه نقش مهمی در مقابل داعش ایفا کرده و سابقه مثبت و شایسته ای را کسب کرده اند. علاوه بر دستاوردهای مثبت مبارزه با داعش در اداره این مناطق از جمله شرکت زنان در اداره جامعه، کانتونها و دیگر عرصه های سیاسی، اجتماعی و نظامی را دارند. زنان در این مناطق از نقش قابل‌توجهی برخوردار هستند.

دفاع از مردم کردستان سوریه و مقابله با حملات فاشیستی دولت ترکیه علیه آنها در

مقابل همه مردم آزادیخواه جهان قرار گرفته است. در گسترده‌کردن حمایت‌های بین‌المللی، در تظاهرات و اعتراضات در سطح جهانی فعالانه شرکت کنیم.

زن زندگی آزادی بر سفارت مخروبه رژیم در سوریه

اصغر کریمی

شعار زن زندگی آزادی به فارسی و انگلیسی بر در و دیوارهای سفارت مخروبه و متروک جمهوری اسلامی در دمشق بسیار سمبلیک و جالب است. جمهوری اسلامی در کشوری که محل رجزخوانی و اقتدارش بود همراه با حکومت اسد سرنگون شده است و شعار انقلاب ایران که از قضا اولین بار در سوریه، توسط زنان کردستان این کشور و در جنگ علیه تروریست‌های اسلامی داعش به اهتزاز درآمده بود، اکنون بر در و دیوار سفارت حکومت ورشکسته اسلامی نقش بسته است. چند روز قبل نیز صدها نفر از زنان در کردستان

سوریه با این شعار و برای چندمین بار دست به تظاهرات زدند.

این شعار عمیق که علیه جنایت کل تاریخ بشر علیه زنان است، هر جا که همچنان ستم و نابرابری علیه زنان وجود دارد یعنی در سراسر این کره موضوعیت دارد اما در کشورهایی مانند ایران و سوریه و سایر کشورهای اسلام‌زده که حکومت‌های اسلامی و ارتجاعی بر سر کارند، این شعار این ظرفیت را دارد که به شعار اعتراض و انقلاب تبدیل می‌شود. کشورهایی مانند افغانستان، سوریه و عراق و ترکیه و خیلی کشورهای دیگر به شعار توده‌ای مردم در جنگ با حکومت‌های اسلامی و سرکوبگر تبدیل شود.

به ویژه در سوریه که این شعار شناخته شده است و حامیان زیادی دارد باید تلاش کرد به شعار مبارزات مردم تبدیل شود. شعاری برای حقوق و کرامت زنان، برای زندگی و برای آزادی کل جامعه در مقابل مرتجعین اسلامی جدیدی که حکومت را به دست گرفته‌اند. حاکمان سوریه و ترکیه و عراق و افغانستان و ایران دشمنان مشترک مردم این کشورها هستند و مبارزات و انقلابات مردم این کشورها همسویی و تشابهات بسیار زیادی با هم دارد. این شعار می‌تواند به شعار مبارزات زنان و مردم ستمدیده این کشورها و به شعار همبستگی آنها علیه حاکمان مرتجع و ضد زن در این کشورها تبدیل شود و نقش موثری در

تقویت و انسجام مبارزات مردم این کشورها ایفا کند.

زنده باد زن زندگی آزادی

زنده باد همبستگی مردم ایران، سوریه، عراق و ترکیه و افغانستان علیه حاکمان مرتجع در این کشورها

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۳۰

۷ ژانویه ۲۰۲۵ – ۱۸ دی ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

تحولات خاورمیانه و "نظم نوین جهانی"

دو سؤال از حمید تقوایی

غزاله حدودی در آتش خشم مردسالاری سوخت

کیوان جاوید

شادی پاشنه آشیل رژیم اسلامی

عطیه نیک‌نفس

گروگان‌گیری چچیلیا روزنامه‌نگار ایتالیایی

سوال از اصغر کریمی

تحولات خاورمیانه و "نظم نوین جهانی"

دو سؤال از حمید تقوایی

سوسن صابری: سال ۲۰۲۴ سالی پر از تنش و جنگ و خونریزی به‌ویژه برای مردم خاورمیانه بود. ضربات جدی به بخش‌های مهمی از اسلام سیاسی وارد آمد. رژیم اسد با حمایت حکومت‌های ترکیه و عربستان سعودی توسط جریان مرتجع اسلامی تحریر شام و بدون هیچ اعتراضی از طرف روسیه سقوط کرد. صحبت از نظم نوین جهانی و جابه‌جایی قدرت‌ها است. شما این تحولات سیاسی را چطور ارزیابی می‌کنید.

حمید تقوائی: به نظر من نظم نوین جهانی ای در

کار نیست. سال گذشته سال ادامه جنگ اوکراین، آغاز جنگ خاورمیانه، بحران سیاسی احزاب حکومتی و برکناری احزاب حاکم در آلمان و فرانسه و انگلیس و آمریکا و کره جنوبی و تایوان و آخرین مورد آن استعفای نخست‌وزیر کانادا در ۶ ژانویه (۱۷ دی) بود. این بحران‌های حکومتی و کنارزدن احزاب حکومتی ناشی از نارضایتی عمومی مردم از گرانی و تورم و شرایط سخت معیشتی حتی در پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی است. در یک ارزیابی عمومی می‌توان گفت سال گذشته سال تشدید بحران سرمایه‌داری جهانی و وقوع پس‌لرزه‌های سیاسی آن بود.

در این میان همانطور که اشاره کردید در خاورمیانه تحولات مهمی رخ داد که با حمله حماس به اسرائیل

و کشتار ۱۲۰۰ شهروند آن کشور آغاز شد. البته جنگ و تخاصم میان اسرائیل و نیروهای فلسطینی و یا مدعی دفاع از مردم فلسطین امر تازه‌ای نیست آنچه تازه است حمله مستقیم حماس در اکتبر سال گذشته به مردم اسرائیل در یک حمله زمینی بود و روشن بود که این حمله دور تازه‌ای از جنگ در خاورمیانه را آغاز می‌کند. به همان ترتیب که حمله یازده سپتامبر دور تازه‌ای از جنگ تروریست‌ها را آغاز کرد. اکنون نتانیاهو از نظم تازه خاورمیانه دم می‌زند، اما این نظم تازه کذائی هم همان سرنوشتی را پیدا خواهد کرد که "نظم نوین جهانی" بوش پدر و پسر بعد از فروپاشی دیوار برلین و بعد از یازده سپتامبر! یعنی بی‌نظمی و جنگ و کشمکش بیشتر جهانی! نتانیاهو مدعی است پیمان ابراهیم موجب ثبات و آرامش در خاورمیانه خواهد شد. این پوچ

است. تا زمانی که مسئله آوارگی مردم فلسطین به شکل عادلانه و انسانی حل‌وفصل نشود خاورمیانه روی آرامش نخواهد دید. نتانیاهو و دولت او که نظم و آرامش را وعده می‌دهند خود یک رکن انکار و پایمال‌کردن حق مردم فلسطین هستند.

سوسن صابری: جریانات سیاسی و رسانه‌های راست و مشخصاً طرف‌داران پهلوی، به‌ویژه باتوجه‌به تجربه سوریه و تغییر قدرت در منطقه خاورمیانه، سرنگونی جمهوری اسلامی را تنها در صورت دخالت غرب و مشخصاً آمریکا امکان‌پذیر می‌دانند. می‌گویند تا غرب نخواهد تغییری صورت نمی‌گیرد. شما نظرتان چیست؟

حمید تقوائی: من برعکس فکر می‌کنم. تا انقلاب

مردم گسترده‌تر و قوی‌تر نشود و نهایتاً به پیروزی نرسد تغییری صورت نمی گیرد. مواضع دولت‌ها در قبال جمهوری اسلامی نیز خود تابعی است از قدرت انقلاب مردم ایران. هر چه "قدرت خیابان" یعنی اعتراضات توده‌ای در ایران گسترده‌تر و پیگیرتر باشد دولت‌ها نیز، برای حفظ منافع خودشان هم که شده، از جمهوری اسلامی بیشتر فاصله می گیرند. نمونه‌های متعددی از این امر را در روند انقلاب زن زندگی آزادی مشاهده کردیم.

به نظر من نه آمریکا و سایر دولت‌های غربی و نه اسرائیل خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی نیستند. آنها حداکثر می‌خواهد پروژه هسته‌ای حکومت را متوقف کنند و دستان او را از منطقه قطع نمایند. که در این مورد دوم تا حد زیادی موفق

شده‌اند. اما ضعف و بی‌اعتباری بی‌سابقه حکومت در منطقه خود شرایط مساعدی برای قدرت‌گیری و گستردگی اعتراضات و صف انقلاب در ایران ایجاد می‌کند؛ و این فاکتور است که نه‌تنها مواضع دولت‌ها در قبال جمهوری اسلامی را متحول خواهد کرد بلکه زمینه حل انسانی مسئله فلسطین و ثبات و آرامش در منطقه را نیز فراهم خواهد آورد.

غزاله حدودی در آتش خشم مردسالاری سوخت

کیوان جاوید

نقشه‌ای از پیش برای قتل غزاله در ۵ دی‌ماه ۱۴۰۳ کشیده شد. مردی به بی‌رحمی و سنگدلی یک جلاد دوره دیده به روی غزاله حدودی، زن ۲۷ساله اهل قروه و ساکن نایسر در نزدیک سنندج بنزین ریخت و کبریت کشید تا شاهد سوختن این زن از تبار رنج باشد.

غزاله حدودی، مادر یک دختر ۱۱ساله که از فاجعه کودک‌همسری جان به در برده بود، توسط سیروان ساعدپناه این‌چنین هولناک به قتل رسیده است. جرم این بود که غزاله به خواستگاری سیروان

ساعدپناه جواب منفی داده بود. و کیست که نداند این بزرگ‌ترین گناه و جرم و تخطی تاریخی از فرامین خدا و اسلام و حکومت نماینده جهل مذهبی در ایران است؟ آخر یک زن چگونه به خود حق می‌دهد در برابر خواست و اراده یک مرد دست به نافرمانی بزند؟ دنیا برای چنین مردی که در مکتب مذهب و مردسالاری تربیت شده است به پایان می‌رسد. او شکست‌خورده و سرافکنده و آبروباخته می‌شود. آخر چطور می‌تواند در چشم دیگر "سبیل‌کلفت‌ها" و "کلاه‌مخملی‌ها" و "تسبیح به دست‌ها" نگاه کند؟ چنین مردی باید آبروی ریخته‌شده‌اش را با مرگ آن زن که چنین جراتی به خود داده است و جواب رد به او داده است باز ستاند. به‌آتش‌کشیدن چنین زنی قرار است مردانگی را به مردسالاران و به مردی که در جنون

زن‌ستیزی دست‌وپا می‌زند باز گرداند.

در تقابل با این جنایت هولناک، من و تو، ما و شما، پیشروان آگاه و انسان‌دوست، مبارزین راه انسانیت و مبارزان راه آزادی و حرمت و هویت زنان باید شهر را روی سرمان بگذاریم. باید علیه ناموس‌پرستی و علیه زن‌ستیزی و علیه جنایت فوق بشری علیه زنان فریادمان بلند شود. اعتراض و راهپیمایی و طومار و کلاس‌های آموزشی و هر چه که از دستمان بر می‌آید باید بکار گرفته شوند. البته مردم نایسر سنندج گوشه کوچکی از اعتراض و خواست‌های حق‌طلبانه به نفع زنان و غم و اندوه مردم را در تجمع بزرگ روز یکشنبه به نمایش گذاشتند و مطالبات انسانی در دفاع از زنان و علیه ناموس‌پرستی را مطرح کرده و شعار زن زندگی

آزادی سر دادند. با تکیه براین حرکت خوب میتوانیم وسیع‌تر به میدان بیاییم.

باید ادعانامه علیه این رژیم و قوانین ضدبشری علیه زنان و فرهنگ منحط مردسالار را اجتماعاً به چالش بکشیم و ساختن صدها خانه امن را به حکومت تحمیل کنیم. علیه زن‌کشی به میدان بیاییم.

شادی پاشنه آشیل رژیم اسلامی

عطیه نیک‌نفس

ستاد امربه‌معروف استان هرمزگان، یک مراسم سنتی در بندرعباس را که در آن زن و مرد می‌رقصند و شادی می‌کنند "ترویج فحشا" نامید و با انتشار بیانیه‌ای، برگزاری جشنواره "محله خواجه عطا" را برنامه‌ای غیراخلاقی، مروج فحشا و بی‌مسئولیتی متولیان فرهنگی دانست و خواستار ورود دادستان شد!

به باور رژیم اسلامی شاد بودن، رقصیدن و آوازخواندن ترویج فحشا و فساد است اما برنامه‌ریزی برای سرکوب، مغزشویی کودکان، خفقان، تجاوز، شکنجه، زندان و اعدام مجاز است.

جمهوری اسلامی در طی بیش از چهار دهه با دردست‌داشتن همه امکانات، تمام تلاش خود را برای نهادینه کردن فرهنگ غم و عزاداری، خرافات مذهبی و تفکرات غیرانسانی بکار برده، اما مردم هرگز مرعوب این رژیم نشده و از تمامی فرصت‌ها برای شاد بودن، رقصیدن و آوازخواندن آن‌هم زن و مرد در کنار یکدیگر استفاده می‌کنند. زنان حتی در زندان باوجود توحش زندانبان‌ها، و در خیابان‌ها دست در دست مردان به مناسبت‌های مختلف می‌رقصند. زنان در هر فرصتی آواز می‌خوانند و موهای زیبایشان را در باد رها کرده و بی‌حجابی عملی را فراگیرتر می‌کنند.

واقعیت این است که رژیم اسلامی از شادی مردم می‌ترسد زیرا در فضای تاریک، سیاه و غم

و ارعاب است که به خیال خودش می‌تواند در قدرت بماند. ما با دانستن این واقعیت که "شادی یکی از سم‌های کشنده رژیم است" باید هرچه بیشتر از این علیه رژیم استفاده کنیم. رقص و شادی و آوازخوانی یک حق بدیهی ما است و حکومت توان جلوگیری نداشته و زورش به ما نمی‌رسد. در هفته‌های گذشته انواع کنسرت‌ها، مراسم‌های جمعی و شاد همراه با رقص و آواز را در شهرهای مختلف کشور سازمان داده‌ایم و رژیم هم نتوانسته هیچ غلطی بکند.

گروگان‌گیری چچیلیا روزنامه‌نگار ایتالیایی

سوال از اصغر کریمی

سوسن صابری: هدف جمهوری اسلامی از گروگان گرفتن چچیلیا سالا روزنامه‌نگار ایتالیائی چیست؟

اصغر کریمی: جمهوری اسلامی گفته است که بازداشت چچیلیا سالا در ۲۹ آذر به اتهام "نقض قوانین جمهوری اسلامی ایران" بوده است اما هیچ توضیحی در مورد نقض قوانین نداده است. اما روشن است که دستگیری این خبرنگار سه روز پس از بازداشت محمد عابدینی صورت گرفت. تنها جرم! چچلیا می‌تواند این باشد که در گزارشی که به رسانه‌های ایتالیا فرستاده گفته است که صدها

هزار زن در ایران حجاب ندارند و از اینکه از آنها فیلم و عکس گرفته شود هم ترسی ندارند. یعنی مشاهدات خود را از سرپیچی زنان از حجاب و شجاعت آنان را گزارش داده است. اما حتی اگر چچیلیا چنین گزارشی هم نداده بود جمهوری اسلامی احتیاج به این گروگان‌گیری داشت و به بهانه دیگری او را گروگان می‌گرفت. او برای رژیم مناسب‌ترین انتخاب بود.

اما به نظر من جمهوری اسلامی دو هدف دیگر را نیز از این گروگان‌گیری دنبال می‌کند. درست در شرایطی که گفتمان حاکم در ایران و در سطح بین‌المللی شکست‌های پی‌درپی جمهوری اسلامی در منطقه، شکست در مقابل بی‌حجابی،

قطع برق و ورشکستگی اقتصادی و امثالهم بود، جمهوری اسلامی تلاش کرد با این گروگان‌گیری این گفتمان‌ها را عوض کند. هدف دوم که به این هدف نیز مربوط است اینکه جمهوری اسلامی با این گروگان‌گیری تلاش می‌کند وانمود کند که شکستی نخورده، همچنان قدرتمند است و می‌تواند یک شهروند اروپایی را دستگیر کند و خواهان مبادله با یک مزدور خود بشود. برای حکومتی که از سرتاپا در بحران است، قیافه اقتدار به خود گرفتن اقداماتی مانند گروگان گرفتن یک شهروند بی‌دفاع و بی‌گناه یک کشور اروپایی است.

سوسن صابری: فکر می‌کنید این‌بار هم دولت ایتالیا و کلاً دول غربی به همان روال گذشته با این

مسئله برخورد کنند یا فشار بیشتری روی جمهوری اسلامی خواهند آورد. سیاست اصولی دول ایتالیا و کلاً دول غرب در قبال این گروگان‌گیری چه می‌تواند باشد؟

اصغر کریمی: تا این لحظه دولت ایتالیا بسیار محافظه‌کارانه برخورد کرده و حتی مادر چچیلیا را که گفته است چچیلیا هم مثل من یک مبارز است، متقاعد کرده که فراخوان تظاهرات در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در ایتالیا را کنسل کند. وزارت خارجه ایتالیا البته سفیر جمهوری اسلامی را احضار کرده و بعد از مقداری سکوت و پس از اطلاع از وضعیت ناهنجار شرایط سلول انفرادی این خبرنگار خواهان آزادی فوری او و همچنین

دریافت تضمین کامل درباره شرایط بازداشت او شده است. هنوز زود است که گفته شود دولت ایتالیا با آزادی عابدینی موافقت خواهد کرد یا نه اما درهرصورت تصور من این است که این‌بار دولت‌های اروپایی، که می‌دانند جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین دوران حیات خود به سر می‌برد و به‌شدت به رابطه با غرب و کاهش تحریم‌های اقتصادی نیاز دارد، فشار بیشتری به جمهوری اسلامی وارد خواهند کرد.

دولت ایتالیا می‌توانست به‌جای قانع‌کردن مادر چچلیا و فشار به رسانه‌ها که شلوغش نکنند، بلافاصله اعلام کند که چنانچه این خبرنگار فوراً آزاد نشود سفارت جمهوری اسلامی را تعطیل

خواهد کرد. دول غربی می‌توانستند با بیانیه‌ای جمعی جمهوری اسلامی را محکوم کنند و اعلام کنند که بلافاصله سفارت‌های جمهوری اسلامی را تعطیل خواهند کرد. در این صورت جمهوری اسلامی هم مجبور می‌شد چچلیا را آزاد کند و هم از تکرار گروگان‌گیری خودداری کند.

آنچه روشن است این است که نه مردم ایران و نه افکار عمومی بین‌المللی این اقدامات ضدانسانی را نه نشانه اقتدار، بلکه نشانه استیصال و ورشکستگی حکومت می‌دانند. اگر یک نظرخواهی آزادانه در ایران و یا هر نقطه جهان انجام شود اکثریت‌قریب‌به‌اتفاق مردم عمیقاً از این اقدام ضدانسانی اعلام انزجار خواهند کرد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۹۳۱

۸ ژانویه ۲۰۲۵ – ۱۹ دی ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

سقوط محتوم و زنگ هشدار عراقچی

سیامک بهاری

قانون واقعیت زندگی

عبدل گلپریان

اعدام در جمهوری اسلامی: جنایت علیه بشریت!

محسن ابراهیمی

یک گام به‌پیش چند گام به پس!

آذر پویا

سقوط محتوم و زنگ هشدار عراقچی

سیامک بهاری

عباس عراقچی: «نباید اجازه دهیم دشمن فضای ناامیدی را در کشور گسترش دهد».

عراقچی در چهارمین جشنواره «کارمند تراز مکتب حاج‌قاسم»، در میان خودی‌های روحیه‌باخته در تلاش برای وصله‌کردن دلایل و عواقب شکست فضاحت‌بار سیاست‌های منطقه‌ای، می‌گوید ضربه‌ای که به ارتش سوریه وارد شد قبل از اینکه نظامی باشد، رسانه‌ای و روانی بود. اعتراف آشکار به شکست در جبهه سوریه و مهم‌تر از آن، اعتراف به کابوس ریزش «ارزشی‌ها» و آنچه او

اینک فضای ناامیدی در «خودی‌ها» می‌خواند!

عراقچی دقیقاً می‌داند که ضربه روانی در داخل حاصل کدام معادلات و بر آمدهای اعتراضی خواهد بود. اشاره او آشکار به لشکر روحیه باخته‌ای است که پس از شکست در جبهه مقاومت، باید به مصاف انقلاب مردم ایران برود او می‌داند که چه ضربه سهمگینی بر پیکر کل حکومت وارد شده است که دیگر قابل پوشاندن نیست! او به عیان خروش خیزش انقلابی زن زندگی آزادی و مصاف آخر را می‌بیند. می گوید این زنگ هشدار برای ماست!

ترس و وحشت از سرنگونی سراپای حکومت را فراگرفته است. عراقچی از ذوب‌شدگان در ولایت گرفتار همان کابوسی است که بر سر بیت رهبری

و خامنه‌ای سایه انداخته است. سقوط برق‌آسای بشار اسد و هزیمت خفت‌بار ارتش سوریه و دود شدن جبهه مقاومت و خاکریزهای فروریخته جمهوری اسلامی و عواقب محتوم شکست در مواجهه با جامعه معترض و تشنه سرنگونی، که در مقابل جمهوری صف بسته است، آشکارا تعادل کل حکومت را به هم زده است.

عراقچی می‌گوید: «دشمن سرمایه‌گذاری وسیعی روی ضلع سوم یعنی رسانه کرده است.»! روشن است مردم ایران رسانه آزادی در اختیار ندارند. مقصود او افکار عمومی جامعه است که جمهوری اسلامی علی‌رغم هر درجه از توحش و سرکوب بی‌رحمانه، قادر به کنترل آن نشده است. در واقع عبارت «رسانه» بیان حقیقت دیگری است، رسانه

اسم رمز حضور اعتراضی خود مردم ایران است. دشمن حکومت اینجاست! دشمن، خود مردم ایران‌اند!

رزمایش‌های مکرر لشکرهای سپاه و بسیج برای مقابله با خیزش عمومی به‌ویژه در تهران، گواه عملی اعتراف حکومت به کابوس و وحشت محتوم سرنگونی است. اما آن نیرویی که باید برای مقابله با مردم به میدان آورده شود، از درون در حال فروریزی است! سقوط روانی که عراقچی را به وحشت انداخته، دقیقاً این‌جاست! همان سناریو، ارتشی که برای بشار اسد نجنگید و هزیمت کرد، این بار در تهران رقم خواهد خورد!

قانون واقعیت زندگی

عبدل گلپریان

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، گروه اتحاد بازنشستگان و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری همراه با گروهی از کارگران بازنشسته خوزستان به تاریخ ۱۷ دی در بیانیه‌ای اعلام کرده‌اند:

”شعارها و خواست‌هایمان را درست برگزینیم و دروغ‌های حاکمیت و سرمایه‌داران را افشا کنیم. بیان خواست‌هایمان به معنی حق است. این بیان حق است که بازنشستگان را به خیابان کشانده که فریاد می‌زنند، ”تا حق خود نگیریم از پا نمی‌نشینیم

”به گفته دیگر آگاهی از حق و بیان آن است که اعتراض را به وجود می‌آورد و مبارزه را سازمان می‌دهد. اعتراض ما ریشه در واقعیت زندگی ما دارد؛ بنابراین زندگی کردن در سطح متوسط جامعه حداقل حقی است که کارگران و زحمت‌کشان باید از آن برخوردار باشند. باید به دولت، به وزیر و وکیل و به کل حاکمیت بگوییم قانونی را که هیچ تغییر مثبتی در زندگی ما ایجاد نکند و برعکس ما را از رسیدن به زندگی بهتر ممانعت می‌کند، نمی‌پذیریم و به همین دلیل قانون واقعیات زندگی خود را مبنای حرکت و عمل خود قرار دهیم“.

این بیانیه کیفرخواست این تشکل‌ها علیه حکومتی است که فقر، نداری و بی‌حقوقی را به زندگی میلیون‌ها انسان در ایران تحمیل کرده است. این

بیانیه به درست ضرورت مبارزه‌ای سازمان‌یافته برای حق‌وحقوق پایمال شده را امری اجتناب‌ناپذیر می‌داند.

همان‌گونه که این بیانیه تأکید کرده است، قوانین حاکمیت برای تباهی زندگی آحاد جامعه و غارت هستی و دسترنج مردم تدوین شده است. قانون واقعیت زندگی که این بیانیه آن را به‌عنوان مبنای حرکت و عمل این تشکل‌ها نام برده است، چیزی جز دست‌یابی به منزلت، معیشت و کرامت انسانی نیست و دست‌یابی به این قانون انسانی هم جز از طریق مبارزه‌ای سازمان‌یافته و متشکل علیه حاکمیت و باندهای چپاولگر اسلامی میسر نیست.

از این بیانیه باید وسیعاً حمایت کرد. ورشکستگی

و به‌هم‌ریختگی دستگاه حاکمیت از یک سو و از سوی دیگر غارت هستی مردم توسط باندها و دستجات همین ساختار در حال سقوط، ادامه وضع موجود برای کل مردم را غیرممکن کرده است. حکومت اسلامی در مسیر فروپاشی قرار دارد. باید با تمام قدرت به میدان آمد و به ۴۵ سال تباهی و بی حقوقی مشتی انگل اسلامی و مفت‌خور پایان داد.

اعدام در جمهوری اسلامی: جنایت علیه بشریت!

محسن ابراهیمی

کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل با "ابراز نگرانی از افزایش اعدام‌ها" در ایران گفت که جمهوری اسلامی در سال گذشته میلادی دستکم ۹۰۱ نفر را اعدام کرده است. بیشتر این موارد مربوط به مواد مخدر بوده و معترضین سال ۱۴۰۱ نیز در میان اعدام‌شدگان سال گذشته هستند.

خبر دوم: سایت حقوق بشر هرانا اعلام کرده است که دستکم ۵۴ زندانی با اتهامات سیاسی یا امنیتی زیر حکم اعدام هستند. اتهام عمده آنها "بغی" است که واژه قضایی اسلامی برای "شورش مسلحانه" یا "قیام علیه حکومت" است!

یکی از مصداق‌های اتهام "بغی، کولبرانی هستند که در سرما و گرما بارهای سنگین حمل می کنند تا لقمه نانی برای زنده‌ماندن تهیه کنند و تعداد زیادی از آنها توسط قاچاقچیان حاکم در ایران کشتار می‌شوند! یکی دیگر از مصداق‌ها پخشان عزیزی است که به‌خاطر فعالیت‌های بشردوستانه در اردوگاه‌های آوارگان تهاجم داعش در شمال شرق سوریه به جرم "بغی" به اعدام محکوم شده است.

حکومت اسلامی حتی اگر در دهه شصت هزاران زندانی را قتل‌عام نمی‌کرد؛ حتی اگر در هر خیزش مردم علیه حکومت تعداد زیادی را به گلوله نمی‌بست؛ حتی اگر هواپیمای مسافربری را به موشک نمی‌بست؛ حتی اگر به

چشمان معترضین شلیک نمی‌کرد؛ حتی اگر به دانش‌آموزان معترض حمله شیمیایی نمی‌کرد و ده‌ها جنایت دیگر را مرتکب نمی‌شد، همین اعدام قریب ۱۰۰۰ انسان فقط در یک سال، برای محاکمه سران حکومت اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت کافی بود!

حکومت اسلامی قبلاً از طرف نهادهای بین‌المللی از جمله دیده‌بان حقوق بشر به جنایت علیه بشریت محکوم شده است. این مهم است اما فقط محکومیت جنایت‌کاران حاکم در ایران کافی نیست. حتی گرفتن جان فقط یک انسان جنایت است چه برسد به اینکه فقط در یک سال جان و زندگی نزدیک هزار انسان، هزار مادر یا پدر، هزار فرزند، هزار همسر یا دوست یا همکار

و هم‌کلاسی توسط مشتی سایکوپت آدم‌خوار اسلامی نابود شوند!

باید تلاش کنیم هر نهاد مدافع حقوق بشر، هر نهاد مخالف اعدام، هر نهاد مدعی احترام به زندگی انسان‌ها با مردم ایران که برای نابودی حکومت اعدام به‌پاخاسته‌اند، با جنبش علیه اعدام در ایران، با کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" که زندانیان سیاسی در قریب ۳۰ زندان پیش می‌برند اعلام همبستگی کنند و خواهان محاکمه سران حکومت در دادگاه‌های بین‌المللی شوند.

یک گام به‌پیش چند گام به پس!

آذر پویا

داستان رودرروئی زنان با جمهوری اسلامی داستان یک گام به‌پیش و چند گام به پس جمهوری اسلامی است. لایحه‌ای بنام لایحه عفاف و حجاب را مدت‌هاست دست‌به‌دست می کنند، سبک‌سنگین می کنند تا شاید فرصت مناسبی به دست آورند و آنرا اجرائی کنند. فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت که اخبار حضور زنان بدون حجاب را به‌دقت دنبال می کند متوجه شده است که زنان گوش شنوائی برای اراجیف ایشان ندارند، هر روز با لبخندی کریه در مدیای اجتماعی ظاهر می‌شود و از اجرائی نکردن این لایحه با افتخار سخن‌فرسایی کرده و

در مورد علت به‌تعویق‌افتادن این لایحه می‌گوید: "برخی مفاد این قانون می‌توانست تبعات اجتماعی سنگینی داشته باشد و با همین ملاحظات و با خردمندی به تعویق افتاد". این در حالی است که قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی می‌گوید دلیل ابلاغ‌نشدن قانون حجاب تصمیم شورای‌عالی امنیت ملی بود.

این دیگر به تعویق‌انداختن یک لایحه نیست این اقرار به شکستی است که زنان با حضور فعالشان در جامعه به رژیم متحجری تحمیل کرده‌اند که راه گریزی ندارد. این رویکرد نه‌تنها باعث فتح خاکریز حجاب شده است بلکه به‌هم‌ریختگی صفوف سران حکومت راهم تشدید کرده است.

رویاروئی زنان با جمهوری اسلامی دیگر نه یک اعتراض ساده و نه حتی مبارزه برای احقاق حقوقشان است بلکه عصیانی آگاهانه و طوفانی است که نه‌تنها حجاب‌ها را به باد داده است بلکه می‌رود که کل بنیاد نظام جمهوری اسلامی را از جا برکند. آخرین نمونه این عصیان را در فرودگاه مهرآباد شاهد بودیم، زنی که بعد از تذکر دلقک امربه‌معروف، عمامه از سرش می گیرد و به تمسخر آنرا به‌جای شال روی سرخودش می گذارد. نمونه‌های دیگر را هم قبلاً آهو دریائی و پرستو احمدی و صدها زن دیگر به اشکال مختلف به نمایش گذاشتند.

توصیه ما به خانم سخنگو و تمام کسانی که به‌جز تمرکز روی موی زنان هیچ مشغله دیگری ندارند این است که بیشتر از این خود را سکه یک پول نکنید. اگر شما از دیدن تار موی زنان دچار "گناه" می‌شوید مشکل جنسی - روانی‌تان را درمان کنید. اشکال از خودتان، مذهبتان و از صندلی‌های قدرتی است که برای دزدی و چپاول به آنها احتیاج دارید. تا دیر نشده فکری به حال خود کنید و بیاد داشته باشید که با هیچ حربه‌ای حریف زنان نخواهید شد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۹۳۲

۹ ژانویه ۲۰۲۵ – ۲۰ دی ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

رزمایش امنیتی سپاه و عجز حکومت الله

سیاوش آذری

اعلام حکم اعدام پخشان و آزادی چچلیا سالا

کیوان جاوید

هراس خامنه‌ای از افکار عمومی

رضا درویش

بوی الرحمان حشدالشعبی در عراق پیچیده است!

سینا پدرام

کشتار مسافران پرواز اوکراین، جنایت علیه بشریت

محسن ابراهیمی

رزمایش امنیتی سپاه و عجز حکومت الله

سیاوش آذری

سپاه پاسداران دو ماه پس از رزمایش امنیتی در تهران، از ۱۵ دی‌ماه جاری رزمایش امنیتی چندمرحله‌ای دیگری در سرتاسر کشور را آغاز نموده است. مرحله جدید این رزمایش قرار است جمعه ۲۱ دی‌ماه با شرکت ۱۱۰۰۰۰ نیروی بسیجی در تهران انجام پذیرد. دراین‌رابطه علی‌محمد نائینی، سخنگوی سپاه، گفت که "این رزمایش ترکیبی از واقعیت‌های میدانی و حرفه‌ای است و پیام مهمی برای دشمنان دارد مبنی بر اینکه متوجه خروش جوانان ایرانی حاضر در صحنه باشند. بسیجیان آماده حضور در عرصه‌های مختلف‌اند.

هدف رزمایش‌های بسیج نیز نشان‌دادن سطح آمادگی بسیجیان در مقابله با انواع عملیات‌هاست.“

قدرمسلم اینکه هدف از این رزمایش‌ها خط و نشان کشیدن برای آمریکا و اسرائیل و ”خالی کردن دل آنها“ نیست. تو خالی بودن رجزخوانی‌های رژیم و ”وعده‌های صادق“ و ناکارآمدی نیروهای نظامی و نیابتی آن در مقابل آمریکا و اسرائیل در پی شکست‌های سنگین حماس، حزب‌الله و دست آخر فروپاشی و سقوط برق‌آسای رژیم اسد، حقیقتی غیرقابل کتمان است.

به‌علاوه، آمریکا، اسرائیل و غرب نیز نفعی در ایجاد یک جنگ تمام‌عیار زمینی علیه جمهوری اسلامی نمی‌بینند و در حال حاضر و با توجه به وضعیت

اقتصادی این کشورها چنین جنگی مقرون‌به‌صرفه نیست. هدف آمریکا و متحدین غربی آنها نه "رژیم‌چنج"، بلکه رام کردن بیشتر رژیم است.

اما مهم‌ترین نکته اینجاست: هدف اصلی از چنین رزمایش‌هایی حتی ایجاد رعب و وحشت در میان مردم معترض که مترصد به زیر کشیدن رژیم منحوس اسلامی هستند نیست؛ حربه‌های این چنینی رژیم، از زندان و شکنجه و اعدام تا قداره‌چرخانی گله‌های بسیج و حزب‌الله آن مدت‌هاست که کارایی خود را ازدست‌داده است. هدف اصلی دلگرم کردن نیروهای خودی و جلوگیری از ریزش بیشتر این نیروهاست اما رژیم در این زمینه نیز در عجز کامل به سر می‌برد. این نکته در کلمه "دشمنان" جمله فوق‌الذکر نائینی مستتر است:

همه می‌دانند که منظور از "دشمن" مردم است. اما بر خلاف مردم که با صراحت کامل با شعار "دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست" مدت‌هاست رژیم را نشانه می‌گیرند، حکومت الله از بیان صریح این نکته نیز عاجز است. فروپاشی و سقوط رژیم نزدیک است و این را نیز همگان می‌دانند.

اعلام حکم اعدام پخشان و آزادی چچلیا سالا

کیوان جاوید

امیر رئیسیان، وکیل دادگستری، روز چهارشنبه ۱۹ دی، از تأیید حکم اعدام پخشان عزیزی در دیوان عالی کشور خبر داد. چچلیا سالا، روزنامه‌نگار ایتالیایی که در ایران بازداشت شده بود، روز ۱۹ دی‌ماه آزاد و رهسپار ایتالیا شده است.

پخشان عزیزی روز ۱۳ مرداد ۱۴۰۲، به همراه پدر و برادرش در تهران بازداشت شد. این زندانی سیاسی به اتهام "بغی" یا قیام مسلحانه به چهار سال زندان و اعدام محکوم شده است. "جرم حقیقی" پخشان، اما این است که به مدت ۱۰ سال به‌عنوان

مددکار در مناطق کردنشین سوریه به آوارگانی کمک می‌کرد که از جنگ با داعش فرار کرده بودند.

ازطرف‌دیگرمی‌دانیم‌چچلیاسالا،خبرنگارایتالیایی در اواخر آبان توسط رژیم به گروگان گرفته شده بود تا فشاری برای آزادی عابدینی نجف‌آبادی باشد که به اتهام تأمین قطعات الکترونیکی برای ساخت پهپادهای جنگی سپاه پاسداران و همچنین حمایت مالی از تروریسم به خواست دولت آمریکا در فرودگاه میلان در ایتالیا دستگیر شده است.

این سیاست گروگان‌گیری با فشار گسترده بین‌المللی عقیم ماند اما جمهوری اسلامی تلاش مذبوحانه‌ای می‌کند تا این شکست از دیده مردم

پنهان بماند و با اعلام حکم اعدام پخشان عزیزی می‌خواهد صورتش را با سیلی سرخ کند.

برای عقب راندن جمهوری اسلامی و پس‌گرفتن حکم اعدام پخشان عزیزی باید از قدرت همه مردم در داخل ایران و فشار سنگین جهانی بهره گرفت. اعلام این حکم اعدام، ادامه جنگ حکومت اعدامی اسلامی با جامعه‌ای به‌پاخاسته برای سرنگونی این حکومت است.

این جانیان حاکم توسط ما مردم در محاصره قرار گرفته‌اند؛ این رژیم در فلج کامل اقتصادی و بحران فزاینده سیاسی گیر کرده است و در درون صفوف خودش دچار بحران فزاینده قرار دارد. خامنه‌ای در رأس حاکمیت هر روز منزوی‌تر و بی‌خاصیت‌تر

می‌شود.

در این شرایط ما می‌توانیم مردم انسان‌دوست جهان، نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق انسان و دولت‌ها را با خود همراه کنیم تا فشار سنگینی برای لغو حکم اعدام پخشان و آزادی‌اش به جمهوری اسلامی وارد کنند. از همین حالا همه‌جا اعلام کنیم ما پخشان هستیم. این زندانی سیاسی محبوب آزاد باید گردد.

هراس خامنه‌ای از افکار عمومی

رضا درویش

به گزارش خبرگزاری تسنیم در ۱۹ دی ۱۴۰۳ خامنه‌ای در دیداری به مناسبت سالگرد "قیام ۱۹ دی" در سال ۱۳۵۶ خطاب به متولیان دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم می گوید: نگذارید تبلیغات دشمن روی افکار عمومی اثر کند.

حرف خامنه‌ای این است که گویا دشمنان می‌خواهند رژیم را در باره مسائل مختلف مطرح در جامعه از جمله تورم، ارز، حجاب ضعیف نشان دهند و شیوه آنها "دروغ‌پردازی و فاصله انداختن بین واقعیت و تصور افکار عمومی" است.

خامنه‌ای برای اثبات ادعایش به سفر جیمی کارتر در دی‌ماه ۵۶ به ایران اشاره می‌کند که گویا ایران را جزیره ثبات خواند و متعاقباً حرفش با انقلاب ۵۷ خلاف واقع از آب درآمد. خیلی جالب است که خامنه‌ای از ۱۹ دی ۵۶ به‌عنوان قیام قمی‌ها یاد می‌کند. البته این کاملاً قابل‌درک است که برای خامنه‌ای و سران رژیم به‌هیچ‌وجه صلاح نیست از قیام بهمن و قدرت مردم در سرنگون ساختن رژیم پهلوی حرفی در میان باشد. چرا که در شرایط کنونی حد اعلای نارضایتی‌ها و سمت‌وسوی اعتراضات گسترده مردم در مسیری پیش می‌رود که خیزش دیگری را علیه رژیم به دنبال داشته باشد و در قیام بعدی سرنگونی رژیم کنونی را در ایران رقم بزند.

نکته جالب دیگر در حرف‌های خامنه‌ای این است که غفلت امریکا در ارتباط با بروز انقلاب سال ۵۷ را به غفلت فرعون تشبیه می‌کند که موسی در خانه‌اش درحال‌رشد بود و فرعون نمی‌دانست. انگار خامنه‌ای خود در مرحله انکار است یا منافعش ایجاب نمی‌کند به روی خودش بیاورد که خیزش انقلابی دیگری بیخ گوشش در حال شکل‌گیری و در شرف وقوع است.

اما در پس همه این شارلاتان‌بازی‌های سیاسی جالب‌تر از همه این است که خامنه‌ای تا دیروز با "نصر بالرعب" و با هدف سرکوب و عقب راندن مردم معترض سیاست ایجاد رعب و وحشت را در میان سرکوبگران رژیم ترویج می‌کرد. خامنه‌ای کاملاً متوجه است که رعب و وحشت این بار

به درون صفوف نیروهای سرکوب رخنه کرده و همین امر سران رژیم را در رویارویی با خشم مردم و اعتراضات گسترده به چالش کشانده است.

بر علیه سیاست جنایت‌کارانه سرکوب و کشتار مردم معترض هر چه بیشتر متحد شویم.

بوی الرحمان حشدالشعبی در عراق پیچیده است!

سینا پدرام

خامنه‌ای چهارشنبه، ۱۹ دی، در دیدار با محمد شیاع السودانی نخست‌وزیر عراق در تهران گفت: "حشدالشعبی یکی از مؤلفه‌های مهم قدرت در عراق است که باید در جهت حفظ و تقویت بیش‌ازپیش آن اهتمام داشت."

اما در این گفتگوها نخست‌وزیر عراق گفت که کشورش به اراده مردم سوریه احترام می‌گذارد و بغداد خواستار راه‌حل سیاسی جامع برای پایان‌دادن به مداخلات خارجی در سوریه است.

بنا به‌تمامی داده‌های سیاسی منطقه، موضوع نیروهای نیابتی رژیم در منطقه و از جمله در عراق هم برای رژیم و هم برای بسیاری از کشورهای منطقه، معضل کهنه شده ایست و جز تسلیم راه دیگری برای رژیم باقی نمانده است. عاقبت حشدالشعبی بهتر از عاقبت رژیم اسد نیست.

در حال حاضر با ورود دوباره ترامپ به کاخ سفید و آغاز یک دور جدید از سیاست‌های فاشیستی وی در خاورمیانه و سیاست تضعیف رژیم اسلامی در باقی کشورها و از جمله عراق در صدر دستور کار آمریکا و اسرائیل قرار خواهد داشت و قطعاً بحران حکومتی رژیم اسلامی را برجسته‌تر کرده و جناح‌های مختلف رژیم را به جان هم خواهد

انداخت.

از سوی دیگر، بسیار واضح است که ادعاهای جهانی ترامپ و از آن مسخره‌تر "نظم نوین خاورمیانه" که مورد ادعای نتانیاهو و جناح‌های دست راستی یهودی اسرائیل است، در دوره‌ای که سرمایه‌داری جهانی بحران‌های متوالی خود را تجربه می‌کند، فاقد شرایط لازم و کافی برای تحقق‌یافتن هست. واقعیت مهم‌تر این است که در قدرت بودن جناح‌های دست راستی یهودی و شخصیت‌هایی مانند نتانیاهو در منطقه خود به تنش‌های منطقه‌ای خواهد افزود و بخش مهمی از صورت‌مسئله را تشکیل می‌دهند.

مؤلفه اساسی که تمامی معادلات جناح‌های دست راستی در خاورمیانه و از جمله جریانات موسوم به سلطنت‌طلب و پهلوی‌چی‌ها را دود هوا خواهد کرد، انقلاب رو به اعتلای مردم ایران، انقلاب زن زندگی آزادی است.

این انقلاب خصوصیات ویژه‌ای دارد. این انقلاب از جمله مستقیماً با هر نوع دست‌اندازی و تغییر قدرت از بالا در تضاد و رودررویی قرار خواهد گرفت و به این اعتبار در صورت پیروزی، پتانسیل آزادسازی نیروهای مدرن و مترقی در خاورمیانه را دارد. امری که به لحاظ استراتژیک منافع حاکمیت‌های فعلی منطقه را به خطر خواهد انداخت.

کشتار مسافران پرواز اوکراین، جنایت علیه بشریت

محسن ابراهیمی

پنج سال از یکی از هولناک‌ترین جنایت‌های تاریخ بشریت توسط یکی از جانی‌ترین حکومت‌های تاریخ گذشت. در سحرگاه ۱۸ دی ۱۳۹۸ (۸ ژانویه ۲۰۲۰)، حکومت اسلامی با شلیک دو موشک پدافند هوایی سپاه پاسداران اسلامی، ۱۷۷ انسان را در پرواز پی اس ۷۵۲ اوکراین قتل‌عام کرد. بعد از سه روز انکار بی‌شرمانه، نهایتاً با افشای مدارک و آثار شلیک موشک ضدهوایی و فشارهای مجامع بین‌المللی، حکام اسلامی پذیرفتند که به هواپیما موشک خورده اما علت آن "خطای انسانی غیرعمد در تشخیص شیء پرنده" بوده است!

این جنایت پنج‌روز بعد از کشته‌شدن قاسم سلیمانی و در روز موشک‌پرانی جمهوری اسلامی به پایگاه عین‌الاسد در عراق اتفاق افتاد. حکومت اسلامی درست در زمانی که نمایش موشک‌پرانی راه انداخته بود تا با سیلی صورت خود را سرخ نگه دارد، همه مسافران بی‌خبر و بی‌گناه پی اس ۷۵۲ را با تمام آرزوها و رؤیاهایشان با شلیک موشک به خاک و خون کشید.

همچنان که انتظار می‌رفت، حکام اسلامی از یکطرف با رفتار ضدانسانی با خانواده‌ها، با آزار و تهدید و تعقیب و سرکوب اعتراضاتشان تا می‌توانست نمک بر زخمشان پاشید و از طرف دیگر به هر رذالت قابل‌تصور دست برد تا در

مقابل روشن‌شدن زوایای حقیقت این کشتار مانع ایجاد کند. اما خانواده‌های جان‌باختگان چه در ایران و چه در سایر نقاط جهان مصممانه به دادخواهی و اعتراض ادامه داده‌اند و با همبستگی جمعیت عظیمی از دادخواهان قتل‌عام دهه شصت، دادخواهان جان‌باختگان خیزش‌های ۸۸، ۹۶، ۹۸، دادخواهان جان‌باختگان انقلاب زن زندگی آزادی و دیگر جنایت‌های حکومت اسلامی و جمعیت عظیمی از مردم تحت ستم در ایران و انسان‌های عدالت‌خواه در سراسر جهان، یک نیروی مهم در جهت پایان‌دادن به نظام منحوس اسلامی شکل گرفته است.

خانواده‌های جان‌باختگان پرواز پی اس ۷۵۲

خواهان عدالت هستند. خواهان محاکمه همه آمرین و عاملین قتل‌عام موشکی جمهوری اسلامی هستند. اعلام کرده‌اند نه می‌بخشند و نه فراموش می‌کنند. مبارزه این انسان‌ها شایسته بیشترین حمایت‌هاست. با اعلام همبستگی، با حضور در تجمعات آنها در پنجمین سالگرد این جنایت می‌توانیم و باید در کنارشان باشیم تا در نتیجه اعتراض قدرتمندتر هر چه زودتر آمران و عاملان کشتار مسافران پی اس ۷۵۲ در دادگاه‌های بین‌المللی به جرم جنایت علیه بشریت به محاکمه کشیده شوند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۹۳۳

۱۱ ژانویه ۲۰۲۵ – ۲۲ دی ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

فرمانده سپاه و شکست سخت

حسن صالحی

توماج همچنان صدای رسای انقلاب

بابک یزدی

دستگیری صدها نفر در خوزستان

شهلا دانشفر

حداقل دستمزد بر اساس "سود صنایع"

کیوان جاوید

پزشکیان: تداوم وقاحت و درماندگی

کاظم نیکخواه

فرمانده سپاه و شکست سخت

حسن صالحی

هر کس که افشاگری‌های بهروز اثباتی از فرماندهان سپاه قدس در باره شکست مفتضحانه جمهوری اسلامی در سوریه را گوش بدهد، پی خواهد برد که جمهوری اسلامی چه وضعیت خوار و ذلیلی دارد. بهروز اثباتی یکی از کله‌گنده‌های سپاه است. از او به‌عنوان "فرمانده بلندپایه نیروهای مستشاری رژیم در سوریه" یاد می‌کنند که مسئولیت‌هایش مهم‌تر از خود قاآنی بوده است.

او علی‌رغم تبلیغات رسمی و کذب حکومت

اسلامی به‌صراحت می‌گوید که رژیم در سوریه "شکست بدی" خورده است. او همچنین اعتراف می‌کند که جمهوری اسلامی توان واقعی برای ضربه‌زدن به اسرائیل را ندارد وگرنه "وعده صادق ۳" را عملی می‌کرد. (سخنی که واکنش سراسیمه حسین سلامی، فرمانده سپاه پاسداران را برانگیخت و برای آنکه سنگ روی یخ نشوند باز هم گفت انشاالله انتقام بزرگ در راه است). بهروز اثباتی همچنین گفت که کیومرث پورهاشمی از فرماندهان سپاه به همراه یک فرمانده ارشد حزب‌الله لبنان توسط افسران ارتش سوریه کشته شد، نه آنطور که می‌گویند در جریان "دفاع از حرم" در مقابل نیروهای "هئیت تحریر الشام". او گفته است که در جریان سفر رئیسی به

سوریه حتی دولت سوریه استقبالی از وی نکرده و "مستشاران سپاه" مجبور شدند از آدم‌های خودشان گروهی را برای استقبال از رئیسی جمع و جور کنند. بهروز اثباتی همچنین گفته که این اواخر تحویل نگرفتن عوامل جمهوری اسلامی در سوریه به حدی بوده که "بیش از ۸۰ درصد از خانواده‌های عوامل حکومتی در سوریه شامل سفارت و مدرسه و مهندسان ایرانی در دولت بشار اسد، را با اثاثیه از خانه‌هایشان بیرون کردند و خیلی‌ها از آنها شب‌ها در ماشین می‌خوابیدند". اینها فقط بخشی از آه و ناله‌های این "سردار" سرشکسته سپاه است.

می‌گویند اسب‌ها در سربالایی همدیگر را گاز

می‌گیرند. این حالا حکایت بهروز اثباتی و بقیه سران سپاه است. طبیعی است که هر چه سراشیب سرنگونی تندتر می‌شود واقعیات درونی جمهوری اسلامی هم بیشتر برملا خواهد شد. صحبت‌های بهروز اثباتی در مجموع حجت دیگری است بر پوشالی بودن قدرت حکومت اسلامی. اگر حرف‌های این فرمانده سپاه پیامی برای مردم داشته باشد این است که صفوف دشمنان ما به‌شدت ضعیف شده و درهم‌ریخته است و حالا نوبت تعرض ماست که لاشه بی‌رمق این حکومت را دفن کنیم.

توماج همچنان صدای رسای انقلاب

بابک یزدی

یکی از مجلات معتبر موسیقی "اسپین" توماج صالحی را از میان لیست بلندبالایی از موسیقیدان‌ها به‌عنوان اثرگذارترین شخص ایران در موسیقی سال ۲۰۲۵ معرفی کرد. نام توماج از میان شخصیت‌های معروف و مشهور جهانی همچون تیلور سویفت خواننده آمریکایی، لوسین گرینج بنیانگذار یونیورسال موزیک، فیروز خواننده لبنانی، استیو وَن‌زَنت گیتاریست آمریکایی و طارق شریف و مت زینگلر بانیان بزرگ‌ترین فستیوال رپ دنیا به نام "رولینگ لاد" قرار داده شده است.

توماج در مصاحبه‌ای که به همین مناسبت با مجله "اسپین" داشته گفته است که "بزرگ‌ترین انگیزه من (برای مبارزه) تغییر توازن قدرت به نفع مردم است، به شکلی که به دستیابی ما به آزادی‌های سیاسی و مدنی بینجامد، تا در نهایت بچه‌های ایران آینده بهتری داشته باشند."

تمامی کارهای هنری توماج در خدمت انقلاب زن زندگی آزادی و صدای انقلاب بوده و هست. او در برابر رژیم اسلامی لحظه‌ای سر خم نکرد و صدای مردم است و حتی اگر هیچ کار جدیدی هم انجام ندهد، به‌قدر کافی در خدمت مردم و انقلابش گفته و نوشته و سروده و خوانده است!

به همین دلیل بسیاری در داخل و خارج از او به‌عنوان "فرزند ایران و جهان" یاد می‌کنند.

انقلاب "زن زندگی آزادی" روزبه‌روز الگوها، سمبل‌ها، قهرمانان و رهبران خود را به جامعه و جهان معرفی می‌کند. سپیده قلیان به محض آزادی از زندان بدون حجاب فریاد زده "خامنه‌ای ضحاک، می‌کشیمت زیر خاک"، آهو دریائی با اعتراض عریان خود جنبش علیه حجاب اسلامی و اجباری را گام‌های اساسی به جلو برده. پرستو احمدی با "کنسرت کاروانسرا" ازیک‌طرف شجاعت خود و از طرفی عمق تضاد جامعه مدرن را علیه خرافه و جهل و عقب‌ماندگی نشان می‌دهد. دختر جوانی که در فرودگاه در میان جمعیت

عمامه آخوند مرتجع را بر می‌دارد و... بازتاب جامعه‌ای است که بی‌وقفه برای سرنگونی در حال نبرد است.

اینها همه بخش کوچکی از مبارزات مردم و الگوها و سمبل‌هایی هست که در این انقلاب علنی شده است. جامعه ایران در هر شهر و روستا سرشار از سپیده قلیان‌ها، توماج صالحی‌ها، آهو و نرگس و پرستو و... هاست و چنین جامعه‌ای و چنین انقلابی هیچ نوع دیکتاتوری را بر نمی‌تابد. چه امروز، قبل از سرنگونی رژیم و چه فردا پس از پیروزی انقلاب زیبای زن زندگی آزادی.

دستگیری صدها نفر در خوزستان

شهلا دانشفر

بنا بر گزارشات در هفته جاری بیش از صد نفر از فعالین سیاسی در خوزستان در شهرهای شادگان، رامشیر، اهواز و خفاجیه احضار و بازداشت شده‌اند. هویت ۲۸ نفر از دستگیرشدگان توسط هرانا انتشاریافته و بیشترین دستگیری‌ها از شهر اهواز بوده است. در این دستگیری‌ها وسایل شخصی افراد از جمله تلفن‌های همراه آنان ضبط شده است. به گفته برخی افراد احضار شده، آنها مورد تهدید قرار گرفته‌اند که در تظاهرات و تجمعات اعتراضی شرکت نکنند.

این خبر تا همین‌جا هدف این دستگیری‌ها را روشن می‌کند. اعتراضات گسترده در سطح جامعه و یک کانون داغ آن در خوزستان حکومت را شدیداً وحشت‌زده کرده است. پزشکیان قرار است در همین هفته به شهرهای خوزستان برود و بازنشستگان تأمین اجتماعی در تجمع این هفته که شمارشان قابل‌توجه بود، اعلام کردند که تا جواب نگیرند به تجمعاتشان ادامه خواهند داد. یکی از آنان خطاب به جمعیت در تجمع گفت که هفته دیگر پزشکیان به خوزستان می‌آید و ما اگر جوابی نگیریم با جمعیتی بیشتر حضور خواهیم یافت. اما نه برای استقبال بلکه برای اعتراض. جمعیت نیز یکپارچه این گفته را تکرار کرد.

خوزستان یکی از استان‌های محروم کشور است. فقر و بی تأمینی، بیکاری، محرومیت از امکانات اولیه زیستی، فرسودگی ساختار شهرها و پوشانده شدن خیابان‌ها از فاضلاب بعد از هر باران، آلایندگی هوای تنفسی و نداشتن آب سالم از جمله مشکلات عدیده مردم در این استان و موضوعات اعتراضاتی آنهاست. یک موضوع اعتراضات بازنشستگان در شوش مساله محرومیت از بیمارستان و درمان است.

در عین حال خوزستان یک کانون داغ اعتراضات مردمی است و شهرهایی چون اهواز، شوش، شوشتر و ایذه از مراکز فعال اعتراضات بازنشس تگان،معلمان،پرستاران،کارگران نفت و جنبش دادخواهی است. از جمله هم اکنون بازنشستگان

نفت و بازنشستگان تامین اجتماعی برای روزهای ۲۲ و ۲۳ دیماه فراخوان به تجمع داده‌اند.

در چنین فضایی است که پزشکیان، رئیس‌جمهور درمانده حکومت به‌گل‌نشسته قرار است به خوزستان برود. در چنین فضایی است که حکومت دست به چنین دستگیری‌های وسیع می‌زند.

تبدیل حضور پزشکیان در خوزستان به صحنه اعتراض وسیع یک پاسخ مهم و فوری به این دستگیری‌ها است. حکومت اسلامی برای عقب زدن فضای انقلابی بر سر کوبگری‌هایش از جمله در خوزستان شدت داده‌است. گسترش اعتراضات و اتحاد مبارزاتی علیه سرکوب و اعدام پاسخ ما مردم به حکومت اسلامی است.

حداقل دستمزد بر اساس "سود صنایع"

کیوان جاوید

روز جمعه ۲۱ دی‌ماه، احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، با طرح این موضوع که شرایط کاری در صنایع مختلف متفاوت است، گفت این که ما بر حداقل هزینه زندگی و تورم اقدام به تعیین حداقل دستمزد می‌کنیم درست نیست و این عدد باید بر اساس میزان سختی‌کار در صنایع مختلف تعیین شود. او در مصاحبه با تلویزیون جمهوری اسلامی گفت که این اقدام برای سال آینده از بخش معادن شروع می‌شود.

این حقیقتاً ادامه یک کابوس هولناک‌تر برای

کارگران و همه مزدبگیران است. احمد میدری وعده داده است که این اقدام را از بخش معادن شروع خواهند کرد. سختی کار در معدن را پیش کشیده تا با این حقه‌بازی آخوندی اینطور القا کند که به دلیل دشواری کار در معادن حقوق کارگران در این بخش افزایش خواهد یافت. این یک فریب و دروغ آشکار دولت سرمایه‌داری اسلامی است. ما با شرایط جهنمی حاکم بر معادن آشنا هستیم و جایی که کارگران خطر ریزش را هم مطرح می‌کنند با این جواب کارفرما روبرو می‌شنود یا وارد معدن شوید و کار کنید یا استعفا بدهید.

رژیم اسلامی در ادامه تعرض به دستمزد

کارگران با این ترفند وارد می‌شود که این یا آن صنایع ضرر داده یا سود کافی ندارد، یا در حال ورشکستی است تا به این وسیله در هر مجمع تولیدی و کارگری جداگانه به جان کارگران بیفتد و از تصویب حقوق سراسری مکفی برای همه کارگران در سراسر مراکز کارگری ممانعت به وجود بیاورد. این تکه‌پاره کردن‌ها می‌خواهد جلوی اتحاد سراسری کارگران را بگیرد و از دولت در تصویب حقوق پایه رفع مسئولیت کند.

در حال حاضر خط فقر در ایران بالای ۳۵ تا ۴۰ میلیون تومان است و در همین حال آمار و ارقام رسمی نشان می‌دهد حداکثر دریافتی یک کارگر مشمول قانون کار، متأهل و دارای فرزند

با احتساب تمامی مزایا به ۱۱ میلیون تومان نمی‌رسد.

به این نیز توجه داشته باشیم که با سقوط بی‌وقفه ریال در برابر دلار، دستمزد ماهانه کارگران در حال حاضر به ۸۸ دلار رسیده است. همه این شرایط به ما کارگران و همه مزدبگیران می گوید پاسخ به این یورش افسارگسیخته به دستمزدها و معیشت ما مردم، تنها با اعتراضات متحد و سراسری و فرا صنفی و فرارشته‌ای جواب می گیرد. کارد جراحی تعدیل اقتصادی رژیم مدت‌های مدیدی است که به استخوان رسیده است. با اسلحه اتحاد این رژیم را به‌زانو در می‌آوریم.

پزشکیان: تداوم وقاحت و درماندگی

کاظم نیکخواه

پزشکیان در مراسم یادبود هاشمی رفسنجانی خاطره جالبی را تعریف کرد و به مساله به‌هم‌خوردن جلسه سخنرانی هاشمی اشاره کرد او می‌گوید "هاشمی... یک بیست‌دقیقه‌ای صحبت کرد و جلسه را چپی‌ها به هم زدند. از پایین دانشکده ایشان را بدرقه کردیم که بروند. بچه‌ها شروع کردند دعواکردن. دانشکده را بستند بعد اومدند تو دانشگاه دانشگاه را هم بستند. ... به رئیس دانشگاه هم گفتند تو هم برو بیرون. (با خنده او را هم بیرون کردیم!) یک چهل و هشت ساعت بعد طول نکشید که امام پیام

دادند که دانشگاه‌ها بسته شود. کل دانشگاه‌ها بسته شد. انقلاب‌فرهنگی از همانجا شروع شد. دم از دموکراسی می‌زدند. ... خوب تو برای خودت حرف بزن من هم برای خودم اصلاً من سنگ رو عبادت می‌کنم به تو چه؟! چرا جلسه مرا به هم می‌زنی؟ یعنی این چیزی که در حقیقت باعث انقلاب‌فرهنگی شد نوع آن دموکراسی بود که اینها ازش دم می‌زدند. خب تو عقیده خودت را بگو من هم عقیده خودم را می‌گویم.“

اینهمه ”آزادیخواهی“ از جانب رئیس‌جمهور اسلامی جالب نیست؟! طی تصفیه‌هایی که تحت انقلاب کذایی فرهنگی صورت گرفت هزاران دانشجو و استاد اخراج شدند هزاران نفر دستگیر

و بعداً خیلی‌ها اعدام شدند. شمار زیادی هم طی حملات به دانشگاه‌ها به قتل رسیدند. می‌خواستند دانشگاه‌ها را به قبرستان اسلامی تبدیل کنند. اما اکنون سال‌هاست که دانشگاه‌ها بیش‌ازپیش به سنگر آزادی و مدرنیسم و برابری‌طلبی تبدیل شده‌اند.

نکته جالب اینست که اولاً توازن قوا در جامعه به جایی رسیده که رئیس حکومت جنایتکار اسلامی امروز از موضع اپوزیسیون در مقابل چپ حرف می‌زند! می‌گوید بگذارید ما هم حرفمان را بزنیم. هرچه می‌خواهیم عبادت کنیم. تو حرف خودت را بزن من هم حرف خودم را می‌زنم. واقعاً؟! این فشار انقلاب زن زندگی آزادی و رشد

آزادیخواهی است که سر تا پای حکومت را به خفقان کشیده است. ثانیاً او دارد به خودی‌هایشان هم هشدار می‌دهد که اکنون به نفعمان است که بیشتر تحمل کنیم. به ایشان باید گفت شما حرفتان را با خون و شمشیر زده‌اید و اکنون باید حساب پس بدهید. قطعاً در جامعه موردنظر ما مرتجعین هم حق حرف‌زدن خواهند داشت و هیچکس را به‌خاطر عقایدش به صُلابه نمی کشیم. اما جنایتکاران باید اول در دادگاه‌های مردمی پاسخگوی جنایاتشان باشند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۳۴

۱۲ ژانویه ۲۰۲۵ – ۲۳ دی ۱۴۰۳ سردبیر این شماره:سیاوش آذری

در این شماره ژورنال:

زندانیانی که نویدبخش زندگی هستند

سیما بهاری

رزمایش شکست، رزمایش سرکوب

اصغر کریمی

جمهوری اسلامی در سراشیب تند سقوط در منطقه

محسن ابراهیمی

لایحه بی‌خاصیت روی دست بادکرده حجاب!

عطیه نیک‌نفس

بنزین، شوک اقتصادی و وحشت انقلاب!

سینا پدرام

کاهش سن مصرف دخانیات به ۹ سال در ایران

میلاد رسایی‌منش

زندانیانی که نویدبخش زندگی هستند

سیما بهاری

”حدود ۷۰ تن از زندانیان سیاسی مرد و زن از اوین تا لاکان و از قزل‌حصار تا زندان تهران بزرگ در بیانیه‌ای مشترک، مخالفت خود را با صدور حکم اعدام‌ها اعلام کردند و خواستار حمایت مردم ایران برای توقف روند اعدام شدند.“

از ماه‌ها پیش زندان‌های ایران یکی از سنگرهای دفاع از انقلاب انسانی زن زندگی آزادی شده است. اعتراض به اعدام‌ها در ایران از گلوی انسان‌هایی فریاد زده می‌شود که خودشان احکام سنگین دارند و هر لحظه زندگی‌شان در معرض خطر است.

امروز زندان‌ها، همان جایی که کانون قدرت رژیم است، همان جایی که حکومت می‌خواهد قدرتش را به رخ جامعه بکشد، جایگاه انسان‌هایی شده است که دارند دودمان حکومت را بر باد می‌دهند. جمهوری اسلامی حکومت اعدام است. می‌کشد تا بماند. می‌کشد تا به یارانش دلداری دهد که هنوز قدرت دارد. جمهوری اسلامی از همه‌جا مانده است. حتی خودی‌ها هم به فراخوان‌هایش پاسخ نمی‌دهند. زبون و درمانده است. و در این درماندگی در هر گوشه قهرمانانی را در مقابل خود می‌بیند که مصمم ایستاده‌اند تا سرنگونش کنند. در این صف‌آرایی شکوهمند انقلاب، زندانیان سیاسی جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند.

این زندانیان فرزندان طوفان هستند. طوفان انقلاب. طوفانی که بنا دارد زیرورو کند. اینها خطاب به مردم می‌گویند که در برابر اعدام‌ها بایستند. این خواست بسیار حیاتی و مهمی است. دفاع از زندگی است. مردم در رویارویی با حکومت آدم‌کش اسلامی قهرمانی‌های زیادی از خود نشان داده‌اند. و حالا باید تمام‌قد از حق زندگی دفاع کنند. کل جامعه باید هم‌صدا با ۷۰ زندانی سیاسی، علیه اعدام اعتراض سازمان دهد. فعالین عرصه‌های مختلف اجتماعی، بازنشستگان، معلمان، کارگران، پرستاران، و همهٔ رهبران اعتراضات، به حرکت در آوردن جامعه علیه اعدام را باید در دستور خود بگذارند.

و شما زندانیان سیاسی! شما قهرمانان این نبرد هستید. تحت شدیدترین فشارها در زندان، بذر پایداری و امید به فردای بی اعدام را می‌افشانید. شما نویدبخش زندگی هستید. فردا کودکانمان نامتان را مشق خواهند کرد. روی جلد کتاب‌ها و با احترام نامتان حک خواهد شد. روی شیشه‌های بخار گرفته نام زیبایتان به‌عنوان قهرمانان انقلاب زن زندگی آزادی نوشته خواهد شد. شاعران شما را می‌سرایند و به نامتان ترانه خواهند خواند. چرا که امروز جامعهٔ ما تشنهٔ آزادی زندگی‌ست و شما نویدبخش زندگی هستید.

رزمایش شکست، رزمایش سرکوب

اصغر کریمی

علی‌محمد نائینی، سخنگوی سپاه پاسداران در مورد رزمایش سپاه و بسیج در روز جمعه گفته بود: "این رزمایش با هدف آماده‌سازی برای مقابله با هر گونه تهدید احتمالی علیه پایتخت، طراحی شده است".

حسن حسن‌زاده، فرمانده سپاه محمد رسول‌الله تهران بزرگ: "متأسفانه بسیاری از دوستان که افتخار حضور در بسیج و سپاه را داشته‌اند، تا این لحظه یا به علل مختلف عذر خواسته‌اند و یا هنوز پاسخ قاطع نداده‌اند. رویه‌ای که بعد از حوادث

سوریه شاهد افزایش آن هستیم".

وقتی حکومت از به دریا ریختن اسرائیل ناکام ماند و حتی نتوانست پاسخ حملات اسرائیل را بدهد، وقتی حزب‌الله تسلیم شد و اسد و سپاه از سوریه فرار کردند و وقتی برخی فرماندهان سپاه از خیانت روسیه و شکست سخت در سوریه افشاگری کردند، نیاز حکومت به رجزخوانی و نمایش اقتدار! دوچندان شد. اما حکومتی که در زمین واقعی، در لبنان و سوریه و غزه شکست خورده، در عراق هم مشغول عقب‌نشینی فضاحت‌بار است، رجزخوانی‌ها و دل‌داری دادن‌ها و رزمایش‌هایش نیز شکست دیگری برای آن خواهد بود. حمل شهدای مقوایی و توزیع بسته‌های معیشتی، جهیزیه و لوازم‌التحریر

در میان شرکت‌کنندگان و اعلام تعطیلی کشور در ۲۲ استان کشور تصویر واقعی‌تری از اقتدار حکومت به دست می‌دهد.

گفته بودند هدف این رزمایش از جمله "آمادگی همه‌جانبه بسیجیان برای مقابله با هر تهدید و نشان دادن سطح آمادگی، انسجام و مهارت‌های حرفه‌ای بسیجیان در امداد و نجات، دفاع از کوی و برزن و مقابله با عملیات‌های تروریستی" است. عملیات تروریستی به این نوع آمادگی‌ها نیاز ندارد. "مقابله با هر نوع تهدید احتمالی علیه پایتخت" که سخنگوی سپاه گفته بود هدف را به‌خوبی نشان می‌دهد. پایتخت مرکز اصلی انقلابی است که در راه است. هدف این رزمایش مانند همه مانورها و رزمایش‌ها

و همایش‌های دیگر قدرت‌نمایی در مقابل مردم است. اما رژیمی که هم‌زمان با رزمایش قدرت ۲۲ استان را به دلیل کمبود برق تعطیل می‌کند، به افلاس اقتصادی رسیده، در مقابل بی‌حجابی که اصلی‌ترین بنیاد سیاسی و ایدئولوژیک آن است مفتضحانه شکست خورده و صفوفش صدپاره شده، و حتی بسیاری از فرماندهانش حضور در بسیج و سپاه را دیگر "افتخار"ی برای خود نمی‌دانند کمکی به آن نخواهد کرد. ریزش‌های بیشترش را جلو چشم مردم قرار می‌دهد. مردم تنها چیزی که از حکومت می‌بینند شکست و استیصال و ناتوانی در مقابل دشمنان خارجی و داخلی است و نه چیزی بیشتر.

جمهوری اسلامی در سراشیب تند سقوط در منطقه

محسن ابراهیمی

در چند هفته گذشته چند اتفاق جدید حاکی از این است که بعد از سقوط بشار اسد موقعیت جمهوری اسلامی در جغرافیای سیاسی منطقه همچنان در سراشیبی تند سقوط است و حکومت اسلامی هرگز نخواهد توانست از شکست بزرگ در سوریه قد راست کند.

دیروز شنبه ۲۲ دی نخست‌وزیر لبنان در رأس یک هیئت بلندپایه با احمدالشرع که از او به‌عنوان رئیس دولت موقت سوریه یاد می‌شود ملاقات کرد. اعلام کرده‌اند که در این ملاقات امنیت

و کنترل مرزها مهم‌ترین موضوع گفت‌وگو بوده است. روشن است که منظور همان مرزها است که قبل از سقوط بشار اسد در کنترل سپاه قدس و حزب‌الله بود.

صرف این ملاقات ازنقطه‌نظر خالی‌شدن کامل زیر پای جمهوری اسلامی بسیار اهمیت دارد. در هفته‌های گذشته وزرای خارجه آلمان، فرانسه، ایتالیا و حتی نماینده‌ای از آمریکا با احمدالشرع ملاقات کرده‌اند اما به نظرم دیدار نخست‌وزیر لبنان سمبل برجسته شکست سنگین حکومت اسلامی در منطقه است. به این خاطر که امروز به‌جای بشار اسد که "خیمه عمود مقاومت" بود، احمدالشرع که در سقوط او نقش داشت میداندار

است و به‌جای حسن نصرالله که به طور دوفاکتو در لبنان حکومت می کرد، نخست‌وزیر لبنان نقش ایفا می کند. حزب‌الله آن‌چنان تضعیف شده است که همین نخست‌وزیر می‌تواند اطمینان دهد که "از هر اقدامی که به روابط دوجانبه آسیب بزنند" جلوگیری خواهد کرد. ساختار سیاسی لبنان تا همین اواخر به‌خاطر دخالت‌های حزب‌الله در بن‌بست کامل بود و لبنان دو سال تمام بی‌دولت بود و نمی‌توانستند رئیس‌جمهور انتخاب کنند اما همین هفته بالاخره جوزف عون که مورد حمایت آمریکا و فرانسه و عربستان سعودی بود رئیس‌جمهور شد.

این وسط اتفاق دیگری افتاد که خامنه‌ای را

بیشتر ناامید می‌کند. فرزند حسن نصرالله که به دست علی خامنه‌ای معمم و عباپوش شد و جمهوری اسلامی روی او به‌عنوان سرمایه سیاسی در لبنان حساب می‌کرد، آب پاکی بر دست خامنه‌ای ریخت وقتی اعلام کرد که می‌خواهد در حوزه علمیه تحصیل کند و نمی‌خواهد مثل پدرش در عرصه سیاسی و نظامی فعالیت کند!

یک نشانه دیگر از فضای روانی و یاس حاکم بر بازماندگان حزب‌الله. فضایی که از آینده تیره‌وتار خود جمهوری اسلامی خبر می‌دهد.

لایحه بی‌خاصیت روی دست بادکرده حجاب!

عطیه نیک‌نفس

”شکست مجدد تجمع موتوری رادیکال‌ها به رهبری حسین الله کرم که حامیان اجرای قانون پرمناقشه حجاب هستند. این افراد که از روزهای گذشته فراخوان تجمع داده بودند، شعارهای ”کشف حجاب حرام سیاسی بود“، ”کشف حجاب جرم سیاسی بود“، ”مسئول رفته در خواب ایران نشه آندلس“، ”مسئول بی‌تفاوت یا عزل یا استعفا“ سر می‌دادند و پرچم‌های ایران، فلسطین و حزب‌الله را در دست داشتند. تعدادشان از چند ده نفر هم تجاوز نکرد.“

بعد از نزدیک به دو سال دعوا و تو سرهم زدن دولت، مجلس و شورای نگهبان جمهوری اسلامی بالاخره لایحه عفاف و حجاب سراسر ضدزن که بندهایش از خودش هم غیرانسانی‌تر بود، تصویب شد.

جمهوری اسلامی که هر روز در سطح بین‌الملل منزوی‌تر و تنهاتر می‌شود و شرایط سختی را می‌گذراند، در داخل نیز چنان نفسش در مقابل مبارزات خلاقانه، جسورانه و بی‌وقفه زنان به شماره افتاده که حتی فرصت ابلاغ این لایحه سراسر فتنه و آشوب را نمی‌یابد. از طرف دیگر اختلافات و دعواهای داخلی رژیم آن‌قدر بالا گرفته و مبارزات مردم در هر قشری آن‌قدر درخشان، منسجم و

زیاد است که حتی اراذل‌واوباش رژیم هم جرئت ابراز وجود نمی‌کنند و با فراخوان برای لایحه حجاب فقط ۳۰ یا ۴۰ نفر درکل دیده می‌شوند!

بعد از راه‌اندازی کلینیک ترک بی‌حجابی و تصویب این لایحه تمام جامعه علیه این توحش واکنش نشان داد. با ساختن جوک و تحقیر و تمسخر رژیم، با دادن بیانیه‌های متعدد از سوی نهادهای مختلف و زنان با بی‌حجابی عملی، اجرای کنسرت آنلاین، آوازخوانی در سطح شهر و رقصیدن گروهی زنان و مردان در خیابان باز هم جمهوری اسلامی و قوانین اسلامی کاملاً غیرانسانی‌اش را پس زدند و باوجود توحش این رژیم انتخابشان برای زندگی‌شان که کاملاً با

الگوی اسلامی رژیم متفاوت است را اجرا کردند.

جمهوری اسلامی که شکست غیرقابل‌جبرانی در موضوع حجاب از زنان ایران خورده، می‌داند ابلاغ و اجرای این لایحه فقط خشم و نفرت و موج عظیم اعتراضات مختلف علیه خودش را در پی خواهد داشت.

زنان آزادی‌خواه ایران تصمیم خود را سال‌هاست که گرفته‌اند، چه با لایحه حجاب، چه بی لایحه زنان انتخابشان حجاب، سرکوب و اسلام نیست. و همانطور که همیشه گفتند هرگز به عقب برنمی گردند.

بنزین، شوک اقتصادی و وحشت انقلاب!

سینا پدرام

به گزارش خبرگزاری‌های ایران دولت پزشکیان، مجلس و شورای نگهبان در مورد افزایش قیمت بنزین در سال آینده از هم نظری کاملی برخوردار هستند. از سوی دیگر رسانه‌ها و مقامات در بخش‌های مختلف در حال آماده‌سازی افکار عمومی برای این اتفاق هستند.

رئیس کمیسیون تلفیق بودجه، رئیس دولت، رئیس مجلس، استاد دانشگاه و هر "ننه‌قمر" سیاسی و سپاهی حکومت اسلامی، عزم خود را جزم کرده‌اند تا به مردم ثابت کنند که قیمت

بنزین باید "متناسب با قیمت تولید باشد وگرنه "نان دولت" آجر می‌شود، بودجه بی بودجه و خلاصه پول "یوخده".

اثبات اینکه چه مقدار پول اختلاس می‌شود و پول فروش ۲۰ میلیون قاچاق روزانه بنزین را در کدام یک از حساب‌های بانکی سران رژیم و سپاه می‌توان پیدا کرد را به خود رسانه‌های داخل ایران می‌سپاریم. نیازی به افشاگری نیست. عمق فساد مالی رژیم اسلامی چنان آشکار است که هر سال بالاترین مکان را در دنیا به خود اختصاص می‌دهد. اما نکته اساسی در این دست‌به‌عصا بودن تمامی ارگان‌های رژیم است. همه با هم موافق هستند اما از نتایج و عواقب این "آزادسازی قیمت" به

همدیگر هشدار می‌دهند.

شوک اقتصادی در سیستم سرمایه‌داری کاربردهای وسیع اقتصادی و بعضاً سیاسی داشته و دارد و در هیچ مقطع نتایج آن قابل‌پیش‌بینی نیست. ولی کاربرد شوک اقتصادی در دوره‌ای که جامعه دهه‌هاست که به سرنگونی رژیم کمربسته و در اقتصادی که سال‌ها و دهه‌هاست فرسوده شده و ازهم‌پاشیده است، نه‌تنها کاربردی ندارد بلکه به اعتراضات اجتماعی دامن خواهد زد. معنای واقعی "آزادسازی قیمت‌ها" و ترازکردن "ناترازی‌ها" دزدی از سفره مردم است.

از سوی دیگر به‌حکم شرایط اقتصادی مردم

ایران، مکانیسم مبارزه مردم و جامعه در مقابل تورم، گرانی و "آزادسازی" قیمت‌ها در یک کلام اعتراضات جمعی و فردی است. تجربه ۲۰۰ سال گذشته تمامی کشورها شاهد این مدعاست و تاریخ معاصر ایران پر از اعتراضات مردم بر علیه گران‌شدن نان و بنزین و مایحتاج دیگر است.

آنچه حکومت اسلامی را وحشت‌زده می کند این است که کی و کجا و به چه دلیلی بار دیگر مردم به خیابان‌ها خواهند ریخت. این واقعیت به‌قول‌معروف دیروزود دارد اما سوخت‌وسوز ندارد.

کاهش سن مصرف دخانیات به ۹ سال در ایران

میلاد رسایی منش

نتیجه بحران‌های اجتماعی و ناکارآمدی حکومتی کاهش سن شروع مصرف دخانیات در ایران به ۹ سال، زنگ خطری جدی برای جامعه است. این مسئله نه‌تنها سلامت نسل‌های آینده را تهدید می‌کند، بلکه نشان‌دهنده ناکارآمدی سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی حکومت اسلامی در ایران است.

در دهه‌های اخیر، ایران با مشکلات اقتصادی، بیکاری، و محدودیت‌های اجتماعی مواجه بوده است. جوانان و نوجوانان در چنین شرایطی به

دنبال راه‌های فرار از فشارها و استرس‌های روزمره هستند و متأسفانه مصرف دخانیات به‌عنوان یکی از این راه‌ها موردتوجه قرار گرفته است.

حکومت اسلامی با اعمال محدودیت‌های گسترده در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، فضای بسته‌ای را ایجاد کرده که در آن جوانان امکان بیان آزادانه نیازها و خواسته‌های خود را ندارند. این سرکوب‌ها منجر به افزایش نارضایتی و تمایل به رفتارهای پرخطر مانند مصرف سیگار و قلیان شده است.

علاوه بر این، عدم اجرای مؤثر قوانین مرتبط با مبارزه با دخانیات و نبود برنامه‌های آموزشی مناسب در مدارس و رسانه‌ها، به گسترش این معضل دامن

زده است. به گفته محمدرضا مسجدی، مدیر جمعیت مبارزه با دخانیات ایران، نشست ستاد کشوری دخانیات هشت سال است که تشکیل نشده است.

افزایش مصرف دخانیات در میان زنان و کودکان نیز نشان‌دهنده تغییرات نگران‌کننده در ساختارهای اجتماعی است. بر اساس گزارش‌ها، مصرف سیگار در میان زنان از ۲,۴ درصد در سال ۱۳۹۵ به ۴,۲ درصد در سال ۱۴۰۰ افزایش‌یافته است.

درحالی‌که در بسیاری از کشورهای جهان، مصرف دخانیات به دلیل سیاست‌های پیشگیرانه و آموزشی کاهش‌یافته است، در ایران روند معکوسی

مشاهده می‌شود. این امر نشان‌دهنده ناکارآمدی حکومت در ایجاد بسترهای مناسب برای ارتقای سلامت عمومی و آگاهی‌بخشی به جامعه است.

اعتیاد به لحاظ فلسفی می‌تواند جلوه‌ای از خودبیگانگی در جوامع طبقاتی باشد، جایی که افراد به دلیل ساختارهای نابرابر اجتماعی و اقتصادی از خودِ واقعی و انسانی‌شان فاصله می‌گیرند. در این چارچوب، خودبیگانگی به معنای ازدست‌دادن کنترل بر زندگی، تصمیمات، و هویت شخصی در برابر نیروهای بیرونی مانند فقر، فشار اجتماعی، یا استثمار است.

برای مقابله با این بحران، نیاز به تغییرات اساسی

در سیاست‌های حکومتی، افزایش آزادی‌های اجتماعی، بهبود شرایط اقتصادی، و اجرای برنامه‌های آموزشی گسترده در زمینه مضرات دخانیات احساس می‌شود. بدون چنین تغییراتی، آینده نسل‌های جوان ایران در معرض خطرات جدی قرار خواهد گرفت.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۳۵

۱۳ ژانویه ۲۰۲۵ – ۲۴ دی ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

همه برای پخشان عزیزی و محکومین به اعدام

حسن صالحی

جمعه خونین زاهدان جنایتی فراموش نشدنی

شهلا دانشفر

اسپرم هم نجس است!

سینا پدرام

مذاکرات هسته‌ای و آزادی یک گروگان

کیوان جاوید

همه برای پخشان عزیزی و محکومین به اعدام

حسن صالحی

موج حمایت از زندانی سیاسی پخشان عزیزی که اخیراً حکم اعدامش توسط دیوان عالی جمهوری اسلامی تأیید شد بی‌نظیر و غرورانگیز است. بخش‌های وسیعی از جامعه شامل زندانیان در بند، خانواده‌های دادخواه در کردستان و دیگر نقاط ایران، تشکل‌های مستقل همچون سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، کارگران بازنشسته خوزستان، ۶۸ تشکل ایرانی و جهانی مدافع حقوق بشر، انجمن صنفی معلمان کُردستان، ۹۰ گروه بین المللی

موزیک و هنر، پلتفرم سندیکاهای کارگری سوئد – ایران، تشکل‌ها و فعالان زنان و مدنی کردستان، نویسندگان، شعرا، فعالان حقوق زنان، وکلا، فعالان جنبش زن زندگی آزادی، فعالان حقوق کودکان، فعالان کارگری، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، آسیب‌دیدگان چشمی جنبش زن زندگی آزادی، هنرمندان، فعالان محیط زیست و... با محکوم کردن حکم اعدام بخشایش عزیزی و دیگر محکومین به اعدام به حمایت از این زندانی سیاسی برخاستند و خواهان متوقف‌شدن اعدام‌ها در ایران شده‌اند.

همچنین طوماری در حمایت از پخشان عزیزی بطور آنلاینی در حال امضاشدن است که تاکنون چندین هزار نفر آنرا امضا کرده‌اند. در تظاهرات بزرگی

که روز ۱۱ ژانویه ۲۰۲۵ در پاریس برگزار شد از پخشان عزیزی، وریشه مرادی و زینب جلالیان با حمل عکس بزرگی از این سه زندانیان سیاسی حمایت شده است.

این اعتراضی است نه فقط به حکم اعدام پخشان عزیزی بلکه اعتراضی است به رژیمی که با کشتار و اعدام می‌خواهد به حیات منحوس خود ادامه دهد. مردم با اعلام حمایت از پخشان عزیزی خواهان متوقف‌شدن ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی هستند. بسیاری از مردم خوب می‌دانند که این اعدام‌ها با ایجاد فضای رعب و وحشت آنها را هدف قرار داده است تا از اعتراضاتشان جلوگیری کند. اما جمهوری اسلامی تصور نمی‌کرد که با تأیید

حکم زندانیان سیاسی همچون پخشان عزیزی بنزین بر روی آتش مبارزات مردمی ریخته است. این اراده مردمی را نشان می‌دهد که در تیرماه سال ۱۳۹۹

با طوفان توییتری ۱۱ میلیونی در اعتراض به‌حکم اعدام سه نفر از دستگیرشدگان آبان ۹۸ رژیم را مجبور به عقب‌نشینی کردند. این اراده مردمی است که با اعتراضات گسترده خود موجب لغو حکم اعدام توماج صالحی و سپس آزادی وی شدند.

زمان تعرض مردم به این حکومت فاسد، ظالم و جنایتکار فرارسیده است. یکی شویم و بساط اعدام و حکومت اعدامی در ایران را برچینیم.

جمعه خونین زاهدان جنایتی فراموش نشدنی

شهلا دانشفر

علی موحدی راد، رئیس کل دادگستری سیستان و بلوچستان، از مهره‌های جنایتکار رژیم، در ۲۳ دی درباره یورش جنایتکارانه حکومت به مردم زاهدان در ۸ مهر ۱۴۰۱ (جمعه خونین) از پرداخت شدن دیه به خانواده‌های جان‌باختگان و محکومیت مأموران "خاطی" به ده سال حبس خبر داد. او در مورد اینکه چرا برای "مأمورین خاطی" حکم "قصاص" داده نشده گفت: "اتهام مأموران قتل عمد در نظر گرفته شده است، ولی از آنجاکه مشخص نشد چه کسی دقیقاً به این افراد شلیک کرده و از چه اسلحه‌ای شلیک صورت گرفته، بجای قصاص،

دیه و برای مأموران حداکثر مجازات حبس که ۱۰ سال بوده در نظر گرفته شده است.“

موحدی در مورد علل طول‌کشیدن پرونده گفت: ”برخی از این افراد فاقد شناسنامه و تبعه افغانستان بودند و نمی‌توانستند گواهی انحصارواراثت بیاورند و اولیای دم کشته‌شدگان معلوم نبود.“

موحدی راد بعد از دو سال و نیم با بی‌شرمی تمام با تصور اینکه آب‌ها از آسیاب افتاده نیروهای جنایتکار آتش به اختیارشان را که در زاهدان کشتار به راه انداختند، خاطی خوانده و از محکومیت آنها به زندان خبر می‌دهد تا بلکه پرونده جنایتشان را بایگانی کرده و درعین‌حال

نقش مهره‌های اصلی را که همانا سران حکومت و خامنه‌ای هستند کم‌رنگ کند. در توضیحات او رد پای سیاست فاشیستی جمهوری در قبال شهروندان افغانستانی ساکن ایران که در انقلاب زن زندگی آزادی نقش‌آفرین بودند را می‌بینیم. شهروندانی که جان باختند و نام و نشانی هم ندارند.

اظهارات موحدی نشانگر زبونی حکومت در برابر جامعه‌ای است که از هر گوشه‌اش اعتراض می‌جوشد و مردم دادخواه بارها فریاد زده‌اند که خون عزیزانشان فروشی نیست و با فریاد نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم بر محاکمه تک‌تک سران حکومت تأکید دارند و این خواست عمومی مردم است.

در جمعه خونین مردم معترض زاهدان که در اعتراض به تجاوز فرمانده نیروی انتظامی به دختربچه‌ای پانزده‌ساله به خیابان آمده بودند، با یورشی وحشیانه به رگبار بسته شدند. بیش از صد نفر کشته و شمار بسیاری زخمی و دستگیر شدند. دو روز بعد از آن نیز جوان زاهدانی خدانور لجه‌ای از دستگیرشدگان جمعه خونین را کشتند، نمادی از انقلاب که مرگش افسانه شد. جمعه خونین روزی فراموش‌نشدنی در انقلاب زن زندگی آزادی و برگی دیگر از جنایات وحشیانه حکومت است.

اسپرم هم نجس است!

سینا پدرام

احمد مرتاضی، "عضو هیئت‌علمی دانشگاه تبریز" با اشاره به تأسیس بانک اسپرم گفت: "برخی فقها معتقدند به دلیل نجس بودن منی، امکان معامله آن وجود ندارد. "او افزود: "متأسفانه در برخی مراکز ناباروری برای گرفتن نمونه از شیوه‌های غیرمشروع مثل استمناء استفاده می‌شود که مخالف موازین شرعی است".

اولین سؤالی که در ذهن خواننده پیش می‌آید این است که برای گرفتن اسپرم این استاد محترم راه بهتری می‌تواند پیشنهاد کند؟ و اینکه ایشان که "دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تبریز

را یدک می‌کشد معلوم نیست علم لقاح و IVF و غیره چه ربطی به این بزرگوار دارد؟

یک خانم دکتر که سال‌ها در مراکز اورژانس در ایران کار کرده بود، می‌گفت که از آنجایی که به دستور "فقها" اجازه معاینه بیماران مرد را نداشتند، یک شب برای معاینه یک مریض اورژانسی که دچار فتق شده بود، پشت پرده ایستاده بود و از پرستار مرد که آن طرف پرده با مریض بود از سایز و میزان آویزان بودن فتق مریض می‌پرسید تا شاید بتواند کمک‌های لازم را برای این بیمار اورژانسی انجام دهد. از فرط خنده‌دار بودن باید زار گریست!

البته این بزرگوار در مورد "عورت" هم نظر داده و

بیان داشته‌اند که "نگاه زنان به مردان ورزشکار، اعم از نگاه حضوری یا رسانه‌ای، منع شرعی ندارد مگر اینکه نحوه پوشش مردان برای ایشان موجب تلذذ جنسی گردد". بنا به ادعای "استاد" وسط مسابقات ورزشی ممکن است زنان دچار هیجانات جنسی شوند و این حرام است. به نظر می‌رسد مغز استاد فرقی بین استادیوم‌های ورزشی و اتاق‌خواب قایل نیست.

حکومت اسلامی دهه‌ها برای اشاعه خرافه از آدمک‌هایی مانند احمد مرتاضی بهره برده است. به‌جای تخصیص بودجه کافی در امور پزشکی و درمانی، عده‌ای شارلاتان و جن‌گیر را در هیئت‌های علمی دانشگاه‌ها چپانده‌اند تا جهل و خرافه تولید کنند.

مردم از بی دارویی و کمبود پزشک و کادر و امکانات درمانی شکایت دارند و با هزاران مشکل به داروها و خدمات درمانی مورد احتیاج خود دست پیدا می‌کنند و در مقابل عده‌ای مفت‌خور مانند این دلال "اخلاقیات" به مردم می گوید استمنا غیرشرعی است.

با سرنگونی رژیم، هر نوع شارلاتانیسم و بازی با جان مردم در مراکز درمانی و پزشکی با پیگردهای حقوقی و قضایی روبه‌رو خواهد شد.

مذاکرات هسته‌ای و آزادی یک گروگان

کیوان جاوید

مریم کلارن، دختر ناهید تقوی، روز دوشنبه ۲۴ دی خبر داد مادرش پس از ۴ سال از زندان جمهوری اسلامی ایران آزاد شده و به آلمان بازگشته است. خبر آزادی ناهید تقوی زندانی ایرانی -آلمانی از زندان و بازگشتش به آلمان درست پیش از شروع دور جدید مذاکرات هسته‌ای اعلام شد.

آزادی ناهید تقوی چند نکته ساده را برای همه روشن می‌کند. ابتدا از داخل ایران شروع کنیم. جمهوری اسلامی به قدرت مردم ایران و در داخل کشور به قدرت انقلاب سرنگون می‌شود. همه

نشانه‌ها حاکی از این است که قدرت جنبش سرنگونی در ایران از هر زمان دیگر بیشتر است و ضعف حکومت برای ادامه حکومت هرگز تا این درجه نمایان نبوده است.

کار رژیم از ضعف و مشکل در این بخش یا آن بخش گذشته است. مشکل رژیم فقط در خارج از کشور در برابر قدرت‌های خارجی نیست. ضعف جهانی رژیم هم انعکاسی از ناتوانی حکومت در داخل است. در این وضعیت سراسر بحرانی که رژیم اسلامی در آن گرفتار آمده است دول اروپایی در یک جبهه نزدیک‌تر با دولت آمریکا و دیگر دولت‌های غربی فشارها را به رژیم سنگین‌تر کرده تا تن به خواسته‌های این دولت‌ها بدهد.

پایان‌دادن به غنی‌سازی اورانیوم به‌منظور ساختن بمب اتمی، یک خواست است. خواست مهم دیگر پایان‌دادن به استفاده از نیروهای نیابی و عملیات تروریستی و ارسال سلاح به روسیه در جنگ اوکراین است. در این جدال سیاسی با غرب، جمهوری اسلامی از کمترین حمایت دولت‌های نزدیک به خود مثل روسیه و چنین نیز برخوردار است. در واقع جمهوری اسلامی در تنهایی بین‌المللی دست‌وپا می‌زند.

به‌منظور تعرض بیشتر به رژیم چه باید کرد؟ در داخل مبارزات باید سراسری‌تر، متحدتر و فراگیرتر شود. اتحاد سراسری برای سرنگونی رژیم و دست‌به‌دست دادن همه جنبش‌های

اعتراضی آزادیخواه و برابری‌طلب کلید این تعرض همه‌جانبه به حکومت است. فعالین و مخالفین ایرانی در خارج کشور خواست بستن سفارت‌های رژیم را با جدید تمام دنبال کنند و هم‌زمان فشار بیشتری وارد بیاورند تا دولت‌های غربی، همراه با همه دولت‌های دیگر در برابر جنایات رژیم در ایران عکس‌العمل‌های قوی‌تر و کارسازتری نشان بدهند. در برابر گروگان‌گیرهای اسلامی نباید هیچ‌گونه معامله در کار باشد. فشار همه‌جانبه کلید عقب راندن حکومت است. بایکوت جهانی جمهوری اسلامی تسمه‌نقاله‌ای است تا این رژیم آسان‌تر سرنگون شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۳۶

۱۴ ژانویه ۲۰۲۵ – ۲۵ دی ۱۴۰۳ سردبیر این شماره:سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

۹۰ گروه موزیک بین‌المللی علیه اعدام‌ها در ایران

کاظم نیکخواه

حکومت الله و تبعیض علیه افراد دارای معلولیت

سیاوش آذری

کارگر معترض را نمی‌توانید با قوانین بی‌شرمانه ساکت کنید

نسان نودینیان

عاقبت مماشات با حکومت اسلامی

سیامک بهاری

۹۰ گروه موزیک بین‌المللی
علیه اعدام‌ها در ایران

کاظم نیکخواه

یک خبر مسرت‌بخش در هفته جاری موضع گیری ۹۰ گروه موزیک و هنر علیه اعدام پخشان عزیزی و دیگر احکام اعدام در ایران بود. به فراخوان فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی (free them now) ۹۰ گروه بین‌المللی موزیک و هنر از کشورهایی چون انگلیس، کانادا و آمریکا صد ور احکام اعدام برای پخشان عزیری، وریشه مرادی، مجاهد کورکور، عباس دریس و دیگر احکام صادر شده اعدام در ایران را محکوم کرده و نسبت به فرستادن حکم اعدام پخشان عزیزی

به دایره اجرای احکام ابراز نگرانی کرده‌اند. در این فراخوان اعلام شده است که "اعدام قتل عمد دولتی است و تأیید حکم اعدام پخشان عزیزی بسیار انزجارآور و نگران‌کننده است و باید فوراً حکم اعدام او و همه زندانیان در ایران لغو شود".

این گروه‌ها همبستگی خود را با کارزار جهانی نه به اعدام اعلام نموده‌اند.

این گروه‌ها قبلاً در پاسخ به کمپین "موزیک برای ایران" (music4iran) حمایت خود را از انقلاب زن زندگی آزادی و کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران اعلام کرده بودند.

موضع‌گیری ۹۰ گروه بین‌المللی موزیک و هنر علیه اعدام‌ها، و تظاهرات بزرگ هزاران نفره اخیر

در خیابان‌های پاریس با فریاد زن زندگی آزادی و در دفاع از پخشان عزیزی و وریشه مرادی، بسیار امیدبخش است و ابعاد جهانی کارزار علیه اعدام و علیه جمهوری اسلامی را به نمایش می‌گذارد. کارزاری انسانی که به حرکت اعتراضی همه بخش‌های معترض جامعه در درون زندان‌ها تا کف خیابان‌ها و فضای رسانه‌های اجتماعی تبدیل شده است.

حکومت اسلامی با توسل به اعدام و جنایت تصور می‌کند می‌تواند جامعه را مرعوب کند و از انقلاب‌کردن بازدارد. اما آنچه شاهدیم روند کاملاً متضاد با اهداف کثیف حکومت است و نشان می‌دهد که مردم نه فقط از انقلاب‌کردن

عقب نمی‌نشینند بلکه جنبش علیه اعدام نیز به یک عرصه فعال و گسترش‌یابنده جنبش سرنگونی و انقلاب علیه حکومت جنایت‌کاران تبدیل شده است. دور نخواهد بود روزی که مردم در ایران با حمایت و همبستگی نهادها و تشکل‌ها و گروه‌های انسان‌دوست و پیشرو در سطح جهان، کل بساط جمهوری اسلامی و چوبه‌های دارش را در هم بکوبند و جامعه‌ای انسانی و شاد و مرفه و بدون اعدام و جنایت و چپاول را رقم بزنند.

حکومت الله و تبعیض علیه افراد دارای معلولیت

سیاوش آذری

شورای نگهبان جمهوری اسلامی با افزایش کمک‌هزینه معیشتی معادل ۷۵ درصد حداقل حقوق گروه‌های با معلولیت شدید مخالفت کرد. قرار بود این کمک‌هزینه ۸ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان باشد اما مخالفت شورای نگهبان موجب شد تغییری در وضعیت افراد دارای معلولیت ایجاد نشود. بنا بر نامه اخیر کنشگران حقوق افراد دارای معلولیت "جمهوری اسلامی ایران ضمن بی‌اعتنایی به مفاد کنوانسیون جهانی ۲۰۰۶ و ملاحظات ارسال شده کنوانسیون به ایران، حتی قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۶ در داخل کشور را

نیز اجرا نکرده است.“

مناسبات اجتماعی سرمایه‌دارانه بر مبنای نابرابری‌های اجتماعی استوار است؛ هدف سیستم سرمایه‌داری نه شادی و رفاه انسان‌ها بلکه افزایش سود و بازدهی سرمایه است و به شکلی مداوم این نابرابری‌ها را بازتولید می‌نماید. بااین‌حال، به یمن مبارزات بی‌وقفه جنبش‌های اجتماعی، عقب‌نشینی‌های مهمی در راستای بهبود شرایط زندگی شهروندان به سرمایه و دولت‌های متعارف آن تحمیل گشته است.

در مناسبات سرمایه‌دارانه دزدسالار اسلامی، به‌عنوان یکی از اشکال ظهور مناسبات سرمایه‌دارانه در دوران بحران و اوضاع فوق‌العاده این نابرابری‌ها

تشدید شده و به شکل تبعیض حاد بر علیه اقشار مختلف، از جمله زنان، کارگران، اقلیت‌های قومی و مذهبی، مهاجران، پناهجویان و افراد دارای معلولیت ظاهر می‌گردد.

بااین‌حال مبارزه برای احقاق حقوق اقشار تحت ستم و تبعیض از جمله افراد دارای معلولیت باید در اولویت جنبش‌های اجتماعی و احزاب و گروه‌های سیاسی پیشرو قرار بگیرد. می‌توان و باید، چنان‌که به یمن انقلاب زنانه بی‌حجابی به رژیم اسلامی تحمیل شد، حکومت خدا را به عقب‌نشینی واداشت. هر درجه پیشروی در راستای احقاق حقوق معلولان، پیشروی به‌سوی برقراری جامعه‌ای آزاد، برابر، مرفه و معطوف به تضمین شادی و خوشبختی شهروندان است. درجه رفاه و

آسایش شهروندان دارای معلولیت معیاری اساسی در تعیین و تضمین رفاه و آسایش جامعه است.

مطالبه ایجاد تسهیلات و شرایط لازم برای شرکت فعال معلولان در کلیه شئون زندگی اجتماعی و بهره‌مند گشتن آنان از خدمات و مواهب اجتماعی و پرداخت بیمه اجتماعی مکفی برای افرادی که به علل جسمی و یا روانی قادر به کار نیستند باید در صدر مطالبات جنبش دفاع از حقوق افراد دارای معلولیت و دیگر جنبش‌های پیشرو قرار بگیرد. همبستگی و همراهی جنبش‌های اجتماعی مدافع حقوق انسان‌ها از جمله جنبش دفاع از حقوق افراد دارای معلولیت قدمی اساسی در راستای ایجاد یک‌دنیای بهتر است.

کارگر معترض را نمی‌توانید
با قوانین بی‌شرمانه ساکت کنید

نسان نود ینیان

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ایران اخیراً نامه‌ای به مدیران کل استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل و خراسان جنوبی ارسال کرده است. بر اساس این نامه، ادارات کار موظف شده‌اند سوابق شکایات کارگران از کارفرمایان قبلی را در اختیار کارفرمایان متقاضی نیروی کار قرار دهند. ادعا کرده‌اند؛ این اقدام با هدف اطلاع‌رسانی به کارفرمایان درباره سوابق کاری کارگران و تسهیل تعاملات کاری صورت می گیرد.

”اطلاع‌رسانی سوابق کار“ دلائل و اهداف مختلفی دارد. افشای سوابق شکایات کارگران امنیت شغلی آن‌ها را به خطر می‌اندازد و مانع استخدام مجدد کارگرانی می‌شود که در گذشته برای احقاق حقوق خود اقدام به شکایت کرده‌اند. تهدیدی برای کارگرانی است که پس از خاتمه کار، حقوق قانونی‌شان را از طریق ادارات کار پیگیری می‌کنند. کارگر در محل کار به شرایط ایمنی، بیمه درمانی، حقوق و قراردادهای استخدامی، ساعات کار و ده‌ها مشکل برای زنده‌ماندن اعتراض دارد. کارگر در ایران سکوت نکرده و به شیوه‌های مختلف علیه شرایط کار، دولت و کارفرما به طور دسته‌جمعی و فردی شکایت و اعتراض می‌کند. کارفرما و حکومت

با این سیاست مانع استخدام کارگر معترض می‌شوند. این به معنای آن است که هر کارگری که برای احقاق حقوق اولیه خود علیه کارفرما شکایت کند، هر کارگری که حقوقش ضایع شده باشد، دستمزدهایش به‌موقع پرداخت نشده یا اصلاً پرداخت نشده باشد، اگر استانداردهای ایمنی محیط کار رعایت نشده باشد، اگر تبعیض و ظلم و نقض همین قوانین موجود که خودشان تصویب کرده‌اند صورت گرفته باشد، آن کارگر باید بداند که این شکایت در سابقه او ثبت شده و در دسترس همه کارفرمایان قرار خواهد گرفت.

با اجرایی‌شدن این سیاست ضد کارگری، کارگران در محل کار تحت‌فشار روانی قرار می‌گیرند و

امنیت شغلی‌شان تضعیف یا متزلزل می‌شود. می‌خواهند با ایجاد ترس از پرونده‌سازی و سوابق قضایی کارگران را از پیگیری حقوق قانونی خود و طرح شکایت علیه کارفرمایان و شرایط ناایمن محیط کار، نپرداختن حقوق و دستمزدها و به‌طورکلی از مبارزه علیه کارفرما منصرف کنند.

در برابر این سیاست ضد کارگری، که حمله آشکار به حقوق اولیه کارگران است، باید ایستاد و حکومت را وادار به پس‌گرفتن آن کرد.

عاقبت مماشات با حکومت اسلامی

سیامک بهاری

نخست‌وزیر سوئد: "جمهوری اسلامی ایران برای اقدامات نیابتی خود از باندهای جنایت‌کار استفاده می‌کند".

برای چندمین بار طی مدتی کوتاه، مقامات دولت سوئد، از جمله نخست‌وزیر، درباره فعالیت‌های مکرر تروریستی جمهوری اسلامی، اظهارنظر رسمی کرده‌اند. بارها گفته‌اند حکومت اسلامی ایران با استخدام باندهای جنایت کار برای اقدامات تروریستی سنگین از قبیل آدمکشی، آدم‌ربایی، تهدید، نقشه قتل، حمله به مراکز یهودیان

و نفرت‌پراکنی علیه آنان، حملات مسلحانه، خرابکاری، انفجار اماکن، عملیات سایبری از جمله فعالیت سایبری گروه هکری «اَنزو تیم» وابسته به سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، نفوذ و خبرچینی و... توسط مأموران سپاه قدس تحت عنوان دیپلمات، دانشجو، پناهجو، بازرگان و غیره بکار گرفته شده‌اند. سابقه ممتد فعالیت‌های گسترده تروریستی حکومت اسلامی ایران علیه مخالفین و نیروهای اپوزیسیون و هدف قراردادن کشورهای دیگر در سوئد، موضوع جدیدی نیست.

شدت عملیات جمهوری اسلامی چنان است که نخست‌وزیر سوئد می‌گوید: "در دوران جنگ‌های نیابتی هستیم؛ ایران از باندهای جنایت‌کار

سوئدی، با امکانات خشونت‌آمیز استفاده می‌کند تا با نیابت، جرائم سنگینی در کشور ما انجام دهد.“

پرسش اینجاست؛ این اعتراض و اطلاع‌رسانی به چه دردی می‌خورد وقتی دولت سوئد قرار نیست دست به اقدامی بزند و به شرارت‌های مکرر جمهوری اسلامی خاتمه دهد؟!

چند ماه پس از مبادله شرم‌آور حمید نوری جنایت‌کار همین نخست‌وزیر از اتحادیه اروپا خواست سپاه پاسداران را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار بدهد. درحالی‌که کماکان سفارتخانه جمهوری اسلامی و روابط دیپلماتیک سرّی جای خودش باقی بود و هست! دولت

سوئد هیچگاه حاضر نشده است که حقایق فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی را فاش کند و مخالفین آنرا از توطئه‌های تروریستی که علیه آنان صورت گرفته مطلع کند.

نخست‌وزیر در واکنش به ده‌ها سال فعالیت مکرر جاسوسی و تروریستی جمهوری اسلامی در خاک سوئد می گوید: "ما ساده‌لوح نیستیم... " البته که ساده‌لوح نیستید، معامله گر و سازش کارید!

نخست‌وزیر سوئد می‌داند جمهوری اسلامی در خفت‌بارترین موقعیت خود است و تروریسم همچنان بخش جدایی‌ناپذیر آن است! می‌داند

سفارتخانه جمهوری اسلامی در سوئد، یکی از مهم‌ترین مراکز جاسوسی و تروریستی در اروپاست و کشور سوئد را به بهشت تروریسم اسلامی بدل کرده است!

اولین قدم در پایان‌دادن به مماشات با حکومت اسلامی بستن سفارتخانه آن به‌عنوان مرکز توطئه و برنامه‌ریزی برای جنایت و ناامن‌کردن جامعه سوئد است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۹۳۴

۱۵ ژانویه ۲۰۲۵ – ۲۶ دی ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

اقدام درخشان فعالین سنندج علیه اعدام

اصغر کریمی

نشست ریاض در باره آینده سوریه بدون جمهوری اسلامی

محسن ابراهیمی

با تمام قدرت قتل عمد دولتی را متوقف کنیم

عبدل گلپریان

جاسوس در سطوح بالای رژیم، اتهام جاسوسی به شهروندان عادی

خلیل کیوان

اقدام درخشان فعالین سنندج علیه اعدام

اصغر کریمی

امروز چهارشنبه ۲۶ دی‌ماه تجمع بزرگی در مقابل استانداری کردستان در سنندج علیه مجازات شنیع اعدام و حکم ناعادلانه اعدام پخشان عزیزی برگزار شد. حاضرین در این تجمع که حدود ۱۵۰ نفر از خانواده‌های دادخواه، فعالین حقوق زن، فعالین کارگری و معلمان بودند پلاکاردهای متعددی با شعار نه به اعدام آری به زندگی و علیه حکم اعدام پخشان عزیزی در دست داشتند. بیانیه‌ای نیز علیه حکم غیرعادلانه اعدام پخشان عزیزی و لغو احکام تمامی زندانیان عقیدتی توسط یکی از حاضرین قرائت شد. این تجمع پس از یک ساعت

با شعار نه به اعدام زنده‌باد زندگی توسط حاضرین به پایان رسید.

تجمع در مقابل استانداری در مرکز شهر یک اقدام اعتراضی بسیار درخشان علیه مجازات اعدام و احکام اعدام است و این ظرفیت را دارد که در شهرهای دیگر کردستان و شهرهای سراسر کشور تکثیر شود. حضور فعالین از طیف‌های مختلف دادخواه و مدافعان حقوق زن، فعالین کارگری و معلمان در این حرکت اعتراضی نیز بسیار حائز اهمیت است. این حرکت ظرفیت بالایی از سازماندهی را نشان داد، حرکتی که می‌تواند سرآغاز حرکت‌های بزرگ‌تر توسط مردم سنندج و سایر شهرها باشد.

در سال‌های گذشته مردم کردستان بارها علیه اعدام عزیزان خود دست به اعتصاب عمومی در سراسر این استان زده‌اند و حرکت امروز مردم سنندج برگ درخشان دیگری در مبارزه آنها علیه اعدام و حکومت اعدام بود.

نشست ریاض در باره آینده سوریه
بدون جمهوری اسلامی

محسن ابراهیمی

روز یکشنبه ۲۳ دی نشست ریاض با حضور وزرای امور خارجه و دیپلمات‌های ارشد دولت‌ها در کشورهای اروپا و امریکا و منطقه خاورمیانه در باره آینده سوریه پس از سقوط بشار اسد بدون هیچ مقامی از جمهوری اسلامی برگزار شد. در بیانیه پایانی این نشست بر حمایت از دولت کنونی سوریه و اینکه جایی برای "تروریسم" در آینده این کشور وجود نخواهد داشت تأکید شده است.

در این یادداشت کوتاه جا دارد به این سؤال

بپردازیم که این نشست با ترکیب بالا بدون حضور جمهوری اسلامی، درباره موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه و جهان و در داخل ایران چه معنایی دارد.

با سقوط بشار اسد "عمود محور مقاومت" نظام اسلامی و عمق راهبری جمهوری اسلامی در "میدان" دود شد و هوا رفت، با نشست بین‌المللی ریاض، شکست در میدان با شکست دیپلماتیک تکمیل شد.

شکست نظامی و دیپلماتیک در منطقه، بحث ادغام حشدالشعبی در ارتش عراق که انحلال محترمانه و دوفاکتوی آن است، انتخاب رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر مورد مخالفت حزب‌الله در لبنان،

احتمال آتش‌بس میان دولت اسرائیل و حماس در غزه، همه حاکی از یک حقیقت سیاسی است که دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی متعلق به جناح اصلاح‌طلب جمهوری اسلامی به این صورت فرموله کرد: "چند تا برگ مهم را که قدرت ما تلقی می‌شد الان در دست نداریم: ما الان لبنان را نداریم، سوریه را نداریم، عراق را مطمئناً دیگر نداریم، حوثی‌ها هم که فوق‌العاده زیر فشار سنگینی قرار دارند و فکر نمی‌کنم دیگر میتونیم روی آنها حساب کنیم."

در بالای حکومت بی افقی راهبردی، آشفتگی در تصمیمات تاکتیکی، یاس حاکی از شکست بزرگ حاکم است. وضع آن‌چنان خراب است که

سرداران سپاه حاضردرصحنه سرکوب خیزش مردم سوریه علیه بشار اسد، به صرافت افشاگری علیه بشار اسد افتاده‌اند که فساد بیداد می‌کرد و ما گفتیم اصلاحات انجام دهد و نکرد که مصداق مثل معروف "چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است" می‌باشد!

وضع حکومت در داخل آن‌چنان آشفته است که "مقام معظم" علیه مذاکره رجز می‌خواند و هم‌زمان، رئیس‌جمهور منصوبش برای مذاکره "شرافتمندانه" با قاتل سلیمانی گدایی می‌کند! بحران حکومتی در داخل و انزوای بی‌سابقه در منطقه و جهان بی‌تردید عزم مردمی که همین دو سال پیش برای سرنگونی انقلاب کردند را صدچندان خواهد کرد.

با تمام قدرت قتل عمد دولتی را متوقف کنیم

عبدل گلپریان

خبرگزاری تسنیم، وابسته به سپاه پاسداران با انتشار مطلبی که دوشنبه ۲۴ دی‌ماه منتشر شده، در مورد بازداشت پخشان عزیزی، مددکار اجتماعی و زندانی سیاسی محکوم‌به‌اعدام نوشته است: "پخشان عزیزی تیرماه ۱۴۰۲ باتوجه‌به آشنایی با حوزه دانشگاه‌های تهران، با هدف هدایت و برهم‌ریختن دانشگاه‌ها وارد تهران و البرز شده و برای برنامه‌ریزی «آشوب در دانشگاه‌ها و ملتهب کردن فضای کشور» در سالگرد خیزش «زن، زندگی، آزادی» او را متهم کرده و نوشته است پخشان در تیرماه ۱۴۰۲ ، با خانواده حدیث

نجفی از جان‌باختگان خیزش دیدار کرد و پس از آن به دست نیروهای امنیتی بازداشت شد.

در واکنش به تأیید حکم اعدام پخشان عزیزی و همین‌طور احکام اعدام وریشه مرادی و شریفه محمدی و دیگر زندانیان سیاسی محکوم‌به‌اعدام موج وسیعی از اعتراضات در داخل و خارج از ایران به راه افتاده است. از خانواده‌های دادخواه و فعالین اجتماعی در کردستان گرفته تا زندانیان سیاسی محبوس در زندان‌ها، چهره‌های شناخته شده و نهادهای مدافع حق حیات در کمپین‌ها و کارزارهایشان و با امضای بیانیه در مقابل این توحش اسلامی قد علم کرده‌اند.

رسانه‌های معلوم‌الحال حکومت چاره‌ای جز دست‌وپازدن بیهوده و نخ‌نما ندارند. پخشان عزیزی امدادگری بوده که در مقابل داعش اسلامی کمک‌رسان مردم بوده است. "آشوبگر و برهم‌زننده فضای کشور" عناوینی است که دستگاه‌های سرکوب علیه هر معترضی سرهم‌بندی می کنند. تسنیم تلاش کرده است حمایت خود از جانوران داعش را پرده‌پوشی کند. صدور حکم اعدام برای پخشان عزیزی چیزی جز ارادت کاربستان حکومت به داعش نیست.

طناب دار و زندان و شکنجه ابزارهای حکومت ورشکسته و به‌هم‌ریخته اسلامی برای بقا است. ما مردم معترض، انقلابی و سرنگونی‌طلب می‌توانیم

این ابزار قرون‌وسطایی را از دستان خون‌آلودش بگیریم و با تمام قدرت این قتل عمد دولتی را متوقف کنیم. با برگزاری تجمعات، با امضای بیانیه‌های اعتراضی، با تحصن و اعتصاب عمومی می‌توانیم جلو این هیولای زخمی و درمانده را که روزهای پایانی خود را سپری می‌کند بگیریم.

جاسوس در سطوح بالای رژیم،
اتهام جاسوسی به شهروندان عادی

خلیل کیوان

گروندو جهانگرد ۳۴ساله و شهروند فرانسوی و علاقه‌مند به شعر از ۲۰ مهر سال ۱۴۰۱ در شیراز بازداشت و به اتهام "جاسوسی و تبانی علیه جمهوری اسلامی" به پنج سال زندان محکوم شده است. او در پیامی که از رادیو فرانسه پخش شد، گفت: "دادگاهی که من را محکوم کرد هیچ مدرکی علیه من نداشت. من بی‌گناهم. همه این‌جا می‌دانند که من بی‌گناه هستم." معلم فرانسوی سسیل کوهر و شریک زندگی‌اش ژاک پاریس هم حدود ۹۸۰ روز است توسط وزارت

اطلاعات در بند اوین زندانی هستند.

با حمله دانشجویان موسوم به "خط امام" به سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۵۸ و گروگان‌گیری کارکنان آن، گروگان‌گیری کلید زده شد. ازآن‌پس دامنه گروگان‌گیری به شهروندان کشورهای متخاصم گسترش یافت. در غالب موارد قربانیان از عادی‌ترین شهروندان کشورهای غربی و ایرانیان دو تابعیتی بوده‌اند.

گروگان‌گیری با اتهام پوچ و نخ‌نمای جاسوسی با هدف اعمال فشار برای معامله و باج‌گیری است. برای نمونه نازنین زاغری بعد از تحمل ۵ سال حبس و تسویه بدهی ۴۰۰ میلیون‌پوندی

انگلیس آزاد شد. حمید نوری که به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاهی در استکهلم محاکمه و به حبس ابد محکوم شده بود در ازای آزادی دو زندانی سوئدی بنام‌های یوهان فلودورس و سعید عزیزی معاوضه شد. اسدالله اسدی دیپلمات جمهوری اسلامی که به اتهام بمب گذاری به ۲۰ سال زندان محکوم شده بود با امدادگر بلژیکی اولیویه وندکاستیل تبادل شد. در آخرین نمونه چیچیلیا سالا خبرنگار ایتالیایی با محمد عابدینی که به اتهام ارسال قطعات و فن آوری مرتبط با پهپادها برای جمهوری اسلامی در ایتالیا بازداشت شده بود، تبادل شد. شهروند دو تابعیتی ایرانی سوئدی احمدرضا جلالی بیش از ۸ سال است در ایران زندانی است. لیست طولانی است.

سران و کارگزاران جمهوری اسلامی بارها اعتراف کرده‌اند که اسرائیل در بالاترین سطوح نیروهای اطلاعاتی و نظامی و امنیتی نفوذ کرده است. ترور دانشمندان هسته‌ای، خرابکاری در مراکز اتمی، ترور فخری‌زاده، سرقت اسناد هسته‌ای و ترور اسماعیل هنیه از جمله مصادیق نفوذ جاسوسان اسرائیلی در تاروپود جمهوری اسلامی است. سیاست ضدانسانی گروگان‌گیری شهروندان دیگر کشورها و دو تابعیتی‌ها با اتهام جاسوسی عکس‌العملی به شکست‌های امنیتی و ابزاری برای معامله و معاوضه زندانیان خودی در کشورهای دیگر است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۹۳۸

۱۶ ژانویه ۲۰۲۵ – ۲۷ دی ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

پزشکیان، حکومت اسلامی و ترامپ

کاظم نیکخواه

هزاران کودک گم شده در سوریه

آذر پویا

رژیم اسلامی و اخلاق پزشکی

رضا درویش

۲۵۰ میلیون دندان پوسیده در ایران

سینا پدرام

درسی از جنگ طبقاتی در فرانسه

کیوان جاوید

پزشکیان، حکومت اسلامی و ترامپ

کاظم نیکخواه

جمهوری اسلامی سال سختی را پشت سر گذاشته است. ضربه پشت ضربه، سرشکستگی پشت سرشکستگی. خفت پشت خفت. اسماعیل هنیه، حسن نصرالله، سنوار و شمار نامعلومی از سرداران سپاه در لبنان و سوریه و تهران سر به نیست شدند. بدترین ضربه اما سرنگونی ناگهانی و سریع السیر بشار اسد بود که واقعاً گیج کننده بود. معلوم شد که به قول سردار اثباتی از فرماندهان سپاه در سوریه، روسیه هم با اسرائیل علیه جمهوری اسلامی توطئه می‌کرده است.

روز ۲۰ ژانویه ترامپ، کسی که قاسم سلیمانی، ستون حکومت را سربه‌نیست کرد، کسی که دشمن خونی حکومت اسلامی تلقی می‌شود و حکومت هم بارها تروریست‌های بین‌المللی را برای کشتنش اجیر کرده بود و ناکام ماند، در آمریکا به قدرت می‌رسد. اینکه چه اتفاقاتی در پیش خواهد بود روشن نیست. چون یک ویژگی ترامپ اینست که اصلاً قابل‌پیش‌بینی نیست. اما وحشت سرتاپای جمهوری اسلامی را فراگرفته است.

پزشکیان که روی کار آمدنش حاصل همین وضعیت فلاکت‌بار و بن‌بست حکومت بوده، این روزها به هر دری می‌زند که در رابطه با ترامپ

اوضاع را ماله‌کشی و راست و ریست کند. او در مصاحبه با شبکه ان‌بی‌سی نیوز آمریکا ادعا کرد که حکومت اسلامی آماده مذاکره با ترامپ است و "هرگز" برای ترور دونالد ترامپ، نقشه نکشیده است! او حتی گفت که "جمهوری اسلامی هرگز به ترور کسی اقدام نکرده و قصد آن را نیز ندارد" اما زیر فشار نگاه مصاحبه‌کننده فوراً اضافه کرد "دست‌کم تا جایی که من می‌دانم"! یعنی رئیس‌جمهور اسلامی از کارنامه خونین حکومت متبوعش که همه‌کس خبر دارد، هیچ‌چیز نمی‌داند!

بقیه سران حکومت هم دچار هذیان‌گویی و سرگیجه‌اند. جمهوری اسلامی واقعاً در بن‌بست

گیر کرده است. مشکل فقط ترامپ نیست. ترامپ با هر لجنی کنار می‌آید. می‌توان با امتیازات و عقب‌نشینی‌هایی او را آرام کرد. مشکل جدی حکومت اسلامی اینست که در داخل کشور اقتصاد در حال فروپاشی است، صفوف حکومت به‌هم‌ریخته، جامعه در التهاب است، بخش‌های مختلف مردم بطور جدی عزم کرده‌اند خود را از شر حکومت خلاص کنند، و این فضا خودبه‌خود هر گونه معاملات احتمالی با ترامپ و یا دولت‌های اروپایی را نقش‌بر آب خواهد کرد و این دولت‌ها را به موضعی سخت گیرانه و حتی تقابل با حکومت خواهد راند.

هزاران کودک گم شده در سوریه

آذر پویا

طبق آمار منتشره ازشروع جنگ سوریه در سال ۲۰۱۱ تا کنون بین ۲ تا ۵ هزار کودک ناپدید شده اند و از سرنوشت انها اطلاعی در دست نیست! آماری بغایت تکاندهنده.

بیش از یکماه از سقوط بشار اسد میگذرد. بشار اسد رفت و عده ای دیگر زمام امور را بدست گرفته و ظاهرا همه چیز آرام شده است. اسد رفت ولی در کشوری ویران، صدها هزار مردم بی خانمان و آسیب دیده بجا مانده اند. مردمی که نه تنها تمام هستیشان را در اثر جنگی خانمانسوز از دست داده

اند بلکه بعضا در بی خبری از فرزندان دلبندشان با سوالی بزرگ و دردناک روزگار میگذرانند، "آیا دوباره عزیزانشان را خواهند دید"!؟ عزیزانی که یا در زیر آوار خانه هایشان جان سپرده اند و یا برای نجات جانشان به ناکجا آبادی پناه برده اند و کودکانی که با بهت و ناباوری شاهد کشته شدن والدینشان بودند. حالا بعد از رفتن بشار اسد، بازماندگان به امید یافتن اعضای گمشده خانواده هاشان بهر دری میزنند.

جنگ تنها در زمان وقوعش ویرانی ببار نمیاورد. فجایع بعد از پایان جنگ مسائلی هستند که بعضا برچند نسل آینده اثرات روحی – روانی آنها قابل مشاهده است. ما شاهد تاثیرات مخرب جنگ هشت

ساله جمهوری اسلامی با دولت عراق برقربانیان آن هستیم، شاهد هستیم که بعد از گذشت چند دهه از پایان این جنگ هنوز کسانی چشم براه بازگشت گمشدگانشان هستند.

مسببین و بانیان این جنگ از جمله جمهوری اسلامی که با همدستی بشار اسد و برای حفظ قدرت خود از طریق نیروهای نیابتیش بر سر مردم بی گناه شهرهای سوریه بمب و موشک ریختند و باعث بی خانمانی و آوارگی هزاران نفر شدند، مسئولیت مستقیم در وضعیت این کودکان گمشده دارند. وضعیت کودکان گمشده در سوریه، سند دیگری در پرونده جنایات حکومت اسلامی و بشار اسد است.

مردم سوریه برای پیدا کردن اعضای گمشده خانواده هایشان از جمله فرزندان دلبندشان باید حکام تازه به قدرت رسیده را تحت فشار قرار دهند. باید با یک تلاش جهانی از جمله با دخالت فعال همه نهادهای طرفدار حقوق کودکان کمک کرد هزاران کودک چشم براه به آغوش خانوادهاشان برگردند. باید حکام جدید سوریه را مجبور کرد پیدا کردن این کودکان و رها شدن از این وضعیت اسفناک و غم انگیز یکی از اولویتهاشان باشد ودست این کودکان را در دستان والدینشان بگذارند.

رژیم اسلامی و اخلاق پزشکی

رضا درویش

اظهارنظر وزیر بهداشت جمهوری اسلامی در ۲۵ دی‌ماه ۱۴۰۳ توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرده است. او می‌گوید: "ایران در اخلاق پزشکی در خاورمیانه اول است". در این یادداشت می‌خواهیم نگاهی داشته باشیم به کارنامه رژیم در همین رابطه.

متأسفانه از همان ابتدای روی کار آمدن رژیم ما با حقایقی دردناک و البته بغایت مغایر با لفاظی و گزافه گویی وزیر بهداشت مواجه هستیم. از جمله، فهرست شامل بیش از صد معترض از پزشکان،

دانشجویان پزشکی، دندانپزشکان و داروسازان که توسط رژیم اعدام و یا به روش‌های مختلف به قتل رسیده‌اند. در اینگونه قتل‌های سازمانیافته در سال‌های اخیر جا دارد از آیدا رستمی یاد کنیم. پزشک متعهدی که در جریان انقلاب زن زندگی آزادی مجروحان را درمان می کرده است. علت مرگش را ابتدا "تصادف رانندگی" و سپس به دلیل آثار شکنجه به "پرت‌شدن از پل‌عابر پیاده" تغییر دادند.

سازمان عفو بین‌الملل نیز در گزارش ۲۳ فروردین ۱۴۰۱ بر اساس اسناد و شواهد گردآوری شده اعلام کرد ۹۶ زندانی بر اثر "ممانعت عمدی" از دسترسی به مراقبت‌های پزشکی جانشان را

ازدست‌داده‌اند. از جمله مواردی که در گزارش عفو بین‌الملل آمده "محرومیت از آزمایش‌های تشخیصی، معاینات منظم و مراقبت‌های پس از عمل" بوده که "موجب وخامت عوارض بیماری‌های از پیش موجود زندانیان و تحمیل درد و رنج بیشتر به آنها شده و در نهایت به مرگ نابهنگام منتهی شده است."

از دیگر موارد طنز تلخ و بزعم وزیر بهداشت "اخلاقی"، استفاده از آمبولانس با هدف لجستیک نیروهای امنیتی است. در مهر ماه ۱۴۰۱ هشتصد پزشک با انتشار توماری از سازمان نظام پزشکی خواستند که مانع از بکارگیری تجهیزات و خودروهای پزشکی با اهدافی غیر از سلامت و

درمان شود.

تازه‌ترین نمونه "اخلاق" نزد وزیر بهداشت شیوه برخوردش با معضل کمبود و گرانی دارو است که اعتراضات گسترده مردم را به دلیل عدم امکان دسترسی به دارو در پی داشته است. در حالیکه پزشکیان اعتراف می‌کند "ارزهایی که برای واردات دارو و یارانه می‌دهیم گم می‌شود"، وزیر بهداشت بجای رسیدگی سریع به این فساد آشکار در باره افزایش قیمت دارو می‌گوید: "افزایش قیمت دارو درست نیست، اصلاح قیمت شده است." باید به این وزیر اخلاق‌مدار گفت: در اخلاقیات خودتان جایی برای خجالت بگذارید!

۲۵۰ میلیون دندان پوسیده در ایران

سینا پدرام

محمد رئیس زاده، رئیس کل سازمان نظام‌پزشکی وضعیت بهداشت دهان ایرانیان را نامناسب خواند و گفت: "بالای ۲۵۰ میلیون دندان پوسیده در دهان ایرانی‌ها وجود دارد که نگران‌کننده است."

سلامت دهان و دندان رابطه مستقیم با سلامت جسمی و روانی در تمامی دوره‌های زندگی دارد. در چند دهه اخیر بویژه، ارتباط بیماری‌های قلبی، بیماری‌های دیابتزی، نتایج نامطلوب دوران حاملگی، سکته‌های مغزی، الزایمر با کمبود و یا نبود بهداشت دهان و دندان مورد تحقیقات

وسیعی قرار گرفته است و در اغلب موارد این ارتباط نشان‌داده‌شده است.

از سوی دیگر سلامت دهان و دندان در یک بعد اجتماعی آینه خوبی برای انعکاس رفاه و شادابی روحی و مادی مردم یک کشور محسوب می‌شود. به عبارت بهتر، سلامت دهان و دندان از شاخص‌های مهم تشخیص رفاه فردی و اجتماعی نیز هست.

مثال کشورهای اسکاندیناوی در بسیاری از شاخص‌ها از جمله شاخص آموزش و پرورش کودکان و یا رفاه شهروندان معمولاً مورد استناد بسیاری از متخصصان قرار دارد. در مورد موضوع بهداشت دهان و دندان به چند مورد ویژه که

عامل اصلی بهبود کیفی سلامت دهان مربوط می‌شود باید پرداخت و از همین فاکتورها برای بهبود وضعیت سلامت دهان و دندان بهره جست.

اولین عامل و نشانه بهبود در اروپا و اسکاندیناوی را می‌توان از لحاظ سیاسی، رویکرد دولت‌های رفاه در دوره پس از جنگ جهانی دوم برای ارائه خدمات درمانی و از جمله خدمات دندانپزشکی رایگان برای کودکان از بدو تولد تا سن ۱۸ سالگی به شمار آورد.

ارائه خدمات ساده بهداشت دندان در مدارس مانند استفاده رایگان از دهان شورهای حاوی ماده فلوراید که در ترمیم مینای دندان نقش عمده دارد

را از اولین و اساسی‌ترین اقدامات برای کاهش پوسیدگی دندان می‌توان دانست. این اقدام در ایران با تخصیص کمترین بودجه کاملاً عملی و مناسب است و در پایه‌ای‌ترین سطح به موضوع سلامت دندان و دهان و طبعاً در ادامه به سلامت جسمی و روانی شهروندان خواهد انجامید.

رایگان شدن خدمات دندانپزشکی، خارج کردن این بخش از بهداشت از زیر چرخ‌دنده ویران کننده بازار و سیستم سودجویانه سرمایه‌دارانه از زمره اقدامات پایه‌ای است که با مبارزات روزمره، به هر رژیم سیاسی برای تأمین و رعایت آن در حال حاضر و در آینده می‌توان تحمیل کرد.

درسی از جنگ طبقاتی در فرانسه

کیوان جاوید

فرانسوا بایرو، نخست‌وزیر جدید فرانسه روز سه‌شنبه ۱۴ ژانویه، ۲۵ دی، اعلام کرد که طرح افزایش سن بازنشستگی از ۶۲ به ۶۴ سال مورد بازنگری قرار خواهد گرفت.

طرح امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه برای افزایش سن بازنشستگی از ۶۲ به ۶۴ سال، اعتراضات گسترده‌ای را طی ژانویه تا ژوئن ۲۰۲۳ در پی داشت. آذر ۱۴۰۳ – ۴ دسامبر ۲۰۲۴ دولت میشل بارنیه، نخست‌وزیر فرانسه، در ادامه تصویب همین طرح با واکنش جناح چپ در

پارلمان روبرو شد و پس از استیضاح سقوط کرد.

جنبش جلیقه زردها در فرانسه علیه افزایش سن بازنشستگی از ۶۲ به ۶۴ سال ماه‌های متمادی صحنه‌هایی از مبارزه باشکوه همراه با مقابله تن‌به‌تن با پلیس را پیش بردند.

آنچه از فرانسه در دل همین مبارزه مشخص نیز می‌توان آموخت اهمیت تشکل‌ها و کانون‌های مبارزاتی و نهادها و گروه‌های اجتماعی است که در برابر دولت دست به مقابله سازمان‌یافته زدند. بدون این همگرایی و همبستگی اجتماعی و طبقاتی این پیشروی ها اصلاً قابل‌تصور نبود.

در ادامه این نبرد نفس‌گیر اجتماعی است که حزب چپ رادیکال "فرانسه تسلیم‌ناپذیر" با رأی مستقیم مردم به بزرگ‌ترین حزب پارلمانی تبدیل می‌شود و بعنوان یک قدرت، در برابر هجوم راست به رفاهیات مردم سنگر می‌بندد. این حزب هم نیروی اجتماعی خود را از خیابان گرفته است.

در ایران نیز دقیقاً شاهد همین نبرد طبقاتی هستیم. ده‌ها تشکل کارگری، معلمان و بازنشستگان و پرستاران علیه هجوم ضدانسانی و افسارگسیخته حکومت سرمایه‌داران اسلامی دست به مبارزه نفس گیری می‌زنند. این جنبه از مبارزه را باید متحدتر و سراسری‌تر کرد و

انواع شبکه‌ها و کانون‌های مبارزاتی باید به یاری تشکل‌های در میدان بشتابند. با همه تفاوت‌ها بین این دو کشور از جمله وجود آزادی‌های مدنی، حق تشکل و احزاب و آزادی بیان در فرانسه و وجود یک دیکتاتوری عریان در ایران، اما می‌توان یک وجه مشترک در هر دو جا دید. مبارزه متشکل و متحد برای عقب راندن دشمن طبقاتی این وجه اشتراک است. یادمان باشد نهایتاً احزاب هستند که انجمن‌ها و نهادها و شبکه‌ها را در یک‌جهت سیاسی متحد می‌کنند و پیروزی را به سرانجام می‌رسانند. حزبیت را از یاد نبریم. حزبتان را بخاطر نبرد برای ساختن یک دنیای انسانی و بهتر انتخاب کنید.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۳۹

۱۸ ژانویه ۲۰۲۵ – ۲۹ دی ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

هلاکت قضات مرگ: محمد مقیسه و علی رازینی

کیوان جاوید

جنبش علیه اعدام در فاز جدید

شهلا دانشفر

حکومت اسلامی، کارت بازی در دست پوتین

محسن ابراهیمی

آیا جنگ در غزه رو به پایان است؟

کاظم نیکخواه

خزان نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در عراق

نسان نودینیان

هلاکت قضات مرگ: محمد مقیسه و علی رازینی

کیوان جاوید

شنبه ۲۹ دی‌ماه ۱۴۰۳ محمد مقیسه و علی رازینی، دو تن از بی‌رحم‌ترین و جنایتکار ترین قضات جمهوری اسلامی در محل کارشان به قتل رسیدند. مرگ این دو جانی که دستشان به خون زندانیان سیاسی از دهه ۶۰ تا همین امروز آغشته است، موج وسیعی از شادی عمومی برانگیخته است.

ما مردم، همه ما که داس مرگ این دو جنایتکار اسلامی از سال ۵۷ تا امروز عزیزانمان را درو کرده است صبح شنبه را با خوشی و امید بیشتر

به سرنگونی جمهوری اسلامی شروع کرده‌ایم. این خوشحالی عمومی را می‌شود در میان ایرانیان داخل و خارج کشور مشاهده کرد. این‌همه شادی از به‌قتل‌رسیدن این دو قاضی حکومت اسلامی برای چیست؟ چرا مردم از مرگ این دو نفر تا این اندازه خوشحال‌اند و در مدیای اجتماعی غوغایی بپا کرده‌اند؟ مگر قرار نبود و نیست ما پایانی بر مرگ و اعدام و خشونت باشیم؟ واقعیت این است که شادی مردم از هلاکت این دو قاضی جنایتکار بیان خشم و همچنین امید مردم به سرنگونی جمهوری اسلامی است. آنچه باید تأکید کرد این است که اعدام و حبس ابد و شکنجه و اعتراف اجباری هم در قوانین انسانی جامعه مدنظر ما برای همیشه لغو خواهد شد.

وقتی خبر مرگ این دو قاضی بی‌رحم حکومت اسلامی شنیده شد بی شک بسیاری از ما به یاد قاضی صلواتی و قاضی مرتضوی، این قاتلان خون‌آشام اسلامی افتادیم. آیا اینها نیز به چنین سرنوشتی دچار می‌شوند، این وحشت از مرگ خواب از چشمانشان می‌رباید و زندگی‌شان را به کابوس تبدیل می‌کند؟ آیا سایه مرگ هر لحظه تعقیبشان می‌کند؟ بقیه قاتلانی که این رژیم را تا امروز سرپا نگهداشت‌اند چه حال و روزی دارند؟ آیا زنده می‌مانند و در دادگاه‌های مردمی محاکمه می‌شوند؟ از این حالت راه فراری ندارند.

جنبش علیه اعدام در فاز جدید

شهلا دانشفر

روز جمعه ۲۶ دی در سنندج جمع قابل‌توجهی از مردم، خانواده‌های دادخواه، فعالین حقوق زن و فعالین کارگری و معلمان علیه مجازات شنیع اعدام و حکم اعدام پخشان عزیزی و دیگر احکام با فریاد "نه به اعدام، زنده‌باد زندگی" مقابل استانداری تجمع کردند و الگویی برای کل جامعه شدند.

گسترش اعدام‌ها و خطر اعدام‌های بیشتر، به‌ویژه ارسال حکم اعدام پخشان عزیزی زندانی سیاسی و مددکار اجتماعی به دایره اجرای احکام باعث

افزایش اعتراضات شد و جنبش علیه اعدام را وارد فاز جدیدی کرده است.

کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام نیز در این هفته دامنه‌اش به ۳۴ زندان کشیده شد و جمعی از زنان زندانی از لاکان رشت همبستگی خود را با سایر زندانیان و بیانیه ۶۸ زندانی سیاسی در محکومیت اعدام اعلام کردند.

همچنین شمار امضاهای دفاع از پخشان عزیزی به ۴۴۸۲ رسید و بخش‌های مختلف جامعه با بیانیه‌های پرشورشان علیه اعدام‌ها ایستادند و تداوم انقلاب را فریاد زدند.

لیستی از نهادهای کارگری و اجتماعی که به‌صورت مشترک و یا مستقلاً علیه اعدام‌ها بیانیه اعتراضی داده‌اند عبارت‌اند از: یازده تشکل معلمان، شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان، سندیکای نیشکر هفت‌تپه، گروه اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، کارگران بازنشسته خوزستان، شورای بازنشستگان، اتحاد بازنشستگان، اتحادیه آزاد کارگران ایران، سندیکای واحد، کانون نویسندگان، دادخواهان، اعدام نکنید، شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی و کارگران غیررسمی نفت، ندای زنان ایران و دانشجویان. همچنین فعالین کارگری و اجتماعی شناخته شده‌ای با

بیانیه‌هایشان علیه اعدام‌ها ابراز انزجار کردند. نکته مهم پیوستن بخش وسیع‌تری از تشکل‌ها به جنبش "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" است.

جنبش علیه اعدام نمادی از صف متحد جامعه علیه بساط سرکوب و جنایت حکومت در تداوم انقلاب است. کارگر، معلم، هنرمند، دادخواه، کارگردان سینما، ورزشکار، فعالین "ال جی بی تی کیو"، زندانی سیاسی و بخش‌های وسیع جامعه صف متحد این جنبش را تشکیل می‌دهد و ابعاد جهانی نیز دارد.

این درجه از اتحاد، قدرت عمل بسیار بیشتری به جنبش علیه اعدام داده و زمینه برای اعتراضات

قدرتمندتر علیه اعدام‌ها را فراهم‌تر کرده است. تجمعات اعتراضی در تمام شهرها و اعتصابات سراسری می‌تواند این جنبش را قدرتمندتر کند. با اتحاد سراسری علیه اعدام‌ها به نجات جان محکومین به اعدام بشتابیم.

حکومت اسلامی، کارت بازی در دست پوتین

محسن ابراهیمی

روز جمعه ۲۸ دی، پزشکیان و پوتین، "معاهده جامع راهبردی" بین ایران و روسیه را امضا کردند.

اگرچه اطلاعات دقیقی از این معاهده منتشر نشده، اما بر اساس اظهارات مقامات دو طرف می‌توان قطعاً گفت که علیرغم عنوان دهن‌پرکن، چنین معاهده‌ای، خامنه‌ای را حتی یک وجب هم به تخیلات خود فریبانه‌اش در باره نگاه به شرق و "نظم جدید جهانی" نزدیک نمی‌کند که در آن گویا قدرت سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، علمی از غرب به شرق منتقل خواهد شد!

جمهوری اسلامی همیشه روی روسیه به‌عنوان یک متحد استراتژیک حساب کرده است. برعکس، برای پوتین، حکومت اسلامی همیشه یک کارت بازی تاکتیکی بوده و قطعاً مضمون معاهده موردبحث در همین جهت است.

در باره مقطع این معاهده دقت کنید: بعد از فرار اسد و متلاشی شدن "محور مقاومت" و پیش از مراسم تحلیف ترامپ و نزدیک‌تر شدن شبح "فشار حداکثری"! برای پوتین هفت خط تر از خامنه‌ای، چه شرایطی مساعدتر از چنین مقطعی برای گذاشتن یک کلاه گشاد بر سر خامنه‌ای!

گوشه‌های از مضمون اعلام شده معاهده: همکاری هنگام بلایای طبیعی، آشنایی با سنت‌های

یکدیگر، یادگیری زبان روسی و فارسی، ارتباط میان اصحاب ادب و هنر و موسیقی که هیچ‌چیز نیستند جز ظاهر سنگین‌وزن دادن به معاهده. فن آوری‌های امنیتی و اطلاعاتی هم قرار است تضمین کند هنگام خطر امنیتی پوتین به داد خامنه‌ای برسد که با درنظرگرفتن سرنوشت بشار اسد نباید امیدوارکننده باشد! مقابله با تروریسم، پول‌شویی و جرایم سازمان‌یافته هم یعنی همکاری در تروریسم، پولشویی و جرائم سازمانیافته که فی الحال باهم مشغولش هستند. از نظر اقتصادی هم پوتین روی بازار گاز در ایران حساب کرده است که به قول خودش می‌تواند تا ۵۵ میلیارد مترمکعب در سال برسد!

مقامات حکومت از یک بند دفاعی هم صحبت

میکنند که بر اساس آن قرار است اگر یکی از طرفین مورد حمله قرار بگیرد، آن یکی از "مهاجم" حمایت نکند! یعنی یک معاهده دفاعی تو خالی، آن هم زمانی که حکومت اسلامی بشدت تضعیف شده است و بنا بر گزارش وال‌استریت جورنال، ترامپ و همکارانش، در حال بررسی گزینه حمله نظامی برای جلوگیری از توانایی ایران در ساخت سلاح هسته‌ای هستند.

شاید خامنه ای از فرط استیصال تصور میکرد پوتین ممکن است معامله با ترامپ در جنگ اوکراین را به توهمات استراتژیک او ترجیح دهد!

آیا جنگ در غزه رو به پایان است؟

کاظم نیکخواه

جنگ غزه دارد به پایان خود نزدیک می‌شود. جنگی که تاکنون یکی از پرتلفات‌ترین نسل‌کشی‌های قرن بوده است. آرزو کنیم که جنایات مخوف‌تری را مردم شاهد نباشند. قرار است از روز یکشنبه ۱۹ ژانویه جنگ و درگیری یا بهتر است گفته شود نسل‌کشی در غزه پایان یابد. کابینه امنیتی اسرائیل به آتش‌بس رأی مثبت داده و حماس هم با آن توافق کرده است.

پایان‌یافتن این موج کشتار که جان نزدیک به ۵۰ هزار نفر را گرفته است، برای همه مردم

جهان بسیار خوشحال‌کننده است. در این ۱۵ ماه حداقل برای صدسال آتی بذر نفرت قومی و مذهبی، و جنگ‌ها و نسل‌کشی‌های بعدی کاشته شده است. چگونه می‌توان این‌همه کشتار، این‌همه ویرانی، این‌همه جنایت، این‌همه آوارگی، این‌همه بی‌رحمی را فراموش کرد؟ بر بستر جنایاتی که دولت و ارتش اسرائیل ازیک‌طرف و از آن طرف تروریست‌های اسلامی حماس مرتکب شدند، جریانات جنگ‌طلب هر دو سو می‌توانند سال‌های سال سربازگیری کنند و فضای تروریسم و جنایت و جنگ را گرم نگه دارند.

به طور واقعی اگر جنگ کنونی پایان یابد فضای حسابرسی از نتانیاهو و شرکایش در اسرائیل و در سطح بین‌المللی فراهم‌تر خواهد شد. مردم اسرائیل

از چشم‌بستن بر جنایت تروریست‌های حماس در هفت اکتبر توسط نتانیاهو عصبانی هستند و بسیاری آنرا عامدانه می‌دانند. در اسرائیل علیه او پرونده‌هایی گشوده مانده است که با حاشیه‌ای‌تر شدن مسئله جنگ، جلو خواهد آمد. در فلسطین نیز حماس ضربات کاری‌ای خورده و درعین‌حال مردم فلسطین از این‌همه جنگ و آوارگی و قربانی دادن خسته شده‌اند و حماس را عامل اصلی این وضعیت می‌دانند. مردمِ فلسطین به دنبال پایان‌دادن به این شرایط واقعاً جهنمی هستند. این دو جبهه انسانی می‌توانند دست‌به‌دست هم دهند و کاری کنند که نیروهای تروریست اسلامی و فاشیست‌های اسرائیلی کنار زده شوند، و فضای فلسطین و اسرائیل به آرامش برسد.

شکست و تضعیف جدی حماس و کوتاه‌شدن دست جمهوری اسلامی که عامل اصلی تروریسم پروری است و در لبنان نیز ضربات کاری‌ای خورده است، فضا را برای تحولی انسانی در منطقه فلسطین آماده‌تر خواهد کرد.

فلسطین دهه‌هاست که نقطه کور دنیاست. محل تلاقی مصالح دولت‌ها و نیروهای ارتجاعی جهان است. این را همه می‌دانیم. اما اگر جبهه قدرتمندی از مردم پیشرو و انسان‌دوست تشکیل شود، اگر چشم‌انداز نزدیک سرنگونی جمهوری اسلامی به‌عنوان یک عامل مهم دامن‌زدن به نفرت مذهبی در منطقه، متحقق شود، می‌توان امیدوار بود که روزی شاهد تحولی اساسی در این منطقه باشیم.

خزان نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در عراق

نسان نودینیان

فواد حسین، وزیر امور خارجه عراق، روز جمعه ۱۷ ژانویه ، ۲۸ دی ماه، در مصاحبه‌ای با خبرگزاری رویترز اعلام کرد که دولت عراق در حال مذاکره با رهبران گروه‌های شبه‌نظامی (حشدالشعبی شامل ۴۰ گروه اسلامگرا که از سال ۲۰۱۴ توسط خامنه‌ای و "قاسم سلیمانی" از سپاه قدس تاسیس شد) برای خلع سلاح و ادغام آن‌ها در نیروهای امنیتی رسمی کشور است. وی تأکید کرد که وجود گروه‌های مسلح خارج از کنترل دولت غیرقابل قبول است.

سقوط بشار اسد، کوتاه شدن دخالت حزب‌الله در

لبنان و شکست‌های راهبردی جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی اسلامگرا دولت مرکزی عراق را مقابل تصمیمات سختی قرار داده است. هدف اول و فوری خلاص شدن از حضور نیروهای نیابتی اسلامگرا است که در عراق در ائتلافی به اسم حشدالشعبی سازماندهی شده‌اند. حشد الشعبی نیروی تروریست با هزاران نیروی مسلح تحت فرماندهی سپاه قدس و خامنه‌ای است. بیان اینکه صد هزار نیروی مسلح دارد خودش یک قدرت نمایی و خالی کردن دل مردم است. بهرحال آمار را ممکن است رژیم بزرگ کرده باشد.

وزیر خارجه عراق در مصاحبه با رویترز بر یک واقعیت زنده تاکید گذاشته و گفت: ”دو یا سه

سال پیش، بحث در مورد این موضوع (خلع سلاح یا ادغام نیروهای شبه نظامی حشدالشعبی) در جامعه ما غیرممکن بود. اما حالا داشتن گروه‌های مسلح که خارج از دولت عمل می‌کنند، قابل قبول نیست.“ این اظهارات به این معنی است، اولا نیروهای نیابتی ـ لجستیکی جمهوری اسلامی در عراق باید از این کشور برچیده شوند، دوم اینکه دوره حضور نظامی و تروریسم جمهوری اسلامی در عراق به پایان رسیده است.

عراق بیش از دو دهه است میدان عملیاتهای تروریستی و نظامی جمهوری اسلامی است. منحل شدن حشدالشعبی موفقیت بزرگی علیه تروریسم اسلامی است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۴۰

۱۹ ژانویه ۲۰۲۵ – ۳۰ دی ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال:

زندگی در مقاومت زندانیان زنده است

سیما بهاری

فرار سرمایه‌ها، مشکل چیست؟

سینا پدرام

توسعه‌نیافتگی سیستان و بلوچستان: نتیجه سیاست‌های هدفمند یا بی‌کفایتی؟

میلاد رسایی‌منش

جمهوری مرگ اسلامی می‌کشد، با گلوله یا مسمومیت

عطیه نیک‌نفس

زندگی در مقاومت زندانیان زنده است

سیما بهاری

”لوئی آرنو، شهروند فرانسوی که دو سال در زندان اوین محبوس بوده در نخستین مصاحبه رسانه‌ای خود پس از آزادی در بارهٔ بازداشت، حبس، و آزادی خود صحبت کرد.“

لوئی آرنو دو سال را در اوین گذرانده و حالا چند ماهی است که آزاد شده. او از شرایط بسیار سخت زندان می‌گوید و از شش ماهی که در انفرادی به سر برده. در ادامه از جمله به این نکته می‌پردازد که: ”هر زندانی تلاش می‌کند تا باتوجه‌به قدرت، استقامت، و ظرفیت خود از این شکنجه‌ها جان

سالم به در ببرد. در چنین شرایطی هیچ روز آسانی وجود ندارد. هر ثانیه، دقیقه، و روزی مبارزه برای بقا محسوب می‌شود. این شرایط زندانی را در آستانهٔ سقوط قرار می‌دهد.“

لوئی آرنو خیلی حرف برای گفتن دارد. بی‌گمان انقلاب ما از او به‌عنوان یک زندانی تشکر می‌کند که از تریبونی که مقابلش قرار گرفته این‌چنین افشاگری می‌کند. او این‌همه حرف دارد. احتمالاً کسانی چون زینب جلالیان و یا سعید ماسوری و یا بی‌شمار زندانیانی که سال‌های طولانی در زندان هستند و همان روزهای غیر آسان و خیلی سخت را سپری می‌کنند چقدر حرف برای گفتن دارند. از مقاومتشان، از امیدشان، از رؤیاهایشان و از

روزهایی که زمان را گم کرده‌اند و تنها صدای در گوششان این بوده که ” تمام میشه این تاریکی“ و همین باعث زنده‌ماندن و تحمل بیشترشان شده.

بی‌دلیل نیست که جامعه برای زندانیانی که این روزها مشعل انقلاب را در دست دارند و مرتباً آنرا شعله‌ور نگه می‌دارند، کلاه از سر بر می‌دارد و آنها را گرامی می‌دارد. بی‌جهت نیست که در اعتراض‌های مختلف شعار ”زندانی سیاسی آزاد باید گردد“ به گوش می‌رسد. جامعه می‌داند و اگر بخشی از مردم نمی‌دانند، وظیفهٔ ماست که این افشاگری لوئی آرنوها را در سطح هر چه گسترده‌تر به میان مردم ببریم.

لویی آرنو از "در آستانهٔ سقوط قرار گرفتن" زندانی می گوید. اما آنچه برجسته است این وجه شورانگیز زندگی و تلاش زندانیان است که از هر روزنه‌ای هر چند کوچک، از درون زندان، ما آواز زندگی و ترانهٔ رهایی را از دهان و گلوی این پرندگان در قفس می‌شنویم. امروز حدود ۳۰ زندان ترانهٔ زنده‌باد زندگی را سرود می‌خواند. امروز ده‌ها زندانی از توقف اعدام می گویند.

فرار سرمایه‌ها، مشکل چیست؟

سینا پدرام

فاطمه مقصودون، سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس گفته نوسانات نرخ ارز و کاهش قدرت خرید مردم فعالیت اقتصادی در ایران را فاقد توجیه اقتصادی کرده و خارجی‌ها ایران را ترک کردند. بازگشت ترامپ به کاخ سفید و گسترش تحریم‌ها نیز از دلایل خروج سرمایه از ایران مطرح شده اخیر است. با خروج "صافولاد" عربستان ، اکنون خبر از خروج "فروشگاه‌های زنجیره‌ای "هایپراستار" شنیده می‌شود.

در تحلیل‌ها عموماً معضل تحریم‌ها و عدم ورود

سرمایه‌های خارجی برای سرمایه‌گذاری‌های پایه‌ای در ایران، عقب‌ماندگی تکنولوژیک، رابطه با غرب و به‌ویژه آمریکا و غیره از دلایل اصلی وخامت اقتصادی محسوب می‌شود.

سرمایه‌داری سیستمی است که از طریق استثمار و تولید و بازتولید ارزش اضافی رشد کرده و به حیات خود ادامه می‌دهد. برای ورود سرمایه خارجی به کشوری با اقتصادی در ابعاد ایران "ثبات سیاسی"، "کارگر ارزان و خاموش" و اطمینان خاطر طولانی‌مدت از پایه‌ای‌ترین شروطی است که بدون وجودشان سرمایه‌داران رغبتی برای سرمایه‌گذاری نشان نمی‌دهند.

از منظر مردم، عدم سرمایه‌گذاری در کشور و به اعتبار آن عدم رشد صنعتی و تکنولوژیک با خانه‌خرابی، ورشکستگی، پایین‌رفتن رفاهیات و امکانات مادی همراه بوده و زندگی میلیون‌ها شهروند را به نابودی کشانده است. ارتقا و رشد رفاهیات مردم در گرو صرف ثروت اقتصادی که ماحصل نیروی کار کارگران است برای مردمی است که در تولید آن مشارکت داشته‌اند.

اینکه بعد از رژیم اسلامی چه امکانات اقتصادی واقعاً موجودی در اختیار مردم فرار خواهد گرفت قابل‌پیش‌بینی نیست. اما داشتن یک سیاست رفاهی حداکثری که تحت نظارت شوراهای مردمی و کارگری به اجرا گذاشته شود اولین اقدامی

است که باید بدون هیچ اغماضی موردنظر قرار بگیرد. ایران کشوری‌ست با منابع طبیعی بسیار و نیروی کار میلیونی که امروز تمامی زحمات آنان از حساب‌های بانکی سرمایه‌داران و آیت‌الله‌های میلیاردر سر در می‌آورد. می‌توان یه این تاریخ فقر فائقه نقطه پایانی نهاد.

توسعه‌نیافتگی سیستان و بلوچستان:
نتیجه سیاست‌های هدفمند یا بی‌کفایتی؟

میلاد رسایی‌منش

استان سیستان و بلوچستان، با تمامی پتانسیل‌های جغرافیایی و انسانی، همچنان در چرخه فقر و توسعه‌نیافتگی گرفتار است. این وضعیت نه‌تنها حاصل بی‌کفایتی و ناکارآمدی نظام مدیریتی جمهوری اسلامی است، بلکه شواهد و تحلیل‌های متعدد نشان می‌دهند که این شرایط ممکن است محصول سیاست‌های عمدی برای تداوم نابرابری باشد.

اظهارات مدیرکل نوسازی مدارس استان مبنی

بر نبود سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی در ۱۵۰۰ کلاس درس، گواه روشنی بر این ادعاست. نبود زیرساخت‌های آموزشی، فاصله محسوس سرانه آموزشی استان با میانگین کشوری، و آمار تکان‌دهنده ترک تحصیل دانش‌آموزان، به‌ویژه دختران، از نشانه‌های بحران عمیق در این منطقه است. این محرومیت‌ها به‌جای رفع، نسل به نسل ادامه یافته و فقر را به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی مردم این استان تبدیل کرده است.

گزارش‌های رسمی و حکومتی نشان می‌دهند که بیش از ۷۰ درصد بازماندگان از تحصیل در دهک‌های فقیر جامعه قرار دارند. این اعداد نشان‌دهنده یک سیستم اقتصادی و اجتماعی

است که به‌جای کاهش فاصله طبقاتی، آن را تعمیق می‌کند. سؤال اینجاست: آیا این محرومیت‌ها، از سر بی‌توجهی است یا بخشی از یک استراتژی برای حفظ کنترل سیاسی و جلوگیری از توانمندسازی مردم منطقه؟

سرنگونی این چرخه شوم نیازمند تغییرات بنیادین در ساختار قدرت و مدیریت کشور است. مادامی که جمهوری اسلامی با دید امنیتی و تبعیض‌آمیز به استان‌هایی چون سیستان و بلوچستان نگاه کند، توسعه پایدار و عدالت اجتماعی در این منطقه دست‌نیافتنی خواهد بود.

جمهوری مرگ اسلامی می‌کشد،
با گلوله یا مسمومیت

عطیه نیک‌نفس

”رئیس اورژانس تهران از مسمومیت ۱۵ نفر با ”گاز نامشخص“ در یک تالار در افسریه و مسمومیت بیش از ۱۰۰ دانشجو در دانشگاه علوم پزشکی تهران خبر داد. این حادثه شامگاه جمعه، ۲۸ دی‌ماه رخ‌داده و ۱۵ نفر از مصدومان با چهار دستگاه آمبولانس به بیمارستان‌های ”بهارلو“ و ”فیروزآبادی“ منتقل شدند.

در همین حال روز گذشته مسمومیت بیش از ۱۰ دانشجو مستقر در خوابگاه ”نوفلاح“ و ”کوی

دانشگاه“ علوم پزشکی تهران رخ‌داده و حراست خوابگاه از خروج دانشجویان مسموم جلوگیری کرده و عنوان کرده است که برای خروج دانشجو از خوابگاه، آمبولانس کوی دانشگاه باید حضور پیدا کند. تعداد دانشجویان مسموم شده به ۱۰۰ نفر افزایش پیدا کرده و کسی پاسخگوی این اتفاق نیست.“

این بار نیز جمهوری مرگ اسلامی کمر به قتل مردم با مسمومیت بسته است. در ایران تحت حاکمیت این رژیم تنها چیزی که هیچ ارزشی ندارد جان انسان‌هاست. در فقره این مسمومیت نیز که عمدی یا غیرعمدی بودن آن مشخص نیست با ناکارآمدی مسئولینی که بیشتر مزدور

هستند تا مسئول بازهم فاجعه‌ای به بار آمده.

تلاش جمهوری اسلامی در طی این سال‌ها ایجاد سرکوب و خفقان و کشتن مردم با هر نامی بوده است. یک روز با نرساندن واکسن به مردم، روز دیگر با نبود داروهای ضروری برای بیماران، یک روز با شلیک مستقیم در خیابان، روز دیگر با شکنجه در قتلگاه‌های رژیم و حالا باز با مسمومیت مردم.

چیزی که مسلم است این است که این رژیم اسلامی آدمکشان برای در قدرت ماندن فقط می‌کشد و نابود می‌کند. هیچ برنامه‌ای چه ازنظر اقتصادی، چه در ابعاد دیگر برای جامعه ندارد.

فقر، فلاکت، مرگ و ناامیدی از سر و روی ایرانی که در چنگ رژیم اسلامیست می‌چکد و این رژیم بدون برنامه و مدیریت هر روز مردم را با معضلات بیشتری درگیر می‌کند.

همه می‌دانیم که این رژیم ضدانسانی راهی جز نابودی ندارد اما برای هر چه زودتر رسیدن به این مهم باید هر چه بیشتر، متشکل و با برنامه علیه این انسان‌کشی معترض شد. اعتراضات و اعتصابات وسیع در جامعه راه‌اندازی کرد و هرچه بیشتر راه نفس رژیم را بست. برای دیگر شاهد نبودن این اخبار هولناک باید تلاشی بی‌بدیل برای سرنگونی رژیم را هر روز ادامه داد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۹۴۱

۲۰ ژانویه ۲۰۲۵ – ۱ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

فراخوان به اعتصاب عمومی در کردستان

اصغر کریمی

اسپری فلفل پاسخ حقوق‌های معوقه بازنشستگان

سیما بهاری

کمبود مسکن؟ کدام کمبود؟

سینا پدرام

شادی و امید از هلاکت مقیسه و رازینی

کیوان جاوید

فراخوان به اعتصاب عمومی در کردستان

اصغر کریمی

حزب کمونیست کارگری و شش جریان سیاسی دیگر فراخوان اعتصاب عمومی در کردستان برای روز چهارشنبه ۳ بهمن دادند. این فراخوان‌ها در اعتراض به حکم اعدام پخشان عزیزی، وریشه مرادی و دیگر احکام اعدام صادر شده است. در فراخوان حزب کمونیست کارگری آمده است: "ما همصدا با سایر جریانات سیاسی در کردستان، همه شما مردم کردستان، کارگران و معلمان، دانشجویان و دانش‌آموزان، پرستاران و کارکنان ادارات، مغازه داران و رانندگان حمل و نقل را فرامیخوانیم تا روز چهارشنبه ۳ بهمن در اعتراض به حکم اعدام

پخشان عزیزی و وریشه مرادی و علیه سایر احکام اعدام، کار و محل تحصیل را تعطیل کنید و متحد و یکپارچه در سراسر کردستان دست به اعتصاب عمومی بزنید.“

تحرکات چشمگیری که علیه این احکام اعدام در هفته‌های گذشته در سراسر کشور و در خارج کشور صورت گرفته بسیار شعف‌انگیز است و نشان می‌دهد که چگونه جنبش علیه اعدام، این قتل عمد شنیع دولتی، هر روز عمق و دامنه بیشتری پیدا کرده و به خواستی عمومی در جامعه تبدیل شده است. اعدام حربه مهمی در دست حکومت برای مرعوب کردن جامعه است اما این جنبش علیه اعدام است که دارد به رژیم فشار می‌آورد و این رژیم است

که نمی‌داند و نمی‌تواند جلو گسترش این جنبش بالنده را بگیرد.

تجمع روز چهارشنبه ۲۶ دی‌ماه در مقابل استانداری کردستان در سنندج علیه حکم اعدام پخشان و وریشه و علیه مجازات اعدام یک نمونه از این تحرک گسترده است. در روزهای گذشته بسیاری از خانواده‌های دادخواه نیز در تجمعات خود خواهان لغو حکم اعدام پخشان و وریشه و سایر احکام اعدام شده‌اند. طومارها و بیانیه‌های مشترک متعددی با هزاران امضا توسط دادخواهان، فعالین حقوق زن، حامیان انقلاب زن زندگی آزادی، وکلا، هنرمندان، فعالین کارگری، معلمان و بازنشستگان، دانشجویان، شعرا، آسیب‌دیدگان چشمی، فعالین

حقوق کودک منتشر شده که حکم اعدام پخشان و سایر احکام اعدام را محکوم کرده و خواهان لغو این احکام شده‌اند. دیوارنویسی‌های وسیعی در تعدادی از شهرها علیه این احکام انجام شده و در خارج کشور نیز تحرکت وسیعی به جریان افتاده است.

فراخوان اعتصاب عمومی و سراسری در کردستان با واکنش مثبت مردم کردستان پاسخ خواهد گرفت و گام بزرگ دیگری جنبش علیه اعدام را به جلو خواهد برد و جمهوری اسلامی را در تنگنای بیشتری قرار خواهد داد. جنبش علیه اعدام و تلاش برای پایان دادن به حکومت اعدام سر بازایستادن ندارد.

اسپری فلفل پاسخ حقوق‌های معوقه بازنشستگان

سیما بهاری

دوشنبه ۱ بهمن ۱۴۰۳مأموران حکومتی برای برهم‌زدن تجمع فرهنگیان بازنشسته از اسپری فلفل استفاده کردند.

خبر خیلی کوتاه است، اما تا اعماق قلب انسان نفوذ می‌کند. مدت‌های مدید است که فرهنگیان باز نشسته همانند غیر بازنشسته‌ها و همانند سایر بخش‌های جامعه دارند به دستمزدهای پرداخت نشده و سطح نازل حقوق‌ها اعتراض می‌کنند و پاسخ حکومت سرکوب است. آری اینجا ایران است، کسی حقوقی ندارد. حق همه بی حقوقی مطلق است.

یادتان هست که کارگران معدن در خاتون‌آباد به عدم پرداخت دستمزدشان اعتراض کردند و نیروی سرکوبگر حکومت آنها را به گلوله بست؟ یادتان هست که در همان روزهای اول روی کار آمدن جمهوری اسلامی پاسخ جویندگان کار را در اصفهان با گلوله دادند و ناصر توفیقیان که دانشجویی کمونیست و جویندهٔ کار بود را کشتند؟ کدام سرکوب را فراموش کرده‌ایم؟ چهل و شش سال است که سرکوب می‌کنند و می‌کشند و مقاومت می‌کنیم، ایستاده‌ایم، و مانده‌ایم. هر روز قوی‌تر از پیش و با اعتمادتر داریم برای حقمان می‌جنگیم.

فرهنگیان بازنشسته از آن دسته مردمی هستند

که خستگی‌ناپذیر روزهای متمادی دارند از حقوق پایمال‌شده‌شان دفاع می‌کنند. استفاده از اسپری فلفل ضمن اینکه اوج وحشیگری رژیم است، اوج استیصالشان هم هست. از دست‌های خالی مردم می‌ترسند. نمی‌خواهند صداها به گوش همگان برسد. دادخواهان را که در اعتراض به احکام اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی در سنندج تجمع کرده بودند دستگیر کردند. متعاقب آن فراخوان اعتصاب برای چهارشنبه سوم بهمن داده شد. جامعه نشان داده که نمی‌ترسد. مردم در میدان مبارزه در حال نبردی بی‌امان علیه حکومت‌اند. امروز دادخواه بازداشت می‌شود، شهر به اعتراض بلند می‌شود. در تجمع فرهنگیان اسپری فلفل زدند فریاد "بی‌شرف بی‌شرف" خیابان را پُر می‌کند.

باید فراتر رفت. جمهوری اسلامی یک حکومت اشغالگر است. از آنجا که هر اعتراضی را نشان ضعف خود می‌داند، باید سرکوب کند و ما که با یک رژیم شبیه اشغالگر روبرو هستیم باید به ازاء هر تعرض رژیم ده‌ها تعرض سازمان دهیم. اگر قوی‌تر ظاهر نشویم فردا نوبت اسپری و باطوم و ساچمه برای تجمع دیگری‌ست. باید محکم‌تر از پیش از بازنشستگان به دفاع برخیزیم. با برپایی اعتراضات بی‌شمار در هر شهر و محله و کارخانه و مدرسه و با حمایت از اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان و با همبستگی سراسری رژیم را بیش از این محاصره کنیم. پیروز میدان ما هستیم!

کمبود مسکن؟ کدام کمبود؟

سینا پدرام

ابوالفضل نوروزی، مدیرکل اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی در گفت‌وگو با صدا و سیما با اشاره به خانه‌های خالی در کشور گفت: "هفت شخص حقیقی داریم که املاک بسیاری را در اختیار دارند. فردی را داریم که بیش از ۱۰۰۰ ملک و فرد دیگری هم بیش از ۵۰۰ ملک دارد."

موضوع کمبود مسکن، بد مسکنی، گرانی مسکن و بالابودن کرایه‌خانه‌ها و عوارض مختلف گرانی مسکن اعم از پشت‌بام خوابی، کارتون خوابی و هزاران پدیده اجتماعی ناهنجار دیگر آنچنان در ایران گسترده شده است که به نظر میرسد

حتی فرهنگ لغات نیز از پیداکردن لغت‌های درخور برای این ناهنجاری‌های نوظهور واقعاً کم آورده است.

انباشت سرمایه در دست عده قلیلی سرمایه‌دار و آیت‌الله‌های میلیاردر و آقازاده های مفت‌خور نتیجه‌ای جز بی‌خانمانی میلیونی مردم زحمت کش نداشته است. دولت و حکومت در ایران تنها ابزار اعمال قهر و قدرت سیاسی نیست؛ تنها ارگان تضمین حفظ ثروت‌های میلیاردی آقایان و آقازاده‌ها نیست، بلکه یک دستگاه مافیایی دزدسالار است که تنها وظیفه واقعی آن غارت حداکثر ثروت مردم است.

آنچه اهمیت دارد مبارزه متحدانه در مقابل این

غارت سازمان‌یافته است. مبارزه و مطالبه برای داشتن مسکن مناسب یک حق است، حقی که می‌تواند با بازپس‌گرفتن فضای شهری از سرمایه‌داران و مالکان آپارتمان‌های زنجیره‌ای سرمایه‌داران به صاحبان اصلی‌اش، یعنی توده میلیونی مردم بی‌مسکن، به حق‌دار برسد.

واقعیت مسلم این است که حداقل در کلان‌شهرهای ایران کمبود مسکن وجود ندارد. آنچه که وجود دارد توزیع ناعادلانه این امکانات اجتماعی است. با ادامه حیات سرمایه‌داری در ایران؛ با ادامه اقتصادی که سود سرمایه‌ها مهم‌تر از جان و حیات انسانیست و سرانجام با ادامه رژیم دزدسالار اسلامی، آرزوی توزیع عادلانه، امید پوچی است.

فقط با مبارزه متحدانه و با مصادره و توزیع تمامی خانه‌ها و آپارتمان‌های مافیای مسکن و در اختیار قراردادن این خانه‌ها به خانواده‌های بی‌مسکن می‌توان با پدیده بی‌خانمانی مبارزه کرد. داشتن یک مسکن مناسب یک حق در جوامع مدرن است. مسکن برای زندگی باید رایگان شود یا تا رسیدن به این وضعیت در ارزان‌ترین شکل ممکن با دخالت مستقیم دولت در اختیار مردم قرار بگیرد.

شادی و امید از هلاکت مقیسه و رازینی

کیوان جاوید

محمدجعفر منتظری، رئیس دیوان عالی کشور جمهوری اسلامی در مراسم تشییع‌جنازه محمد مقیسه و علی رازینی گفت: "دشمن نمی‌داند از هر لاله‌ای که از دست می‌رود لاله‌های فراوانی می‌روید." او افزود: "دو سرمایه ارزشمند را از دست دادیم، اما این هزینه‌ای است که نظام برای بقای خود به کوری چشم دشمن می‌پردازد."

موج شادی‌ای که از مرگ این دو قاتل در ایران به راه افتاده است، یکبار دیگر ته دل حافظان رژیم را شدیداً خالی کرده است. شلیک همزمان به دو تن از عالی‌رتبه‌های قضایی جمهوری اسلامی

از زاویه‌ای دیگر بر شکنندگی و پوکی نظام مهر تأیید گذاشت و نشان داد سوراخ موش هم دیگر برای قایم‌شدن مقامات کم آمده است.

این دو قاضی جانی نیز قرار بود بیانگر و نمایشگر عزم و اراده حکومت در برابر مردم باشند؛ قرار بود از شنیدن اسم آنها پشت فعالین سیاسی و اجتماعی و معترضان بلرزد، اما حالا این جمهوری اسلامی است که دارد می‌لرزد و از قدرت مردم در همه ابعاد اجتماعی وحشت‌زده است. هدف قراردادن این دو قاتل این پیام را به جامعه داد که حکومت حتی دیگر نمی‌تواند از مهم‌ترین شخصیت‌های رده‌بالای خودش نیز محافظ کند.

در به‌قتل‌رساندن این دو قاضی تراز اول حکومت

دست یک "آبدارچی" در کار بوده و سران رژیم تقلا می‌کنند که او را یک مأمور حرفه‌ای مرتبط به سازمان مجاهدین جا بزنند تا به خیال خود انکار کنند در دل جامعه چه نفرت عمیقی از این قاتلین بی‌رحم موج می‌زند و پشت چهره هر فرد به‌ظاهر سربه‌زیر و کم‌حرف و مشغول به زندگی عادی چه دشمنان خطرناکی برای نظام به کمین نشسته است.

بالاخره اینکه مرگ مقیسه و رازینی در دل یک جنبش عظیم سرنگونی‌طلبی و در میانه اعتراضات وسیع و پر تعداد اجتماعی صورت می گیرد. این ترورها در شرایطی صورت می گیرد که کشتی رژیم با سرعت تمام در حال فرورفتن دراعماق اقیانوس سرنگونی است. منظره رویدادها در ایران هر روز

با سرعت عوض می‌شود. اگر فردا قتل خامنه‌ای یا مجتبی را شنیدید اصلاً تعجب نکنید. وقتی آغاز خیزش خیابانی "نیمه دوم" انقلاب زن زندگی آزادی شنیده شود جای هیچ تعجبی نیست. همه چیز برای سرنگونی مهیا است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۴۲

۲۱ ژانویه ۲۰۲۵ – ۲ بهمن ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

همه با هم علیه احکام اعدام!

نسان نودینیان

ترامپ و "عصر طلایی" آمریکا

محسن ابراهیمی

نوع حکومت پس از سرنگونی جمهوری اسلامی

سؤال از کاظم نیکخواه

سرکوب فرهنگی رژیم و بازی‌های اینترنتی

میلاد رسایی‌منش

همه با هم علیه احکام اعدام!

نسان نودینیان

کارگران مراکز تولیدی! کارگران کارگاه‌های کردستان! کارمندان! راننده‌های تاکسی! به فراخوان اعتصاب عمومی در کردستان، فردا چهارشنبه سوم بهمن ۱۴۰۳ بپیوندید!

اعتصاب عمومی در کردستان علیه مجازات اعدام و علیه احکام اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی در ادامه تحرک و اعتراضات کوبنده و بی‌نظیری است که در بخش‌های مختلف جامعه توسط فعالین جنبش علیه اعدام، زنان و "سه‌شنبه‌های اعتراضی علیه اعدام" در زندان‌ها در جریان است.

پیام‌ها و بیانیه‌ها در محکومیت مجازات اعدام بی‌شمارند، توده‌گیر شده‌اند و فضای سیاسی و اعتراضی جامعه را تحت‌تأثیر قرار داده‌اند.

تجمع اعتراضی و باشکوه زنان و فعالین اجتماعی در مقابل استانداری کردستان در شهر سنندج در ۲۶ دی‌ماه، نمادی از روحیه اعتراضی مردم معترض به مجازات اعدام بود.
بیانیه ۴۵۰۰ نفر از هنرمندان، نویسندگان، شاعران، روزنامه‌نگاران، فعالین مدنی و سیاسی، دانشجویی، وکلا در اعتراض به حکم اعدام پخشان عزیزی مددکار اجتماعی محبوس در زندان اوین نمادی از همبستگی انسانی علیه مجازات اعدام است.

بیانیه‌های متعدد دیگری از جانب کارگران،

معلمان، خانواده‌های جان‌باختگان دادخواهان، آسیب‌دیدگان جسمی خیزش زن زندگی آزادی، بازنشستگان و چندین تشکل زنان در سراسر ایران علیه احکام اعدام منتشر شده است. این اتحاد و همبستگی مبارزاتی علیه مجازات اعدام شرایط را برای فراخوان به اعتصاب عمومی در کردستان آماده کرده است. شرکت کارگران به‌ویژه هزاران نفر کارگران شهرداری‌ها، کارمندان، راننده‌های تاکسی، معلمان و دانشجویان در اعتصاب عمومی به معنی تقویت اعتراضاتی است که در جبهه وسیع مبارزه علیه مجازات اعدام و حکومت اعدام در جریان است.

مردم کردستان در چند سال گذشته اعتصابات عمومی موفقی را برگزار کرده‌اند. در این اعتصابات مردم در سطوح مختلف؛ بازاریان با بستن مغازه‌ها

و در برخی مدارس معلمان با نرفتن به کلاس‌های درس از اعتصابات حمایت کرده و متحد و یکپارچه به نمایندگی نه و اعتراض میلیونی مردم علیه سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم، در امر مبارزه و به‌ویژه مبارزه علیه مجازات اعدام، صحنه‌های بی‌نظیری را به نمایش گذاشتند.

اعتصاب عمومی یکپارچه با شرکت وسیع کارگران، کارمندان و معلمان و کسبه و بازاریان علیه احکام اعدام قطعاً نقش مؤثری در جهت لغو مجازات اعدام و لغو احکام اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی و آزادی این دو عزیز خواهد داشت. متحد و یکپارچه برای این خواست انسانی به اعتصاب بپیوندیم.

ترامپ و "عصر طلایی" آمریکا

محسن ابراهیمی

"عصر طلایی آمریکا همین‌الان آغاز می‌شود"!

دونالد ترامپ مراسم سوگند ریاست‌جمهوری را دیروز اول بهمن، با جمله بالا آغاز کرد. اما در سخنانش جای تردید نگذاشت که در این "عصر طلایی"، ساختار سیاسی آمریکا برای چهار سال به دست یک شارلاتان تمام‌عیار دست راستی فاشیست افتاده است.

مثل همه عوام‌فریبان فاشیست، ترامپ ادعا کرد که خداوند او را نجات داده است تا آمریکا را باشکوه کند. مهمانان ویژه این مراسم تصویر روشنی از شخصیت‌های اصلی این عصر باشکوه دادند. حضور

سیاست‌مداران دست راستی فاشیست مثل ویکتور اوربان نخست‌وزیر مجارستان، جورجیا ملونی نخست‌وزیر ایتالیا، و خاویئر میلی رئیس‌جمهور آرژانتین و مولتی‌میلیاردرهایی مثل ایلان ماسک، مارک زاکربرگ و جف بزوس در کنار دارودسته کابینه ترامپ نشان داد که قرار است در عصر طلایی ترامپ کدام طبقه و کدام سیاست‌مداران یکه‌تازی کنند.

فرازهایی از سخنان ترامپ نشان داد عصر طلایی ۱ درصدی‌های میلیاردر، عصر تاریکی برای اکثریت ۹۹ درصدی، تبعیض فاحش‌تر طبقاتی، تبعیض جنسیتی علیه زنان و رنگین‌کمانی‌ها، تبعیض علیه مهاجرین و ویرانی برای طبیعت و محیط‌زیست خواهد بود.

در عصر طلایی ترامپ، مهاجر و پناهجو "بیماران روانی و مجرمین فراری از تیمارستان‌ها و زندان‌ها" هستند که باید در مقیاس میلیونی بیرون ریخته شوند تا آمریکا باشکوه شود! در عصر طلایی او سیاست رسمی حاکمیت آمریکا باید این باشد که فقط دو جنسیت وجود دارد: مرد و زن! در عصر طلایی ترامپ، ادعای گرمایش هوا و نابودی محیط‌زیست یک "کلاهبرداری" است و باید آنرا به دور انداخت؛ به جایش باید با شعار "حفر کن عزیز، حفر کن"، سراغ "طلای سیاه" رفت و استخراج نفت و گاز را گسترش داد. در عصر طلایی ترامپ، ملت آمریکا "یک مردم، یک خانواده و یک ملت باشکوه تحت حمایت خدا هستند، از هر ملت دیگر بلندهمت‌تر هستند، هیچ ملتی مانند ملت آمریکا"

وجود ندارد: یک منجلاب تمام‌عیار سرمایه‌داری با بوی تعفن فاشیستی!

میلیون‌ها شهروند پیشرو، آگاه و عدالت‌طلب در آمریکا سیاست‌های ترامپ را فاشیستی و شرم‌آور می‌دانند و ترامپ نخواهد توانست در یک فضای خالی از اعتراض مالیخولیای فاشیستی‌اش را محقق کند. باید امیدوار بود عصر تاریکی که ترامپ وعده می‌دهد، زمینه‌ساز عروج جنبشی حتی قدرتمندتر از جنبش "اشغال وال‌استریت" شود که سریعاً به حدود ۱۰۰۰ شهر و ۸۱ کشور جهان گسترش پیدا کرد!

نوع حکومت پس از سرنگونی جمهوری اسلامی

سؤال از کاظم نیکخواه

سوسن صابری: از نظر کمونیست‌ها پارلمان و دمکراسی‌های لیبرالی دوران معاصر، نمایشی هستند و ربطی به دخالت مستقیم توده مردم در امر حکومت و تصویب و اجرای قوانین و سیاست‌ها ندارند. چه دلایل و استدلالاتی برای اثبات این نظر وجود دارد؟ و اینکه شما به‌عنوان مخالفین دمکراسی پارلمانی، به دنبال چه نوع حکومتی هستید که تضمین کننده امکان دخالت توده مردم باشد؟

کاظم نیکخواه: اول بگویم که ما دموکراسی

پارلمانی را به حکومت‌های خودکامه و فردی ترجیح می‌دهیم. اما بحثمان این است که پارلمان و کلاً دموکراسی غربی برخلاف آنچه ادعا می‌شود حتی در پیشرفته‌ترین و کامل‌ترین شکل آن، چیزی جز بسط پایه اجتماعی دولت‌های سرمایه‌داری نیست. مردم رأی می‌دهند تا حکومت و دولتی سرکار بیاید و چهار سال به نیابت از آنها هر کار خواست بکند. موانع زیادی هم تعبیه شده که نشود جلوی آنها را گرفت. دموکراسی به حاکمیت طبقه سرمایه‌دار مشروعیت و ظاهر مردمی می‌دهد. به تجربه دموکراتیک‌ترین جوامع نگاه کنید! دولت‌های دموکراتیک تماماً دولت‌های طبقه سرمایه دارند و از استثمار کارگران و سیستم سرمایه‌داری قاطعانه دفاع

می‌کنند. اما با دمکراسی و انتخابات می‌توانند ادعا کنند که حکومت‌های مردمی هستند. این دولت‌ها حتی آزادترینشان ربطی به مصالح مردم ندارند. حتی در میان طبقه حاکم فقط آنها که پول و ثروت‌های بیشتری دارند و می‌توانند تبلیغات انتخاباتی مؤثر و گسترده‌ای داشته باشند و احزاب اصلی آنها را ساپورت می‌کنند، جلو می‌آیند. ترامپ و بوش و برلوسکونی و بوریس جانسون اصلاً محبوب‌ترین چهره‌های سرمایه‌داران نبودند بلکه جزو ثروتمندترین‌هایشان هستند. در همین سال‌های اخیر شاهد بودیم که در آمریکا برنی ساندرز بسیار محبوب‌تر از همه سیاست‌مداران دموکرات بود اما چون خود را چپ و سوسیالیست می‌دانست حزب دموکرات او را کاندید نکرد و

بایدن را جلو انداخت. ترامپ وقتی که اول بار به قدرت رسید مطلقاً نه تجربه سیاسی داشت نه محبوبیت مردمی و نه از نظر سیاسی شق‌القمری کرده بود. برعکس بسیار منفور بود. فقط از همه کاندیداها پول بیشتری در اختیار داشت و خرج دستگاه‌های تبلیغاتی و پروپاگاند انتخاباتی کرده بود. الان هم که باز به قدرت رسید با حمایت میلیاردرهایی چون ایلان ماسک و ثروت‌های نجومی خودش جلو افتاد و برنده شد.

پارلمان و سیستم دموکراسی یک‌ذره باعث نمی‌شود که رهبر کارگری یا معلم یا پرستار یا سیاست‌مدار سیاسی چپ زمام امور را در دست بگیرد. علی‌رغم اینکه از مردمی‌ترین سیاست‌ها و حرف‌های روشن دفاع کند.

بنابراین، دموکراسی ربطی به حاکمیت مردم ندارد. دموکراسی یعنی سیستمی که طبقه حاکمش سرمایه‌داران هستند و اینها با هر ترتیبی که شده کاری می‌کنند که نمایندگان همین طبقه چه دموکرات چه جمهوری‌خواه و غیره سر کار بیایند و نه کس دیگری.

ما برای اداره جامعه از سیستم شورایی دفاع می‌کنیم. سیستم شورایی مناسب‌ترین سیستم تاکنون شناخته شده‌ای است که به همه شهروندان نه فقط حق انتخاب کردن و انتخاب‌شدن می‌دهد بلکه امکان دخالت مستقیم می‌دهد. نمایندگان به مفهوم دقیق کلمه مستقیماً از جانب مردم انتخاب می‌شوند، و هر وقت انتخاب‌کنندگان تصمیم بگیرند می‌توانند آنها را عزل کنند. شورا

اختراع کمونیست‌ها نیست. از تجربه واقعی کمون پاریس و روسیه و انقلابات اروپا و حتی اوایل انقلاب ۵۷ استنتاج شده است. مردم در مقاطعی که امکان تصمیم‌گیری یافته‌اند از طریق شوراها خود را سازمان داده‌اند. در دوره کنونی یعنی دوره تکنولوژی ارتباطاتی و مدیای اجتماعی و دهکده جهانی شرایط برای دخالتگری مستقیم مردم در سرنوشتشان و تصمیم‌گیری در مورد زندگی اجتماعی از همیشه عملی‌تر و ممکن‌تر است.

این را هم بگویم که نباید توهم داشت که باوجود سیستم سرمایه‌داری به‌صرف تعویض اداره امور به اداره شورایی وضع به طور اساسی عوض می‌شود. اگر بخواهیم که واقعاً مردم زمام امور را به دست بگیرند باید کل سیستم اقتصادی و

اجتماعی و اداری از سیستم سرمایه‌داری یعنی حاکمیت اقلیت سرمایه‌دار، به یک سیستم سوسیالیستی و شورایی تبدیل شود. نمی‌شود فقط سیستم اداری را عوض کرد و سرمایه‌دار و استثمار و مالکیت خصوصی و غیره سر جایش بماند و انتظار معجزه داشت. سیستم موجود سرمایه‌داری است و سیستم حاکمیت هم هر کارش بکنید سرمایه‌داری است.

سرکوب فرهنگی رژیم و بازی‌های اینترنتی

میلاد رسایی‌منش

ستاد امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، به‌عنوان یکی از ابزارهای سرکوب ایدئولوژیک جمهوری اسلامی، بار دیگر به صحنه آمده تا کنترل بیشتری بر زندگی مردم اعمال کند. ادعای محمدحسین طاهری، دبیر این ستاد، مبنی بر نظارت بر "بعد دینی" دستگاه‌ها و ترویج فریضتین، چیزی جز تلاش برای تحمیل ایدئولوژی پوسیده اسلامی نیست. این ستاد ، به دنبال بزرگ‌نمایی ارزش‌هایی است که تنها هدفشان توجیه سرکوب و محدودیت آزادی‌های فردی و اجتماعی است.

سخنان طاهری درباره "آموزش ۴۰ هزار نفر" و "طراحی بازی امربه‌معروف با ۲۰۰ مرحله"، نمودی آشکار از هدررفت منابع ملی در پروژه‌های تبلیغاتی حکومتی است. درحالی‌که جوانان ایران با بحران‌هایی چون بیکاری، فقر و سرکوب آزادی‌های بنیادین مواجه‌اند، حاکمیت به‌جای پاسخگویی، سرگرم تولید بازی‌هایی برای کنترل افکار عمومی است.

این رویکرد به‌وضوح نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی برای بقای خود مجبور به استفاده از ابزارهای سرکوب فرهنگی و دینی است. نشست‌های به‌اصطلاح "علمی" و تبلیغاتی در دانشگاه‌ها، تنها بخشی از تلاش‌های عبث حکومت

برای خنثی کردن خواسته‌های آزادی‌خواهانه نسل جدید است.

اما این نسل آگاه و جسور سال‌ها است از این خزعبلات، از حکومت و اسلام و افکار پوسیده‌اش عبور کرده است. تلاش‌های حکومت برای بقای ایدئولوژی شکست‌خورده‌اش در میان اعتراضات گسترده مردم، به‌ویژه جوانان، بی‌ثمر است. تنها راه نجات، پایان‌دادن به این حکومت و برقراری نظامی مبتنی بر آزادی، عدالت و احترام به کرامت انسانی است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۴۳

۲۲ ژانویه ۲۰۲۵ – ۳ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره آذر پویا

در این شماره ژورنال:

اعتصاب سراسری و قدرتمند مردم کردستان علیه اعدام

عبدل گلپریان

زندانی سیاسی از دیروز تا امروز

مصاحبه با شهره قنبری زندانی سیاسی سابق

هیاهوی پوچ توافق راهبردی ایران و روسیه

سیامک بهاری

فروپاشی اقتصادی و مبارزه متحدانه مردم

سینا پدرام

قضات قاتل و "آبدارچی قهرمان"

آذر پویا

اعتصاب سراسری و قدرتمند
مردم کردستان علیه اعدام

عبدل گلپریان

همانطور که قابل پیش بینی بود در کردستان اعتصاب عمومی باشکوه و قدرتمندی علیه صدور حکم اعدام برای وریشه مردادی، پخشان عزیزی و دیگر زندانیان سیاسی محکوم به اعدام با موفقیت برگزار شد. مردم این بار هم در پاسخ به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران و احزاب سیاسی در کردستان، متحد و یکپارچه به احکام و مجازات ضدانسانی اعدام نه گفتند.

این اعتصاب شکوهمند علی‌رغم تهدیدات

دستگاه‌های اطلاعاتی و هشدار آنان به مردم، به فعالین اجتماعی و بازاریان برای عدم شرکت در آن یکپارچه در شهرهای سنندج، مریوان، سقز، دیواندره، مهاباد، کرمانشاه، اسلام‌آباد غرب، ایلام، بانه، حسن‌آباد سنندج، قروه و برخی شهرهای دیگر باقدرت تمام برگزار شد. مردم قدرتمندتر از پیش به قاتلان اسلامی فهماندند که منتظر نخواهند شد تا آدمکشان اسلامی جان عزیزانشان را بگیرند و بعد از آن اعتراض و اعتصاب عمومی برگزار کنند، بلکه حرکت و فراخوان به اعتصاب عمومی اینبار از طرف احزاب، نیروهای سیاسی و مردم، قبل از وقوع جنایت توسط جلادان اسلامی داده شد و مردم به میدان آمدند و باقدرت در مقابل جانیان اسلامی ایستادند و برگ زرین دیگری را به کارنامه مبارزاتی

خود افزودند. دستگاه اطلاعاتی رژیم دستپاچه شد و دیدند با تهدید مغازه‌داران کارشان نمی‌گیرد. گفتند "حکم پخشان به‌تعویق‌افتاده" مردم مصمم‌تر خواهان آزادی بی‌قیدوشرط وریشه و پخشان شدند.

این موفقیت نتیجه تلاش وزحمات فعالین عرصه‌های مختلف اجتماعی و توده مردمی است که به این فراخوان پاسخ مثبت دادند و برای "نه به اعدام و آری به‌زندگی"، به‌میدان آمدند وهمچنان محکم واستوار برای لغو حکم اعدام وریشه و پخشان، لغو حکم اعدام زندانیان سیاسی محکوم به اعدام و برچیدن مجازات قرون‌وسطایی اعدام در برابر آدمکشان اسلامی ایستاده‌اند. تلاش همه انسان‌های شریف و آزاده و تمامی فعالین در شهرهای کردستان شایسته

بالاترین قدردانی‌ها است که با تلاش سازمان‌یافته خود این اعتصاب باشکوه را با موفقیت تمام بر گزار و به سرانجام رساندند.

حکومت درمانده اسلامی باید این را دریافته باشد که قبل از دست‌زدن به هر جنایتی با عکس‌العمل سریع و دندان‌شکن مردم روبرو خواهد شد و به کمتر از سرنگونی این رژیم رضایت نخواهند داد.

زندانی سیاسی از دیروز تا امروز

مصاحبه با شهره قنبری زندانی سیاسی سابق

آذر پویا: همانطور که میدانید چیچیلیا سالا خبرنگار رسمی که در ایران حضور داشت و توسط رژیم به گروگان گرفته شده بود، بتازگی بعد از آزادی در مورد تجربیاتش در زندانهای جمهوری اسلامی گفته است. احساس شما که در سنین جوانی بعنوان فعال سیاسی دستگیر و زندانهای جمهوری اسلامی را تجربه کرده اید در مورد این مصاحبه چیست؟

شهره قنبری: آنچه بر چیچیلیا گذشته، شاید تنها گوشه کوچکی از آن چیزی باشد که در زندان‌های جمهوری اسلامی رخ می‌دهد. این در حالی است که

او نه فعال سیاسی بوده و نه اقدامی علیه جمهوری اسلامی انجام داده بود، اما با شرایطی چنین سخت و وحشتناک روبه‌رو شده است. حال می‌توان تصور کرد بر زندانیان سیاسی و فعالانی که در این سال‌ها دستگیر شده‌اند، چه گذشته است.

آذر پویا: میتوانید تجربیات خودتان را از دورانی که در زندان بودید بازگو کنید؟

شهره قنبری: صحبت‌های چیچیلیا، من را به روزهای سیاه دهه ۶۰ برد، زمانی که خودم در زندان بودم و این شرایط را تجربه کردم. شبی که دستگیر شدم، اضطراب تمام وجودم را گرفته بود. وقتی با چشم‌بند وارد محوطه اوین شدم، تنها صدای کلاغ‌ها، سرمای

هوا و سرگیجه ناشی از بی‌خوابی شب قبل را حس می‌کردم. مرا به سمت ساختمانی می‌کشاندند که بعدها فهمیدم ساختمان شعبه‌های بازجویی است.

چیچیلیا از صدای ناله‌ها و فریادهایی که از سلول‌های کناری می‌آمد، گفته‌است. بیاد دارم اولین ساعت‌های حضورم در آن ساختمان وحشتناک با صدای فریادها و ناله‌ها سپری شد. بویی که در لحظه ورود به مشام می‌رسید، بسیار آزاردهنده بود. بعدها متوجه شدم که این بو، بوی کافور است. ساعت‌ها پشت درِ اتاق بازجویی نشسته بودم. صدای شلاق، ناسزا و فریادها تمامی نداشت. تا نیمه‌شب پشت در منتظر بودم، تا اینکه مرا به جایی بردند که با چشم‌بند تنها می‌توانستم حدس بزنم کجاست. از زیر چشم‌بند

دیدم مردی با لباس گرم‌کن مرا به سمتی می‌برد. راهرو پشت راهرو، سکوت شب و حسی از رفتن به ناکجاآباد تمام وجودم را پُر از وحشت کرده بود. اما این ترس نه از سرنوشتی که انتظارم را می‌کشید، بلکه از این بود که آن مرد در این تاریکی و خلوت شب با من چه خواهد کرد؟

به اتاقی رسیدیم. مرد در زد و زنی در را باز کرد. مرا به آن زن تحویل داد. زن گفت: "چشم‌بندت را بردار". اتاق تاریک بود و کم‌کم چشمم به آن تاریکی عادت کرد. اتاق پر از زندانیانی بود که کنار هم دراز کشیده بودند. بوی خونابه می‌آمد. همه شکنجه شده و زیر بازجویی بودند. زن گفت: جایی پیدا کن و بخواب. با سختی جایی پیدا کردم

و پلک‌های خسته‌ام به زور بسته شد. انگار فقط چند ثانیه گذشته بود که صدای خشن همان زن مرا بیدار کرد: "بلند شو، نوبت بازجویی توست."

در حالی که هنوز نیمه‌خواب بودم، به زور چشمانم را باز کردم، اما ذهنم همچنان خواب بود. زن گفت: سریع‌تر، زود باش، برادر منتظرته، "برادر" گوشه چادرم را گرفت و مرا از راهرویی به راهروی دیگر برد. سرانجام در جایی گفت: بنشین و منتظر باش .

چیچیلیا گفته بود که در اتاق بازجویی، دو نوع رفتار وجود داشت: یکی با چای یا سیگار سعی می‌کرد آرامش دهد، و دیگری تنها فریاد می‌زد و تهدید می‌کرد.

بخاطر دارم ساعت نزدیک ۴ صبح بود. نمی‌توانستم خودم را بیدار نگه دارم. مغزم خسته بود و بدنم از شوک دستگیری، بی‌خوابی و شنیدن صدای شکنجه‌ها در راهروهای بازجویی، از کار افتاده بود. ناگهان حس کردم دو نفر نزدیکم شدند. اسمم را پرسیدند و گفتند: "می‌دونی کجایی؟" یکی از آن‌ها گفت: "می‌دونم آدم باهوشی هستی، عاقلانه رفتار کن " و با آرامی در گوشم می‌گفت: "بیا اسمشون رو بگو، راحت شو، سریع برگرد خونه". وقتی جوابم "نه" شد و گفتم کسی را نمی‌شناسم، وعده "نان شیرینی" تبدیل به "چماق" شد. فریاد زد، مشتی به سرم کوبید و گفت: آدم بشو نیستی!

مرا به شعبه ۶ بردند. منتظر شدم تا تخت شکنجه خالی شود. وقتی نوبت من رسید، تخت، پتو در دهان، دست‌هایی بسته و بازجویی که شلاق می‌زد.

اینها فقط گوشه کوچکی بود از آنچه که در شکنجه گاههای جمهوری اسلامی بر ما گذشت. چیچیلیا و سایر گروگانهای آزاد شده حتما اتفاقات مشابه زیادی را تجربه کرده اند. بی جهت نیست که الان شاهد اعتراضات وسیع در داخل زندانها هستیم. شاهد هستیم که زندانیان در زیر تیغ اعدام هم به مبارزه خود ادامه میدهند و این اتفاقی باشکوه و امیدوارکننده است. به امید رسیدن به یک جامعه بدون زندان و شکنجه.

هیاهوی پوچ توافق راهبردی ایران و روسیه

سیامک بهاری

جمهوری اسلامی بیش از چهار سال برای تحقق این توافقنامه، به هر چاهی که روسیه برایش کنده افتاده است تا در مقابله با قیام مردم ایران، روسیه را در کنار خود داشته باشد. پیمان‌نامه‌ای که علاوه بر همکاری اقتصادی، قرار است مکانیسمی برای استفاده از ریال و روبل عملاً همکاری استراتژیک امنیتی و نظامی و اطلاعاتی ایجاد کند. حکومت اسلامی اصرار دارد "توافق جامع راهبری با روسیه" بخواند!

توافق‌نامه‌ای که علیرغم هیاهویی که حول آن راه

انداخته شده، عملاً خاصیتی بیش از یک پروپاگاندای سیاسی بی حاصل ندارد. نه استراتژیک و پایدار، که شکننده و در مقابل تناسب قوا در مقابله با غرب فَشَل و بی‌فایده است.

جمهوری اسلامی در تقلا برای خروج از انزوای کشنده، برای نجات از تهدید بی‌پایان انقلاب مردم ایران، در هراس از تغییر قدرت در کاخ سفید و نفوذ بلوک غرب و رقبای منطقه‌ای، بر بستری از بحران‌های خرد کننده سیاسی و فروپاشی اقتصادی، در بن‌بست استراتژی "نگاه به شرق" به امام‌زاده بی معجزه‌ای توسل جسته است.

جمهوری اسلامی اکیداً محتاج این است نشان دهد

بعنوان شریک راهبردی با روسیه در پناه یک توافق بیست ساله می‌تواند ماندگار بماند. تأکید دارد که خود را به گمراهی بزند و به روی خود نیاورد که روسیه نه تنها نتوانست بشار اسد را در سوریه حفظ کند؛ نه تنها جمهوری اسلامی را در حملات اسرائیل در سوریه حمایت نکرد؛ نه تنها مالکیت جمهوری اسلامی بر سه جزیره را به رسمیت نشناخت؛ نه تنها در مقابل تحریم‌های سنگین غرب کنار جمهوری اسلامی نایستاد، بلکه حتی رابطه راهبردی با جمهوری اسلامی را در حد و قواره کشورهایی چون بلاروس و کره شمالی ارتقاء نداد. روسیه نشان داده عملا نمی‌خواهد زیر بار تعهد به همکاری دفاعی در مقابله با حملات احتمالی آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی برود. مافیای حکومت اسلامی

پناهی بجز مافیای حکومت روسیه برایش باقی نمانده است.

اما بن بست اینجاست! سنگر مردم علیه حکومت! مبارزه‌ای بی‌امان که بی اعتنا به این "دستاوردهای قلابی استراتژیک"، راه خود را می‌پیماید. این را شهرهای کردستان که با سربلندی در اعتصاب عمومی قدرتمندی به سیاست سرکوب جمهوری اسلامی "نه" می گویند، فریاد می‌زند!

این توافقنامه هم حکومت را از سقوط محتوم نجات نخواهد داد. جمهوری اسلامی آگاه است که دارد بر باد تکیه می کند! این نمای واقعی بن‌بست کنونی مافیای حکومتی است!

فروپاشی اقتصادی و مبارزه متحدانه مردم

سینا پدرام

بهمن عشقی، مشاور عالی رئیس اتاق بازرگانی تهران گفت: وزیر نیرو اخطار می‌کند ناترازی برق داریم، وزیر راه می‌گوید اتوبوس، جاده و زیرساخت نداریم، مسئول دیگر می‌گوید آب و گاز نداریم. یواش یواش به مردم می‌گویند خودتان بروید اینها را تامین کنید. او افزود: "عذرخواهی از مردم کافی نیست. با این وضعیت نقش حاکمیت چیست؟

حکومتی که کاملا از خود در مقابل شهروندان سلب مسئولیت کرده است، لایق حتی یک روز حکومت کردن نیست. بدون تردید آقای عشقی میداند که ۴۶ سال است که رژیم اسلامی از خود

سلب مسئولیت کرده و بر گرده مردم سوار شده است.

حکومت دزدان و باندهای مافیایی که با سرکوب و اعدام حکومت کرده اند و از طرف مردم به عنوان اشغال گر تلقی شده اند، در هیچ مقطعی برای رفاه مردم اقدامی نکرده اند و به درست مردم حکم رفتن رژیم اسلامی را دهه ها پیش اعلام کرده اند. مشکل این است که با ادامه حیات این رژیم به مشکلات مردم افزوده خواهد شد و به قربانیان این رژیم نیز اضافه خواهد شد.

انقلاب زن زندگی آزادی نشان داد که تنها با مبارزه متحدانه میتوان این رژیم را به عقب راند. سیاست حجاب اجباری و طرح "حجاب و عفاف" رژیم

بواسطه یک مبارزه متحدانه به باتلاقی برای رژیم تبدیل شده است.

میتوان به شکل متحدانه از پرداخت هزینه های آب، برق و گاز سر پیچی کرد و خدمات رفاهی بیشتری را مطالبه کرد. با هر قدم به جلو و با هر پیشرفتی در راه کسب مطالبات خود میخی بر تابوت رژیم کوبیده میشود.

امروز اعتصاب عمومی در کردستان بر علیه احکام اعدام و بویژه حکم اعدام پخشان عزیزی، وریشه مرادی، عباس دریس و دیگران، راه عقب راندن رژیم را نشان میدهد. رژیم اسلامی فقط یک زبان میفهمد: زبان مبارزه متحدانه مردم.

قضات قاتل و "آبدارچی قهرمان"

آذر پویا

رسانه‌های رژیم به نقل از محمدجعفر منتظری، رئیس دیوان عالی کشور جزئیات تازه‌ای از نحوه ترور محمد مقیسه و علی رازینی را منتشر کردند. او تأیید کرد که ضارب بدون هر نوع سابقه کیفری بوده و هیچ نوع حکم یا پرونده‌ای در دیوان نداشته است.

مقیسه و رازینی روز ۲۹ دی بر اثر شلیک فردی بنام فرشاد اسدی که رسانه‌های رژیم او را "کارمند بخش خدماتی" و "آبدارچی" با سابقهٔ ده سال کار در کاخ دادگستری معرفی کردند، کشته شدند.

محمد مقیسه و علی رازینی دو تن از منفورترین قضات شرع حکومت اسلامی در میان مردم بودند.

در جامعه ای که از هر سو مردم در زیر شدیدترین فشار های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هستند؛ در شرایطی که حتی نزدیکان حکومت هم صدایشان در آمده و سوابق ناپاکشان را افشا میکنند، فرشاد اسدی که سالها از نزدیک شاهد صدور احکام مرگ جوانان بوده است آتش خشمش شعله ور شده و در آنروز گلوله نفرتش را در سینه این دو قاضی جانی خالی کرده، سرانجام خودش را نیز میکشد. اردیبهشت ماه سال گذشته نیز شاهد اتفاق مشابهی بودیم. محمدرضا حبیبیان نگهبان بانک ملی بابلسر، عباسعلی سلیمانی

نماینده مجلس خبرگان را کشت و هزاران نمونه دیگر، همگی گویای تنفرعمیق مردم از وضع موجود است. فرشاد اسدی نیز چاره دردش را در خلاصی از دست این دو قاتل حرفه ای میبیند و آنها را با شلیک چند گلوله روانه بهشت موعوشان میکند. مردم و بخصوص خانواده های دادخواه از شنیدن این خبر شادیها کردند و ضارب لقب "آبدارچی قهرمان" گرفت.

ما نیزضمن اظهار خوشحالی تاکید میکنیم که اینگونه عکس العملهای فوری و فردی چاره کار نیست. با اعتصابات سراسری از جنس همین اعتصابی که امروز در کردستان در جریان است و با جمع شدن در تشکلهای مختلف و با اعتراضات

و اقدامات جمعی میتوان رژیم را به زیر کشید.
ما هم بمثابه همه کسانی که تیغ بی رحمی جمهوری اسلامی را بر تنشان حس کرده اند، در فردای سرنگونی این جانیان خواهان محاکمه همه مهره های ریز و درشت و بانیان ظلم و ستم در دادگاهی مردمی هستیم تا پرده از تمام جنایاتشان برداشته شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۹۴۴

۲۳ ژانویه ۲۰۲۵ – ۴ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

اعتصاب عمومی در کردستان،نه به اعدام آری به زندگی

نسان نودینیان

وقتی خامنه‌ای از توهمات می‌گوید

رضا درویش

خمینی، تجسم تباهی مذهبی و ستم طبقاتی

سینا پدرام

بازگشت ترامپ، تسلیم خامنه‌ای

محسن ابراهیمی

اعتصاب عمومی در کردستان
نه به اعدام آری به زندگی
نسان نودینیان

محسن ابراهیمی: چهارشنبه سوم بهمن‌ماه ۱۴۰۳ اعتصاب گسترده در شهرهای سنندج، بوکان، سقز، مهاباد، بانه، مریوان، دیواندره، کامیاران، ایلام، اسلام‌آباد غرب، قروه، حسن‌آباد سنندج و بخش‌هایی از کرمانشاه برگزار شد. مغازه‌ها و بازارها تعطیل شدند. این اعتصاب علیه احکام اعدام وریشه مرادی و پخشان عزیزی و سایر احکام اعدام فراخوان داده شد. اولاً، اعتصاب در چه سطحی انجام شد؟ علی‌رغم اینکه ماشین سرکوب حکومت اسلامی همچنان کار می‌کند،

چطور چنین اعتصابی تحقق پیدا کرد؟

نسان نودینیان: فراخوان به اعتصاب عمومی تصمیمی ابتدابه‌ساکن نبود. این اعتصاب بر بستر اعتراضات گسترده علیه مجازات اعدام و احکام اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی توسط قوه قضائیه جمهوری اسلامی فراخوانده شد. بیش از سه هفته است که در سطح سراسری در شهرهای ایران و در زندان‌ها و در خارج از ایران توسط فعالین سیاسی و فعالین جنبش علیه اعدام و کارزارهای نه به اعدام و زندانیان، اعتراض علیه مجازات اعدام و برای لغو احکام اعدام دو فعال سیاسی زن، پخشان عزیزی و وریشه مرادی شروع شد. پیام‌ها و بیانیه‌ها در محکومیت مجازات اعدام بسیار زیادند، توده‌گیر شده‌اند و فضای سیاسی و

اعتراضی جامعه را تحت‌تأثیر قرار داده‌اند.
تجمع اعتراضی و باشکوه زنان و فعالین اجتماعی در مقابل استانداری کردستان در شهر سنندج در ۲۶ دی‌ماه، نمادی از روحیه اعتراضی مردم معترض به مجازات اعدام بود. بیانیه ۴۵۰۰ نفر از هنرمندان، نویسندگان، شاعران، روزنامه‌نگاران، فعالین مدنی و سیاسی، وکلا و دانشجویان نمادی از همبستگی انسانی علیه مجازات اعدام است.

محسن ابراهیمی: روحیه مردم در شهرهای کردستان و نقاط دیگر نسبت به این اعتصاب چطور بود؟ کلاً برای قدرتمندتر و مؤثرتر کردن چنین اعتصابی چه انتظاری از سایر اقشار مردم باید داشت؟ مردم چه کمکی در این جهت می‌توانند انجام دهند؟

نسان نودینیان: اعتصاب مورد استقبال وسیع مردم قرار گرفت. دوستان زیادی در شبکه‌های اجتماعی با نوشتن کامنت‌هایی خوشحالی‌شان را از موفقیت اعتصاب به‌ویژه قدرتمند شدن جنبش علیه اعدام ابراز کرده‌اند. دوستی نوشته است: "امروز به شهر رفتم. مغازه‌ها بسته بودند، فضایی از سربلندی و غرور در شهر موج می‌زد. غروری که باوجود تمام ناامنی‌ها، همچنان حس زندگی و زنده‌بودن را زنده نگه می‌داشت. این غرور برای آزادی بود، برای نجات جان انسان‌هایی که در خطر اعدام هستند." یکی دیگر نوشته است: "این فریاد "نه به اعدام" در حقیقت، دعوتی است به بازاندیشی در انسانیت و بازگشت به مهربانی و آزادی. که آزادی و زندگی، حق هر انسان است".

اعتصاب بر بستر اعتراضاتی وسیع علیه مجازات

اعدام فراخوانده شد. این اعتراضات که در اشکال مختلف از جمله کارزارهای علیه اعدام به یک جنبش وسیع علیه اعدام شکل داده‌اند را باید وسیع و توده‌ای کرد. باید حمایت از "سه‌شنبه‌های اعتراضی علیه اعدام" که در زندان‌ها جاری است را با برگزاری میتینگ و تجمع مورد حمایت قرار دهیم. دستاوردهای اعتصاب موفق را باید با متشکل شدن و تقویت اعتراضات پیگیرانه علیه اعدام ادامه داد.

به طور واقعی این نیروی اجتماعی و مبارزین جنبش علیه اعدام هستند که باید با متشکل شدن بیشتر پیشروی‌های تا کنونی را تثبیت کنند تا اعتصابات بعدی حتی قدرتمندتر شود. اعتصاب عمومی که به فراخوانده سازمان و حزب سیاسی در کردستان فراخوان داده شده بود، توسط هزاران نفر از فعالین

در کارزارهای نه به اعدام، فعالین کارگری و زنان، معلمان، فعالین اجتماعی و زیست‌محیطی، طیف وسیعی از هنرمندان، خواننده‌ها و فعالین تئاترهای خیابانی، نویسندگان و دانشجویان مورد حمایت قرار گرفت. این همبستگی با اعتصاب عمومی و مبارزه علیه اعدام به یک خواست فراگیر و متحدکننده مردم تبدیل شده است. این پیشروی که بر بستر دستاوردهای زن زندگی آزادی کسب شده را باید تقویت کرد.

وقتی خامنه‌ای از توهمات می‌گوید

رضا درویش

به گزارش خبر آنلاین در ۳ بهمن ۱۴۰۳ خامنه‌ای در دیدار با "سرمایه‌گذاران" گفته است: " آنچه در مقابل چشم دنیا در حال رخ‌دادن است شبیه به افسانه است." او در این بخش از صحبتش به آتش‌بس در غزه اشاره دارد و آنرا نشانه آشکار زنده‌ماندن مقاومت می‌داند. آری حال و روزی که هم اکنون خاورمیانه دارد شبیه به افسانه‌هایی است که در کتب عهد عتیق آمده است: جنگ‌های پی‌درپی بر سر تصرف خاک همسایگان، جنگ‌های متعدد که توسط رهبران فاسد و مذهبی مدعی نمایندگی از طرف خدایان، خدایان کشتار به

قیمت ازبین‌رفتن جان‌های بی‌شمار و بی‌خانمانی بسیاری از مردم راه افتاده است.

خامنه‌ای می‌گوید ضعیف شمردن ایران ناشی از توهم و خیال‌بافی است. او به تجربه جنگ اشاره کرده و می‌گوید به فضل الهی تجربه جنگ قابل‌تکرار است. جنگ نه به فتح کربلا منجر شد و نه آزادی قدس. تنها تجربه قابل‌تکرار که هم اکنون دغدغه خامنه‌ای و دیگر سران رژیم نیز هست تجربه پایانی جنگ و پذیرش قطعنامه سازمان ملل است. چیزی که خمینی آنرا نوشیدن جام زهر نامید.

خامنه‌ای با متوهم دانستن آنهایی که ایران را

ضعیف می‌شمارند می‌گوید که آینده نشان خواهد داد که چه کسی ضعیف شده است. اما آنچه مردم با جان‌فشانی‌هایشان در عمل نشان داده‌اند این جمهوری اسلامی است که با همه سرکوب وحشیانه‌اش در به‌عقب‌راندن مردم معترض ضعیف و درمانده است.

خامنه‌ای جلسه‌اش با سرمایه‌داران را شیرین ارزیابی می‌کند. او خوب می‌داند که ثروت‌های بادآورده‌ای که او و دیگر سران رژیم با غارتگری و به بهای محرومیت میلیون‌ها انسان نیازمند صاحب شده‌اند برای صاحبان سرمایه به‌راستی یک آرزوی شیرین است. او درعین‌حال اظهار تأسف می‌کند که به علت کم‌کاری‌های رسانه‌ای،

جوانان و دانشجویان و دیگر قشرها از پیشرفت‌های به‌دست‌آمده مطلع نیستند. به‌راستی مردم از کدام عملکرد رژیم بی‌اطلاع‌اند؟ مردم خشمگینی که همه‌روزه کف خیابان علیه فقر، فساد، گرانی رژیم را به مصاف می‌طلبند.

خمینی، تجسم تباهی مذهبی و ستم طبقاتی

سینا پدرام

حسن خمینی، نوه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی گفت: "امام شخصیتی بود که با اثر معنوی‌اش، انسان‌ها را بهتر کرد لذا در آن دوران مال‌اندوزی نمی‌کردند."

خمینی یکی از مرتجع‌ترین و جنایت‌کارترین شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران و جهان به شمار می‌رود. بررسی شخصیت‌های ارتجاعی بدون شک می‌تواند شرایط اجتماعی سیاسی مشخصی که باعث به قدرت رسیدن آن‌ها شده است را روشن کند. شخصیت‌های جنایت‌کار

ارتجاعی معمولاً در بستر سیاسی و اجتماعی خاصی شکل می‌گیرند که در آن‌ها می‌توان ترکیبی از ویژگی‌های روانی و ایدئولوژیک را نیز مشاهده کرد. خمینی نیز مانند بسیاری از جنایت‌کاران که اعتقادات راسخ به ایده‌های فاشیستی و مذهبی دارند پدیده‌ای بود مملو از روان‌پریشی، زن‌ستیزی، کودک‌آزاری، پدوفیلی، تحقیر انسانیت و نداشتن هر گونه همدلی ساده با دیگران، بی‌رحمی دیوانه‌وار، مالیخولیا و پارانویای قدرت و در مورد خاص او بی ربطی کامل با دوره‌ای که در آن زندگی می‌کرد.

در سطح سیاسی، خمینی در دوران جنگ سرد به قدرت رسید، زمانی که رژیم سلطنتی با سرکوب

هر صدای چپ و آزادی‌خواهانه، و از سوی دیگر با استفاده از مذهب به‌عنوان ابزاری برای مقابله با کمونیسم، امکان حیات دوباره ارتجاع مذهبی را پس از انقلاب مشروطه در ایران فراهم کرده بود. خمینی در رأس حکومت اسلامی با تبلیغ خشونت در جامعه، در هر سطح ممکن و عادی‌سازی آن در روابط انسانی، فرهنگ مرگ‌پرستی را رواج می‌داد.

سیاست کشتار صدها هزار انسان در جنگ و زندان و اعدام به اسم نجات "اسلام" و در اصل برای نجات و تثبیت حکومت اسلامی، شاید وحشیانه‌ترین بخش حیات خمینی بود که حتی پس از او توسط خامنه‌ای و شرکا دنبال شده و

نهادینه شد. خمینی و حکومت اسلامی، خشونت طبقاتی را از سلطنت به ارث برد و با ارتجاعی‌ترین آرمان‌های مذهبی به جامعه تحمیل کرد.

تباهی و فساد، فقر و محرومیت، و ستم در تمامی سطوح، میراث واقعی خمینی برای مردم ایران است. به همین دلیل، انقلاب زن زندگی آزادی به مبارزه علیه تمامی ستم‌های جنسی، فرهنگی و طبقاتی، در پیچیده‌ترین شکل‌های آن، پرداخته است. انقلابی که تصویر خمینی را از ماه به منجلاب روانه کرده است و آفاق انسانی را در برابر چشم جهانیان قرار داده است.

بازگشت ترامپ، تسلیم خامنه‌ای

محسن ابراهیمی

مراسم سوگند ریاست‌جمهوری ترامپ را مخصوصاً دودسته با دقت دنبال کرده‌اند: سیاست‌مداران فاشیست دست راستی در دنیا و حکام اسلامی در ایران. حتماً حتی شخص خامنه‌ای هم چهارزانو به تلویزیون زل‌زده بود تا بداند شارلاتان فاشیست در آمریکا برای شیاد حاکم در ایران چه نقشه‌ای دارد. ترامپ اما حتی یک کلمه هم درباره جمهوری اسلامی نگفت!

حتماً سکوت ترامپ در آن سخنرانی، آشفته‌بازار رابطه با آمریکا در میان حکام اسلامی را آشفته‌تر

کرده است. این سکوت می‌تواند یک موذیگری نوع ترامپی باشد، اما سیاست ترامپ در دوره دوم ریاست‌جمهوری اساساً همان خواهد بود که در دور اول آغاز کرد با این تفاوت که این بار جمهوری اسلامی وضعیت هشت سال پیش را ندارد. این بار توپ ترامپ پرتر است و توپ جمهوری اسلامی اصلاً باد ندارد!

خامنه‌ای از یکطرف تا خرخره در باتلاق اقتصادی و سیاسی گیرکرده است و آرزو می‌کند ترکیب رئیس‌جمهور ساده‌لوح و جواد ظریف حقه‌باز بتواند روزنه‌ای برای مذاکره باز کند و از طرف دیگر از ریزش هوادارانش نگران است که از او شنیده‌اند مذاکره با ترامپ ممنوع است، ترامپ

تقاص کشتن سلیمانی را پس خواهد داد و به زباله‌دان تاریخ خواهد پیوست! او مجبور است پزشکیان و ظریف را برای گدایی مذاکره اعزام کند و درعین‌حال خودش به لاف و گزافش ادامه دهد. تناقضی که در صفوف نظام، از مجلس اسلامی تا شورای نگهبان تا امامان جمعه و آیت‌الله‌ها و سرداران سپاه به اشکال مختلف بروز می‌کند.

ترامپ در مراسم تحلیفش در باره جمهوری اسلامی سکوت کرد. اما هم راه مذاکره را باز گذاشته است و هم تیم ترامپ علناً اعلام کرده برای جلوگیری از اتمی شدن حکومت اسلامی گزینه نظامی هم روی میز است. یعنی اینکه ترامپ با یک‌دست هویج تعارف می‌کند و با

دست دیگر چماق بالای سر خامنه‌ای می‌چرخاند. سؤال در مقابل خامنه‌ای و حکام اسلامی این است که در تصورشان، از میان هویج و چماق کدام ممکن است سقوطشان را کمی عقب بیندازد.

واقعیت اما این است که در صفحه شطرنج سیاسی میان امریکا و جمهوری اسلامی، خامنه‌ای در موقعیت زوگزوانگ قرار دارد. موقعیتی که در آن هر حرکتی وضعش را بدتر و موقعیتش در مقابل مردم را ضربه‌پذیرتر می‌کند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۴۵

۲۵ ژانویه ۲۰۲۵ – ۶ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاید

در این شماره ژورنال:

پاسخ جنایت، جنایت نیست!

متن پیاده شده از مصاحبه برنامه "چرا؟" با حمید تقوایی

خفه‌خون بگیر ای ضد بشر!

حسن صالحی

قالیباف و قلب مردم

سیما بهاری

نوستالژی جنگ سردی ترامپ علیه کوبا

محسن ابراهیمی

پاسخ جنایت، جنایت نیست!

متن پیاده شده از مصاحبه برنامه "چرا؟"

با حمید تقوایی

سیاوش مدرسی: دختربچه‌ای ۷ساله به نام "نیان چلیانی" در شهر بوکان به دلیل آزار و تجاوز جنسی به قتل رسید. در اعتراض به این جنایت مردم بوکان وسیعاً به خیابان آمدند، اما یکی از کارگزاران حکومت در اوج اعتراض مردم کردستان و سراسر ایران علیه اعدام‌ها، در جمع مردم بالای سکو می‌رود و می‌گوید مسببین این جنایت را باید همین‌جا به دار کشید و سنگسار کرد! دراین مورد چه نظری دارد؟

حمید تقوایی: مردم کاملاً حق دارند از این جنایت خشمگین و عصبانی و از عاملینش متنفر باشند. به یک دختربچه خردسال تجاوز می‌شود و بر اثر این تجاوز کودک جان می‌بازد. و بعد مردمی که این خبر را می‌شنوند خشمگین و معترض به خیابان می‌ریزند. این کاملاً قابل‌فهم است. اما از این شرایط حکومتی که زمینه چنین تجاوزاتی را فراهم کرده دارد سوءاستفاده می کند تا باز قلدری و ماشین سرکوب و کشتار، و اینبار سنگسار را به رُخ جامعه بکشد.

نکته اول این است که در قوانین این کشور دختر ۹ ساله زن بالغ محسوب می‌شود و می‌توان این کودک را صیغه کرد یا "عقد شرعی" کرد یا حتی به ازدواج یک مرد ۵۰ - ۶۰ ساله درآورد.

این حکومت فرهنگی را دامن می‌زند و شرایطی را ایجاد می‌کند که این نوع جنایت‌ها هم در آن اتفاق می‌افتد. من فکر می‌کنم جانی اصلی جمهوری اسلامی است که نه‌تنها در قوانینش هیچ جا حقوق کودک ذره‌ای رعایت نمی‌شود، بلکه برعکس به معنی واقعی کلمه به تجاوز جنسی به کودک و کودک‌همسری مشروعیت داده است. حتی ازدواج دختران بزرگ‌تر تنها با اجازه مردان فامیل مجاز است. زن نمی‌تواند طلاق بگیرد مگر اینکه شوهرش رضایت بدهد. همه اینها از زن و حتی از دختربچه‌ها یک برده جنسی برای مردان می‌سازد. این فقط فرهنگ نیست، بلکه در قوانین جمهوری اسلامی تثبیت شده و سیاست رسمی حکومت است. در جامعه‌ای که حکومتش رسماً تجاوز به دختربچه‌ها را قانونی کرده، کسانی هم

پیدا می‌شوند که دست به چنین اعمالی می‌زنند. منظورم این نیست به‌خاطر فرهنگ و قوانین جمهوری اسلامی متجاوز و قاتل را بی‌گناه بدانیم.

این متجاوزین باید مورد پیگیرد قرار بگیرند و محاکمه و مجازات بشوند، اما شرایط اجتماعی و قوانینی که بستر چنین جنایت‌هایی را فراهم می‌کند و به آن امکان می‌دهد را باید محکوم کرد. و بخصوص تمام‌قد باید در برابر سنگسار و اعدام ایستاد. برای من خیلی عجیب بود که جمهوری اسلامی بعد از سال‌ها که از سنگسار حرفی نمی‌زد، و بعد از آن اعتراضات جهانی علیه سنگسار سکینه محمدی آشتیانی عملاً سنگسار را کنار گذاشته بود، حالا مجدداً دارد این را علم می‌کند. جانیان حاکم تنفر بجای مردم از این

وضعیت را دیده‌اند و دارند سوءاستفاده می‌کنند.
ما همین چهارشنبه شاهد اعصاب موفق مردم
در کردستان علیه احکام اعدام پخشان عزیزی
و وریشه مرادی بودیم. حکومت دارد به این
حرکت جواب می‌دهد. در مقابل حرکت پیشرو
و مترقی مردم علیه اعدام می‌گوید باید این افراد
را نه‌تنها اعدام که سنگسار کرد و به خیال خودش
می‌خواهد تأیید مردم خشمگین برای اعدام و
سنگسار را با خودش داشته باشد. باید در برابر
این هوشیار بود. در عین اینکه این جنایتکاران
متجاوز باید به شیوه‌ای عادلانه و مدرن و امروزی
محاکمه بشوند، باید در برابر جنایت دیگری که
حکومت به این بهانه می‌خواهد انجام بدهد، یعنی
در مقابل سنگسار و اعدام، قاطعانه ایستاد!

خفه‌خون بگیر ای ضد بشر!

حسن صالحی

کاظم غریب‌آبادی، معاون بین‌الملل وزارت خارجه جمهوری اسلامی در نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو گفت: ”.“ایران در زمینه حقوق بشر پیشرفت جدی داشته است.“

ما نوعی از ”بشر“ در ایران داریم که البته وضعشان خیلی خوب شده است. اینها انگل‌هایی هستند که به آنها آیت‌الله‌ها و آقازاده‌های میلیاردر می‌گویند که پول پارو می‌کنند. این نوع ”بشر“، کسانی هستند که خود را از ”ژن برتر“ و مستحق این می‌دانند که به غارت و چپاول منابع ثروت کشور بپردازند. نوع

”بشر“ جمهوری اسلامی همان حاکمان ستمگری هستند که از خون و جان مردم تغذیه می‌کنند و خود را فربه می‌سازند. منظور آنها ”بشری“ است که خود را فرستاده خدا بر روی زمین می‌داند تا در همدستی با خدای ظالمشان جهنم برای ما و بهشت برین را برای مفت‌خوران ایجاد کنند.

اینها البته همیشه وضع و حالشان خوب بوده است و صدالبته که ”پیشرفت“ هم داشته‌اند. عجیب نیست که معاون بین‌المللی وزارت خارجه رژیم این را می گوید. وضع این اقلیت مفتخور و ستمگر به قیمت نقض حقوق اساسی مردم ایران خوب شده است. وضع اکثریت مردم با اینچنین حکومت فاسد و ظالمی از بد هم بدتر است. ”بشری“ که جمهوری

اسلامی از آن حرف می‌زند منظور خودشان است و نه مردمی که اسیر این رژیم تبهکار هستند.

مردم ایران صدالبته کرامت و حرمت انسانی را می‌خواهند. مردم ایران در کارخانه و مراکز کار و تحصیل و در خیابان، روزانه حقوق ضایع شده خود را طلب می‌کنند. مردم ایران مثل همه جای دنیا می‌خواهند در آسایش و رفاه زندگی کنند. مردم ایران می‌خواهند فقر و ستم و نابرابری ریشه‌کن شود. مردم ایران می‌خواهند که انسانیت و پاسخگویی به نیازهای انسان در مرکز توجه جامعه باشد. مردم ایران زن زندگی آزادی می‌خواهند.

جمهوری اسلامی ضد بشر است. وقتی این جانیان

در مجامع بین‌المللی اینگونه بیشرمانه از "پیشرفت حقوق بشر" در ایران حرف می‌زنند پاسخ ما یک چیز است: این جانیان اسلامی نه فقط نماینده مردم ایران نیستند بلکه نمایند سرکوب و جنایت علیه مردم ایران هستند. اینها باید خفه خون بگیرند و از مجامع بین‌المللی اخراج شوند و در عوض به دلیل جنایت علیه بشریت در دادگاه‌های عادلانه و مردمی محاکمه شوند.

قالیباف و قلب مردم

سیما بهاری

”قالیباف، رئیس مجلس اسلامی می‌گوید: مبنای قدرت جمهوری اسلامی قلب مردم است.“ و اینکه ”قدرت جمهوری اسلامی همراه بودن قلب مردم با نظام اسلامی است.“

مدت‌هاست که جمهوری اسلامی برای روحیه دادن به پیروانش متوسل به چنین اراجیفی می‌شود. تقریباً شش ماه پس از آغاز انقلاب زن زندگی آزادی سران نیروهای سرکوب حکومت، یعنی نزدیک‌ترین یاران رژیم، نشستی با خامنه‌ای داشتند که سندش افشا شد و به دست مردم افتاد. آن سند نشان می‌داد که

حتی یاران حکومت هم قلبشان با حکومت نیست. چه برسد به مردمی که به‌خصوص در دوران این انقلاب نشان داده‌اند که قلب و روحشان با هم است و دارند فریاد می‌زنند: جمهوری اسلامی سرنگون – سرنگون.

ترورهای متعددی که سران رژیم را نشانه رفته‌اند همه نشان‌دهنده همکاری از صمیم قلب یاران و نزدیکان حکومت با دشمنان این حکومت است. فخری زاده، اسماعیل هنیه و قاسم سلیمانی همه را آن خیلی خودی‌های خودی گرا داده‌اند و کشتند. حتی آنها که نانشان را حکومت می‌دهد در ازاء پولی بیشتر به جبههٔ دشمن می‌خزند.

بنابراین، حکومتی که قلب نزدیکان خود را هم با خود ندارد، نمی‌تواند ادعا کند مردمی را با خود همراه دارد که هر روز دارد نانشان را می‌دزدد، قلب عزیزانشان را نشانه می‌گیرد و هر روز بیشتر از روز پیش از هستی ساقطشان می‌کند.

شما نه‌تنها قلب ما را ندارید که قلب همهٔ ما را به گلوله‌های آتش تبدیل کرده‌اید که دارد شما را و حاکمیتتان را می‌سوزاند. ما همه زخم‌خورده ولی قوی و مصمم برای سرنگونی شما روزبه‌روز آماده‌تر و متشکل‌تر می‌شویم. دیدید علیه اعدام چگونه قامتمان را راست کرده‌ایم؟ دیدید علیه حجاب چگونه قلبتان را هدف گرفتیم؟ دیدید که هر حرفی و قانونی که در موردش حرافی می‌کنید چطور ما

را مقابلتان می‌بینید؟ به این خاطر است که ما قلبمان با انقلاب زن زندگی آزادی همراه است. این انقلاب راهمان را روشن می کند و قلبمان را گرم نگه می‌دارد. قلب ما با شما نیست. شما قلب پر از عشق به آزادی و رهایی ما را زخمی کرده‌اید. ما قلب‌های یکدیگر را التیام می‌بخشیم و اینگونه خودمان را قوی‌تر و آماده‌تر می کنیم برای ساختن فردایی بهتر. بی شک دنیای بدون شما دنیای انسانی‌تر و مهربان‌تری خواهد بود.

نوستالژی جنگ سردی ترامپ علیه کوبا

محسن ابراهیمی

یکی از تصمیمات دونالد ترامپ در "عصر طلایی آمریکا"، در ادامه تصمیمش در دور اول ریاست‌جمهوری، قراردادن مجدد کوبا در لیست کشورهای حامی تروریسم است.

دولت بایدن، کوبا را از چنین لیستی درآورده بود با این توضیح: "در حال حاضر هیچ شواهد معتبری مبنی بر حمایت مستمر کوبا از تروریسم بین‌المللی وجود ندارد". قبلاً هم "شواهد معتبر" برای چنین تصمیمی وجود نداشت در حالیکه متقابلاً شواهد زیادی در باره اقدامات متعدد برای

ترور فیدل کاسترو توسط هیئت حاکمه آمریکا به فور وجود دارد.

"جرم" کاسترو چه بود که دولت‌های مختلف آمریکا به‌خاطر آن کوبا را در لیست کشور حامی تروریسم قرار داده بودند؟ او در اوج جنگ سرد، انقلابی برای ساقط کردن مافیای باتیستا در کوبا را رهبری کرده بود. دیکتاتوری که کوبا را به محل چپاول و عیش و عشرت میلیاردرهای آمریکا تبدیل کرده بود. "جرم" کاسترو این بود که آموزش و بهداشت و درمان و مسکن را از چنگال بیرحم سرمایه‌داران خارج کرده بود و هر درجه پیشروی چنین انقلابی به رهبری چپ بیخ گوش آمریکا، می‌توانست محرک

زنجیره‌ای از انقلابات در آمریکای لاتین شود. محاصره بیرحمانه اقتصادی یکی از اهرم‌ها برای به شکست کشاندن آن انقلاب بود که آمریکا رهبری می‌کرد.

دستور ترامپ در رابطه با کوبا مثل بقیه دستورهایش علیه حقوق شهروندان است. مثل تعرضش به زندگی شهروندان در قلمرو بهداشت و درمان و مسکن، قربانی‌کردن محیط زیست در پیشگاه سود و سرمایه و بسیج ارتش برای نابودکردن زندگی میلیون‌ها مهاجر است.

ترامپ آنقدر احمق نیست که نداند دولت‌های آمریکا در رأس قدرتمندترین "دمکراسی" جهان

سرمایه‌داری، همیشه حامی دیکتاتورهایی بوده‌اند که همه‌شان پرونده سنگینی از ترور سازمانیافته شهروندان را زیر بغل دارند. خونتاهای نظامی در آمریکای لاتین از جمله پینوشه، مارکوس دیکتاتور فیلیپین، سوهارتو دیکتاتور اندونزی فقط سه نمونه هستند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۴۶

۲۶ ژانویه ۲۰۲۵ – ۷ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

قتل رازینی و مقیسه سیاسی نیست!؟

سینا پدرام

چاقوی تیز مردسالاری بر گلوی کانی

عزیزه لطف الهی

دیدار طالبان ایران با طالبان افغانستان

منظر دریاکناری

زن و جهان مردانه

کیوان جاوید

قتل رازینی و مقیسه سیاسی نیست!؟

سینا پدرام

بنا به ادعاهای یک مامور سابق وزارت اطلاعات، ضارب قضات رازینی و مقیسه، افسردگی داشت و به خاطر تغییر رسته اش از اداری به خدماتی و کسر حقوق از دو قاضی فوق دلخوری داشته است. جناب رضوی، مامور سابق وزارت اطلاعات، همچنین افزود که "این قتل سیاسی نبود و ضارب به جریانات سیاسی مربوط نبوده است."

یک هفته پس از ترور قاضی رازینی و قاضی مقیسه که هر دو در کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ دست داشتند، اظهار نظرهای ضد و نقیض در

مورد علت یا علل این قتلها از سوی مسئولین رژیم اسلامی مطرح شد. اما نکته جالب توجه در این "جنجالهای اطلاعاتی" روش همیشگی رژیم در پیدا کردن مشکلات روحی در افرادی است که از نظر رژیم "علیه نظام و امنیت کشور" اقدام کرده اند.

"کشف" افسردگی و دیگر بیماری‌های روانی، به روش جدید برای رژیم تبدیل شده است تا واقعیت‌های سیاسی و مشکلات مردم ایران با کل حکومت را پنهان کند. در "اعتراض عریان" آهو دریایی نیز ما شاهد تلاش شبانه روزی رژیم بودیم تا خانم دریایی را یک "بیمار روانی" معرفی کند.

اگر رژیم بپذیرد که عامل ترور این دو قاضی و یا دیگر موارد مشابه در چند دهه قبل، از طرف سازمانهای مخالف خود و یا "جاسوسان" کشورهای همجوار و غیره بوده اند، ضعف اطلاعاتی خود را نشان می دهد. از طرف دیگر، اگر قبول کند که عامل ترور به دلیل مشکلات معیشتی و شغلی دست به این اقدام زده، در واقع جرم رژیم را تایید کرده است.

کشتن این دو قاضی جانی، برای رژیم آنچنان سنگین است که به هر شکلی میخواهد از تبعات سیاسی آن کم کند. همچنین کشتن این دو فرد زنگ خطری برای تمامی حکومتیان است که برای

ادامه حیات باید دنبال "سوراخ موش" باشند.

اینطور به نظر میرسد که همه چیز رژیم وارونه است. عواقب "افسردگی" و "بیماریهای روحی" در همه جای دنیا معمولا گریبان شخص و یا بعضا اطرافیان فرد را میگیرد، اما در ایران تحت حاکمیت آیت الله ها تبدیل به مشکل "امنیتی و سیاسی" برای حکومت میشود.

و بالاخره اگر "افسردگی" اجتماعی وجود دارد باید ریشه آن را در ادامه حیات این رژیم جستجو کرد و تبر را بر همین ریشه کوبید.

چاقوی تیز مردسالاری بر گلوی کانی

عزیزه لطف الهی*

روز شنبه ۶ بهمن کانی عبداللهی، دختر ۱۷ ساله از سوی پدرش "به دلیل ارتباط با یک پسر، با ضربات چاقو به شدت زخمی شد و بر اثر شدت جراحات جان خود را در بیمارستان از دست داد."

این ضربات چاقو پایانی بود بر عشق کانی، این دختر ۱۷ ساله نگون‌بخت که به‌تصادف در تکه‌ای از جهان به نام ایران به دنیا آمده بود که قوانین حاکم بر این کشور به دست هیولاهای عصر تاریک‌اندیشی نوشته شده است. این زن جوان دیگر عشق نمی‌ورزد و در این سن کم در خاک

آرمیده است تا مردسالاران و ناموس‌پرستان و قانون‌نویسان و مجریان قانون اسلامی نفسی به‌راحتی بکشند که از ناموس در برابر رابطه خارج از ازدواج دفاع کردند. دفاعی که با خون ریخته شده کانی امضا شده است و اعتبار یافته است.

این اتفاق شوم درست چند روز بعد در کردستان انقلابی افتاده است که بخش وسیعی از مردم در دفاع از دو زندانی سیاسی زن که در معرض اعدام قرار دارند به میدان آمده‌اند و در برابر جمهوری اسلامی هرگز ساکت نبوده‌اند. این اتفاق در کردستانی افتاده است که تاریخی از جنگیدن تا پای جان علیه جمهوری اسلامی را

در کارنامه خود دارد. این اتفاق در کردستانی افتاده است که در دل انقلاب زن زندگی آزادی علیه جمهوری اسلامی خوش درخشیده است.

این کردستان سرخ و انقلابی در تناقض با آن "کردستان ناموس‌پرست" است. این کردستان دومی به ما مردم آزادیخواه، برابری‌طلب و طرفدار برابری کامل زن و مرد تعلق ندارد. مردسالاری و ناموس‌پرستی دشمن آزادی زن، دشمن رهایی جامعه و مغایر با تمدن بشری است.

این وظیفه دشوار فعالین و مدافعان حقوق زن و طرفداران آزادی زن است که علیه ناموس‌پرستی به‌صورت سازمان‌یافته به میدان بیایند. کم‌توجهی

به این ضعفی که دامن ما را آلوده است، از قدرت انقلاب ما در کردستان و هر کجا که ناموس‌پرستی از میان زنان قربانی می‌گیرد، خواهد کاست. اگر زنی در هر کجای ایران و اینجا در کردستان قربانی ناموس‌پرستی شود همه جامعه و همه پیشروان آزادی جامعه باید یک تن واحد شوند و با این بلای حکومتی و اجتماعی متحدانه مبارزه کنند. ناموس‌پرستی و مردسالاری را همین حالا در همین زمین ناهموار در هم بشکنیم تا کانی‌های ما زنده بمانند و از زندگی لذت ببرند.

* عزیزه لطف الهی مسئول نهاد نه به تابو، نه به خشونت علیه زنان

دیدار طالبان ایران با طالبان افغانستان

منظر دریاکناری

عباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی، یکشنبه ۷ بهمن وارد کابل شد و با امیرخان متقی، سرپرست وزارت امور خارجه حکومت طالبان، دیدار کرد. گفته شده است که "مهاجران افغان" و "حقابه ایران از هیرمند" از جمله موضوعات مورد گفتگو در این سفر است.

هر چند به موضوعات مورد گفتگو در این سفر "تاریخی"، "مهم" و "ارزشمند" بی‌اعتنا نیستیم، اما از زاویه بسیار مهم‌تری باید به این دیدار پرداخت. دیدار دو طالبان حاکم در دو کشور که

درعین‌حال با هم دشمنی هم دارند در شرایط خاصی صورت می‌گیرد.

می‌دانیم جمهوری اسلامی یک حکومت اسلامی از نوع سنی‌اش در افغانستان را که آبش با حاکمان در ایران به یک جوی نمی‌رود را دوست ندارد. از طرف دیگر طالبان نیز دوست ندارد نه‌تنها آبش وارد "رود هیرمند" شود، بلکه اصولاً دوست دارد سر به تن "برادران شیعی" در ایران نباشد. دشمنی اینها البته فقط بر سر تفاسیر مختلف از قرآن و محمد و دعوای علی با عمر و عثمان نیست. اینها دو نوع ویروس متفاوت در یک کالبد هستند که به طور طبیعی همدیگر را دفع می‌کنند. طالبان البته در سیاست خارجی‌اش درس‌های بسیاری

برای جمهوری اسلامی در ایران دارد. طالبان می گوید در خارج از مرزهای افغانستان منافع غرب و آمریکا را به خطر نمی‌اندازد. طالبان قول داده است فقط به جان مردم افغانستان بیفتد تا دول غربی هم به تعامل با آنها برسند و چشم بر جنایاتش در افغانستان ببندند.

اهمیت این دیدار به وضعیت زار جمهوری اسلامی بر می گردد. جمهوری اسلامی در محاصره داخلی و جهانی قرار دارد. اقتصادش به‌گِل‌نشسته، سیاستش در منطقه با خاک یکسان شده و نیروهای نیابتی‌اش در فکر برگزاری عزاداری شب سال خودشان هستند. در این شرایط جهانی جمهوری اسلامی برای زنده‌ماندن و نفس کشیدن

به هر خس و خاشاکی چنگ می‌زند. حالا هم به نظر می‌رسد که طالبان آخرین نقطه امید برای تحقق سیاست "نگاه به شرق" جمهوری اسلامی در مقابل "نگاه به غرب" است.

خدا به رژیم اسلامی رحم کند. قرار است طالبان در افغانستان زیر بال جمهوری اسلامی را بگیرد تا اقتصادش از بحران بیرون بیاید و سیاستش در قبال مردم و جهان نتیجه بدهد. قرار است با این "دید استراتژیکی" در برابر انقلاب مردم ایران جان سالم بدر ببرد. خنده نکنید!

زن و جهان مردانه

کیوان جاوید

دادگاه حقوق بشر اروپا (ECHR) روز پنج‌شنبه در حکمی که به نفع یک زن فرانسوی ۶۹ ساله صادر شد، اعلام کرد که او به دلیل خودداری از داشتن رابطه جنسی با شوهرش، مقصر نیست.

ماجرای این پرونده به سال ۲۰۱۲ میلادی برمی گردد، زمانی که در جریان یک پرونده درخواست طلاق، شوهر این زن از همسرش به دلیل "خودداری از داشتن رابطه جنسی" شکایت کرد. دادگاه فرانسه در زمان صدور این حکم اعلام کرده بود که عدم ادامه روابط جنسی با شوهر به منزله "نقض جدی

و مکرر وظایف و تعهدات زناشویی" است.

پروسه رسیدگی به این پرونده برای سال‌ها طول کشید و درنهایت شکایت این زن به دادگاه حقوق بشر اروپا برده شد و "دیوان به این نتیجه رسید که وجود چنین تعهدی برای زندگی مشترک، با آزادی جنسی و حق استقلال بدنی انسان در تضاد است... هرگونه عمل جنسی بدون رضایت، نوعی خشونت جنسی است."

همه این ماجرای خیره کننده در قرن ۲۱ اتفاق افتاده است، آن هم در فرانسه‌ای که بزرگ‌ترین انقلاب تاریخ بشری را علیه فئودالیسم و مذهب به ثمر رسانده و جهان بعد از این انقلاب را وارد

عصر نوین دیگری کرده است.

در قرن بیست و یکم در جهانی که زیر سیطره مناسبات سرمایه داری قرار دارد، تازه عالی‌ترین دادگاه حقوق بشر اروپا باید دخالت کند و حکم بدهد که "نخیر این جرم زن نیست که بخاطر امضای سند ازدواج نمی‌خواهد تن به رابطه جنسی یک‌طرفه بدهد".

این دنیای عجیب و غریب، بی‌جهت به این سمت نمی‌رود. این تازه اروپای متمدن است که زن در این شرایط زندگی می‌کند. با همین جهان‌بینی نگاهی به زندگی زنان در کشورهای اسلام زده و مردسالار بیندازید تا عمق فاجعه نمایان‌تر شود.

در نگاه به زن باید گفت انگار ماشینی خریده شده است و راننده حق دارد هر کجا و هر زمان که میلش می کشد سوارش شود. انگار ما با انسان روبرو نیستیم و این "شی" که فرهنگ و قوانین حاکم لطف کرده و بعنوان زن از او نام می‌برد برده جنسی مرد است. در این دنیا هنوز باید به‌شدت جنگید تا زن حتی در قوانین به حقی برسد، نه اینکه تماماً بتواند رها شود.

این دنیا نیاز به شخم‌زدن عمیق دارد تا مناسباتی انسانی بر آن حاکم شود. رهایی زن به رهایی از نظامی گره‌خورده است که زن هنوز در آن برده جنسی است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۴۷

۲۷ ژانویه ۲۰۲۵ – ۸ بهمن ۱۴۰۳

سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال:

پایان اعدام پایان نگرانی‌ها

سیما بهاری

نقشه فاشیستی ترامپ برای غزه

محسن ابراهیمی

تأثیر مثبت تضعیف جمهوری اسلامی در خاورمیانه!

نسان نودینیان

دزدی از جیب مردم این بار به بهانه همایش آرایش‌های نوظهور!

عطیه نیک‌نفس

گرانی، فلج اقتصادی و جنبش‌های اجتماعی

سینا پدرام

پایان اعدام پایان نگرانی‌ها

سیما بهاری

”یک منبع مرتبط با زندان اوین روز یکشنبه هفتم بهمن گزارش داد در ساعات گذشته مقامات قضایی مهدی حسنی و بهروز احسانی، دو زندانی سیاسی را به نقطه نامعلومی برده‌اند و نگرانی دربارهٔ احتمال اجرای اعدام این دو زندانی سیاسی افزایش یافته است.“

هفتهٔ گذشته شهرهای اروپا با فریاد نه به اعدام پخشان و وریشه توسط انسان‌های نگران از وضعیت این دو زندانی سیاسی لرزید. هفتهٔ گذشته شهرهای کردستان در اعتصاب عمومی به سر برد. چرا که

نگران اعدام پخشان و وریشه بود.

تاریخ را به عقب برگردانیم. هر روزمان با نگرانی ازدست‌دادن عزیزی می‌گذرد. یک روز شیراز، روز دیگری اصفهان، روزی سمیرم و روزی دیگر هر جایی که سایهٔ نحس حکومت جمهوری اسلامی گسترده است. اعتراض می‌کنیم. فریاد می‌زنیم. جهان را به کمک می‌طلبیم. روزی صدایمان شنیده می‌شود و روزی نه. بیش از چهار دهه است که هر روز نگرانیم. هرگز ناامید نشده‌ایم. همان روزهای سیاه‌سال‌های شصت هم که حکومت دسته‌دسته فرزندانمان را، عزیزانمان را می‌کشت ناامید نشدیم. مشتهایمان را گاهی در پشت و گاهی رو به آسمان گره کردیم و فریاد زدیم. گاه در گلو و گاهی بر سرشان و گفتیم می‌ایستیم و می‌مانیم. تا

امروز ایستادیم. امروز جهان ما را می‌بیند و ما را و صدایمان را می‌شنود. امروز نگران جان مهدی حسنی و بهروز احسانی هستیم. دیگر بس است!

جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین دوران حکومت خودش است. آن روزهایی که شمشیر در هوا می‌چرخاندند و دسته‌دسته می‌کشتند تمام شده. امروز هر پرونده اعدامی برای حکومت عواقب دارد. زیرا صدای ما قوی‌تر از پیش است. زیرا بیشتر شنیده می‌شویم. زیرا زندان‌هایمان هم کانون‌های مبارزه هستند. خانواده‌هایی که فرزندانشان حکم اعدام دارند با هم به کل جامعه فراخوان دهند. از همه بخواهند که برای آزادی آنها که حکم دارند هر کاری از دستشان بر می‌آید انجام دهند. مقابل زندان‌ها باید تجمع کنیم و خواهان آزادی

عزیزانمان شویم. با رسانه‌های خارج که صدایمان را پخش می‌کنند تماس بگیریم و گزارش حال زندانیان و خانواده‌ها را بدهیم. جهان باید موقعیت ما را بداند. جمهوری اسلامی باید در سطح جهانی خود را تحت‌فشار ببیند.

خانواده‌ها باید برای نهادهای حقوق بشری نامه بنویسند، بگویند تنها محکوم‌کردن کافی نیست. جمهوری اسلامی باید ملزم به پاسخگویی به نهادهای جهانی باشد.

نقشه فاشیستی ترامپ برای غزه

محسن ابراهیمی

هر روز که می‌گذرد بیشتر معلوم می‌شود که دونالد ترامپ فقط خطر برای شهروندان آمریکا نیست. ابعاد خطرناک بودن او فراتر از مرزهای آمریکاست.

به اظهاراتش در باره آینده غزه دقت کنید. می گوید از پادشاه اردن، رئیس‌جمهور مصر و دیگر دولت‌های عرب خواسته است که شمار بیشتری از پناهجویان فلسطینی غزه را بپذیرند زیرا غزه یک "خرابه واقعی" است و جابه‌جاشدن حدود یک و نیم‌میلیون غزه‌ای که ممکن است "موقت یا

طولانی" باشد، به "تمیزکردن" غزه کمک خواهد کرد و او ترجیح می‌دهد به‌خاطر سختی زندگی ساکنان غزه، برای آنها "در مکان دیگری" مسکن ساخته شود تا بتوانند در سایه صلح زندگی کنند!

ترامپ با این اظهارات علناً اعلام می‌کند آمریکا حامی تحقق آرزوهای نژادپرست‌ترین سیاست‌مداران حاکم در اسرائیل است. فقط از عهده شخصیت‌هایی مثل ترامپ برمیاید که هم از جابه‌جایی جمعیتی و آواره‌کردن بیش از یک میلیون انسان رنج‌دیده حرف بزند و هم‌زمان برای آنها اشک‌تمساح هم بریزد!

بعد از توحش طوفان الاقصی توسط حماس و

تروریسم اسلامی در ۱۷ اکتبر، نتانیاهو زنجیر ماشین نظامی جهنمی‌اش را پاره کرد، به جان مردم غزه انداخت، ویران کرد، کشتار کرد، آواره کرد و همچنان که بارها از مقامات کابینه نتانیاهو قبلاً شنیده‌ایم، حتی برای آوارگی دائمی مردم غزه هم نقشه‌های شومی روی میزشان دارند. دونالد ترامپ با اظهاراتش علناً پشت همان نقشه‌های ضدانسانی حکام اسرائیل برای جابه‌جایی جمعیتی و آواره کردن مردم دردمند غزه رفته است. نقشه‌ای که تروریسم اسلامی برای جان دوباره بخشیدن به پیکر نزار و نحیفش به نام درد و رنج مردم فلسطین به‌شدت به آن احتیاج دارد.

طرح فاشیستی ترامپ در حمایت از نتانیاهو برای

مردم غزه نسخه بین‌المللی اخراج بیش از ده میلیون مهاجر از خود آمریکا در "عصر طلایی" ترامپ است. هر روز که می‌گذرد بیشتر معلوم می‌شود که هر قدم پیشروی این میلیاردر فاشیست گستاخ در تحقق "عصر طلایی"، خطری جدی نه فقط برای مردم آمریکا بلکه برای مردم در اقصی‌نقاط جهان است. به این اعتبار مقابله با آن باید فراتر از آمریکا و در ابعاد جهانی سازمان داده شود. تظاهرات صدها هزارنفری چند هفته گذشته در شهرهای آلمان علیه حزب نئوفاشیست "آلترناتیو برای آلمان"، حزب موردعلاقه ترامپ و ایلان ماسک نشان می‌دهد که چالش‌های جدی در مقابل ترامپ و همتایان فاشیستش شکل خواهد گرفت.

تأثیر مثبت تضعیف جمهوری اسلامی در خاورمیانه!

نسان نودینیان

محسن المندلاوی، معاون اول رئیس مجلس عراق، اظهار داشته است که تضعیف نفوذ جمهوری اسلامی در خاورمیانه تأثیر منفی بر عراق نخواهد داشت. وی تأکید کرده است که عراق در پی ترسیم مسیر دیپلماتیک مستقل خود و محدودکردن قدرت گروه‌های مسلح (نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی از جمله حشدالشعبی) است.

نگرانی مقامات حکومتی عراق در ارتباط با حضور نظامی و لجستیکی جمهوری اسلامی واقعی است و به ثبات اقتصادی و روابط تجاری عراق و جلب

شرکت‌های خارجی لطمه زده است.

با شکست جمهوری اسلامی و تضعیف نیروهای نیابتی حزب‌الله لبنان و حماس، سقوط بشار اسد در سوریه، رژیم اسلامی در موقعیت ضعیف و ناتوانی قرار گرفته است. اقتدار نظامی، قُرب و اهمیت جمهوری اسلامی با حضور در سوریه و لبنان تعریف شده است.

جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه با حضور نظامی و نیروهای نیابتی نظامی و لجستیکی از موقعیت برتر از دولت‌های منطقه از جمله عراق، لبنان و به درجه‌ای ترکیه برخوردار بود. به همین دلیل سپاه قدس و نیروهای نظامی جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه برای گسترش

و حضور نظامی و "محورهای مقاومت" علیه اسرائیل و آمریکا، نیروها و احزاب سیاسی مخالف از وضعیت تعرضی برخوردار بود. سازماندهی نیروهای مسلح (حشدالشعبی با هزاران بسیج محلی) در عراق در بطن قدرت‌نمایی نظامی، ممکن شده بود.

با حملات ۷ اکتبر حماس در ۲۰۲۳ به اسرائیل، کمک‌رسانی‌های مالی و نظامی جمهوری اسلامی به نیروهای نیابتی در سوریه، لبنان و حماس افت چشمگیری پیدا کرد. "محور مقاومت" در لبنان و سوریه در عرصه نظامی درهم‌شکسته شد. اهداف راهبردی جمهوری اسلامی در سوریه فروریخت و با سقوط بشار اسد شکست استراتژیک جمهوری اسلامی قطعی شد. تأثیرات این شکست در منطقه

خاورمیانه در روابط دولت‌های منطقه سریع بود. ترکیه از حاشیه به بازیگر اصلی در سرنوشت سیاسی سوریه تبدیل شده. رئیس جمهوری منتخب لبنان خواهان خلع سلاح نیروهای نیابتی و مسلح است. عراق درحالی که از حضور نیروهای مسلح وابسته به جمهوری اسلامی در منطقه ناراضی بوده، تأثیرات حضور فعال جمهوری اسلامی در روابط اقتصادی و بین‌المللی از جمله با دولت‌های عربی را مضر دانسته همواره به دنبال فرصت مناسب بیرون‌راندن نیروهای مسلح وابسته به جمهوری اسلامی بوده است.

تلاش آگاهانه برای بیرون‌راندن جمهوری اسلامی از عراق هدف فوری دولت سودانی است.

دزدی از جیب مردم این بار به بهانه همایش آرایش‌های نوظهور!

عطیه نیک‌نفس

دبیر ستاد امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر درباره همایشی که با عنوان "پدیدارشناسی آرایش‌های نوظهور و تأثیر آن بر زیست عفیفانه" برگزار شده گفته است: "اثرات روانی و پزشکی این کار بررسی شد، استادان آن از روحانیون نبودند و عمدتاً پزشک و دکتر بودند. همه چیز رایگان بوده است. همایشی زیبا برگزار شد." درحالی‌که یک رسانه داخلی گفته است: "میلیاردها تومان از جیب مردم هزینه و خرج همایش شده است."

تمام این همایش ضدانسانی و مخصوصاً ضدزن بوده است؛ اول کلمه "عفیفانه" در عنوان این همایش، که تعابیری به‌شدت زن‌ستیزانه دارد و ساخته یک رژیم اسلامی است و برای سرکوب هرچه بیشتر زنان مورداستفاده قرار می‌گیرد. زندگی عفیفانه که طبق تفکر اسلامی فقط هم شامل زنان می‌شود، یعنی حذف زنان از جامعه، تسلط بر بدن زنان و سوءاستفاده جنسی از زنان. دوم یک تفکر به‌شدت ارتجاعی، سرکوبگر و سلطه‌جو به نام اسلام که خود عامل کامل و جامعی برای بدبختی، فلاکت و نابودی زندگی نه فقط زنان بلکه تمام جامعه است، همایش برگزار کرده تا در باب مضرات آرایش و کاشت ناخن هذیان‌گویی کند! درحالی‌که مضرتر از

اسلام هم مگر برای زندگی زنان وجود دارد؟! و سوم همایشی با هزینه‌های گزاف درحالی‌که به دلیل ناکارآمدی همین رژیم ضدانسانی مردم در وضعیت معیشتی بسیار سختی به سر می‌برند تا جایی که حتی تأمین یک نان ساده هم برایشان بسیار مشکل است، و این چیزی جز دزدی از جیب مردم نیست که جمهوری اسلامی هر بار به بهانه‌ای به حقوق مردم دست‌درازی می‌کند.

از همه مهم‌تر اینکه انتخاب شیوه زندگی زنان، پوشش زنان و نحوه زیبایی آنها فقط و فقط به خودشان مربوط است و هیچ‌کس حق دخالت، تصمیم‌گیری و تجاوز به حریم شخصی آنها را ندارد. که البته زنان برابری‌طلب و آزادی‌خواه با

مبارزات درخشانشان این موضوع را فریاد زدند و صدایشان را به خارج از مرزهای ایران اسلام زده هم مخابره کردند.

حرف آخر، هیچ تفکر و قانونی نمی‌تواند به‌اندازه تفکر و قوانین اسلامی بهداشت روانی و جسمی زنان را در معرض خطر جدی قرار دهد. و این تفکر قرون‌وسطایی با مبارزه‌ای همه‌جانبه از پا درمی‌آید.

گرانی، فلج اقتصادی و جنبش‌های اجتماعی

سینا پدرام

در روزهای اخیر روزنامه‌های کشور مملو از خبرهای گران‌شدن مواد غذائی، مایحتاج عمومی، دارو و مواد درمانی و غیره است. با هم به چند خبر نظر کوتاهی بیندازیم.

در گزارشی از خبرگزاری ایرنا، علی‌رضا اذانی، داروساز، به مشکلات تولیدکنندگان دارو اشاره کرد و گفت که کمبود نقدینگی و عدم پرداخت مطالبات از سوی شرکت‌های پخش، موجب کاهش ظرفیت تولید کارخانه‌ها شده است. او افزود که وصول مطالبات به بیش از ۴۰۰ روز رسیده است.

با گذشت یک ماه از راه‌اندازی بازار ارز تجاری، نرخ ارز تخصیص‌یافته به واردات کالاهای غیراساسی به حدود ۶۶ هزار و ۴۰۰ تومان رسیده و این تغییرات موجب افزایش ۵ تا ۲۰ درصدی قیمت لوازم‌خانگی شده است. از سوی دیگر، رئیس انجمن ملی سیب‌زمینی ایران، علت افزایش قیمت سیب‌زمینی به ۵۰ تا ۶۰ هزار تومان را مشکلات عرضه به بازار و عدم ذخیره‌سازی مناسب دانست.

به گزارش خبرگزاری حکومتی تسنیم، با کاهش ۲۰ درصدی واردات برنج در ۹ماهه نخست سال جاری، وزارت جهاد کشاورزی اعلام کرده که تولید ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تن برنج نیاز به واردات را

کاهش داده است. اما شایگان ادیبی، کارشناس کشاورزی، تأکید کرد: "این ادعا، که به معنای افزایش ۳۵ درصدی تولید نسبت به سال گذشته است، با واقعیت‌های تولید سال جاری همخوانی ندارد."

گزارش‌های منتشر شده به نقل از آمارهای رسمی نیز نشان می‌دهد که شکر ۶۶ درصد، برنج ایرانی ۵۶ درصد و روغن خوراکی ۴۰ درصد در آذرماه گذشته نسبت به ماه مشابه سال قبل افزایش قیمت داشته است.

حتی خوش‌بین‌ترین ناظران اقتصادی نیز نمی‌توانند فلج اقتصادی رژیم را نادیده بگیرند. فلج اقتصادی

رژیم ناشی از فلج سیاسی این رژیم نیز هست. رژیم اسلامی نه می‌خواهد و نه می‌تواند به این دو معضل اساسی خود جواب دهد.

پرسش اصلی این است که جنبش‌های اجتماعی مختلفی که در اشکال گوناگون با رژیم اسلامی مبارزه می کنند چگونه و در چه شرایطی قادر خواهند شد که این مبارزات را یک‌کاسه کرده و سوت پایان عمر رژیم را به صدا در آورند. بی شک ایران بنا به‌تمامی داده‌های سیاسی و اقتصادی، آبستن بزرگ‌ترین انقلاب اجتماعی اول قرن ۲۱ است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۹۴۸

۲۸ ژانویه ۲۰۲۵ – ۹ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

قاتلان نیان دستگیر نشده‌اند!

سؤال از اصغر کریمی

تشدید اختلاف سران جمهوری اسلامی در آستانه سقوط

سیامک بهاری

صدای زندانیانی سیاسی و عقیدتی خوزستان باشیم

سهیلا دالوند

۸۰ سال از تسخیر اردوگاه مرگ آشویتس گذشت

محسن ابراهیمی

قاتلان نیان دستگیر نشده‌اند!

سؤال از اصغر کریمی

سوسن صابری: فاجعه دردناک شکنجه و تجاوز به نیان و مرگ او قلب میلیون‌ها انسان در سراسر ایران را بدرد آورد. در این میان چه در شهر بوکان و چه در مدیای اجتماعی و رسانه‌ها، مردم خشمگین بعضاً پدر و فرد متجاوز و بعضاً رژیم و قوانین آن را به‌عنوان مقصرین اصلی این جنایت قلمداد می‌کنند. شما این جنایت و زمینه‌های وقوع آنرا چطور ارزیابی می‌کنید؟

اصغر کریمی: روشن است که افرادی که به این کودک معصوم تجاوز کرده و او را شکنجه

کرده‌اند یا در مخفی‌کردن این جنایات نقش داشته‌اند باید محاکمه و مجازات شوند. اما توجه کنیم که عامل اصلی این تراژدی حکومت اسلامی و همه سازندگان و قانون‌نویسان این حکومت‌اند. حکومت مادر نیان را از سرپرستی او محروم کرده و بعد از سال‌ها دوندگی و شکایت قرار بوده هفته‌ای یکبار نیان را ببیند اما پدر نیان زیر بار نمی‌رود و علی‌رغم شکایت مادر نیان، نیروی انتظامی اقدامی نمی‌کند. علی‌رغم همه اینها فرمانده انتظامی بوکان می‌گوید پدر از هیچ‌چیز خبر نداشته است. همین‌ها نشان می‌دهد که نیروی انتظامی دروغ می‌گوید، پنهان‌کاری می‌کند و شریک جرم است. اقرار این فرمانده حکومتی به‌وضوح نشان می‌دهد که پدر نیان صلاحیت نگهداری او را نداشته ولی دستگاه قضایی مادر را از سرپرستی دخترش محروم کرده

است. مادری که با سال‌ها تلاش موفق می‌شود از شوهرش که او را مورد خشونت قرار می‌داده طلاق بگیرد. همین فاکتورها مسببین اصلی فاجعه را به‌خوبی نشان می‌دهد.

اما این جنبه حقوقی و سطح مسئله است. نیان قربانی حکومتی است که زنان را برده جنسی مرد محسوب می کند و آنها را از هر حقی محروم می کند. تجاوز به کودکان ۹ساله را ازدواج شرعی می‌داند، در قوانینش کوچک‌ترین حقی برای کودک به رسمیت نمی‌شناسد، کودک را در حجاب اجباری می‌پیچد و برایش جشن تکلیف وضع می کند. فعالین حقوق کودک را تحت پیگرد قرار می‌دهد، تشکل‌های مدافع کودکان را ممنوع می کند و با اعدام و سنگسار و شلاق و شکنجه و تجاوز و هر

جنایت دیگری که تصور کنید، از انسان‌ها هیولا می‌سازد.

نیان قربانی چنین سیستمی است و قاتلانش در بیت رهبری و مجلس و دولت و قوه قضائیه و سپاه و نیروی انتظامی نشسته‌اند.

سوسن صابری: در مقابل خشم و تجمع مردم بوکان در اعتراض به این جنایت، فرمانده نیروی انتظامی می‌گوید عاملین این جنایت اعدام یا سنگسار خواهند شد. در این مورد چه نظری دارید؟

اصغر کریمی: این همان فرمانده‌ای است که علی‌رغم اینکه مادر نیان، پس از دوندگی فراوان، موفق می‌شود از دادگاه حکم جلب شوهرش را

بگیرد، به مادر نیان می‌گوید که "شما دخترت را اول پیدا کن، بعد ما می‌آییم حکم جلب پدرش را اجرا می‌کنیم. ما نمی‌توانیم دخترت را پیدا کنیم." حالا همین فرد خواهان اعدام و سنگسار مرتکبین این جنایت می‌شود. اینها جنایت از فکر و زبانشان نمی‌افتد. در مکتب اسلام و حکومت اسلامی این‌طور بار آمده‌اند. اما جنایت پاسخ جنایت نیست. با همین جنایات چنین جهنمی به جامعه تحمیل کرده‌اند.

طرح اعدام و سنگسار یک دلیل سیاسی مهم هم دارد. هفته قبل حکومت و همین فرماندهان تلاش کردند جلوی اعتصاب مردم بوکان و کردستان علیه اعدام را بگیرند. نتوانستند و شکست خوردند. حالا می‌خواهند از احساسات مردم و خانواده نیان سوءاستفاده کنند تا با طرح اعدام به خیال خودشان

موفقیت مردم را خنثی کنند.
می‌گویند مردم بوکان برای این فرمانده که از اعدام و سنگسار صحبت کرد دست زده‌اند. بله تعداد کمی دست زدند. مردم یکدست نیستند. قشر کوچکی از جامعه فرهنگ عقب‌مانده و مردسالار دارد و از اعدام هم ممکن است دفاع کند. این فرهنگی است که جمهوری اسلامی ۴۵ سال به جامعه پمپاژ کرده و بخشی از مردم را با همین فرهنگ بار آورده است. اما این تصویر حاکم بر بوکان و هیچ شهر کردستان نیست. مردم بوکان بارها علیه اعدام اعتصاب کرده‌اند، بیانیه داده‌اند و از خانواده‌های دادخواه تا فعالین حقوق زن، کارگران، معلمان و بسیاری از ورزشکاران، هنرمندان، دانشجویان و غیره سال‌ها است دارند با اعدام مبارزه می‌کنند و فرهنگ پیشروی دارند.

فعالین این شهر و سایر شهرها باید قاطعانه هم علیه اعدام بایستند هم با خزعبلات رژیمی‌ها که این وسط موش می‌دوانند و تحریک می‌کنند و با فرهنگ عقب‌مانده در میان طیفی از مردم مقابله کنند. این یک جبهه مهم مبارزه است. باید انواع نهادهای مدافع کودک را به یاد نیان و نیان‌های دیگری که همین‌الان در سراسر کشور تحت شکنجه و اذیت و آزار قرار دارند ایجاد کنند.

تشدید اختلاف سران جمهوری اسلامی
در آستانه سقوط
سیامک بهاری

”کمیسیون امنیت ملی مجلس اسلامی، خواستار برکناری جواد ظریف از معاونت راهبردی رئیس‌جمهوری شد“!

جواد ظریف نماینده جمهوری اسلامی در کنفرانس داووس گفته بود: ”اگر به خیابان‌های تهران سر بزنید زنانی را می‌بینید که بدون پوشش سر حرکت می‌کنند... دولت تصمیم گرفته است که هیچ فشاری بر زنان اعمال نشود. این قولی است که پزشکیان داده و سر آن مانده است.“

این سخنان به‌ظاهر ساده، تعادل حکومت در کنترل اختلافات راهبردی درونی را به هم زده است. قالیباف و اژه‌ای به‌عنوان سران دو قوه، وارد صحنه شده‌اند و علیه دولت و سخنان ظریف موضع رسمی گرفته‌اند. او را نماینده غیرقانونی که مطابق میل آمریکا و منافع ملی عمل می‌کند خوانده‌اند!

اختلافات کنونی، انعکاس علنی شکست راهبردی در ماجراجویی‌های منطقه‌ای است که خود را در سیاست بین‌المللی نشان می‌دهد. آنچه پیش‌تر جواد ظریف تغییر پارادایم سیاسی دررابطه‌با آمریکا خوانده بود "وفاق ملی" را یک‌شبه دود کرده است!

هسته سخت قدرت حاکمیت به‌خوبی آگاه است که نفرت و انزجار عمومی جامعه‌ای خشمگین و معترض، که می‌خواهد ریشه جمهوری اسلامی را بکند، تغییر پارامترهای سیاسی ناشی از شکست‌های خفت‌بار منطقه‌ای، و انزوای سیاسی کشنده ، تلاطم هول‌انگیز و تندپیچ سختی است که سر به‌سلامت بردن از آن نامعلوم است.

مجید تخت‌روانچی معاون وزیر امور خارجه در توضیح شرایط حاضر، عمق بحران کنونی را چنین بیان می‌کند: ”ما باید برای بدترین حالت آماده باشیم“! این جوهر اصلی ماجرا در شرایط کنونی است. اقرار به اینکه حکومت در بدترین شرایط گیر افتاده است!

حکومت فلج است! راه برون‌رفت از بحران وجود ندارد. در داخل، سرنگونی زیر پای حکومت دهان بازکرده است! مذاکره با دولت‌ها در اروپا عملاً به بن‌بست رسیده است. مذاکرات اتمی به مذاکرات منطقه‌ای گره‌خورده است. تحریم‌های بیشتر در راه است. کریدورهای پنهانی مذاکرات محرمانه با دولت آمریکا بسته شده است.

هم‌زمان، ظریف و پزشکیان به‌عنوان یک مجموعه از شرکای حاکمیت، اگر چه تصمیم گیرنده نیستند اما به‌عنوان بخشی از چنددستگی و چندصدایی در حاکمیت و پارادایم ضعف حکومت در چگونگی رابطه با آمریکا شکاف کنونی را تشدید می‌کنند! جمهوری اسلامی عملاً گرفتار تندپیچ فروپاشی

است!

تسلیم و پناه به شرق در پرتگاه تعامل و مذاکره با غرب، فروپاشی شیرازه حکومت در سربالایی را اجتناب‌ناپذیر کرده است.

صدای زندانیانی سیاسی و عقیدتی خوزستان باشیم

سهیلا دالوند

در هفته‌های گذشته پنج‌تن دیگر از شهروندان خوزستان؛ مصطفی امیر خنافره از شهر فلاحیه و سه برادر با نام‌های عبدالرضا عبدالنبی و مهدی سامری از روستای ابودبس در منطقه کوت عبدالله اهواز توسط نیروهای امنیتی و اطلاعات سپاه بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. سرکوب و بازداشت فعالان فرهنگی و مدنی از ماه‌های قبل افزایش پیدا کرده است.

بنا بر گزارش سازمان حقوق بشری کارون، از اواخر آذرماه ده‌ها فعال فرهنگی، مدنی، رسانه‌ای و شاعر و فعال محیط‌زیست عرب، تحت شدیدترین

شکنجه‌های جسمی و روحی، در بازداشتگاه‌های نیروهای امنیتی به‌ویژه بازداشتگاه اطلاعات سپاه پاسداران به سر می‌برند. در این مدت بیش از ۱۰۰ شهروند نیز به بازداشتگاه‌های اطلاعات سپاه و وزارت اطلاعات احضار و تحت بازجویی و تهدید قرار گرفته‌اند. امیر خلفیان، دادستان عمومی و انقلاب رژیم در اهواز در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا به بازداشت ۱۸۲ فعال در سراسر استان خوزستان اذعان کرده است.

سال‌هاست که اعتراضات گسترده در استان خوزستان علیه وضعیت اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی، مانند سایر نقاط ایران، با سرکوب و زندان و اعدام پاسخ داده شده است. ادامه و افزایش بازداشت‌ها و صدور احکام اعدام برای

برخی از زندانیان، نگرانی‌های زیادی را در میان فعالین و مردم به همراه داشته است.

علی‌رغم این سرکوب‌ها، اعتراضات معلمان، کارگران، بازنشستگان، دانشجویان، پرستاران، در کف خیابان‌ها علیه وضعیت نابسامان معیشتی و سرکوب و اعدام‌ها هر روزه در جریان است. در سطح جهانی نیز جمهوری اسلامی بیش‌ازپیش منزوی شده است. رژیمی که مشروعیت خود را کاملاً ازدست‌داده است، برای مقابله با جنبشی که خواهان یک زندگی باکرامت انسانی است، راهی به‌جز ایجاد رعب و وحشت و سرکوب و زندان و اعدام ندارد.

باید در مقابل این توحش و افسارگسیختگی

تمام‌قد ایستاد. همان‌طوری که جنبش علیه اعدام یکپارچه از داخل زندان‌ها گرفته تا در خیابان و در سراسر دنیا خواهان برچیده‌شدن این مجازات ضدانسانی شده، جنبش سراسری برای آزادی زندانیان سیاسی را به راه‌اندازیم. وظیفه تک‌تک ماست که نام و تصویر زندانیان سیاسی و عقیدتی را رسانه‌ای کنیم، باید در تمام اعتراضاتمان صدای تک‌تک آنها را فریاد زده و خواهان آزادی بی‌قیدوشرط این صداهای معترض جامعه باشیم.

۸۰ سال از تسخیر اردوگاه مرگ آشویتس گذشت

محسن ابراهیمی

۲۷ ژانویه، هشتادمین سالگرد تسخیر اردوگاه آشویتس، اردوگاه مرگ انسان و انسانیت است. در چنین روزی در سال ۱۹۴۵ نیروهای ارتش سرخ شوروی وارد این اردوگاه مرگ شدند. از یک میلیون و ۳۰۰ هزار اسیر تعداد کمی نجات پیدا کردند. اسکلت‌هایی که روی دو پا راه می‌رفتند!

در اردوگاه مرگ آشویتس در کنار اردوگاه‌های دیگر، میلیون‌ها انسان، کودک، زن و مرد، حدود ۶ میلیون یهودی، صدها هزار کولی (روما)، افراد دارای معلولیت، همجنس گرا و کمونیست قتل‌عام شدند.

آشویتس مشهورترین تجسم ماشین کشتار حکومت نازی‌ها و فاشیست‌ها با کوره‌های آدم‌سوزی صنعتی بود. بازماندگان آن هولوکاست بعد از هشتاد سال می‌گویند جهنم را در همین دنیا تجربه کرده‌اند. جهنمی که محصول نظام بحران‌زده سرمایه‌داری دهه سی قرن بیست بود. جهنمی که هیتلر در رأس جنبش فاشیستی به کمک کلیسا برای نجات سرمایه‌داری از بحران برپا کرد.

برای ما که هشتاد سال بعد از آن زندگی می‌کنیم، فراتر از احساس همدردی با بازماندگان آن جنایت و خشم و نفرت علیه نازیسم و فاشیسم، جایگاه آن جنایت سازمان‌یافته علیه بشریت چیست؟ در یک جمله پاسخ این است: مبارزه با هر تحرک

فاشیستی، مبارزه با هر جریان نژادپرست در دنیای معاصر، مقابله با تکرار آن تراژدی علیه انسان و انسانیت.

تحرک فاشیسم و نژادپرستی در جهان امروز نشان می‌دهد که بشریت در مقابل انسان‌کشی این جنبش‌ها مصون نیست. قدرت‌گیری احزابی مثل حزب نئوفاشیست "آلترناتیو برای آلمان" و احزاب مشابه در کشورهای دیگر، فاشیسم یهودی ضد فلسطینی به زعامت نتانیاهو، به قدرت رسیدن مولتی‌میلیاردر فاشیستی مثل ترامپ در آمریکا، فاشیسم اسلامی حاکم در ایران و افغانستان نمونه‌های زنده خطر فاشیسم هستند که بشریت را تهدید می‌کنند.

جنب‌وجوش ضد فاشیستی در آلمان در هفته‌های گذشته دلگرم‌کننده است. صدها هزار انسان در شهرهای بزرگ آلمان به خیابان‌ها ریختند و اعلام کردند نخواهند گذاشت در کشورشان آشویتس دیگری برپا شود. فاشیسم اسلامی هم در مرکز حکمرانی‌اش ایران با انقلابی برای پایان‌دادن به هر نوع تبعیض، انقلاب زن زندگی آزادی به چالش کشیده شده است. باید امیدوار بود و تلاش کرد این جنبش‌ها به سراسر جهان گسترش یابد. فقط با جنبشی بزرگ و قدرتمند می‌توان از تکرار تراژدی هولناک هولوکاست جلوگیری کرد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۴۹

۲۹ ژانویه ۲۰۲۵ – ۱۰ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

رضا پهلوی و رونمایی از "طرح جدید سرنگونی"

کیوان جاوید

چشمک‌های ترامپ و جمهوری اسلامی!

کاظم نیکخواه

دستگیرشدگان اعتصاب عمومی را با اعتراض خود آزاد کنیم

عبدل گلپریان

نقش حجاب اجباری در خشونت‌های خانگی و خیابانی

مصاحبه با مهتاب رستگار وکیل دادگستری

رضا پهلوی و رونمایی از "طرح جدید سرنگونی"

کیوان جاوید

رضا پهلوی روز سه‌شنبه ۹ بهمن در نشستی درباره "دموکراسی و حقوق بشر در ایران" در باشگاه ملی مطبوعات آمریکا گفت که طرحش شامل "تجزیهٔ رژیم و تسهیل جدایی‌ها، درگیرکردن مردم در داخل ایران، بسیج افکار عمومی جهان و ایرانیان خارج از کشور برای اعمال فشار حداکثری بر رژیم و حمایت حداکثری از مردم است."

این روزها رضا پهلوی با یک مشکل بزرگ روبرو شده است. در رقابت‌های انتخاباتی در آمریکا، کل سلطنت‌طلب‌ها پشت این خط بسیج شده بودند

که "عمو ترامپ" که پیروز شد با فشار حداکثری جمهوری اسلامی را نابود می‌کند. سلطنت‌طلب‌ها سوار بر اسب حمله مستقیم نظامی، تا باز گذاشتن دست اسرائیل برای بمباران تأسیسات هسته‌ای رژیم سر از پا نمی‌شناختند. اما ترامپ در قدم اول رضا پهلوی و کل سلطنت‌طلب‌ها را سنگ روی یخ کرد. قرار شد به جمهوری اسلامی فرصت معامله بدهد اگر توافقی دست داد با همین جمهوری اسلامی بسازند.

یکی از طرح‌های مشعشع و تکراری رضا پهلوی این است: حالا که جمهوری اسلامی در حال فروپاشی است کسانی از درون کشتی رژیم می‌خواهند به آب بپرند، اگر جزیره‌ای نبینند آنگاه به آب نمی‌زنند. این جزیره برای حفظ "به آب زدگان رژیم"، از

سران سپاه تا ارتش و بنیادهای اداری رژیم و بقیه مهره‌های ریزودرشت حکومت "جزیره‌ای" است که رضا پهلوی در طرحش نوید می‌دهد. یعنی در آغوش گرفتن باقی‌مانده‌های رژیم و ادغام در "دولت گذار" کذایی ایشان.

بعد از زدودن از لفاظی‌ها: ایشان نمی‌گوید در طرح کذایی‌اش ساواک و سرکوب مخالفان کجا جا می‌گیرد. هواداران ایشان طی دو سال گذشته در خارج کشور بزرگ‌ترین دشمنی را با انقلاب زن زندگی آزادی به نمایش گذاشتند و همه مخالفین غیر سلطنت‌طلب را به باد دشنام و حتی حمله فیزیکی قرار دادند و از رونمایی پرویز ثابتی رئیس ساواک حرفی نمی‌زند.

در ایران یک انقلاب عظیم می‌رود که کل بساط فقر و فلاکت و سرکوب را به گور بسپارد و برابری و آزادی را مبنای زندگی قرار بدهد. رضا پهلوی و کل جریان راست طرحی برای رفاه عمومی و درمان و بهداشت رایگان و دخالت مردم در اداره مستقیم جامعه ندارد. این طرح‌نمایشی رضا پهلوی هم در کنار دیگر طرح‌های شکست‌خورده ایشان بایگانی خواهد شد. انقلاب زن زندگی آزادی "طرح نو" دیگری در تاریخ ۱۰۰ساله ایران است.

چشمک‌های ترامپ و جمهوری اسلامی!

کاظم نیکخواه

عراقچی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه با اسکای‌نیوز گفت که اگرچه ایران آماده شنیدن پیشنهادهای دونالد ترامپ است اما برای قانع‌شدن به شروع مذاکرات جدید، شرایط «بسیار متفاوت و دشوارتر از گذشته» است. به گفته عراقچی اکنون وضعیت بسیار دشوارتر از دفعه قبل است: کارهای زیادی باید به‌وسیله طرف مقابل انجام شود تا اعتماد ما را بخرد... ما چیزی جز کلمه خوب نشنیده‌ایم و واضح است که این کافی نیست".

با روی کار آمدن ترامپ حکومت اسلامی آشکارا وحشت کرد. ترامپ قاتل قاسم سلیمانی است و حکومت بارها تلاش کرد او را ترور کند و موفق نشد. ظریف را به داووس فرستادند تا التماس مذاکره کند اما در بازگشت حول‌وحوش سخنان او جنجال راه افتاد. با جملات مماشاتگرانه اخیر ترامپ حکومت به این نتیجه رسیده است که ظاهراً این یارو در پی جنگ و یقه‌گیری نیست. اینجاست که وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ناز می‌کند و طاقچه بالا می‌گذارد و می‌گوید "این کافی نیست". کمی جلوتر بیا!

همه می‌دانند که ترامپ آدمی قابل‌پیش‌بینی نیست. حین کمپین انتخاباتی‌اش، جمهوری اسلامی

را تهدید کرد. اما جملات آشتی‌جویانه اخیر او حسابی جریانات راست را که رؤیایشان رسیدن به تهران با هواپیمای ترامپ بود، ناامید کرده است. اما یک چیز را باید برای این جماعت روشن کرد که تکلیف حکومت اسلامی را فاشیست‌هایی مثل ترامپ و نتانیاهو تعیین نمی‌کنند. این جامعه سنگر به سنگر دارد می‌جنگد و حکومت را عقب می‌راند و می‌خواهد به زندگی انسانی دست یابد. سنگر اول، حجاب، را فتح کرده، با جنبش علیه اعدام دارد سلاح خونین اعدام را هم از دستش درمی‌آورد، فضای آپارتاید جنسی‌اش را با اعتراض عریان امثال آهو دریایی و حرکت‌هایی مثل آواز دلچسب پرستو احمدی به مصاف کشیده، جنبش گسترده برای معیشت توسط بازنشستگان و معلمان و کارگران

نفت، سیستم چپاول حکومت را به مصاف گرفته است و خلاصه در همه عرصه‌ها حکومت به موضع دفاعی افتاده است. صفوف حکومتیان در مقابل این جنبش‌های گسترده حسابی به تشتت افتاده است. این جنب‌وجوش فراگیر اجتماعی در ادامه خود قطعاً فوران مجدد انقلاب زن زندگی آزادی را به دنبال خواهد داشت و کار را تمام خواهد کرد.

هم جمهوری اسلامی، هم قدرت‌های بین‌المللی و هم نیروهای "رژیم‌چنجی" در برابر این تحول عمیق اجتماعی حرفی برای گفتن ندارند.

دستگیرشدگان اعتصاب عمومی را با اعتراض خود آزاد کنیم

عبدل گلپریان

روز چهارشنبه سوم بهمن در کردستان اعتصاب عمومی باشکوهی برگزار شد. این اعتصاب در اعتراض به صدور حکم اعدام پخشان عزیزی و وریشه مردادی از سوی احزاب سیاسی فراخوان داده شده بود. حکومت اسلامی هیچگاه با چنین حرکت سریع و پیشگیرانه‌ای روبرو نشده بود. این اعتصاب عمومی موفق، بازتاب سیاسی برجسته‌ای در ادامه حرکت‌های مبارزاتی مردم کردستان در ابعاد سراسری داشت.

متعاقب این اقدام متحدانه علیه اعدام، دستگاه‌های اطلاعاتی و نیروهای سرکوب رژیم اسلامی در کردستان برای جبران شکستی که در اثر این اعتصاب متحمل شده بودند اقدام به پلمب مغازه‌ها و تهدید مغازه‌داران به جریمه و دستگیری کرده و تعدادی از فعالین اجتماعی و فعالین محیط‌زیست شرکت‌کننده در اعتصاب عمومی را دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل کردند.

قبل از شروع اعتصاب عمومی در ۲۶ دی‌ماه نیز تجمع باشکوهی در اعتراض به‌حکم اعدام برای وریشه مرادی و پخشان عزیزی در مقابل استانداری کردستان در سنندج برگزار شده بود. بعد از اتمام این تجمع اعتراضی هم تعدادی از

فعالین کارگری و اجتماعی بازداشت شدند.

مردم کردستان برای دست‌زدن به اعتصاب عمومی و برگزاری تجمع اعتراضی تجارب مبارزاتی زیادی در کشاکش با حکومت اسلامی در کارنامه مبارزاتی خود دارند. مردم کردستان می‌دانند که حاکمان اسلامی تنها با زبان تجمع، اعتصاب، اعتراض و مبارزه ناچار به عقب‌نشینی خواهند شد. در این تردیدی نیست که این تجارب ارزنده را این بار هم برای آزادی دستگیرشدگان بکار گرفته و به میدان خواهند آمد و عزیزان دستگیر شده خود را تنها نخواهند گذاشت.

سازماندهی تجمع اعتراضی برای آزادی دستگیرشدگان یکی از ابزارهای مبارزاتی

فعالین اجتماعی و همه مردم برای عقب راندن حکومت اسلامی و نهادهای آن در کردستان بوده است. بارها نشان داده‌اند که با تجمع، اعتراض و بهره‌گیری از تجارب مبارزاتی خود به اشکال مختلف، توانسته‌اند دستگیرشدگان را از زندان‌ها و بازداشتگاه‌های حکومت بیرون بیاورند. همان‌گونه که متحد و قدرتمند در اعتصاب عمومی برای لغو احکام اعدام وریشه مردادی و پخشان عزیزی قاطعیت خود را نشان دادند، قطعاً برای آزادی دستگیرشدگان نیز از ابزار اتحاد، همبستگی، سازماندهی و تجمعات اعتراضی استفاده خواهند کرد.

نقش حجاب اجباری در خشونت‌های خانگی و خیابانی

مصاحبه با مهتاب رستگار وکیل دادگستری

اول فوریه سال ۲۰۱۳، مطابق با ۱۲ بهمن ۱۳۹۳ توسط یک زن آمریکائی "تازه‌مسلمان شده" بنام روز جهانی حجاب نام‌گذاری شد. در همین رابطه با مهتاب رستگار وکیل دادگستری و مشاور در امور زنان که ساکن ایران هستند مصاحبه کردیم.

آذر پویا: به‌عنوان وکیلی که سال‌ها با زنان مورد خشونت واقع شده کار کرده‌اید نقش حجاب را در این گونه خشونت‌ها چطور می‌بینید؟

مهتاب رستگار: جامعه ایران، به‌عنوان یک جامعه

تحت‌فشار مردسالاری، ساختاری دارد که در آن پدر یا همسر اغلب نقش پررنگ‌تری در تصمیم گیری‌ها ایفا می کنند. این امر مطابق با ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی که می گوید: "ریاست خانواده با مرد است"، به طور قانونی نیز تقویت شده است. این جایگاه قدرت به مردان امکان می‌دهد که ویژگی‌هایی مانند غیرتی بودن و تعصب، به‌عنوان ارزش‌های اخلاقی برای آنان تعریف شود. یکی از پیامدهای این غیرت، نظارت و کنترل مردان بر نوع پوشش زن و حجاب همسر یا دخترانشان است.

این نظارت و کنترل در بسیاری از موارد منجر به اعمال خشونت در محیط خانواده می‌شود. این خشونت می‌تواند به اشکال مختلفی بروز کند، از

جمله، خشونت فیزیکی مثل ضرب وجرح برای مجبور کردن زن یا دختر به رعایت پوشش مدنظر مرد. خشونت روانی مانند تهدید و توهین مداوم، خشونت جنسی برای اجبار به تبعیت از الگوی پوششی خاص مدنظر فرد خشونت گر. چنین رفتارهایی باعث آسیب‌رساندن به استقلال و عزت‌نفس زنان می‌شود.

نقش حجاب در خشونت خیابانی

در ایران، به‌عنوان کشوری با مقررات مبتنی بر اسلام و شرع، حجاب اجباری به‌عنوان یک الزام قانونی وجود دارد و در شرایط فعلی، زنانی که حجاب اجباری را قبول ندارند، با انواع خشونت‌های اجتماعی مواجه می‌شوند. این خشونت‌ها می‌تواند شامل موارد زیر

باشد:

۱ – محرومیت از خدمات عمومی: با اجبار حکومتی روی درب ورودی بسیاری از بیمارستان‌ها، مراکز درمانی، دادگاه‌ها، مغازه‌ها، و رستوران‌ها، تابلوهایی با مضمون "از ارائه خدمات به افراد بی‌حجاب معذوریم" مشاهده می‌شود. این عدم ارائه خدمات، نوعی خشونت اجتماعی است که زنان بی‌حجاب را از دسترسی به حقوق اولیه محروم می‌کند.

۲ – خشونت فیزیکی و روانی: زنانی که حجاب اجباری را رعایت نمی‌کنند، در مواقع بسیاری با خشونت مأموران گشت ارشاد، نظارت‌های خیابانی یا حتی توهین افراد در محیط‌های عمومی مواجه می‌شوند.

این خشونت‌ها، چه در فضای خانگی و چه در محیط عمومی، تأثیرات گسترده‌ای بر حضور زنان در جامعه و افزایش وابستگی اقتصادی و مالی به مرد می‌گردد. در نتیجه، حجاب اجباری نه‌تنها ابزاری برای اعمال خشونت در جامعه است، بلکه باعث افزایش نابرابری جنسیتی و عدم استقلال فردی زنان می‌گردد.

آذر پویا: چند درصد از زنان به دلیل عدم رعایت حجاب مورد خشونت قرار می‌گیرند؟ آیا آماری در این مورد هست؟

مهتاب رستگار: متأسفانه آمار دقیقی در مورد خشونت خانگی در ایران وجود ندارد و برای تحلیل

دقیق‌تر باید از داده‌ها و آمارهای رسمی استفاده کرد. خشونت خانگی، چه به دلیل حجاب یا دلایل دیگر، نیازمند تدوین و تصویب مقررات جدید قانونی است. اما روند برخورد قانونی با خشونت خانگی در ایران، به دلیل چارچوب‌های ناکارآمد و سخت‌گیرانه، اغلب به نتیجه نمی‌رسد.

بر اساس قوانین جاری، برخورد با خشونت خانگی به شیوه‌ای مشابه جرایم کیفری انجام می‌شود که نیازمند ارائه دلایل و مدارک، از جمله شهادت حداقل دو شاهد عادل است. این در حالی است که اغلب خشونت‌های خانگی در فضای بسته خانه و به‌دوراز حضور شاهدان اتفاق می‌افتد. به همین دلیل، قربانیان خشونت خانگی معمولاً نمی‌توانند ادعای

خود را اثبات کنند، و این باعث می‌شود بسیاری از پرونده‌ها بدون نتیجه مختومه شوند.

قوانین فعلی در حمایت از قربانیان خشونت خانگی بسیار ناکافی و ناکارآمد هستند. به طور خاص، هیچ قانون جامع و مشخصی برای حمایت از زنان در برابر خشونت خانگی وجود ندارد. این خلأ قانونی موجب می‌شود بسیاری از قربانیان، به دلیل دشواری اثبات جرم یا نبود حمایت‌های قانونی، از طرح شکایت صرف‌نظر کنند.

علاوه بر چالش‌های مربوط به خشونت خانگی، تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، بی‌حجابی در انظار عمومی را به‌عنوان یک جرم تعریف کرده و

آن را مستوجب مجازات حبس یا جزای نقدی دانسته است. این ماده به طور صریح اعلام می کند که زنانی که در انظار عمومی بدون رعایت حجاب اسلامی ظاهر شوند، تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

قوانین موجود، چه در حوزه خشونت خانگی و چه در برخورد با مسئله حجاب، نه تنها حمایتی از حقوق زنان ارائه نمی دهند، بلکه با ایجاد موانع قانونی، زمینه را برای افزایش خشونت و محدودیت‌های اجتماعی فراهم می کنند. اصلاح این قوانین و تدوین مقرراتی جامع برای حمایت از زنان در برابر خشونت، عمل ضروری برای تحقق عدالت اجتماعی و حقوق انسانی است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۵۰

۳۰ ژانویه ۲۰۲۵ – ۱۱ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

اعتراض کارگران نفت - ارکان ثالث

گفتگو با شهلا دانشفر

پایان‌دادن یک‌شبه به بحران دارو

کیوان جاوید

تصویب قانون ضد مهاجر در آلمان

رضا درویش

مذهب: نماد نگون‌بختی انسان

سیاوش آذری

اعتراض کارگران نفت – ارکان ثالث

گفتگو با شهلا دانشفر

محسن ابراهیمی: در مقاله شما در نشریه کارگر کمونیست به اعتراضات گسترده کارگران ارکان ثالث اشاره شده است. از جمله به تجمع وسیع اعتراضی در مقابل نهاد ریاست‌جمهوری. اول تصویری از این بخش کارگران نفت بدهید که چه موقعیتی دارند و خواسته‌ها و شعارهایشان چه‌ها هستند؟

شهلا دانشفر: در نفت، این مرکز کلیدی اقتصاد کشور کارگران با اشکال مختلف قرارداد رسمی، غیررسمی و پروژه‌ای اشتغال دارند. قراردادهای

موقت و پیمانی، قوانین برده‌وار مناطق ویژه اقتصادی، باز بودن دست پیمانکاران برای استثمار حداکثری و فضای شدید امنیتی، بستر تعرضی گسترده به معیشت و کار هزاران کارگر در نفت و مانعی جدی بر سر اعتراضات آنها طی سالیان دراز بوده است.

اعتراضات گسترده کنونی کارگران نفت، به‌ویژه ارکان ثالث طلایه ای از قیام علیه شرایط برده‌وار کاری در نفت است. هزاران کارگر ارکان ثالث در مراکزی چون پالایشگاه‌های نفت و گاز، پتروشیمی‌ها،اسکله‌ها،پایانه‌های‌صادرات‌وواردات نفت و گاز در شرکت‌های مختلف پیمانکاری کار مستمر دارند. اما به لحاظ مزدی مشمول مصوبات شورای‌عالی کارند. یعنی علی‌رغم کار یکسان با

کارگران رسمی با اختلاف حقوقی بسیار فاحش، با دستمزد کم و در بدترین شرایط کار می‌کنند.

بسیاری از آنها به لحاظ تخصص در مقام تصدی تعمیر و نگهداری تأسیسات نفتی و مسئولیت اجرای پروژه‌ها کار می‌کنند و در فرآیند بهره‌برداری و تولید نقش مهمی داشته و به‌سادگی جایگزین نمی‌شوند. کثرت این کارگران و نقش آنها در تولید جایگاه مهم‌تری به اعتراضاتشان می‌دهد.

حذف کامل شرکت‌های پیمانکاری، حق تشکل و اعتراض، افزایش مزد متناسب با رشد نرخ سبد معیشتی سه مطالبه فوری آنان است. اینها مطالباتی سراسری در نفت و در سطح جامعه هستند.

اعتراضات کارگران ارکان ثالث علیه این وضعیت برده‌وار با اعلام سه‌شنبه‌های اعتراضی در مردادماه، ابعاد گسترده‌ای پیدا کرد. اعتراضات آنان با جمعیت چند هزارنفره و مارش باشکوه آنان با شرکت خانواده‌ها و فریاد شعارهای کوبنده‌شان بازتاب وسیعی داشته است. یک نمونه آن تجمع بالای دو هزارنفره آنان از مراکز مختلف نفت، گاز و پتروشیمی مقابل دفتر پزشکیان در ششم بهمن و نمونه آخرش تجمع در شرکت پالایش گاز فجر بود. در این تجمعات کارگران با شعارهای "ارکان ثالث بیدار است، از استثمار بیزار است"، "دستمزد عادلانه، حق مسلم ماست"، معیشت، منزلت حق مسلم ماست"، "شورای‌عالی کار، یه مشت مفت‌خور بیکار" صدای اعتراضشان را بلند کردند.

محسن ابراهیمی: اهمیت تجمع اعتراضی کارگران ارکان ثالث در مقابل نهاد ریاست‌جمهوری چیست؟ جایگاه آن در رابطه با اعتراضات کارگران نفت و حتی فراتر اعتراضات کارگری چیست؟ برای قدرتمندتر کردن اعتراضشان چه انتظاری از بخش‌های دیگر کارگران و جامعه می‌توان داشت؟

شهلا دانشفر: نفت امروز داغ‌ترین مرکز اعتراضات کارگری است. گسترش اعتراضات کارگران ارکان ثالث در ماه‌های اخیر و تجمعات بزرگشان، از جمله تجمع مقابل نهاد ریاست‌جمهوری با فریاد "اتحاد اتحاد، علیه ظلم و فساد" در بستر اعتراضات گسترده بر سر معیشت و رفاه و فضای انقلابی جامعه اتفاق سیاسی مهمی است. این تجمعات، اولتیماتوم محکم آنان با فریاد "این آخرین پیام

است، بدون ما کار شما تمام است" فاز جدیدی از اعتراض در نفت است.

کارگران ارکان ثالث با فریاد "ما پیمانکار نمیخوایم، ما استثمار نمیخوایم" و طرح خواست‌های سراسری به صدای رسای اعتراض در نفت تبدیل شده‌اند. آنها با شعار "شورای‌عالی کار، یک‌مشت مفت‌خور بیکار" علیه چرخه تعیین برده‌وار میزان دستمزد از بالای سر کارگر ایستاده‌اند. بعلاوه نبرد با تشکل‌های دست‌ساز حکومتی عرصه مهمی از مبارزه‌شان بوده و سر بلندکردن شوراهای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی و ارکان ثالث دستاورد مهمشان است.

اعتراضات در نفت می‌رود که سراسری شود. این

اعتراضات و فراخوان جامعه به اتحاد علیه ظلم و ستم نویدبخش است. تکثیر تجربه شوراهای شکل گرفته کارگری در نفت در تمام بخش‌ها، گام مهمی برای سازمان‌یابی قدرتمند و سراسری اعتراضاتشان است. همچنین بخش‌های مختلف نفت اعتراضات و خواست‌هایی دارند و این زمینه مساعد برای سراسری شدن اعتراضات است. تجربیات کارگران ارکان ثالث در برپایی تجمعات بزرگ با حضور خانواده‌ها یک الگوست. بعلاوه اعتراض علیه پیمانکاران و سرکوبگری‌های حکومت و مبارزه بر سر معیشت و رفاه می‌تواند محورهای مبارزاتی سراسری اتحاد اکتیویستهای کارگری برای رفتن به‌سوی سازماندهی اعتراضات سراسری باشد.

روشن است که هر چقدر همبستگی با اعتراضات کارگران نفت گسترده‌تر باشد همان قدر زمینه برای پیروزی در اعتصابات و اعتراضاتشان فراهم‌تر خواهد بود. برای آن باید گام برداشت.

پایان‌دادن یک‌شبه به بحران دارو

کیوان جاوید

برخی داروها در ایران باز هم گران‌تر شده و علت، "به‌صرفه نبودن تولید" عنوان شده است. مقام‌های مسئول بارها مقصر گرانی و کمبود دارو را تحریم یا مافیای دارو عنوان کرده‌اند.

بحران دارو در ایران تبدیل به اژدهایی هفت‌سر شده است که با قطع هر سر این اژدها، سری دیگر می‌روید و زبانه‌های آتش‌سوزانش جان‌های بیشتری را خاکستر می‌کند. بیمار شدن در ایران تبدیل به کابوسی عظیم شده است.

راهی برای خلاصی از این کابوس وجود دارد؟ اولین راه این است که به‌هیچ‌وجه نپذیرم که "دولت پول ندارد یا تحریم هست. مافیای دارو هم که آسمان نیامده‌است و زیر نظر خود حکومتی‌هاست؛ بنابراین هر دلیل و بهانه‌ای که رژیم برای سلب مسئولیت می‌آورد دروغ محض است.

این حکومت که بر سر گنج نشسته است، چطور پول ندارد که دارو وارد کند یا همین دارو را با صرف سرمایه‌های میلیاردی در کشور تولید کند؟ هم پول، هم تکنولوژی موجود است. تنها می‌ماند یک فشار سراسری و متحدانه برای اینکه سرِ کیسه را شل کنند. شاید تصور شود حل این مشکل بر عهده همه ما نیست. یا گفته شود کلید رفع این مشکل

در دست خانواده‌هایی است که بیمار دارند. این درست نیست. همه ما مردم ایران نیازمند بهداشت و درمان و دارو هستیم. این شتر پشت درِ همه ما مردم خوابیده است. به این دلیل مقابله با رژیم نیازمند یک نیروی سراسری با درجه بسیار بالایی از اتحاد است. اگر ما مردم با هم باشیم، پول نیز از زمین سبز می‌شود و به‌جای صرف هزینه‌های صدها میلیارددلاری برای ساخت سلاح هسته‌ای، کارخانه‌های داروسازی برای رفع نیازهای همگانی بر پا می‌شود. این نبرد برای زندگی را باید به حد کمال رساند. از هیچ‌کس نباید پذیرفت که دارو و درمان ابزاری برای سوداندوزی سرمایه‌داران و در مالکیت شرکت‌های خصوصی باشد.

راه‌حل ریشه‌کن‌کردن این معضل اجتماعی اما پایان‌دادن به حاکمیت این دزدان بی‌شرم و بی‌وجدان است. در یک جامعه آزاد و انسانی درمان و بهداشت و هزینه بیمارستان تماماً بر عهده دولت است. هر کجا که این‌طور نباشد بدانید که به قیمت مرگ و عذاب میلیون‌ها شهروند، گروه کوچکی فربه و میلیاردرتر می‌شوند. دارو و درمان باید از زیر سلطه بازار آزاد و مالکیت خصوصی بیرون کشیده شود. راه‌حل نهایی این است.

تصویب قانون ضد مهاجر در آلمان

رضا درویش

به گزارش دویچه‌وله تصویب پیش‌نویس یک قانون مبتنی بر سخت‌گیری‌های بیشتر علیه مهاجرت و پناهندگی که با پیشنهاد دو حزب مسیحی و حمایت حزب راست افراطی، حزب فاشیست آلترناتیو برای آلمان AFD صورت گرفته در تاریخ پارلمان فدرال آلمان بی‌سابقه است.

تصویب این پیش‌نویس محصول ۳۴۸ رأی موافق در برابر ۳۴۵ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع بوده است. از سوی دیگر، ائتلاف شکننده سه حزب سوسیال‌دمکرات، سبزها و لیبرال دمکرات و تداوم اختلافشان بر سر مسائل مالی سبب گردید

صدراعظم آلمان رأی اعتمادش را از دست بدهد. بدین‌سان آلمان در مسیر برگزاری انتخابات زودهنگام در ۲۳ فوریه ۲۰۲۵ قرار گرفت.

مفاد پیشنهادی که انتقادهای گسترده‌ای را به دنبال داشته عبارت‌اند از: اعمال محدودیت‌های شدیدتر در سیاست مهاجرت و پناهندگی. بازداشت مهاجرانی که باید آلمان را ترک کنند (برای جلوگیری از فرار). اخراج روزانه مهاجران فاقد مجوز اقامت. سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تر در قبال پناهجویانی که مرتکب جرم شده‌اند.

چنین است سرنوشتی که برای نیروی کار مهاجر از سوی صاحبان سرمایه رقم می‌خورد. آنگلا مرکل ورود بیش از یک میلیون پناهنده به آلمان

را پذیرفت. آن زمان به گفته او "مدارا در روح و روان اروپا" بود. با این تصمیم مرکل مشکل نیروی کار ارزان نیز برطرف می‌شد و آلمان می‌توانست در رقابت اقتصادی دست بالا را داشته باشد. حال که نیروی کار مهاجر و ارزان در اقتصاد راکد فعلی محلی از اعراب ندارد مزیتش برای بخش دیگری از صاحبان سرمایه این است که در نقش بلاگردان همه کاستی‌ها را بر سر پناهندگان خرد کنند و اعلام کنند باعث همه مشکلات همین پناهندگان و خارجی‌های "در جذب جامعه نشده" هستند و باید اخراجشان کرد.

مدیر اداره نگهبان قانون اساسی آلمان معتقد است رویکرد حزب آلترناتیو برای آلمان، AFD سال‌های ۱۹۴۵ - ۱۹۳۳ را تداعی می‌کند. ناگفته

نماند، جای هیچ تردیدی نیست که راه رشد راست افراطی و فاشیست در آلمان با تروریسم اسلامی هموار شده است.

راه مقابله علیه احزاب مسیحی و راست افراطی اعتراض گسترده مشابه ژانویه امسال است که مردم در ده‌ها شهر، در مقیاس ۲۵۰ هزارنفری در آلمان علیه حزب راست افراطی به خیابان آمدند و با پلاکاردهایی که در دست داشتند شعار دادند: نازی‌ها بیرون!

مذهب: نماد نگون‌بختی انسان

سیاوش آذری

”در یک مراسم بزرگ مذهبی هندوها در شمال هند، زائران زیر دست‌وپا مانده‌اند و دست کم ۳۰ نفر کشته و ۶۰ نفر مجروح شده‌اند. این حادثه زمانی رخ داد که زائرانی که خود را در رودخانه شهر پرایا گراج شستشو داده بودند، افرادی را که در سواحل رودخانه خوابیده بودند، لگدمال کردند.“

دین و مذهب و مرگ هم‌زاد، متمّم و مکمل یکدیگرند. دین نشانه نفی زندگی است: موجودیت دین یعنی بدبختی، خرابی، گرسنگی، خرافه و جهل، تبعیض و اجحاف، نابرابری و فقر، کشتار و نابودی

هر آنچه انسانی است. این امر برای کسانی که در کشورهای تحت سلطه نیروهای اسلامی مانند طالبان و جمهوری اسلامی و یا در دیگر کشورهای اسلام‌زده زندگی کرده‌اند مثل روز روشن است اما سنخیت دین و مذهب با نفی انسانیت، زندگی و شادی تنها نتیجه سلطه سیاسی دین بر زندگی اجتماعی نیست بلکه ناشی از ذات مذهب است. دین، حتی هنگامی که دارای سلطه سیاسی نیست، مترادف ویرانی و تباهی است. حتی اگر به‌ظاهر، مانند آیین هندو و بودیسم، دین صلح و آرامش و تعمق باشد.

زائران شرکت کننده در مراسم فوق الذکر بر این باورند که استحمام در رودخانه "مقدس" سنگم روحشان

را خالص کرده، موجب بخشوده شدن گناهانشان گشته و آنها را به رستگاری می‌رساند. احتمالاً اینجا مراد از رستگاری و خلوص روح مرگ در اشکال فجیع، از جمله له‌شدن بر اثر ازدحام جمعیت و یا مرگ تدریجی در نتیجه ابتلا به بیماری‌های عفونی ناشی از آلودگی رودخانه‌های گنگ و یامونا و غیره است که از جمله آلوده‌ترین رودخانه‌های جهان در اثر تخلیه آلاینده‌های صنعتی و خانگی به شمار می‌روند.

سؤال اصلی اینجاست: چگونه در قرن بیست و یکم و در کشوری که از جمله مراکز مهم توسعه فناوری پیشرفته و به‌اصطلاح "اقتصاد در حال ظهور" محسوب می گردد خرافات دینی همچنان بر زندگی

مردم مسلط است؟

پاسخ همانا روابط اجتماعی سرمایه‌دارانه موجود است که ریشه تمامی مصائب، نابرابری‌ها، تبعیض و اجحاف و دیگر مشکلات انسان است. نگون‌بختی انسان کنونی، که این فاجعه تنها جلوه‌ای از آن است، محصول روابط غیرانسانی حاکم بر جامعه امروزی است. دین نشانه نگون‌بختی انسان است. رهایی نهایی انسان از جهل و خرافه دینی نیز با درهم‌کوبیدن جامعه سرمایه‌داری و رهایی از آن تحقق خواهد پذیرفت.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۵۱

۱ فوریه ۲۰۲۵ – ۱۳ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاید

در این شماره ژورنال:

قتل سیاسی سلوان در سوئد و معامله با اسلام سیاسی

سؤال از حسن صالحی

”شنای مسئولان در بیت‌المال“

کیوان جاوید

صف دشمنان ضد بشر- از ترامپ تا لوپن

منظر دریاکناری

قتل سیاسی سلوان در سوئد و معامله با اسلام سیاسی

سؤال از حسن صالحی

کیوان جاوید: ترور یک منتقد اسلام در سوئد بسیار خبرساز شده است. "سلوان مومیکا" روز چهارشنبه که با سوزاند قرآن در انظار عمومی بسیار مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته بود در خانه‌اش با شلیک گلوله کشته شد. دست چه کسانی پشت این قتل سیاسی پنهان است و این ترور با چه هدفی صورت گرفته است؟

حسن صالحی: قتل سیاسی منتقد اسلام در سوئد که چهارشنبه گذشته ۲۹ ژانویه ۲۰۲۵ یک جنایت وحشتناک بود که عاملین آن بدون هیچ شکی

تروریست‌های اسلامی هستند. نخست‌وزیر سوئد از احتمال نقش یک قدرت خارجی در این قتل سخن گفته است و در این مورد البته جمهوری اسلامی متهم شماره یک است، چرا که خامنه‌ای خواهان اشد مجازات (مجازات مرگ) برای "سلوان مومیکا" به دلیل آتش‌زدن قرآن در سوئد شده بود. صرف‌نظر از دیدگاه‌های متفاوت درباره نفس آتش‌زدن قرآن توسط سلوان، قتل او یک جنایت وحشتناک و حمله‌ای آشکار به آزادی بیان در سوئد است. برای تروریست‌های اسلامی کوچک‌ترین انتقاد از اسلام "توهین به مقدسات" قلمداد می‌شود و فرد منتقد باید کشته شود. بی‌جهت نیست که امام مسجد شهر مالمو"صلاح الدین برکات" بی‌شرمانه از قتل سلوان بعنوان یک "انسان شرور" شادی می‌کند.

این مسجدی است که از حمایت مالی دولتی در سوئد برخورد دار است. دولت و پلیس سوئد با قصور عامدانه در حفاظت از جان سلوان مومیکا او را در چنگال خونین تروریست‌های اسلامی تنها گذاشتند و به او پشت کردند و حتی حاضر نشدند این قتل سیاسی را محکوم کنند. حال جانِ دوست وی، سلوان نجم که مورد تهدید اسلامی‌ها قرار گرفته است در خطر است و باید از او فوراً محافظت شود. در همان حال در مقابل اقدامات تهدیدآمیز اسلامی‌ها علیه آزادی بیان در سوئد لازم است که جبهه وسیعی از شهروندان برای دفاع از آزادی بیان و مبانی سکولار جامعه بسیج شوند و صف محکمی از نیروهای آزادیخواه، مترقی و سکولار در مقابل جریانات اسلامی قرار گیرند تا تقلاهای آنها را خنثی

کنند. در این زمینه به دولت سوئد با سابقه سیاست مماشات‌جویانه‌اش با اسلامی‌ها به‌هیچ‌وجه نمی‌توان اعتمادی کرد.

اکنون یاکوب فوشمند وزیر خدمات اجتماعی سوئد اعلام کرده است که محسن حکیم الهی امام اعزامی از سوی جمهوری اسلامی در مسجد و در مرکز اسلامی امام علی در استکهلم که بزرگ‌ترین مرکز اسلامی در سوئد و شمال اروپاست از سوئد اخراج می‌شود. بعد از نزدیک به ۱۵ سال فعالیت‌های این فرد در جهت منافع رژیم تروریست جمهوری اسلامی و علیه ایرانیان مقیم در سوئد اکنون او بعنوان تهدیدی برای امنیت سوئد به ایران اخراج می‌شود. یاکوب فوشمند گفته است که کمکی‌های دولتی

به این مرکز نیز قطع خواهد شد. سؤال این است که چرا فقط کمک‌های مالی به این مرکز اسلامی باید قطع شود و این مرکز نباید به دلیل فعالیت‌های مجرمانه‌اش در خاک سوئد به نفع جمهوری اسلامی به کل تعطیل شود؟

دولت سوئد ید طولایی در سازش و معامله کاسب‌کارانه با جریانات اسلامی و رژیم اسلامی در ایران دارد. این تنها فشار افکار عمومی است که می‌تواند باعث تغییر در رفتار دولت سوئد شود. با صدای بلند اعلام کنیم که هر گونه باج و امتیازدادن به جریانات اسلامی و حکومت اسلامی در ایران باید فوراً پایان گیرد. هر گونه کمک مالی به مراکز مذهبی باید متوقف شود. مدارس اسلامی و مذهبی

باید تعطیل شوند. هر گونه تهدیدی علیه آزادی بیان شهروندان باید جدی گفته شود و مورد پیگرد قضایی قرار گیرد. بالاخره روابط سیاسی و دیپلماتیک با رژیمی که مردم ایران را به بند کشیده است و در کشور سوئد نیز امنیت شهروندان را به خطر می‌اندازد باید قطع شود!

"شنای مسئولان در بیت‌المال"

کیوان جاوید

محمد محمدی گلپایگانی، رئیس دفتر خامنه‌ای گفت: "رعایت حقوق مردم و بیت‌المال بسیار مهم است، کسانی که دستی در بیت‌المال دارند یادشان باشد هر کاری انجام می‌دهند باید جوابگو باشند." او افزود: "برخی از مسئولان در بیت‌المال شنا می کنند."

دور از انتظار نیست همین گلپایگانی و بیت این آیت‌الله هم غرق بیت‌المال باشد. گلپایگانی یکی از نزدیکان حلقه نزدیک به خامنه‌ای است و خوب می‌داند این فقط برخی از مسئولان نیستند که در بیت‌المال شنا می‌کنند. در این دو جمله

گلپایگانی یک‌دنیا حقه‌بازی نهفته است که هدف ما روشن‌کردن همین نکات است.

یکم: "کسانی که دستی در بیت‌المال دارند یادشان باشد هر کاری انجام می‌دهند باید جوابگو باشند." سؤال این است به چه کسی باید جواب پس بدهند؟ جواب دوپهلو طوری که نه سیخ بسوزد و نه کتاب این است که منتظر عدل الهی باشید که خدا وعده‌اش را به مظلومان و فقرا داده است. خدایی که از قولش گفته می‌شود در این دنیا با فقر و بدبختی و سیه‌روزی بسازید تا در آن دنیا برای ابد پاداش بگیرید. البته این وعده نصیب همه فقرا نمی‌شود. فقرا باید گوش‌به‌فرمان باشد و دستورات اسلامی و الهی را یک‌به‌یک بجا بیاورند. فقرا در این

دنیا نباید دست به شورش بزنند و با آتش انقلاب خود اوضاع را به هم بریزند. قسمت هیجان‌انگیز ماجرا اما این است که این حنای تحمل حداقل در ایران دیگر رنگی ندارد. انقلاب اجتماعی دروازه خانه آیت‌الله‌های میلیاردر را با همه توان می‌کوبد.

دوم: این کل مسئولان نیستند که در بیت‌المال شنا می‌کنند. برخی از آنها هستند. البته در همه جای جهان هم برخی پیدا می‌شوند که فاسد هستند و از بیت‌المال سو استفاده می‌کنند. معنی زمینی این "برخی" این است که راه برای اصلاح و بهبود نظام اسلامی وجود دارد. فساد سیستماتیک نیست و می‌شود با آن در چهارچوب همین نظام مقابله کرد؛ بنابراین نباید به فکر زیرورو کردن این بساط که

اسمش حکومت اسلامی است افتاد. این پیام هم زیادی احمقانه است و فقط خشم شنونده را صد چندان می‌کند. بساط چپاول شما توسط همین مردم جمع می‌شود و این "بیت‌المال" به صاحبان اصلی‌اش بر می‌گردد. مردم ایران صاحبان همه دارایی‌های موجود در این کشورند.

صف دشمنان ضد بشر – از ترامپ تا لوپن

منظر دریاکناری

مارین لوپن، رهبر حزب راست افراطی"اجتماع ملی" فرانسه می‌گوید، این کشور باید از الگوی ترامپ برای اخراج مهاجران کلمبیایی پیروی کند. او می‌افزاید، او دقیقاً همان کاری را با الجزایر انجام خواهد داد که ترامپ با کلمبیا کرد.

مارین لوپن، به عنوان یکی از چهره‌های برجسته سیاست‌های ضد مهاجرت و نژادپرستانه شناخته می‌شود.اوبه‌طور مداوم بر سیاست‌های سخت گیرانه علیه مهاجران و پناهندگان تأکید داشته و در اظهارات خود همواره از رویکردهایی مشابه با سیاست‌های

ترامپ در آمریکا دفاع کرده است. او معتقد است که کشورهایی مانند الجزایر باید فشار بیشتری برای پذیرش مهاجران اخراج شده از فرانسه تحمل کنند. به گفته او، فرانسه باید از الگوی ترامپ برای برخورد با کشورهایی که از پذیرش مهاجران خودداری می‌کنند، پیروی کند.

آنچه ماری لوپن "فرانسوی"، ویکتور اوربان "مجاری"، نایجل فراژ "انگلیسی، ترامپ "آمریکایی" و بسیاری از سیاستمداران نژاد پرست در اروپا و دیگر کشورها را به هم وصل می‌کند و به‌قول‌معروف زمینه‌ساز عروج این نوع سیاستمداران و سیاست‌های راسیستی و فاشیستی می‌شود، بحران اقتصادی مزمن و طولانی‌مدت سرمایه‌داری عصر حاضر

است. اما راه‌حل فاشیستی ترامپ و لوپن و دست راست‌های آلمان فقط به انحراف کشاندن افکار عمومی شهروندان در کشورهای غربی است و اخراج درد بحران اقتصادی را درمان نمی‌کند. چه کسی که نداند کارگر ارزان کارگز مهاجر که بی حقوق ترین بخش جامعه است فقط به نفع سرمایه‌داران و مفت‌خوران است.

تعرض سیاسی جریانات راسیستی و فاشیستی به مهاجران و پناهجویان به این دلیل صورت می گیرد که به شهروندان بگوید دلیل بدبختی و فقر و بحران نه نظام حاکم که وجود مهاجران است که کار شما را می‌ربایند. می‌خواهند با حمله به مهاجرین فرصت لازم را در رسیدن به قدرت سیاسی فراهم

کنند و وقتی خرشان از پل گذشت به جان کارگر و مزدبگیر خودی بیفتند.

هم ترامپ و لوپن و هم همه احزاب فاشیست در کشورهای غربی و هم جمهوری اسلامی و جریانات دست راستی ایرانی خوب می‌دانند مشکل از حضور مهاجر در کشورهای غربی و ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نیست. اما برای خاک پاشیدن به چشم مردم و مخفی کردن گندی گه نظام حاکم بر جهان می‌زند هم‌عقیده‌اند. تنها باقدرت جهان متمدن می‌توان این دشمنان بشریت را عقب راند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۵۲

۲ فوریه ۲۰۲۵ – ۱۴ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاید

در این شماره ژورنال:

۴۶ سال پیش در چنین روزهایی

کیوان جاوید

صدها هزار تن علیه حکم اعدام پخشان

پریسا پوینده

ریشه گرانی مافیای اسلامی حاکم است

محسن ابراهیمی

رژیم اسلامی عامل اصلی گسترش زن‌کشی

سیاوش آذری

۴۶ سال پیش در چنین روزهایی

کیوان جاوید

۴۶ سال از انقلاب شکسته خورده و در هم کوبیده شده ۵۷ می گذرد. این روزها همه‌جا از این صحبت می‌شود که آیا ارزشش را داشت که از "چاله" شاه بیرون بیاییم و در"چاه" خمینی سرنگون شویم؟ آیا آن زمان که شاه پشیمان از آنچه که اشتباهات متعدد نظام سلطنتی نامید و قول جبرانش را داده بود، نباید فرصتی مجدد به او داده می‌شد تا جبران کند.

کسی که حرف‌های آن دوره شاه را مبنی بر جبران، باور کند در واقع هیچ‌چیز از دیکتاتوری و حکومت

پلیسی و فلسفه قدرت به دست نیروهای امنیتی و... نفهمیده است. همه دیکتاتورهای تاریخ آنگاه که نابودی را در چندقدمی خود حس می‌کنند، یکشبه "دمکرات" می‌شوند. انگارنه‌انگار که نفس‌ها را در سینه‌ها حبس کرده بودند، دست به بازداشت، شکنجه و اعدام و کشتار زده بودند و کمترین اعتراض متشکل کارگران و دانشجویان و مخالفین را با مشت آهنین دیکتاتور در هم کوبیده بودند و کوچک‌ترین آزادی بیان و اعتراض را با گلوله و زندان پاسخ داده بودند.

حتی اگر امروز کسی معتقد باشد که یک فرصت دیگر باید به شاه داده می‌شد، خوب است به عملکرد رضا پهلوی، "وارث تاج‌وتخت پدر؟!" نیم‌نگاهی

بیندازد. طی انقلاب زن زندگی آزادی در خارج از ایران چهره هواداران و شخص رضا پهلوی برای بخش وسیعی از مخالفانش هویدا شد. تعرض به مخالفان و وعده به زندان انداختن و حتی اعدام چپی‌ها و بقیه مخالفان "رضاشاه دوم" و تعرض کلامی و فیزیکی به مخالفان و پرده‌برداری از رئیس ساواک، تنها گوشه‌ای از آن تصویری است که قرار است در جامعه بعد از سرِ کار آمدن فرضی این جماعت نصیب مخالفین شود. این همان خوابی است که شاه هم برای مخالفان شکست‌خورده خود می‌دید.

جمهوری اسلامی هر منجلابی که ساخته است هیچ ربطی به انقلاب ۵۷ ندارد. این منجلاب نتیجه شکست آن انقلاب است. این درسی است که از

انقلاب ۵۷ باید گرفت. انقلاب باید تا به‌دست آمدن آخرین خواسته‌های رفاهی و برابری‌طلبانه و برقراری اهداف انسانی خود ادامه پیدا کند. مکانیسم تضمین پیروزی به دست شوراهای شهروندان و حزبی است که فراتر از قوانین برده‌وار سرمایه‌داری، برای آزادی و رهایی انسان مبارزه می‌کند. انقلاب نیمه‌تمام به نیمی از خواسته‌های خود نمی‌رسد در هم کوبیده می‌شود و جامعه وارد فاز دیگری از سیاهی و فلاکت و دیکتاتوری می‌شود.

صدها هزار تن علیه حکم اعدام پخشان

پریسا پوینده

بر اساس گزارش کمپین برای آزادی پخشان عزیزی، فعال سیاسی محکوم به اعدام، تاکنون بیش ۴۱۳ هزار و ۵۰۰ تن با امضای یک نامه خطاب به غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی، خواستار متوقف شدن "اجرای حکم اعدام پخشان عزیزی، لغو محکومیت و آزادی فوراً و بدون قید و شرط او شده اند."

اگر فقط به همین امضای مخالفان حکم اعدام پخشان نگاه کنیم و آن دهه‌ها اعتراض خیابانی متشکل از چند هزار تا چند ده نفر را به آن خیل مخالفان

اعدام اضافه کنیم، به‌خوبی دیده می‌شود که پخشان، این زن مبارزه و مخالف جمهوری اسلامی از چه محبوبیت بالای داخلی و بین‌المللی برخوردار است و سران جمهوری اسلامی تا چه حد منفور در جامعه هستند.

اجرای حکم اعدام وسیله‌ای است که هر روز در دست جمهوری اسلامی موجب یک فاجعه دیگر در جامعه می‌شود. اعدام همانطور که همیشه گفته شده است و حالا دیگر به فرهنگ عمومی در ایران تبدیل شده است ابزار در قدرت ماندن جمهوری اسلامی است. به دار می‌کشند و گلوله به سینه مخالفین می‌نشانند تا از دنیای پست و کثیفی که ساخته‌اند دفاع کنند. این منجلاب جمهوری اسلامی تا امروز

فقط با ریختن خون و به بند کشیدن مخالفین دوام آورده است.

جواب سخت و سنگین به جمهوری اسلامی علیه اعدام‌های جاری همین راهی است که در حال تبدیل شدن به فرهنگ عمومی مردم است. نهادها و مدافعان و نهادها و تشکل‌های مبارزه علیه اعدام درست تشخیص داده‌اند. مقابله با اعدام نه فقط برای نجات جان زندانیان سیاسی و هزاران محکوم "عادی" امری حیاتی است، همچنین اقدام مهمی است که برای همیشه در ایران حربه اعدام از دست حاکمین بیرون کشیده شود. از امروز تا همیشه و در همه حال علیه اعدام در میدان هستیم و هر روز قوی‌تر می‌شویم.

با این همه حمایت وسیع از پخشان و دیگر محکومین به اعدام، اما هنوز تنها گوشه کوچکی از قدرت ما مردم به میدان آمده است. هر شهروند باید یک فریاد دیگر و یک مشت گره کرده دیگر علیه اعدام، این قتل عمد دولتی باشد. بیاد داشته باشیم که اعدام و زندان به جرم فعالیت سیاسی همزاد رژیم‌های دیکتاتوری و سرکوبگر است.

ریشه گرانی مافیای اسلامی حاکم است

محسن ابراهیمی

بر طبق گزارش مرکز آمار ایران بیش از یک‌سوم مواد غذایی مورداستفاده خانوارها نسبت به سال گذشته ۴۰ تا ۱۰۳ درصد گران‌تر شده‌اند. بیشترین افزایش قیمت مربوط به حبوبات و میوه‌ها است. قیمت سیب‌زمینی دوبرابر شده است و گرانی‌ها باعث شده مردم کم‌کم این محصولات را از سفره خود حذف کنند.

پشت این اعداد و ارقام بی‌روح، شرایط دهشتناکی است که گرانی سرسام‌آور بر زندگی میلیون‌ها انسان تحمیل کرده است. میوه که مدت‌هاست از

سفره اقشار کم‌درآمد حذف شده است. سیب‌زمینی و تخم‌مرغ و لبنیات و سایر اقلام هم هر روز گران‌تر می‌شوند. به اینها اضافه کنید افزایش منظم قیمت نان را که یک قلم حیاتی درسفره اقشار محروم است. ابعاد فاجعه دهشتناک است. نزدیک ۵۰ میلیون انسان زیر خط فقر، توسط حکومت اسلامی و میلیاردرهای حاکم به مرگ تدریجی محکوم شده اند. جمعیت عظیمی که همه درآمدشان هم برای سیر کردن شکم خانوده کافی نیست و برای زنده ماندن باید از درمان و مسکن و بهداشت و پوشاک سزاوار انسان هم محروم شوند. گرانی روزافزون برای جمعیت کثیر زیر خط فقر یک تراژدی بزرگ انسانی است.

ریشه گرانی در این است که حلقه بزرگی از سرمایه‌داران و در رأسشان آیت‌الله‌های میلیاردر در یک ساختار سیاسی مافیایی، ثروت جامعه را بالا می‌کشند و آن را به‌جای سازمان‌دادن یک اقتصاد پاسخگو به نیازهای نزدیک ۹۰ میلیون شهروند، صرف زندگی لاکچری و انگلی خود و خانواده‌شان، صرف نگه‌داشتن زندان و زندانبان و شکنجه‌گر و قضات شرع و امامان جمعه و سپاه و بسیج و باندهای تروریست در جهان می‌کنند.

ریشه گرانی سیاسی است و راه‌حل هم سیاسی است. ریشه گرانی حکومت اسلامی سرمایه‌داران است و راه‌حل نهایی را هم مردم بپاخاسته در خیزش‌های بزرگ با شعار "فقر فساد گرونی، میریم تا سرنگونی"

اعلام کرده‌اند. اما تا رسیدن به این راه‌حل نهایی، کارهای زیادی در پیش داریم. گسترش متحدانه اعتصابات و اعتراضات کارگری، اعتراضاتی که با شعار "نه حاکم، نه دولت، نه مجلس، نیستند به فکر ملت" اعلام کرده‌اند که می‌دانند ریشه گرانی و فقر حکومت اسلامی است و با شعار "اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد" اعلام کرده‌اند. تحقق راه‌حل نهایی از مسیر مبارزه متحدانه می گذرد.

رژیم اسلامی عامل اصلی گسترش زن‌کشی

سیاوش آذری

”از ابتدای سال جاری خورشیدی تا ۱۲ بهمن‌ماه، دست‌کم ۱۳۳ زن به دلایل ناموسی یا غیره توسط اعضای خانوادهٔ خود کشته شده‌اند. یعنی به ازای هر دو روز، یک زن در ایران کشته می‌شود.“ این در حالی است که بسیاری از موارد قتل زنان ”اختلافات خانوادگی“ توسل زنان به خودکشی ”تصادف“ یا ”سانحه“ گزارش می گردد. همچنین آمارهای رسمی منتشره توسط پزشکی قانونی حاکی از گسترش دامنه آزار و اذیت و خشونت خانگی علیه زنان است. بنا بر این آمار سالانه قریب به ۴۷ هزار زن برای معاینات پزشکی همسرآزاری به پزشکی قانونی

مراجعه می‌نمایند، اما بر حسب برآوردها رقم واقعی صد برابر ارقام رسمی است. بااین‌وجود و علی‌رغم گسترش ابعاد زن آزاری و زن کشی در ایران لایحهٔ حمایت از زنان در برابر خشونت از سال ۹۲ تاکنون در مجلس خاک می‌خورد.

پدیده‌وحشتناک زن آزاری‌وزن کشی که‌خود ماحصل فرهنگ و باورهای مردسالارانه حاکم بر جامعه است، پدیده جدیدی نیست. اما نکته اینجاست که مانند تمامی پدیدهها و نابرابریهای اجتماعی، مردسالاری و زن‌ستیزی و باورهای "سنتی" نیز در متن روابط اجتماعی موجود باز تولید می گردند و به‌عنوان پدیده‌های معاصر که مُهر مناسبات موجود را بر پیشانی دارند ظاهر می گردند. به این مناسبات

عمومی باید مذهب را به عنوان آلت قتاله که در متن قانون جاری است اضافه کرد.

نکته دیگر اینکه خود مناسبات اجتماعی موجود نه پدیدههایی ایستا بلکه حاصل تقابل نیروهای اجتماعی مختلف و توازن قوای اجتماعی میان این نیروها است. در جامعه سرمایه‌داری تقابل میان نیروهای اجتماعی در شکل رودرروئی نیروهای سیاسی تحقق می‌یابد، بنابراین پدیده زن آزاری و زن کشی پدیدههایی کاملاً سیاسی هستند و پاسخ سیاسی می‌طلبند.

رژیم جمهوری اسلامی به‌عنوان شکل حقوقی روابط سرمایهداری دزدسالاری و فاسد و مذهبی حاکم بر

ایران عامل اصلی گسترش زن آزاری، زن کشی و هر گونه تبعیض و اجحاف علیه زنان و به شهادت قوانین ضدبشری که بر جامعه تحمیل کرده مشوق اذیت و آزار و اجحاف بر علیه آنان است. اما می توان و باید این وضعیت را تغییر داد. این بر عهده جنبش‌های سیاسی و اجتماعی پیشرو است. هر چه جنبش‌های اجتماعی و نیروهای سیاسی برآمده از آنها قوی‌تر و منسجم‌تر عمل کنند سنت‌ها، باورها و قوانین ضدانسانی و تبعیض‌آمیز بیشتر به عقب رانده می‌شوند. انقلاب زن زندگی آزادی و دستاوردهای آن گواه این حقیقت هستند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۵۳

۳ فوریه ۲۰۲۵ – ۱۵ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال:

رونمایی از سعید مرتضوی، دادستان قاتل

کیوان جاوید

حکم اعدام برای منوچهر فلاح، اقدام به جنایتی دیگر توسط رژیم

عطیه نیک‌نفس

سازماندهی جبهه متحد معلمان و مردم علیه احکام صادر شده!

نسان نودینیان

رژیم مرگ اسلامی و نقش آن در آلودگی هوا

میلاد رسایی‌منش

ترامپ و جنگ گمرکی بر علیه کانادا، مکزیک و چین

سینا پدرام

رونمایی از سعید مرتضوی، دادستان قاتل

کیوان جاوید

روز شنبه ۱۳ بهمن اعلام شد که کانون وکلای دادگستری استان یزد برای سعید مرتضوی، دادستان پیشین تهران پروانه وکالت صادر کرده است.

سعید مرتضوی در پرونده زندان کهریزک به دلیل نقش داشتن در کشته‌شدن چند تن از معترضان در سال ۸۸ به "انفصال دائم از خدمات قضایی" محکوم شده بود. همچنین این دادستان قاتل مسئول مرگ زهرا کاظمی، روزنامه‌نگار ایرانی - کانادایی بر اثر شکنجه است. یادآور شویم که سعید مرتضوی از

سوی اتحادیه اروپا و دولت آمریکا به دلیل نقض "حقوق بشر" تحریم شده است.

ضرورت رونمایی رژیم اسلامی از یک قاتل با پیشینه سنگین جنایت علیه بشریت در شرایط فعلی چه می‌تواند باشد؟ سعید مرتضوی به‌عنوان دادستان تهران در جریان اعتراضات وسیع و سراسری سال ۸۸ آن‌چنان قساوتی از خود به نمایش گذاشت که سران حکومت اسلامی نتوانستند علناً از او حمایت کنند و به این دلیل تا اطلاع ثانوی از جلوی صحنه عقب کشیده شد.

آشکار است که موقعیت حکومت اسلامی از سال ۸۸ تا به امروز به‌مراتب وخیم‌تر و تعرض مردم به بنیادهای رژیم بسیار وسیع‌تر شده است. ریزش

درونی رژیم و فرار از کشتی درهم‌شکسته جمهوری اسلامی واقعیتی است که قابل پنهان‌کردن نیست. طبعاً هیچ‌کس فکر نمی‌کند که مرتضوی قرار است با پوشیدن ردای خونین وکالتش از موکلانی دفاع کند که علیه ظلم و بیداد حکومت به پا خاسته‌اند. او کارنامه روشنی در قتل و جنایت دارد و روزی در جایگاه متهم به پرونده سراسر خونینش رسیدگی می‌شود.

در شرایطی که انقلاب در ایران بر در می‌کوبد، مرتضوی‌ها مجدداً جلوصحنه رانده می‌شوند تا رسماً در شکل‌وشمایل دیگر، این بار به‌عنوان "وکیل شیطان" از حکومت جنایت‌کاران اسلامی در قبال انقلاب مردم دفاع کنند. رژیم اسلامی همه نیروهای منفصل از خدمت و ذخیره و بازنشسته و

منفورِ پشت‌صحنه خود را احضار کرده است. جنگ با شدت و حدت تمام در جامعه ایران در جریان است. مردم با صدها اعتراض و اعتصاب و تعرض، تمامیت جمهوری اسلامی را در ابعاد بسیار متنوع نشانه گرفته‌اند. آیا دادستان سابق و وکیل جدید حکومت اسلامی می‌تواند کمکی به بقای جمهوری اسلامی کند؟ مقیسه و رازینی اگر زنده بودند به این پرسش پاسخ می‌دادند.

حکم اعدام برای منوچهر فلاح،
اقدام به جنایتی دیگر توسط رژیم

عطیه نیک‌نفس

”روز یک‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۳، حکم اعدام برای منوچهر فلاح که در زندان لاکان رشت به سر می‌برد، توسط شعبه دوم دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی رشت به ریاست درویش گفتار صادر شده و ساعاتی بعد به دو وکیل او ابلاغ شده است.“

زندان، شکنجه و اعدام همیشه ابزاری برای سرکوب مردم توسط جمهوری اسلامی بوده است و حالا که از همیشه بیشتر تحت‌فشار است و در مخمصه‌ای مرگبار دست‌وپا می‌زند بیش‌ازپیش متوحش گشته

است. جمهوری اسلامی اگر یک روز اعدام نکند، فردای آن قطعاً سرنگون می‌شود و در شرایط فعلی که مشکلات و معضلات متفاوت از سر و روی ایران به واسطه ناکارآمدی رژیم می‌چکد و مردم با بحران‌هایی از قبیل: معیشت به گرو گرفته شده توسط رژیم، نبود کامل آزادی بیان، سیاست‌های جنگ‌افروزی رژیم و البته سرکوب همه‌جانبه رژیم درگیر هستند، جامعه آزاد همیشه مستعدتر است تا علیه این رژیم جنایت اسلامی بلند شود و برای همیشه آن را نابود کند.

از طرفی احکام اعدام که اخیراً به واسطه ترس و استیصال جمهوری اسلامی روبه‌افزایش بوده، ضرورت مبارزه علیه اعدام، این حکم شنیع

ضدانسانی را نشان می‌دهد. جمهوری اسلامی که خود عامل فلاکت، فقر، فساد و ناامنی است و با اعمال تروریستی در دنیا و البته به یمن مبارزات درخشان مردم داخل ایران از همیشه در تمام دنیا بی‌آبروتر و منزوی‌تر است، می‌خواهد با توسل به شکنجه، اعتراف اجباری، زندان و اعدام همچنان در قدرت بماند، اما ما باید با مبارزهایی پیگیر، متشکل و هدفمند علیه حکم قرون‌وسطایی اعدام نه‌تنها باعث لغو تمامی احکام اعدام شویم؛ بلکه طومار این رژیم سراسر نکبت و تباهی را یک‌بار برای همیشه پیچیده و از صحنه روزگار محو کنیم.

صدور حکم اعدام برای منوچهر فلاح که در تمام مراحل دادرسی از حق داشتن وکیل محروم بوده،

خود گواهی است بر جنایت‌کار بودن این رژیم اسلامی.

اعدام قتل عمد حکومتی است که رژیم‌های دیکتاتوری و تمامیت‌خواه برای افزودن به عمر جنایتبارشان مرتکب آن می‌شوند، فارغ از اینکه با صدور و اجرای هر اعدامی، به‌سرعت به سمت سقوط پیش می‌روند.

سازماندهی جبهه متحد معلمان و مردم علیه احکام صادر شده!

نسان نود ینیان

اداره آموزش‌وپرورش استان کردستان احکام سنگینی را علیه ۴۷ معلم فعال صادر کرده است. این احکام شامل قطع رتبه‌بندی برای ۲۷ معلم، اخراج ۱۰ نفر، انفصال‌ازخدمت دولتی برای ۶ نفر، بازنشستگی اجباری ۴ نفر، توبیخ کتبی ۴ نفر، کاهش حقوق ۴ نفر، تبعید ۲ نفر و محرومیت از پست‌های حساس و مدیریتی برای ۱ نفر است. ۱۳ معلم زن و ۳۴ معلم مرد هدف این احکام قرار گرفته‌اند. در حال حاضر، شماری از فعالان صنفی معلمان به اتهامات امنیتی در زندان‌های

جمهوری اسلامی به سر می‌برند و تعدادی دیگر با وثیقه آزاد هستند.

معلمان کردستان در نامه‌ای سرگشاده به تاریخ ۶ بهمن ۱۴۰۳، به سرکوب گسترده معلمان پس از این خیزش اشاره کرده و گزارش‌هایی از ۷۰۰ مورد کسر حقوق، ۴۷ مورد محرومیت از حق رتبه‌بندی، اخراج و صدور احکام انفصال، تبعید و بازنشستگی اجباری برای معلمان ارائه داده‌اند. آن‌ها در این نامه به وضعیت بحرانی آموزش در استان و فشارهای شدید بر فعالین صنفی معلمان پرداخته و از مسئولین خواسته‌اند تا به این احکام سرکوبگرانه رسیدگی کنند.

این احکام پس از خیزش زن زندگی آزادی در راستای

سرکوب فعالیت‌های معلمان و محدودکردن اعتراضات آن‌ها به وضعیت آموزش‌وپرورش در استان کردستان صادر شده است.

مطالبات معلمان که عمدتاً حول محور بهبود شرایط کاری، افزایش حقوق، و تأمین کیفیت آموزشی است، در سال‌های اخیر بارها با واکنش‌های شدید جمهوری اسلامی مواجه شده است.

برای مبارزه با احکام صادر شده و آزادی معلمان زندانی، سازماندهی یک جبهه متحد از معلمان شاغل و بازنشسته در سطح سراسری ضروری است. همبستگی دانش‌آموزان و والدین و آگاه‌سازی آنها درباره پیامدهای احکام صادر شده، مانند

پایین آمدن کیفیت آموزش‌وپرورش، را در فضای مجازی و جلسات معلمان با والدین را سازماندهی کنیم. رسانه‌ها و فعالان اجتماعی باید این احکام سنگین را به گوش مردم و جامعه بین‌المللی برسانند. سازماندهی تجمعات اعتراضی در سطح سراسری، اعتراض میدانی به احکام صادر شده و جلب حمایت‌های بین‌المللی برای فشار به صادرکنندگان احکام ظالمانه و جمع‌آوری امضای چندمیلیونی از معلمان، دانش‌آموزان، دانشگاه‌ها، کارگران و والدین و مردم در تمامی شهر و روستاها. در سطح بین‌المللی تعدادی از اتحادیه‌های معلمان همواره از مدافعین پیگیر معلمان و مبارزات آنها بوده‌اند؛ گسترش این عرصه اهمیتی اساسی دارد.

رژیم مرگ اسلامی و نقش آن در آلودگی هوا

میلاد رسایی‌منش

درحالی‌که آلودگی هوا به یکی از عوامل اصلی مرگ‌ومیر در کلان‌شهرهای ایران تبدیل شده است، رژیم اسلامی همچنان منابع کشور را صرف سیاست‌های مخرب خود می‌کند. گزارش‌های اخیر نشان می‌دهد که در اهواز، یکی از آلوده‌ترین شهرهای ایران، از هر پنج مرگ یک مورد مستقیماً با آلودگی هوا مرتبط است. این آمار تکان‌دهنده نتیجه سال‌ها بی‌توجهی به زیرساخت‌های محیط زیستی و مدیریت نادرست منابع کشور است.

به‌جای سرمایه‌گذاری در بهبود کیفیت هوا، توسعه

حمل‌ونقل عمومی پایدار و کاهش آلاینده‌ها، حکومت ایران میلیاردها دلار را صرف حمایت از گروه‌های تروریستی، گسترش نفوذ نظامی در منطقه و خرید تسلیحات می کند. این در حالی است که شهروندان ایرانی هر روز با مشکلاتی همچون بیماری‌های تنفسی، سرطان و سایر بیماری‌های ناشی از آلودگی دست‌وپنجه نرم می کنند.

در خوزستان، یکی از مناطق نفت‌خیز کشور، آلودگی صنعتی به سطحی بحرانی رسیده است. باوجود درآمد هنگفت نفتی، هیچ گونه برنامه جدی برای کاهش آلاینده‌ها و بهبود وضعیت محیط‌زیست در دستور کار دولت قرار ندارد. به‌جای آن، این سرمایه‌ها در جیب آیت‌الله‌های میلیاردر و نهادهای

سرکوبگر رژیم سرازیر می‌شود.

رژیم اسلامی بنا بر ماهیت بحران‌زای خود و انزجار عمومی راهی به جز از صرف منابع برای سرپا نگه‌داشتن نیروهای سرکوب خود ندارد. جنگ‌افروزی و حمایت از تروریسم اسلامی وجه جدایی‌ناپذیر این رژیم است. بااین‌حال، برافراشتن پرچم مطالبه بهبود شرایط زیست‌محیطی و اعتراض به وخامت روزبه‌روز وضعیت محیط‌زیست، بخش جدایی‌ناپذیر از مبارزه علیه کلیت موجودیت رژیم اسلامی است و باید در دستور کار نیروها، جنبش‌ها و نهادهای پیشرو قرار بگیرد.

ترامپ و جنگ گمرکی بر علیه کانادا، مکزیک و چین

سینا پدرام

کاخ سفید روز شنبه اعلام کرد که دونالد ترامپ، تعرفه‌های سنگینی بر واردات از کانادا، مکزیک و چین وضع کرده است. مکزیک و کانادا در واکنش به تصمیم دونالد ترامپ برای اعمال تعرفه‌های سنگین بر واردات از این کشورها، آمریکا را به "تدابیر تلافی‌جویانه" تهدید کردند و هشدار دادند که این تصمیم می‌تواند پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای داشته باشد. چین در واکنش به این اقدام اعلام کرد که این اقدامات گمرکی هیچ برنده‌ای نخواهد داشت.

تمامی ناظران اقتصادی بر این باورند که این اقدامات نه‌تنها به بحران اقتصادی آمریکا کمکی نخواهد کرد؛ بلکه پیامدهای جهانی آن غیرقابل‌پیش‌بینی هستند.

تعرفه‌ها به طور معمول باعث افزایش هزینه‌های تولید و مصرف می‌شوند، زیرا واردات گران‌تر می‌شود و این امر بر شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان فشار وارد می‌کند. ترامپ و شرکا سعی بر این دارند تا نشان دهند که این سیاست‌ها به تولید "داخلی" ایالات متحده کمک خواهند کرد، اما این کاملاً روشن است که به افزایش هزینه‌ها، کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان و در یک‌کلام طبقه کارگر خواهد انجامید.

سیاست‌های حمایتی مانند اعمال تعرفه‌ها ممکن است تجارت جهانی را مختل کند و در نتیجه، این اقدامات می‌توانند به بحران‌های مالی و اقتصادی در کشورهای مختلف دامن بزنند.

بحران‌های سرمایه‌داری ناشی از تناقضات بنیادین سرمایه‌داری است. زمانی که سود سرمایه کاهش پیدا می‌کند و یا در یک بازه زمانی افزایش پیدا نمی‌کند، بحران‌های اقتصاد تجلی پیدا می‌کنند. در قرن اخیر حداقل از سال ۲۰۰۸ بخش عمده جهان سرمایه‌داری غرب وارد یک‌چرخه جدید رکود – بحران شده است که تاکنون ادامه دارد.

عروج ترامپیسم و این نوع فاشیسم خود یکی از نتایج و نشانه‌های بحران جاری سرمایه‌داری در غیاب آلترناتیو چپ رادیکال در آمریکا است؛ ترامپیسم نه جوابی برای این بحران دارد و نه می‌تواند به آن خاتمه دهد. سیاست‌های اقتصادی ترامپ نتیجه‌ای جز خانه‌خرابی بیشتر مردم آمریکا نخواهد داشت.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۹۵۳

۴ فوریه ۲۰۲۵ – ۱۶ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

ممنوعیت تجمعات و هراس حکام اسلامی از سقوط

محسن ابراهیمی

پزشکیان: حل مشکلات معیشتی تا عید نوروز!

کاظم نیکخواه

معضل کم‌آبی در ایران

گفتگو با حسن صالحی

مراکز اسلامی، لانه‌های جاسوسی

سیما بهاری

ممنوعیت تجمعات و
هراس حکام اسلامی از سقوط

محسن ابراهیمی

طرح ممنوعیت برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها در "مکان‌های حساس و امنیتی"، یک نمونه دیگر است که نشان می‌دهد سران حکومت اسلامی به‌شدت نگران امنیت و حیات سیاسی نظام هستند. این طرح همین دوشنبه ۱۵ دی در نشست "کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس" با حضور نمایندگان نهادهای امنیتی و سپاه و نیروهای انتظامی موردبحث و تصمیم‌گیری قرار گرفت.

تجمع و راهپیمایی که همیشه ممنوع بوده‌اند.

تعرض به تجمعات اعتراضی، تهدید، دستگیری، آزار و شکنجه و احکام سنگین زندان و حتی احکام اعدام برای معترضین هم که کار هر روزه دستگاه سرکوب بوده است هرگز کارایی نداشته است. علی‌رغم اینکه ماشین سرکوب مدام در جریان بوده، فقط در سال گذشته میلادی بالای ۲۵۰۰ تجمع اعتراضی و اعتصاب در بخش‌های مختلف ایران برگزار شده است.

می‌دانیم که وزارتخانه‌ها، استانداری‌ها، مجلس، قوه قضاییه، ساختمان ریاست‌جمهوری، زندان‌ها، صداوسیما، قرارگاه‌های سپاه و بسیج و نیروهای انتظامی، حوزه‌های "علمیه"، دفاتر امام‌جمعه‌ها و بیت خامنه‌ای مهم‌ترین مکان‌های حساس و امنیتی هستند که اتفاقاً در سه خیزش سال‌های

اخیر، معترضین خشمگین به بخشی از این مکان‌ها یورش بردند و به آتش کشیدند.

تأکید بر ممنوعیت تجمع در مقابل "مکان‌های حساس و امنیتی" به‌روشنی نشان می‌دهد که سران حکومت نگران هستند در یکی از خیزش‌ها، اعتراضات گسترش پیدا کند، از کنترل خارج شود، با هجوم به مکان‌های "حساس و امنیتی" همراه شود، به یک قیام سراسری تبدیل شود و بساط حکومت را برای همیشه برچیند.

برای آمادگی مقابله با همین خطر و خیزش‌های شهری بود که رزمایش‌های متعدد سپاه و بسیج در ماه‌های گذشته در شهرهای مختلف و مخصوصاً در تهران انجام شد. سخنگوی سپاه پاسداران،

صریحاً گفت که رزمایش "راهیان قدس" باهدف آماده‌سازی برای مقابله با هر گونه تهدید احتمالی علیه پایتخت و دفاع از کوی و برزن" طراحی شده است که البته به اعتراف فرمانده "سپاه محمد رسول‌الله تهران بزرگ"، به علت "رویه‌ای که بعد از حوادث سوریه" به وجود آمده، خیلی از کسانی که در سپاه و بسیج خدمت کرده‌اند برای ثبت‌نام استقبال نکردند! به زبان ساده، فرار بشار اسد و فروپاشی "محور مقاومت"، روحیه نیروهای سرکوب را ویران کرده است. اتفاقی که قطعاً روحیه تعرض به "مکان‌های حساس و امنیتی" و تعیین تکلیف نهایی را بالا می‌برد.

پزشکیان: حل مشکلات معیشتی تا عید نوروز!

کاظم نیکخواه

سخنان پزشکیان در نشستی با سران سه قوه حکومت در ۱۵ بهمن، انسان را به یاد وعده مشهور رئیسی در سه سال پیش می‌اندازد که دو هفته مانده به آخر سال گفت مشکل فقر مردم را تا آخر سال ریشه‌کن می‌کنیم! پزشکیان هم در مورد نشستی که با سران سه قوه داشته می‌گوید " در جلساتی که با سران قوا داشتم موضوع معیشت مردم را پیگیری کردیم و به هر شکل ممکن تا قبل از عید نوروز وضعیت معیشت و سفره مردم را تأمین می‌کنیم و برای سال آینده آن روندی که معیشت مردم را اصلاح می‌کند را در پیش خواهیم

گرفت تا بتوانیم پاسخگوی مردم باشیم". بله، تا عید نوروز!

او البته فوراً در مورد گرانی و کمبودها می‌گوید "برخی از مشکلات دست ماست و برخی دست ما نیست". منظورش این است که بخشی از مشکلات تقصیر فشارهای بین‌المللی و تحریم‌ها و نهادهای خارج از حیطه دولت است. اما نمی‌گوید که چه سیاست‌هایی باعث این تحریم‌ها شده و آن بخشی که دست ایشان است کدام است.

پزشکیان در راه حکومتی است که سیاست‌هایش اقتصاد را تماماً نابود و فلج کرده است و کارش به جایی رسیده است که حداقل شرایط اداره جامعه

را هم ازدست‌داده و تنها راهی که برایش مانده این است که گورش را گم کند و مردم را راحت بگذارد. معضل سقوط ارزش ریال و افت هر روزه قدرت خرید مردم و مشکلات و معضلاتی نظیر قطعی برق و گاز و همچنین مازوت‌سوزی، ریشه در وضعیت فلج اقتصادی جمهوری اسلامی دارند و قطعاً هر روز بدتر خواهند شد. یک‌مشت آخوند مولتی‌میلیاردر و دزدان نجومی بر اقتصاد کشور چنبره زده‌اند و با ثروت‌های یک تک نفر آنها می‌توان معضلات معیشتی میلیون‌ها نفر را حل کرد. اما چه کسی اراده و توان دست‌زدن به این ثروت‌ها را دارد؟ پزشکیان می‌تواند مثل رئیسی وعده‌های توخالی‌اش را بدهد. اما مردم کاملاً می‌دانند که راه‌حل گرانی و بی برقی و بی گازی

و حتی کنارزدن تحریم‌ها چیست. مردم این راه را انتخاب کرده‌اند که انقلابی مثل انقلاب زن زندگی آزادی است و بدون تردید خیلی زود اعتراضات کنونی به‌صورت خیزش‌ها و انفجارات فوران می‌کند و کار این نیروی غارتگر و جنایت‌کار را تمام خواهد کرد. در این صورت است که معضلات معیشتی و حقوقی و سیاسی رفاهی و محیط زیستی مردم می‌تواند حل شود.

معضل کم‌آبی در ایران

گفتگو با حسن صالحی

سوسن صابری: معضل بی‌آبی و کم‌آبی در ایران لاینحل مانده و رژیم اعلام کرده که در تابستان باز هم دست به سهمیه‌بندی آب خواهد زد و عمدتاً هم تقصیر را به گردن کم‌توجهی مردم در مصرف آب می‌اندازد. شما این فاجعه زیست‌محیطی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

حسن صالحی: دلایل را البته فقط مصرف زیاد آب اعلام نمی‌کنند؛ بلکه عواملی دیگری نظیر ریزش کم‌باران و یا خشکسالی هم اعلام می‌کنند. طبعاً همه این عوامل می‌توانند در بحران آب در

ایران تأثیر داشته باشد؛ ولی مسئله این است که به قول یک کارشناس آب در ایران "نظام حکمرانی آب چرا باید به‌گونه‌ای باشد که با کمترین کاهش بارندگی، این‌قدر آسیب‌پذیر و شکننده شود؟"

وضعیت ورشکستگی آبی در ایران حاصل چهل و شش سال حاکمیت جمهوری اسلامی است. بسیاری از عواملی که حاکمین اسلامی برای بحران آب در ایران می‌آورند برای دیگر کشورها هم وجود داشته؛ ولی لزوماً به بحران آب منجر نشده است. سه عنصر اصلی محیط‌زیست در ایران یعنی خاک، آب‌وهوا مورد غارت و چپاول بوده است و مافیای حاکم بر ایران این منابع طبیعی را به‌خاطر منافع اقتصادی خود به تاراج

برده است. نتیجه این می‌شود که ما امروز می‌بینیم. آلودگی هوا که مجبور می‌شوند مدارس و مراکز کار را ببندند و هر سال مردم زیادی در اثر استنشاق سم می‌میرند، خشک‌شدن رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و تالاب‌ها، و افزایش خشک‌زایی و فرسایش خاک و پراکنده شدن ریزگردها که زندگی جمعیت زیادی از مردم را تهدید می‌کند. می‌خواهم بگویم مشکل فقط آب نیست یک مجموعه است که اینها بر هم تأثیر می‌گذارد. حکومتی که جنگل‌ها، مراتع و تالاب‌ها را از بین می‌برد معلوم است که این تخریب باعث کاهش ظرفیت ذخیره و تجدید منابع آبی می‌شود.

وقتی مافیای آب به اسم سازندگی و در واقع به‌خاطر سودجویی خود بر روی هر رودخانه‌ای

سد زده است و منابع زیر زمینی آبی را بلعیده است معلوم است که نتیجه ورشکستگی آبی می‌شود. وقتی که برای گسترش صنایع نظامی و بدون توجه به تأثیرات درازمدت زیست‌محیطی انتقال آب انجام می‌دهند معلوم است که این به بی‌آبی در حوزه دیگر می‌انجامد. وقتی که سیستم آبیاری مدرن در کشاورزی را رایج نمی‌کنند واضح است که مشکل بی‌آبی به وجود می‌آید. ما در ایران با حکومتی روبرو هستیم که اقتصادش مبتنی بر فساد، دزدی و رانت‌خواری است. سیاست‌هایش مبتنی بر جنگل‌خواری، رودخانه خواری، زمین‌خواری و مراتع خواری و آب خواری و غیره است. حاصل این می‌شود که این حکومت دیگر حتی قادر نیست اولیه‌ترین نیازهای انسانی شهروندان مثل آب و برق را تأمین

کند.

سوسن صابری: باتوجه‌به تغییرات اقلیمی و شرایط زیست‌محیطی، یک حکومت مردمی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی، چه اقداماتی را برای حل این معضل باید در دستور بگذارد؟

حسن صالحی: من کارشناس آب نیستم که بتوانم پاسخ همه‌جانبه‌ای به سؤال شما بدهم. ولی شکی ندارم که یک حکومت مردمی که ضمن بهینه‌سازی محیط‌زیست در جهت رفع نیازهای شهروندان عمل می‌کند، می‌تواند پاسخ مناسب برای حل بسیاری از معضلات ایران را بیابد. مسئله اساسی این است که استفاده بهینه از محیط‌زیست هم می‌تواند به بهبود زندگی مردم منجر شود و هم به بهبود شرایط

زیست‌محیطی کمک کند. همین امروز بخش قابل‌توجهی از شهروندان در ایران نسبت به مسائل زیست‌محیطی آگاهی دارند و نسبت به تخریب محیط‌زیست توسط رژیم معترض‌اند.

همین‌الان در زمینه اجرای طرح‌های جامع مدیریت منابع آب، استفاده بهینه از منابع موجود و توسعه زیرساخت‌های آبیاری مدرن پیشنهادات بسیار خوبی موجود است؛ ولی تا وقتی که این حکومت مافیایی حاکم است این پیشنهادات به مورد اجرا گذاشته نمی‌شود. شک نداشته باشید که همین شهروندان با این درجه بالا از خودآگاهی در زمینه محیط‌زیست و با استفاده از تکنولوژی مدرن پاسخ‌های مناسب به بحران آب در ایران را خواهند داشت.

مراکز اسلامی، لانه‌های جاسوسی

سیما بهاری

روزنامهٔ سوئدی اکسپرسن هفتهٔ گذشته خبر داد که "محسن حکیم اللهی، روحانی ۶۳ساله که به نمایندگی از جمهوری اسلامی و به‌عنوان امام جماعت مرکز اسلامی امام علی در سوئد زندگی می کند مدتی پیش شبانه توسط سرویس امنیتی سوئد بازداشت شده و به‌زودی از این کشور اخراج می‌شود".

سال‌هاست که در تظاهرات‌های علیه جمهوری اسلامی یکی از شعارهای اصلی این است: "سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی مراکز جاسوسی هستند، آنها را ببندید". الان سوئد دارد می گوید

ایران از مراکز اسلامی برای جاسوسی استفاده می کند. در مقابل همین مرکز اسلامی در استکهلم ده‌ها تظاهرات و اعتراض سازمان داده شد. مخالفان جمهوری اسلامی در سخنرانی‌هایشان و بر روی باندرول‌ها گفتند و نوشتند که در این مراکز تبعیض می آموزند، نفرت می کارند و ترور سازمان می‌دهند. سال‌هاست مردم سوئد در خیابان‌ها و در کنفرانس‌ها صحبت‌های مخالفین و فراریان از جمهوری اسلامی را شنیده‌اند. دولت سوئد خیلی دیر اما بالاخره به زبان آورد که جمهوری اسلامی از این اماکن به‌عنوان مراکز جاسوسی استفاده می کند.

بساط ترور و دزدیدن مخالفین جمهوری اسلامی در خارج ایران هم پهن است و به یمن مماشات

دولت‌های اروپایی کارشان را پیش می‌برند. ترورهای زیادی انجام داده‌اند و با تهدید تلاش می کنند صدای مخالفان را خفه کنند.

انقلاب زیبای زن زندگی آزادی صدای زنان و مردان شجاع ایران را با پژواکی بسیار قوی در سراسر جهان پخش کرد. امروز هیچ کس، مطلقاً هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که نمی‌داند در ایران چه خبر است. سال گذشته دولت آلمان حکم به بستن مراکز اسلامی داد و "مفتح" نمایندهٔ خامنه‌ای را اخراج کرد و اکنون نوبت سوئد است. جای خوشحالی دارد که بالاخره نمایندهٔ جمهوری اسلامی دمش را روی کولش می گذارد و نزد پدر جنایت کارش برمی گردد.

اما کار اینجا به پایان نمی‌رسد. قدم بعدی بسته‌شدن مرکز اسلامی امام علی و سفارتخانهٔ جمهوری اسلامی است. اینها کانون‌های سازماندهی ترور و آموزش زن‌ستیزی، کودک‌آزاری و عقب‌ماندگی و ستیز با زندگی هستند. بایکوت جمهوری اسلامی از همهٔ مجامع بین‌المللی و از همهٔ نشست‌های جهانی باید خواست همهٔ مخالفین رژیم اسلامی ایران باشد. این حکومت هر جا پا بگذارد انسانیت و شادی را ویران می‌کند. دست‌وپای این جانیان از جامعه کوتاه!

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۹۵۵

۵ فوریه ۲۰۲۵ – ۱۷ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

سرکوب وکلای مستقل؛ جمهوری اسلامی از چه می‌ترسد؟

ایراندخت جویباری وکیل پایه یک دادگستری از ایران

جمهوری اسلامی، مذاکره در گرداب مقاومت

سیامک بهاری

جنبش علیه اعدام و پنجاه و چهارمین سه‌شنبه‌های اعتراضی

شهلا دانشفر

چپاول، گرانی، تورم بلای جان مردم

عبدل گلپریان

سرکوب وکلای مستقل؛
جمهوری اسلامی از چه می‌ترسد؟
ایراندخت جویباری وکیل پایه یک دادگستری از ایران

جمهوری اسلامی ایران سال‌هاست که با سرکوب سیستماتیک وکلای مستقل، نشان داده که حتی تحمل حداقلی از عدالت و دادرسی منصفانه را ندارد. وکلایی که وظیفه‌شان دفاع از حقوق شهروندان است، خود به جرم «دفاع از حقیقت» تحت تعقیب قرار گرفته‌اند. این اقدام نه‌تنها نقض آشکار حقوق بشر است، بلکه پرده از استبدادی برمی‌دارد که حتی از حضور چند وکیل مستقل نیز وحشت دارد.

نمونه‌ای از این سرکوب، صدور کیفرخواست برای ۱۷ وکیل در مشهد است که تنها به دلیل انتشار نظرات خود در شبکه‌های اجتماعی، به «تبلیغ علیه نظام» متهم شده‌اند. مرضیه محبی، یکی از همکاران این وکلا، تأکید کرده که وزارت اطلاعات از این مطالب به‌عنوان بهانه‌ای برای فشار بر وکلا استفاده کرده و دادسرای انقلاب نیز بدون هیچ‌گونه استدلالی این تفسیر را پذیرفته است. این اقدام نشان می‌دهد که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، وکلا عملاً از هیچ حقی برای دفاع از موکلین خود برخوردار نیستند وگرنه آنها نیز سرنوشتی بهتر از موکلین خود نخواهند داشت.

این تنها یک مورد از ده‌ها نمونه‌ای است که طی

سال‌های اخیر رخ‌داده است. در جریان خیزش مهسا/ ژینا امینی در شهریورماه سال ۱۴۰۱ تا آبان‌ماه همان سال، دست‌کم ۱۵ وکیل بازداشت شدند. محمد نجفی، امیرسالار داوودی و مصطفی دانشجو از جمله وکلایی هستند که سال‌ها به دلیل دفاع از موکلان خود در زندان به سر برده‌اند. این روند عملاً نظام قضایی ایران را به ابزاری برای سرکوب تبدیل کرده و نشان می‌دهد که دستگاه قضا هیچ استقلالی از نهادهای امنیتی ندارد.

طبق اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی، هر شهروندی حق دارد وکیل داشته باشد، اما مانند بسیاری از اصول دیگر این قانون، در عمل نقض می‌شود. بر اساس «اصول اساسی نقش وکلا» مصوب سازمان ملل، وکلا نباید به دلیل انجام

وظایف خود با تهدید یا پیگرد قضایی مواجه شوند، اما جمهوری اسلامی این اصل را آشکارا زیر پا می‌گذارد.

سرکوب وکلای مستقل نشان‌دهنده وحشتی است که حکومت از عدالت دارد. نظامی که حتی تحمل شنیدن صدای حق را ندارد، نه اصلاح‌پذیر است و نه پایدار. تاریخ نشان داده که حکومت‌هایی که پایه‌هایشان را بر سرکوب و خفقان بنا کرده‌اند، سرنوشتی جز فروپاشی ندارند.

جمهوری اسلامی، مذاکره در گرداب مقاومت

سیامک بهاری

دبیر شورای‌عالی‌امنیت‌ملی: «سیاست تقویت مقاومت همچنان در دستور کار جمهوری اسلامی قرار دارد».

علی‌اکبر احمدیان دبیر شورای‌عالی امنیت ملی در نابهنگام بازگشت تحریم‌ها و تجربه شکستی دیگر زیر بار فشار حداکثری و خم‌شدن سیاست محور مقاومت به سیاست التماس برای مذاکره به متد و روش خامنه‌ای، با دست پس‌زدن و با پا پیش‌کشیدن، سلب مسئولیت از نتایج عملکرد سیاسی، درماندگی چیدمان سیاسی زیر بار شکست‌های پی‌درپی، در تقلا برای بقا و ادعا بر بازسازی خط مقاومتی که

خاکریزهایش فروریخته، ناتوان از به‌خط‌کردن خودی‌های روحیه باخته و پنهان‌کردن وحشت و سراسیمگی حکومت از تقویت مقاومت سخن می‌گوید.

روشن بود که نه‌تنها فشارهای حداکثری باز خواهد گشت. بلکه توان مقابله و پاسخ‌گویی جمهوری اسلامی از تهدیدها و لفاظی‌های مرسوم، از روزشمار نابودی اسرائیل، وعده صادق ۳ و با خاک یکسان کردن حیفا و تل‌آویو تا حسینیه کردن کاخ سفید، به اینجا رسیده‌اند که احمدیان درباره محور مقاومت می‌گوید: ”خامنه‌ای برای تحقق این موضوع سخنی از جنگ به میان نیاورده“ و ”حکومت ایران نیز به دنبال کار نظامی جهت ازبین‌بردن اسرائیل نیست،

برای کار نظامی برنامه‌ریزی می‌کنند، ما مشغول این نیستیم. بنای ما این نیست که مقاومت با جنگ عمل کند و: "دشمن در پی اختلاف و تفرقه‌افکنی در صف طرف‌داران جمهوری اسلامی است". اما؛ همچنان «تقویت مقاومت» در دستور کار جمهوری اسلامی قرار دارد!

دبیر شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی دقیقاً دارد هراس و حقارت از دست‌وپازدن در گردابی که خود خلق کرده است را در مقابل چشم مردم جهان می‌گیرد. فروپاشی کل استراتژی ماجراجویی هسته‌ای – نظامی و گردنکشی گنده‌لات‌های سپاه در منطقه در هزیمت محتوم را زیر عبارات مبهم پنهان می‌کند! تصویر واقعی بیرونی و درونی صفوف حکومت

همین است! احمدیان عاجزانه این به‌هم‌ریختگی را می‌خواهد پنهان کند!

هسته مرکزی کل استراتژی حکومت اسلامی که تقلا می‌کند آن را پنهان کند بر مذاکره استوار است. کاخ سفید راه مذاکره و معامله را باز گذاشته و همچنان باز خواهد گذاشت.

آنچه کار جمهوری اسلامی و همه این بساط متعفن معامله و مذاکره را یکسره خواهد کرد، نه تحریم و فشار حداکثری که اراده و عزم مردم ایران برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی است. روزشمار سقوط دارد به انتهای خود می‌رسد. این فرجام نهایی است!

جنبش علیه اعدام و پنجاه و چهارمین سه‌شنبه‌های اعتراضی

شهلا دانشفر

سه‌شنبه شانزدهم بهمن، پنجاه و چهارمین هفته کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام بود و با پیوستن زندان گنبدکاووس دامنه‌اش به ۳۵ زندان کشیده شد. کارزاری بی‌نظیر در تاریخ که برپاکنندگانش از زندان، این مرکز مهم جنایات حکومت تحت عنوان "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" و به شکل اعتراضی اعتصاب‌غذا قد علم کردند و گفتند اعدام با هر جرمی ممنوع. اعدام را قتل عمد دولتی خواندند و بر لغو تمامی احکام اعدام تأکید کردند. یک کانون مهم جنبش علیه اعدام که

دامنه‌اش هر روز گسترده‌تر شده و حمایت‌های فراوانی را همراه دارد.

این کارزار یک‌ساله شد و به این مناسبت فعالیت‌های حمایتگرانه بسیاری در داخل و در خارج از کشور شکل گرفت. اعضای این کارزار هر هفته طی بیانیه‌ای پیامی به مردم می‌دهند. در بیانیه این هفته‌شان همبستگی و اتحاد مردمی در مقابله با احکام ضدانسانی اعدام و حمایت‌های گسترده از کارزار را نشانه اعتراض به تمامیت حاکمیت دانسته و اعلام قدردانی کرده‌اند. همچنین در این بیانیه با اشاره به اعدام جنایت‌کارانه بیش از سی نفر از ابتدای بهمن‌ماه تا کنون آمده است: "هدف حکومت از این احکام و اتهامات خودسرانه و سیستماتیک،

ایجاد وحشت در جامعه و جلوگیری از اعتراضات خیابانی و قیام است".

اتفاق مهم دیگر سه‌شنبه‌های نه به اعدام این هفته تجمع دوباره خانواده‌های زندانیان سیاسی محکوم‌به‌اعدام در مقابل زندان اوین بود. آنها با در دست‌گرفتن عکس‌های عزیزانشان و پلاکاردهایی با مضمون "نه به اعدام و لغو حکم اعدام " خواهان لغو احکام اعدام شدند.

رفتن جمشید عزیزی زندانی سیاسی که در مرخصی به سر می‌برد در این روز به مقابل زندان لاکان رشت و نواختن آهنگ بلاچاو با سازدهنی‌اش در حمایت از منوچهر فلاحی زندانی سیاسی محکوم‌به‌اعدام صحنه زیبای دیگری از اعتراض

علیه اعدام بود.

و بالاخره روز ۷ بهمن زندانیان سیاسی زن در اوین با فریاد شعارهایشان و فریاد مرگ بر حکومت اعدامی، اعتراض خود را به انتقال بهروز احسانی و مهدی حسنی دو زندانی سیاسی محکوم‌به‌اعدام به قزل‌حصار فریاد زدند. از زندانیان زن اوین، این سنگر مهم اعتراض علیه اعدام که اکنون ممنوع‌الملاقات هستند، و کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام وسیعاً حمایت کنیم.

چپاول، گرانی، تورم بلای جان مردم

عبدل گلپریان

روز سه‌شنبه ۱۶ بهمن توزیع کنندگان عمده مواد غذایی بازار مولوی، خیام جنوبی و میدان قیام در تهران، مغازه‌های خود را بستند و در اعتراض به گرانی، بالارفتن نرخ دلار، تورم و میزان مالیات تجمع کردند. تجمع کنندگان پلاکاردهایی با شعارهایی از جمله «ارزش افزوده از اقلام مواد غذایی ملغی باید گردد»، در دست داشتند. یک روز قبل از این تجمع پزشکیان در نشست مشترک سران سه قوه جمهوری اسلامی گفته بود: "وضعیت فعلی معیشت مردم، گرانی و فشاری که در این بخش به مردم می‌آید، بخشی از آن دست ماست و بخشی هم دست ما

نیست".

پزشکیان درست می گوید، وضعیت فعلی معیشت مردم، گرانی و فشاری که به مردم می‌آید، بخشی از آن در دست دولت و نهادهای زیر مجموعه وابسته به آن است؛ اما از بخش دیگر آن اسم نمی‌برد. این بخش مسکوت گذاشته شده باندهای قاچاق مافیای سپاه پاسداران و دیگر نهادهای وابسته به آن هستند. هر دو بخش دولت و سپاه و در رأس آن از بیت رهبری گرفته تا مجلس و دستگاه قضایی و کل پیکر به‌هم‌ریخته و فروپاشیده این حکومت در ایجاد وضع موجود و تباه‌کردن ۴۶ سال زندگی مردم نقش کلیدی و تعیین کننده داشته‌اند.

بستن مغازه‌ها و اعتراضات توزیع‌کنندگان عمده مواد غذایی در حالی توسط این بخش صورت می‌گیرد که دیگر اقشار کم‌درآمد، و میلیون‌ها خانواده مزدبگیر در سراسر کشور، کار، زندگی و تأمین مواد اولیه غذایی‌شان به این بخش وابسته است. این اوضاع گویای عمق وضعیت فلاکت‌باری است که حکومت اسلامی و کار به دستان دولتی برای کل جامعه به وجود آورده‌اند.

در نشست روز دوشنبه ۱۵ بهمن، سران سه قوه متفق‌القول اعتراف کردند که زندگی یک جامعه ۸۵ میلیونی را به تباهی کشانده‌اند و محسن اژه‌ای در وحشت از سرنگونی، از سازوکار امنیتی برای حفظ نظام سخن گفت. نباید اجازه داد که با

چپاول، دزدی و ده‌ها ترفند غارتگرانه دیگر بیش از این زندگی میلیون‌ها نفر را به زیر خط گرسنگی بکشانند. با اعتراضات و اعتصابات گسترده از هر تجمع و اعتراضی به وضع موجود باید حمایت کرد و آن را گسترش داد. راهکار برگرداندن این ورق، تجمعات اعتراضی، اعتصابات سراسری و عمومی در برابر مافیای حکومت اسلامی تا سرنگونی آن است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۵۶

۶ فوریه ۲۰۲۵ – ۱۸ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

فشار "حداکثری ترامپ "و واکنش رژیم اسلامی

سینا پدرام

محاکمه ضارب سلمان رشدی

رضا درویش

کشتار در یک مدرسه بزرگسالان در سوئد

گفتگو با خلیل کیوان

نقشه دونالد ترامپ برای آوارگان غزه

محسن ابراهیمی

فشار "حداکثری ترامپ "
و واکنش رژیم اسلامی

سینا پدرام

ترامپ: "ترجیح می‌دهم یک توافق صلح هسته‌ای معتبر با ایران امضا شود."

"فشار حداکثری" ترامپ علیه جمهوری اسلامی که باهدف اعمال تحریم‌های گسترده و تضعیف اقتصاد رژیم و به صفر رساندن صادرات نفت اعلام شده است، به بخشی از استراتژی کلان آمریکا در برابر جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

ترامپ از سویی ترجیح خود برای یک توافق هسته‌ای را اعلام کرده است و از سوی دیگر و در

صورت عدم دستیابی به توافقات موردنظر آمریکا، تهدید به فشارهای بیشتر می‌کند.

از یک سو، مقامات جمهوری اسلامی سعی دارند نشان دهند که هیچگاه در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای نبوده‌اند. از سوی دیگر، واکنش‌های ضدونقیض توسط مقامات مختلف در خصوص مذاکره با آمریکا دیده می‌شود که نشان‌دهنده سردرگمی در رأس حکومت است. درحالی‌که برخی مقامات همچنان رجز می‌خوانند و بر عدم تمایل به مذاکره با ترامپ تأکید دارند، دیگران در برخی اظهارنظرهای کم‌جان‌تر، شانس گفتگو و حل‌وفصل مسائل را در صورت تغییر شرایط و سیاست‌ها مطرح می‌کنند.

این تناقض در مواضع از سوی جناح‌های مختلف رژیم از سویی نشان‌دهنده هراس از وضعیت اقتصادی بحران‌زده است. از سوی دیگر مربوط به استفاده "حداکثری" جناح‌های مخالف مذاکره از تحریم‌ها برای چپاول مردم است و همچنین مذاکره و تسلیم در مقابل آمریکا و نوشیدن "جام زهر" مذاکره با "شیطان بزرگ" رژیم را در یک تناقض هویتی قرار خواهد داد.

یک فاکتور اساسی که هم رژیم اسلامی و هم دم‌ودستگاه ترامپ و شرکا را وادار به سیاست‌های "محتاطانه" کرده است فاکتور "انقلاب" در ایران است. هر دو طرف می‌دانند که قادر به‌پیش بینی عواقب "واقعیت انقلاب" در ایران نیستند. انقلاب برای رژیم اسلامی یعنی پایان کار و عروج مردم

برای تعیین و تکلیف در عرصه سیاست و زندگی.

در نهایت، فشار حداکثری ترامپ به‌طورقطع رژیم اسلامی را وارد یک مرحله پر تناقض و شکننده خواهد کرد. برای "حفظ نظام"، رژیم تلاش می‌کند تن به مذاکره دهد. اما تسلیم کامل و گذشتن از "خطوط قرمز" هم رژیم را با چالش‌های اجتماعی وسیعی روبرو خواهد کرد. مهار اعتراضات و انقلاب درحالی‌که جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین موقعیتش دست‌وپا می‌زند به‌راحتی امکان‌پذیر نیست.

محاکمه ضارب سلمان رشدی

رضا درویش

سه‌شنبه ۱۶ بهمن محاکمه هادی مطر آغاز شد. این مسلمان افراطی با پانزده ضربه چاقو سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی را تا پای مرگ برد. سلمان رشدی ضاربش را فرشته مرگ نامید. این نام‌گذاری برای مردم ایران می‌تواند یادآور روزی باشد که خمینی به ایران آمد و حامیانش او را فرشته خواندند.

سلمان رشدی مدتی را به مداوای جراحات ناشی از ضربات چاقو و اثرات ترومای تهاجم یک فرد تربیت شده برای "اهداف الهی" صرف کرده است.

او با ازدست‌دادن یک‌چشم و ازکارافتادن یک‌دست سرانجام تصمیم می‌گیرد با نوشتن کتابی بنام چاقو پاسخ حمله ضارب را با زبان هنر بدهد. اینجا موضوع این نیست که ضارب کتاب آیه‌های شیطانی را نخوانده است. نکته در خور توجه این است که یک نویسنده آن‌قدر فکرش توسعه یافته است که حتی بعد از اینکه توسط عوامل فاشیسم اسلامی مورد سوءقصد واقع شده و به طور جسمی و روحی آسیب جدی دیده در پاسخ به این اقدام قرون‌وسطایی تصمیم می‌گیرد کتابی بنویسد تحت عنوان "چاقو" و نشان دهد که ابزار برنده او استفاده از حق آزادی بیان است.

با درنظرگرفتن هر دو سوی ماجرا سؤال اساسی و قابل‌تأمل این است: ماحصل تقابل تروریسم ویرانگر

اسلامی از یک‌سو و تلاش مردم متمدن که خواهان زندگی انسانی هستند از سوی دیگر چیست؟ تروریسم اسلامی همه سعی‌اش این بوده که از عقب‌مانده‌ترین افکار قرون‌وسطایی پاسداری کند. نتیجه تمام وحشت پراکنی و نفرت افکنی‌اش به شهادت آنچه از گلوی مردم خشمگین فریاد زده شده فقر، فساد و فلاکت بوده است و نابودی اجتماعی و روحی و فرهنگی و...

از سوی دیگر در کشورهای اسلام زده توده وسیع مردم از این دینی که جز "عذاب الیم" و "مصیبت عظمی" چیزی نصیبشان نشده روی‌گردان و حتی بیزارند. برای مثال، مردم معترض عراق بارها شعار داده‌اند "نه شیعی، نه سنی، مدنی، مدنی" همچنان که مردم مبارز در سراسر ایران امروز فریاد دادخواهی

سر می‌دهند، در مسیر رسیدن به عدالت و آزادی و رفاه به‌پیش می‌روند و نیروهای اسلامی و ارتجاعی را به عقب می‌رانند.

وظیفه ما مردم آزادی‌خواه است که با تداوم انقلاب زن زندگی آزادی و به پیروزی رساندنش، جامعه را از شر اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی برهانیم.

کشتار در یک مدرسه بزرگسالان در سوئد

گفتگو با خلیل کیوان

روز سه‌شنبه ۱۷ بهمن، در سوئد جوانی به یک مدرسه بزرگسالان که طبق اخبار منتشر شده عمدتاً مهاجرین در آن تحصیل می کنند مسلحانه حمله می کند. تعداد کشته‌ها تا کنون ۱۰ نفر اعلام شده است. تلویزیون ۴ سوئد کلیپی منتشر کرده است که حمله‌کننده فریاد می‌زند "باید از اروپا گم شوید" و اعلام کرده است که انگیزه او می‌تواند "بیگانه‌ستیزی" باشد. خلیل کیوان به دو سؤال ژورنال در این مورد پاسخ می‌دهد:

محسن ابراهیمی: قبل از هر چیز کوتاه در باره ابعاد چنین اتفاقاتی در سوئد در سال‌های اخیر

تصویری بدهید. در مقایسه با دوره‌های قبل آیا ابعاد خصومت با مهاجرین و پناهجویان در سال‌های اخیر بیشتر شده است؟

خلیل کیوان: اطلاعاتی که تا کنون منتشر شده است جای تردیدی باقی نمی گذارد که این حمله با انگیزه نژادپرستانه و بیگانه‌ستیزی رخ داده است.

در دهه‌های اخیر، سوئد شاهد چندین حمله مرگبار با انگیزه‌های مهاجرستیزی در مدارس بوده است. طبق گزارش " شورای ملی پیشگیری از جرم سوئد" (Brå) بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ ده نفر در هفت حادثه خشونت‌آمیز در مدارس این کشور کشته شده‌اند. از جمله حمله مردی با شمشیر به معلمان مدرسه ترول‌هایتان در سال

۲۰۱۵ که دانش‌آموزان آن عمدتاً مهاجر بودند که در نتیجه آن چندین معلم کشته شدند.

جامعه سوئد بارها در سال‌ها و دهه‌های گذشته شاهد تراژدی‌هایی از این نوع بوده است. برای نمونه در سال‌های منتهی به ۱۹۹۰ و بعد از آن که سوئد با بحران اقتصادی و بیکاری و مشکلات اجتماعی مواجه شده بود بیگانه‌ستیزی رشد بی‌سابقه‌ای کرد تاحدی‌که حزب تازه‌تأسیس نژادپرست "دمکرات‌های نو"در سال ۹۱ با آرا چشمگیر ۶.۷ درصد و ۲۵ نماینده وارد پارلمان شد. در فضای آن سال‌ها فردی که به " مرد لیزری" معروف شد و بعداً دستگیر و به حبس ابد محکوم شد با شلیک به مهاجرین کشور را برای مدتی در وحشت فروبرده بود. اما این پایان

راسیسم در سوئد نبود. در دهه ۲۰۰۰ حزب تازه‌ای بنام "دمکرات‌های سوئد" سر برآورد که به‌تدریج رشد کرد و در آخرین انتخابات سوئد در سال ۲۰۲۲ به دومین حزب کشور تبدیل شد و اکنون در دولت ائتلافی قرار گرفته است.

محسن ابراهیمی: چه زمینه و عواملی باعث رخ‌دادن چنین حملاتی علیه مهاجرین و کلاً چنین تراژدی‌هایی در سوئد است؟

خلیل کیوان: طبق اظهارات پلیس مهاجم ۳۵ساله و از خانواده متوسط سوئدی میاید و از کودکی با مشکلات روانی مواجهه بوده است. در تحصیل و کار ناموفق بوده و به‌این‌ترتیب در قشر فقیر و به حاشیه رانده شده جامعه قرار گرفته

است. با اختلال اوتیسم و آسپرگر دست‌وپنجه نرم می‌کرده و در انزوا و تنهایی زندگی می‌کرد. به‌این‌ترتیب با فردی مواجه هستیم که متعلق به اقشار تهیدست و سرخورده و به حاشیه رانده شده است. بیماری بوده که به‌خاطر رفورم‌های نئولیبرالی در نظام سلامت و کاهش نقش دولت در ارائه خدمات اجتماعی به حال خود رها شده است. با چنین زمینه‌ای و در فضای بیگانه‌ستیزی در سوئد مهاجم خشم خود را متوجه مهاجرین کرده است.

از پایان دهه ۹۰ میلادی و تحولاتی که در جهان رخ داد، سوئد نیز وارد دوره پر تلاطم و تغییرات زیروروکننده شد. دولت رفاه به‌شدت آسیب دید. مسئولیت دولت در قبال شهروندان کاهش یافت.

گروه‌های بیشتری از مردم به حاشیه رانده شدند. شکاف‌ها زیاد شد. نژادپرستی و بیگانه‌ستیزی که در دهه‌های قبل جنبه فرهنگی داشت کم‌کم با ورود مهاجرین تازه از کشورهای جنگ‌زده خاورمیانه و آفریقایی رنگ‌وبوی سیاسی‌تر و نژادپرستی نیز به خود گرفت. مردم به حاشیه رانده شده تحت‌تأثیر تبلیغات دست راستی و راسیستی، مهاجرین را عامل ناکامی‌های خود معرفی می‌کردند.

در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ گروه‌های بزرگی از کشورهای ایران، عراق، لبنان، کردهای عراق و ترکیه و سوریه، شیلی و آرژانتین، سومالی و اریتره و یوگسلاوی سابق به سوئد وارد شدند. دولت‌ها و جریانات اسلام سیاسی با ورود مردم

از " کشورهای اسلامی" محیط مناسبی برای تبلیغات و رشد خود در پناه همدلی دولت سوئد و بر مبنای جامعه چندفرهنگی مبتنی بر نسبیت فرهنگی کسب کردند که باعث بروز مشکلات و معضلاتی در کشور شد.

تراژدی دلخراش اروبرو را باید بر زمینه تاریخی و سیاسی و اجتماعی که با فروپاشی شوروی و میدانداری سیاست‌های نئولیبرالی، ازبین‌بردن دولت رفاه، سیاست مهاجرتی دولت‌های سوئد و ناتوانی در جذب و ادغام مهاجرین و فعال‌مایشائی جریانات اسلام سیاسی که به نارضایتی مردم سوئد دامن زد درک کرد. راست افراطی و بیگانه‌ستیزی و حوادثی چون کشتار اروبرو ریشه در این مسائل دارند.

نقشه دونالد ترامپ برای آوارگان غزه

محسن ابراهیمی

در دیدار دونالد ترامپ با نتانیاهو، تکلیف غزه هم معلوم شد. صحبت‌هایش در جریان آن دیدار نشان داد که ترامپ چه نقشه‌های شومی برای بازماندگان قتل‌عام غزه در سر دارد!

اول، اشک تمساح برای مردمی که از قتل‌عام نتانیاهو بعد از توحش ۷ اکتبر حماس جان بدر برده‌اند و خانه و زندگی‌شان ویران شده است: "اگر ما بتوانیم چند قطعه زمین مناسب پیدا کنیم و جاهایی واقعاً خوب با پول زیاد در آنجا بسازیم، مطمئناً بهتر از بازگشت به غزه خواهد بود... خانه‌های خوب و جایی

که شاد باشند و تیر نخورند و کشته نشوند.“

واقعاً این‌همه ”انسان‌دوستی“ توسط همدست قاتل مردم غزه حیرت‌انگیز نیست؟ می‌بینید که دمکراسی‌های سرمایه‌داری به چه لجنزاری تبدیل شده‌اند که میلیارد لجنی مثل ترامپ جرئت می کند علناً از کوچ اجباری و پاک‌سازی یک جمعیت بالای دو میلیون نفر صحبت کند که قطعاً مصداق جنایت علیه بشریت است.

دوم، آرزوی مالکیت غزه بعد از کوچ اجباری: ترامپ در پاسخ به خبرنگاران گفت که ”ایالات متحده نوار غزه را در دست خواهد گرفت، ما مالک آن خواهیم بود. ما موضع مالکیتی دائمی در مورد

غزه داریم و مسئولیت پاک‌سازی بمب‌ها و سایر تسلیحات خطرناک باقی‌مانده در این منطقه را بر عهده خواهیم گرفت.“ بعد از پاک‌سازی بمب‌ها چه برنامه‌ای قرار است اجرا شود؟ ”ما آن منطقه را در دست می گیریم و آن را توسعه می‌دهیم، هزاران و هزاران شغل ایجاد می کنیم، و این چیزی خواهد شد که تمام خاورمیانه می‌تواند به آن افتخار کند.“

در پاسخ به سؤال خبرنگاران که چه کسانی در آن‌جا سکونت خواهند کرد هم گفت غزه می‌تواند تبدیل به ”خانه‌ای برای مردم جهان“ شود. بی‌دلیل نیست که با این سخنان گهربار گل از گل نتانیاهو شکفت که رئیس‌جمهور آمریکا ”خارج از چارچوب فکر می کند و ایده‌های تازه‌ای دارد“. ایده‌های تازه‌ای که چیزی نیست جز بستن دریچه امید هم‌زیستی

مردم در کنار هم.

چنین نقشه‌های شومی برای غزه بیشتر شبیه حرص و طمع هار یک مولتی‌میلیاردر لاشخور است که آرزو می‌کند شاید بشود روی خانه‌های ویران شده صدها هزار انسان بساط بسازبفروش منطقه‌ای راه بیندازد و پول پارو کند. اما باتوجه‌به همه شرایط منطقه و احساس همدردی و همبستگی جهانی با مردم غزه سر این میلیاردر مشنگ به سنگ خواهد خورد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:

http://journalfars i i.com

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

اینستاگرام:

www.instagram.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

ایکس:

https://twitter.com/Journal_Farsi

واتساپ:

۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۹۵۷

۸ فوریه ۲۰۲۵ – ۲۰ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

پخشان باید زنده بماند. مرگ بر مرگ پرستان

جمیله میرکی

سومین مورد تعرض جنسی در آمبولانس

منظر دریاکناری

کنفرانس امنیتی مونیخ و هیاهوی رضا پهلوی

کیوان جاوید

دستمزد کارگران به همه جامعه مربوط است

سوال از اصغر کریمی

پخشان باید زنده بماند. مرگ بر مرگ پرستان

جمیله میرکی

با رد درخواست اعاده دادرسی پخشان عزیزی، زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین، او در معرض اجرای حکم جنایت کارانه اعدام قرار دارد.

ما می‌توانیم در برابر این جنایت قد علم کنیم. ما بسیاریم ما قوی هستیم ما در همه جهان نیرو داریم. ما در همه شهرهای ایران و در کردستان انقلابی یکپارچه آتش می‌شویم و رژیم اسلامی را عقب می‌رانیم و نمی‌گذاریم پخشان ما را اعدام کنند. اگر این نیروی عظیم جهانی به میدان بیاید، رژیم اسلامی عقب می‌نشیند.

طومار نیم‌میلیونی ما مردم برای نجات جان پخشان و اعتصاب عمومی گسترده در شهرهای کردستان در اوایل بهمن امسال و صدها اعتراض دیگر نشانه قدرت ما مردم در برابر جمهوری اسلامی است. این فشار را صدچندان کنیم و همه دولت‌های مدعی حقوق بشر را وادار کنیم نگذارند که عزیز ما، پخشان ما به دست جانیان اسلامی اعدام شود. باید با صدایی هر چه رساتر لغو فوری حکم اعدام پخشان عزیزی را فریاد زد. پخشان باید بی‌قیدوشرط آزاد شود.

جمهوری اسلامی در محاصره ما مردم گرفتار است و در فلج کامل قرار دارد و با توسل به اعدام می‌خواهد وحشت خود را پنهان کند. پخشان، این زن مبارز

به‌عنوان یک مددکار اجتماعی که زندگی خود را وقف محروم‌ترین انسان‌ها در کردستان سوریه کرده که در نبرد با داعش تن و روانی زخم‌دیده داشتند قرار است توسط داعش‌های حاکم بر ایران اعدام شود. در این لحظات سخت و دلهره‌آور ساعت‌ها باید از حرکت باز بایستند؛ سکوت شکسته شود؛ نظاره‌گری پایان یابد و تا دیر نشده صدچندان بیشتر از هر زمان دیگر با قدرتی که تا امروز رژیم اسلامی ندیده باشد، برای حفظ زندگی پخشان و وریشه و دیگر زندانیان در معرض اعدام به میدان بیاییم.

ما سرمان را هرگز پایین نمی‌اندازیم و تماشا نی کنیم تا طناب دار به زندگی پخشان پایان دهد.

ما می‌جنگیم، کوتاه نمی‌آییم. ما در ادامه کارزار برای نجات جان پخشان و وریشه و ده‌ها زندانی در معرض اعدام می‌توانیم دست به اعتراض میلیونی بزنیم. ما به حکومت اسلامی هشدار می‌دهیم جهان را پیش چشمشان تیره و تار می‌کنیم اگر که جرئت کنند و پخشان را از ما بگیرند.

سومین مورد تعرض جنسی در آمبولانس

منظر دریاکناری

روزنامه شرق از تعرض جنسی به یک زن بیمار دیگر در آمبولانس خبر داده و نوشته است این سومین گزارش مربوط به آزار و تعرض جنسی در آمبولانس است که اخبار آنها در روزهای اخیر منتشر می‌شود.

روزنامه شرق روز پنجشنبه ۱۸ بهمن از قول پدر یک دختر نوشته بود: در شهریور ۱۴۰۱ در کرج مأمور اورژانس در آمبولانس "به دخترم آمپول بیهوشی زده و چون متوجه می‌شود دخترم عادت‌ماهانه است از طریق دهن با او نزدیکی می‌کند". روزنامه شرق نیز در وبسایت خبرآنلاین روز چهارشنبه ۱۷

بهمن از یک مورد تعرض جنسی در آمبولانس خبر داده و نوشته است: در حادثه‌ای که ۳۰ فروردین امسال رخ داد، مأمور اورژانس "در یکی از شهرهای شمالی" به زن بیمار تعرض جنسی کرده است.

طبعاً آن مردانی که دست به تجاوز جنسی می‌زنند خوب می‌دانند قربانی را باید در میان زنان پیدا کنند که هیچ پشت‌وپناه قانونی ندارند. چنین متجاوزینی بی شک باید محاکمه و پاسخگوی عمل جنایتکارانه خود باشند. اما به تصویر بزرگتر هم نگاه کنیم. وقتی یک حکومت بی‌وقفه تلاش می کند جامعه‌ای را از درون تهی کند و به قهقرا ببرد شنیدن چنین اخباری دور از انتظار نیست.

ما با یک حکومت بیمار جنسی، فاسد و تبهکار روبرو هستیم. درست مثل کارتل‌های مواد مخدر حرفه‌ای در دنیا که از راه فروش خطرناک‌ترین مواد مخدر و سازمان‌دادن باندهای فروش سکس و تجاوز به زنان و حتی کودکان ارتزاق می‌کنند.

باوجود چنین حکومتی جامعه مدام در معرض تهاجمات خطرناکی است که شنیدن هر یک از آنها می‌تواند انسان را وحشت‌زده یا ناامید کند. شاید به این فکر کنیم که این بشر قابل‌اصلاح نیست، شاید به این نتیجه برسیم که هر چه هست همین است و مقصر خودِ مردم‌اند که دست به چنین جنایتی می‌زنند. شایدهای بسیاری را می‌توان ردیف کرد. اما یک چیز مسلم است. یک جامعه مرفه و خوشبخت

و برابر که احترام به انسان و انسانیت هدف اول و آخرش باشد هرگز در چنین شرایطی قرار نخواهد گرفت. حکومت اسلام در ایران نابودکننده انسان و انسانیت است.

دور از انتظار است که در فساد، انسانیت به بار بنشیند یا در لجنزار گل زیبای زندگی بروید. بااین‌همه، امید برای تغییر صدای بلندی تری در ایران دارد. به این صدا گوش بسپاریم و برای ساختن جامعه انسانی بیش از این تلاش کنیم.

کنفرانس امنیتی مونیخ و هیاهوی رضا پهلوی

کیوان جاوید

”کنفرانس امنیتی مونیخ“، از سال ۱۹۶۳ در اوج ”جنگ سرد“ و رقابت دو بلوک غرب و شرق (آمریکا و شوروی سابق) در ماه فوریه تا امروز با شرکت بسیاری از مقامات حکومتی و غیر دولتی برگزار می‌شود.

اهمیت کنفرانس امسال و بر سر زبان افتادن آن در این روزها برای ایرانیان، خصوصاً در خارج به‌خاطر ”دعوت از رضا پهلوی“ و جنجال های بعد از آن است. در غیر این صورت کنفرانس امسال هم می‌آمد و می رفت و آنچه در رابطه با آن تصمیم گرفته

می شد همان سیاستی است که از قبل در قبال جمهوری اسلامی اتخاذ شده است. سیاست دولت ترامپ و اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی پیش از کنفرانس امنیتی مونیخ به اطلاع عموم رسیده است.

بر خلاف ادعاهای پوچ رضا پهلوی بعنوان نماینده مردم، باید گفت این شخص هرگز صدای مردم ایران نبوده است. او می‌خواهد خود را بعنوان وکیل و وصی و نماینده مردم ایران جا بزند و در این مجمع جهانی از راه حل واقعی خود مبنی بر مهار انقلاب زن زندگی آزادی پرده‌برداری کند تا شاید مقبول نمایندگان حاضر در این مجمع جهانی شود.

هدف او این است که در حاشیه کنفرانس، به گوش سران دولت‌ها برساند که من آلترناتیو هستم؛ من می‌توانم رهبر دوره انتقالی باشم؛ من می‌توانم کاری کنم که در ایران انقلاب نشود و در عوض سپاه و بسیج و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و بخش قابل‌ملاحظه‌ای از دست‌اندرکاران این حکومت با کمترین دردسر به حکومت بعدی بپیوندند. رضا پهلوی آدمی نیست که سر سوزنی برای حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی و رهایی و آزادی و رفاه و برابری مردم اهمیت قائل باشد. این را سلطنت‌طلب‌ها طی این دو سال گذشته در خارج کشور بیشتر از هر زمان دیگر به‌خوبی نشان داده‌اند که در آرزوی احیای ساواک‌اند و قول سرکوب و زندان و حتی اعدام مخالفین سلطنت بعد از به‌اصطلاح به‌قدرت‌رسیدن

را می‌دهند. آرزویی عبث.

اگر رضا پهلوی کسی و کاره‌ای بود باز می‌شد گفت می‌رود و دوکلمه حرف حساب می‌زند. اما او این کاره نیست او در بهترین حالت می تواند دنباله‌رو فاشیستی چون ترامپ باشد که شمشیر روی انسانیت کشیده است و معمار بزرگ پایمال کننده حقوق مردم در آمریکا و همه جای جهان است.

دستمزد کارگران به همه جامعه مربوط است

سوال از اصغر کریمی

کیوان جاوید: اواخر هر سال شورایعالی کار حکومت حداقل دستمزد کارگران را تعیین می کند. آیا این تصمیم شامل همه کارگران، معلمان و پرستاران و همینطور بازنشستگان و غیره می‌شود؟

اصغر کریمی: آخر هر سال شورایعالی کار حداقل دستمزد کارگران را تعیین می کند. دستمزدی چند بار زیر خط فقر و فقط برای زنده ماندن. دستمزدی که بیشترین سود را برای سرمایه‌داران و انگل‌های جامعه و حکومتشان تضمین می کند. اما این تصمیم شامل فقط بخشی از طبقه کارگر می‌شود. حقوق

کارگرانی که مشمول قانون کار نیستند توسط وزارت کار، معلمان ارگانی دیگر، بازنشستگان و کارکنان ادارات هم توسط ارگان‌هایی دیگر تعیین می‌شود. کادر درمان بخش دولتی توسط شورایعالی کار و غیر دولتی توسط روسای بیمارستان‌ها. می‌بینید که هر بخش طبقه کارگر را با اسامی مختلفی تکه تکه کرده‌اند که همه آنها با یک ارگان طرف حساب نباشند و هر بخش جداگانه برای افزایش حقوق خود دست به اعتراض بزنند.

بر اساس لایحه بودجه سال ۱۴۰۴، حداقل حقوق کارمندان دولت قرار است به ۱۲ میلیون، کارگران مشمول قانون کار ۱۱ میلیون و ۶۰۰ هزار، کارگرانی که مشمول قانون کار نیستند ۷ و نیم میلیون،

معلمان ۲۰ میلیون و بازنشستگان به ۱۱ میلیون و ۷۰۰ برسد. کادر درمان هم ۸ تا ۹ میلیون. این حقوق‌ها هنوز قطعی نشده اما نهایتا چیزی در همین حدود خواهد بود و این در حالی است که آمارهای رسمی می گویند سبد معیشت ۳۰ میلیون تومان است و این تازه آمار دو ماه قبل است الان با توجه به تورم به میزان زیادی بالاتر از این رقم است. یعنی اگر حقوق‌ها ۳۰ میلیون باشد کارگر با پایین‌ترین سطح زندگی هم نمی‌تواند ادامه حیات بدهد.

کیوان جاوید: با این حساب آیا بحث شما این است که این ارگان‌های مختلف حکومت همه منحل شوند و تنها یک ارگان در مورد حقوق بخش‌های مختلف کارگران تصمیم گیری کند؟

اصغر کریمی: باید اینطور می‌بود. اما این خواستی نیست که عملی باشد. اصلا بحث این نیست که حکومتی که سراپا با اکثریت جامعه دشمنی دارد و مردم در حال مبارزه برای سرنگونی آن هستند فلان ارگانش‌هایش را منحل کند. بحث این است که اکثریت جامعه که معلم، کارگر، پرستار و بازنشسته و کارگر بیکار و خانواده‌هایشان هستند یکپارچه برای افزایش حقوق مبارزه کنند. از طرف دیگر تشکیل اتحادیه و سندیکا و شورا و هر نوع تشکلی را هم همین اقلیت حاکم ممنوع کرده است تا طبقه کارگر فاقد تشکل‌های سراسری برای مقابله با تصمیمات یکطرفه حکومت باشد. الان بحثی در محافل کارگری هست که می‌گویند حداقل

دستمزد سال ۱۴۰۴ باید ۶۰ میلیون باشد. می‌توان با همین خواست به مبارزه متحدانه‌ای دست زد و این خواست را به پرچم همه بخش‌های طبقه کارگر، اعم از کارگران تولیدی و خدماتی، معلم و بازنشسته و کادر درمان و کارکنان ادارات تبدیل کرد.

کیوان جاوید: آیا مبارزه برای افزایش دستمزد کارگران فقط به خود کارگران مربوط می‌شود چگونه می‌توان جنبشی سراسری و قدرتمند برای افزایش دستمزد همه بخش‌های زحمتکش جامعه شکل داد؟

اصغر کریمی: نباید کارگران را در این مبارزه تنها

گذاشت. جامعه‌ای که علیه حجاب اجباری، علیه اعدام یا علیه حکومت متحد شده است، می‌تواند علیه این دستمزدهای شرم‌آور نیز متحد شود. این دستمزدها منشاء مصائب اجتماعی عظیمی از اعتیاد و تن‌فروشی و خودکشی و هزار مصیبت دیگر است. باید کل جامعه علیه آن بلند شود و جبهه قدرتمندی را علیه انگل‌های حاکم شکل بدهد. این هم قدرت مبارزه برای افزایش دستمزد را بالا می‌برد هم جبهه سرنگونی را مستقیما تقویت می‌کند. میلیون‌ها دانشجو و دانش‌آموز، فعالین حقوق زن، هنرمندان آزاده، نویسندگان و وکلا و دادخواهان و همه مردم سرنگونی‌طلب باید خود را در این مبارزه شریک بدانند. همه آنها می‌توانند در بیانیه‌ها و تجمعات بعنوان مثال شعار حداقل حقوق‌ها بالای ۶۰ میلیون

را مطرح کنند.

کیوان جاوید: می گویید دستمزدهای میلیون‌ها نفر باید چند برابر شود. امکانات فعلی جامعه برای اینکار کفایت می کند؟

اصغر کریمی: اگر پول‌های هنگفتی که صرف گله آخوند و دم و دستگاه مذهب یا صرف تسلیحات و سرکوب و جاسوسی علیه مردم، صرف گروه‌های اسلامی در منطقه و صرف فساد و دزدی و حقوق‌های نجومی خودی‌هایشان می‌شود قطع شود، بله می‌توان دستمزدها را چندین بار بالا برد. قطع همه این هزینه‌ها را باید به خواست سراسری جامعه تبدیل کرد. بعلاوه اگر حکومت مدعی است که

بحران دارد و تحریم است و وضعش خراب است و امکانش را ندارد باید گفت گورتان را گم کنید ما جامعه را به شکل دیگری سازمان می‌دهیم که رفاه همگان تامین شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
/https://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۵۸

۹ فوریه ۲۰۲۵ – ۲۱ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاید

در این شماره ژورنال:

وقتی که خامنه‌ای معلق می‌زند!

حسن صالحی

حماسه دیدار خامنه‌ای با سران حماس

کیوان جاوید

رشد خودکشی در بین جوانان

سینا پدرام

پرواز دلار در آسمان ایران

منظر دریاکناری

وقتی که خامنه‌ای معلق می‌زند!

حسن صالحی

در فاصله تنها ده روز نظر خامنه‌ای از تأیید ضمنی مذاکره با آمریکا به مخالفت با این مذاکره تغییر کرد. او روز جمعه ۱۹ بهمن گفت مذاکره با دولت ترامپ "عاقلانه نیست، هوشمندانه نیست، شرافتمندانه نیست". این در حالیست که مقامات بلندپایه جمهوری اسلامی از پزشکیان گرفته تا عراقچی همه خود را برای انجام مذاکرات با آمریکا آماده می‌کردند.

دلایل متعددی می‌تواند برای این به‌اصطلاح تغییر موضع وجود داشته باشد. می‌گوییم "به‌اصطلاح

تغییر موضع" زیرا که در بهمن ۱۳۹۱ نیز خامنه‌ای مشابه همین حرف‌ها را زمانی که مذاکرات محرمانه میان رژیم و آمریکا با مجوز "رهبر" در عمان جریان داشت بر زبان آورده بود. برخی این حرف‌های خامنه‌ای را این‌طور تعبیر می‌کنند که او از پذیرش مسئولیت رسمی انجام مذاکره با آمریکا طفره می‌رود، ولی در خفا آن را تأیید می‌کند. این احتمال به واقعیت نزدیک‌تر است چرا که موقعیت جمهوری اسلامی شکننده‌تر از آن است که بتواند با قیل‌وقال توخالی علیه آمریکا بحران عمیق حکومتی را از سر گذراند.

بااین‌حال این معلق زدن خامنه‌ای هر دلیلی داشته باشد بلوایی در صفوف حکومتیان برپا

کرده است. کار به جایی رسیده است که شایعه استعفای پزشکیان بالا گرفته اگرچه این شایعه از سوی منابع دولتی رد شده است. این تشتت و سردرگمی در صفوف حکومت ناشی از این است که سیاست ضدآمریکایی جمهوری اسلامی که هویت ایدئولوژیک رژیم بوده است شکست خورده است و حتی از سوی بخش‌هایی از خود نظام زیر سؤال رفته است. بخصوص با شکست نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در منطقه یکی از ابزارهای مهم اعمال فشار رژیم اسلامی بر غرب از آن گرفته شده است.

مذاکره با آمریکا به طور علنی و یا مخفیانه صورت بگیرد و یا اصلاً کنار گذاشته شود یک چیز

مسلم است و آن شعار زیبایی است که مردم در خیابان می‌دهند: "دشمن ما همین جاست دروغ میگن آمریکاست". برای مردم مسئله این است که جمهوری اسلامی درهرصورت باید برود و البته زمانی که صفوف بالایی‌ها درهم‌ریخته باشد شرایط برای سرنگونی آن هم تسهیل می‌شود.

حماسه خامنه‌ای با سران حماس

کیوان جاوید

بر اساس گزارش رسانه‌ها از ایران، خامنه‌ای روز شنبه ۲۰ بهمن ماه با خلیل الحیه، سرپرست دفتر سیاسی حماس، محمد اسماعیل درویش، رئیس شورای رهبری و زاهر جبارین، رئیس این گروه در کرانه باختری دیدار و گفت‌وگو کرد.

اینکه در این سفر خامنه‌ای چه گفت و چه شنید، چه برای خودشان و چه برای مردم اصلاً اهمیت ندارد. این دیدار در این راستا نبود که بین اینها حرف‌های مهمی رد و بدل شود. کل صحبت‌ها را که گوش کنید تازه معلوم می‌شود قرار بود

چند عکس گرفته شود و خامنه‌ای به رسانه‌ها و مردم و دولت‌ها نشان بدهد که با سران حماس می‌تواند دیدار بکند و رهنمود بدهد.

خامنه‌ای در این دیدار بطور مثال بر: "اهمیت "برنامه‌ریزی برای کارهای فرهنگی" در کنار "امور نظامی و بازسازی غزه" اشاره کرده و گفت باید این روش ادامه داشته باشد. اصلاً نیاز به هوش نیست که ثابت شود این دوکلمه حرف را هم می‌شد پشت پرده یا تلفنی به طرف مقابل رساند.

فکرش را بکنید که سوار هواپیما بشوید و مخفیانه با ترس و لرز که نکند سرنوشت هنیه در انتظارتان

باشد، در یکی از استراحتگاه‌های محصور و امنیتی سپاه پاسداران در قلب تهران اسکان یابید و هر لحظه به این فکر کنید که ممکن است به "کتلت" تبدیل شوید. آنگاه خامنه‌ای به شما بگوید در کنار کار نظامی از فعالیت فرهنگی غافل نشوید.

زیادی مسخره است. خامنه‌ای با این عکس گرفتن می‌خواهد بر شکست‌های پی‌درپی خود و حکومت اسلامی و نیروی در هم کوبیده شده محور مقاومت سرپوش بگذارد. یک پیام هم به خودی‌های درون نظام دارد تا ببینند "رهبر" از تک‌وتا نیفتاده است. البته وقتی مذاکره در مورد بحران هسته‌ای هم به کل این ماجرا اضافه شود درک این عکس‌انداختن ساده‌تر می‌شود. در

این وانفسای فقر و فلاکت و عذابی که جمهوری اسلامی بر زندگی مردم نازل کرده است، انتظار یک‌لحظه خوش شاید این باشد که "عزرائیل" چه وقت به سراغ اینها می‌آید؟ یا "آقا" در فرار از دست مردم در کجای جهان دنبال سوراخ موش می‌گردد. زشتی و خرابی اوضاع رژیم با انتشار همین چند عکس دیدار خامنه‌ای با سران حماس به‌خوبی هویدا است.

رشد خودکشی در بین جوانان

سینا پدرام

در نامه‌ای که توسط تشکل "طعم گیلاس" به وزارت بهداشت، آموزش و پرورش و کمیسیون بهداشت مجلس ارسال شده، به برخی مسائل نگران‌کننده در خصوص سلامت روانی جامعه، به‌ویژه در میان کودکان و نوجوانان اشاره شده است. این نامه به‌ویژه به دسترسی آسان به قرص برنج، افزایش موارد خودکشی دانش‌آموزان و نبود قوانین کافی برای مقابله با خشونت خانگی علیه دختران زیر ۱۸ سال هشدار داده است.

خودکشی در بین محصلین، دختران نوجوان،

کارگران، پرستاران و کادر درمانی، دانشجویان و غیره دلایل گوناگونی دارند ولی فقر طبقاتی و ناامیدی به آینده از دلایل اصلی این افزایش به شمار می‌رود.

مهم‌ترین نکته این است که آمار دقیق خودکشی در ایران به‌ویژه در میان کودکان و نوجوانان به‌طور رسمی موجود نیست و رژیم اسلامی به شکل کاملاً آگاهانه از ثبت آمار خودکشی و دلایل آن در هر مورد خاص جلوگیری می‌کند. بااین‌حال، تحقیقی که توسط انجمن دفاع از حقوق کودک در سال ۱۳۹۹ منتشر شد، نشان داد که بیش از ۲۵۰ کودک در سال‌های ۹۰ تا ۹۹ دست به خودکشی زده‌اند. این آمار تنها به مواردی مربوط

می‌شود که رسانه‌ای شده‌اند و آمار واقعی طبعاً بسیار بیشتر است. طبق این تحقیق، درصد بالایی از خودکشی‌ها در میان نوجوانان ۹ تا ۱۸ ساله بوده و علل آن شامل مشکلات خانوادگی، آموزشی و اجتماعی است. ازدواج‌های اجباری، کودک – مادری و آپارتاید جنسی و جنسیتی، تبعیض بر علیه دگرباشان، فرهنگ مردسالارانه و مذهبی – سنتی را می‌توان بطور اخص به لیست دلایل رشد خودکشی در ایران افزود.

رژیم اسلامی در ایران نه‌تنها برای بهبود اوضاع کمکی نمی‌کند بلکه خود یکی از عوامل رشد خودکشی در بین جوانان و بخصوص دختران ایران محسوب شده و می‌شود.

باید به زندگی معنای دیگری داد. این شاید مهم‌ترین دریچه‌ای باشد که به معضل خودکشی می‌توان از روزن آن نگاه کرد و تمام تلاش خود را برای این تغییر سازمان داد. مبارزه با معضل خودکشی ما را به عرصه‌های دیگر مبارزات اجتماعی می‌کشاند. مبارزه با خودکشی مبارزه زندگی و با مرگ است و به این اعتبار یک مبارزه اجتماعی و سیاسی است.

پرواز دلار در آسمان ایران

منظر دریاکناری

در ادامه افزایش قیمت ارز و طلا در ایران، بهای هر دلار آمریکا در بازار آزاد ایران از ۹۲ هزار تومان عبور کرد. روند رشد قیمت ارزهای خارجی در ایران پس از سخنرانی علی خامنه‌ای درباره "شرافتمندانه نبودن مذاکره با آمریکا" تسریع شده است.

دلیل اینکه دلار در ارتفاع بیشتری در آسمان ایران به پرواز درآمده و مراکز اقتصادی جمهوری اسلامی را مورد شدیدترین حملات قرار داده است بی شک ربط بسیار کمی به اراجیف جدید خامنه‌ای دارد.

”شرافتمندانه نبودن مذاکره با آمریکا“ تنها تلنگری دیگر بر بحران اقتصادی و مالی جمهوری اسلامی است. بحران سیاسی جمهوری اسلامی در سیری پر شتاب منظماً به نقطه پایان خود نزدیک می‌شود. آنچه این بحران همه‌جانبه جمهوری اسلامی را به نقطه جوش خود نزدیک می کند نه این حرف‌های تکراری خامنه‌ای که رابطه حکومت و مردم است که در یک جنگ رو در رو با هم قرار دارند. اگر مردم ایران خاموش بودند، جمهوری اسلامی می توانست آخرین رمق مردم را به پول تبدیل کند و بر ویرانه‌هایی که از زندگی مردم می‌ساخت خرج دیپلماسی ترور خود را بخوبی تأمین کند. می‌توانست میلیاردها دلار دیگر خرج نیروهایی نیابی اش کند و کل خاورمیانه را با تزریق دلار به‌حساب تروریست‌های

خود به آتش بکشد و آمریکا و دولت‌های غربی را رام سیاست‌های خود کند.

اگر جمهوری اسلامی به این روز افتاده و دلار در بازار ایران به اوج رسیده است به این دلیل سیاسی روشن است که مردم با چنگ و دندان از زندگی خود در برابر مرگ تدریجی و فقر و فلاکت عمومی دفاع می‌کنند. این‌همه اعدام و زندان و هجوم به زنان بخاطر زیر پا گذاشتن احکام و قوانین اسلامی نتوانسته شور زندگی را در مردم بکُشد و جامعه را خاموش و مطیع و فرمانبردار کند.

ایران انقلابی‌ترین و پر جوش و خروش‌ترین کشور در همه جهان است. قدرت مبارزات مردم و رادیکالیسم

و روشن بینی مبارزات مردم برای به دست آوردن همه آزادی و رفاه و برابری و ساختن یک جامعه آزاد، جامعه‌ای بدون فقر و دیکتاتوری و تأمین بیشترین آزادی‌های سیاسی و مدنی در جهان بی‌همتا است.

دلیل بدبختی جمهوری اسلامی داخلی و سیاسی است و در امتداد خود باعث زمین گیر شدن جمهوری اسلامی در همه عرصه‌های سیاسی و بین‌المللی می‌شود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
/https://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۵۹

۱۰ فوریه ۲۰۲۵ – ۲۲ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال:

بن‌بست مذاکره و استراتژی دو سر باخت رژیم

سیامک بهاری

دلار ۹۲ هزاری و فضای انفجاری

شهلا دانشفر

سعید مرتضوی و پروانهٔ وکالت

سیما بهاری

پرونده‌سازی مجدد برای توماج صالحی، آب در هاون کوبیدن رژیم!

عطیه نیک‌نفس

زمین‌خواری کیهان: دشمنی رژیم اسلامی با انسان و طبیعت

سینا پدرام

بن‌بست مذاکره و استراتژی دو سر باخت رژیم

سیامک بهاری

ترامپ: "اگر با جمهوری اسلامی توافق کنم، اسرائیل ایران را بمباران نخواهد کرد."

با تغییر قدرت در کاخ سفید، گزینه‌های محتمل یکی پس از دیگری حکومت اسلامی را زمین‌گیر کرده است.

طی ده روز خامنه‌ای سه بار موضع عوض کرد که هر کدام ناشی از ردوبدل‌شدن پیغام‌های پنهانی در فضای تیره‌وتار فراز و نشیب مذاکرات پشت پرده طرفین می‌تواند تلقی شود. اینک روشن است

جمهوری اسلامی در گوشه رینگ گیر افتاده است. ابزارهای بازدارنده در چانه‌زنی از جبهه مقاومت و نیابتی‌ها تا حزب‌الله و بشار اسد دود شده است. اقتصاد ویران و ورشکسته، و موج اعتراضات مردم جان‌به‌لب آمده تشدید اختلاف درونی، کل حاکمیت را در خود مچاله کرده است.

پس از پایان‌گرفتن چراغ‌سبزهای آمریکا در کانال‌های محرمانه، بازگشت فشار حداکثری، به صفر رساندن صدور و فروش نفت، کاهش توان مالی در حمایت از تروریسم، لغو معافیت‌های فروش صدور نفت از چابهار و به عراق، مسدود کردن دورزدن تحریم‌ها و فروش نفت به پیمانکاران چینی، انزوا و محاصره دیپلماتیک، محروم ساختن از دست‌یابی به هر نوع تکنولوژی راهبردی جدید

در سایه تهدید آشکار نظامی، احتمال فعال‌شدن مکانیسم ماشه توسط اتحادیه اروپا، چاه خود کنده‌ای است که حکومت را زمین‌گیر کرده است.

روشن است که حکومت به سیاست بقا و اتلاف وقت روی آورده است. خامنه‌ای می‌گوید "نه جنگ می‌شود و نه مذاکره می‌کنیم". با سیاست نه جنگ نه مذاکره، تلاش برای یافتن مفری که شاید بتواند از بار سنگین شکست بکاهد و راه سومی در مذاکره با اروپا و امید به ایجاد شکافی بین آنها و آمریکا، یافتن بیراهه‌ای برای دورزدن تحریم‌ها باتکیه‌بر "نگاه به شرق" بیابد.

واضح است که مذاکره نام دیگر تسلیم است. بازی دوسر باخت تنها گزینه باقی‌مانده برای

حکومت است. در بن‌بست کنونی، ردیف‌کردن سران حماس در تهران جز نمایشی حزن‌آور و از سر استیصال، معنا نمی‌شود جز مصرف کوتاه داخلی برای روحیه دادن و ممانعت از ریزش خودی‌ها ارزش دیگری ندارد.

اما مهم‌ترین نکته این است که حتی اگر حکومت بتواند راهی برای مذاکره با آمریکا و متحدین بیابد، اما جنگ مردم علیه حکومت نه معامله بردار و نه مذاکره بردار است. در مواجهه با انقلاب مردم ایران، جز نابودی جمهوری اسلامی و پیچیده شدن طومار آن قابل تصور نیست!

دلار ۹۲ هزاری و فضای انفجاری

شهلا دانشفر

نرخ دلار به ۹۲ هزار تومان رسید و سقوط ارزش ریال سونامی گرانی و نابودی معیشت کل جامعه را همراه دارد. ما امروز با صعود تورم مواد غذایی و اقتصاد ایستاده بر لبه پرتگاه گرسنگی جامعه روبروییم.

گفته بودند اگر دلار به ۹۰ هزار برسد اقتصاد سقوط می‌کند. حالا عبور آن از این نرخ باروتی است بر خشم و اعتراض مردمی علیه گرانی‌های افسارگسیخته که معیشت کل جامعه را به نابودی کشانده است. حکومت به‌شدت به وحشت افتاده و هفته پیش بر سر همین موضوع پزشکیان نشستی اضطراری با سران

سه قوه‌شان داشت.

اقتصاد جمهوری اسلامی مدت‌هاست که به طور واقعی فروپاشیده و چرخ‌های تولیدش دارد از کار می‌افتد. ما با انواع سونامی بیکاری، گرانی و بی‌خانمانی روبروییم. حتی تأمین سوخت برایشان معضل است و مازوت‌سوزی، هوا را هم از مردم گرفته است و با تعطیلی متوالی ادارات، مدارس و مراکز کاری روبروییم. قطعی برق بسیاری از مراکز کاری صنعتی را مختل کرده است.

بحث تعویق پرداخت دستمزد که سال‌هاست به امری متداول تبدیل شده اکنون فراتر رفته است. به گفته خودشان سازمان تأمین اجتماعی تا پایان سال

حدود ۵۰ درصد کسری بودجه برای پرداخت‌هایش دارد. جامعه فلج شده است. از همین رو با جنبشی اجتماعی و گسترده بر سر معیشت روبرویم. جنبشی در ادامه شعار "فقر فساد گرونی، میریم تا سرنگونی" که در انقلاب زن زندگی آزادی سر داده شد.

جامعه به‌شدت متلاطم است. شب گذشته در مناطقی از تهران و شهرهای شیراز، ارومیه، کرج، اراک و دیگر شهرها باز شاهد شعاردهی ضد حکومتی بودیم. زنجیره اعتراضی هزاران نفره علیه گرانی با هشتگ "من به گرانی معترضم" در مدیای اجتماعی راه افتاده است. اعتراضات بخش‌های مختلف بازنشستگان گسترده ادامه دارد. صف هزاران نفره بازنشستگان نفت فراخوان به تجمع بزرگ در ۲۷ بهمن در تهران

را داده‌اند.

همچنین موعد تعیین حداقل دستمزد سال آتی است و امسال کارگران نفت با فریاد "شورای‌عالی کار یک‌مشت مفت‌خور بیکار"، پرچم خواست افزایش دستمزدها را برافراشته‌اند. بدین‌گونه جامعه با حرکت به‌سوی اعتصابات و تجمعات سراسری مقابل تعرضات معیشتی حکومت و گرانی افسارگسیخته صف‌آرایی می‌کند. این اعتراضات، در کنار اعتراض علیه آپارتاید جنسیتی و برای حفظ سنگر فتح شده حجاب و جنبش اجتماعی قدرتمند علیه اعدام و سرکوب نشانگر عزم مردم برای پیروزی رساندن انقلاب است.

سعید مرتضوی و پروانهٔ وکالت

سیما بهاری

”سعید مرتضوی، دادستان مجرم اسبق تهران و یکی از چهره‌های بدنام دستگاه قضایی جمهوری اسلامی، در واکنش به اعتراضات گسترده وکلا، فعالان حقوق بشر و افکار عمومی پیرامون صدور پروانهٔ وکالتش توسط کانون وکلای دادگستری استان یزد، نامه‌ای منتشر کرد. او گفته است که خود را مستحق وکالت می‌داند و اصولاً نیازی به پروانهٔ وکالت ندارد.“

سعید مرتضوی راست می‌گوید! او نه احتیاج به پروانهٔ وکالت دارد و نه نیازی می‌بیند در مورد جنایاتش که یکی دو تا هم نیست به کسی

پاسخگو باشد. او بخشی از یک نهاد حکومتی است که سر تا پایش از فرق سر تا نوک پا جنایت است و بی‌عدالتی. او بخشی از قوهٔ قضائیه‌ای است که حمید نوری عضو کوچک و حقیری از آن بود. همان حمید نوری که نه ماه در یک دادگاه بی‌طرف مقابل دوربین قرار گرفت و جهان را با گوشهٔ کوچکی از قساوت و جنایت قوهٔ قضائیهٔ جمهوری اسلامی آشنا کرد.

سعید مرتضوی دارای پروندهٔ قطوری از جرم است. شکنجه، احکام زندان و شلاق، بستن فله‌ای روزنامه‌ها و دستگیری خبرنگاران، دزدی از صندوق بیمه‌های اجتماعی... پرونده‌ای قطور و دراز که دارندگانش فقط و فقط می‌توانند دست‌اندرکار ارگان‌های حکومتی در ایران باشند. در یک جامعهٔ

متعارف او باید محاکمه شود.

سعید مرتضوی با وقاحت همان استدلال‌های نخ‌نمای "جنجال رسانه‌های معاند" و "کار افراد مغرض است" را به کار می‌گیرد. این توجیهات هیچ ارزش برای مردمی که دارند حکومت را ویران می‌کنند ندارد. او می‌گوید مطابق قانون شرع عمل کرده. بله همان شرعی که کودک نه‌ساله را آمادهٔ ازدواج می‌داند. همان شرعی که زنان را کشتزار مردان می‌داند. همان شرعی که داس و خنجر به دست پدر و برادر و همسر می‌دهد تا زنان متمرد را بکشند. همان شرعی که ۴۶ سال است زندانی به بزرگی ایران درست کرده و انسان‌ها را به اسارت کشیده است.

بخش باشکوه این تاریخ خروش انسان‌هایی است که دارند همهٔ قوانین شریعت را به زباله‌دان می‌ریزند. خروش همین مردم است که مرتضوی را وادار می‌کند "نامه‌ای منتشر کند". وگرنه او که احتیاج به پروانه ندارد. او که نیازی نمی‌بیند پاسخ کسی را بدهد. اینکه مجبور می‌شود از خودش و جنایاتش دفاع کند، حضور خیابانی مردمی است که سر به خورشید می‌سایند.

پرونده‌سازی مجدد برای توماج صالحی،
آب در هاون کوبیدن رژیم!

عطیه نیک‌نفس

”توماج صالحی، رَپِر معترض و از حامیان شاخص جنبش ”زن، زندگی، آزادی“، روز شنبه، ۲۰ بهمن خبر داد که روز ۳۰ بهمن باید برای انتشار ترانه‌ای با عنوان ”تیفوس“ در دادگاه حاضر شود... به گفته او که از سال ۱۴۰۱ هم‌زمان با اعتراضات ”زن زندگی آزادی“ شهرتی جهانی یافت، قوه قضائیه در حالی رأساً برای او پرونده بازکرده است که این ترانه جدید ترانه‌ای انتقادی، یا به‌اصطلاح دیس‌ِتِرک، علیه چند خواننده رپ دیگر است.“

انقلاب زن زندگی آزادی که انقلابی مردمی، پیشرو و مترقی است از دلش هنرمندانی جسور بیرون آمدند که با هنرهای اعتراضی‌شان به پیشروی این انقلاب بسیار کمک کردند و البته هزینه‌های زیادی نیز در این راه پرداختند. توماج صالحی یکی از این هنرمندان است که با هنرش همیشه در کنار مردم و در حمایت از انقلاب مردم برآمده و به چهره‌ای مبارز و محبوب نه فقط در ایران بلکه در دنیا تبدیل شده است. اما جمهوری اسلامی که فکر می کرد با اعدام‌های بدون دادگاه، شکنجه، زندان، کور کردن چشم معترضان و تهدید و ارعاب می تواند این انقلاب را سرکوب کند، حالا با جهانی‌شدن این انقلاب و مبارزینی همچون توماج بر ترس و وحشتش هر روزه افزوده می‌شود.

جمهوری اسلامی که در سالگرد ۱۴۰۱ با فوران انقلابی خلاقانه و شجاعانه، غافلگیر شد با ادامه انقلاب به اشکال مختلف به‌شدت در مخمصه است و حالا با هدف ساکت کردن آزادی‌خواهانی همچون توماج می‌خواهد مانع عروج دوباره این انقلاب شود و مردم را مرعوب کند درحالی‌که مردم برابری‌طلب در بیش از دو سال گذشته به اشکال مختلف، با هنرهای اعتراضی، مقاومت در زندان‌ها، شعارنویسی، بی‌حجابی عملی، دادخواهی، اعتراضات گسترده و ارائه بیانیه‌های مختلف در حمایت از این انقلاب و مطالبه گری، نشان دادند که نه‌تنها به عقب برنمی گردند؛ بلکه با تمام توانشان، متشکل و برنامه‌ریزی‌شده تصمیم به سرنگونی این رژیم سراسر جنایت و فساد گرفته‌اند.

جمهوری اسلامی با پرونده‌سازی مجدد برای فعالان
این انقلاب فقط آب در هاون می‌کوبد و راهی جز
رفتن و نابودی برایش باقی نمانده است. در کنار
توماج صالحی و دیگر مبارزین راه آزادی می‌مانیم
و از طنین صداهای زیبای انقلاب زن زندگی آزادی
با تمام قوا حمایت می‌کنیم.

زمین‌خواری کیهان: دشمنی رژیم اسلامی با انسان و طبیعت

سینا پدرام

یاشار سلطانی، روزنامه‌نگار تحقیقی، در گزارشی اعلام کرد که مؤسسه کیهان تحت مدیریت حسین شریعتمداری، علی‌رغم حکم دادگاه مبنی بر ابطال سند و تبدیل آن به قرارداد اجاره همچنان به تملک ۲۰۰ هکتار زمین ملی در دماوند ادامه می‌دهد. این زمین‌ها در سال ۱۳۷۵ به طور غیرقانونی به کیهان واگذار شدند؛ ولی پس از اصلاح قانون حفاظت از جنگل‌ها در سال ۱۳۸۲، وزارت جهاد کشاورزی پیگیر بازپس‌گیری اراضی شد و دادگاه حکم به ابطال سند داد. بااین‌حال، کیهان از اجرای حکم

خودداری کرده و هنوز از زمین‌ها بهره‌برداری می کند.

رانت‌خواری در رژیم جمهوری اسلامی نهادینه شده و همان "قوانین" پر تناقض رژیم، در برابر فشارهای سیاسی و اقتصادی هیچ موقع اجرا نمی‌شود. به‌عبارت‌دیگر منافع عمومی قربانی منافع مشتی غارتگر می‌شود.

زمین‌خواری و جنگل‌خواری به یکی از مشکلات جدی در ایران تبدیل شده است. در سال‌های اخیر، حدود ۳ میلیون هکتار از اراضی دولتی به طور غیرقانونی تصرف شده‌اند. همچنین، بیش از ۲۰ درصد از جنگل‌های کشور در معرض تهدید قرار دارند و حدود ۸۰۰ هزار هکتار از جنگل‌های

شمال ایران تخریب شده است. این تخریب‌ها علاوه بر تهدید منابع طبیعی، موجب بحران‌های زیست‌محیطی نظیر سیلاب‌ها و ریزگردها می‌شوند.

چپاول و غارتی که در ایران توسط رژیم اسلامی به شکل سازمان داده شده است قانون جنگل نیست. قوانین جنگل بر حسب نیازهای طبیعی جانداران به وجود آمده است و شرط اساسی ادامه حیات طبیعی است. دزدی‌های سران ریزودرشت رژیم اسلامی برعکس آسایش و تقویت حیات انسانی و طبیعی است. کشتاری دسته‌جمعی و آرام‌آرام در مقیاس میلیونی در ایران در حال جریان است. پایان‌بخشیدن به این فاجعه تنها با پاسخگویی به این نیاز اجتماعی، انسانی و طبیعی میسر خواهد

شد. انقلاب انسانی، در مقابل، آن بالانس و هارمونی انسانی است که می‌تواند نیازهای انسانی را بر منفعت مشتی آیت‌الله و میلیاردر غارتگر را سازمان دهد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfars i i.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

شماره ۹۶۰

۱۱ فوریه ۲۰۲۵ – ۲۳ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

مذاکره با آمریکا ضرورت یا توهم!

نسان نودینیان

در سالگرد انقلاب ۵۷

دو سؤال از کاظم نیکخواه

انقلاب ۵۷، اینترنشنال و روایت شیرین عبادی (ها)

خلیل کیوان

به کمپین دفاع از حق زندگی زندانیان بیمار بپیوندیم

پریسا پوینده

مذاکره با آمریکا ضرورت یا توهم!

نسان نودینیان

دومینوی "مذاکره نمی‌کنیم" از روز جمعه ۱۹ بهمن به دنبال صحبت‌های خامنه‌ای که به‌صراحت با مذاکره با آمریکا مخالفت کرد و گفت "مذاکره‌کردن عاقلانه نیست، هوشمندانه نیست، شرافتمندانه نیست" فزونی گرفته است.

در مناسک ۲۲ بهمن در تهران پزشکیان گفت؛ امریکا به دنبال مذاکره نیست و وزیر دفاع، فرمانده کل ارتش، فرمانده کل نیروهای انتظامی و سپاه پاسداران مذاکره با آمریکا را بی‌فایده خواندند.

پزشکیان با انتقاد از رفتارهای دوگانه ترامپ، او را

به توطئه‌چینی علیه ایران متهم کرد و اظهار داشت: "ترامپ می‌گوید بیایید گفت‌وگو کنیم و همان لحظه، تمام توطئه‌های ممکن را علیه ایران امضا می‌کند. می‌گوید می‌خواهیم مذاکره کنیم؛ تو اگر اهل مذاکره بودی، چرا این غلط‌ها را می‌کردی؟" صحبت‌های پزشکیان واکنش‌های مختلفی به دنبال داشت. قالیباف، رئیس مجلس اسلامی، گفت: مذاکره با همه دولت‌ها به‌جز آمریکا ممکن است و از دولت خواست تا از ایجاد دوقطبی در این زمینه پرهیز کند. حضور پزشکیان در دومینوی "مذاکره نمی‌کنیم" مزورانه و نمایشی است. از منویات رعیت‌منشانه او به خامنه‌ای نشئت گرفته. به همین دلیل پیامدهای سیاسی متعددی به همراه خواهد داشت.

آدم و عالم می‌دانند که پزشکیان و دوایری از بیت رهبری از لاریجانی تا محمدجواد ظریف و.. سیاست راهبردی "چگونگی رسیدن جمهوری اسلامی به مسیر مذاکره" با غرب را اتخاذ کرده‌اند. توقف این سیاست کار ساده‌ای نیست. دوقطبی "ضرورت" و ادامه سیاست راهبردی مذاکره یا "توهم" مخالفت با مذاکره با آمریکا پیامدهای سیاسی مختلفی خواهد داشت.

بن‌بست در مذاکره به‌ویژه با تشدید تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی موجود، نارضایتی عمومی را افزایش داده و اعتراضات و دوقطبی و شکاف اجتماعی که بین توده مردم و جمهوری اسلامی ایجاد شده عمیق‌تر خواهد شد. بن‌بست مذاکره با آمریکا و غرب همچنین به تشدید قطب‌بندی

درون جناح‌های جمهوری اسلامی منجر شده و سیاست مقاومتی گفتمان ضد مذاکره جناح‌های اصول‌گرا تقویت خواهد شد.

اختلافات در جناح‌های میانه‌رو و اصلاح‌طلب که معمولاً بر تعامل با غرب تأکید دارند، با بن‌بست مذاکرات، بیشتر خواهد شد. این امر می‌تواند اختلافات درون این جناح را نیز افزایش دهد.

ادامه بن‌بست در مذاکرات نه‌تنها باعث قطبی‌تر شدن فضای سیاسی درون رژیم می‌شود، بلکه می‌تواند تنش‌های اجتماعی و نابسامانی اوضاع اقتصادی را نیز تشدید کند و اینکه مشکل مردم نه با مذاکره یا عدم مذاکره، بلکه تنها با سرنگونی رژیم قابل‌حل است.

در سالگرد انقلاب ۵۷

دو سؤال از کاظم نیکخواه

سوسن صابری: این روزها به مناسبت ۴۶ مین سالگرد انقلاب ۵۷ بحث‌های مختلفی در مخالفت و همین‌طور در دفاع از آن انقلاب در سطح جامعه در جریان است. چرا انقلاب شد؟ شما زمینه‌های شکل‌گیری و اهداف انقلاب ۵۷ را چطور ارزیابی می‌کنید؟

کاظم نیکخواه: انقلاب ۵۷ انقلابی علیه حاشیه‌نشینی، فقر، دیکتاتوری، ساواک، و بی حقوقی مطلق مردم بود. انقلاب از شورش حاشیه‌نشینان شروع شد. جامعه ایران در زمان پهلوی یک جامعه کاملاً خفقان‌زده بود که به آن گورستان آریامهری می‌گفتند. شاه

می‌گفت یا تمکین کنید یا از ایران بروید. اما حتی امکان ترک کشور وجود نداشت. باید یا تمکین می‌کردی یا به زندان و زیر شکنجه ساواک می‌رفتی. بگذارید به تجربه مشخص خودم اشاره‌ای بکنم. من دانشجوی جوانی بودم که طی سه سال و نیم دانشگاه سه بار زندان رفتم. یعنی هرسال یک‌بار! دفعه سوم به جرم مارکسیست بودن و سازمان‌دهی اعتصابات دانشجویی به ۱۵ سال زندان محکوم شدم بدون اینکه با هیچ سازمان و حزب سیاسی در ارتباط باشم و یا به‌جز بحث با هم‌کلاسی‌ها کاری کرده باشم. بعد از انقلاب معلوم شد که هم اتاقی من یک کادر فعال ساواک بوده و تمام حرکت‌ها و حرف‌ها و تماس‌های مرا به ساواک گزارش می‌کرده. این یک نمونه کوچک و زنده از کل فضای جامعه در زمان شاه بود. یک اقلیت درباری و اشرافی ازخودراضی و

غرق در ثروت در همه‌جا یکه‌تازی می‌کرد و مردم را نوکر و پادوی خودش می‌دانستند.

در این فضا روشن است که مردم حق داشتند انقلاب کنند و سرنگونی دیکتاتوری پهلوی را فریاد بزنند. شکاف طبقاتی بسیار عمیق و گسترده بود. برخلاف آنچه سلطنت‌طلبان تبلیغ می‌کنند فقر در میان بخش‌های وسیعی از مردم بیداد می‌کرد. حلبی‌آبادها در حاشیه همه شهرهای بزرگ در حال گسترش بودند. محرومیت از تحصیل وسیع بود. یک اقلیت مفت‌خور در ثروت‌های نجومی غلت می‌زد.

حکومت شاه همه جریانات سیاسی را سرکوب کرده بود؛ اما تا دلتان بخواهد روی مذهب سرمایه‌گذاری می‌کرد و دست اسلامی‌ها را تا آنجا که مستقیماً علیه

شاه اقدامی نمی‌کردند، باز گذاشته بود. حتی رادیو و تلویزیون دولتی هر روز برنامه‌های متعددی در تبلیغ اسلام و خرافه پخش می‌کرد. شبکه سراسری گسترده‌ای از مساجد و تکایا و حوزه‌های "علمیه" و محافل اسلامی شکل گرفته بود و همه‌جا ریشه دوانده بود و خمینی با شروع انقلاب بر این شبکه‌های اسلامی سوار شد و توانست به کمک بی‌بی‌سی و مدیای فارسی‌زبان غربی بر انقلاب سوار شود و حکومت اسلامی را سرکار بیاورد.

سوسن صابری: درس‌های انقلاب ۴۶ سال گذشته برای انقلاب امروز ما کدام‌اند؟ چپ جامعه از آن درس‌ها برای انقلاب زن زندگی آزادی چگونه باید استفاده کند؟

کاظم نیکخواه: در مورد درس‌های انقلاب می‌توان کتاب‌ها نوشت. به طور خلاصه آن انقلاب نشان داد که انقلاب یک امر خودجوش و توده‌ای است؛ اما احزاب و جریانات سیاسی می‌توانند اهداف و شعارهای خود را بر متن آن جلو ببرند. انقلاب نشان داد که وقتی پای سرنگونی پیش می‌آید همه مردم یک دل و یک‌زبان‌اند و تفاوت‌های قومی و ملی و مذهبی رنگ می‌بازد. این را در شرایط امروز ایران بسیار بیشتر از پیش می‌توان مشاهده کرد. انقلاب ۵۷ نشان داد که خواست‌های سیاسی مشخصی که چپ نمایندگی می‌کند مثل آزادی بیان، آزادی احزاب، ممنوعیت اعدام، رفاه برای تک‌تک مردم و جدایی دین از دولت بسیار حیاتی است و نباید اجازه داد که تمایلات مبهم و نامشخص بر انقلاب حاکم شود.

انقلاب ۵۷ علیه دیکتاتوری بود؛ اما یک خواست مشخص در مورد آزادی بیان و تشکل و تحزب، یا علیه اعدام و زندان و فقر بر متن آن جلو نیامده بود و این خود یکی از کمبودهای جدی بود که به ارتجاع اسلامی امکان فریب مردم را داد. یادم است مردم می‌گفتند "شاه برود هر جانوری بیاید بهتر است" و در نتیجه جانوری بدتر از شاه سر کار آمد! بالاخره اینکه نباید اجازه داد که جریاناتی که کارنامه دیکتاتوری و ارتجاعی و ضدمردمی دارند در انقلاب جلو بیفتند. راه جلوگیری از اینها هم تعین دادن به خواست‌های رفاهی و پیشرو و مردمی است.

انقلاب ۵۷، اینترنشنال و روایت شیرین عبادی (ها)

خلیل کیوان

رسانه اینترنشنال عقاید و نظرات افراد را به‌عنوان "خبر" به جامعه پمپاژ می‌کند. از صفحه اینستاگرامی شیرین عبادی نقل می‌کند: "من در سال ۹۸، بابت حضور در انقلابی که نتیجه آن رنج مضاعف مردم و آینده‌ای تاریک برای جوانان شد، عذرخواهی کردم از دیگران می‌خواهم مسئولیت خود را در آنچه امروز ایران با آن مواجه است، بپذیرند".

چنین اظهاراتی از سوی شیرین عبادی غیرقابل‌انتظار نیست. او اگرچه فردی خیرخواه است؛ اما هیچ‌وقت درک درستی از روندهای

سیاسی کشور نداشته است و از نظر سیاسی همواره به دنبال اوضاع کشیده شده است. از پیش از انقلاب ۵۷ وی اطلاعاتی در دست نیست؛ اما در دوره اصلاحات تمام همت خود را به خرج داد تا نشان دهد رژیم اصلاح‌پذیر است و اسلام و حقوق بشر با هم سازگارند. خوشبختانه او مثل بسیاری دیگر با طنین "اصلاح‌طلب اصول‌گرا دیگه تمامه ماجرا" به خود آمد و به دنبال انقلاب زن زندگی آزادی کشیده شد.

شیرین عبادی نغزی نگفته است و گوهر نهفته‌ای در حرف خود ندارد. روایتی در باره انقلاب ۵۷ را بازگو می کند که به مذاق اینترنشنال خوش است. اظهارات شیرین عبادی از یک منظر پوپولیسم و عوام‌فریبی هم هست. ازاین‌رو نزد مردم عادی

هم گوش شنوا دارد و مهم‌تر از آن مدافعین رژیم گذشته و اینترنشنال را به وجد میاورد.

قیاس ساده‌ترین نوع قضاوت است. نسل‌هایی که بعد از انقلاب به دنیا آمدند اکثرا تجربه و درک درستی از سرکوب و استبداد و فساد و نابرابری‌ها در رژیم گذشته ندارند. زمینه‌ها و دلایل و مسائلی که منجر به انقلاب شد را نمی‌شناسند و تحت‌تأثیر تبلیغات، مصائب و فجایع امروز را به‌پای انقلاب می‌نویسند. انقلابی ضداستبدادی که برای آزادی و برابری بود؛ اما توسط جمهوری اسلامی به خون کشیده شد.

به‌جز بخش پیشرو، توده مردم و افرادی چون شیرین عبادی زحمت جستجوی حقیقت و چرایی

شکست انقلاب ۵۷ و پاسخ به سؤالات بنیادین و شناخت زمینه‌ها و روندهایی که منجر به انقلاب شد را به خود نمی‌دهند. طرف‌داران رژیم سابق و رسانه‌هایی چون من وتو و اینترنشنال روی این ذهنیت حساب باز کرده‌اند. یک چیز اما با نقشی که بی‌بی‌سی در آن عصر انقلاب دیجیتالی و در روی کار آوردن خمینی داشت فرق کرده است. اکنون عصر انقلاب انفورماتیک، ماهواره و اینترنت و موبایل‌هاست. انحصار خبری و اطلاعات از دست رسانه‌ها خارج شده است.

به کمپین دفاع از حق زندگی زندانیان بیمار بپیوندیم

پریسا پوینده

در حال حاضر هزاران نفر از زندانیان سیاسی و عقیدتی تحت بدترین شرایط زیستی و سلامت به سر می‌برند. این شرایط غیرانسانی مصداق بارز "شکنجه‌های جسمی و روانی" است. زندانیان سیاسی به دلیل بازجویی‌های طاقت‌فرسا همراه با ضرب و شتم، تهدیدات جنسی، شکنجه‌های جسمی، روحی و روانی و شرایط غیرانسانی زیستی و تغذیه در زندان و محرومیت از دارو و درمان ویژه، به انواع بیماری‌ها مبتلا شده‌اند. در مواردی اگر بیماری خفیفی از قبل داشته‌اند با قرارگرفتن در شرایط غیراستاندارد انسانی و به طور ویژه عدم

برخورداری از دارو و درمان ویژه، بیماری‌شان وخامت پیدا کرده است و در مواردی در صورت انتقال به بیمارستان، بدون طی کردن پروسه کامل بهبودی و سلامت بلافاصله به زندان بازگردانده می‌شوند.

زندانیان سیاسی و عقیدتی بیمار زیادی در زندان‌های متعدد، از امکانات درمانی و بهداشتی برخوردار نیستند و به همین دلیل هر روز شاهد مرگ تدریجی خود هستند.

جمهوری اسلامی عامدانه و کاملاً هدفمند زندانیان سیاسی بیمار را از دارو و درمان محروم کرده است. این یک سیاست سیستماتیک رژیم برای حذف فیزیکی زندانی سیاسی است. جمهوری اسلامی طی

سال‌های گذشته و بیشتر از هر زمانی امروز قصد دارد به‌جای اعدام زندانی سیاسی و روبروشدن با اعتراضات جهانی این زندانیان را در سکوت به قتل برساند. این سیاست رژیم "اعدام خاموش" و مصداق بارز "جنایت علیه بشریت" است.

"شبکه جهانی برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران" با اعلام کمپین "نگذارید قلبشان از تپش بازایستد" از همه شما مردم آزادی‌خواه، نهادها و سازمان‌های مدافع حقوق انسانی، اتحادیه‌ها، تشکلات و شبکه‌ها می‌خواهد به این کمپین بپیوندید تا صدای زندانیان سیاسی و عقیدتی بیمار و خانواده‌هایشان با خواست آزادی فوری و بدون قیدوشرط آنان باشیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۶۱

۱۲ فوریه ۲۰۲۵ – ۲۴ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

مذاکره با آمریکا و سرگیجه‌های رژیم اسلامی!

سینا پدرام

به مناسبت انقلاب ۵۷

مصاحبه با مینا احدی

واقعیت وحشت حکومت اسلامی و فکاهی شکایت

سیامک بهاری

۲۲بهمن، جشن سقوط شعارهای پوشالی و تداوم سرکوب

ایراندخت جویباری

مذاکره با آمریکا و سرگیجه‌های رژیم اسلامی!

سینا پدرام

مدیرمسئول روزنامه «جمهوری اسلامی»، مسیح مهاجری، در واکنش به سرکوب مخالفان علی خامنه‌ای در خصوص مذاکره با آمریکا، بر این نکته تأکید کرد که بر اساس قانون اساسی، افراد حق دارند نظر خود را آزادانه بیان کنند، حتی اگر مخالف مواضع خامنه‌ای باشد. او بیان کرد که هیچ منافاتی میان ابراز نظر مردم و حقوق رهبری وجود ندارد و جلوگیری از آزادی بیان مردم خلاف قانون است.“

آزادی بیان از نوع روزنامه ”جمهوری اسلامی“ مضحک و بی‌مایه است. در میانه این بلبشوی

سیاسی و در دوره‌ای که خود سران رژیم یک دقیقه از مذاکره با آمریکا دفاع می‌کنند و دقایقی بعد و با یک‌چشم غره خامنه‌ای مذاکره با آمریکا را غلط و "غیر شرافتمندانه" اعلام می‌کنند، صحبت از آزادی بیان نشان‌دهنده سردرگمی مزمن و واگیری آن در تمام سطوح رژیم است.

از سویی، چسبیدن به ایدئولوژی همیشگی "ضدآمریکایی‌گری" در دنیایی که آبستن تغییرات ژئوپلیتیک عمده‌ای است و گروه‌بندی‌های سیاسی و مالی جدید در حال شکل‌گرفتن هستند، هم بی‌خاصیت است و هم مخاطره‌آمیز. از سوی دیگر فرار به‌سوی "دیپلماسی مذاکره"، نه‌تنها تمامی بنیان‌های هویتی رژیم را زیر سؤال خواهد برد؛ بلکه یک شکست کامل را در برخواهد داشت.

تسلیم سیاسی در مقابل "شیطان بزرگ" چنان زبونانه است که حتی سیاست "اوجب واجبات" و یا همان حفظ نظام نیز نمی‌تواند توجیه‌گر آن باشد. این تسلیم، دروازه رژیم را برای هر گونه شکستی خواهد گشود.

"سرگیجه" دوکلمه مناسب برای به‌تصویر کشیدن مواضع سیاسی رژیم و از جمله خود بیت رهبری است. وضعیت وخیم اقتصادی رژیم نیز این سردرگمی"سیاسی" را دوچندان کرده است. درعین‌حال، خطر ورود مردم به عرصه خیابان، سناریوی دلخواهی نه برای رژیم اسلامی است و نه برای ترامپ و شرکا.

خطای رژیم این است که "دیپلماسی" چانه‌زنی و

خریدن وقت را با "سیاست" اشتباه گرفته است. آنچه که واقعی است "سیاست" مردم ایران است که به تجربه دریافته‌اند که انقلاب، تنها روش ممکن استفاده از شرایط سیاسی و اقتصادی موجود و تبدیل آن به ابزار تغییر است. انقلاب هنر مردم در سیاست است.

به مناسبت انقلاب ۵۷

مصاحبه با مینا احدی

آذر پویا: این روزها همه در مورد انقلاب ۵۷ صحبت می‌کنند و هر کس از دیدگاه خود این انقلاب را تجزیه‌وتحلیل می‌کند. بعضی‌ها معتقدند که اگر جمهوری اسلامی جایگزین شاه نمی‌شد حالا ما با جامعه‌ای مدرن‌تر و مرفه‌تر روبرو بودیم. نظر شما که این انقلاب را تجربه کرده‌اید چیست؟ اهداف انقلاب ۵۷ و مطالبات مردم در این انقلاب چه بود؟

مینا احدی: انقلاب ۵۷ حاصل نارضایتی گسترده مردم از حکومت پهلوی بود. بسیاری از مردم از استبداد، فساد، نابرابری‌های اقتصادی، فقر، حاشیه‌نشینی و نبود

آزادی بیان و سرکوب خشن مخالفین ناراضی بودند. خواسته‌های اصلی مردم آزادی، عدالت اجتماعی، برابری زن و مرد و مقابله با ساواک و زندان و داغ و درفش پهلوی بود. آن انقلاب برای اسلام و اسلامیت نبود، آن انقلاب را ابتدا اسلامی نامیدند و سپس اسلامی‌اش کردند.

آذر پویا: در ایران امروز یک جنبش عظیم سرنگونی در جریان است که یادآور روزهای پر تلاطم سال‌های ۵۶ ۵۷- است، شباهت‌ها و تفاوت‌های این روزها را با ۴۶ سال پیش چگونه می‌بینید؟ و نسل جوان امروز از این تجربیات چه درس‌هایی باید بگیرد؟

مینا احدی: انقلاب در ایران و جنبش زیرورو‌کننده زن، زندگی، آزادی در حقیقت ادامه انقلاب علیه

دیکتاتوری پهلوی است. ما بعد از شکست آن انقلاب با هیولایی اسلامی کاپیتالیستی طرف شدیم که بسیار وحشتناک بود ولی نبرد ما هم گسترده‌تر شد و هم عمیق‌تر. امروز در ایران انقلابی در جریان است علیه هر نوع و شکلی از دیکتاتوری علیه دخالت مذهب و اسلام در زندگی مردم برای آزادی و برابری و رفاه و شادی، انقلابی علیه ارتجاع و برای مذهب‌زدایی، همه اینها شکوهمند و تاریخ‌سازند. نسل جوان انقلابی ایران الان پرچم این خواست‌ها را در دست دارد و بسیار قهرمانانه می‌جنگد.

آذر پویا: روز ۲۲ بهمن ۵۷ را حتماً به‌خاطر دارید. می‌شود یکی دو خاطره از آن روزهای پر تب‌وتاب را برایمان بازگو کنید؟

مینا احدی: روز ۲۲ بهمن ۵۷ را فراموش‌نشدنی می‌دانم. خیابان‌ها پر از مردم بود، همه احساس می‌کردند که در لحظه‌ای تاریخی حضور دارند. برای من دیدن سقوط یک حکومت با یک انقلاب چندماهه یک اتفاق هیجان‌انگیز بود. اما در همان روزها شنیدن نام خمینی از بی‌بی‌سی و دیدن لحظات یک انقلاب که تصمیمات اصلی در آن به‌تدریج در دست‌های یک ملای مرتجع و کپک‌زده و اطرافیان مرتجع او قرار داده شد، یک نگرانی بزرگ من بود. دستم بجایی بند نبود، ما در یک گردباد بزرگ افتاده بودیم و به‌جرئت باید بگویم مهم‌ترین نقش را در زدن رنگ اسلامی به حرکات مردم، در نبود رسانه‌های مردمی و مدیای اجتماعی، رسانه بی‌بی‌سی بازی کرد. همان روز سقوط دیکتاتوری پهلوی هم یک نگرانی در مورد آینده آن انقلاب داشتم که با احساس پیروزی

عجین می‌شد.

یک خاطره هیجان‌انگیز آن روز در تبریز حمله مردم به پادگان‌ها و تسخیر رادیو و تلویزیون بود. وقتی اعلام شد که این مرکز در دست انقلابیون است، مردم از شادی به خیابان‌ها ریختند و فریاد می‌زدند: "رادیو دست مردمه!" آن لحظه، حس پیروزی واقعی را می‌شد در چهره همه دید.

واقعیت وحشت حکومت اسلامی و فکاهی شکایت

سیامک بهاری

ترامپ: حکومت ایران به‌شدت نگران، وحشت‌زده و به دنبال یک توافق جدید است.

خامنه‌ای فهمیده بر سر میز مذاکره با کاخ سفید آمریکا جز چماق چیزی گذاشته نشده و باید بهای سنگین ماجراجویی هسته‌ای و موشکی و شکست عمق استراتژیک را بپردازد. هیچ برگ برنده‌ای برای چانه‌زنی و باج‌خواهی باقی نمانده است. در تقلا برای روزنه‌ای که بشود با اتلاف وقت، فرصتی برای عقب‌نشینی "قهرمانانه" یافت، دست به دامان شکایت به شورای امنیت سازمان ملل شده است.

کاظم غریب‌آبادی معاون حقوقی وزارت امور خارجه و از امنیتی‌های دانه‌درشت ذوب شده در ولایت، شکایت‌نامه‌ای علیه دونالد ترامپ، تحت این عنوان: استفاده از زبان تهدید و ارجاع به این موضوع که ترامپ می‌گوید «یا حمله نظامی یا یک‌تکه کاغذ»! به شورای امنیت سازمان ملل تسلیم کرد.

بی‌تردید فقط جمهوری اسلامی می‌تواند چنین استهزاآمیز، صحنه کمدی تراژیک دیپلماتیکی خلق کند. خود را به "ننه‌من‌غریبم" بزند. با مظلوم‌نمایی دست‌به‌دامن شورای امنیت سازمان ملل بشود.

مدعی عمق استراتژیک، عربده‌کش و گنده‌لات منطقه که بیلبورد روزشمار محو دشمن در

خیابان‌های تهران برپا کرده بود و با خاک یکسان کردن حیفا و تل‌آویو را فریاد می‌کشید، حتی تا حسینیه کردن کاخ سفید هم پیش رفته بود، اینک چنین به دست‌وپا افتاده است که به داد برسید، تهدید به بمباران شده‌ایم.

خامنه‌ای راست می‌گفت: «آینده نشان خواهد داد که کی ضعیف شده!». این هزیمت ذلت‌بار، واقعیت پوشالی هسته سخت قدرت در کشمکشی است که روزنه‌ای برای فرار نمی‌یابد!

حقیقت وحشت و سراسیمگی واقعی حکومت اما نه فقط در مقابله با آمریکا و چانه‌زنی که از بیم عمق خشم و نفرت و انزجار مردم علیه حکومت است! صحنه واقعی نبرد و پایان کار،

اینجاست!

در گرداب ابربحران‌های ساختاری عظیم، سران سه قوه کشور به "بحران سیب‌زمینی" ورود کرده‌اند!

ادارات و بانک‌ها، کلیه دانشگاه‌ها و مدارس در بیش از ۲۰ استان امروز چهارشنبه ۲۴ بهمن‌ماه تعطیل اعلام شده‌اند! کل کشور تعطیل است. تهران و شهرهای بسیاری در خاموشی فرورفته‌اند. نیروگاه‌ها از حرکت بازمانده‌اند! ابر بحران هشتصد برابری قیمت دارو نایاب شدن داروهای خاص، تا گرانی سرسام‌آور، فقر و فلاکت بی‌انتها زیر سایه سنگین دلار ۹۴ هزارتومانی، کل جامعه را بلعیده است.

در التهاب و اعتراض، خیابان بار دیگر صحنه

سرنوشت‌ساز پایان‌دادن به هیولای حکومت اسلامی خواهد شد.

۲۲بهمن، جشن سقوط شعارهای پوشالی
و تداوم سرکوب
ایراندخت جویباری

۲۲ بهمن، به‌عنوان نمادی از تغییرات اساسی در تاریخ معاصر ایران شناخته می‌شود. اما امروز، در سایه سیاست‌های سرکوبگرانه جمهوری اسلامی، این روز به محملی برای یادآوری تناقضات عمیق در رژیم حاکم تبدیل شده است. در حالی که ۲۲ بهمن ۵۷ جمهوری اسلامی با شعارهای فریبنده آزادی، استقلال شکل گرفت، اما ۴۶ سال سرکوب و جنایت مستمر، ۴۶ سال شکنجه و زندان و اعدام، نه تنها این وعده‌های پوچ را نقض کرده، بلکه نشان‌دهنده بحران مشروعیت عمیقی است که

جمهوری اسلامی در آن غرق شده است.

از زمان روی کارآمدن جمهوری اسلامی، اعدام به ابزاری برای سرکوب مخالفان تبدیل شد. در دهه ۶۰، هزاران زندانی سیاسی به اعدام محکوم شدند و این روند در دهه‌های بعدی نیز ادامه پیدا کرد. از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱، بیش از ۴۸۰۰ نفر اعدام شده‌اند و در سال ۱۴۰۳ ، جمهوری اسلامی بیش از ۱۰۰۰ نفر را اعدام کرده است. اعدام معترضان سیاسی، فعالان حقوق بشر، اقلیت‌ها و حتی زنان و کودکان، نمونه‌های بارز سیاست‌های سرکوبگرانه‌ای است که حکومت برای حفظ قدرت خود به کار می‌برد. این اعدام‌ها گواهی بر تداوم حاکمیت خشونت‌آمیزی است که هیچگونه اصلاح و تغییری را بر نمیتابد.

در همین راستا، کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» به‌عنوان نمادی از مقاومت و اعتراض به این سیاست‌های خونین، نقش خود را به‌خوبی ایفا کرده است. این جنبش نه‌تنها در داخل ایران، بلکه در سطح بین‌المللی نیز از حمایت‌های گسترده‌ای برخوردار است. هر چند جمهوری اسلامی همچنان به اعدام ادامه می‌دهد اما این کارزار نیز هر روز گسترش بیشتری پیدا می کند.

۲۲ بهمن امسال نیز مانند سالیان قبل نمایانگر ناتوانی جمهوری اسلامی در جلب حمایت مردم بود. این روز، که حکومت تلاش می کند آن را نمادی از مشروعیت خود جلوه دهد، بیش از هر چیز

شکاف عمیق میان مردم و حاکمان را آشکار کرد. کاهش چشمگیر مشارکت در مراسم حکومتی، اعتراضات مردمی، و تداوم کارزارهای مختلف از جمله «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» همگی بیانگر این واقعیت هستند که مردم ایران نه‌تنها از وعده‌های شکست‌خورده رژیم سالهاست عبور کرده‌اند، بلکه عزم خود را برای تغییر آینده کشورشان جزم کرده‌اند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۶۲

۱۳ فوریه ۲۰۲۵ – ۲۵ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

نوزادفروشی در حکومت اسلامی

سیامک بهاری

ترس ارگان‌های حکومتی از رقص و بوسه

سیما بهاری

قدرت دفاعی پوشالی خامنه‌ای و قدرت تعرضی مردم

رضا درویش

پزشکیان و عسل شیرین شهادت

کیوان جاوید

نوزادفروشی در حکومت اسلامی

سیامک بهاری

«سه نفر در مشهد در ارتباط با شبکه خریدوفروش نوزادان بازداشت شدند»!

خریدوفروش نوزادان به‌اندازه کافی تکان‌دهنده است. اما حقایق پنهان در وقوع این پدیده بارها هولناک‌تر است.

این بار خبر از مشهد بیرون‌زده است که یک باند سه‌نفره خریدوفروش نوزاد کشف شده است. پیش از آن در شهریور ۱۴۰۰ شش نفر به جرم خریدوفروش ۲۵ نوزاد و ربودن سه کودک دستگیر شده بودند. در کوچه‌پس‌کوچه‌ها و بیغوله‌های

حاشیه شهرها در تهران، کرج، بابل، آمل، باندهای حرفه‌ای معامله خریدوفروش نوزادان و رحم‌های اجاره‌ای، مرکب از وکیل و پزشک و ماما، ده‌ها نوزاد را فروخته‌اند. قیمت‌گذاری فروش نوزادان و رحم‌های اجاره‌ای و بورس نوزادان شناسنامه‌دار و قانونی تا چند صد میلیون تومان، مدام افشا شده است.

بیمارستان‌های دولتی عمدتاً محل جولان دلالان برای خریدوفروش نوزاد از بدو شکل‌گیری در رحم مادر تا اجاره رحم و بعد از زایمان است. چندی پیش در یک مکالمه ضبط شده یکی از دلالان به‌صورت واضح می‌گوید قیمت معامله این نوزاد ۴۵۰ میلیون تومان است. نصف مبلغ را قبل از زایمان در بیمارستان و بقیه مبلغ را پس از گرفتن

شناسنامه در ثبت‌احوال موقع تحویل کودک، به دلار و یا طلا جابه‌جا می‌کنیم.

لازم به کنکاش زیادی نیست که چگونه جمهوری اسلامی جامعه را به تباهی کشانده است. تحمیل فقر و فلاکت، ارزش‌های انسانی جامعه را درو می‌کند و به ورطه نابودی می‌کشاند. قربانیان چرخه فقر، چگونه در گرداب فجایع بی‌شمار گرفتار می‌شوند و شیرازه انسانیت از هم می‌پاشد.

افزایش دردناک فروش نوزادان، رحم‌های اجاره‌ای، فروش و اجاره کودکان به باندهای تکدی‌گری و بزهکار، زیر لایه ضخیمی از نابرابری، بی‌عدالتی و بی‌رحمی حقیقت پنهان فاجعه‌ای است که حکومت اسلامی روی دست جامعه گذاشته است.

سرنوشت نامعلوم نوزادان و کودکان خریداری شده، کودکانی که به باندهای خلاف‌کار برده‌داری کودکان فروخته می‌شوند، بخش دیگر این تراژدی دردناک است.

خریدوفروش نوزادان مصداق نقض بارز حقوق کودکان و بی‌توجهی عامدانه به حق حیات، سلامت و سرپرستی ایمن کودکان است. حق کودکی، از رشد جنینی تا تولد و شیرخوارگی و طی دوران کودکی و سلامت مادر، باید به رسمیت شناخته شود. حکومت متولی مسئول حمایت از کودکان و اجرا قوانین و سازوکار دفاع از حق کودک است.

ترس ارگان‌های حکومتی از رقص و بوسه

سیما بهاری

”یاسر خلیلی، مدیرکل حقوقی ستاد امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر اعلام کرد که به دلیل صحنه‌های رقص، بوسه و بغل در سریال تاسیان، از سایت پخش آنلاین فیلیمو و نهاد ساتر شکایت کرده است“

از شکایت و پلمب پل‌عابر و کافه نت به‌خاطر راه‌دادن بی‌حجابان عبور کرده‌اند و کار و بارشان ارتقا پیدا کرده و از سایت و صفحه‌های پخش آنلاین شکایت دارند. اینکه معنای شکایت از یک سایت چه معنایی دارد، مشکل خودشان است. فقط خیلی جالب است که کار به جایی رسیده که خودی‌هایشان هم دیگر

دارند سرپیچی می‌کنند و قانون می‌شکنند.

جامعه زنده است. جامعه شاد است. این را نه در صحنه‌های فیلم و سریال که در لحظه‌های روز و در هر گوشه‌وکنار خیابان و پارک و پاساژ می‌توان دید. شاید عجیب باشد. دارند می‌زنند و می‌کشند. اما رؤیاهای مردم را نمی‌توانند دستگیر کنند. رؤیاهای زیبا و انسانی مردم به‌صورت رقص و عشق‌ورزی و بوسه و بغل، بیرون می‌زند. نمی‌توانند جلو این چیزها را بگیرید. مگر بی‌حجابی هر روز بیشتر از پیش تکثیر نمی‌شود؟ مگر جلو اعتراضات در زندان‌ها را توانسته‌اند بگیرند؟ رقص و پایکوبی و شکستن دیوار آپارتاید جنسیتی، دیروز در بازار و خیابان فلان محله اتفاق افتاده و امروز در سریال و فیلم نشان داده می‌شود. همان فیلم و سریال‌هایی که باید هفت‌خوان

سانسور را پشت سر می‌گذاشت. اینها رؤیاهای مردم است. مردم می‌خواهند این‌گونه زندگی کنند.

هر روز که می‌گذرد حکومت و ارگان‌هایش ضعیف‌تر و ناکارآمدتر، و مردم قوی‌تر و مطمئن‌تر در میدان هستند.

رقصی که در سریال تاسیان به نمایش در آمد، یک رقص ساده نیست. رقص انقلاب است. رقص امید است. امید به سرنگونی حکومت ضد شادی و ضد عشق‌ورزی. رقص به‌ثمررسیدن پرواز به‌سوی رؤیاهای زیبا و امکان‌پذیر.

سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی سرنگونی و نابودی سیستمی است که از ابتدای آمدنش عزاداری

و نوحه و گریه و سوزاندن هر آنچه زیبایی هست را با خود همراه داشته است. با سرنگونی این حکومت یأس و خشونت، این حکومت کشتار و تجاوز، این حکومت تبعیض و نابرابری، هر روزمان شاد و زندگی واقعی مثل سریال‌های پر از رقص و بغل و بوسه خواهد بود. خورشیدمان در حال طلوع است.

قدرت دفاعی پوشالی خامنه‌ای
و قدرت تعرضی مردم

رضا درویش

علی خامنه‌ای به مناسبت چهل و ششمین سالگرد ۲۲ بهمن گفته است: امید به استقرار عدالت آرزوی همیشگی بشر بوده و این آرزو بدون تردید محقق خواهد شد. او ۲۲ بهمن را تبریک گفته و این مناسبت را بی‌سابقه خوانده است.

در عصری که بشر در سایه پیشرفت‌های بی‌نظیر علمی و تکنولوژیک می‌رود که حتی مانند خودش را خلق کند، اینکه عقب‌مانده‌ترین بقایای بربریت و توحش در قدرت باشند البته بی‌سابقه

است. خامنه‌ای گفته مردم به خیابان‌ها آمدند و جشن گرفتند. اما اگر گروه اندکی با تمهیدات همیشگی به خیابان‌ها آورده شده‌اند، همان‌ها نیز باید از خود بپرسند: کدام دستاورد را جشن می‌گیرند؟ چه چیز را تبریک می‌گویند؟ آیا فقر، گرانی و فلاکت اقتصادی را باید جشن گرفت؟ آیا فقیرتر شدن مردم را باید تبریک گفت؟ امید به استقرار عدالت آرزوی همیشگی بشر بوده است. این آرزو تحقق‌پذیر است. اما منجی محرومان و ستمدیدگان انسان‌های ستم دیده‌ای هستند که علیه بی‌عدالتی بپا خاسته و متحدانه برای برقراری عدالت از حاکمان بانی وضع اسف‌بار موجود خلع‌ید می‌کنند.

خامنه‌ای در همین سخنرانی‌اش می‌گوید قدرت

دفاعی ایران امروز زبانزد است و دشمنان از آن هراسانند. نکته قابل تامل این است: در شرایط حاضر کدام قدرت دفاعی زبانزد است؟ اگر منظور قدرت دفاعی رژیم و محور مقاومتش است که این قدرت پوشالی بارها به سخره گرفته شده است. اما "قدرت دفاعی" دیگری در داخل ایران هست: مردمی که از حق خودشان برای آزادی، عدالت و رفاه دفاع می‌کنند. آری این دفاعِ جانانه زبانزد است. آری این قدرت دفاعی تماماً تعرضی است.

قدرت دفاعی مورد ادعای خامنه‌ای در جامعه متلاطم کنونی یک فیگور سیاسی مضحک است. رژیم اسلامی از مردم می‌خواهد که به پشت بام‌ها بروند و شعار الله اکبر سردهند. مردم اما علیه

خامنه‌ای شعار مرگ بر دیکتاتور سر داده‌اند.

آشکارا شاهد هستیم که مردم علی‌رغم سرکوب وحشیانه از سوی رژیم مرعوب نشده و اعتراضات در اشکال گوناگون تداوم دارد. در دل اعتراضات جاری صدها تشکل شکل‌گرفته و این روند همچنان ادامه دارد. برای همبستگی هرچه بیشتر، اعتراضات جاری را در همه‌جا و در همه سطوح در جهت تشکل‌یابی تقویت کنیم.

با اتحاد علیه فقر، گرانی و نکبتی که جامعه را فراگرفته قدرت تعرضی ستمدیدگان را سازماندهی کنیم.

پزشکیان و عسل شیرین شهادت

کیوان جاوید

مسعود پزشکیان روز چهارشنبه ۲۴ بهمن‌ماه در سخنرانی خود در بوشهر با بیان اینکه "ایرانی در مقابل هیچ تهدیدی کوتاه نمی‌آید و تسلیم نمی‌شود"، گفت: "شهادت برای رهبران و مدیران ما و برای مردان خدا از عسل شیرین‌تر است." او افزود: "با تهدیدهایی که می‌کنند فکر می‌کنند ما به دنبال دنیا هستیم."

ما از اعماق وجود حرف‌های این جان‌نثار اسلام، این سرباز جان‌برکف امام زمان و خادم دین و آخرت را عمیقاً باور داریم. میدانیم که تمام سران حکومت،

همه آخوندهای "ساده‌زیست"، تمامی آقازاده‌ها که با عرق جبین روزگار می گذرانند و از راه کارگری حقوق بخور نمیری به دست می‌آورند و خرج خانواده خود می کنند و برای شهیدشدن لحظه‌شماری می کنند! این لیست طولانی‌تر است. سران سپاه و ارتش و بسیج و "برادران جان‌برکف لباس‌شخصی" که زمین، فرش آنها و آسمان لحافشان است، مطلقاً دنبال "دنیا" نیستند! به یاد داشته باشیم که هر چه مال دنیا است را امثال صدیقی، امام‌جمعه تهران به بینوایان و مستمندان بخشیده است! این کارنامه خدمتگزاران درگاه الهی بسیار طولانی‌تر است.

پزشکیان به ترامپ پیغام می‌دهد که "ایرانی" در مقابل هیچ تهدیدی کوتاه نمی‌آید و تسلیم

نمی‌شود. معلوم است که در صدر این ایرانی‌ها آقازاده‌های خودشان جا دارند که ترسی از مرگ ندارند؛ آنهایی که در دیار کفر در حال صدور انقلاب اسلامی هستند و از مال دنیا هم نصیبی نبرده‌اند و در حلبی‌آبادهای کشورهای اروپایی و آمریکایی شمالی در حال مبارزه با شیطان بزرگ هستند!

منظور البته آن "ایرانی" که علیه جمهوری هر روز در حال نبرد هست، نیست. منظور کارگران و بازنشستگان و معلمان و پرستاران هم نیستند. منظور پزشکیان البته آن نیمی از جمعیت ساکن در ایران، یعنی زنان هم که حجاب را تبدیل به پرچمی برای سرنگونی حکومت کردند نیز نیستند.

اگر کسی در ایران یافت نمی شود که برای این اراجیف پزشکیان ارزشی قائل باشد، پس دلیل بیان این لاطائلات چیست؟ واقعیت این است که رژیم در مخمصه مذاکره بکنیم یا نکنیم گرفتار آمده است. خامنه ای بر خلاف میل پزشکیان مذاکره با آمریکا را رد کرده و اختلافات درونی حکومت بر سر این سیاست باز هم بالا گرفته است. پزشکیان موقعیت خود را در خطر می بیند و نگران است که نکند "هلیکوپتر" این "سرباز امام زمان" هم در کوههای آذربایجان سرنگون شود. هدف خود شیرینی نزد "حضرت آقا" است تا "عسل باران" بیت رهبری نشود.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۶۳

۱۵ فوریه ۲۰۲۵ – ۲۷ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

خیزش دهدشت و چشم انداز جنبش سراسری علیه فقر و گرانی- حمید تقوایی

برای نجات جان شریفه محمدی به میدان می‌آییم

نسان نودینیان

نرخ بالای بیکاری زنان در ایران

تهمینه صادقی

در دفاع از فعالین محبوس در زندان اوین

سیاوش آذری

حزب‌الله لبنان و سرنگونی رژیم!

حسن صالحی

خیزش دهدشت و چشم انداز
جنبش سراسری علیه فقر و گرانی

حمید تقوایی

چهار شب اعتراض متوالی مردم دهدشت از اولین فورانهای خشم یک جامعه در حال انفجار است. مردم این شهر کوچک که با شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ برخامنه ای به خیابانها ریخته اند جامعه ای را نمایندگی میکنند که دیگر نمیتواند گرانی و تورم نجومی، بی برقی و بی امکاناتی، و اعدام و زندان و سرکوب را تحمل کند. مدتهاست که کارگران و بازنشستگان در شهرهای مختلف عیله فقر و فساد تجمع و اعتراض و اعتصاب میکنند و اکنون این جنبش پیگیر با خیزشهای شهری

علیه جمهوری اسلامی همراه میشود. کلیپهای ویدیویی کاربران شبکه های اجتماعی نه تنها از خیزش ادامه دار در دهدشت، بلکه ازاعتراضات علیه بی برقی و گرانی و تورم نجومی در شیراز، یزد، پرند، شازند، بوکان، هشتگرد و کامیاران، و از شعاردهی های شبانه در تهران در یک هفته اخیر خبر میدهند.

آیا این اعتراضات آغازگر موج تازه انقلاب زن زندگی آزادی است؟

پاسخ به این سؤال تماماً به عملکرد ما فعالین و نهادها و تشکل‌ها و شبکه‌های دست‌اندرکار جنبش زن زندگی آزادی بستگی دارد. این

عمل مشترک و هماهنگ ماست که می‌تواند به شعاردهی های شبانه گسترده و به یک موج سراسری تظاهرات و تجمعات خیابانی در تعداد هر چه بیشتری از شهرها شکل بدهد. بیانیه‌ها و طومارها و فراخوان‌های مشترک، اعتراض به توحش نیروهای سرکوبگر علیه مردم معترض در دهدشت و دیگر شهرهای بپا خاسته، و حمایت از اعتراضات کارگران و بازنشستگان و پرستاران علیه شرایط غیرقابل‌تحمل معیشتی، از جمله اولین اقداماتی است که می‌تواند زمینه‌ساز یک جنبش سراسری و سازمانیافته علیه فقر و گرانی باشد. نباید اجازه داد خیزش‌هایی که در حال شکل‌گیری است همچون عصیان‌های پراکنده اوج بگیرد و در هم کوبیده شود. باید سازمان

داد و سازمان یافت.

زمان آن فرارسیده است که متحد و همبسته با پرچم اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد بمیدان بیائیم. بگذار دهدشت سرآغاز دور تازه و قدرتمندتری از انقلاب زن زندگی آزادی باشد!

برای نجات جان شریفه محمدی به میدان می آییم

نسان نودینیان

حکم اعدام شریفه محمدی بار دیگر در یک بیداد گاه جمهوری اسلامی تأیید شد. هیولای اعدام در ایران قربانیان وسیعی گرفته است و هنوز نیز ادامه دارد. افشاگری کارساز نیست. نیروی انسانی کارگران، معلمان، مردم معترض و جنبش علیه اعدام می‌توانند متحدکننده اقدامات کوبنده علیه اعدام باشند.

از اعتصاب در شهرهای مختلف کوچک و بزرگ در سطح سراسری هر جا فعالین علیه اعدام و معترضین به احکام اعدام قدرت بسیج محلی

دارند (ما اعتصاب یکپارچه مردم در سمیرم را تجربه کرده‌ایم، اعتصاب در سقز علیه مسمومیت دانش‌آموزان را تجربه کرده‌ایم و البته در مریوان، سنندج و پاوه هم)، تجمعات اعتراضی در مقابل نهادهای قضایی و یا نهاد وزارت کشور را در کارنامه مبارزات خود داریم. پیشبرد این فعالیت‌ها در گرو دخالت فعالین شناخته شده کارگران و معلمان و زنان مبارز و انقلابی، نهادها و کانون نویسندگان، شاعر و هنرپیشه و فیلم‌ساز و سینمای مستقل، کانون وکلا است. این شبکه وسیع در کارزار علیه اعدام و علیه احکام اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی همه با هم متحدانه اقدامات مؤثر و کارسازی را به نمایش گذاشتند.

فراخوان‌های اتحادیه آزاد کارگران ایران، نهاد ندای زنان، کمیته، هماهنگی برای ایجاد تشکل‌های کارگری، سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، اطلاعیه‌های فراخوان در ۳۵ زندان در سه‌شنبه‌های اعتراض به اعدام و فراخوان و اطلاعیه‌های احزاب سیاسی و اعلام آمادگی حمایت از اعتراضات مردمی و اعتصابات پشتوانه و تضمین‌کننده یک حرکت متحدانه همه با هم علیه اعدام است.

جامعه به گفتار و عمل فعالین شناخته شده چشم می‌دوزد. فعالین اجتماعی و سیاسی شناخته شده، در سطح سراسری بسیار زیادند، متحدکننده و بسیج‌کننده هستند اتوریته اجتماعی کارگران، زنان و معلمان برای مردم و جامعه شناخته شده است.

مطالبه لغو اعدام و لغو احکام اعدام شریفه محمدی امری فوری آست. "جرم" شریفه محمدی فعالیت در عرصه کارگری و اجتماعی و دفاع از حق‌طلبی و تحقق خواست کارگر و طبقات ستم‌دیده جامعه است. شریفه محمدی و تمامی زندانیان سیاسی شایسته بزرگ‌ترین و فعال‌ترین حمایت‌های اعتراضی تا لغو احکام اعدام هستند.

اطلاعیه‌ها و فراخوان‌های منتشر شده نهادهای اجتماعی، احزاب سیاسی، کارگران و زنان امیدبخش است. این امید را همه با هم به مبارزه‌ای کارساز و مؤثر برای نجات جان شریفه محمدی کارگر معترض، محبوب و شناخته شده تبدیل کنیم.

نرخ بالای بیکاری زنان در ایران

تهمینه صادقی

بر اساس آمار رسمی، نرخ بیکاری زنان در ایران به طور قابل‌توجهی بالاتر از مردان است. این نابرابری ریشه در سیاست‌های جمهوری اسلامی دارد که از ابتدای سر کار آمدن، با سرکوب زنان و تصویب قوانین تبعیض‌آمیز، زمینه‌های حذف گسترده آن‌ها از بازار کار را فراهم کرد. ساختار و قوانین جمهوری اسلامی بر اساس نقش سنتی زنان در خانه و محدودکردن آن‌ها به وظایف همسرداری و فرزندآوری شکل گرفته است.

یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش بیکاری زنان،

سیاست‌های تبعیض‌آمیز در استخدام، کاهش فرصت‌های شغلی برای زنان، و ممنوعیت‌های قانونی در بسیاری از مشاغل است. علاوه بر این، قوانین تبعیض‌آمیز مانند اولویت استخدام مردان، تبعیض در پرداخت حقوق، و نبود حمایت کافی از زنان شاغل، مشارکت اقتصادی زنان را به‌شدت کاهش داده است.

حکومت اسلامی در ایران همواره تلاش کرده با ایجاد ساختاری مشابه طالبان، زنان را از عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی کنار بزند. اما مبارزات و مقاومت زنان در برابر این سیاست‌ها، مانع از تحقق کامل این هدف شده است. باوجود تمام محدودیت‌ها، زنان در ایران همچنان برای کسب

حقوق برابر در محیط‌های کاری و افزایش نقش خود در زندگی اجتماعی مبارزه می‌کنند.

در مبارزه زنان علیه آپارتاید جنسیتی کل جامعه می‌تواند و باید به دفاع از زنان برخیزد. جامعه ایران در تضاد بنیادین بافرهنگ منحط اسلامی و قوانین کپک‌زده حاکم است این نیروی اجتماعی می‌تواند ورق را به نفع زنان برگرداند. همانطور که در برابر حجاب تا حد بسیار زیادی کفه ترازو را به نفع جنبش رهایی زن برگردانده است.

زنان باید از تأمین مالی برای یک زندگی انسانی برخوردار باشند. مزد برابر در مقابل کار برابر و تأمین یک زندگی مرفه خواست همه مردم است.

یکی از خطرات مهمی که زنان را در برابر انواع خشونت‌ها و از جمله خشونت خانگی تهدید می‌کند عدم استقلال مالی بخش بسیار وسیعی از زنان در ایران است. یا کار یا حقوق بیکاری مکفی حق همه زنان در ایران است. رهایی و آزادی زن خواست کل جامعه است. حکومت آپارتاید جنسیتی را در هم می‌شکنیم.

در دفاع از فعالین محبوس در زندان اوین

سیاوش آذری

احکام صادره علیه ۲۰ فعال سیاسی آذربایجانی آذرماه پارسال در شهرهای ارومیه، بناب، اردبیل، تبریز و کرج بازداشت و در دو پرونده با اتهامات "تبلیغ علیه نظام"، "اجتماع و تبانی" و "جاسوسی" روبه‌رو شده بودند که در دادگاه تهدید نظر تأیید شد. در این میان آیاز سیف‌خواه به ۱۴ سال حبس، باقر حاجی‌زاده مزرعه و آراز امان زرین آباد به ۱۳ سال و کرم مردانه مستعلی‌بیگلو به ۱۱ سال حبس محکوم شدند.

ستم، اجحاف، تبعیض، زندان و پایمال کردن

حقوق اولیه توده های مردم از عناصر ذاتی رژیم جمهوری اسلامی است. پایان دادن به هر نوع ستم و تبعیض خواست و هدف فوری هر نیروی رادیکال آزادیخواه و چپ و انساندوست است.

حکومت اسلامی با آزار، دستگیری و شکنجه و زندان مخالفان و فعالان سیاسی قصد به عقب راندن توده های سرنگونی طلب و فرو نشاندن خشم و انزجار عمومی از موجودیت ننگین خود را دارد. اما این سیاست و نقشه جمهوری اسلامی در تقابل با مطالبات و پرچم آزادیخواهانه و برابری طلبانه جنبش انقلابی زن زندگی آزادی و مبارزه بی امان فعالان آزاده، انقلابی و پیشرو محکوم به شکست است. ما در بطن مبارزات

خیابانی دیدیم که چگونه از آذربایجان تا تهران، از کردستان تا سیستان و بلوچستان توده های تحت ستم با شعار "کرد، بلوچ، آذری، آزادی- برابری" به همبستگی خود علیه رژیم اسلامی تأکید ورزیدند و از مبارزه متحدانه در راستای سرنگونی رژیم اسلامی گامی به عقب نگذاشتند و پرچم آزادی، برابری، انسانیت و رفاه را در مقابل حکومت اسلامی و دیگر سیاست های ارتجاعی بر افراشتند.

باید برای آزادی فعالان آذربایجانی و دیگر فعالان سیاسی در ایران با تمام قوا به میدان بیاییم و خواست آزادی این فعالان را در تمامی اعتراضات و تجمعات فریاد کنیم. باید خواهان لغو تمامی

قوانین و سیاستهای ضد انسانی شویم. مجرم نه فعالان مدافع حقوق انسانها و آزادی و برابری، بلکه اشخاص، مراجع و مقام ها و نهاد های حکومت اسلامی و آمرین و عاملین اجحاف و تبعیض علیه مردم هستند. دست اندرکاران رژیم در فردای پیروزی انقلاب در دادگاه های صالحه مردمی محاکمه خواهند شد و عدالت علیه آنها جاری خواهد شد.

حزب‌الله لبنان و سرنگونی رژیم!

حسن صالحی

پنجشنبه، ۲۵ بهمن، ۱۳ فوریه، شماری از هواداران حزب‌الله لبنان راه‌های منتهی به فرودگاه بیروت را بستند و دست به اعتراض زدند. می‌دانید علت چه بود؟ علت این بود که دولت لبنان اجازه فرود یک هواپیمای شرکت ماهان وابسته به جمهوری اسلامی را در فرودگاه بیروت نداده بود. باز هم می‌پرسید چرا؟ چون‌که جمهوری اسلامی از طریق این شرکت هواپیمایی برای حزب‌الله لبنان و اعضا و هوادارانش پول ارسال می‌کند. آخر هزینه پروار کردن حزب‌الله لبنان را همواره جمهوری اسلامی از جیب مردم ایران داده است تا بتواند

در معادلات منطقه‌ای به نفع وجود نحس خود نقش ایفا کند.

واقعیت این است که بعد از حملات سنگین ارتش اسرائیل، حزب‌الله لبنان متحمل شکست‌های متعددی شده است. حالا جمهوری اسلامی به‌عنوان منبع تغذیه این نیروهای نیابتی می‌کوشد که به هر طریق ممکن آنها را سرپا نگه دارد. باتوجه‌به سرنگونی حکومت بشار اسد راه‌های زمینی ارسال اسلحه به حزب‌الله بسته شده است و حالا رژیم اسلامی در تقلا برای قاچاق پول از طریق هواپیمای مسافربری است تا به دست حزب‌الله برساند.

از این چه نتیجه‌ای می‌شود گرفت؟ علت وجودی حزب‌الله لبنان، حماس و یا حوثی‌های یمن هر چه باشد این جریانات مرتجع اسلامی بدون حمایت جمهوری اسلامی یعنی این سرمنشأ تروریسم اسلامی در منطقه نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند.

مردم ایران با سرنگونی جمهوری اسلامی به دو معنا به خود و مردم منطقه کمک می‌کنند. اول اینکه منابع مالی زیادی که هم اکنون صرف صدور تروریسم اسلامی در منطقه می‌شود را برای رفاه و آسایشی که از آنها دریغ شده است استفاده خواهند کرد. دوم اینکه با نابودکردن جمهوری اسلامی و برقراری یک حکومت سکولار

و غیرمذهبی در ایران راه را برای عروج نیروهای مترقی و پیشرو در کل منطقه همواره خواهند کرد.

زمان آن رسیده است که به میدان‌داری نیروهای ارتجاعی در منطقه از هر قماشی که باشند پایان داده شود. پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی با اهداف انسانی و جهان‌شمول خود می‌تواند پیش‌درآمد فصلی جدید در منطقه خاورمیانه باشد! فصل جدیدی که انسانیت و ترقی‌خواهی جوهره آن باشد و صلحی پایدار را به ارمغان آورد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
/https://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۶۴

۱۶ فوریه ۲۰۲۵ – ۲۸ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

در همبستگی با اعتراضات دانشجویان دانشگاه تهران

اصغر کریمی

معترضان بوکانی را تنها نگذاریم

یدی محمودی

برنج ایرانی کیلویی ۲۰۰ هزار تومان

کیوان جاوید

گروگانگیری نتیجه مماشات با رژیم اسلامی است

سینا پدرام

در همبستگی با
اعتراضات دانشجویان دانشگاه تهران

اصغر کریمی

همین که دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به قتل امیرمحمد خالقی که در شامگاه ۲۴ بهمن توسط سارقان اتفاق افتاد، دست به اعتراضات تند و قدرتمندی زدند ارگان‌های مختلف حکومت، سرکوبگران همیشگی دانشجویان، عاملان جنایت ۱۸ تیر، حراستی‌ها و انتظامی‌ها و جاسوسان و مقامات و رئیس جمهور یکی پس از دیگری با دستپاچگی به میدان آمدند و چاپلوسی‌ها، دروغ‌ها و وعده‌ها شروع شد. مدیر خوابگاه‌های دانشگاه تهران استعفا داد. سخنگوی قوه قضائیه گفت

قاتلان را دستگیر کردیم و در حال بازجویی هستند، پلیس تهران گفت دروغ است دستگیر نشده‌اند. دادستان گفت در اسرع وقت مرتکب این بزه را دستگیر و به سزای اعمالش می‌رسانیم. وزیر علوم خواستار افزایش امنیت فیزیکی پیرامون دانشگاه‌ها و مجتمع‌های خوابگاه‌ها شد. دانشجویان گفتند چهارماه است کتبی و شفاهی در مورد ناامنی محیط اطراف خوابگاه هشدار می‌دهیم و اقدامی نکردید. دوربین‌هایتان در داخل دانشگاه برای جاسوسی از دانشجویان است نه ناامنی بیرون دانشگاه. معاون دانشجویی حکومتی گفت دو کیوسک پلیس در محل حادثه نصب خواهد شد!

وزیر علوم از طرف همه دستگاه‌هایی که در این ماجرا قصور داشتند عذرخواهی کرد و خواستار

”افزایش امنیت فیزیکی پیرامون دانشگاه‌ها و مجتمع‌های خوابگاهی دانشجویی“ شد. پزشکیان هم گفت از ورود نیروهای خودسر به دانشگاه تهران جلوگیری شود و نگذارید اعتراضات به بیرون دانشگاه کشیده شود و همزمان حراست و لباس شخصی‌ها را به جان دانشجویان انداختند. بینی یکی از دانشجویان را شکستند، دختری را کتک زدند و چهار دانشجو را دستگیر کردند.

مقام‌های حراست دانشگاه در اطلاعیه‌ای نوشتند ”حادثه اطراف خوابگاه اتفاق افتاده و آنها مسئولیت داخل خوابگاه را دارند“. دختر دانشجویی با بی‌شرمانه خواندن این اطلاعیه گفت: در زمان ”جنبش زن، زندگی، آزادی“ آن موقع که نیروهای حراست دانشگاه در وسط خیابان شانزده آذر با

دانشجویان برخورد می‌کردند، و دختران را روی زمین می‌کشیدند، آن موقع، حوالی دانشگاه تهران در حوزه استحفاظی شما بود؟“

مردم ریشه مشکلات، فقر و ناامنی در سراسر کشور را می‌دانند. مسئول اصلی قتل امیدمحمد خالقی را هم می‌شناسند و بار دیگر خشم و اعتراضات به مشت‌های گره کرده توده‌های مردم به جان آمده و شعار مرگ بر خامنه‌ای و نابود باد جمهوری اسلامی تبدیل می‌شود تا ریشه همه مصائب این کشور برای همیشه خشکانده شود. اما هم‌اکنون اعتراضات دانشجویان ادامه دارد. همه با هم، دانشجویان، کارگران و معلمان، دادخواهان و همه تشکل‌ها همبستگی سراسری با دانشجویان را سازمان دهیم.

معترضان بوکانی را تنها نگذاریم

یدی محمودی

حکومت جنایتکار اسلامی سه تن از دستگیرشدگان و معترضان شهر بوکان را به اعدام و زندان‌های طولانی‌مدت محکوم کرده است.

بر اساس اخبار منتشر شده، پژمان سلطانی ۳۲ساله، سوران قاسمی ۲۸ساله و رزگار بیگزاده بابامیری ۴۷ساله به ترتیب به اعدام، ۱۵ و ده سال زندان محکوم شده‌اند. رژیم اسلامی و دستگاه جنایتکار قضاییش اعلام کرده که آنها به اتهام قتل شخصی به اسم محمد علی محمدی در ۲۲ اسفند ۱۴۰۱ دستگیر و محاکمه شده‌اند.

دستگیری معترضان، شکنجه، اعترافات اجباری و پرونده سازی‌های واهی حکومتی که مورد تنفر عمیق مردم ایران است، ابزار سرپا ماندن حاکمین خونخواری است که فکر می‌کنند، می‌توانند با این شیوه‌های جنایتکارانه مردم معترض را به سکوت وادارند!

در خصوص پرونده این سه معترض، ژینو دختر رزگار بیگ زاده بابا میری می گویید: "پدرش اصلاً فرد مقتول آقای محمد علی محمدی را و دو متهم دیگر این پرونده را نمی‌شناخته و اتهام مشارکت در قتل را نپذیرفته" و همین جمله خانم بیگ زاده بابا میری نشان می‌دهد که حکومت اسلامی

چگونه به‌آسانی برای معترضان پرونده‌سازی می‌کند.

فقط این نکته مهم را بیاد داشته باشیم که این حکومت حتی نمی‌تواند اولیه‌ترین خواست‌های رفاهی و اقتصادی مردم را تأمین کند. قطعی مداوم و طولانی‌مدت برق و بی‌آبی و بی گازی و فقر و فلاکت اقتصادی آن سایه شوم و سیاهی است که بر زندگی همه ما مردم در سراسر ایران حاکم است. مردم علیه این شرایط هر روز مبارزه می‌کنند و رژیم با حربه اعدام می‌خواهند سرنگونی خود را عقب بیندازد. دلیل این احکام جنایتکارانه برای این سه زندانی هم همین است.

نجات جان و زندگی این سه زندانی معترض بوکانی و همه دستگیرشدگان اعتراضات اجتماعی و زندانیان سیاسی در ایران تنها و تنها با مبارزه پیگیر، خبررسانی روزمره و حمایت گسترده مردم از چنگال خونین حکومت اسلامی امکان‌پذیر است. ما این قدرت مبارزه جمعی خود را بارها به رژیم اسلامی نشان داده‌ایم. باید در شهر بوکان و همه شهرهای کردستان به یاری خانواده‌های دستگیر شده شتافت و آنها را در مبارزه برای لغو احکام ضدانسانی اعدام و زندان‌های طویل‌المدت و در نهایت آزادی فوری و بی‌قیدوشرط عزیزانشان یاری رساند.

برنج ایرانی کیلویی ۲۰۰ هزار تومان

کیوان جاوید

در پی افزایش قیمت برنج ایرانی به کیلویی ۲۰۰ هزار تومان و حتی بیشتر، سازمان جهاد کشاورزی استان تهران از توزیع این کالا با قیمت پایین با هدف "تنظیم بازار" خبر داد. وزیر جهاد کشاورزی هفته گذشته گفت که قیمت برنج "ساختگی است". او دلیل این اتفاق در بازار برنج را "احتکار" دانست.

جمهوری اسلامی جامعه را به سوی گرسنگی عمومی سوق داده است. فقر و نداری زاده جمهوری اسلامی است. احتکار و قاچاق کالا و مواد غذایی

و دارویی همزاد این حکومت است و این یکی از راه‌های عمده‌ای است که سران و وابستگان این رژیم به میلیاردها دلار ثروت بادآورده دست یافته‌اند.

افزایش قیمت برنج اتفاقی در خود و جدا از گرانی‌های عمومی نیست. گرانی تبدیل به بلای جان مردم شده است و کلیددار این گرانی و فلاکت عمومی نظام حاکم است. مافیای اقتصادی و حکومت دزد سالار اسلامی یک سیستم همه‌جانبه و تنیده شده در همه ارکان حکومت است.

حالا که ریشه مصائب را می‌شناسیم و می‌دانیم بلایی که به جان ما افتاده است، مربوط به یک

بخش از نظام نیست و یک کلیت عمومی از پایین‌ترین تا بالاترین رده‌های حکومتی مسبب همه بلایایی است که به جان ما مردم افتاده است، باید در تقابل با این حکومت، جنبش عمومی علیه فقر و فلاکت را سازمان داد. بی شک رژیم با همه توانِ نیروهای سرکوبگرش علیه ما مردم مثل همیشه به مقابله می‌پردازد. اما درست به همین دلیل برای زمین‌گیر کردن و فلجِ کل دستگاه سرکوب و زندانِ حکومت، ما مردم نیز نیاز داریم در ابعاد بسیار توده‌ای‌تر وارد جنگ شویم.

اعتراضات نباید جدا از هم باشد. گرسنگی و فقر و سرکوب، زندگی همه ما را تباه می‌کند. از بیکاران تا خانه‌داران تا همه مزدبگیران (کارگران – معلمان

- پرستاران - بازنشستگان و...) می‌توانند و باید از اعتراضات هم پشتیبانی کنند و فراخوان‌های حمایتی بدهند و در اعتراضاتی معیشتی به یاری هم بشتابند.

همبستگی‌ها فقط محدود به مبارزات "صنفی - معیشتی" خلاصه نمی‌شود. از اعتراضات سیاسی همه بخش‌های جامعه باید وسیعاً حمایت کرد. در میدان مبارزه، به یاری دانشجویان مبارز برخیزیم، علیه اعدام برخیزیم، از زنان بیش از این در جنگ "حجاب و بی‌حجابی" حمایت عملی کنیم. تا بر ویرانه‌های این حکومت، جامعه آزاد و انسانی ایجاد شود.

گروگانگیری نتیجه مماشات با رژیم اسلامی است

سینا پدرام

طبق اخبار رسانه ها، دو تبعه بریتانیایی به نام‌های "کریگ" و "لیندزی فورمن" در ایران به اتهامات امنیتی بازداشت شدند. آنها در حال سفر به دور دنیا با موتورسیکلت بودند و پس از ورود به ایران از ارمنستان، در کرمان بازداشت شدند. خانواده‌ها و دولت بریتانیا در حال تماس با مقامات جمهوری اسلامی برای اطمینان از سلامت و بازگشت امن آنها هستند. این زوج در پست‌های اجتماعی خود از سفر به ایران ابراز خوشحالی کرده بودند.

در سال‌های اخیر، رژیم اسلامی به دلیل بازداشت

و نگهداری و حتی اعدام شهروندان خارجی و دو تابعیتی با اتهامات بی‌اساس، به گروگان‌گیری به‌عنوان ابزاری برای چانه‌زنی در سیاست خارجی بیشتر از پیش تکیه زده است. جامعه جهانی و سازمانهای مدافع حقوق بشر و هر انسان شریف در جهان این اقدام حکومت اسلامی را نقض جدی حقوق بشر و قوانین بین‌المللی می‌دانند.

ما همواره تأکید کردیم که در برابر گروگان‌گیری رژیم و نقض آشکار حقوق بشر در ایران، دولت‌های غربی باید دست از مماشات با این رژیم بردارند و با فشار دیپلماتیک بیشتر به این حکومت و استفاده از تحریم‌های هدفمند علیه مقامات رژیم، نگذارند این تبهکاران جان شهروندان خارجی و ایرانی را به

ابزار برای گرفتن امتیازات از دول غربی تبدیل کند.

از سوی دیگر، ما بارها اعلام کردیم که سفارت خانه‌های رژیم اسلامی در تمامی کشورها باید تعطیل شوند. مماشات با این رژیم یعنی به خطر انداختن جان شهروندان خارجی که حق دارند آزادانه به ایران سفر کنند.

حق سفر یک حق جهان‌شمول و انسانی است و نباید توسط هیچ دولتی نقض گردد. محدودکردن سفر به هر دلیلی به ایران جواب نقض حقوق بشر توسط رژیم نیست. سیاست صحیح بایکوت و تروریستی اعلام کردن رژیم اسلامی و طردش از تمامی مجامع جهانی است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
/https://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۶۵

۱۷ فوریه ۲۰۲۵ – ۲۹ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال:

زنجیره‌ای از اعتراضات بر سر معیشت و رفاه

شهلا دانشفر

فریاد آزادی در دهدشت و کهگیلویه

نسان نودینیان

رشد گرانی و تورم، گسترش فقر و سرقت

سینا پدرام

افزایش آمار خودکشی در متروی تهران در سایه جنایات رژیم اسلامی

عطیه نیک‌نفس

بحران معیشتی در ایران: تورم، فقر و سرکوب به‌جای رفاه و امنیت

میلاد رسایی‌منش

فریادی از قلب ایران: به استقبال هشت مارس بدون آپارتاید جنسیتی برویم!

به یاد آرمیتا

زنجیره‌ای از اعتراضات بر سر معیشت و رفاه

شهلا دانشفر

امروز ۲۹ بهمن بازنشستگان مخابرات در نزدیک به ۱۵ شهر تجمع کردند و با سردادن شعارهایشان علیه فقر، گرانی و بساط اختلاسگری‌های حاکم فریاد اعتراض کل جامعه شدند. روز گذشته بازنشستگان تأمین اجتماعی در پنج شهر تجمع کردند و بار دیگر فریاد شریفه محمدی آزادی باید گردد، شریفه فعال کارگری که حکم دوباره اعدام وی صادر شد، به کف خیابان کشیده شد. در کرمانشاه نیز بازنشستگان معترض با فریاد "از کرمان تا تهران، قتل فرزندانمان! " همبستگی خود را با خانواده‌های داغدار دانش‌آموزان جان‌باخته مدرسه فرزانگان کرمان و با خانواده امیرمحمد

خالقی دانشجوی کشته شده کوی دانشگاه تهران ابراز کردند. این بازنشستگان با شعارهایی چون "برق و گاز و معیشت دزدید شده از ملت! "، "مالیات بی‌شمار، امکانات اسف‌بار"، و "هیولای تورم افتاده جان مردم" خشم و اعتراض جامعه را علیه سونامی فقر و گرانی نمایندگی کردند. در شوشتر نیز بازنشستگان با همین فریادها و شعار: "تورم ساعتی، دولت نداری فرصتی" اولتیماتوم خود را به حکومت اعلام داشتند.

۲۷ بهمن نیز شاهد تجمع جمعیت کثیری از بازنشستگان نفت که به تهران آمده بودند تا اعتراضشان را نسبت به تعرضات معیشتی هر روزه حکومت فریاد بزنند، بودیم. جمعیت بزرگی که به نمایندگی از ۸۵ هزار بازنشسته نفت با فریاد "ما

منتظر وزیر نفتیم، هیچ جا نمیریم همین‌جا هستیم“ وزیر نفت را به چالش کشیدند. در همین رابطه این بازنشستگان بارها تجمع داشته و با شعار ”شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد“ پرچم اتحاد طبقاتی کارگری در سطح جامعه را به دست گرفته‌اند. در صنعت نفت علاوه بر بازنشستگان، اعتراضات کارگران شاغل در بخش‌های مختلف نیز جریان دارد و نفت یک کانون داغ اعتراضی است.

در ۲۷ بهمن همچنین تجمعات اعتراضی پرستاران و کادر درمان مشهد و میلاد تهران را داشتیم. پرستاران که در برابر نرخ نجومی ۹۴ هزارتومانی دلار خواستار افزایش حقوقها متناسب با افزایش قیمت دلار شده‌اند. خواستی که بازتاب‌دهنده شعار ”هزینه‌ها دلاریه، حقوق ما ریالیه“ در کف

خیابان است.

بدین ترتیب زنجیره‌ای از اعتراضات بر سر معیشت و رفاه و علیه فقر و گرانی با ابعادی گسترده و اجتماعی جریان دارد. اعتراضاتی در کنار اعتراضات دانشجویان در دانشگاه‌ها و علیه زندان و اعدام که ادامه انقلاب را فریاد می‌زند. "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد" حلقه اتصال این اعتراضات به یکدیگر است.

فریاد آزادی در دهدشت و کهگیلویه

نسان نودینیان

اعتراضات اخیر در دهدشت، در استان کهگیلویه و بویراحمد، از ۲۱ بهمن ۱۴۰۳ آغاز شد و چندین شب متوالی ادامه یافت. این اعتراضات در واکنش به گرانی، مشکلات معیشتی، کمبود امکانات رفاهی، بیکاری و فشارهای متعدد اقتصادی، قطع مکرر برق در سرمای زمستان و مخالفت با سرکوب‌های حکومتی شکل گرفت.

مردم معترض دهدشت با سردادن شعارهای مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی نارضایتی خود را ابراز کردند. نیروهای امنیتی با استفاده از گاز

اشک‌آور و گلوله‌های ساچمه‌ای به سر کوب معترضان پرداختند. بیش از ۲۵ نفر از شهروندان دستگیر شده‌اند. هویت ۱۵ نفر از آنها تا کنون مشخص شده است. نهادهای امنیتی و دستگاه قضایی جمهوری اسلامی خانواده‌های اغلب بازداشت‌شدگان را تهدید کرده‌اند که در صورتی درباره بازداشت فرزندان خود اطلاع‌رسانی کنند، پرونده‌های آن‌ها را سنگین‌تر می‌کنند و با دیگر اعضای خانواده و نزدیکان آن‌ها نیز برخورد می‌کنند.

اعتراض مردم دهدشت فوران خشم مردم در حال انفجار است. مردم دهدشت در خیابان‌ها و در مقابل چشم مردم اعلام کرده‌اند که دیگر نمی‌توانند گرانی و تورم، بی برقی و بی امکاناتی، و اعدام و زندان و سرکوب را تحمل کنند.

اعتراضات مردم دهدشت در ادامه پیشروی و دستاوردهای خیزش مردمی زن زندگی آزادی است. شروع اعتراضات خیابانی برای معیشت و رفاه همه‌جا سربلند کرده. مردم دهدشت راه را نشان دادند. آنها در چند روز متوالی برای پیگیری نارضایتی‌هایشان اعتراضات را ادامه دادند.

عقب راندن اعتراضات کوبنده مردم دهدشت پایان اعتراضات مردم برای معیشت و رفاه و علیه سرکوب و جمهوری اسلامی نیست. مردم در سطح سراسری با شروع انقلاب زن زندگی آزادی جلوه‌های درخشان و همبسته‌ای در دفاع از مبارزات را تجربه کرده‌اند.

دستگیرشدگان اعتراضات اخیر باید فوری و بدون قیدوشرط آزاد و اسامی و هویت دستگیرشدگان به

اطلاع افکار عمومی برسد.

برای آزادی دستگیرشدگان اشکال مختلفی از اعتراضات متحدانه از جمله اعتصاب در شهر دهدشت و حمایت مردم شهرهای استان کهگیلویه عملی‌ترین و کم‌هزینه‌ترین مبارزه مؤثر است. صفوف نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی درهم‌ریخته است. اعتصاب در شهرها، ادارات، محل‌های کار، دانشگاه و مدارس و حمایت معلمان و کسبه از این اعتراضات را به گفتمان فوری برای آزادی دستگیرشدگان تبدیل کنیم.

مردم شریف دهدشت و استان کهگیلویه، همراه با کارگران و معلمان، و با همبستگی خواستار آزادی فوری بازداشت‌شدگان شوید.

رشد گرانی و تورم، گسترش فقر و سرقت

سینا پدرام

”فقر مادر انقلاب و بزهکاری است.“ ارسطو

کارشناسان معتقدند بحران‌های اقتصادی تأثیر مستقیمی بر افزایش بزهکاری‌ها دارند. بررسی‌های بانک مرکزی ایران نشان می‌دهد که رکود اقتصادی، بیکاری، تورم و شرایط مالی خانواده‌ها به افزایش جرائم، از جمله سرقت، منجر شده است. بااین‌حال، شواهد نشان می‌دهند که رژیم اسلامی هرگز در کاهش فقر، تورم و اشتغال‌زایی هیچ اقدامی انجام نداده است. جالب است که بدانیم از سال ۱۳۹۵ تاکنون، دولت‌های مختلف رژیم مانع انتشار گزارشات رسمی از وضعیت

اجتماعی ایران شده‌اند.

رژیم اسلامی مانند همیشه با مقصر جلوه‌دادن "اتباع خارجی" و "افغان‌ها" ، سعی کرده است تا دلایل اصلی آسیب‌های اجتماعی را از اذهان عمومی پنهان کند. در ارتباط با گسترش بزهکاری در ایران آقای بطحایی معاون وزیر کشور، در ادامه سیاست‌های فاشیستی رژیم اسلامی تأکید کرد که "سیاست وزارت کشور این است که در گام اول، اتباع غیرمجاز را به نحو مقتضی از کشور خارج کند."

برای ما سوسیالیست‌ها فقر، نتیجهٔ مستقیم استثمار در جامعه سرمایه‌داری است. در جامعه‌ای که در آن تولید و ثروت در دست اقلیت یک‌درصدی‌ها است،

فقر برای ۹۹ درصدی‌ها پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است و تأثیرات مخرب اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای به همراه دارد.

فقر و مشکلات اقتصادی به طور مستقیم بر بروز بزهکاری‌ها، به‌ویژه در میان جوانان، تأثیرگذار است. هنگامی که افراد به دلیل بیکاری یا تورم شدید نتوانند نیازهای اولیه خود را تأمین کنند، هنگامی که زندگی ۹۹ درصد جامعه را به تباهی می کشند، قطعاً کسری از جوانان به دنبال راه‌هایی چون دزدی یا جرائم دیگر برای جبران این کمبودها می‌روند.

در ایران، در شرایطی که تمامی مسیرها برای تأمین یک زندگی خوب بسته شده است، بزهکاری‌ها

به‌عنوان راه‌حلی برای فرار از مشکلات اقتصادی افزایش‌یافته و این روند، تهدیدی برای امنیت اجتماعی و شهروندان تبدیل شده است.

واقعیت دیگر در ایران امروز این است که ما شاهد اوج‌گیری یک جنبش اجتماعی قوی بر علیه فقر و گرانی هستیم. دینامیسم اجتماعی سیاسی جامعه ایران و حضور آشکار و پنهان یک انقلاب اجتماعی فقر را به یک فاکتور اساسی در ادامه جنبش سرنگونی و یک انقلاب اجتماعی با مطالبات رفاهی روشن و متعین تبدیل کرده است.

افزایش آمار خودکشی در متروی تهران
در سایه جنایات رژیم اسلامی

عطیه نیک‌نفس

”در یک گزارش تحقیقی درباره فقدان تدابیر ایمنی در متروها نوشته شده است که بر اساس آمارهای سال ۱۳۹۳، سالانه بین ۱۷ تا ۱۸ نفر در ایستگاه‌های متروی تهران اقدام به خودکشی می‌کردند. این گزارش می‌افزاید، پژوهش‌های بعدی نیز نشان داده است که این آمار در سال‌های بعد روندی افزایشی داشته است. بااین‌حال، تاکنون آمار جدیدی منتشر نشده و بسیاری از این حوادث با عنوان ”ورود غیرمجاز به حریم ریلی“ اطلاع‌رسانی می‌شوند.“

ناکارآمدی رژیم اسلامی در همه زمینه‌ها آشکار است. این موضوع در سامانه حمل‌ونقل هم به‌وضوح به چشم می‌خورد. نبود هیچ‌گونه ایمنی سازی و سیستم‌هایی که‌امنیت‌رادراین‌محیط‌هافراهم کند بخش دیگری از ضعف ساختار مدیریتی جمهوری اسلامی است.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی که برای جان انسان‌ها کوچک‌ترین ارزشی قائل نیست و به هر طریقی خودش باعث مرگ آنها می‌شود در این مورد نیز حتی مبادرت به گرفتن آمار، اطلاع‌رسانی و استفاده از مطالب هشداردهنده به مردم را هم نمی‌کند.

اما چرا خودکشی، آن‌هم در مترو و به این صورت فاجعه‌بار، در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی روبه‌افزایش است؟

نمی‌توان در ایران هیچ وجهی از زندگی را پیدا کرد که بتوان به آن دلگرم بود. مردم در ایران با حضور رژیم اسلامی هیچ آینده‌ای را پیش روی خود نمی‌بینند و افقی را نمی‌توانند برای خود متصور شوند. جمهوری اسلامی که رفاه، امنیت، معیشت و نفس‌کشیدن مردم را به گرو گرفته است برای مردم تحت سرکوب مرگ را رقم زده است. در این جامعه خفقان‌زده برخی از جوانان که راه را از هر طرف بسته می‌بینند گویی راه‌حلی جز خودکشی ندارند. زیرا زندگی‌شان با وجود چنین رژیم غیرانسانی و متوحشی به تاراج رفته است.

واقعیت این است که تا جمهوری اسلامی هست، هیچ‌کس به حقوق انسانی‌اش نمی‌رسد و تباهی و سیاهی همراه هر روزه اوست. چاره اما ساختن جامعه‌ای آزاد، برابر، مرفه و شاد است؛ گام اول در این راه به زیر کشیدن حکومت زجر و نکبت اسلامی است.

زندگی با تمامی حقوق و کرامت انسانی حق همه انسان‌هاست. به همین دلیل باید از تریبونی علیه این انسان‌کشی، نبود امنیت، معیشت و سرکوب اعتراضات گسترده انجام داد و برای داشتن دنیایی برابر و بدون تبعیض مبارزه کرد.

بحران معیشتی در ایران:
تورم، فقر و سرکوب به‌جای رفاه و امنیت

میلاد رسایی‌منش

افزایش بی‌سابقه قیمت گوشت قرمز در ایران تنها یک نمونه از بحرانی است که رژیم جمهوری اسلامی بر مردم تحمیل کرده است. با رسیدن قیمت هر کیلو راسته گوسفندی به یک میلیون تومان و فیله گوسفندی به یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان، مصرف گوشت در سبد غذایی خانوارها به‌شدت کاهش‌یافته است. این افزایش سرسام‌آور که ناشی از سوءمدیریت اقتصادی، فساد ساختاری و تحریم‌های ناشی از سیاست‌های مخرب حکومت است، سلامت مردم را به خطر انداخته است.

کاهش مصرف گوشت قرمز پیامدهای جدی برای سلامت جامعه دارد. این ماده غذایی یکی از منابع اصلی پروتئین، آهن و ویتامین‌های ضروری است و کمبود آن می‌تواند به سوءتغذیه، کم‌خونی و ضعف سیستم ایمنی منجر شود. درحالی‌که بسیاری از کشورهای دنیا به دنبال افزایش کیفیت زندگی شهروندان خود هستند، در ایران مردم ناچار به حذف مواد غذایی ضروری از سفره‌هایشان شده‌اند.

تورم سرسام‌آور در بخش مواد غذایی که بیش از ۳۰ درصد تخمین زده شده، نشان‌دهنده سقوط آزاد اقتصاد کشور است. دولت نه‌تنها هیچ اقدامی برای کنترل این وضعیت انجام نمی‌دهد، بلکه

سیاست‌های خود را بر سرکوب مردم متمرکز کرده است. درحالی که بودجه نیروی انتظامی برای سرکوب اعتراضات مردمی به ۸۸ هزار میلیارد تومان افزایش یافته، شهروندان از تأمین ساده‌ترین نیازهای خود بازمانده‌اند.

جمهوری اسلامی به‌جای حل بحران اقتصادی و تأمین رفاه عمومی، منابع کشور را صرف سرکوب و کنترل مردم می کند. اما این سیاست‌های ناکارآمد تنها خشم عمومی را افزایش می‌دهد و نشان می‌دهد که این رژیم دیگر توان اداره کشور را ندارد. مردم ایران می‌دانند که راه نجات از این وضعیت، عبور از حکومتی است که بقای خود را در فقر، جهل و سرکوب می‌بیند.

فریادی از قلب ایران: به استقبال هشت مارس بدون آپارتاید جنسیتی برویم!

به یاد آرمیتا

هشت مارس، روز جهانی زن، برای من و میلیون‌ها زنی که در حاکمیت جمهوری اسلامی زندگی کرده و جنگیده‌ایم، نه جشن که یادآور تلخ ستمی است که روزانه تجربه کرده‌ایم و نپذیرفته‌ایم. در ایران، تحت حاکمیت رژیم فاشیستی اسلامی، با آپارتاید جنسیتی روبرو هستیم؛ سیستمی که برابری را به آرزویی دست‌نیافتنی برای ما تبدیل کرده است.

ما، زنان ایران، در همه ابعاد زندگی ناچار به جنگ و مقاومت بوده‌ایم. از پوشش اجباری و محدودیت‌های

رفتاری تا محرومیت از فرصت‌های تحصیلی و شغلی برابر، و حتی حق تصمیم گیری درباره بدن خودمان. قوانین تبعیض آمیز به ما اعمال کرده‌اند و خواستند ما را به شهروندان درجه‌دو تنزل دهند؛ صدایمان را خفه کردند و حق انتخابمان را هم به عرصه مبارزه تبدیل کردند.

سکوت نکردیم و جنگیدیم. حجابمان را دور انداختیم، موهایمان را به دست باد سپردیم، و صدایمان را در فضای بی‌انتها رها کردیم.

ما سکوت را هرگز نپذیرفتیم. هرگز خاموش نشدیم. ما، زنان ایران، در خط مقدم مبارزه برای آزادی و برابری هستیم. در خیابان‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس،

فضای مجازی، و هر جای دیگری برای حقوقمان جنگیدیم و می‌جنگیم. هر اعتراض، هر فریاد، هر نوشته، نشانه‌ای از مقاومت ماست. ما به‌خاطر ترس، سکوت نمی کنیم؛ با سرکوب تسلیم نمی‌شویم.

هشت مارس امسال، فریاد ما بلندتر از همیشه است. از آزادی‌خواهان جهان می‌خواهیم صدای ما را بشنوند و در برابر این آپارتاید جنسیتی سکوت نکنند. ما به حمایت یکدیگر نیاز داریم تا به برابری و آزادی برسیم. به جهانی می‌اندیشیم که در آن، جنسیت مانعی برای رسیدن به آرزوهایمان نباشد؛ جهانی که در آن، زنان، نه به‌عنوان قربانی که به‌عنوان شهروندان برابر و قدرتمند، شناخته شوند.

این هشت مارس، نه‌تنها روز جهانی زن، بلکه روز همبستگی جهانی زنان ایران با زنان و دختران سراسر جهان است. زیرا که زنان به درجات مختلف در سراسر دنیا مورد تبعیض هستند. با ما همراه شوید، صدای ما باشید، هر جا که می‌توانید بگوئید که آپارتاید جنسیتی عین جنایت علیه بشریت است. به ما در مبارزه برای آزادی و برابری و رفع تبعیض کمک کنید. ما به آینده‌ای بهتر، آینده‌ای عاری از آپارتاید جنسیتی و جهانی برابر امیدواریم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۶۶

۱۸ فوریه ۲۰۲۵ – ۳۰ بهمن ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

مبارزه بر سر تعیین حداقل دستمزد کارگران

محسن ابراهیمی

محکومیت جمهوری اسلامی توسط گروه هفت، چه اهدافی را مدنظر دارد؟

شهاب بهرامی

جشنواره‌های حکومتی و هنرمندان معترض

سوسن صابری

مسجد امام علی در استکهلم باید بسته شود!

امیر توکلی

مبارزه بر سر تعیین حداقل دستمزد کارگران

محسن ابراهیمی

با نزدیک‌شدن به پایان سال ۱۴۰۳، بار دیگر، رسانه‌های حکومتی پر شده است از بحث‌های تکراری در باره موضوع حداقل دستمزد که قرار است توسط شورای‌عالی کار تعیین شود.

حداقل دستمزد سالانه را شورای‌عالی کار، ظاهراً با حضور نماینده کارگران در کنار نمایندگان دولت و کارفرما تعیین می‌کند. می‌دانیم که شورای‌عالی کار عملاً شورای‌عالی سرمایه است. دولت که خودش بزرگ‌ترین کارفرما و پاسدار کل طبقه سرمایه‌دار و کارفرماها است. نمایندگان واقعی کارگران هم معمولاً با احکام سنگین در زندان‌های جمهوری

اسلامی سرمایه‌داران هستند. در نتیجه حداقل دستمزد کارگران را نمایندگان سرمایه‌داران تعیین می‌کنند. برعکس، حداقل دستمزد را باید کارگران از طریق تشکل‌های سراسری و مجامع عمومی و باتوجه‌به یک سبد معیشتی مرفه و انسانی تعیین کنند.

روشن است که معیار طبقه سرمایه‌دار برای تعیین حداقل دستمزد، تأمین سود برای طبقه خودش است. دقیقاً بر اساس همین معیار، هر سال شورای‌عالی کار با افزایش درصد ناچیزی بر دستمزد پایه که خودش چندین بار زیر خط‌فقر است، فقر بیشتری را بر طبقه کارگر تحمیل و سود نجومی را برای طبقه حاکم تأمین می‌کند. در مقابل، معیار کارگر برای تعیین حداقل دستمزد، تأمین یک زندگی

مرفه و انسانی بر اساس بالاترین استانداردهاست.

باتوجه‌به موازین و معیارهای متضاد دوطبقه در مقابل هم، روشن است که یک ماه آینده طبقه کارگر چالش بسیار مهمی پیش رو دارد. باید با یک اتحاد مبارزاتی گسترده میان فعالین کارگری، تشکل‌ها و شبکه‌های متنوع کارگران برای چنین چالشی آماده‌شد. در مقابل صف آرایی سرمایه‌داران و ارگان‌های حکومتی‌شان، باید با یک صف‌آرایی گسترده و متحدانه به سراغ مفت‌خوران حاکم برویم.

روشن است که مبارزه بر سر تعیین دستمزد عرصه بسیار مهم چالش کارگران علیه طبقه‌ای است که از قبل کار کارگران به ثروت نجومی می‌رسند.

اما این هم روشن است که رهایی کامل کارگر زمانی ممکن است که کل نظام مبتنی بر بردگی مزدی زیرورو شود. نظامی که در آن اکثریت عظیم جامعه مجبورند نیروی کارشان را همچون کالا به صاحبان سرمایه بفروشند و فقط بخش ناچیزی از ثروت و امکانات تولید شده توسط خودشان را در قالب دستمزد تحویل بگیرند. فریاد "فقر، فساد، گرونی، میریم تا سرنگونی" شعار چنین دورنمایی است که در خیزش‌های توده‌های محروم طنین می‌افکند.

محکومیت جمهوری اسلامی توسط گروه هفت، چه اهدافی را مدنظر دارد؟

شهاب بهرامی

وزیران خارجه آمریکا، کانادا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا و ژاپن در گروه هفت و نماینده ارشد اتحادیه اروپا، روز شنبه ۲۷ بهمن در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ در آلمان با یکدیگر دیدار کردند. در پایان این دیدار، گروه هفت بیانیه‌ای منتشر کرد و در آن به‌صراحت، "اقدامات بی‌ثبات‌کننده ایران"، از جمله پیشرفت سرعت غنی‌سازی اورانیوم بدون توجیه معتبر و کمک تسهیل‌کننده ایران "به سازمان‌های تروریستی و گروه‌های مسلح در سراسر خاورمیانه و دریای سرخ" را محکوم نمود.

اهم سیاست دول اروپایی و دولت آمریکا بر چند نکته متمرکز است، جمهوری اسلامی غنی‌سازی اورانیوم با غلظت بالا را متوقف کرده و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، دسترسی، نظارت و کنترل کامل بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران را داشته باشد. جمهوری اسلامی از سیاست گروگان‌گیری اتباع دو تابعیتی و اتباع خارجی دست برداشته، تمامی فعالیت‌های تروریستی را متوقف و حمایت‌های نظامی، مالی و لجستیکی خود به نیروهای نیابتی را به طور کامل قطع کند و همچنین حمایت‌های نظامی خود را به اشغال اوکراین توسط روسیه پایان داده و به ارسال پهپاد و موشک‌های بالستیک به کشور مزبور پایان دهد.

لازم به یادآوری است در این بیانیه برای تزیین و

رنگ‌ولعاب دادن ژست اومانیستی، خواستار" احترام دولت ایران به حقوق شهروندی و رعایت حقوق بشر" نیز شده‌اند؛ لذا بیانیه "سرکوب سراسری و نقض حقوق اساسی بشر" از سوی حکومت ایران را نیز محکوم می‌کند. سؤال اینجا است که این محکومیت‌های گاه‌وبیگاه دول اروپایی چه تأثیر جدی در تغییر سیاست خارجی و سیاست سرکوب وحشیانه داخلی داشته و چقدر حکومت به این محکومیت‌ها تمکین کرده است. واقعیت نشان داده که رژیم نه‌تنها عقب‌نشینی نکرده؛ بلکه همچنان گستاخانه به سیاست سرکوب ادامه داده است.

راه‌حل رهایی از طاعون حکومت اسلامی، نه انتشار قطاری از اعلامیه و بیانیه در محکومیت و لفاظی‌های دیپلماتیک و فشار حداکثری، بلکه بایکوت سیاسی

- دیپلماتیک حکومت اسلامی، بستن تمامی سفارتخانه‌های رژیم، بیرون انداختن حکومت از نهادهای بین‌المللی و بالاخره حمایت جدی از مبارزات مردم ایران برای پیروزشدن بر جنایت کاران و اوباشان اسلامی است.

جشنواره‌های حکومتی و هنرمندان معترض

سوسن صابری

چهلمین جشنواره موسیقی فجر رژیم نیز، بمانند جشنواره فیلمش، با تحریم و بی‌اعتنایی هنرمندانی که در کنار مردم قرار دارند روبرو شد. مسئولین این جشنواره حکومتی اجرای چند روز جشنواره را با به‌اصطلاح "قدردانی" تقدیم به چند هنرمند کردند که با واکنش و اعتراض آنان جواب گرفت.

حسین علیزاده موسیقیدان، در اعتراض به این جشنواره گفت: "همه افتخارم در موسیقی ایران همواره عدم حضور در جشنواره موسیقی فجر بوده است. این جشنواره فرمایشی است، نه هنری و نه در حد و اندازه هنر. من از هرگونه بزرگداشت از

طرف ارگان‌های حکومتی بی‌نیاز هستم و پیوسته سپاسگزار مردم آگاهی‌ام که بی‌دریغ پشتیبان هنر و هنرمندشان در هر شرایطی بوده‌اند.“

محسن چاوشی خواننده هم در یک استوری نوشت: ”مطلع شدم که برگزارکنندگان جشنواره موسیقی فجر از من نامی در روز پنجم این برنامه آورده‌اند. نه راضی‌ام به چنین چیزی و نه علاقه به شنیدن نام خود (به هر بهانه و دلیلی) در چنین موقعیت‌ها و محافلی دارم.“

و در آخرین روز هم سیمین غانم خواننده به ”قدردانی“ جشنواره حکومتی جواب داد که ”نیازی به قدرشناسی از طرف مسئولان جشنواره فجر را ندارم“ در یک پیام صوتی همچنین از محدودیت

برای آواز زنان انتقاد کرد و گفت که در سال‌های اخیر حتی امکان برگزاری کنسرت برای زنان هم از او گرفته شده است.

مسئله نقش هنرمندان در جنبش‌های اعتراضی علیه حکومت‌های استبدادی از دوران انقلاب مشروطه تا امروز، در همبستگی با اعتراضات عدالت‌طلبانه مردم و در دفاع از آزادی بیان و هنر آزاد، یکی از مباحث فرهنگی و سیاسی مهم جامعه بوده است. امروزه هنرمندان معترض به‌ویژه در حوزه‌های سینما و موسیقی و ادبیات با محدودیت‌های شدیدی از طرف جمهوری اسلامی مواجه هستند. سانسور، ممنوعیت فعالیت، عدم صدور مجوز و بازداشت و زندان و شکنجه و صدور احکام اعدام از روش‌های بکار گرفته شده رژیم برای کنترل هنر و هنرمند

است.

اما علی‌رغم اینها، هنرمندان معترض و مردمی در طی این سال‌ها از راه‌های گوناگون در مبارزه با سرکوب و در دفاع از آزادی بیان نقش مؤثری بازی کرده‌اند. تحریم جشنواره‌های حکومتی، خلق آثاری که با پیام‌های اعتراضی فریاد مردم علیه فقر و بی‌حقوقی و سرکوب را نمایندگی می کنند، حمایت از همکاران زندانی و ممنوع‌الکار و همچنین تلاش برای ایجاد نهادهای مستقل هنری از این جمله‌اند. این دسته از هنرمندان شایسته بیشترین حمایت‌ها هستند.

مسجد امام علی در استکهلم باید بسته شود!

امیر توکلی

خواست بستن مسجد امام علی در استکهلم خواست قدیمی مخالفین جمهوری اسلامی است. این مسجد مرکز جاسوسی از فعالین سیاسی و سازماندهی اقدامات تهدیدآمیز و تروریستی در سوئد است. این مسجد همچنین با برقرارکردن مدارس اسلامی و با برگزاری جشن حجاب برای دختران خردسال سعی در مغزشویی نوجوانان در استکهلم سوئد دارد.

ما مخالفین جمهوری اسلامی بارها ماهیت واقعی فعالیت‌های این مسجد را از طریق نامه و ملاقات

حضوری و یا آکسیونهای اعتراضی به گوش مقامات دولتی رسانده بودیم، اما دولت سوئد با اتکا به سیاست مماشات با رژیم اسلامی و بر اساس تز ارتجاعی و ضدانسانی نسبیت فرهنگی بر این افشاگری‌ها و اعتراضات چشم‌بسته و حتی به این مسجد و دیگر مراکز اسلامی سالانه کمک مالی هنگفتی هم می کرد.

امروز دیگر اقدامات خرابکارانه جمهوری اسلامی در نقاط مختلف دنیا، جایی برای چشم‌پوشی و دیپلماسی مخفیانه باقی نگذاشته است. سیاست مماشات اروپا و سوئد جای خودش را به فشار بر جمهوری اسلامی داده است. چند هفته پیش پلیس امنیت سوئد در گزارش مفصلی نقش

مخرب و خلاف قانون این مسجد را رسانه‌ای کرد و نخست‌وزیر سوئد هم فعالیت‌های خرابکارانه و جاسوسی مسجد امام علی را در سخنرانی‌اش مطرح کرد و آن را غیرقابل‌تحمل خواند. بعدازاین گزارشات امام‌جمعه‌این‌مسجد توسط پلیس امنیت شبانه دستگیر و بعد از سه هفته برای همیشه از سوئد اخراج شد.

ما مخالفین جمهوری اسلامی طی نامه‌ای سرگشاده به نخست‌وزیر سوئد که به امضای چهارده سازمان و انجمن رسیده، از اقدامات دولت سوئد در اخراج امام‌جمعه و توقف کمک‌های مالی به این مسجد حمایت کردیم؛ ولی آن‌را کافی ندانستیم. ما خواهان بسته‌شدن مسجد امام علی، این مرکز جاسوسی

هستیم. همانطور که دولت آلمان مسجد آبی در هامبورگ را بست، این مسجد هم باید بسته شود. تا رسیدن به این هدف به فعالیت‌های خود ادامه خواهیم داد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۶۷

۱۹ فوریه ۲۰۲۵ – ۱ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

مجلس و گرانی دلار، مردم پاسخ می‌خواهند

نسان نودینیان

تزریق خون آلوده به بیماران، جنایتی دیگر

آذر پویا

وکلا علیه اعدام به میدان میایند

ایراندخت جویباری

نسل گم‌شده در میان درد و فقر با آرزوهای بزرگ برای ساختن

اندیشه آزاد

مجلس و گرانی دلار، مردم پاسخ می‌خواهند

نسان نودینیان

۳۰ بهمن ۱۴۰۳، قیمت دلار در بازار آزاد با افزایشی حدود هزار تومان نسبت به‌روز گذشته، به ۹۲ هزار و ۴۰۰ تومان رسید. این افزایش هم‌زمان با برگزاری جلسه غیرعلنی مجلس شورای اسلامی با حضور پزشکیان، برای بررسی نوسانات بازار ارز و مسائل معیشتی مردم رخ داد.

در حاشیه این جلسه، پزشکیان اعلام کرد که با کسب اجازه از خامنه‌ای، قرار است نزدیک به یک میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی برداشت شود. این مبلغ به‌صورت کالابرگ به هفت دهک جامعه اختصاص خواهد یافت.

جلسه غیرعلنی مجلس اسلامی بجای راهکار سرراست و جواب به مطالبات فوری مردم، مهار نرخ دلار، جلوگیری از افزایش جهشی نرخ کالاها، ارائه خدمات رایگان فوری و عمومی دارو و پزشک، مجانی کردن سرویس‌های ایاب‌وذهاب درون‌شهری، پرداخت کمک‌هزینه‌های قابل‌توجه و فوری به کسانی که زیر بار تأمین اجاره مسکن که بخش قابل‌توجهی از مزد و درآمدهای آنها را می‌بلعد خرد می‌شوند، و بر تعداد بی‌خانمان‌ها هر روز افزوده می‌شود، رایگان کردن تحصیل، تأمین پوشاک، کتاب و لوازم لازم برای ادامه تحصیل و حداقل یک وعده تغذیه رایگان به دانش‌آموزان، جلوگیری از گرانی کالاهای اساسی و پرداخت سوبسید بر اساس سقف تأمین معیشت، افزایش دستمزدها و ده‌ها اقدام دیگر در جهت

حل مشکلات مردم، وعده ارائه کالابرگ‌هایی را داده است که مردم به قدمت حاکمیت جمهوری اسلامی بی‌تأثیری آن را در زندگی‌شان تجربه کرده‌اند. کالابرگ سیاستی افشا شده است که هر چند وقت یکبار مسئولین برای گریز از جواب به مطالبات مردم آن را مطرح می‌کنند.

افزایش نرخ دلار میدان چپاول و دزدسالاری حاکمان جمهوری اسلامی است. مردم منتظر معجزه از طرف جلسات علنی و غیرعلنی مجلس با پزشکیان و "صدقه" های خامنه‌ای الدنگ از صندوق‌ها نیستند.

مردم، کارگران شاغل و بازنشستگان، جوانان و سایر اقشار محروم مردم خواهان معیشت و

رفاه هستند. مردم زندگی، سعادت و خوشبختی می‌خواهند. دولت موظف است خواسته‌هایشان را بدون وعده‌های مزورانه جوابگو باشد.

جمهوری اسلامی با خامنه‌ای و مجلس اسلامی و دولت پزشکیان مسببین اصلی تحمیل فقر، گرانی و بیکاری، هستند. خواست فوری مردم تأمین معیشت و رفاه است. همبستگی و اتحاد سراسری کارگران و بازنشستگان و مردم معترض بر بستر دستاوردهای زن زندگی آزادی تا سرنگونی جمهوری اسلامی ادامه دارد.

تزریق خون آلوده به بیماران، جنایتی دیگر

آذر پویا

طبق خبرهای رسیده به دلیل تزریق خون‌های آلوده در مراکز تالاسمی استان سیستان و بلوچستان، حداقل ۱۳۳ بیمار تالاسمی به هپاتیت سی مبتلا شده‌اند. کمپین فعالین بلوچ که اخبار استان سیستان و بلوچستان را پوشش می‌دهد، با اعلام این خبر گزارش داد دو نفر از افراد مبتلا شده در زابل، جان خود را ازدست‌داده‌اند. این کمپین همچنین اعلام کرد در اوایل دهه ۸۰ نیز ۲۰ نفر از بیماران تالاسمی در زاهدان و خاش به دلیل تزریق خون‌های آلوده به هپاتیت سی مبتلا شدند. پیش‌ازاین و در آبان‌ماه نیز انتشار خبر مرگ ۷۰ بیمار دیالیزی با داروی آلوده

به آلومینیوم با واکنشهائی همراه بود.

هپاتیت سی (یرقان نوع سی)، بیماری کبدی است که ویروس آن از طریق خون آلوده وارد بدن شده و باعث سرطان کبد و گاهاً باعث مرگ بیمار می‌شود.

روزانه شاهد خبرهایی مشابه و مرگ انسان‌هایی هستیم که اگر در یک جامعه سالم و متعارف زندگی می‌کردند می‌توانستند سال‌های طولانی در محیطی شاد و آرام به زندگی‌شان ادامه دهند و در صورت ابتلا به بیماری تحت‌نظر کادر پزشکی مجرب و مسئول تحت درمان قرار گیرند.

در همه کشورهای دنیا اشخاصی را که برای اهدای خون مراجعه می‌کنند قبل از هر چیز تحت آزمایشات

مختلف قرار می‌دهند تا از سلامت آنها مطمئن شوند. خون‌های اهدائی باید در شرایط و دمای هوای مناسبی نگهداری شده و قبل از تزریق خون به فرد بیمار، مجدداً آزمایشات هپاتیت (یرقان)، سفلیس و ایدز را انجام می‌دهند و بعد از اطمینان از سلامت خون آن را به فرد بیمار تزریق می‌کنند.

در قصاب‌خانه‌ای به اسم جمهوری اسلامی که پزشکان حکومتی‌اش با رعایت "اصول بهداشتی" دست قطع می‌کنند، چشم از حدقه در می‌آورند و ارزش جان انسان‌ها با دلار اندازه‌گیری می‌شود، و از طرفی کادر درمانی‌اش با اعتراضات خیابانی روزانه دریافت حقوق‌هایشان را مطالبه می‌کنند، شاید انتظار رعایت استانداردهای بهداشت جهانی انتظاری لوکس و غیرواقعی به نظر برسد. ولی در یک جامعه مرفه،

جامعه‌ای که امروزه اقشار مختلف مردم، دانشجویان، پرستاران، کارگران و بازنشستگان هر روز در محل کار و خیابان برای رسیدن به آن مبارزه می‌کنند، امری کاملاً عملی و یکی از مطالبات اولیه‌ای است که باید در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی بلافاصله اجرائی گردد.

وکلا علیه اعدام به میدان میایند

ایراندخت جویباری

صدور و تأیید احکام اعدام برای پخشان عزیزی، وریشه مرادی و شریفه محمدی، خشم و اعتراضات گسترده‌ای را در میان مردم و فعالان جنبش‌های مختلف برانگیخت، و باعث بروز شکاف‌های عمیق‌تر در درون جامعه حقوقی ایران شده است. بیانیه‌ی ۲۲۹ وکیل دادگستری علیه این احکام نشان می‌دهد که جنبش علیه اعدام هر روز گسترده‌تر می‌شود و بخش‌های دیگری از جامعه نیز به این جنبش می‌پیوندند.

این بیانیه بر چند نکته کلیدی تأکید دارد: نخست، اعدام نه‌تنها به اجرای عدالت کمکی نمی‌کند،

بلکه ناقض حقوق انسانی و اصول بنیادین عدالت است. وکلای امضاکننده هشدار داده‌اند که اجرای این احکام، حس ناامنی و بی‌اعتمادی را در جامعه تشدید می‌کند. نکته قابل‌تأمل اینجاست که حتی در میان حقوق‌دانان که بخشا تا پیش‌ازاین کمتر به‌صورت علنی به‌نقد دستگاه قضایی می‌پرداختند، امروز اعتراضاتی جدی علیه احکام اعدام و روندهای ناعادلانه‌ی دادرسی شکل گرفته است.

دوم، روند دادرسی این سه زن مملو از ابهامات، شائبه‌های حقوقی و عدم رعایت استانداردهای بین‌المللی عدالت بوده است. در چنین شرایطی، هرگونه اجرای حکم اعدام نه به‌عنوان یک اقدام قضایی، بلکه به‌عنوان یک اقدام سیاسی و انتقام‌جویانه علیه جنبش "زن، زندگی، آزادی"

است.

سوم، جمهوری اسلامی با این احکام، نه تنها فشارهای داخلی، بلکه فشارهای بین‌المللی را نیز به‌شدت بر خود افزایش خواهد داد. انتخاب پخشان عزیزی به‌عنوان شهروند افتخاری فلورانس ایتالیا، پیامی آشکار از سوی جامعه جهانی است که این احکام را به رسمیت نمی‌شناسد. این اقدام، شکستی دیپلماتیک برای جمهوری اسلامی است که سال‌ها تلاش کرده سرکوب مخالفان را امری داخلی جلوه دهد. اکنون، مسئله‌ی اعدام‌های سیاسی به سطح بین‌المللی کشیده شده و مقامات جمهوری اسلامی باید خود را برای فشارهای بیشتری آماده کنند.

در نهایت، موج اعتراضات داخلی و بین‌المللی علیه

این احکام نشان می‌دهد که سیاست سرکوب دیگر کارایی ندارد. زمانی که وکلای دادگستری در کنار خانواده‌های زندانیان و مردم معترض قرار می‌گیرند، نشانه‌ای از تغییراتی قابل‌توجهی در نگرش جامعه است. جنبش علیه اعدام با چنین اقداماتی گسترده‌تر و قوی‌تر به میدان میاید. برای نجات جان همه زندانیان محکوم‌به‌اعدام، از اقدام جسورانه این وکلا باید قویاً حمایت کرد.

نسل گم‌شده در میان درد و فقر با آرزوهای بزرگ برای ساختن (دل‌نوشته‌ای از ایران)

اندیشه آزاد

این روزها نسل بی‌قرار من سقف آسمان را دارد می‌شکافد. دانشجویان دوباره دارند برگ زرینی به مبارزاتشان اضافه می‌کنند. تصمیم این است که بسازیم. می‌دانم که می‌سازیم. آرزوهایمان را تحقق می‌بخشیم.

در اینجا، در ایران، زندگی کردن، همان زندگی معمولی یک چالش و یک مبارزهٔ هر روزه است. من دانشجو هستم. از همان نسلی که به کم رضایت نمی‌دهد. چالش‌ها بی‌پایان است. هر روز این حقیقت که برای گذران زندگی و ادامهٔ تحصیل با یک جنگ

اساسی روبرو هستم روشن و شفاف مقابلم قرار دارد. باید برای ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی تلاش کنم هم‌زمان کلاس‌های دانشگاه را نیز بگذرانم. اگر طنین اعتراضات خیابان فضای شهر را در بر نمی گرفت، فشارهای اقتصادی و اجتماعی مرا به‌زانو در می آورد.

گرانی سرسام آور، بیکاری، نگرانی از آینده و ناامنی، همهٔ این مصائب وضعیتی انفجاری ایجاد کرده است. می‌دانیم که جامعه در حال انفجار است. هم دانشجو بودن و همکار کردن با این اقتصاد بیماری که مانند یک دمل عفونی دردناک و غیرقابل تحمل شده است، با درگیری‌هایی که امثال من داریم، فکر نان، فکر پرداخت هزینهٔ مسکن، هزینه‌های

سرسام‌آور مایحتاج زندگی، مرا و اکثریت جامعه را، نسل جوان را مطمئن می‌کند که راه ما انقلاب است که چارهٔ ما انقلاب است. این شرایط نمی‌تواند ادامه یابد.

به دولت و قوانین حکومتی هیچ امیدی نیست. بیش از چهل سال است که مردم را به بدبختی سوق داده‌اند. گاهی احساس می‌کنم که نسل من برای زندگی‌نکردن به دنیا آمده‌ایم.

برای ساختن یک جامعهٔ بهتر باید تلاش کرد. می‌دانم. اما ساختن آینده‌ای بهتر با دست‌خالی نمی‌شود. برای ساختن آن، دست‌های هم‌نسل‌های خودم را در همراهی با پدران و مادرانمان در صفوف

بازنشستگان، پرستاران، کارگران، و دیگر بخش‌های معترض و حق‌طلب جامعه درهم‌تنیده می‌خواهیم.

ما نسلی هستیم که اگر بلند پروازی‌هایمان نبود، گم شده بودیم. اما خودمان را و رؤیاهای زیبا و انسانی‌مان را و توقعات جوان قرن بیست و یکمی را در انقلاب زن زندگی آزادی فریاد زدیم. نه‌تنها گم شده باقی نماندیم که به جهان خودمان را شناساندیم و معرفی کردیم. حکومت و دولتش را به زیر می‌کشیم و آرزوهایمان را متحقق می‌کنیم. این را با تمام وجودم باور دارم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۶۸

۲۰ فوریه ۲۰۲۵ – ۲ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

تجمع علیه اعدام در مقابل زندان اوین

سهیلا دالوند

وزیر اقتصاد زیر ساطور استیضاح

کیوان جاوید

لایحه بودجه یا دفترچه حساب مافیای اسلامی؟

سینا پدرام

مال‌باختگان؛ قربانیان دزدی‌های سازمان‌یافته

رضا درویش

رضا پهلوی همچنان سرگردان است

بابک یزدی

تجمع علیه اعدام در مقابل زندان اوین

سهیلا دالوند

در شامگاه روز سه‌شنبه ۳۰ بهمن تعدادی از خانواده‌های زندانیان سیاسی و فعالین سیاسی زن بدون حجاب در مقابل زندان اوین تجمع کردند. آنها با نام‌بردن از وریشه مرادی، پخشان عزیزی، و شریفه محمدی و در اعتراض به احکام اعدام آنها و کلاً در اعتراض به اعدام، طناب دار را به‌صورت نمادین آتش زدند. این اعتراض هم زمان با پنجاه و ششمین هفته از کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" و پیوستن زندانیان زندان دیزل آباد کرمانشاه به سه‌شنبه‌های نه به اعدام برگزار شد.

در این تجمع اعتراضی علیه اعدام، از جمله نرگس

محمدی، عالیه مطلب‌زاده، جعفر پناهی حضور داشتند که ضمن سر دادن شعارهایی مانند "تا لغو حکم اعدام، ایستاده‌ایم تا پایان" خواهان پایان‌دادن به احکام اعدام شدند.

این تجمع اعتراضی علیه اعدام با حضور زنان بدون حجاب - که نماد سرکوب سیستماتیک علیه زنان است - و آتش‌زدن طناب دار و شعاردادن علیه اعدام آن هم در مقابل زندان اوین به معنای به چالش کشیدن حکومت اسلامی و سیاست‌های سرکوبگرانه و مشخصاً پایان‌دادن به احکام ضدانسانی اعدام است.

اعتراض علیه اعدام در مقابل زندان اوین، اعلام همبستگی با زندانیانی است که بیش از یک سال در شرایط بسیار سخت و طاقت‌فرسا هر سه‌شنبه در

زندان‌های سراسر کشور از شمال تا جنوب و غرب تا شرق علیه اعدام مبارزه می‌کنند. مبارزه‌ای که هر روز گسترده می‌شود.

این اعتراضات فریادی از سوی جامعه برای پایان‌دادن به تعرض حکومت اسلامی به جان و زندگی انسان‌هاست. اقدامات اعتراضی علیه اعدام، همچنین مبارزه علیه کل بساط سرکوب و جنایت حکومت اسلامی است. باید این اعتراضات در مقابل تمام زندان‌ها سراسری شود. با همبستگی و اعتراض متحدانه و وسیع می‌توانیم به چرخه انسان‌کشی حکومت اسلامی پایان دهیم، ماشین سرکوب حکومت اسلامی را درهم بشکنیم، و نهایتاً حکومت اسلامی را به زیر بکشیم و جان و زندگی‌مان را نجات دهیم.

وزیر اقتصاد زیر ساطور استیضاح

کیوان جاوید

استیضاح عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی روز ۱۲ اسفند در مجلس برگزار می‌شود. مسعود پزشکیان در دفاع از همتی گفت: "تمام سیاست‌های پولی و بانکی و ارزی در جلسه سران قوا با حضور تیم اقتصادی دولت و رؤسای کمیسیون‌های اقتصادی مجلس و کارشناسان تصمیم‌گیری شده است."

مجلس‌نشینان مخالف دولت در طرح این استیضاح چند هدف را دنبال می‌کنند. یکی جناحی، دیگری فراجناحی و سومین هدف در نقش "مأمور

آتش‌نشانی“ ظاهرشدن است. هدف کوتاه‌مدتی که مخالفین پزشکیان دنبال می‌کنند این است که می‌خواهند باند رقیب را تا مرز ازهم‌پاشیدن تضعیف کنند. هدف بعدی فراجناحی است. یعنی مثل همیشه کاسه‌کوزه‌های همه بدبختی‌ها را سر این دولت یا دولت قبلی، یا این وزیر و آن وزیر بشکنند تا از موجودیت کل نظام دفاع کرده باشند. یک خاصیت مهم دیگر از طرح این استیضاح، آب ریختن بر شعله خشم اعتراضات مردم است تا به خیال خود مسببت اصلی همه بدبختی‌ها از دیده پنهان بماند.

آنچه که قابل‌مشاهده است و ما در همین ژورنال مدام بر آن واقعیت تأکید داشتیم این است که اقتصاد جمهوری اسلامی اسیر یک بحران لاعلاج است و ریشه این بحران فقط اقتصادی نیست. این بن‌بست

سیاسی جمهوری اسلامی است که بحران فروپاشی اقتصادی را هر روز به نقطه جوش نزدیک‌تر می‌کند.

با همین پیام آخر خامنه‌ای مبنی بر اینکه با آمریکا مذاکره نمی‌کنیم، می‌شد انتظار داشت نبض اقتصاد در حال مرگ جمهوری اسلامی به‌مراتب کندتر بزند و ضربان قلب این بیمار به شماره بیفتد. سؤال این است آیا اگر خامنه‌ای به مذاکره علنی چراغ‌سبز نشان می‌داد اوضاع اقتصادی مردم بهتر می‌شد؟ جواب منفی است. رژیم نمی‌تواند از هویت ۴۶ساله خود مبنی بر "مرگ بر شیطان بزرگ" دست بکشد و همچنان پابرجا بماند. این حکومت چوب دو سر نجس است.

حالا با این اوضاع، مردم چه‌کار کنند؟ روشن است

که کل مردم باید به‌عنوان یک پیکر واحد، علیه فقر و فلاکت و گرسنگی و تحجر اسلامی به میدان بیایند؛ متشکل شوند و صدها نهاد و شبکه و تشکل مبارزاتی بر پا کنند و مهم‌تر از همه، سیاست‌های حزب خود، حزب کمونیست کارگری را چراغ‌راهنمای مبارزات خود کنند. پیروزی با وجود چنین ستاد رهبری‌کننده انقلاب بسیار محتمل‌تر است و آسان‌تر به دست می‌آید.

لایحه بودجه یا دفترچه حساب مافیای اسلامی؟

سینا پدرام

مجلس شورای اسلامی لایحه بودجه ۱۴۰۴ را با ۱۴۶ رأی موافق تصویب کرد. در این لایحه، بودجه نظامی ۲۰۰ درصد افزایش‌یافته و دست دولت برای برداشت از منابع ارزی باز گذاشته شده است. همچنین بودجه صداوسیما در سال جاری ۲۴ هزار میلیارد تومان است که سه برابر سال گذشته است. علاوه بر این، نهادهایی مانند حوزه علمیه، سازمان تبلیغات اسلامی و دیگر نهادهای تبلیغاتی مشابه نیز بودجه‌ای مشابه دریافت کرده‌اند. این تخصیص بودجه به رسانه‌ها در حالی است که صداوسیما با کاهش مخاطب مواجه است.

افزایش ۲۰۰ درصدی بودجه نیروهای مسلح در حالی است که مقامات جمهوری اسلامی، مانند حاجی‌زاده فرمانده هوا فضای سپاه، به تهدیدات نظامی علیه اسرائیل و آمریکا ادامه می‌دهند. شایان توجه است که افزایش بودجه نظامی هم‌زمان با کمبود منابع برای تأمین کالاهای اساسی در کشور است.

بودجه امسال نیز همان اولویت‌های بودجه نظامی و امنیتی و ایدئولوژیک سال‌های قبل را دارد. امسال نیز، تخصیص بودجه برای تأمین احتیاجات شهروندان به‌طورکلی کنار گذاشته شده است. بودجه امسال دزدی‌های همیشگی را در شکل عریان‌تری به نمایش گذاشته است. معلوم نیست اگر پولی در بساط این رژیم نیست، چرا این

حجم از ثروت مردم باید برای نیروهای سرکوب و دستگاه‌های خرافه‌پراکنی تخصیص داده شود؟ هرسال با تصویب لایحه بودجه رژیم اسلامی، یک‌بار دیگر مردم شاهد این واقعیت هستند که این رژیم به معنای واقعی دم و دستگاهی برای اداره گروه‌های مافیایی مختلف است.

بودجه امسال نیز نشان می‌دهد که رژیم انتظار اعتراضات وسیع‌تری از جانب جامعه را دارد و می‌داند که آمادگی کافی برای مقابله با اعتراضات مردم را ندارد. بودجه سال جاری انعکاس این وحشت رژیم از تحرکات اجتماعی آتی ایران است.

اما مردم ایران، کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان و بازنشستگان و همه اقشار تحت ستم

و تبعیض در اعتراضات خود نشان داده‌اند که بر علیه ریاضت اقتصادی، فساد اداری و دیکتاتوری سیاسی این مافیای دزدسالار تا پیروزی کامل مبارزه خواهند کرد.

مال‌باختگان؛ قربانیان دزدی‌های سازمان‌یافته

رضا درویش

اول اسفند ۱۴۰۳ جمعی از مال‌باختگان "مسکن ایثارگران" در شهرستان برازجان در تجمع اعتراضی مقابل فرمانداری اعلام کردند: بعد از گذشت ۲۳ سال سپرده گذاری برای مسکن، هیچ کس پاسخگو نیست. این تجمع اعتراضی علیه حقوق پایمال شده از سوی ایثارگران است. ایثارگر در قوانین جمهوری اسلامی به کسی اطلاق می گردد که "برای استقرار و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و دفاع از کیان نظام جمهوری اسلامی ایران و استقلال و تمامیت ارضی کشور، مقابله با تهدیدات و تجاوزات دشمنان داخلی و خارجی انجام‌وظیفه نموده و شهید،

مفقودالاثر، جانباز، اسیر، آزاده و رزمنده شناخته شود.“ رژیم اسلامی حتی به نیروهای وفادار خودش هم رحم نمی‌کند. فساد در جمهوری اسلامی چنان در تاروپود این نظام به طور سازمان‌یافته و در واقع به شکل سرطانی رشد کرده که خودش را از درون می‌بلعد.

مال‌باختگان در تجمعاتی که دارند قبل از هر چیز خواستار تسریع در روند پرونده و پیگیری احقاق حق خود و دستگیری متخلفین هستند. در پرونده مال‌باختگان ”کوروش کمپانی“ مدیر شرکت با بیش از ۱۷۰ میلیارد تومان بدهی از کشور خارج شد. به مال‌باختگان گفته شده که پیگیری برای برگرداندن متهم اصلی از طریق اینترپل در جریان

است.

نمونه دیگر از پرونده مال‌باختگان صندوق امانات بانک ملی است که محتویات ۱۶۲ صندوق (سکه و ارز) به سرقت رفته است. جالب است که در قوه قضاییه پرونده‌هایی موسوم به "کثیرالشاکی" هستند. مال‌باختگان "سکه ثامن" از این گونه پرونده‌هاست که بیش از ۴۰۰۰ خانوار شاکی دارد. به شاکیان "خبری خوش" داده‌اند با این مضمون که "با موافقت رهبری مقرر شده بخشی از مطالبات شاکیان پرونده به‌زودی پرداخت شود."

یکی دیگر از پرونده‌هایی که محصول فساد و دزدی‌های سازمان‌یافته است و زندگی هزاران نفر

را به باد داده پرونده شرکت عظیم خودرو است. مدیرعامل شرکت در آذر ۱۳۹۶ از معاون وقت وزیر صنعت جایزه مدیر برتر دریافت کرده است. او مجوز پیش‌فروش ۱۵۰ خودرو داشته؛ اما این "لیاقت" را داشته که ۴۰۰۰ خودرو پیش‌فروش کند. در پرونده مال‌باختگان بانک آینده از پرونده‌های فساد اقتصادی آمده که هشتاد برابر سقف مجاز وام‌های کلان به اشخاص "مرتبط" پرداخت شده است.

جالب است که هیچ یک از متهمان مفسدفی‌الارض شناخته نشده‌اند. اینان برای امنیت نظام تهدیدی محسوب نمی‌شوند. اینها خود بخشی از نظام فاسد هستند.

رضا پهلوی همچنان سرگردان است

بابک یزدی

رضا پهلوی را در سال‌های اخیر خود و حواریونش می‌خواستند به‌عنوان رهبر و شاه آینده در صحنه سیاسی قالب کنند. اما رفتار اوباش و چماق‌داران طرف‌دارش در شهرها و کشورهای مختلف با معترضین علیه جمهوری اسلامی، توهین، تعرض فیزیکی، تعرض جنسی، فحاشی، مرگ بر این‌وآن گفتن‌ها و تلاش برای برهم‌زدن آکسیون‌ها و تظاهرات علیه جمهوری اسلامی و سکوت معنادار خود رضا پهلوی در قبال چماق‌داران سلطنت‌طلب، هر روز موقعیتش را بدتر از پیش کرده است.

اخیراً رضا پهلوی هوای "پدر ملت" شدن کرده است و برای جدیت دادن به ژست "پدرانه" از هوادارانش خواسته به‌جای شعار "کینگ رضا پهلوی" بگویند "رضا رضا پهلوی"! رضا پهلوی هنوز در باره عربده "خدای هر ایرانی، کینگ رضا پهلوی" توسط هوادارانش در مونیخ نظر نداده است. شاید این بار بین "پدر ملت" و "خدای ملت" سرگردان است! اما تردید نیست که نعره "خدای هر ایرانی... " مورد تمسخر جوانانی است که در ایران خود خدا را مسخره می‌کنند. بهر حال توخالی بودن ژست متحدکننده بودن رضا پهلوی هر روز بیشتر برملا می‌شود.

رضا پهلوی و طرف‌دارانش تا قبل از انقلاب زن زندگی

آزادی در ۱۴۰۳ از واژه انقلاب کهیر می‌زدند، اما با کلکی "شاهانه" همانطور که خمینی "خدعه" کرد، این‌ها هم یک‌شبه ظاهراً انقلابی شدند و تقلا کردند که انقلاب "زن زندگی آزادی" را با عنوان انقلاب "ملی" و تکرار شعار "مرد میهن آبادی" تخریب کنند و صدالبته آب در هاون کوبیدند.

دنیا عوض شده است. دیگر در ماه بردن خمینی توسط بی‌بی‌سی ممکن نیست. ادای پدر تاج‌دار در آوردن برای این مردم زیادی مسخره است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۶۹

۲۲ فوریه ۲۰۲۵ – ۴ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

گیر کردن "کیک محبوب من" در گلوی حکومت

کیوان جاوید

درباره گزارش سالانه اعدام در ایران

حسن صالحی

دستمزد ۱۴۰۴، کارگران چه می‌گویند؟

اصغر کریمی

پناهجویان قربانیان ترامپ در آمریکا

فریبرز پویا

گیر کردن "کیک محبوب من" در گلوی حکومت

کیوان جاوید

۳۰۰ سینماگر شناخته‌شده از کشورهای مختلف جهان از مقامات جمهوری اسلامی خواستند به اتهامات قضائی علیه سازندگان فیلم "کیک محبوب من" پایان دهند. این سینماگران با آغاز یک کارزار آنلاین در بیانیه‌ای خواستار آن شدند که بدون هیچ قید و شرطی اتهامات مطرح شده علیه مریم مقدم و بهتاش صناعی‌ها لغو شود.

مریم مقدم و بهتاش صناعی‌ها، سازندگان "کیک محبوب من"، ۲۴ بهمن‌ماه خبر دادند که باید روز ۱۱ اسفند بر اساس اتهاماتی چون "تبلیغ علیه

نظام، تهیه و تولید و تکثیر فیلم با محتوای مبتذل، جریحه‌دار کردن عفت و اخلاق عمومی و نمایش فیلم بدون داشتن پروانه نمایش و عرضه "محاکمه شوند.

وقتی در لندن همراه با همسرِ "غیر ایرانی ام" این فیلم زیبا با محتوای عالی و خیال انگیز را دیدیم، قسمت جذاب‌تر این فیلم برای او این بود که دیالوگ این فیلم فارسی را بدون خواندن زیر نویس انگلیسی آن فهمیده است. او که دستی در تهیه فیلم‌های مستند دارد گفت: "این فیلم در عین سادگی و بهره بردن از کمترین امکانات فنی در اوج قرار دارد. فیلمی با جلوه‌های منحصر بفرد سینمایی، حرکت به موقع دوربین روی چهره

بازیگران. نماهای نزدیک و دیالوگ‌های تکان دهنده که به انسان یادآور می‌شود جمهوری اسلامی چگونه دشمن زندگی است و انسانیت زیر بمباران و شلاق مستبدین و متحجرین اسلامی چگونه از خودش دفاع می‌کند.

سوالی که برایش مطرح شد این بود که چگونه این فیلم در ایران ساخته شده است. تا جایی که من دنبال کرده بودم این فیلم کاملاً غیر علنی و بدور از چشم رژیم و با بهره گرفتن از ابتدایی‌ترین امکانات فیلمبرداری تهیه شده است تا دشمن از آن آگاه نشود. گفتم انگار پارتیزان‌ها در روز روشن، استتار شده و همرنگ با مردم در خیابان‌ها گشت می‌زنند و منتظر لحظه مناسب برای هجوم

به دشمن تا دندان مسلح باشند.

این طبیعی بود رژیمی که عاشق کیک زرد است، (ماده‌ای که برای تهیه اورانیوم غنی شده بکار می‌رود)، دشمن هر چه شیرینی و کیک و شراب و بوسه و عاشقی باشد. در واقع این "کیک محبوب من" است که در گلوی رژیم گیر کرده است. کارزار ۳۰۰ سینماگر در تلاش است با فشردن گلوی رژیم مانع از قورت‌دادن این کلیک همراه با کارگردانها و بازیگرانش شود. همه ما نیز به این حرکت تأثیر گذارِ صدها سینماگر بپیوندیم.

درباره گزارش سالانه اعدام در ایران

مصاحبه با حسن صالحی

هفدهمین "گزارش سالانه اعدام در ایران"، گزارشی که از سوی سازمان حقوق بشر ایران و سازمان "با هم علیه مجازات اعدام" (ECPM) منتشر شده است، حاکی از افزایش ۱۷ درصدی اعدام‌ها در سال ۲۰۲۴ در مقایسه با سال پیش از آن است. در باره این گزارش با حسن صالحی سخنگوی کمیته بین‌المللی علیه اعدام و عضو کارزار جهانی نه به اعدام در ایران مصاحبه می کنیم.

کیوان جاوید: ارزیابی شما با استناد به این گزارش

درباره روند افزایش اعدام در ایران چیست؟

حسن صالحی: قبل از هر چیز بگویم که این گزارش به لحاظ مستندکردن ابعاد گوناگون اعدام‌ها در ایران بسیار گزارش مهمی است و توصیه می‌کنم که همگان آنرا مطالعه کنند. بنا به این گزارش جمهوری اسلامی در سال گذشته میلادی دستکم ۹۷۵ نفر را اعدام کرده است که در میان آنها شماری از زندانیان سیاسی و دو تن از معترضین انقلاب زن زندگی آزادی قرار دارند. همچنان بیش از نیمی از اعدامی‌ها را افرادی تشکیل می‌دهند که در ارتباط با مواد مخدر دستگیر شده بودند. به نظر من روند افزایش اعدام‌ها در ایران طبعاً درنده‌خویی و قساوت این

رژیم ضدبشری را در نقض یکی از بنیادی‌ترین حقوق انسانی یعنی حق حیات به نمایش می گذارد. از نظر سیاسی جمهوری اسلامی در منگنه فشار اعتراضات مردمی است. این رژیم درعین‌حال شکست‌های متعددی در عرصه بین‌المللی متحمل شده است. افزایش اعدام‌ها در ایران به هر دلیل و عنوانی که صورت گرفته باشد منعکس کننده ترس و نگرانی این رژیم از تعمیق جنبش انقلابی زن زندگی آزادی است و در واقع تمهیدات این رژیم برای جلوگیری از این روند است. رژیم به خیال خود می‌خواهد که با سرکوب و آدمکشی قدرت پوشالی خود را به رخ مردم بکشد و با ایجاد فضای ترس و ارعاب در جامعه جلوی برآمد انقلابی مردم به ستوه آمده را بگیرد. تقلاهایی

که نتوانسته است جامعه ایران را خاموش کند و اکنون آتش مبارزات از هر سو زبانه می‌کشد.

کیوان جاوید: نهادها و شبکه‌ها و سازمان‌ها و احزاب و شهروندان در ایران در عقب راندن جمهوری اسلامی چه نقشی دارند یا می‌توانند داشته باشد؟

حسن صالحی: این رژیم بنا به ماهیت ضدانسانی خود تا روزی که در قدرت است می‌خواهد با جنایت و اعدام ادامه حیات دهد. ولی اگر با جامعه‌ای روبرو شود که همه، از احزاب سیاسی تا شبکه‌های مبارزاتی و نهادهای مدنی و مردم عادی متحدانه در مقابل هر تک اعدام اعتراض کنند،

آنوقت ورق برخواهد گشت. تاکنون تلاش‌های خوبی در مخالفت با اعدام انجام‌گرفته است، ولی اینها هنوز کافی نیستند. اعتراض به اعدام باید به یک مبارزه اجتماعی وسیع و گسترده تبدیل شود، به‌طوری که لغو مجازات ضدانسانی اعدام در دستور هر مبارزه و اعتراضی قرار گیرد. کافی نیست که ما فقط نسبت به اعدام‌های سیاسی در ایران حساسیت نشان دهیم، بلکه باید با هر اعدامی مخالفت کنیم. لازم است که جامعه در مخالفت با اعدام وارد اقدام عملی گسترده‌تری نظیر اعتصابات مردم کردستان و سمیرم برای نجات محکومین به اعدام شود. طبعاً برای رسیدن به این موقعیت باید کار و فعالیت بیشتری کنیم و به بسیج نیروی بسیار بیشتری بپردازیم. ما در

مبارزه علیه سنگسار موفق شدیم که عملاً جلوی اجرای این مجازات وحشیانه را بگیریم اگر چه در قانون این مجازات منظور شده است. در مورد اعدام هم می‌توانیم چنین موفقیتی داشته باشیم. بعلاوه باید اشاره کنیم در سطح جهانی ما هنوز ظرفیت‌های زیادتری داریم که برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی باید از آن استفاده کنیم. ما باید برای ایجاد یک ائتلاف جهانی علیه اعدام‌ها در ایران تلاش کنیم.

دستمزد ۱۴۰۴، کارگران چه می‌گویند؟

اصغر کریمی

رژیمی‌ها در مورد دستمزد ۱۴۰۴ فعالیت‌شان را شروع کرده‌اند. کارگران چه می کنند؟

علیرضا میرغفاری "نماینده کارگران در شورای عالی کار"، در واقع پادوی رژیم که به اسم نماینده کارگران معرفی می‌شود، و همکارانش کارزاری حول افزایش ۷۰ درصد دستمزد کارگران راه انداخته‌اند که دستمزد به ۱۵ میلیون برسد. خودشان می گویند اگر دستمزد ۷۰ درصد افزایش یابد سطح زندگی کارگران به سطح سال ۱۳۹۰ می‌رسد! در حالی که رسانه‌های حکومتی می گویند سبد معیشت بالای ۴۰

میلیون است، اینها در کمیته مزد به توافق رسیدند که سبد معیشت ۲۳ میلیون و ۵۰۰ هزار است و با اینهمه کارزار دستمزد ۱۵ میلیون راه انداخته‌اند و از کارگران خواسته‌اند کارزار بردگی خود را برای دستمزد چندبار زیر خط فقر امضا کنند.

این کار هر ساله این پادوها است که وظیفه‌شان خاک پاشیدن به چشم کارگران و مقابله با خواست واقعی کارگران است. کارگران اینها و حکومتشان را می‌شناسند. سوال این است که کارگران برای افزایش دستمزد چه می‌کنند و چه اقداماتی پیش رو دارند یا باید داشته باشند؟

واقعیت این است در حالی‌که خواست افزایش

دستمزد برای یک زندگی انسانی خواست عموم کارگران، از جمله معلمان، پرستاران، بازنشستگان، کارمندان و غیره است و مبارزات نسبتا وسیعی در میان کارگران و بخش‌های دیگری از جامعه جریان دارد. اما تحرک زیادی برای افزایش دستمزد ۱۴۰۴ و قبل از اینکه شورایعالی کار (ستاد مزد دولت و کارفرمایان) و پادوهایشان رقمی تعیین کنند دیده نمی‌شود. و مشکل اینجا است.

دستمزد یا حقوق یا حقوق پایه برای تامین زندگی مردم مساله ده‌ها میلیون نفر است یعنی اکثریت جامعه شامل کارگران شاغل، از جمله ۱۳ میلیون شاغل غیر رسمی، بازنشستگان، کادر درمان، معلمان، کارمندان، میلیون‌ها بیکار، اکثر قریب

به اتفاق دانشجویان و جوانان، بسیاری از وکلا و نویسندگان، خانواده‌های دادخواه، کشاورزان و غیره. باید در همین سطح راهکار موثر را دنبال کرد. باید گفتمانی در سطح نه تنها کارگران مراکز مختلف و تشکل‌های کارگری، نه تنها بازنشستگان و کادر درمان بلکه کل این جمعیت چند ده میلیونی را شروع کرد. و مثل هر فعالیت دیگری این کار فعالین همه این طیف‌های این جامعه است. اگر علیه اعدام یا برای آزادی زندانیان سیاسی یا دادخواهی کارزارهای وسیع و توده‌گیری شروع شده است، برای دستمزد و حقوق پایه مکفی که مساله زندگی هر روزه دهها میلیون نفر است می‌توان جنبش و کارزارهایی بمراتب قدرتمندتر و توده‌ای‌تر سازمان داد. باید به فکر تشکلی در این سطح بود.

پناهجویان قربانیان ترامپ در آمریکا

فریبرز پویا

بیش از سیصد پناهجو از کشورهای مختلف از جمله ایران، هند، افغانستان، ازبکستان و غیره هم اکنون در هتلی در پاناما در بازداشت اند و تحت نظارت نیروهای مسلح پاناما بوده و منتظر آینده نامعلوم خود هستند. پناهجویانی که وحشت زده، نگران حال و آینده خود هستند و حتی حق بیرون رفتن از محوطه هتل را ندارند. به گفته نیویورک تایمز دولت پاناما به خبرنگاران اجازه نزدیک‌شدن و گفتگو با پناهجویان جهت تهیه گزارشگر نمی‌دهد. به گزارش "ان بی سی" وکلای چند پناهجو از آمریکا گفته‌اند که اجازه تماس

با موکلان خود را ندارند.

به گزارش رویترز پنج‌شنبه ۲۱ فوریه – ۲ اسفند، بیش از صد پناهجو نیز از سن خوره آمریکا به کشور کاستاریکا فرستاده شده و قرار است تا ماه آینده آنها را به کشور خود بازگردانند.

این جزئی از حمله به کارگران و مهاجرین و پناهندگان در آمریکا است. برنامه دولت ترامپ ابتدا برای اخراج متقاضیان پناهندگی است و پناهندگانی که نمی‌تواند به کشور خود برگرداند، به پاناما یا کشورهایی مانند کاستاریکا فرستاده می‌شوند.

بازی و رفتار جنایتکارانه با این خیل سرگردان نیروی کار ارزان جهانی در شکل پناهندگان و مهاجرین که در همه کشورها در بازتولید چرخه اقتصاد سرمایه جهانی نقش مهمی دارند، نقش و هدفی جز برای ارزان کردن، متفرق کردن، تحقیر کردن نیروی کار و پایمال کردن هر گونه استاندارد و دستاوردهای بدست آمده تاکنونی برای همه انسان‌ها ندارد. بی حقوقی کارگران رابطه مستقیم به درجه سودآوری این اقتصاد ضد بشری و فاسد جهانی است.

نیروی کار محاصره شده، دستبند زده شده بدون هیچ حق انسانی می‌تواند سرآغاز نوین اردوهای کار اجباری در جهان باشد. این هدیه کارکرد

فعالیت سرمایه در شرق است که به جهان عرضه شده است.

شاید فکر دگر باید کرد. شکل سازمان‌های دفاع از پناهندگان در این دوره و زمانه شاید پاسخ گوی این وضعیت جدید نباشد. در این میان جای سازمان بین‌المللی سراسری این نیروی کار سرگردان جدا از ملیت آنها بشدت خالی است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
/https://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۷۰

۲۳ فوریه ۲۰۲۵ – ۵ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

اعتراضات پرستاران و اهمیت تشکل سراسری

سینا پدرام

جان چهار زندانی انقلاب مهسا در خطر است

پریسا پوینده

شروین حاجی‌پور و حکومت‌نظامی مضحک

کیوان جاوید

رضا پهلوی، "پدر و سرپرست مردم ایران"

بابک یزدی

اعتراضات پرستاران و اهمیت تشکل سراسری

سینا پدرام

محمد شریفی‌مقدم، دبیرکل خانه پرستار، از مشکلات معیشتی شدید پرستاران در ایران، به‌ویژه در تهران، خبر داد. وی گفت: "برخی پرستاران به دلیل عدم دسترسی به مسکن، چند شیفت کار می‌کنند و در خودروی شخصی استراحت می‌کنند. برخی از آنها حتی برای استحمام از حمام بیمارستان استفاده می‌کنند. شریفی‌مقدم همچنین اشاره کرد که طبق استاندارد سازمان بهداشت جهانی، باید برای هر هزار نفر سه پرستار وجود داشته باشد، اما در ایران این رقم به یک و نیم پرستار رسیده است و نتیجه مستقیم این

کمبود به خطر انداختن جان بیماران را در پی داشته است.“

او به افزایش مهاجرت پرستاران به مشاغل دیگر یا کشورهای خارجی اشاره کرده و گفت: ”جامعهٔ پرستاری از اصلاحات در وضعیت معیشتی، نظام تعرفه‌گذاری ”ناامید“ شده است.“

بنا به خبرها و تصاویر پخش شده توسط کانال تلگرامی ”شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران“ اعتراضات پرستاران در چند شهر از جمله تهران، کاشان و اصفهان به دلیل عدم پرداخت معوقات، دستمزدهای پایین، مبالغ اضافه‌کاری و تعرفه‌گذاری ناعادلانه ادامه دارد. این اعتراضات

نشانه‌ای از نارضایتی گسترده در بین پرستاران است که خواهان بهبود شرایط کاری و معیشتی خود هستند.

سیاست‌های تا کنونی رژیم عبارت از اختلاف اندازی بین پرستاران بخش دولتی و بیمارستان‌های خصوصی، اختلاف اندازی بین بخش‌های مختلف کادر در مانی و تهدید به اخراج و دیگر فشارهای روانی و پلیسی بوده است. سرکوب تنها وعده‌ای بوده است که دولت مسعود پزشکیان به آن "وفا" کرده است.

نیاز و چاره واقعی پرستاران حتی برای دستیابی به پایه‌ای‌ترین مطالبات خود متحدشدن در

شکل سراسری در تشکلاتی است که کل کادر درمانی را زیر پوشش قرار دهد. برای دستیابی به مطالبات امروز و آینده نیاز به تشکل‌های قدرتمند سراسری با رهبران اسم و رسم دار است. شبکه‌های موجود می‌توانند بهترین محمل و امکان چنین تشکل‌های سراسری باشند. باید بار دیگر به شعار قدیمی "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است" با عطف نظر بیشتری توجه کرد.

انقلاب زن زندگی آزادی اهمیت تشکل و مبارزات سراسری را هرچه بیشتر در مقابل جامعه قرار داده است. امری که شدنی است و با توجه به داده‌های سیاسی موجود و وضعیت پر تنش جامعه

امری است عاجل.

جان چهار زندانی انقلاب مهسا در خطر است

پریسا پوینده

چهار زندانی سیاسی محبوس در زندان تهران بزرگ، به دلیل پرونده‌ای مربوط به اعتراض‌ها در چهلم مهسا ژینا امینی در چهار آبان ۱۴۰۱، به محاربه و مباشرت در قتل متهم و در خطر صدور حکم اعدام قرار دارند.

متهمان این پرونده، امید معروف‌خانی (۳۵ ساله)، میلاد سلیمانی‌زاده (۳۰ ساله)، امید مرد میدان قزلجه (۳۰ ساله) و میلاد احمدی رودی (۲۵ ساله) هستند که به "مباشرت و معاونت در قتل

عمدی، اخلال در نظم عمومی، حمل و نگهداری مواد منفجره غیرمجاز و محاربه" متهم شده‌اند.

جمهوری اسلامی با اعدام بیش از ۹۷۵ نفر در سال گذشته میلادی رکورددار وسیع‌ترین اعدام‌ها در جهان است. این اعدام‌ها را البته در حد بسیار بالایی از میان بی‌دفاع‌ترین و فقیرترین انسان‌های بی‌صدا در جامعه اجرا کرده است به این امید که صدای این زندانیان "عادی"به جایی نمی‌رسد.

جمهوری اسلامی می‌خواهد جامعه را با اعدام زندانیان سیاسی و فعالین جنبش انقلابی زن زندگی آزادی محک بزند. اینجا و آنجا دست به اعدام زندانیان سیاسی زده است یا با اعلام حکم

اعدام آنها می‌خواهد اینطور القا کند که برای حفظ موجودیتش تا پای جان ایستاده و می‌تواند و می‌خواهد حمام خون به راه بیندازد.

سیاست رژیم برای اجرای اعدام وسیع‌تر زندانیان سیاسی و مبارزین انقلاب زن زندگی آزادی شکست‌خورده است. هر بار که اسمی از یک یا چند زندانی سیاسی در معرض خطر اعدام علنی می‌شود، موج توفنده‌ای از اعتراض در ایران و جهان به راه می‌افتد و یک‌بار دیگر قدرت مردم در برابر رژیم به نمایش درمی‌آید

اگر این اعتراضات داخلی و جهانی نبود حالا ما با یک نسل‌کشی دیگر نظیر دهه ۶۰ روبرو بودیم

تا با موج کشتار بقای رژیم برای مدتی تضمین شود. آن دوره گذشته است و حالا همه ما مردم ایران از پیر و جوان و زن و مرد و همه تشکل‌ها و شبکه‌ها و نهادهای مبارز در ایران علیه اعدام یک صدای واحد داریم. احزاب و سازمان‌های بیشتری باید به کمک کارزارها و شبکه‌ها و کمپین‌های دفاع از زندانی سیاسی و علیه اعدام بپیوندند. هم چنین کارزار سه‌شنبه‌های علیه اعدام که در ۳۶ زندان در ایران در جریان است را بیشتر تقویت کنند. همین امروز اعلام کنیم در مقابل تهدید به اعدام این چهار زندانی سیاسی قاطعانه می‌ایستیم و پوزه رژیم را به خاک می‌مالیم.

شروین حاجی‌پور و حکومت‌نظامی مضحک

کیوان جاوید

به شروین حاجی‌پور، خواننده تیتراژ فیلم "پسر دلفینی ۲"، اجازه حضور در اولین نمایش عمومی این فیلم داده نشد و یکی از عوامل فیلم خبر داد که حضور این خواننده معترض در تجمعات بیش از ۳۰ نفر ممنوع اعلام شده است.

این شروین کیست که نمی‌تواند در جمع بیشتر از ۳۰ نفر حضور داشته باشد. نه‌تنها که نمی‌تواند در چنین جمعی حضور داشته باشد حتی صدایش در فیلم پسر دلفینی ۲ باید سانسور شود و نسخه قدیمی فیلم بدون صدای لطیف و

مهربانانه و صمیمی او پخش شود. خب که چه بشود؟ دستاورد حکومت اسلامی از برقراری این حکومت‌نظامی مضحک چیست؟

حالا یک جامعه ۸۵ میلیونی می‌داند اسم و تصویر و صدای شروین رعشه مرگ به جان رژیم می‌اندازد. نه‌تنها در ایران بلکه این خبر به‌سرعت برق و باد در مدیای اجتماعی و رادیو ها و تلویزیون‌ها پخش شده و این حرکت از سرِ استیصال حکومت مورد بحث‌وبررسی فراوانی قرار گرفته است. این شروین حاجی‌پور کیست که باید از حضورش در اجتماعات جلوگیری شود؟

شروین صدای انقلاب زن زندگی آزادی است. او به ما ترانه خیال‌انگیز، سیاسی، انقلابی، انسانی، مبارزاتیِ "برای" را هدیه داد و جهانیان را شیفته این نوع نگاه هنرمندانه به انقلاب ما کرد.

جمهوری اسلامی حق دارد از شروین وحشت داشته باشد. این مرد جوان دوست‌داشتنی در دل ما جا دارد، چون یکی از ما است، یکی از بی‌شماران جنبش انقلابی زن زندگی آزادی. او نیز به سهم خود وحشت مرگ به جان دشمنان ما می‌اندازد.

در پی برقراری این حکومت‌نظامی مضحک یک‌بار دیگر عدم توان رژیم در برابر مردم عیان شد. اگر چه شروین نمی‌تواند در مراسمی با

جمعیت بیشتر از ۳۰ نفر حضور یابد، اما او از ورای این مراسم، کنار میلیون‌ها نفر ایستاد و باز هم محبوب قلب ما مردم شد. شروین یک نفر نیست که بتوانند صدایش را خفه کنند. شروین یک جامعه است که با همه توان و در همه اشکال بسیار متنوع در حال کندن قبر حکومت اسلامی است. تکیه گاه خوانندگان و سینماگران و شاعران و نویسندگان و همه جنبش‌های اعتراضی موجود در ایران، این قدرت بی‌پایان جنبش سرنگونی است.

رضا پهلوی، "پدر و سرپرست مردم ایران"

بابک یزدی

این روزها رضا پهلوی از مونیخ تا ژنو در گشت‌وگذار است و از کیسه پدری و مادری خرج می‌کند تا به‌زور طبل و پرچم شیر و خورشید نشان، و البته با حمایت جمعیتی ۶۰ - ۷۰ نفره که شعار "کینگ کیه، رضا پهلویه" و شعار مرگ بر چپی‌ها و مجاهد، پدر ایران بشود.

او می گوید: "جالب اینجاست که نسل زد وقتی به من پیامک می‌زنند و مسج می‌فرستد، با واژه "پدر" با من برخورد می کنند و من این نقش "پدرانه" را بیشتر برای خودم می‌بینم تا "رهبر سیاسی و تشکیلاتی

برای این جمع"؛ مثل یک پدر دلسوز این سرپرستی را می کنم.

رضا پهلوی بازی را باخته است. قرار بود با جنبش "وکالتش" وکیل مردم ایران شود تا در مجامع بین‌المللی حضور پیدا کند و با همین وکالت دهان همه مخالفین خود را در خارج و ایران ببندد. این کاریکاتور خمینی می‌خواست رهبر بشود اما دید سمبه سفت‌تر از این حرف‌ها است که او بتواند سوار بر انقلاب زن زندگی آزادی رؤیای بازگرداندن بساط سلطنت و شاه‌بازی و شاه‌پرستی را به ایران محقق کند.

رضا پهلوی تلاش بسیاری کرد که باتکیه‌بر ثروت

پدر تاجدارش که به حساب ایشان در بانک‌های بین‌المللی واریز شده است، تبدیل به رهبر شود. این اتفاق به یُمن قدرت یک انقلاب و جامعه‌ای که آزادی و برابری در رأس اهداف و مبارزاتش است دود شد و به هوا رفت. یاران رضا پهلوی وقتی این شکست‌های پی‌درپی را مشاهده کردند در قالب گروه‌های شاه الهی آن کاری را کردند که حزب الهی‌ها و نیروهای سرکوبگر در ایران انجام دادند. درگیرشدن با مخالفین. شعار مرگ بر مخالفین سردادن. از رئیس ساواک پرده‌برداری کردن. علم کردن یاسمن پهلوی (باید از حالا گفت مادر ایران؟!) در قالب فاطی کماندوی دهن‌دریده علیه مخالفین و خصوصاً چپی، محصول این شکست‌های پی‌درپی سلطنت طلب‌ها و رضا پهلوی بود.

حالا ایشان می‌گویند به من نگویید رهبر، بگویید "پدر دلسوز" تا به خیال خام خود بالای سر احزاب و تشکل‌ها و سازمان‌ها و از بالای سر جنبش انقلابی زن زندگی آزادی همان بلایی را سر انقلاب نوین مردم ایران بیاورم که خمینی بر سر انقلاب ۵۷ آورد. این پدر دلسوز ما با میلیون‌ها دلار دزدیده شده از سفره مردم ایران رؤیاهای احمقانه‌ای در سر می‌پروراند. رؤیای ایشان کابوس آینده‌اش خواهد شد آنگاه که مردم آزادی و برابری و انسانیت را با سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران برقرار کنند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
/https://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۷۱

۲۴ فوریه ۲۰۲۵ – ۶ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

بودجه ۱۴۰۴، بودجه سرکوب و حفظ نظام

اصغر کریمی

بهانه‌های رژیم مبنی بر تعطیلی مدارس و ادارات

سیاوش آذری

گسیل انواع مواد غذایی برای حزب‌الله لبنان

کیوان جاوید

کمک مالی را جدی بگیرید

از طرف نشریه ژورنال

بودجه ۱۴۰۴، بودجه سرکوب و حفظ نظام

اصغر کریمی

بودجه‌های سالانه جمهوری اسلامی اساسا نه برای رفع مشکلات جامعه، فعالیت‌های عمرانی و غیره بلکه اساسا برای حفظ نظام تنظیم می‌شود. افزایش چشمگیر بودجه سپاه بعنوان ارگان سرکوب و صداوسیما بعنوان ارگان مغزشویی و بودجه هنگفتی که صرف دهها نهاد مذهبی می‌شود نشان می‌دهد که رژیم تا چه حد از گسترش اعتراضات و شکست در عرصه فرهنگی و ایدئولوژیک وحشت‌زده است.

بودجه سپاه ۷۵ درصد افزایش یافته و بودجه صداوسیما معادل بودجه ده وزارتخانه است.

بخش قابل توجهی از بودجه نیز به حوزه‌های علمیه، جامعه المصطفی، سازمان تبلیغات اسلامی و ستاد امر به معروف و مؤسسه آموزشی خمینی و غیره اختصاص یافته که این نیز دو هدف را دنبال می‌کند. از یکطرف تبلیغ خرافات اسلامی به منظور مقابله با مذهب گریزی مردم و از طرف دیگر رشوه به آیت‌الله‌ها و سپاه دین. سهم هنگفتی نیز به وزارت اطلاعات اختصاص یافته است. تا جایی که به اکثریت جامعه، کارگران، معلمان، کادر درمان، بازنشستگان و کارمندان مربوط می‌شود این بودجه مانند سال‌های گذشته نه برای آنها بلکه علیه آنها است. این بودجه‌ای است برای فقر بیشتر و سرکوب بیشتر اکثریت جامعه.

در واقع درآمدی که حاصل استثمار توده‌های وسیع مردم و مالیات از جیب مردم است صرف سرکوب همان مردم، مغزشویی و جاسوسی از آنها می‌شود تا نظام سر پا بماند. اما رژیم هر چه بیشتر برای خرافه و مغزشویی هزینه می‌کنند مردم بیشتر از فرهنگ و ایدئولوژی حاکم و کل اسلام فاصله می‌گیرند. کافی است به شکست حکومت در مقابل حجاب و اعتقادات مذهبی اشاره کرد.

اگر جمهوری اسلامی بخود جرات می‌داد یک رفراندم در مورد بودجه انجام می‌داد اکثریت قریب به اتفاق جامعه قاطعانه خواهان حذف کامل بودجه سپاه و نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات و صداوسیما و نهادهای مذهبی و بقایای نیروهای

نیابتی و اختصاص این بودجه برای تامین زندگی مردم و خدمات رفاهی و عمرانی و آموزشی و غیره می‌شدند.

اتحاد اکثریت جامعه علیه فقر و فساد و گرانی با دو خواست افزایش حقوق و حقوق پایه برای شهروندان محروم جامعه و خواست قطع بودجه ارگان‌های مذهبی و سرکوب و جاسوسی راه مقابله با این بودجه و حکومت است. جنبشی فراگیر حول این خواست‌ها تنها پاسخ به بودجه مفتخوران و سرکوبگران است. جنبشی که همراه با سایر جنبش‌های آزادیخواهانه راه پایان دادن به این حکومت و ریشه‌های فقر و محرومیت را هموار می‌کند.

بهانه‌های رژیم مبنی بر تعطیلی مدارس و ادارات

سیاوش آذری

روز دوشنبه مدارس و ادارات در استان‌های ایلام، مازندران، گیلان، گلستان،اصفهان،مرکزی، کرمان، و همدان و همچنین استان‌های سمنان، کردستان و اردبیل تعطیل اعلام شد. مقامات استانداری در دست‌کم ۲۲ استان دیگر را تعطیل اعلام کرده‌اند.

بر اساس گزارش‌ها تمام مدارسی که روز دوشنبه تعطیل شده‌اند موظف هستند به‌منظور صرفه‌جویی در مصرف سوخت، سامانه‌های گرمایشی خود را خاموش کنند. تعطیلی مدارس در حالی است که در هیچ‌کدام از نرم‌افزارهایی که تغییرات آب

وهوایی را نشان می‌دهند برای بسیاری از این استان‌های تعطیل شده دمای زیر صفر یا برف و باران پیش‌بینی نشده است.

آنچه که از سوی رژیم پرده پوشی می‌شود و نمی‌خواهند صریحاً به آن اعتراف کنند دلیل حقیقی این تعطیلی‌های گسترده است. بر کسی پوشیده نیست که دلیل اصلی تعطیلی مدارس و ادارات همانا فلج شدن حکومت در تأمین گاز و برق در ایران است. جمهوری اسلامی نمی‌خواهد اعتراف کند که به مرز فروپاشی اقتصادی رسیده است. نمی‌خواهد بگوید چرا در کشوری که دومین تولید کننده گاز جهان و یکی از اصلی‌ترین تولید کنندگان نفت در جهان است، با چنین بحرانی در تأمین انرژی منازل

و ادارات و مدرسه‌ها و کارخانه‌ها و مراکز تولیدی مواجه شده است. اعتراف رژیم به این حقیقت آشکار، یعنی اعلام این واقعیت که با یک حرکت سراسری دیگر توسط مردم کارش تمام خواهد شد.

درد خاموشی‌ها فقط به جان مردم نمی‌افتد، عدم تأمین مواد سوختی باعث می‌شود اقتصاد نزدیک به فروپاشی رژیم سریع‌تر فروبپاشد. شاید گفته شود تجربه بسیاری از کشورهای فقرزده و بحران‌زده نشان داده است، صرف وجود فقر و بحران اقتصادی یا حتی عدم مشروعیت یک حکومت باعث سرنگونی نمی‌شود و این اوضاع می‌تواند فقط باعث ازهم‌پاشیدگی زندگی مردم، ناامیدی

گسترده و سرخوردگی از بهبود اوضاع شود.

اینها حقیقتی است. اما جامعه ایران ساکت و سرخورده و خاموش نیست. ما در دل یک انقلاب نوین برای آزادی و رهایی هستیم. جامعه در اوج جوش‌وخروش است. اعتراضات مدام در حال بازتولیدند. تنها یک حرکت سراسری با اتحادی وسیع‌تر و با به میدان آمدن هماهنگ همه جنبش‌های اعتراضی و حمایت طبقه کارگر و همه اقشار اجتماعی، این ماشین فرسوده حکومت واژگون می‌شود. رمز موفقیت جامعه ایران حضور مردم به‌منظور سرنگونی این حکومت است.

گسیل انواع مواد غذایی برای حزب‌الله لبنان

کیوان جاوید

چند تشکل حکومتی در شیراز با انتشار ویدیویی در اینستاگرام از آماده‌سازی اقلام غذایی ارسال‌شده از ایران برای پذیرایی از حاضران در مراسم تشییع حسن نصرالله، رهبر پیشین حزب‌الله، در بیروت در روز یکشنبه پنجم اسفندماه خبر دادند. همچنین محمدباقر قالیباف در دیدار با رئیس‌جمهور لبنان گفت: "آماده کمک به بازسازی لبنان هستیم."

حساب دفتر ریاست‌جمهوری لبنان در شبکه ایکس نوشت که محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس ایران، در دیدارش با جوزف عون در

جریان سفر به بیروت برای تشییع‌جنازه حسن نصرالله گفته که جمهوری اسلامی آماده کمک به بازسازی خرابی‌های ناشی از حملات اسرائیل در لبنان است.

همچنین بخش وسیعی از مردم لبنان از نحوه تأمین منابع مالی مراسم تشییع حسن نصرالله در مدت‌زمان کوتاه ابراز تعجب کرده‌اند، آن‌هم درحالی‌که هنوز هزاران لبنانی که خانه‌هایشان در پی جنگ اسرائیل با حزب‌الله تخریب شد، همچنان بی‌سرپناه هستند.

گستردگی اقلام ارسالی در ویدئوی منتشر شده واقعاً شگفت‌آور است. این هدایا همانطور که

مردم لبنان هم می‌گویند برای مردم لبنان که زیر بمباران‌های گسترده اسرائیل خانه و کاشانه خود را ازدست‌داده‌اند ارسال نشده است. اینها برای برپایی مراسم تشییع حسن نصرالله ارسال شده است. صرف این شده است تا از جمعیت کرایه‌ای در این نمایش تشییع‌جنازه پذیرایی شود. اینها البته فقط یک بخش از کمک‌های جمهوری اسلامی است ارسال دلارهای بسته‌بندی‌شده برای حزب‌الله از دیگر حاتم‌بخشی‌ها رژیم است.

نتیجه اینکه مردم در ایران با فقر و فلاکت دست‌وپنجه نرم می کنند و جامعه به مرز گرسنگی اجتماعی نزدیک می‌شود و دستمزدها چندین برابر خط‌فقر است، اما جمهوری اسلامی به‌منظور

تقویت تروریسم اسلامی از سفره مردم می دزد و به تروریست‌های خود می‌رساند و هم‌زمان لاف بازسازی خرابی‌های ناشی از حملات اسرائیل در لبنان را می‌زند.

برای رهاشدن از دست جنایات بی‌شمار حکومت یکی شویم و هم‌زمان و به یکباره به میدان بیاییم و کار حکومت را یکسره کنیم. آن حلقه اتصال برای تأمین زندگی انسانی و دست‌یافتن به حرمت و منزلتِ در خور شأن انسان، اتحاد حداکثری همه نهادها و شبکه‌ها و جنبش‌های اعتراضی و همگامی با حزبی است که برابری و آزادی و سرنگونی جمهوری اسلامی را به هم گره‌زده است. حزب کمونیست کارگری ایران.

کمک مالی را جدی بگیرید

از طرف نشریه ژورنال

خوانندگان عزیز ژورنال!

کمپین مالی به‌منظور تأمین ۱۵۰ هزار دلار از ۲۷ بهمن ۱۴۰۳، ۱۵ فوریه ۲۰۲۵، برای تأمین بخشی از هزینه‌های فعالیت حزب کمونیست کارگری اعلام شده است که طی این یک هفته بسیاری از اعضا، دوستداران و آزادی‌خواهان دیگر مبلغ نزدیک به ۵۰ هزار دلار آن را تأمین کرده‌اند.

چرا ژورنال اقدام به حمایت از این کمپین مالی کرده است؟ دلیل روشن است! طی بیش از سه سال

که ما سردبیران و اعضای تیم پخش و فنی ژورنال را هر روز به دست شما می‌رسانیم منبع حمایت مالی‌ای جز حزب کمونیست کارگری نداشته ایم. همه سردبیران و کادر فنی، و ده‌ها نفر که این نشریه را روزانه برای هزاران نفر ارسال می‌کنند از فعالین این حزب هستند. هزینه ژورنال هم کم نیست. از تأمین مالی و پرداخت کمک‌هزینه دو فعال تمام‌وقت گرفته تا تأمین مخارج فنی و... هر چند همه تیم پخش و ۴ تن از سردبیران داوطلبانه فعالیت می‌کنند و به موقع ژورنال از کمک مالی این عزیزان هم برخوردار می‌شود، اما فشار مالی بر دوش حزب کمونیست کارگری بسیار زیاد است.

این حزب تمام هزینه‌های ماهواره تلویزیون کانال

جدید و کادرهای فنی و سیاسی این تلویزیون را هم می‌پردازد. هزینه تمام فعالیت‌های سیاسی و تشکیلاتی حزب در خارج کشور را هم تأمین می کند. از برپایی مراسم‌ها و تظاهرات و سخنرانی‌ها تا سفر به کشورهای مختلف به‌منظور مبارزه علیه جمهوری اسلامی، از جمله برپایی تظاهرات سالانه در مقابل سازمان جهانی کار در ژنو و...

این حزب متعلق به همه مردمی است که برای آزادی و برابری و رفاه مبارزه می‌کنند. یکی از حلقه‌های بسیار حیاتی و مهم در جنبش انقلابی سرنگونی‌طلبی. این حزب شما است. کمک کنید تا با انرژی و توان هر چه بیشتر در امر سرنگونی جمهوری اسلامی دوش‌به‌دوش هم مبارزه کنیم. به

دوستان خود نیز خبر بدهید تا کمک کنند.

با این شماره واتساپ تماس بگیرید تا راه پرداخت را به اطلاع شما برسانیم:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

کیوان جاوید از طرف نشریه ژورنال
۶ اسفند ۱۴۰۳-۲۴ فوریه ۲۰۲۴

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
/https://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۷۲

۲۵ فوریه ۲۰۲۵ – ۷ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

روز جهانی زن در راه است

گفتگو با سیما بهاری

افزایش سن بازنشستگی، دزدی آشکار حکومتی!

سینا پدرام

جنگ بر سر نرخ سبد معیشت و مزد

شهلا دانشفر

سازمان ملل و هشدار در مورد حقوق بشر

کاظم نیکخواه

روز جهانی زن در راه است

گفتگو با سیما بهاری

سوسن صابری: بیشتر از چند روزی به ۸ مارس (۱۸ اسفند)، روز جهانی زن باقی نمانده است. در شرایطی به استقبال این روز می‌رویم که جنبش آزادی‌خواهانه زنان در یک جنگ خونین و هر روزه در خیابان، رژیم اسلامی را در یکی از سنگرهایش، سنگر حجاب اسلامی، به عقب‌نشینی وادار کرده است شما این اوضاع سیاسی را چطور ارزیابی می‌کنید؟ علاوه بر مبارزه علیه حجاب، زنان چه پیشرفت‌های دیگری داشته‌اند؟

سیما بهاری: جمهوری اسلامی چهل و شش سال است که دارد با زنان برای تحمیل حجاب می‌جنگد. هنوز یک ماه از سرنگونی شاه نگذشته بود که خمینی

فرمان حجاب داد و زنان مشت‌هایشان را گره کردند. فریاد زدند به عقب برنمی‌گردیم. از آن زمان تا به امروز مشت‌هایشان هنوز گره‌کرده و چرخان در هواست. حکومت می‌گیرد و زندان می‌اندازد و عربده می‌کشد، و زنان استوار و پابرجا می‌گویند به عقب برنمی‌گردیم. امروز و بعد از نزدیک به دو سال و نیم بعد از شروع انقلاب زن زندگی آزادی، زنان در یک نبرد غرورآفرین حکومت را گام‌ها عقب رانده‌اند و سنگر حجاب را فتح کرده‌اند. لایحهٔ سرگردان حجاب دارد به تاریخ می‌پیوندد و حکومت مجبور شده آن را فعلاً در صندوق بگذارد. مبارزه علیه حجاب و عقب راندن حکومت، برگ زرین مبارزه‌ای بی‌امان از طرف زنان است. زنان طی این دو سه‌ساله نه‌تنها قوانین حجاب را زیر پا گذاشتند که دیوار آپارتاید جنسیتی را هم هر جا توانستند شکستند. در جمهوری اسلامی

صدای زنان حرام است. پرستو احمدی بی‌حجاب و با لباس و آرایشی کاملاً غیر آنچه حکومت می‌خواهد آواز خواند و این آواز آن‌چنان طنین رسایی داشت که مرزها را شکست، مسافت‌ها را در نوردید و در جهان پژواک یافت. آهو دریایی اعتراض عریان کرد. زنان و مردان در بازارها و خیابان‌ها و پاساژها با هم و دست در دست هم می‌خوانند و می‌رقصند. شکستن دیوار تبعیض جنسیتی از اینها هم گذشت و به سریال‌ها هم کشیده شد. معلوم است که بگیر و ببندشان را دارند. اما آنچه مهم است این است که زنان دارند هر روز بیشتر از روز پیش محدودیت‌ها را پس می‌زنند و در این راه از حمایت فعال مردان آزاده و پیشرو برخوردارند. سال‌ها مبارزه ضربه جدی به مردسالاری زده و این پیشروی بزرگی برای کل جامعه است.

سوسن صابری: هر ساله نهادها و فعالین حقوق زنان، به اشکال مختلف این روز را گرامی می‌دارند. به نظر شما برای ایجاد همبستگی بین جنبش آزادی‌خواهانه زنان و سایر جنبش‌های اجتماعی، از جنبش کارگری بگیرید تا جنبش علیه اعدام و... چه اقداماتی باید در دستور فعالین این عرصه‌ها قرار بگیرد؟

سیما بهاری: خوشبختانه انقلاب زن زندگی آزادی تا حد زیادی بخش‌های مختلف مردم و اعتراضاتشان را به هم وصل کرده است. سال گذشته شورای بازنشستگان با بیانیه‌ای به استقبال ۸ مارس رفت. همین‌طور شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت. چند تشکل صنفی در مورد ۸ مارس بیانیه دادند. انتظار می‌رود امسال این فضا فعال‌تر و پر شورتر باشد. آزادی زنان معیاری برای آزادی کل جامعه است.

این را در همان تظاهرات ۸ مارس سال ۵۷ زنان و مردان پیشرو فریاد زدند. مسئلهٔ زن فقط مختص زنان نیست. قطعاً پیشروی زنان در مبارزاتشان تأثیر مستقیمی بر کل جامعه خواهد داشت.

نهادها و تشکل‌های مختلف می‌توانند بیانیه‌های مشترک بدهند. فعالین و نهادهای مدافع حقوق زنان می‌توانند از اعتصابات کارگری و خواسته‌های معلمان و بازنشستگان دفاع کرده و از اعتراضات جاری علیه مجازات اعدام و همچنین خواست آزادی زندانیان سیاسی حمایت کنند و متقابلاً سایر جنبش‌های اجتماعی می‌توانند به احکام اعدام و دستگیری زنان اعتراض کنند. به قتل زنان تحت عنوان قتل‌های ناموسی و به تجاوز به دختران خردسال تحت عنوان ازدواج اعتراض کنند. اینها را می‌شود در جمع‌ها و جلسات به بحث گذاشت. رهبران و فعالین این

نکات را در سخنرانی‌ها طرح کرده و خطاب به کل جامعه فراخوان همبستگی با مبارزات زنان بدهند و در روز ۸ مارس و در استقبال از این روز، پرستاران، معلمان، کارگران، جوانان و دانشجویان، دادخواهان، هنرمندان و نویسندگان و بخش‌های مختلف و خلاصه هر کسی که نابرابری و تبعیض نمی‌خواهد، شعار زنده‌باد مبارزات آزادی‌خواهانه زنان را بلند کنند.

افزایش سن بازنشستگی، دزدی آشکار حکومتی!

سینا پدرام

محمدرضا عارف، معاون اول مسعود پزشکیان، مصوبه هیئت وزیران در خصوص "افزایش سن بازنشستگی" را به سازمان‌های مربوطه، از جمله به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ابلاغ کرد. این مصوبه به طور خاص به بیمه‌پردازانی که سابقه بیمه‌ای مختلف دارند، برای هر سال تا زمان بازنشستگی، ماه‌های اضافی به سنوات بیمه آنها اضافه می‌کند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران این تصمیم را "تعرض وحشتناک به زندگی و معیشت میلیون‌ها خانواده کارگری" دانسته و افزایش سن بازنشستگی را یک

اقدام غیرقابل پذیرش برشمرده است. این مصوبه پس از سال‌ها تلاش دولت‌های مختلف برای افزایش سن بازنشستگی که به دلیل اعتراضات گسترده متوقف شده بود، دوباره به اجرا در آمد.

در همین راستا و در واکنش، گروه تلگرامی منشور آزادی، رفاه، برابری به چپاول منابع صندوق‌های بازنشستگی توسط دولت‌ها اشاره کرده و معتقد است که هدف این افزایش، جبران کسری بودجه و عدم پرداخت به موقع حقوق بازنشستگان است. کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز به شدت از این تصمیم انتقاد کرده، آن را ظلم بزرگی به کارگران خوانده‌اند.

از سوی دیگر، رسانه‌های حکومتی مانند ایسنا با اشاره به افزایش سن بازنشستگی در کشورهایی

مانند آلمان، اسپانیا، یونان، فرانسه و غیره، بدون توجه به شرایط بسیار وخیم‌تر معیشتی کارگران در ایران در مقایسه با این کشورها، سعی در توجیه این دزدی آشکار حکومت از سفره کارگران دارند. این رسانه‌های حکومتی آگاهانه فراموش کردند تا به این واقعیت اشاره کنند که افزایش سن بازنشستگی در این کشورها نیز با اعتراضات وسیع اجتماعی همراه بوده است.

افزایش سن بازنشستگی یه معنای به فلاکت کشاندن زندگی و معشیت نسل‌های متعدد طبقه کارگر و زحمتکش است. رژیم اسلامی به مانند باقی رژیم‌های سرمایه‌داری با افزایش سن بازنشستگی و قوانین مشابه که سعی در تعویق حق بازنشستگی دارند، یک جنایت سیستماتیک و یک دزدی مافیایی بر

علیه کل طبقه کارگر ایران، چه شاغل و چه بازنشسته را سازمان داده است.

درست به همین دلیل باید تمامی بخش‌های کارگری، معلمان، پرستاران، بازنشستگان در یک اقدام مشترک به این قانون ضد انسانی عکس العمل مناسب نشان دهند و با اعتراضات مشترک و سراسری این مصوبه و هر قانون دیگر حکومتی را که سعی در تحمیل شرایط معیشتی سخت‌تر بر شهروندان دارند را به عقب برانند. وقت آن است که در مقابل هر اقدام ضد کارگری رژیم به اعتراضات سراسری دامن زد.

جنگ بر سر نرخ سبد معیشت و مزد

شهلا دانشفر

روزهای پایانی سال و موعد تعیین حداقل دستمزدها برای سال آتی است و بساط خیمه‌شب‌بازی کمیته مزد جمهوری اسلامی داغ. تعیین نرخ سبد معیشت که قرار است مبنایی برای تعیین دستمزد باشد، معضلی جدی برای حکومت است.

نرخ دلار از ۹۴ هزار تومان عبور کرده و سقوط ریال نمایانگر فلج اقتصادی حکومت است. سونامی فقر و گرانی بیداد می‌کند و کل جامعه را به نقطه انفجار رسانده است. مبارزه بر سر دستمزد نماد بارزی از اعتراض به این وضعیت فاجعه‌بار است.

درحالی‌که رسانه‌های حکومتی از سبد معیشتی بالای ۴۰ میلیون حرف می‌زنند، همین روزها کمیته مزد شورای‌عالی کار سبد معیشت کارگران را رقمی حدود ۲۳ میلیون تومان نرخ‌گذاری کرد. کانون عالی شوراهای اسلامی که به اسم کارگر عضوی از سیرک مسخره کمیته مزد است، در آذرماه این رقم را بیش از ۲۹ میلیون تومان اعلام کرده بود. این رقم دادن‌ها بخشی از چوب حراج زدن بر قیمت نیروی کار کارگران است. کارگران کل این بساط بردگی را به سخره می‌گیرند.

بدین‌گونه باز هم نهاد دولت ساخته کانون عالی شوراهای اسلامی بازی کثیف هر ساله خود را آغاز و با جنگ زرگری بر سر ارقام سبد معیشتی و اشاره به گرانی‌ها، رقم کمیته مزد را غیرواقعی دانسته و

ژست طرف‌داری از کارگر را می‌گیرد. اما رقم ۲۹ میلیون‌تومانی آنان نیز زیر خط‌فقر است. کارگران بر افزایش حقوقها متناسب با صعود نجومی نرخ دلار و اینکه دستمزدها نباید کمتر از ۶۰ میلیون باشد تأکید کرده‌اند.

میرغفاری پادوی حکومتی عضوی از شورای‌عالی کار نیز با همراهانش کارزاری حول افزایش ۷۰ درصدی دستمزد راه انداخته‌اند که دستمزد به ۱۵ میلیون برسد که تازه به سطح زندگی کارگران در سال ۱۳۹۰ می‌رسد و از تمام کارگران می‌خواهند که امضای خود را پای این بساط بردگی بگذارند. کارگران نیز با فریاد" شورای‌عالی کار نمیخوایم، نمیخوایم" جوابشان را داده‌اند.

در برابر این بساط توحش و بردگی و علیه فقر و گرانی صف اعتراض خود را متحد کنیم. بیانیه‌های مشترک نهادهای کارگری و اجتماعی، طومارهای اعتراضی میلیونی بر سر معیشت، تدارک تجمعات اعتراضی بزرگ در شهرهای مختلف همگی گام‌هایی در جهت قدرت‌بخشیدن به اعتراضاتمان است. دستمزد باید متناسب با رشد نرخ دلار افزایش یابد. زندگی انسانی حق مسلم ماست.

سازمان ملل و هشدار در مورد حقوق بشر

کاظم نیکخواه

دو مقام عالی سازمان ملل روز ۶ اسفندماه در اجلاس جهانی حقوق بشر هشدار دادند که حقوق بشر در سراسر جهان در خطر "پایمال‌شدن" است و جهان با خطر "بازگشت دیکتاتورها" روبه‌روست.

فولکر تورک، کمیسر عالی حقوق بشر هشدار داد که "دیکتاتورها زمانی این قدرت را داشتند که دستور جنایت علیه بخش بزرگی از مردم را بدهند و آنها را به کام مرگ بفرستند. هشیار باشید که این باز هم می‌تواند اتفاق بیفتد". آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل نیز قبل از آن گفت "حقوق بشر «اکسیژن بشریت است»، اما این حقوق در حال

حاضر در جهان به دست حکام خودکامه در حال خفه شدن است".

متأسفانه، مسئله از حد "تهدیدات" گذشته است به حدی که همین مقامات بلندپایه و "جسور" سازمان ملل جرئت اشاره به اینکه تهدیدات از جانب کدام دولت‌ها و نیروهاست را به خود نمی‌دهند. احتمالاً منظورشان رویکردهای فاشیستی دولت ترامپ و ایلان ماسک و استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی و سایر ابزارهای نظارتی برای کنترل و سانسور مردم از جانب دیکتاتورهاست. اما جرئت نمی کنند همین را هم بر زبان آورند. چرا که دیکتاتورها روی صندلی‌های مقابل آنها نشسته‌اند!

آنچه به‌عنوان "حقوق بشر" شناخته می‌شود تاریخا ریشه در ایده‌های عصر روشنگری دارد و در انقلاب فرانسه و آمریکا اساساً جناح چپ و رادیکال نیروهای مردمی و کارگری آن را جلو آوردند و با جدال‌های بسیار به دولت‌ها تحمیل کردند. اما در قرن بیست "حقوق بشر" با تبلیغات و جنجال به پرچم مقابله دولت‌های ارتجاعی غربی علیه دیکتاتورهای ایضاً ارتجاعی بلوک شرق تبدیل شد. با سقوط بلوک شرق در واقع سوت پایان حقوق بشر کذایی نیز زده شد و این به عاملی دست‌وپاگیر برای دولت‌های سرمایه‌داری غربی تبدیل شد. اکنون ترامپ همین واقعیت را بدون پرده‌پوشی و با دشمنی آشکار با تمام ارزش‌های انسانی و اجتماعی پیشرو دارد نمایندگی می کند.

بار دیگر بشریت به این نیاز مبرم رسیده است که عرصه نبردی همه‌جانبه را برای دفاع از حقوق بشر واقعی که بسیار از نسخه دست‌وپا بریده کنونی فراتر می‌رود، بگشاید و از حقوق انسانی و فراگیر و همه‌جانبه علیه دولت‌های سرمایه‌داری و علیه فاشیسم و انواع دیکتاتوری‌های اسلامی و ناسیونالیستی، با قاطعیت دفاع کند. این مهم بیش از هر کس بر دوش نیروهای پیشرو، سوسیالیستی و کارگری قرار دارد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۷۳

۲۶ فوریه ۲۰۲۵ – ۸ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

جنگ یا مذاکره، سیر اوضاع به چه سمت است؟

گفتگو با حمید تقوایی

آیا رئیس ساواک در دام عدالت گرفتار می‌شود؟

کیوان جاوید

حاشیه‌نشینی و فقر ثمره جمهوری اسلامی

رضا درویش

خامنه‌ای، کارت بازی در مذاکره پوتین و ترامپ

محسن ابراهیمی

جنگ یا مذاکره، سیر اوضاع به چه سمت است؟

گفتگو با حمید تقوایی

محسن ابراهیمی: بعد از اعلام تشدید تحریم‌ها از جانب ترامپ و لحن تندتر او درباره اینکه جمهوری اسلامی نباید اتمی شود، خامنه‌ای از بی‌اعتمادی به آمریکا و آمادگی جمهوری اسلامی برای مقابله "تهدیدات سخت‌افزاری" سخن گفت و رجزخوانی‌ها علیه آمریکا شروع شد. فرماندهان سپاه از آمادگی مقابله با اسرائیل و آمریکا و عملی‌شدن وعده صادق ۳ حرف می‌زنند. آیا راه مذاکره و تعامل با آمریکا و غرب بسته شده و خطر حمله نظامی به برنامه‌های هسته‌ای و جنگ میان اسرائیل با حمایت آمریکا و جمهوری اسلامی جدی‌تر شده است؟

حمید تقوایی: به نظر من باید بین تبلیغات و رجزخوانی‌های جنگی، و عملکرد حکومت تمایز قائل شد. همانطور که اشاره کردید این رجزخوانی‌ها بعد از فرمان تشدید تحریم‌ها از جانب ترامپ شروع شد؛ اما این فقط برای حفظ ظاهر است. جمهوری اسلامی عملاً ناگزیر است نه‌تنها به مذاکره تن بدهد؛ بلکه بسیاری از شرایط دولت آمریکا را بپذیرد. مشکل جمهوری اسلامی تنها مخالفت غرب با پروژه هسته‌ای و یا ازدست‌دادن نفوذ منطقه‌ای‌اش نیست. اگر چنین بود می‌توانستند همچنان بر طبل مرگ بر شیطان بزرگ بکوبند و همان سیاست نه جنگ نه مذاکره خامنه‌ای را ادامه بدهند. مشکل حکومت اساساً فروپاشی اقتصادی و وضعیت انفجاری جامعه است. چرخ اقتصاد رو به توقف کامل است، ریال با سرعتی سرسام‌آور در حال سقوط و قیمت‌ها با شتابی

بی‌سابقه روبه‌افزایش است.

حکومت حتی از تأمین ابتدائیات زندگی مردم عاجز است و جامعه را عملاً به تعطیلی کشیده است. این وضعیت قابل ادامه نیست. دولت پزشکیان حتی در حرف هم مدعی پاسخگوئی و حتی تخفیف بحران و بن‌بست کامل حکومت نیست. همه حکومتی‌ها، حتی خامنه‌ای و سرسخت‌ترین طرف‌دارانش، می‌دانند شرایط انفجاری است و برای نجات حکومت خود باید راه چاره‌ای پیدا کنند. این "راه چاره" چیزی به‌جز مذاکره با آمریکا و تخفیف فشارهای غرب نمی‌تواند باشد. همه می‌دانند بدون دست شستن از پروژه هسته‌ای و درجه‌ای از تعامل با غرب ابر بحران اقتصادی-سیاسی-اجتماعی که با آن دست‌به‌گریبان هستند شدیدتر خواهد شد. اما مشکلشان این است

که این امر ضربه‌ای به هویت ایدئولوژیک سیاسی حکومت خواهد بود و این به نوبه خود موقعیت لرزان حکومت در خود ایران را سست‌تر و ضعیف‌تر خواهد کرد. به نظر من جمهوری اسلامی در یک موقعیت باخت‌باخت قرار گرفته؛ ولی نهایتاً ناگزیر خواهد بود راه تعامل با غرب را برگزیند. به نظر من سیاست "نه جنگ نه مذاکره" رژیم شکل "مذاکره عملی، جنگ لفظی" را به خود خواهد گرفت. یعنی "ترمش قهرمانانه" بعلاوه تبلیغات ضد اسرائیلی ضد آمریکایی با این امید که سقوط آزاد ریال و گرانی و تورم تخفیف پیدا کند و درعین‌حال در تبلیغات با سیلی صورتش را سرخ نگاه دارد. البته این "راه‌حل" هم، حتی در کوتاه‌مدت، در ضعف و درماندگی حکومت و شرایط انفجاری جامعه تخفیفی نخواهد داد.

تا آنجا که به خطر حمله نظامی مربوط می‌شود به نظر من در حال حاضر این در دستور دولت آمریکا نیست. ترجیح ترامپ این است که با تشدید فشار اقتصادی جمهوری اسلامی را به‌پای میز مذاکره بکشد و شرایطش را به او تحمیل کند. اسرائیل هم بدون تأیید آمریکا دست به اقدامی نخواهد زد. به نظر من این روندی که شروع شده نهایتاً به مذاکره و تسلیم جمهوری اسلامی ختم خواهد شد.

اما مهم‌ترین نکته این است که سیر اوضاع هرچه باشد، مذاکره و تعامل و یا حمله نظامی، بحران وجودی حکومت پایان نخواهد یافت. نه بن‌بست اقتصادی و گرانی و تورم و فقر و فلاکت ناشی از آن با حکومت ترامپ شروع شده و نه نوع این رابطه می‌تواند سایه سیاه فقر و فساد و گرانی را از سر مردم کم کند.

سرنوشت جمهوری اسلامی را نه مناسباتش با غرب بلکه رابطه‌اش با جامعه ایران، رابطه‌ای که بر نفرت مردم از حکومت سرکوب کشتار و جنایت است، رقم خواهد زد و این مردم ایران هستند که می‌توانند با سرنگونی جمهوری اسلامی بر چرخه جهنمی فقر و گرانی و فساد و سرکوب و کشتار نقطه پایان بگذارند.

آیا رئیس ساواک در دام عدالت گرفتار می‌شود؟

کیوان جاوید

سه تن با طرح شکایت از پرویز ثابتی، قائم‌مقام ساواک در دادگاهی در شهر اورلاندو ایالت فلوریدا آمریکا خواستار غرامت ۲۲۵ میلیون دلاری شدند.

پرویز ثابتی شکنجه‌گر ارشد شاه چند دهه از دیده‌ها پنهان بود، اما چند ماه بعد از شروع اعتراضات زن زندگی آزادی در تجمع شهر میامی علنی شد تا جان تازه‌ای به سلطنت‌طلبان و رضا پهلوی بدهد. همین علنی شدن پرویز ثابتی باعث شد موجی از افشاگری از حکومت پهلوی و سلطنت‌طلبان و ساواک پا بگیرد. این سه زندانی سیاسی دوران شاه می‌گویند که

”هدفشان تنها دریافت غرامت نیست، بلکه جلوگیری از عادی‌سازی جنایات گذشته و افشای نقش افرادی مانند ثابتی در تاریخ معاصر ایران است.“

اگر انقلاب زن زندگی آزادی و نبرد سرنوشت‌ساز جامعه با حکومت اسلامی به‌منظور سرنگونی این رژیم در چنین ابعاد عظیمی مطرح نبود؛ اگر در دل همین انقلاب قدرت اتحاد و خواست‌های انسانی و آزادیخواهانه و برابری‌طلبانه در چنین وسعت عظیمی در جامعه ایران و در تظاهراتهای خارج کشور مطرح نمی‌شد، دیگر نیازی نبود پرویز ثابتی علنی شود و به سلطنت‌طلب فرصت بدهد یک‌بار دیگر شعار ”مرگ بر چپی“ سر بدهند و خواب محاکمه و اعدام چپی‌ها را در آینده ببینند.

حالا طبیعتاً پرویز ثابتی باید در دادگاهی در شهر میامی حضور یابد و در برابر هیئت‌منصفه و قاضی از خود دفاع کند. صدها زندانی سیاسی زمان شاه می‌توانند در این دادگاه شهادت بدهند که بر آنها چه گذشته است و قائم مقام ساواک، رئیس اداره سوم ساواک محمدرضا پهلوی چه‌ها که با آنها نکرده است.

با محاکمه ثابتی در این دادگاه و رو شدن همه شواهد جنایت ساواک می توان به روشنی مشاهده کرد که پدیده دیکتاتوری و نظام دیکتاتوری مربوط به اقتصاد سیاسی است و یک‌بار دیگر ثابت می شود که دیکتاتوری عریان و کشتار و شکنجه و زندان یک بیماری سادیستی توسط حاکمیت نیست، بلکه پدیده‌ای است برای خاموش و مرعوب‌کردن مردم

برای حفظ استثمار یک اقلیت مفت‌خور سرمایه‌دار. از این دریچه نیز می‌توان به برنامه رضا پهلوی در صورت تحقق فرضی رؤیای ملوکانه‌اش در آینده پی برد که دیکتاتوری پشت دیکتاتوری در تاریخ صدساله ایران مورثی شده است و اینکه تنها راه برای پایان کشتار و دیکتاتوری، حاکمیت شوراهای شهروندان و برقراری آزادی و برابری و لغو بردگی مزدی است.

حاشیه‌نشینی و فقر ثمره جمهوری اسلامی

رضا درویش

عبدالرضا گلپایگانی معاون وزیر راه و شهرسازی در گفتگویی که پنجم اسفند منتشر شده مسئله حاشیه‌نشینی را جدی دانسته و وضعیت استان‌های خراسان (عمدتاً شهر مشهد)، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، خوزستان و استان تهران را بحرانی خوانده است. او گفته در درون شهر تهران هم شاهد رشد حاشیه‌نشینی هستیم.

حلبی‌آبادها از جلوه‌های شاخص حاشیه‌نشینی هستند. کارشناسان عواملی از قبیل مشکل مسکن، خشکسالی در نواحی شرقی، ناامنی کشور همسایه افغانستان را به‌عنوان دلایل حاشیه‌نشینی مطرح

می‌کنند. اما هیچ‌کدام از عامل اصلی گسترش فقر یعنی نظامی که نابرابری و ستم و بی‌عدالتی را در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی همه‌روزه تولید و باز تولید می‌کند چیزی نمی‌گویند.

این کارشناسان از عدم رعایت ضوابط ساخت‌وساز می‌گویند و نگران آسیب‌هایی از قبیل زلزله هستند (که البته در جای خود قابل‌بحث است). اما اگر جابه‌جایی لایه‌های زمین موجب زلزله می‌شود رانده‌شدن لایه‌هایی از اقشار و طبقات اجتماعی به حاشیه شهرها معنایش این است که میلیون‌ها انسان زیر فشار نابرابری و بی‌عدالتی فقیرتر شده‌اند. این کارشناسان همچنین از عاملی نظیر ناامنی در همسایه شرقی (افغانستان) می‌گویند که نه فقط گمراه‌کننده بلکه اساساً نژادپرستانه

است. امروز اکثریت مردم می‌دانند که عامل ناامنی اقتصادی و سیاسی و تشدید فقر و محروم ساختن تعداد هر چه بیشتری از اقشار آسیب‌پذیر از امکانات اولیه برای زندگی همانا حاکمان غارتگر و دستجات تبهکار وابسته به آنها هستند که در دزدی و چپاول سیرایی ندارند.

آنچه مسلم است گسترش فقر زیر سایه منحوس جمهوری اسلامی به مشکل حاشیه‌نشینی محدود نمی‌شود. وزیر تعاون در شهریورماه سال جاری رسماً اعلام کرد که ۳۰ درصد از جمعیت کشور زیر خط‌فقر قرار دارند. او همچنین گفت که "ازبین‌بردن فقر مطلق یک آرمان و هدف است". ادعای پوچی که کذب محض است. ازبین‌بردن فقر به طور اعم در این نظام جرم جنایت حتی در

حد شعار هم مطرح نیست.

جمهوری اسلامی عامل اصلی در ایجاد کوهی از مشکلات معیشتی شده است که فشار طاقت فرسایی را به اکثریت میلیونی مردم ایران تحمیل کرده است. صدایی که امروز در این کوه طنین انداز شده فریاد خشم ارتش محرومان و گرسنگانی است که ناپلئون می گفت از این ارتش بیش از هر ارتشی می‌هراسد.

خامنه‌ای، کارت بازی در مذاکره پوتین و ترامپ

محسن ابراهیمی

سه‌شنبه ۷ اسفند وزیر خارجه روسیه به تهران سفر کرد و با وزیر خارجه حکومت اسلامی دیدار کرد. در نشست مطبوعاتی مشترک، عراقچی اعلام کرد: "هیچ امکان مذاکره مستقیم بین ما و آمریکا در موضوع هسته‌ای، تا زمانی که فشار حداکثری به این شکل خودش اعمال خواهد شد، وجود نخواهد داشت." و تأکید کرد که جمهوری اسلامی حرکت و سیاست‌هایش را "با همکاری و هماهنگی دوستان خود در روسیه و چین" پیش خواهد برد! وزیر خارجه روسیه اما اعلام کرد "معتقدیم که ظرفیت دیپلماسی هنوز هم وجود دارد و باید از آن بدون تهدیدها و

توسل به‌زور به‌صورت مؤثر استفاده کرد.“

لاورف بعد از ملاقات با مارک روبیو وزیر خارجه آمریکا در عربستان و مکالمه تلفنی پوتین و ترامپ، حتماً حامل پیامی از ترامپ در باره تسلیم کامل خامنه‌ای و همچنین حامل پیامی از پوتین بوده است که انتظار دارد به‌عنوان کارت پوتین بازی کند. لاورف حتماً از طریق عراقچی به گوش خامنه‌ای رسانده است که ترامپ به کمتر از دست کشیدن جمهوری اسلامی از رؤیای اتمی شدن و برنامه‌های موشکی و محورمقاومتی راضی نخواهد شد و حکومت اسلامی راهی جز تسلیم ندارد. همچنین لاورف حتماً عراقچی را شیرفهم کرده است که اولویت پوتین خارج‌شدن از باتلاق اوکراین به‌عنوان یک تجاوزگر پیروز همراه

با الحاق اراضی اشغال شده به روسیه است و امروز کارت جمهوری اسلامی باید به این هدف خدمت کند! منظور "دوست روسی" از "ظرفیت دیپلماسی هنوز وجود دارد" همین است.

با این حساب تأکید عراقچی بر اینکه جمهوری اسلامی حرکت و سیاست‌هایش را "با همکاری و هماهنگی دوستان خود در روسیه و چین" پیش خواهد برد، هیچ‌چیز نیست جز یک ژست توخالی دیپلماتیک در کنار رجزخوانی‌های خامنه‌ای و دار و دسته‌اش با هدف سرخ نگه‌داشتن صورت رنگ‌پریده خامنه‌ای.

باتوجه‌به اقتصاد ورشکسته، مردم در کمین نشسته،

محور مقاومت متلاشی شده، و "دوستی" مثال پوتین، خامنه‌ای راهی ندارد جز تسلیم در مقابل خواست‌های آمریکا یا مواجه‌شدن با "فشار حداکثری" ترامپ و در صورت اصرار بر ساخت بمب هسته‌ای – با این تصور که ضامن بقای سیاسی است – زمینه‌سازی برای بمباران سایت‌های هسته‌ای. هیچ کدام از این سناریوها نظام اسلامی را از مردم در کمین نشسته نجات نخواهد داد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۷۴

۲۷ فوریه ۲۰۲۵ – ۹ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

پنج گلوله برای پنج سال زندگی!

سیامک بهاری

حنای بی‌رنگ پیامک هشدار کشف حجاب

عطیه نیک‌نفس

حداقل دستمزد ۶۰ میلیون

حسن صالحی

زنده‌باد جنبش علیه اعدام

آذر پویا

پنج گلوله برای پنج سال زندگی!

سیامک بهاری

«جان‌باختن کودک ۵ساله و مادر باردار او در تیراندازی نیروهای نظامی در ایرانشهر»

چهارشنبه ۸ اسفندماه، مأموران یگان تکاوری نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، در محور کمربندی منطقه چاه جمال ایرانشهر بدون اخطار قبلی و فرمان ایست، اتومبیل پژو شامل سه سرنشین را عامدانه و مستقیماً به گلوله می‌بندند. یوسف شهلی‌بر کودک پنج‌ساله و مریم شهلی‌بر، مادر باردار ۳۲ساله او هدف شلیک رگبار گلوله جنگی قرار می‌گیرند. مأموران لباس‌شخصی، نیروهای یگان تکاوری پس از تیراندازی مستقیم به سمت خودروی حامل این

خانواده، آن‌ها را به بیمارستان خاتم‌الانبیا ایرانشهر منتقل می‌کنند. «رامین شهلی‌بر» پسردایی یوسف، راننده خودرویی که در اثر تیراندازی نیروهای یگان تکاوری هدف قرار گرفته را در بیمارستان با تهدید و ضرب و شتم شدید، با اتهام واهی حمل سلاح بازداشت و به مکانی نامعلوم منتقل می‌کنند. سپس به قید وثیقه سنگین موقتاً آزادش می‌کنند.

یوسف پنج‌ساله در اثر اصابت پنج گلوله جنگی در بیمارستانی بدون ابتدایی‌ترین امکانات درمانی و فوریت‌های پزشکی و نبود پزشک جراح و کادر متخصص، چند ساعت در خون خود غلطید، با درد مرگ دست‌وپنجه نرم کرد و پس از عمل جراحی دیرهنگام، جان خود را از دست داد. گویی یک گلوله به ازاء هر سال از زندگی سهم او بود!

مریم، در اثر جراحات، فرزند متولدنشده‌اش را هم از دست داد و در وضعیت وخیم و اضطراری در بخش مراقبت‌های ویژه بستری گردیده است.

قتل عامدانه یوسف پنج‌ساله یادآور کشتن بی‌رحمانه کیان پیرفلک است. این جنایت هولناک تکرار فجایع بی‌شماری است که مأموران جمهوری اسلامی مصون از مجازات و بازخواست، طی سه سال گذشته دست‌کم به ۸۴۵ نفر عامدانه شلیک کرده‌اند. در این حملات حداقل ۵۷۱ نفر جان خود را ازدست‌داده‌اند.

از کشتن یوسف پنج‌ساله تا کشتار در جمعه‌های خونین زاهدان و خاش، تا به خاک و خون کشیدن سوخت‌بران تا غرق‌شدن کودکان در هوتک‌ها، از فقر و فلاکت و ویرانی هزاران روستا تا بگیروببند

امنیتی در شهر و روستاهای سیستان و بلوچستان، سلسله‌ای از جنایات سازمان‌یافته حکومت اسلامی علیه مردم ایران است.

حکومت اسلامی عامل و مسئول مستقیم کشتن «یوسف شهلی‌بر» پنج‌ساله است که با وادارکردن خانواده به سکوت در پی پنهان‌کردن حقیقت است. این جنایت نباید بی‌پاسخ بماند.

حنای بی‌رنگ پیامک هشدار کشف حجاب

عطیه نیک‌نفس

با وجود توقف اجرای قانون موسوم به «عفاف و حجاب» پس از انتشار گزارش‌هایی از دخالت دبیرخانه شورای‌عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی در این زمینه، روایت‌های شهروندان حاکی ازسرگیری ارسال «پیامک‌های هشدار درباره کشف حجاب» در خودروهاست.

به گفته روزنامه حکومتی اعتماد: دریافت این پیامک‌ها برای بسیاری از افراد و خانواده‌هایشان «شوک‌آور و نگران‌کننده» بود. محتوای پیامک، با هشدار به توقیف خودرو در صورت تکرار «تخلف»،

فضای روانی «پرتنشی» را برای دریافت‌کنندگان ایجاد می‌کند؛ به‌ویژه در مواردی که فرد خود را مشمول چنین «تخلفی» نمی‌داند.

در حالی جمهوری اسلامی برای زنان این پیامک‌ها را ارسال می‌کند و آنها را تهدید به جریمه نقدی، متوقف‌شدن خودرو و جرائم دیگر می‌کند که زنان در ۴۶ سال عمر جنایتبار رژیم همیشه با حجاب این ابزار سرکوب جنگیده‌اند و هزینه‌هایی بسیار سنگین‌تر از جریمه مالی پرداخته‌اند، آنها جانشان را از دست دادند، متحمل شکنجه، سال‌ها زندان و احکام شنیعی همچون شلاق شدند و از آغاز انقلاب زن زندگی آزادی با بی‌حجابی عملی و سراسری در خیابان‌ها و مراکز شهرها و مبارزات خلاقانه‌ای همچون خواندن آواز در مراکز عمومی بدون حجاب، بازی در فیلم

بدون حجاب و هزاران اکت شجاعانه دیگر به رژیم اسلامی فهماندند که خواست و مطالبه‌شان چیست و انتخاب آنها قوانین سرکوب‌گرانه و زن‌ستیزانه اسلامی نیست.

ارسال پیامک هشدار کشف حجاب درحالی‌که رژیم همچنان جرئت نکرده طرح شنیع عفاف و حجابش را اجرایی کند فقط تلاشی مذبوحانه و دست‌وپازدن‌هایی بیهوده است در مقابل زنانی که بارها گفته‌اند ما "هرگز به عقب برنمی‌گردیم"

رژیم اسلامی همیشه خواسته است با ایجاد تنش، رعب و وحشت سرکوب کند و در قدرت بماند غافل از اینکه حجابش را مدت‌هاست باد برده است و حنایش برای زنانی که حتی از داخل زندان با وجود

شکنجه و پرونده‌سازی‌های مختلف رژیم برای آنها، بیانیه علیه حجاب صادر می‌کنند، هیچ رنگی ندارد.

انتخاب زنان در کشور اسلام‌زده ایران، اسلام و سلول انفرادی حجاب نیست و این خواست را با به ثمر رساندن انقلاب زن زندگی آزادی متحقق خواهند کرد.

حداقل دستمزد ۶۰ میلیون

حسن صالحی

محمدعلی ترکاشوند، دبیر اجرایی خانه کارگر شهرستان ری در اظهارنظری پیرامون موضوع جلسات شورای‌عالی کار برای تعیین حداقل دستمزد سال آینده گفت: تورم بالا، با ایده افزایش ۳۵ درصدی مزد و حقوق، مخالفیم زیرا این میزان بسیار ناکافی است و باید بر لزوم ترمیم دستمزدها متناسب با تورم تأکید کرد.

از اظهارات این نماینده شورای اسلامی پیداست که قرار است برای سال آینده حداقل دستمزدها فقط ۳۵ درصد افزایش پیدا کند. این میزان احتمالی افزایش دستمزد در شرایطی که گرانی اجناس

بیداد می‌کند و تورم افسارگسیخته و کاهش مداوم ارزش ریال قدرت خرید مردم را می‌بلعد بسیار بی‌شرمانه و جنایت‌کارانه است و حتی زمزمه‌های آن نیز باید با اعتراض قوی کارگران و همه حقوق‌بگیران زحمت‌کش روبرو شود. ما به این میزان افزایش تحقیرآمیز دستمزد نه فقط نه می‌گوئیم؛ بلکه با صدای بلند اعلام می‌کنیم که خواهان دستمزدی هستیم که بتواند نیازهای یک زندگی انسانی مبتنی بر رفاه و آسایش را برای کارگران تأمین کند.

ما می‌گوئیم در شرایط کنونی هیچ حقوق‌بگیر زحمت‌کشی اعم از کارگر، معلم، پرستار، بازنشسته و غیره نباید کمتر از ۶۰ میلیون تومان حقوق

بگیرد و این میزان متناسب با نرخ تورم باید مرتباً افزایش یابد. این خواستی است که می‌تواند همه بخش‌های جامعه را حول مسئله افزایش دستمزدها متحد کند و درعین‌حال تلاش دولت و سرمایه‌داران برای تکه‌تکه و منطقه‌ای کردن دستمزد کارگران را عقیم بگذارد. چطور می‌شود که حقوق‌های نجومی باید برای آنهایی باشد که مسبب فقر و بی حقوق مردم‌اند و تا نوبت به کارگر و حقوق‌بگیر زحمت کش می‌رسد آنها باید با دستمزدهای بخورونمیر دست‌وپنجه نرم کنند؟!

بگذار کسانی که در پشت درهای بسته و در غیاب نمایندگان واقعی کارگران برای قیمت نیروی کارگر خودسرانه تصمیم می گیرند، بدانند

که اگر چه ما در این جلسات نیستیم؛ ولی حق و رأی خود را با صدای بلند در جامعه اعلام می‌داریم. بگذار در مقابل همان محلی که خودسرانه درباره میزان حداقل دستمزد کارگران تصمیم می گیرند کارگران، معلمان و بازنشستگان و پرستاران با پلاکاردهایی در دست حضور یابند و بگویند که ما به حقوقهای تحقیرآمیز نه می گوییم و به حقوق‌های کمتر از ۶۰ میلیون تومان راضی نمی‌شویم.

زنده‌باد جنبش علیه اعدام

آذر پویا

پنج استاد فقه، صدیقه وسمقی، محمدتقی اکبرنژاد، شهاب‌الدین حائری شیرازی، عبدالرحیم سلیمانی اردستانی و احمد عابدین، در بیانیه‌ای احکام صادر شده اعدام را جنایت خواندند و خواهان لغو آنها شدند.

”اعدام قتل عمد دولتی است“ جمله‌ای پر معنا و طلائی است که زنده‌یاد منصور حکمت ۲۵ سال پیش در توضیح عمل شنیع اعدام بکار برد. جنبش علیه اعدام از آن روز تابه‌حال راه درازی را پیموده و در مقاطع مختلف توانسته است در زوایای مختلف

جامعه نفوذ کند و خود را گسترش دهد. این جنبش در سال‌های اخیر موفقیت‌های چشمگیری داشته، با شعار "نه به اعدام" در اعتراضات خیابانی، پیوستن مادران دادخواه به این جنبش، شروع کمپین سه‌شنبه‌های اعتراضی در داخل زندان‌ها و کارزار جهانی علیه اعدام، باز هم گسترده‌تر شده و به یکی از جنبش‌های بسیار مهم و تأثیرگذار تبدیل شده است.

اعتراضات وسیع در خارج کشور برای نجات جان افرادی که زیر حکم اعدام هستند و دفاع از حق زندگی آنها، صدای دادخواهی را بگوش جهانیان رسانده و نهادهای بین‌المللی را هم وادار به عکس‌العمل کرده است. جاوید رحمان گزارشگر پیشین ویژه

سازمان ملل در گزارشی که اخیراً منتشر کرده، جمهوری اسلامی را از بزرگ‌ترین مجریان مجازات اعدام در جهان با «نقض آشکار قوانین بین‌المللی حقوق بشر» دانسته است.

صدور بیانیه‌ای از طرف پنج استاد فقه و اعتراض به حکم اعدام‌ها، نشانه دیگری از پیشرفت این جنبش و گسترده‌تر شدن آن در تمام ابعاد جامعه است. ما ضمن استقبال از چنین رویکردهایی خواهان گسترش هر چه بیشتر و برهم‌زدن توازن قوا به نفع نجات جان همه محکومین به اعدام و لغو مجازات اعدام هستیم. نباید اجازه داد جلادان با هر اذان صبح جان‌های بیشتری را بگیرند و قاضیان مرگ نان صبحانه‌شان را با خون رنگین کنند. شعار "نه به

اعدام“ و جمله ”اعدام قتل عمد دولتی است“ را باید ملکه ذهنمان کنیم همراه و همگام با سازمان‌ها و کمپین‌های علیه اعدام قدم برداریم، با خانواده‌ها در مقابل زندان‌ها برای لغو اعدام عزیزانشان همراه و هم‌صدا شویم، طناب دار این ابزار سرکوب و حاکمیت قاتلان فرزندانمان را از دستان کثیفشان بگیریم.

بعد از فتح خاکریز حجاب نوبت به لغو دوفاکتو مجازات اعدام است. برای داشتن جامعه‌ای سالم و بدون خشونت لغو مجازات اعدام امری ضروری‌ست.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۷۵

۱ مارس ۲۰۲۵ – ۱۱ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

اقتصاد رژیم اسلامی در فاز فروپاشی

سیاوش آذری

روزه‌خواری و تاکتیک‌های مردم

سینا پدرام

پیام اوجالان و مسئله کُرد

کیوان جاوید

اسکاندال ترامپ در مقابل زلنسکی

پتی دبونیتاس

آیا زیبا نیست؟

برای کمک مالی

اقتصاد رژیم اسلامی در فاز فروپاشی

سیاوش آذری

بنا بر گزارشی مندرج در "یورونیوز" خسارت ناشی از قطعی برق و تعطیلی متعاقب ادارات دولتی و بنگاه‌های تولیدی در ایران حدود ۳۸۹ میلیون دلار در روز است. در سال گذشته کمبود برق و گاز موجب افت شدید فعالیت‌های تولیدی و خدمات گشته که می‌تواند اقتصاد از بن بحرانزده جمهوری اسلامی را بیش‌ازپیش متزلزل و شکننده نماید.

افت فعالیت تولیدی کاهش رشد اقتصادی، افزایش بیکاری و تشدید فقر و فلاکت اقتصادی برای

توده‌های وسیعی که فی‌الحال زیر خط فقر به سر می‌برند را بدنبال خواهد داشت. نکته اینجاست که رژیم اسلامی به‌هیچ‌وجه قادر به مهار و مدیریت بحران ناترازی انرژی و دیگر مشکلات و مصائب موجود که تمامی جوانب جامعه را دربرگرفته نیست. این عدم توانایی ناشی از "سو مدیریت" و یا "کار نابلدی" نیست. بحران اقتصادی و اجتماعی موجود ناشی از ساختار حکومت اسلامی است؛ همانطور که بارها اشاره کرده‌ایم، عامل اصلی بحران رژیم اسلامی است. فلاکت اقتصادی و اجتماعی موجود چیزی جز از نتیجه ضروری اقتصاد دزدسالار و مافیایی سرمایه داری اسلامی مبتنی بر رانت‌خواری، رشوه‌خواری و اختلاس و دزدی‌های نجومی آخوند میلیاردرها و آقازاده‌ها

و سیاست حمایت از نیروهای تروریستی و نیابتی در منطقه و تسلیح و تأمین مالی آنها که منجر به تشدید انزوای سیاسی و اقتصادی رژیم در سطح جهان می‌گردد نیست.

راه برون‌رفت از بحران جاری و پایان‌دادن به فقر و فلاکت اقتصادی و براه انداختن چرخ تولید در راستای پاسخ به نیازهای انسان‌ها و ایجاد جامعه‌ای مرفه، برابر و انسانی به زیر کشیدن حکومت الله است. جمهوری اسلامی غرق در باتلاق بحران و در آستانه فروپاشی اقتصادی کامل است. می‌توان و باید با اقدامات و اعتراضات همبسته و متحدانه علیه فقر و فلاکت و فساد ضربه‌ای مهلک و نهایی به رژیم خونخوار اسلامی وارد نمود. جنبش‌ها

و نهادهای مردمی، فعالین سیاسی و میدانی، دست در دست هم باید پرچم مبارزه علیه رژیم فقر و فساد را به اهتزاز درآورند. دانشجویان، بازنشستگان، پرستاران، فرهنگیان، کارگران، افراد دارای معلولیت، بیکاران و خانه‌داران، همه‌وهمه با پیوستن به جنبش علیه فقر و متحدانه قادر به پایان‌دادن به عمر ننگین رژیم خونخوار اسلامی خواهند بود. این امری شدنی است: یکپارچه و همبسته به‌پیش!

روزه‌خواری و تاکتیک‌های مردم

سینا پدرام

محمد نبی موسوی‌فرد، نماینده خامنه‌ای در استان خوزستان گفت: "اگر فردی بیمار است، حق ندارد در فضای عمومی روزه‌خواری کند و مسئولان استان باید با روزه‌خواران برخورد کنند."

او افزود: "به روزه‌خواران ابتدا باید تذکر داد و در مراحل بعدی مجازات‌های شدید قضایی برای آنان در نظر گرفته شود."

هرسال در ایران ماه رمضان به یک لشکرکشی اجتماعی در ابعاد میلیونی در مقابل رژیم پوسیده اسلامی تبدیل می‌شود. رژیم روزه‌خواری را

سال‌هاست که "سیاسی - امنیتی" اعلام کرده است چرا که روزه‌داری را "سیاسی و امنیتی" می‌داند.

مردم، روزه‌خواری علنی را به یک ابزار مبارزه با رژیم سیاسی مذهبی ایران تبدیل کرده‌اند و سال رژیم درمانده هر سال پیش به انتظار می‌نشیند تا این ماه با "دردسر" کمتری طی شود.

روزه‌داری یک امر آشکارا ضد پزشکی و عقب‌ماندگی فرهنگی است. این را بسیاری از مردم عادی به‌خوبی می‌دانند. اما حفظ ماه رمضان و روزه‌داری برای رژیم تلاشی برای حفظ اسلام و حکومت اسلامی است.

جنبه سیاسی روزه‌خواری چنان برای رژیم پر هزینه است که رژیم هر سال با تهدید پلیس و دادگاه مجبور می‌شود به جنگ بر علیه شهروندان برود و بار دیگر شکسته خورده و فرسوده اقرار کند که مردم هیچ وقعی به مراسم گندیده روزه‌داری رژیم نگذارده‌اند و جامعه "دین‌گریز" شده است. البته باید یک چیز را به این حضرات گوشزد کرد که جامعه ایران از دوران مشروطیت به بعد هیچ‌گاه "دین‌پناه" نبوده است که اکنون به صرافت "گریز" از دین بیفتد. آنچه که در ایران مرسوم بوده است همان دین رسمی بوده است که توسط سلطنت و رژیم اسلامی به مردم تحمیل شده است.

امسال نیز روزه‌خواری به یک "تاکتیک سیاسی" توسط مردم بر علیه رژیم و مذهب تبدیل شده و برای هیچ نماینده امام و خود امام تره‌ای خرد نخواهد شد.

مشکل رژیم در این است که ماه رمضان و هر نوع مناسک مذهبی را به اهرمی برای سرکوب جامعه مبدل کرده است و اکنون با استیصال تمام می‌بیند که نه‌تنها ابزار سرکوبش ازکارافتاده، بلکه خود این ماه به یک ابراز اعتراض همگانی به تمام ارکان وجودی رژیم مبدل شده است. پیشاپیش روزه‌خواری را تبریک می‌گوییم.

پیام اوجالان و مسئله کُرد

کیوان جاوید

عبدالله اوجالان، پنجشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۳ ـ ۲۷ فوریه ۲۰۲۵، در پیامش خواستار پایان مبارزه مسلحانه و خلع سلاح و انحلال پ‌ک‌ک شد. پ‌ک‌ک می‌گوید در اجابت درخواست عبدالله اوجالان سلاح‌ها را زمین خواهد گذاشت.

در این تصمیم حقیقتی وجود دارد که دیگر ممکن نیست با استقرار در کوه‌های قندیل و ادامه "جنگ مسلحانه" به نتیجه‌ای مطلوب رسید. اما صرف زمین گذاشتن اسلحه توسط پ‌ک‌ک نیز معجزه نمی‌کند

برای ناسیونالیسم عظمت‌طلب، چه حاکم، چه تحت ستم، انسان‌ها به نژاد و قوم، فرودست و بالادست تبدیل می‌شوند و حق حیات سیاسی و انسانی آنها مشروط می‌شود. تا زمانی که حق شهروندی برابر ورای "ملیت و قومیت و نژاد" مبنای سیاست حاکمین نباشد، پایان دادن به ستم ملی ممکن نخواهد بود.

ناسیونالیسم کُرد در ترکیه رسماً در این پیام اوجالان از حق حاکمیت و تشکیل دولت مستقل دست می‌شوید و به این اعتبار در بهترین حالت شاید بتواند مختصر استقلالی از نظر اداره محلی و فرهنگی به دست بیاورد. این "استخوان‌لای‌زخم"

باقی خواهد ماند. این هم البته مشروط به قدرت ناسیونالیسم حاکم در تُرکیه است که چه امتیازی به "ملت تحت ستم کُرد" بدهد یا ندهد. جدال وسیع‌تر جامعه ترکیه در این میان البته نقش تعیین کننده‌ای در حل مسئله کُرد در ترکیه دارد.

آنچه که باید مبنا گرفته شود این سیاست است که هر گاه مردمانی نتوانند به‌خاطر ستم ملی در چهارچوب یک کشور زندگی کنند آنگاه حق دارند با برگزاری انتخابات آزاد جدا شوند. توصیه و جهت سیاسی ما البته ضرورتاً جدایی نیست، بلکه بودن در یک ساختار سیاسی کشوری با حق برابر شهروندی است. اگر این حق برابر شهروندی برای "ملت تحت ستم" توسط حاکمیت به رسمیت

شناخته نشود آنگاه جدایی تنها راه ممکن خواهد بود.

پیام اوجالان البته پایان یک دوره تاریخی برای نیروی مسلح در کردستان ترکیه را اعلام کرده است. بااین‌حال آیا انسانیت برابری‌طلب گام بزرگ‌تری در حل ستم ملی به جلو برخواهد داشت تا حل این معضل تازه امتداد قوی‌تر مبارزه‌ای باشد علیه نظام سرمایه‌داری که بر تضاد منافع طبقانی بین ۱ درصدی‌ها و ۹۹ درصدی استوار است؟

اسکاندال ترامپ در مقابل زلنسکی

پتی دبونیتاس

دیدار روز جمعه، ۲۸ فوریه – ۱۰ اسفند، ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین با دونالد ترامپ به مشاجره‌ای لفظی بین دونالد ترامپ و جی دی ونس از یکطرف و زلنسکی از طرف دیگر تبدیل شد.

ترامپ و معاونش در کمال گستاخی به زلنسکی توهین می‌کنند و درست مثل لات‌های سر گردنه یا همان هفت‌تیرکش‌های فیلم‌های وسترن به رئیس‌جمهور یک کشورِ در حال جنگ با دولت متجاوز روسیه خط ونشان می‌کشند. مشاجره‌ای

که در این دیدار صورت گرفت تا امروز در دنیای سیاست در مقابل دوربین‌ها و خبرنگاران و در سطح علنی سابقه نداشته است. "گاوچران‌های" حاکم بر دولت آمریکا در کنار پوتینِ متجاوز در یک سنگر قرار گرفته‌اند تا اوکراینِ درگیر جنگ و کشتار را به‌زانو در بیاورند. هر چند تحت این شرایط هم زلنسکی در برابر قلدری و چماقداری این دو لمپن حاکم بر کاخ سفید کوتاه نیامد.

ترامپ با تاسی از شغل بسازوبفروشی‌اش می‌خواهد از این وضعیت اسفناک حاکم بر اوکراین سوءاستفاده کند و معادن غنی اوکراین را بدون حتی دادن کمترین امتیاز امنیتی تصاحب کند. این یعنی اعتراف علنی و بی‌شرمانه و

بی‌رودربایستی سیاست تجاوزکارانه دولت فعلی آمریکا بر جهان. این یعنی ترجمه عملی "اول آمریکا" یا "برگرداندن عظمت به آمریکا".

رهبران و دولت‌های اروپایی نیز از این سیاست دولت ترامپ به سرگیجه افتاده‌اند. قول کمک بی‌دریغ به اوکراین می‌دهند، اما به‌اندازه کافی محکم در مقابل روسیه و پوتین فاشیست ایستادگی نمی‌کنند.

موضوع به‌سادگی این است که پوتین و ارتش تا دندان مسلح روسیه همان خوابی را برای اوکراین و شاید دیگر کشورهای اروپایی دیده است که ۸۰ سال پیش هیتلر برای اروپا دیده بود. آیا نباید

در برابر این خطر تمام‌قد ایستاد؟

ترامپ بارها گفته است اگر روسیه به کل اروپا هم حمله کند، خیالی نیست. این استراتژی دولت ترامپ است. اینکه همین استراتژی بعد از پایان ریاست‌جمهوری ترامپ ادامه پیدا کند یا نه حالا مورد بحث نیست. اما در جهان چندقطبی که آمریکا نیز در حال ازدست‌دادن هژمونی و نفوذ سیاسی و اقتصادی خود است، قطعاً اتفاقات بد یا خوب زیادی رخ خواهد داد. بستگی به این دارد جهان متمدن چگونه به حاکمین افسار بزند.

آیا زیبا نیست؟

برای کمک مالی

- آیا زیبا نیست برای آزادی و تحقق انسانیت مبارزه کردن؟
- آیا زیبا نیست از مبارزات زنان و مردان در ایران برای بدست آوردن خوشبختی حمایت کردن؟
- آیا مبارزه علیه آپارتاید جنسیتی و علیه یک حکومت مذهبی قابل تقدیر نیست؟
- آیا نباید از مردمی که علیه فقر و نابرابری می جنگند، با همه توان حمایت کرد؟

در زندگی مصائب زیادی وجود دارد که ما یا مستقیما درگیر مقابله با آنها هستیم یا بعنوان

همنوع شریک مبارزات مردمانی می شویم که می خواهند رفاه و برابری را برای همه متحقق کنند.

ارزش زندگی در آزاد زیستن است. کمک کنید تا مردم ایران، بعنوان بخشی از انسانیت جهانشمول، در مبارزه خود پیروز شوند.

ما سالها است در دفاع از حقوق مدنی مردم، از حقوق زنان و علیه آپارتاید جنسیتی، از حقوق کارگران، علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی، دفاع از حقوق کودکان و از پایمال شدن حقوق انسانی ال جی بی تی کیوها پلاس ها و ... مبارزه می کنیم. ما مدام در

کشورهای مختلف کمپین های زیادی سازمان داده ایم و همچنان بی وقفه ادامه میدهیم.

ما تلویزیون ماهواره ای ۲۴ ساعته ای داریم که صدای واقعی مردم ایران علیه یکی از ارتجاعی ترین حکومت‌های تاریخ معاصر است. کمک کنید تا هزینه سنگین این تلویزیون تامین شود.

از ما حمایت مالی کنید تا در راه تحقق رویاهای شیرین انسانی مردم ایران بهتر و بیشتر مبارزه کنیم!

کمک مالی خود را از طریق تماس با ژورنال به دست ما برسانید!

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
/https://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۷۶

۲ مارس ۲۰۲۵ – ۱۲ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

امنیت رژیم اسلامی، ناامنی محض است!

سینا پدرام

اقتصاد ویران شده و همتی قربانی شده

سیاوش آذری

پزشکیان: پول ما را نمی‌دهند!

بابک یزدی

وقتی نام زن سرود انقلاب می‌شود

کیوان جاوید

امنیت رژیم اسلامی، ناامنی محض است!

سینا پدرام

علیرضا تنگسیری، فرمانده نیروی دریایی سپاه گفت: "نیروی دریایی سپاه با اتکا به ظرفیت‌های دانش‌بنیان و توان متخصصان داخلی، به مرحله‌ای از قدرت رسیده که در برابر هرگونه تهدید، پاسخی قاطع و کوبنده خواهد داد." او افزود: "ما امروز افتخار می‌کنیم که در کشور خود دارای امنیت هستیم."

سخنان این آدمک ابلهانه است. اجازه بدهید به "امنیت" مورد ادعای این هفت‌تیر به دست نگاهی بیندازیم. عالم‌وآدم شاهد هستند که رژیم

اسلامی چگونه در خاورمیانه دست را به ترکیه و اسرائیل و بقیه دولت‌های منطقه باخته است و نیازی به تکرار واقعیت‌های روشن‌تر از آفتاب نیست.

آیا زنان ایران امنیت دارند که برای هر جزئی از زندگی شخصی و حرفه‌ای خود، هر روزه مورد تعرض اوباشان جیره‌خوار و فاطمه کماندوهای دهن‌دریده قرار می‌گیرند؟ صدای زن ممنوع است چه رسد به حضور اجتماعی که نیاز به امنیت روانی و اقتصادی دارد. در مورد امنیت کودکان چه فکر می‌کنید؟ بیشتر از یک میلیون و نیم کودک کار و خیابان به امنیت شما پشیزی ارزش قابل نیستند چرا که هرگز معنی امنیت در

زندگی خود را نفهمیده‌اند.

تعرض گنده لات‌های حراست در دانشگاه‌ها به حریم دانشجویان را امنیت نامیدن، جسارت نیست، گستاخی شرم‌آوری است. از "امنیت و آزادی"جوانان بگوییم. استرس، ناامیدی به آینده، خودکشی، اعتیاد، بیکاری ۳۰-۴۰ درصدی، بی پولی و خلاصه هر آنچه که نباید در زندگی یک جوان دیده شود، در جای جای حیات جوانان لانه کرده است. آنچه که قابل تحسین است، مقاومت و تلاش جوانان علیرغم تمامی این نا امنی‌های اجتماعی است.

از امنیت شغلی چه خبر؟ هزاران‌هزار پرستار و

دکتر و متخصص مجبور به کار در کشورهای مجاور هستند. مهاجرت ناخواسته یک عارضه از ناامنی شغلی و اجتماعی است. جناب پاسدار! شما از "امنیت اقتصادی" کارگران، معلمان، بازنشستگان با دلاری که هر روز چندین هزار تومان گران‌تر می‌شود، خبر دارید.

امنیت مورد ادعای ایشان، امنیت بیت رهبری، آیت‌الله های میلیاردر و میلیاردرهایی است که مشغول به چپاول ثروت مردم و کارگران هستند. جناب پاسدار امنیت شما را انقلاب زن زندگی آزادی به هم زده است. انقلاب در راه تمامی "امنیت" شما را جارو خواهد کرد تا امنیت واقعی را با رفاه و آزادی برای مردم به ارمغان بیاورد.

اقتصاد ویران شده و همتی قربانی شده

سیاوش آذری

روز یکشنبه ۱۲ اسفند نمایندگان مجلس اسلامی پس از بررسی طرح استیضاح عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد و دارایی، به برکناری او رأی دادند. از مجموع ۲۷۳ نماینده حاضر در مجلس، ۱۸۲ نفر به او رأی عدم اعتماد دادند و تنها ۸۹ نماینده با ادامه کار او موافقت کردند.

همتی را از گاری دولت پایین انداختند تا جمهوری اسلامی را به‌عنوان مسبب اصلی این فلج اقتصادی حفظ کنند. پزشکیان در دفاع از وزیر اقتصادش می‌گوید مشکل از من و همتی و دولت بر سرِ کار

نیست. او می‌گوید: کشور "در حالت جنگی" است و حتی قطر و ترکیه و عراق هم دلارهای ایران را پس نمی‌دهند. در ادامه برای اینکه مخالفین را از خر شیطان پایین بیاورد می‌گوید: "وقتی در جنگیم باید حالت جنگی بگیریم. در حالت جنگی اینکه همدیگر را مقصر کنیم مشکل ما را حل نخواهد کرد."

قصه چه سمت و سویی دارد؟ یکی بود یکی نبود، جمهوری اسلامی بود که قرار بود آنقدر به عمر خود ادامه بدهد تا روزی برسد که در دنیا انقلاب اسلامی بشود و در همه کشورها حکومت اسلامی برقرار بشود. حتی وعده این را داده بودند که کاخ سفید حسینیه ارشاد بشود. مفت‌گویی‌ها و

رجزخوانی‌های تو خالی طی عمر جمهوری اسلامی بسیار شنیده شده است، اما هیچ زمان چون امروز کشتیِ شکسته رژیم به ته اقیانوس نرسیده بود. این وضعیت را همه نمایندگان از هر دسته و جناج به خوبی می‌دانند. همه می‌دانند مقصر همتی نیست. همه این واقعیت را می‌دانند اما نمی‌توانند اعتراف کنند خانه از پایه ویران است. اول ماه رمضان گوسفندی باید قربانی شود و چه‌بهتر این قربانی وزیر اقتصاد باشد.

این وضعیت باید پاسخ در خور بگیرد. فقر فلاکت و اقتصاد درهم‌شکسته به‌خودی‌خود یک حکومت را از بین نمی‌برد. فقر و فلاکت را باید با اتحاد و مبارزه سراسری؛ با ایجاد صدها

تشکل ریزودرشت و پیونددادن همه این نهادها و تشکل‌ها در یک ظرف سراسری مبارزاتی به مصاف طلبید. این امر در ایران ممکن است. منافع مردم یکی است. تفرقه در میان مردم وجود ندارد. مردم یک صف به هم فشرده‌اند که برای زندگی بهتر مبارزه می‌کنند. در ایران حزبی در رأس مبارزه سرنگونی طلبانه حضور دارد که می‌تواند دست در دست همه مردم و تشکل‌ها جمهوری اسلامی را براندازد. راه نجات و رهایی از این مسیر می‌گذرد.

پزشکیان: پول ما را نمی‌دهند!

بابک یزدی

مسعود پزشکیان روز شنبه ۱۲ اسفند در جلسه استیضاح وزیر اقتصاد گفت: "قطر، عراق، ترکیه و بسیاری از کشورها دلارهای ما را پس نمی‌دهند."

به این می‌گویند یک حکومت در حال فنا. نه فقط به این دلیل که پول نفت فروخته شده را به حکومت اسلامی پس نمی‌دهند. بلکه تا چشم کار می‌کند دشمنی داخلی و خارجی را علیه حکومت منحوس خودشان مشاهده می‌کنند. جمهوری اسلامی می‌توانست حتی با آمریکا تضاد منافع داشته باشد اما اینچنین درمانده و

منزوی و بی‌آینده نباشد.

پزشکیان بن‌بست جمهوری اسلامی را بیان کرده است اما نمی‌گوید چرا به اینجا رسیده‌اند. نمی‌گوید ما با دنیا سر جنگ داریم؛ نمی‌گوید ما منبع صدور تروریسم و آدمکشی به جهان هستیم؛ نمی‌گوید ما حکومت گروگان‌گیری جهانگردان هستیم؛ پزشکیان از کارنامه پر از جنایت و شکنجه و اعدامش نمی‌گوید که باعث شده بسیاری از مردم جهان به این جنایت سازمان‌یافته حکومتی در ایران نگاه کنند و خود را کنار مبارزات مردم در ایران ببینند. پزشکیان نمی‌گوید ما یک حکومت به‌هم‌تنیده ضدبشری هستیم که هیچ ارزشی برای انسانیت قائل

نیستیم؛ نمی‌گوید با شتاب در حال رسیدن به ساختن بمب اتم هستیم و هیچ دولت و بنی‌بشری در جهان نمی‌خواهد این رژیم به بمب اتمی دست پیدا کند.

در کنار همه اینها مردم ایران به چشم خود ظرفیت‌های بالای جنایت و فساد و غارتگری جمهور اسلامی را می بینند. جامعه دیده است هر روز که بر عمر این حکومت اضافه می‌شود مردم چگونه اسیر فقر و فلاکت می‌شوند. مردم ازهم‌پاشیده شدن تاروپود جامعه را به چشم می‌بینند، فحشا دخترکان ۱۰ساله را هم در خود غرق می کند؛ کودکان کار نشکفته پرپر می‌شوند، شلاق اسلام بی‌وقفه بر جسم و زنان فرود می‌آید

و هزار مصیبت دیگر.

پزشکیان با این نبرد بزرگ اجتماعی دست به گریبان است. اگر جامعه ایران خاموش و سرکوب شده و دست‌بسته بود، اقتصاد جمهوری اسلامی به این روز نمی‌افتاد. حتی با همه خطراتی که جمهوری اسلامی خارج از مرزهای ایران برای دولت‌ها ایجاد می کرد باز هم پول فروش کالاها و از جمله فروش نفت و گاز به جیب جمهوری اسلامی سرازیر می‌شد و آمریکا و اروپا حساب ویژه‌ای برای رژیم باز می کردند. درد جمهوری اسلامی داخلی است.

وقتی نام زن سرود انقلاب می‌شود

کیوان جاوید

احمد مطهری‌اصل، نماینده خامنه‌ای در آذربایجان شرقی گفت: "برداشتن حجاب به معنای نفی کرامت زن است و هیچ نمونه‌ای در تاریخ وجود ندارد که بدون رعایت حجاب، بتوان به کرامت انسانی دست یافت." او افزود: "حجاب یکی از ارکان کرامت زن در اسلام است."

بیایید تصور کنیم که در مغز این "بشر" چه می‌گذرد. از وقتی که از خواب بیدار می‌شود، نماز می‌خواند، بر سر سفره صبحانه می‌نشیند و چای شیرین می‌نوشد و نان برشته دانه کنجدی همراه

مربا و کره و عسل با دو عدد تخم‌مرغ می‌خورد. هنوز مشغول خوردن صبحانه است و با خود فکر می‌کند پس این مغز گردوی لعنتی چه شده است؟ چرا این زن به وظایف خود عمل نمی‌کند، چه بر سر ما و اسلام عزیز آمده است که هر روزِ روزگار باید منتظر یک کم کاری، یک خرابکاری یک بی سلیقگی، باشیم؟

در ذهن این بشر جرقه‌ای زده می‌شود و بیاد می‌آورد چند سالی است که دخترکی را به زنی نگرفته است. صیغه‌ای نداشته است. کسی که به عمر باقی‌مانده‌اش معنایی جدید بدهد. حوری وشی که فقط در حضور این مرد خدا در خانه حجاب از سر بر می‌دارد و عشوه گری می‌کند.

”کرامتی“ که اسلام برای زنان در نظر گرفته است آنچنان زیاد است که شنیدن آن رعشه بر اندام هر انسان شرافتمندی می‌اندازد. کراماتی که زندگی زنان را به شکنجه‌گاه با اعمال شاقه تبدیل کرده. کرامت‌های بیشتری که تجاوز جنسی فقط یکی از آن آنها است. زن در حجاب برای آخوند و مسلمین مومن کالایی کمیاب است که باید از چشم بیگانه پنهان بماند. تاریخ جنایت مذهبی و اسلامی بر زنان تاریخ وحشتناک و سیاهی است. تاریخ انکار انسانیت زن، تاریخ قتل‌های ناموسی و تاریخ بردگی جنسی.

نماینده خامنه‌ای حق دارد از این تاریخ سراپا

جنایت دفاع کند. بی حجابی زن، آزادی و استقلال زن، تأمین اقتصادی زن و هرآنچه که باعث شود زن بتواند از دست هیولاهای مذهبی و اسلامی رها شود باید با شلاق و زندان و شکنجه و اعدام پاسخ بگیرد.

قسمت زیبای تاریخ بشری اما این است که زنان این تباهی را به مصاف طلبیده‌اند و جهان متمدن در برابر این ویروس ضدبشری قد علم کرده است. قسمت زیباترش همین روزها در ایران جلوی چشم همگان در جریان است. جایی که نام زن سرود انقلاب برای نابودی بساط اسلام و هر آنچه که ضدانسانی است شده است. جایی که نام انقلاب زنانگی این انقلاب را فریاد می‌زند. زن زندگی آزادی.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
/https://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۷۷

۳ مارس ۲۰۲۵ – ۱۳ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال:

به استقبال هشت مارس زن زندگی آزادی برویم

شهلا دانشفر

مشاجره زلنسکی و ترامپ، شکاف سران جمهوری اسلامی

محسن ابراهیمی

صدای هیوا سیفی‌زاده، رعشه‌ای بر اندام جمهوری اسلامی

عطیه نیک‌نفس

چگونه به جنبش عدم پرداخت فیش آب و برق سازمان داد؟

سینا پدرام

به استقبال هشت مارس
زن زندگی آزادی برویم

شهلا دانشفر

به استقبال هشت مارس، روز جهانی زن می‌رویم. به دنبال انقلاب زن زندگی آزادی که اولین انقلاب زنانه تاریخ نام گرفت و شهره‌اش جهانی شد، هشت مارس رنگ و چهره دیگری به خود گرفته است. این را در گفتمان‌های این روز و در مراسم‌های گرامیداشت آن به‌روشنی می‌بینیم.

هشت مارس امسال نیز مُهر این انقلاب را بر خود دارد و تدارک برای برگزاری آن گسترده است. دو روز قبل شاهد برگزاری گردهمایی پرشور فعالان اجتماعی در استقبال از "هشت مارس" روز جهانی زن

در تهران بودیم. طبق گزارش‌ها این مراسم توسط جمعی از فعالین ندای زنان ایران با همراهی بیش از ۷۰ نفر از فعالین کارگری، معلمان، بازنشستگان، نویسندگان، پرستاران، خانواده‌های دادخواه و فعالین مدنی و دانشجویی و حضور چهره‌های شاخصی از جنبش‌های اعتراضی و فعالین اجتماعی برگزار شد.

مراسم با گرامیداشت یاد مهسا امینی و دیگر جان‌باختگان راه آزادی، با قرائت پیام‌ها و همخوانی آهنگ‌هایی به یاد نیکا شاکرمی، حدیث نجفی و حمیدرضا روحی و همه جان‌باختگان انقلاب ژینا و آوازخوانی زنان و بخش شاد موزیک و رقص گروهی همراه بود. مراسم با محوریت شعار "زن زندگی آزادی" و تأکید حضار بر اتحاد همه عرصه‌های مبارزاتی برای ساختن یک زندگی بهتر با رقص و

شادی به پایان رسید.

لغو آپارتاید جنسیتی، لغو مجازات اعدام و همه احکام اعدام از جمله احکام سه زن مبارز شریفه محمدی، پخشان عزیزی و وریشه مرادی، اعتراض به فقر، تبعیض و نابرابری به‌عنوان درد مشترک همگان، لغو قوانین ضد زن، پایان‌دادن به قتل تحت عنوان ناموس و ازدواج کودکان، دادخواهی از جان‌باختگان راه آزادی و آزادی تمامی زندانیان سیاسی محورهای شاخص پیام‌های این مراسم بود. محورهایی که تم‌های اصلی هشت مارس و موضوعات اعتراضات سراسری مردمی در تداوم انقلاب زن زندگی آزادی و برای به پیروزی رساندن آن هستند.

در کرمانشاه نیز بازنشستگان در تجمع مشترک خود

در ۱۲ اسفند با سخنرانی و کف‌زدن روز جهانی زن را گرامی داشتند.

درحالی‌که از هر گوشه جامعه اعتراض می‌بارد، شاهد چنین استقبالی از روز جهانی زن هستیم. جامعه‌ای که یک خواست فوری آن لغو آپارتاید جنسی و محاکمه سران حکومت به‌خاطر تمام جنایاتش است.

با برگزاری هشت مارسی باشکوه، این روز را به نقطه عطفی در تداوم انقلاب زن زندگی آزادی تبدیل کنیم.

مشاجره زلنسکی و ترامپ،
شکاف سران جمهوری اسلامی

محسن ابراهیمی

مشاجره زلنسکی با ترامپ و معاونش در کاخ سفید، طرف‌داران و مخالفین مذاکره با آمریکا در حاکمیت اسلامی را به جان هم انداخته است. روزنامه جمهوری اسلامی تیتر زده که "مجادله پیروز زلنسکی با ترامپ نشان داد که می‌توان با شیطان هم مذاکره کرد و بر او پیروز شد." در مقابل، از میان وابستگان به بیت خامنه‌ای به‌طرف مقابل طعنه می‌زنند که "تحقیر زلنسکی درس عبرت" و مثالی از "عاقبت تمام گدایان مذاکره با آمریکا و ترامپ" بود.

شکاف در بالای حکومت هم‌زاد جمهوری اسلامی است و با پایان حیات حکومت پایان خواهد یافت. مسئله این است که مقایسه جمهوری اسلامی و موقعیت حکام اسلامی با اوکراین و موقعیت زلنسکی بی‌پایه است.

زلنسکی سه سال تمام در مقابل پوتین و ارتش او که به اوکراین تجاوز کرد مقاومت کرده است و اکثر دول غرب هم پشتش هستند. باتوجه‌به این موقعیت است که او می‌تواند در خود کاخ سفید رودرروی ترامپ و معاونش که به‌اندازه خود ترامپ لات و لمپن است بایستد و به خواست آنها، یعنی الحاق بخشی از اوکراین به روسیه و واگذاری معادن آن به دست چپاول میلیاردهای آمریکا، تن ندهد. به‌خاطر چنین موقعیتی است که زلنسکی می‌تواند در مقابل

”دوربین‌های بین‌المللی“ از موقعیت حق‌به‌جانب، کاخ سفید را به تریبونی علیه پوتین و ترامپ تبدیل کند.

وضع حکام اسلامی دقیقاً برعکس است. آنها در کنار پوتین تجاوزگر هستند؛ در انزوای جهانی به سر می‌برند؛ به یمن انقلاب زن زندگی آزادی به‌عنوان سران یک حکومت آپارتاید جنسیتی شناخته شده‌اند؛ اسد و نصرالله و هنیه را ازدست‌داده‌اند و محور مقاومتشان درهم‌شکسته است؛ اقتصادشان در گل فرونشسته است و در جهان منزوی هستند. به‌خاطر همه اینها راهی ندارند جز اینکه در عین رجزخوانی علیه ”شیطان بزرگ“، از قاتلِ سلیمانی مذاکره گدایی کنند. به‌خاطر این وضعیت، اگر به فرض محال پای پزشکیان به کاخ سفید هم برسد، باید اولاً یادش نرود پرچم تسلیم را هم با خود ببرد و ثانیاً در مقابل

حمایت ترامپ از پوتین خفه‌خون بگیرد. اگر زلنسکی برنده مشاجره با قلدرمنشی میلیاردر حریص در کاخ سفید است، دارودسته حکومت اسلامی از میان چنین سناریوی فرضی فقط با سرووضع رقت‌بار بیرون خواهند آمد.

صدای هیوا سیفی‌زاده،
رعشه‌ای بر اندام جمهوری اسلامی

عطیه نیک‌نفس

”سعید نعمتی امره، وکیل هیوا سیفی‌زاده، به خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران گفت که موکل او به همراه جمعی از هم‌گروهی‌های ایشان به اتهام‌های برگزاری ”کنسرت فاقد مجوز“ و خوانندگی به‌عنوان تک‌خوان در حضور آقایان بازداشت شدند.“

جمهوری اسلامی که بعد از انقلاب زن زندگی آزادی و بی‌حجابی عملی زنان می‌خواست با تصویب لایحه عفاف و حجاب شرایط را به قبل از

انقلاب برگرداند، نه‌تنها با وجود مبارزات جسورانه زنان جرئت اجرایی کردن این لایحه را ندارد؛ بلکه هر روزه با نقش‌آفرینی خلاقانه زن مبارزی دیگر نفسش گرفته می‌شود.

واقعیت این است که در جنگ نابرابر بین زنان و جمهوری اسلامی زنان این رژیم زن‌ستیز را شکست داده‌اند و آوازه این پیروزی و مبارزات را به تمام دنیا مخابره کرده‌اند.

جمهوری اسلامی علی‌رغم دردست‌داشتن آموزش‌وپرورش، تمام سرمایه‌های یک کشور، سپاه و صداوسیما شکستی غیرقابل‌جبران از زنان خورده است. عکس زنان بی‌حجاب، صدای آواز زنان و در کل آزادی‌خواهی و مطالبه‌گری زنان آن‌چنان

رعشه‌ای بر اندام جنایتبار رژیم اسلامی می‌اندازد که مبادرت به دستگیری، تهدید و ارعاب می کند. دستگیری هیوا سیفی‌زاده، هنرمند خوش‌صدایی که جرمش هنر زیبایش است آن‌هم در آستانه روز جهانی زن فقط ضعف و زبونی رژیم را نشان می‌دهد. در تمام دنیا به مناسبت ۸ مارس، از زنان هنرمند، مبارز و فعال تقدیر به عمل می‌آورند و اقداماتی به عمل می‌آورند که آنها هرچه بیشتر در رسیدن به اهدافشان موفق باشند تا جامعه‌ای بهتر و سالم‌تر رقم بزنند.

جمهوری اسلامی با دستگیری زنان مبارز، زنانی که جامعه برای مبارزات و مقاومت‌های آنها ارزش و احترام قائل است، هر روز خودش را منفورتر می کند. با دستگیری هر زن برابری‌طلب هزاران زن

و مرد در حمایت از او بر پا می‌خیزند و به حکومت می‌فهمانند که خواست مردم یک زندگی برابر و بدون هیچ تبعیض جنسیتی است؛ جامعه‌ای سکولار که انسان‌ها دارای حقوق انسانی باشند. مردم برای رسیدن به این مهم از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند.

چگونه به جنبش عدم پرداخت فیش آب و برق سازمان داد؟

سینا پدرام

وزیر نیرو، عباس علی‌آبادی، از "ناترازی آب" و کاهش یک‌سوم ذخایر آب کشور خبر داد و از مردم خواست در مصرف آب صرفه‌جویی کنند. هم‌زمان، حسام خسروی، معاون شرکت آبفای تهران، احتمال جیره‌بندی آب در پایتخت را مطرح کرد و اعلام کرد که تنها تا طبقه دوم ساختمان‌ها فشار آب تأمین می‌شود و ساکنان طبقات بالاتر باید پمپ و مخزن نصب کنند.

فرافکنی جدید حضرات مضحک‌تر از همیشه

این است که مردم باید صرفه‌جویی کنند. مردم باید مصرف آب و برق و گاز را کم کنند. به آپارتمان‌نشین‌ها می گویند برای داشتن فشار کافی آب نیاز به تعبیه پمپ دارند. غافل از این که برای بکار انداختن پمپ آب نیاز به برقی هست که همیشه قطع است. به این می گویند معجزه اسلامی.

واقعیت این است که رژیم مافیایی اسلامی ۴۶ سال آزگار به غارت ثروتی دست‌زده است که از قِبِل کار و زحمت میلیون‌ها میلیون انسان زحمت کش و کارگر در این کشور به وجود آمده است. ۴۶ سال است که به‌جای صرف کردن این ثروت برای رفاه مردم، به حلقوم جنگ و تروریسم و نیروهای منطقه‌ای میلیاردها دلار سرازیر کرده است.

۴۶ سال است که به رانت‌خواری، جنگل‌خواری، دریاخواری، فروش برق، گاز و نفت و تمامی منابع طبیعی موجود، مازوت‌سوزی، سد سازی‌های غیرقانونی و کشاورزی غیرعلمی و هدردادن منابع آبی و فرسوده کردن خاک و هزاران تعرض دیگر بر مال و جان مردم پرداخته‌اند و اکنون تقصیر را گردن مصرف "بالای" مردم می‌دانند. یک‌ذره شرم در وجودشان نیست.

چاره چیست؟ مردم باید با تشکل در شبکه‌های مختلف به جنبش عدم پرداخت آبونمان‌های آب و برق و گاز و تا جای ممکن تمامی عوارض دولتی دامن بزنند. این امر شدنی است و مستقیماً به بهبود

مالی شهروندان منجر می‌شود. باید به اعتراضات نیابتی بر علیه آلودگی‌های محیط زیستی ناشی از سیاست‌های سودجویانه رژیم سازمان بدهیم. در دنیایی که شبکه‌های اجتماعی حرف آخر را می‌زنند باید با توفان توییتری، ایجاد شبکه‌های مدیای اجتماعی به جنبش عدم پرداخت فیش‌های دولتی سازمان بدهیم. تشکل‌یابی راه چاره مبارزه با فلاکتی است که رژیم مافیایی بر سر ما آوار کرده است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۷۸

۴ مارس ۲۰۲۵ – ۱۴ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

ریشه اختلافات حکومتی چیست؟

گفتگو با اصغر کریمی

۸ مارس و زنان زندانی سیاسی

سهیلا دالوند

افزایش مذهب‌گریزی و چالش‌های حکومت در ماه رمضان

میلاد رسایی‌منش

هشدار از درون جمهوری اسلامی: خشم مردم نزدیک است!

نسان نودینیان

ریشه اختلافات حکومتی چیست؟

گفتگو با اصغر کریمی

سوسن صابری: بحران فزاینده اقتصادی و سیاسی رژیم، حکومتی‌ها را وادار به ابراز علنی اختلافات درونی کرده است. بعد از برکنار کردن همتی و استعفای ظریف، پزشکیان اعلام کرد که موافق مذاکره با آمریکا بوده؛ ولی خامنه‌ای موافق نیست. همتی هم در باره بحران اقتصادی هشدار داده و گفت در طی ۷ سال گذشته ۱۰ میلیون از مردم به زیر خط‌فقر رفته‌اند و ۸۰ در صد زیر فشار رانت‌خواران و مافیای اقتصادی قرار دارند. نتیجه این اختلافات و تأثیرش بر صفوف رژیم را چطور ارزیابی می‌کنید؟

اصغر کریمی: نکته مهم‌تر در صحبت همتی آنجا

بود که گفت: "از من نخواهید اطلاعاتی را بدهم که دشمن شاد شود". یعنی اوضاع خراب‌تر از این است که قابل گفتن باشد.

درهرصورت ریشه بحران اقتصادی نظام سیاسی – ایدئولوژیک و هم‌زاد حکومت است و در چهارچوب این حکومت قابل علاج نیست. نه رابطه با غرب حل‌شدنی است و نه سرمایه، برای سرمایه‌گذاری‌های درازمدت و ساختاری احساس امنیت می‌کند. اما با تعمیق بحران اقتصادی و در واقع فلج اقتصادی که محصول تلنبار شدن معضلات مختلف در طول دهه‌های گذشته است، اکنون بحران اقتصادی به نوبه خود به عامل مهمی در تعمیق بحران سیاسی تبدیل شده و تشنج در صفوف حکومت جزء جدایی‌ناپذیر و غیرقابل‌مهار اوضاع سیاسی شده است.

یک محور مهم اختلاف حول مذاکره با دولت آمریکا است و نهایتاً جناح خامنه‌ای به آن تن خواهند داد؛ اما این نیز کوچک‌ترین تخفیفی در کاهش بحران اقتصادی و تنگناهای حکومت نخواهد داد. در هشت سال دوره احمدی‌نژاد بیش از ۶۳۵ میلیارد درآمد نفت بود. علی‌رغم این بحران اقتصادی در آن دوره بسیار عمیق‌تر شد. اکنون فرضاً که با آمریکا هم رابطه گرفته شود و تحریم‌ها حل شود یا کاهش پیدا کند بحران اقتصادی همچنان عمیق‌تر می‌شود. صنایعی که دیگر قابل‌رقابت نیستند، فسادی که قابل‌مهار نیست و ناامنی برای سرمایه‌گذاری‌های ساختاری، نه امکان کاهش بحران را می‌دهد و نه امکان هیچ گشایشی در زندگی مردم. حاصل این وضعیت دعواهای حکومتی را تندتر، تنش‌ها، استعفاها و استیضاح‌ها را بیشتر و موقعیت خامنه‌ای، تصمیم‌گیرنده اصلی سیاست‌های

نظام، را ضعیف‌تر و حکومت را پراکنده‌تر خواهد کرد. خالی‌کردن پشت نظام توسط دولت روسیه را نیز باید به این مجموعه اضافه کرد. در هیچ حالتی نه تعمیق بحران اقتصادی قابل علاج است نه تعمیق بحران سیاسی.

سوسن صابری: در این شرایط بحران حکومتی که حتی خودی‌های رژیم مدام در باره انفجارهای اجتماعی هشدار می‌دهند، چه باید کرد؟ مردم از این فرصت برای پیشروی در این جنگ با رژیم چطور می‌توانند استفاده کنند؟ چه اقداماتی باید در دستور قرار بگیرد؟

اصغر کریمی: بحران اقتصادی عمیق، به‌ویژه زمانی که اقشار وسیع‌تری را به سقوط می‌کشاند، بی‌دورنمایی

حکومت که حتی وعده بهبودی نمی‌تواند بدهد، باز شدن بیشتر شکاف‌های درون حکومت مقابل چشم مردم و فساد و بی‌آبرویی حکومتی‌ها، روشن است که زمینه و خوراک یک انفجار عظیم اجتماعی است. اما تا زمانی که جامعه فاقد تشکل‌های سراسری قدرتمند و بانفوذ برای فراخوان‌های سراسری باشد، امکان به خیابان آمدن نقشه‌مند مردم در بعدی سراسری امکان‌پذیر نیست. خیزش‌های ۷۸، ۸۸، ۹۶، ۹۸ و ۱۴۰۱ نیز هیچ‌کدام نقشه‌مند نبودند. بر این ضعف باید غلبه کرد. درعین‌حال اوضاع نه مانند ۸۸ است و نه حتی شبیه ۱۴۰۱. در طول این سال‌ها مردم همبسته‌تر و متشکل‌تر شده‌اند. آگاهی‌شان بسیار بالا رفته و در بعدی توده‌ای قدرت تجزیه‌وتحلیل پیدا کرده‌اند. شبکه‌های مبارزاتی مؤثری شکل گرفته است، شکست‌های قابل‌توجهی، به‌ویژه در زمینه

حجاب به حکومت تحمیل شده و روحیه مبارزاتی بالاتری در جامعه وجود دارد. در نتیجه زمینه‌های اعتراض سازمان‌یافته‌تر و نقشه‌مندتر فراهم شده است.

بحران اقتصادی اکنون گریبان ده‌ها میلیون نفر را گرفته است و در همین سطح باید به فکر راهکار بود. تشکل‌ها و فعالین کارگری و سایر جنبش‌های آزادی‌خواهانه با اتکا بر تجارب بالایی که در امر سازمانگری کسب کرده‌اند باید به فکر ایجاد شبکه‌هایی سراسری علیه فقر و گرانی، برای دستمزدها و حقوق‌های قابل زندگی، و مطالبات عمومی اقتصادی مانند درمان و تحصیل رایگان و حقوق پایه برای اکثریت عظیم جامعه باشند. بلندکردن پرچم قطع کلیه بودجه‌های نیابتی‌ها، دم‌ودستگاه مذهب و سرکوب و مصادره

اموال بالا کشیده شده توسط مقامات و آیت‌الله‌ها و آقازاده‌ها یک محور ایجاد اتحادی سراسری است که از زمینه‌های عینی و سیاسی بالایی برخوردار است. متشکل شدن و ایجاد شبکه‌های مبارزاتی هر چه وسیع‌تر و متنوع‌تر کلید پیشروی در شرایط کنونی و ایجاد آمادگی برای انقلابی است که پشت در است.

۸ مارس و زنان زندانی سیاسی

سهیلا دالوند

۸ مارس روز جهانی زن، تنها یک مناسبت تقویمی نیست؛ بلکه روزی است که یادآور مبارزه مدون و پیگیر تاریخی زنان علیه تبعیض، قوانین زن‌ستیزانه و نابرابری است. اما در ایران ۸ مارس برای زنان بسیار متفاوت‌تر است از دیگر نقاط دنیا که همچنان برای دستیابی به حقوق برابر مبارزه می‌کنند و سنت هشت مارس را به‌عنوان یک دستاورد جهانی بزرگ می‌دارند. از اولین ۸ مارس پس از به‌قدرت‌رسیدن جمهوری اسلامی تا کنون مبارزات زنان برای برابری با پرچم نه به حجاب، نه به آپارتاید جنسیتی، نه به قوانین اسلامی زن‌ستیز در جریان بوده و دقیقاً به

این مبارزه خصلتی عمیقاً سیاسی بخشیده و آن را به یک ستون نیرومند مبارزه برای سرنگونی رژیم تبدیل کرده است.

با آغاز انقلاب زن زندگی آزادی، مبارزات زنان برای برابری و علیه قوانین زن‌ستیز اسلامی باوجود شدت بازداشت‌ها و سرکوب‌ها، قوی‌تر، رادیکال‌تر و گسترده‌تر شده است. در چنین فضایی مقاومت و شجاعت وریشه مرادی، پخشان عزیزی، شریفه محمدی و دیگر زنان زندانی سیاسی، تحصن و اعتصاب زنان زندانی علیه مجازات اعدام و در حمایت از هم‌بندی‌هایشان، این رژیم را در زمین خودش به عقب رانده است.

این امر به‌روشنی درهم‌تنیده شدن جنبش برای

آزادی زندانیان سیاسی و جنبش رهایی زن را نشان می‌دهد. در روز جهانی زن باید خواستار آزادی بی‌قیدوشرط زندانیان سیاسی، به‌ویژه زنان زندانی، محکومیت آزار و شکنجه در زندان‌ها، دسترسی به دارو و خدمات درمانی برای زندانیان بیمار، افشای موارد نقض حقوق زنان در زندان‌ها، تشدید فشارهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی برای توقف سرکوب فعالین زن و حمایت از خانواده‌های زندانیان سیاسی، به‌ویژه مادران و فرزندان آنان، باشیم. ۸ مارس فرصتی است تا پیوند میان مبارزه برای حقوق زنان و جنبش آزادی زندانیان سیاسی برجسته شود و حمایت‌های گسترده‌تری را جلب کند.

افزایش مذهب‌گریزی
و چالش‌های حکومت در ماه رمضان

میلاد رسایی‌منش

در سال‌های اخیر، جامعه ایران شاهد افزایش قابل‌توجه گرایش به سکولاریسم و فاصله‌گیری جدی از ارزش‌های مذهبی بوده است. اگرچه حکومت همچنان بر اجرای ظواهر دینی تأکید دارد، اما تغییر نگرش عمومی به‌ویژه در میان نسل جوان، روندی روبه‌رشد داشته است. این تغییرات ضمن آنکه می‌تواند به معنای افزایش خداناباوری باشد، نشان‌دهنده رشد انزجار از تحمیل اجباری باورهای دینی و مخالفت با مداخله دین در زندگی خصوصی و اجتماعی است.

اطلاعیه اخیر فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی درباره ماه رمضان، به‌جای اعلام ممنوعیت یا برخورد قهری، از مردم و اصناف خواسته است که "حرمت ماه رمضان" را رعایت کنند. این لحن نرم‌تر، در مقایسه با سال‌های گذشته که قوانین سخت‌گیرانه‌تری اعمال می‌شد، نشان‌دهنده اجبار رژیم در تغییر رویکرد حاکمیت در برابر مقاومت عمومی و نافرمانی مدنی است. چنین درخواستی خود گواهی بر کاهش توان اجرایی حکومت و عقب‌نشینی تدریجی در مواجهه با تغییرات اجتماعی است.

تقویت و گسترش گرایش‌های سکولار در ایران تنها به معنای افزایش خداناباوری نیست. حتی بسیاری از مردمی که ممکن است به خدا باور

داشته باشند از دخالت دین در امور شخصی و عمومی، از قوانین محدودکننده و اجبار مذهبی خسته شده‌اند و بدین معنا شاهد انزجار از دین و باورهای مذهبی هستیم. این تغییرات اجتماعی، جامعه ایران را به یکی از سکولارترین جوامع خاورمیانه از نظر رفتار و نگرش‌های عمومی تبدیل کرده است. مقاومت مدنی، گسترش خواست آزادی‌های فردی به‌عنوان یک حق و کاهش نفوذ گفتمان مذهبی در فضای عمومی، چالشی جدی برای حکومتی است که مشروعیت خود را بر پایه ایدئولوژی دینی بنا کرده است و تا جایی که به ماه رمضان برمی‌گردد، روزه‌خواری علنی مردم زیر پا گذاشتن ارزش‌های اسلامی و یک شیوه مبارزه با حکومت است.

هشدار از درون جمهوری اسلامی:
خشم مردم نزدیک است!

نسان نودینیان

احمد توکلی، رئیس هیئت‌مدیره دیده‌بان شفافیت و عدالت، در تاریخ ۱۳ اسفند ۱۴۰۳، نسبت به گسترش فساد در جمهوری اسلامی هشدار داده و مسئولان "فاسد" و "ساکت" را به ترس از خشم تهیدستان فراخوانده است. او گفته است که فساد به‌صورت مداوم از راه‌های مختلف وارد سیستم می‌شود و نمونه‌هایی مانند پرونده چای دبش با ۴۹۰ متهم و واردات کالاهای لوکس به‌رغم کمبود ارز برای دارو و کالاهای اساسی را مطرح کرده است. پیش‌تر، در ۱۰ آبان ۱۴۰۱، نیز احمد توکلی در نامه‌ای

به رئیسی نسبت به تخلفات گسترده در سازمان خصوصی‌سازی هشدار داده بود.

فساد و رانت به قدمت حاکمیت جمهوری اسلامی وجود دارد تازه نیست، با سیستم حکومتی نظام زاده شده، در درون لایه‌های لشکری و کشوری نهادینه شده، سران ریزودرشت برای فساد و رانت رقابت می‌کنند و از همدیگر برای غارت و خانه‌خرابی و خالی‌کردن جیب مردم سبقت می‌گیرند. فساد و رانت موضوع چالش اقتصادی و اجتماعی و سیاسی مردم با حاکمیت است. فساد با هشدارهای امثال احمد توکلی مهارشدنی نیست.

ریشه‌کن‌کردن فساد در نظام جمهوری اسلامی مستلزم مبارزه متحدانه مردم در اشکال توده‌ای

است. در نظام جمهوری اسلامی بخش اعظم اقتصاد در اختیار نهادهای دولتی، سپاه پاسداران و بیت رهبری است. شفافیت و نظارت بر عملکرد این نهادها وجود ندارد. صاحبان قدرت از جمله نهاد بیت رهبری با خامنه‌ای و سپاه پاسداران که عاملین اصلی فساد و رانت هستند از مجازات و بازخواست قضایی مصون هستند. چشم‌انداز ریشه کردن فساد و رانت در نظام جمهوری اسلامی با رفرم و اصلاحات غیرممکن است. این امر با مبارزه متحدانه، با اعتصابات عمومی و با سرنگونی جمهوری اسلامی عملی است.

وقتی حتی چهره‌هایی از درون حاکمیت مانند احمد توکلی درباره گسترش فساد و خشم تهیدستان هشدار می‌دهند، نشان از بحرانی دارد که دیگر

قابل‌کتمان نیست. فقر مطلق و گرانی با فساد و رانت‌واستثمار وحشیانه کارگران و پایین نگه‌داشتن سطح معیشت، و اختلاف ده‌ها میلیون‌تومانی حقوق کارگران با حقوق‌های نجومی مقامات و مدیران حکومتی، شکاف میان مردم و حاکمیت را عمیق‌تر از همیشه کرده است. در مقابل کارگران و بازنشستگان سکوت نکرده و هم صدا به فساد، تبعیض و رانت‌خواری اعتراض می‌کنند و خواستار رفاه به‌عنوان حقی همگانی و سطح بالای معیشت هستند. این مبارزه را متحدانه به سطح سراسری گسترش دهیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۷۹

۵ مارس ۲۰۲۵ – ۱۵ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

۸ مارس، ادامه مبارزه زنان ایران علیه جمهوری اسلامی

مهتاب رستگار

نه به تحمیلات مذهبی!

حسن صالحی

تحقیر خامنه‌ای توسط وزیر خارجه اردوغان

محسن ابراهیمی

ترامپ و توقف کمک به اوکراین

کاظم نیکخواه

۸ مارس، ادامه مبارزه زنان ایران علیه جمهوری اسلامی

مهتاب رستگار

به‌عنوان وکیل، هر روز با زنانی روبه‌رو می‌شوم که قربانی نظام حقوقی ناعادلانه جمهوری اسلامی شده‌اند، زنان کارگری که حقوقشان را نمی‌پردازند، مادرانی که از حق حضانت فرزندانشان محروم می‌شوند، دخترانی که قربانی قوانین ضدزن خانواده و مجازات‌های وحشیانه حکومتی هستند. اما آنچه امروز در ایران جریان دارد، تنها مبارزه‌ای برای اصلاح قوانین نیست، بلکه نبردی برای تغییر اساسی نظامی است که زن را شهروند درجه‌دو می‌داند و با ابزار سرکوب، خشونت و قوانین شریعت، اراده او را درهم می‌شکند.

مبارزه زنان در ایران سابقه‌ای طولانی دارد. از انقلاب مشروطه گرفته که زنان نخستین تشکل‌های مستقل خود را ایجاد کردند تا دهه ۵۰ که در جنبش‌های کارگری و دانشجویی نقش کلیدی داشتند. اما پس از انقلاب ۵۷، حجاب اجباری، محدودیت‌های شغلی و حذف بسیاری از حقوقشان، آغازی برای سرکوب سیستماتیک شد. بااین‌حال، زنان عقب‌نشینی نکردند. در اولین تظاهرات ۸ مارس ۵۷ با شعارهای ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم و آزادی نه شرقی است نه غربی جهانی‌ست، به میدان آمدند. همچنین از اعتراضات دهه ۷۰ و ۸۰ برای حق ورود به ورزشگاه می‌توان یادکرد و بدین صورت همواره مبارزه‌ای مستمر در جریان بوده است.

جمهوری اسلامی از ابتدا قوانین را بر پایه تبعیض

جنسیتی بنا کرد. ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی، ریاست مرد بر خانواده را رسمی کرد، ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی به مرد اجازه قتل همسرش را در صورت «ظن به خیانت» می‌دهد، و قوانین ارث و شهادت نیز زنان را نصف مردان می‌دانند. این قوانین ابزار سرکوب زنان شد.

قتل ژینا (مهسا) امینی در شهریور ۱۴۰۱، چهره واقعی این نظام را بیش‌ازپیش آشکار کرد و به نقطه عطفی در مبارزات زنان تبدیل شد. این جنایت، خیزشی را رقم زد که فراتر از یک اعتراض بود. سرپیچی از حجاب اجباری به شکلی گسترده به چالش کشیده شد، مقاومت در برابر سرکوب حکومتی با اعتصاب‌ها و تشکیل شبکه‌های همبستگی زنان و مبارزه حقوقی که وکلای زن با وجود تهدیدها آن را ادامه می‌دهند،

از نتایج آن بود.

جنبش زنان ایران، از مشروطه تابه‌حال، نشان داده است که این مبارزه‌ای زودگذر نیست. برگزاری مراسم ۸ مارس امسال در تهران و کرمانشاه با حضور فعالین طیف‌های مختلف نشان داد که ۸ مارس نه صرفاً یک روز نمادین، بلکه فرصتی برای یادآوری مسیر طولانی مبارزه و مقاومت و ادامه آن است.

نه به تحمیلات مذهبی!

حسن صالحی

با شروع ماه رمضان وزارت آموزش‌وپرورش جمهوری اسلامی با صدور ابلاغیه‌ای فعالیت کلیه بوفه‌های مدارس را ممنوع کرده است. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در اعتراض به دستورالعمل این وزارتخانه، آن را «ترویج خشونت و ستم بر بدن کودکان» توصیف کرد و نوشت: "کودکان نباید گرسنه بمانند."

روزه‌داری اجباری یکی از نمونه‌های نفرت‌انگیز تحمیلات مذهبی در ایران است که بسیاری با آن مخالف هستند. اما این تحمیل اجباری به کودکانی

که در واقع مذهبی ندارند ظلمی به‌مراتب دردناک‌تر است. تحمیل گرسنگی به کودکانی که به دلیل فقر و نداری با سوءتغذیه روبرو هستند مصداق مسلم جنایت در حق کودکان است و جا دارد در همه‌جا با اعتراض روبرو شود.

رژیم اسلامی در شرایطی که در بحرانی عمیق به سر می‌برد و از هر سو با اعتراضات مردمی روبروست، در ماه رمضان نیروهای سرکوبگرش را به جان مردم می‌اندازد تا در واقع قدرت پوشالی‌اش را به رخ مردم بکشد.

مبارزه با این تحمیلات مذهبی همواره یکی از عرصه‌های مبارزاتی مردم بوده است و در شرایط حاضر نیز لازم است بیش از گذشته در مقابل این

تحمیلات به طور علنی و آشکار دست به اعتراض زد. رژیمی که دین و آیینش مورد انزجار و نفرت مردم است باید بداند که با قلدری و زورگویی نمی‌تواند مدت زیادی به حیات منحوسش ادامه دهد.

مردم ایران از حاکمیت دین و اسلام بیزارند، نه فقط حکومت مذهبی نمی‌خواهند؛ بلکه با رویکردی ضدمذهبی از دخالت دین در زندگی شهروندان و شئونات جامعه به تنگ آمده‌اند و نسبت به آن معترض‌اند. نفس حضور نیروهای پلیس در خیابان‌ها برای جلوگیری از روزه‌خواری و یا دستگیری و بازداشت شهروندان و صدور احکام شلاق به دلیل روزه‌خواری نشان از اعتراض و مقاومت گسترده مردم در مقابل این اجبارات حکومتی دارد.

مردم در زندگی عملی خود به نفی جمهوری اسلامی می‌پردازند و این را باید با پشت‌کردن به تحمیلات مذهبی نیز هر چه بیشتر نشان دهند. نه دولت و نه هیچ مرجع دیگری حق ندارد فرمان تعطیلی رستوران‌ها، کافی‌شاپ‌ها و مراکز اغذیه‌فروشی را در ماه رمضان بدهد و جلوی نوشیدن و خوردن مردم را در این ماه بگیرد. در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی همه این تحمیلات مذهبی را ملغی خواهیم کرد.

تحقیر خامنه‌ای توسط وزیر خارجه اردوغان

محسن ابراهیمی

وزیر خارجه ترکیه در مصاحبه با شبکه الجزیره با لحن و ادبیات تحقیرآمیز گفت حکومت اسلامی نباید در فکر "تسلط بر دیگری" و "مزاحمت یا تهدید" باشد و به خامنه‌ای طعنه زد که "اگر نمی‌خواهید به خانه شما سنگ بزنند، به خانه دیگران سنگ پرتاب نکنید."

دررابطه‌با این اتفاق باید روی این مؤلفه‌ها تأکید کرد:

اول، دولت ترکیه به خانه‌های زیادی از جمله خانه‌های مردم مناطق کردنشین در خود ترکیه

و سوریه سنگ پرتاب کرده است. اما نقش خانمان‌سوز جمهوری اسلامی در سوریه آن‌چنان هولناک بوده است که وزیر خارجه دولت اردوغان می‌تواند با ژست حق‌به‌جانب چنین حرف‌هایی بزند.

دوم، دولت ترکیه نقش اصلی در سازماندهی هجوم هیئت تحریر شام و فرار بشار اسد داشت. دولت ترکیه برنده و جمهوری اسلامی بازنده این سقوط بودند. سخنان خامنه‌ای در باره آزادی سوریه به دست "جوانان سوریه" که پوسترهای خامنه‌ای و قاسم سلیمانی را به آتش کشیده بودند، صرفاً یک رؤیای پوچ است. او روی پ. ک. ک برای موش‌دوانی در شمال سوریه حساب بازکرده بود. دریچه‌ای که با بیانیه اوجلان و احتمال آتش‌بس

میان پ. ک. ک و دولت ترکیه بسته شده است.

سوم، باتوجه‌به فروپاشی "محور مقاومت اسلامی"، دولت ترکیه جمهوری اسلامی را آن‌چنان در موقعیت درهم شکسته‌ای می‌بیند که به آن هشدار می‌دهد که دیگر در فکر "تسلط بر دیگری" و "مزاحمت یا تهدید" نباشد!

چهارم، دولت ترکیه واقف است که در نقشه مشترک ترامپ و پوتین، ترامپ قرار است به پوتین کمک کند با الحاق بخش‌هایی از اوکراین به روسیه از باتلاق جنگ اوکراین خارج شود، پوتین هم قرار است به جمهوری اسلامی فشار بیاورد با آمریکا مذاکره کند و تسلیم شود.

پنجم، دولت ترکیه می‌بیند که آتشفشان زیر پای حکومت اسلامی در داخل ایران هر لحظه ممکن است منفجر شود.

و بالاخره واکنش سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در مقابل این درجه از تحقیر سیاسی قابل‌توجه است. او اطمینان داده است جمهوری اسلامی "صادقانه با رفتارهای خلاف قانون و تروریسم مقابله کرده است"!

این اتفاقات برای ما مردم ایران فقط یک معنا دارد: پشم‌وپیله خامنه‌ای و دار و دسته‌اش همه رقمه ریخته شده است و ما در موقعیت بسیار خوبی برای مقابله با حکومت اسلامی قرار داریم.

ترامپ و توقف کمک به اوکراین

کاظم نیکخواه

بنا بر گزارش‌ها، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، در پی دیدار پرتنش و خارج از عرف خود با زلنسکی در کاخ سفید ارسال تمامی کمک‌های نظامی به اوکراین را متوقف کرده است. خبرگزاری رویترز به نقل از یک مقام کاخ سفید خبر توقف کمک‌های نظامی امریکا به اوکراین را تأیید کرد و نوشت: "ما در حال متوقف کردن و همچنین بازنگری در کمک‌هایمان هستیم تا اطمینان حاصل شود که این کمک‌ها در دستیابی به یک راه‌حل سهم دارد". به گزارش بلومبرگ و فاکس نیوز، این توقف تا زمانی ادامه خواهد داشت که از دیدگاه دونالد

ترامپ، رهبران اوکراین با حسن‌نیت تعهد خود را به صلح نشان دهند.

این تصمیم ضربه سنگینی به اوکراین و دولت زلنسکی است. کلاً روی کار آمدن کسی مثل ترامپ که کل جهت‌گیری‌ها و ارزش‌ها و سیاست‌های استراتژیک تاکنونی غرب را زیر سؤال می‌برد و می‌خواهد با نزدیکی با پوتین و فاصله گرفتن با اروپا موضع آمریکا را که با مشکلات متعدد اقتصادی و سیاسی و دیپلماتیک روبروست تقویت کند، سردرگمی سرمایه‌داری آمریکا و نداشتن خط و استراتژی روشن را به‌روشنی بازتاب می‌دهد. ترامپ می‌خواهد "عظمت آمریکا" را بازگرداند. اما نتیجه این سیاست‌های او چه خواهد بود؟

حقیقت این است که اقتصاد آمریکا مدت‌هاست از چین عقب‌افتاده و به‌زودی از دیگر کشورهای بریکس نیز عقب خواهد ماند. درافتادن با متحدین استراتژیک آمریکا و وضع تعرفه‌های سنگین روی کالاهای چینی و اروپایی و بقیه کشورها و جنگ اقتصادی با این کشورها، بیش از آنکه کمکی به آمریکا بکند، اقتصاد این کشور را که بسیار به کالاها و تولیدات و سرمایه گذاران چینی و اروپایی و کانادایی متکی است، بیش‌ازپیش تضعیف خواهد کرد و به موقعیت استراتژیک این کشور بسیار لطمه خواهد زد.

به این دلیل طی چهار سال آتی که ترامپ سر

کار است ممکن است بتواند جنگ اوکراین را به نفع پوتین تمام کند و زلنسکی و اوکراین را قربانی نماید، اما قربانی بزرگ‌تر این بازی‌ها خود آمریکا خواهد بود. ترامپ و شرکای میلیاردرش بار خود را با ثروت‌های کلانتر و نجومی‌تر خواهند بست. اما پایان این دوره از ریاست ترامپ، درعین‌حال پایان قطعی هژمونی آمریکائی در سطح جهان خواهد بود. متحدان اقتصادی و دیپلماتیکش پراکنده خواهند شد و اقتصادش در بحران شدیدتری گیر خواهد افتاد. در این تردیدی نباید داشت.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۸۰

۶ مارس ۲۰۲۵ – ۱۶ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

تیراندازی به‌سوی کارگران شدیداً محکوم است

محسن ابراهیمی

آزادی را شلاق می‌زنند، رژیم شلاق را به گور خواهیم سپرد

سیما بهاری

اژه‌ای و تأمین امنیت سرمایه‌داران به نام مبارزه با فساد

رضا درویش

”تدابیر امنیتی“ بریتانیا برای مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی

سینا پدرام

تیراندازی به‌سوی کارگران شدیداً محکوم است

محسن ابراهیمی

روز ۱۳ اسفند سرکوبگران حکومت اسلامی به صف اعتراض کارگران شهرداری در تکاب آذربایجان تیراندازی کردند. کارگران در محوطه شهرداری در اعتراض به پرداخت‌نشدن چندین ماه از دستمزد و طلب حق سنواتشان از سال ۹۸ دست به تجمع اعتراضی زده بودند که نیروهای سرکوب وارد محوطه می‌شوند و با ضرب و شتم و تیراندازی چهار نفر از کارگران معترض را مجروح می‌کنند.

فرزند یکی از مجروحان این اتفاق، در یک فایل صوتی در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده است می‌گوید "پدر من حقش را می‌خواست؛ اما به‌جای

عیدی به پدرم چهار گلوله زدند! ”

تیراندازی به‌سوی کارگران به‌وضوح نشان می‌دهد که سران نظام اسلامی از گسترش اعتراضات کارگری هراسان هستند و تصور می‌کنند با شلیک گلوله جنگی به‌سوی کارگران می‌توانند میلیون‌ها کارگر رانده شده به زیر خط‌فقر را خاموش کنند و به صدها اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران که مدام در کشور در جریان است پایان دهند.

حضور نیروهای امنیتی برای سرکوب کارگران داستان هر روزه مصاف کارگران با سرمایه‌داران حاکم است. اما تیراندازی مستقیم به کارگران یک فاز جدید در یورش سرکوبگرانه حکومت علیه کارگران است. این گستاخی حکومت باید هر چه

وسیع‌تر پاسخ بگیرد.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث) راه نشان داده است. ضمن ابراز انزجار از این توحش اعلام کرده است: "ما کارگران نفت ضمن محکوم نمودن جنایت امروز حکومت در سرکوب اعتراض کارگران زحمت‌کش شهرداری تکاب، اعلام می‌کنیم، هیچ‌گونه تعهدی به تداوم تولید در خدمت منافع طبقه حداقلی مفت‌خور و سرکوبگر نداشته، قطعاً در مقابله با سرکوب و جنایت سرکوبگران با گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری در نفت در برابر آن ایستاده و ضمن مبارزه بر علیه ساختار سرمایه‌داری و نظام برده‌وار و طبقاتی موجود، خواستار مشخص‌شدن عوامل این جنایت بوده، قطعاً تا پاسخگو نمودن حکومت دراین‌خصوص

به اعتصاب و اعتراضات خود تا گسترش آن در تمامی بخش‌ها در نفت سکوت نخواهیم کرد. ما کارگران همه بخش‌های نفت را در حمایت از محکوم نمودن سرکوب کارگران شهرداری تکاب به گسترش اعتراضات در نفت فرامی‌خوانیم.“

در پاسخ به این فراخوان مسئولانه باید در هر تجمع اعتراضی صدایمان را علیه تیراندازی به‌سوی کارگران بلند کنیم. فقط با یک اعتراض قدرتمند می‌توان جانیان ضدکارگر حاکم را از این گستاخی وحشیانه پشیمان کرد.

آزادی را شلاق می‌زنند،
رژیم شلاق را به گور خواهیم سپرد

سیما بهاری

”مهدی یراحی آهنگ‌ساز، خوانندهٔ معترض، و زندانی سیاسی پیشین را ۷۴ ضربه شلاق زدند. این حکم از سوی قوهٔ قضائیه جمهوری اسلامی و به دلیل خواندن ترانهٔ ”روسریتو“ برای مهدی یراحی صادر و اجرا شد.“

رابطهٔ جمهوری اسلامی و مردم در ایران مصداق بارز ”سکهٔ یک پول“ است. مردم دیگر هیچ حرف حکومت را نمی‌خوانند و نه‌تنها این که در هر جایی که بتوانند عکس آن عمل می‌کنند. هر حرکت و عملکرد حکومت به موضوعی برای اعتراض تبدیل

می‌شود و جالب است که یکجا نمی‌ماند. مهدی یراحی اجازهٔ برگزاری کنسرت نگرفت. او در پیامی گفت "رانت جنسیتی" نمی‌خواهد. با این حرفش یکی از سنگرها و خاکریزهای مهم حکومت را مورد حمله قرار داد. انقلاب زن زندگی آزادی دستاوردهای غیر قابل بازگشتی داشته است. ترک‌برداشتن دیوار مردسالاری یکی از آن دستاوردهاست.

شلاق را به پشتش زده‌اند یا به پایش و یا هر کجای دیگر. حتماً خیلی درد داشته. اما آنچه مسلم است با هر ضربهٔ شلاق، مقاومت و حقانیت ما را آب‌دیده‌تر کرده‌اند. جامعه رانت جنسیتی نمی‌خواهد. در آستانهٔ روز جهانی زن سخن زیبا و امیدبخش مهدی عزیز اعتراض به آپارتاید جنسیتی را و دفاع از برابری‌خواهی را چند پله به جلو می‌راند.

معلوم است که حاکمان کپک‌زده مرتجع از زنان و مردان جوان، آنها که قصد عقب‌نشینی ندارند بسیار عصبی هستند. می‌گیرند و می‌کشند و زخم می‌زنند، همه‌جا را پر کرده‌اند از تابلوهای ایست، از تابلوهای ممنوع، از جریمه، اما فریادها بلندتر و گوش‌های شنوا و همبستگی‌ها بیشتر می‌شود. همین‌ها به وحشتشان می‌اندازد. انسان‌های شریف و نازنین به استقبال ۸ مارس روز جهانی زن می‌روند و به کل جامعه راه نشان می‌دهند. مهدی یراحی برای دفاع از یک انقلاب زیبای انسانی شلاق می‌خورد، رانت جنسیتی نمی‌پذیرد و راه همبستگی با زنانی که صدایشان حرام است را به کل جامعه نشان می‌دهد

.

ساعاتی پس از اجرای حکمش با هشتک مهسا پست می‌گذارد. در واقع به حکومت جهنمی اسلامی

دهن‌کجی می‌کند و آرزوی رهایی! این آن سکهٔ یک پول و بی‌ارزش کردن عمل حکومت است که زنان با قوانین حجاب و آپارتاید جنسیتی می‌کنند و مهدی یراحی با حکم غیرانسانی و سبعانهٔ شلاق.

مهدی عزیز جسارت تو را می‌ستاییم. دوستت داریم. امید جامعه تکثیر شجاعت و برابری‌خواهی توست.

اژه‌ای و تأمین امنیت سرمایه‌داران به نام مبارزه با فساد

رضا درویش

اژه‌ای روز سه‌شنبه ۱۴ اسفندماه جاری گفت "وضعیت معیشت مردم خوب نیست، خیلی هم بد است." او اضافه کرد: "از این وضعیت اقتصادی، مشکلات امنیتی به وجود می آید که الان هم وجود دارد؛ ولی ممکن است تشدید شود." اژه‌ای مزورانه ادعا می کند که در "مبارزه عالمانه و قاطعانه با مظاهر فساد مسامحه‌ای نخواهیم داشت".

ادامه حرف های اژه‌ای به‌وضوح مشخص می کند که اولاً مخاطب او مردم معترضی که در شعارهایشان

کف خیابان کل نظام را نشانه رفته‌اند نیست. او در راستای به‌اصطلاح "مبارزه" مورد ادعایش علیه فساد می‌گوید "در ارتباط با انتشار علنی و عمومی محتوای دادگاه‌های ویژه مفاسد اقتصادی بسیاری از دلسوزان و دغدغه‌مندانی که برخی نماینده مجلس هم بودند تأکید داشتند که این کار تبعاتی دارد". به‌این‌ترتیب یک معنای مبارزه "عالمانه" علیه فساد این است که قرار نیست همه مظاهر فساد علنی شوند.

مردم معترض مدت‌هاست مبادی فساد و حق کشی را در جریان مبارزاتشان به طور علنی فریاد می‌زنند. به‌عنوان‌مثال بازنشستگان مخابرات در اسفندماه جاری در شهرهای اصفهان و کرمانشاه، علیه دو سهام‌دار عمده شعار می‌دادند: "ستاد اجرایی فرمان

امام حق ماها رو خورده“، یا ”بنیاد تعاون سپاه حق ما ها رو خورده“.

ستاد اجرایی فرمان امام تحت کنترل خامنه‌ای و کارش تصرف هزاران زمین و املاک مردم است. در سال ۲۰۱۳ دارایی‌های این ستاد ۹۵ میلیارد دلار برآورد شده است. همچنین بنیاد تعاون سپاه از جمله نهادهای ”غیردولتی“ است که در ۳۱ استان کشور فعالیت ”اقتصادی“ دارد.

نکته دیگر اینکه اژه‌ای در ادامه صحبت از دغدغه اصلی‌اش پرده بر می‌دارد. او می گوید ”برای تقویت اقتصاد کشور باید امنیت سرمایه‌گذاری را ارتقا داد.“

اژه‌ای خوب می‌داند بساط این ثروت حاصل از چپاول که سران رژیم با دست‌های آغشته‌به‌خون بر سر این خوان یغما نشسته‌اند با توفان انقلاب برچیده می‌شود. او به حاضرین جلسه می‌گوید: "قوه قضاییه برای امنیت سرمایه‌گذاری چه‌کار کند. اگر شما بلدید بگید". بدین ترتیب اژه‌ای می‌گوید که دغدغه‌اش در باره مشکلات امنیتی چیست.

پاسخ مردم به سران رژیم و اژه‌ای که پاسدار قوانین این رژیم سراپا جور و جنایت است چنین است: گورتان را گم کنید.

"تدابیر امنیتی" بریتانیا برای مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی

سینا پدرام

دولت بریتانیا تدابیر امنیتی جدیدی برای مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی اتخاذ کرده است. این تدابیر شامل ثبت‌نام تمامی افرادی است که به نفع رژیم اسلامی در بریتانیا فعالیت می‌کنند. این طرح حتی گروه‌های جنایت‌کار نیابتی که از خاک بریتانیا اقدام می‌کنند را هم شامل می‌شود. در صورت عدم همکاری، افراد ممکن است با مجازات پنج سال زندان روبرو شوند. این اقدام بخشی از سامانه جدید "ثبت نفوذ خارجی" است که هدف آن مقابله با تهدیدات امنیتی ناشی از نفوذ مخفیانه خارجی

است.

جارویس معاون امنیتی وزیر کشور بریتانیا گفت که از سال ۲۰۲۲ تاکنون، بیست توطئه رژیم حاکم در ایران در بریتانیا کشف و خنثی شده است.

در سال‌های گذشته ما همچنین شاهد بسته‌شدن مرکز اسلامی هامبورگ و مؤسسه "امام علی" در استکهلم بوده‌ایم. هر دو مؤسسه سال‌های سال به جاسوسی علیه مخالفان رژیم اسلامی در آلمان و سوئد مشغول بودند.

در اینکه مماشات دولت‌های اروپایی با رژیم اسلامی در اصل بیان کننده منافع دول اروپایی در ایران است

کمترین تردیدی نباید کرد. دولت‌های غربی و آمریکا با درجه‌های مختلف این مماشات را هم در عمل و هم در حرف بارها و بارها نشان داده‌اند. تمامی سیاست این دولت‌ها در ۴۶ سال گذشته صرفاً در جهت مهار رژیم اسلامی در چهارچوب‌هایی بوده است که به منافعشان کمترین زیان را وارد کند. اینکه رژیم اسلامی در طی این چند دهه چه جنایاتی را بر علیه مردم ایران سازمان داده است کمترین تغییری در این نوع سیاست‌های مماشات‌گرایانه نداده است.

ما همواره تأکید کرده‌ایم راه مقابله با تروریسم رژیم اسلامی بایکوت کامل سیاسی جمهوری اسلامی در تمامی مجامع بین‌المللی و تعطیلی کامل

سفارت‌خانه‌ها و مراکز دیگر متصل به رژیم مانند مساجد و سازمان‌های تبلیغاتی اسلامی است.

از سوی دیگر هر درجه افزایش ابتکارات اعتراضی مردمی در ایران و خارج از ایران، دولت‌های غربی را زیر فشار قرار خواهد داد تا تغییراتی در سیاست مماشات خود بدهند. با اوج‌گیری دوباره جنبش سرنگونی در ایران، بدون شک ما شاهد اقدامات بیشتر و تغییراتی در سیاست این دولت‌ها بر علیه رژیم اسلامی خواهیم بود. سیاست‌های انفعالی و مماشاتگرانه دول غربی نتیجه‌ای جز شکست نداشته است. انقلاب در ایران "دیپلماسی" دول غرب را به‌سوی بایکوت رژیم اسلامی در سطح بین‌المللی تغییر خواهد داد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۸۱

۸ مارس ۲۰۲۵ – ۱۸ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاوید

زنده و پاینده باد ۸ مارس روز جهانی زن

در این شماره ژورنال:

روز جهانی زن مبارک باد

کیوان جاوید

من و روز جهانی زن

شین. فیاض

فنای شما بقای زنان

پتی دبونیتاس

یک میلیون ترک تحصیل، ده میلیون بی‌سواد

سینا پدرام

محبوبیت کیک محبوب من و دانه انجیر معابد

شهاب بهرامی

روز جهانی زن مبارک باد

کیوان جاوید

روز جهانی زن، باید همه آن ۲۴ ساعتی باشد که زمین دور خورشید می‌چرخد؛ هر هفته و هر ماه و همه ۳۶۵ روز سال می تواند روز زن باشد. چرا که زن در همه این روزها ستم می‌کشد و با کوهی از موانع ریز و درشت مبارزه می‌کند. کمتر یا بیشتر، زنان در هیچ کجای جهان تماماً برابر بر مردان نیستند و این ستم‌کشی بر زنان نیز یک نقص بیولوژیکی نیست، محصول نظام حاکم بر جهان است. ما دیدیم که میلیمتر به میلیمتر از دستاوردهای بشر در امر دست‌یافتن به حقوق زنان که در اروپا پا گرفت و گسترش

یافت، بدون مبارزه سخت و جان‌فرسا نبوده است. همین مبارزات برای حق زن، امروز "دنیای غرب" را از نظر سطح برابری زن با مرد گام‌های فراوانی پیشرفت داده است. پیشرفت تمدن انسانی را می‌باید از این منظر بسیار مهم نیز دید و به رسمیت شناخت.

مبارزه زنان در یک بخش دیگر از جهان به شکل دیگری بی‌وقفه در جریان است. جامعه ایران در این مبارزه برای رهایی زن در اوج قرار دارد. این را نه فقط با خیزش عظیم انقلاب زن زندگی آزادی می‌شود دید که می‌توان تبلور این مبارزه و حضور حداکثری زنان در نبرد با یکی وحشی‌ترین و ضدزن‌ترین حکومت‌های جهان را

در هر دم و بازدم زندگی نیز مشاهده کرد. می‌شود حضور زنان را در همه عرصه‌های اجتماعی، از هنر و تحصیل و فرهنگ مدرن نیز دید. می‌شود جنگ تمام‌عیار زنان و جامعه مدرن علیه مذهب و حکومت مذهبی را هر روز در ایران مشاهده کرد. جنگ علیه حجاب اسلامی و قوانین ضد زن اسلامی تنها یکی از بروزات، یا همان نوک کوه یخی است که به وضوح قابل‌دیدن است.

همه ما مردان مدرن و آزادیخواه و همه ما که خود را سوسیالیست و برابری‌طلب می‌بینیم باید با همه توان در کنار مبارزات سخت و نفس‌گیر زنان قرار بگیریم تا برای یک جامعه آزاد و برابر و خوشبخت مبارزه کنیم؛ مبارزه‌ای با پرچم زن

زندگی آزادی که رهایی زنان را در همه ابعاد اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی را به ارمغان بیاورد.

جنگ ما با حکومت اسلامی ریشه‌ای است و رهایی زن در ایران با خود یک رنسانس جهانی در دفاع از حقوق زن در ابعاد جهانی به همراه خواهد آورد و در قدم نخست چهره خاورمیانه را عمیقاً تغییر خواهد داد. روز جهانی زن بر همگان مبارک باد.

من و روز جهانی زن

شین.فیاض

من یک زنم، مادرم، همسرم. از کودکی و نوجوانیم همین بس که دخترم و خیلی چیزها و کارها برایم تابو و ممنوعه بود. در نوجوانی عاشق شدم. دختری جسور و شجاع و نترس بودم از این لحاظ مورد سرزنش خانواده و حتی خواهرانم قرار می‌گرفتم. عشق نافرجام باعث شد مرا به عقد کسی که هیچ‌گونه سنخیتی با او نداشتم درآوردن. خیلی سخت بود جنگ و جدال و مبارزه. اما فایده‌ای نداشت. خانواده با برگشتن من به خانه مخالف بودند. سوختن را به معنای واقعی تجربه کردم. الان که ۶۰ سال از عمرم می‌گذرد فقط به یک

چیز فکرمی کنم وهم پای دختران سرزمینم برای آزادی بی‌قیدوشرط و رفاه اجتماعی می‌جنگم و تا پای جان آمادۀ مبارزه و پس‌دادن تاوانش هستم تا انتقام خود و همه دختران مانند خودم را از حکومت متحجر دینی بگیریم. زن زندگی آزادی.

شعار نویسی توسط نویسنده

فنای شما بقای زنان

پتی دبونیتاس

متن ترجمه از انگلیسی

محمد نبی موسوی‌فرد، نماینده خمینی در خوزستان، پیام ویژه خود را برای روز جهانی زن دارد. می گوید زن مسلمان همانند زن غربی، ابزاری برای بردگی جنسی و نظام سرمایه‌داری نیست.

از کجا شروع کنیم...

طبق منطق مقدس موسوی‌فرد، اگر به‌خاطر بدن خود احساس شرم نکنید، اگر کسی شما را مجبور نکند که خود را زیر لایه‌های لباس پنهان کنید چون زن هستید، شما یک برده جنسی هستید.

اگر در برابر قانون، برابر باشید، اگر تجاوز در ازدواج یک جرم محسوب شود، اگر آزاد باشید که تحصیل کنید و شغل انتخاب کنید، اگر به‌خاطر زن بودن، نماد شرارت در نظر گرفته نشوید و به دلیل جنسیت خود فرومایه یا فاسد تلقی نشوید، شما یک برده جنسی هستید. اگر معیار استقلال، سن باشد و نه جنسیت شما، اگر مردان خانواده و جامعه حق قانونی نداشته باشند که به‌عنوان زندانبانان متکبر، شما را در تمام زندگی تحت کنترل خود نگه دارند، شما بی شک یک برده جنسی هستید.

سپاسگزارم آقای موسوی‌فرد که ما را با معنای واقعی آزادی از بردگی جنسی به‌عنوان یک زن

آشنا کردید.

و اما درباره ابزار بودن برای سیستم سرمایه‌داری، شما و هم‌فکرانتان به حریص‌ترین سرمایه‌داران جهان درس‌هایی آموخته‌اید که چگونه خود را به ثروت‌های غیرقابل‌باور برسانند، ثروت کشور را چپاول کنند تا جایی که چیزی باقی نماند و فقر وحشتناکی، به‌ویژه برای زنان، ایجاد شود.

پس این امید را در روز جهانی زن گرامی می‌داریم که روزی زنان سراسر جهان دیگر مجبور نباشند به سخنان سوءاستفاده‌گرانی متکبر مانند شما گوش دهند. فنای شما در وهله نخست موجب بقای زنان در ایران است.

یک میلیون ترک تحصیل، ده میلیون بی‌سواد

سینا پدرام

مدیرکل آموزش‌وپرورش سیستان و بلوچستان، اعلام کرد که در ۱۲ سال گذشته بیش از ۸۰ هزار دانش‌آموز در سیستان و بلوچستان ترک تحصیل کرده‌اند. عوامل اصلی این معضل شامل کمبود فضاهای آموزشی، مشکلات فرهنگی، ازدواج زودهنگام دختران و فقر است.

در سطح کل کشور، گزارش‌ها نشان می‌دهند که حدود ۹۳۰ هزار کودک در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ ترک تحصیل کرده‌اند.

مجید فولادیان، جامعه‌شناس پیش‌ازاین به ایسنا گفته بود که "با گذاشتن آمار بازماندگان از تحصیل در کنار حدود ۱۰ میلیون نفر افراد بی‌سواد کشور متوجه می‌شویم که ما چه وضعیت وخیمی را در حوزه بازماندگی از تحصیل شاهد هستیم."

علاوه بر این، کمبود معلم در کلان‌شهرها به دلیل دستمزد پایین و هزینه‌های مسکن بر وضعیت آموزش عمومی تأثیر منفی گذاشته است. آمار و ارقام بالا واقعاً و به‌اندازه کافی گویای وضعیت اسف‌بار آموزش‌وپرورش کودکان در ایران است.

فقر، فقری ناشی از ۴۶ سال چپاول دست رنج مردم و کارگران، منشأ اصلی این جور و اجحاف

سیستماتیک بر علیه کودکان است. فقری که حق داشتن سواد را مانند اژدها می‌بلعد تا از کودک به عنوان نیروی کار ارزان برای سیستم سرمایه دارای ایران سود بجوید.

بودجه امسال بطور قطع نشان می‌دهد که معضل این دولت مانند دولت‌های پیشین رژیم اسلامی فقط و فقط در اختیار گذاشتن بودجه‌های هنگفت به نیروهای نظامی و سرکوبگر، مراکز و موسسات خرافه پراکنی مذهبی و صدا و سیما قرار گرفته است و سهم آموزش و پرورش فقط در حدود ۸ درصد بودجه می‌باشد.

باید قبول کرد که سازمان دادن اعتراضات بر

علیه نبود سیستم آموزشی مدرن، مطالبه گری سازمان یافته برای گرفتن امکانات هرچه بیشتر برای مدارس در سطوح مختلف تنها راهی است که می‌توان در مقابل این "بیسواد سازی" سیستماتیک ایستاد و آن را متوقف کرد.

بی شک معلمان مبارز با شبکه‌های اجتماعی که در دست دارند باید خانواده محصلین را برای همراهی در این اعتراض فرابخوانند و نشان دهند که اعتراض به وضعیت معاش و معیشت و رفاهی معلمان و کادر آموزشی و وضعیت بسیار دهشتناک مراکز آموزشی، تنها راهی است که منجر به ارتقا سطح آموزش کودکان آنان خواهد شد.

محبوبیت کیک محبوب من و دانه انجیر معابد

شهاب بهرامی

”دانهٔ انجیر معابد“ و ”کیک محبوب من“ پرفروش‌ترین فیلم‌های ایرانی در جهان شدند. آمار وب‌سایت‌های ناظر بر فروش جهانی فیلم‌ها نشان می‌دهد دو فیلم نامبرده، تبدیل به پرفروش‌ترین فیلم‌های ایرانی چند سال اخیر در سطح دنیا شده‌اند، چرا؟

”کیک محبوب من“ درامی فوق‌العاده جذاب از جرات کردن در نزدیک شدن است، نوعی نزدیکی ممنوعه توسط شرع و عرف و قانون. داستان زن و مردی هفتادساله و تنها، داستان دو انسان شورشگرِ

راستین که برای با هم بودن، شرع وعرف و قوانین مردسالار را زیر پا نهاده و در جستجوی معنای زندگی، آن‌هم در غروب اندوهبارش، لحظاتی از تعامل همدلانه را در دل یک زندگی تراژیک به تصویر می‌کشند تا احساس عمیق زنده‌بودن را بار دیگر بیاد بیاورند.

”دانهٔ انجیر معابد“ همچنان که در سیر و بطن فیلم می‌بینیم حول محور انقلاب زن، زندگی، آزادی و حوادث و اتفاقات آن دوره می‌گذرد. به قول ناشری فرانسوی، ”این فیلم بذری را در خود دارد که بشریت برای آینده بهتر خود باید آن را گرامی بدارد“. تحمل ناآگاهانه عمیق‌ترین درد و رنج اجتماعی و نه الزاماً فردیِ کل تاریخ بشری و

انعکاس مفهومی آن در آزادی و کرامت انسانی که روزی در کف خیابان‌ها سرریز می‌شود.

تحمیل ظلم و ستمی که بوسیله ستمگران با هنجارهای اجتماعی و زدودن هویت فردی و اجتماعی از ستمدیدگان، جبراً شیپور رهایی از وضعیت موجود را برای گسترش فضای اجتماعی برای آزادی فرد و آزادی‌های اجتماعی، علیه ظلم و ستم، هم در گستره اجتماع و هم در سلول‌های کوچک‌تر آن، یعنی خانواده، به صدا در می‌آورد. تقابل نسل جوان امروز، نسل نیکاها و آرمیتاها، نسل دوران "انقلاب زن، زندگی، آزادی" نسلی که هیچ خدایی را بنده نیست، نسلی آزاداندیش عمیقاً اومانیست که علیه هر ستم و خرافه و جهالتی قد

برافراشته تا دنیای بهتری را بسازد.

انقلاب مهسا همه چیز را شخم زد. آغازگر رنسانس و عصر نوینی در تاریخ آزادی و برابری در جهان ناآزاد و نابرابر امروز شد. این آن بستری است که در متنش هنر و شعر و ادبیات شکفتن آغاز کرد و تأثیر شگرفش در سینمای ایران به ساخت و تولد چنین فیلم‌هایی انجامید. آری، این فیلم‌ها انعکاس انقلابی‌اند که بشریت برای آینده بهتر خود لازم است آن را گرامی بدارد انقلابی که با پیروزی‌اش می‌تواند این جهان وارونه را از نو بسازد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
/https://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۸۲

۹ مارس ۲۰۲۵ – ۱۹ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

حقوق کمتر از ۷۰۰ دلار جرم است!

اصغر کریمی

اعترافات رفیق‌دوست به سازماندهی ترورها

حسن صالحی

”نجیب‌زادگان اسلامی“ و اصالت خانواده

سینا پدرام

کابوس هزار کشته دیگر در سوریه

سیاوش آذری

حقوق کمتر از ۷۰۰ دلار جرم است!

اصغر کریمی

قیمت دلار همچنان بالا میرود و پول ملی جمهوری اسلامی هر روز بی‌ارزش‌تر می‌شود. دلار روز گذشته ۷۰۰ تومان و امروز ۲۴۰۰ تومان افزایش داشت و به ۹۳ هزار تومان رسید. خامنه‌ای فرمایش کرده است: "نظام ارزی باید اصلاح و پول ملی تقویت شود، متخصصین سیاستش، برنامه‌اش و کیفیت کار را مشخص کنند! تقویت پول ملی هم در واقعیت زندگی مردم اثر دارد هم در آبروی کشور"!

علت افزایش ارزش دلار را همه می‌دانیم. تاثیرش

در زندگی مردم هم بر کسی پوشیده نیست. اقتصاد دستوری خامنه‌ای را هم صدبار شنیده‌ایم. حکومت چه باید کردی ندارد و حکومتیان و قشر انگل حاکم بخوبی می‌دانند چطور از این بازار آشفته ثروت و سرمایه‌شان را افزایش دهند. مساله بر سر چه باید کرد مردم است.

ده تشکل کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران، داخواهان و زن در بیانیه‌ای اعلام کردند که "کشمکش اجتناب ناپذیری که سرنوشت ما را تعیین میکند، اکثریت کل جامعه را در بر گرفته است. این تقابلی است که با نه به شرایط موجود و برای تعیین تکلیف جامعه با پرچم زن، زندگی، آزادی بلند شد و امروز با فریاد اتحاد

اتحاد علیه فقر و فساد در کف خیابان ادامه دارد". آنها همچنین اعلام کردند که: "پرداخت مزد کمتر از سبد معیشت جرم است و حداقل دستمزد باید بر اساس دلار محاسبه شود و در اولین قدم از شصت میلیون کمتر نباشد و با تورم میزان آن افزایش یابد". بعبارتی حقوق‌ها نباید کمتر از ۷۰۰ دلار باشد. هزینه‌ها دلاری است دزدی‌ها دلاری است، حقوق‌ها هم باید دلاری باشد.

حول این پرچم باید متحد و متشکل شد. دهها میلیون نفر از کارگران، بازنشستگان، معلمان و کادر درمان، کارمندان، میلیون‌ها زن خانه‌دار و جوان بیکار، میلیون‌ها دانشجو و دانش‌آموز،

کولبران و سوخت‌بران، اکثریت قریب به اتفاق مردم بلوچستان و در یک کلام بیش از ۹۰ درصد جامعه با فقر و محرومیت دست و پنجه نرم می‌کنند. حول این خواست‌ها باید متحد شد و اعلام کرد که تمامی هزینه‌هایی که صرف نیروهای سرکوب و نیابتی و تروریسم، صرف نهادهای مذهبی و حقوق‌های نجومی یک طیف انگل می‌شود باید قطع شود و صرف رفاه مردم، افزایش حقوق و دستمزد، درمان و تحصیل رایگان و صرف حقوق پایه به اکثریت مردم شود.

تشکل‌ها و فعالینی که این پرچم را بلند کرده‌اند همراه با هزاران فعال دیگر بعنوان موضوعی عاجل جنبشی بسیار توده‌ای شکل بدهند.

اعترافات رفیق‌دوست به سازماندهی ترورها

حسن صالحی

محسن رفیق‌دوست، نخستین وزیر سپاه پاسداران و رئیس پیشین بنیاد مستضعفان، در گفت‌وگویی با برنامه "تاریخ شفاهی دیده‌بان ایران" به نقش مستقیم و هدایت‌کننده خود در ترور برخی از مخالفان جمهوری اسلامی، از جمله فریدون فرخزاد، شاپور بختیار، شهریار شفیق و غلامعلی اویسی، اعتراف کرده است.

رفیق‌دوست در این گفت‌وگو، با گستاخی و افتخار، به دخالت جمهوری اسلامی در این ترورها اشاره می‌کند و مدعی است که رژیم برای

اجرای این عملیات، از طریق یک واسطه مصری، نیروهای جدایی‌طلب باسک در اسپانیا را به کار گرفته است. او همچنین به نقش محسن رضایی، فرمانده پیشین سپاه پاسداران و عضو کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام، در این ترورها اشاره دارد.

پیش‌تر، در چندین دادگاه اروپایی، پرونده‌هایی درباره نقش مقامات بلندپایه جمهوری اسلامی در ترور مخالفان در خارج از کشور بررسی شده بود، اما اینکه یکی از چهره‌های کلیدی رژیم، صریحاً و در برابر دوربین، به سازماندهی این جنایات اذعان کند، اتفاقی کم‌سابقه است.

اینکه جمهوری اسلامی در چنین موقعیتی دست به افشای اسرار خود بزند، ناشی از تشدید اختلافات داخلی درون حکومت است. اکنون که اعتراضات مردمی رژیم را تحت‌فشار قرار داده، جناح‌های حاکم علیه یکدیگر دست به افشاگری می‌زنند و از یکدیگر انتقام می‌گیرند. نباید فراموش کرد که رفیق‌دوست، پس از ماجرای اختلاس ۱۲۳ میلیاردتومانی بانک صادرات در سال ۱۳۷۴ که به دستگیری برادرش انجامید، از نظر سیاسی در موقعیت متزلزلی قرار گرفت. این احتمال وجود دارد که او اکنون فرصت را برای تسویه‌حساب‌های شخصی مناسب دیده باشد.

صرف‌نظر از انگیزه‌های پشت پرده، این افشاگری‌ها

می‌تواند مسیر دادخواهی در مجامع بین‌المللی را هموارتر کند. اعترافات اخیر رفیق‌دوست، سندی مهم از جنایات جمهوری اسلامی علیه بشریت است که قابلیت پیگیری در دادگاه بین‌المللی لاهه را دارد. این سخنان همچنین بار دیگر ضرورت قرارگرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی را برجسته می‌کند.

با افشاگری‌های اخیر محسن رفیق‌دوست، ضروری است که تمامی نیروها و سازمان‌های مترقی به طور متحد، شکایت‌نامه‌ای مستند علیه دخالت مستقیم جمهوری اسلامی در قتل مخالفان خود در خارج از کشور تنظیم کرده و آن را به مراجع قضایی بین‌المللی ارسال کنند. چنین اقدامی

نه‌تنها می‌تواند راه را برای محاکمه آمران و عاملان این ترورها هموار کند، بلکه پیام روشنی خواهد بود که هیچ جنایتکاری، هرچند در رأس قدرت، از عدالت گریزی نخواهد داشت.

"نجیب‌زادگان اسلامی" و اصالت خانواده

سینا پدرام

احمدراستینه،سخنگوی کمیسیون‌فرهنگی‌مجلس گفت: "در غرب خانواده فروپاشیده و بنیان‌های آن دچار آسیب شده و ناگزیرند برای اصالت خانوادگی به سمت گرفتن تست دی‌ان‌ای از نوزادان حرکت کنند". او افزود: "نجیب‌زادگی در فرهنگ ما نهادینه شده و پدر و مادر نوزاد مشخص است."

به پدیده‌های ناموس‌پرستی، مردسالاری دینی و اهمیت "هویت پدر" و غیره باید بیشتر در آینده بپردازیم. بخصوص کشف "هویت پدری" واقعاً یکی از موضوعات تاریخی است که خوشبختانه این

آدمک از فرط "نجیب‌زاده بودن" از این موضوعات پاک مبرا است و هیچ نمی‌داند.

اما به خود این ادعا در ایران بپردازیم. ابتداً باید گفت که مانند تمام دنیا در ایران نیز تست DNA یک امر کاملاً مرتبط به مسائل پزشکی است و بیشتر مواقع برای تشخیص بیماری‌های ژنتیکی و ارثی و غیره به کار گرفته می‌شود و امریست ضروری.

دررابطه‌با موضوع تشخیص "هویت پدری" در ایران مانند همه‌جا به واسطه مسائل ارث و وراثت کاملاً امری جاافتاده‌ای در بین مراجع قضایی است و این خود کاملاً بر خلاف ادعای سخنگوی مجلس است که فکر می کند همه مثل ایشان "نجیب‌زاده"

هستند. هزاران مورد از نوع مسائل حقوقی در ایران با "تعیین هویت پدری" محرز می‌شوند و به نتیجه قضایی می‌رسند.

پدیده کودکان "سرراهی" یا "بی‌سرپرست" که به واسطه فقر و بیشتر اوقات به‌خاطر بارداری‌های ناخواسته و خارج از ازدواج را هم به این لیست بلندبالا اضافه کنید تا حماقت این ادعا برایتان ثابت شود.

آمار آن‌چنان هولناک است که به گفته مسئولان اداره بهزیستی روزانه فقط در شهر مشهد بین ۲-۳ نوزاد رها می‌شوند و در اصفهان ماهانه ۱۶ کودک بی سرپرست پیدا می‌شود.

حالا این آمار را با آمار کشورهای اروپایی مانند انگلیس و آلمان و سوئد مقایسه کنید تا ادعای پوچ "اصالت خانوادگی" و "نجابت نهادینه شده" در ایران را دریابید.

در یک سطح پایه‌ای، واقعیت این است که تعیین "هویت پدری" امری است که با ظهور مالکیت خصوصی و تقسیم جامعه به طبقات اجتماعی، وراثت و انتقال دارایی‌ها به طور عمده از طریق خط پدری، کم کم در جوامع بشری نهادینه شد. ادامه و وجود این تغییرات در جامعه سرمایه‌داری را نتیجه نیاز به کنترل مالکیت و حفظ ثروت در دست طبقه حاکم باید دانست.

کابوس هزار کشته دیگر در سوریه

سیاوش آذری

بنا بر گزارش دیده‌بان حقوق بشر سوریه، در درگیری‌ها میان نیروهای امنیتی سوریه و افراد مسلح در مناطق غربی این کشور بیش از ۱۰۰۰ تن از جمله ۷۴۵ غیر نظامی علوی کشته شده‌اند. حاکمان فعلی سوریه و در راس آن سازمان تروریستی اسلامی هیئت تحریر الشام ادعا می‌کنند که این افراد مسلح نیروهای وفادار به رژیم اسد هستند. این در حالی است که بنا بر شاهدان عینی ۷۴۵ غیرنظامی در طی ۳۰ کشتار جداگانه از طرف نیروهای امنیتی به قتل رسیده اند.

خشونت، چپاول اموال، سوزاندن خانه و محل کار و کشتار انسان‌های منتسب به باورها و ادیان متفاوت از جمله مذهب علوی و مسیحیت توسط جانیان اسلامی حاکم بر سوریه که جانشین رژیم جنایتکار بشار اسد گشته‌اند نه امری اتفاقی، بلکه سیاست نقشه‌مند و از پیش تعیین شده نیروهای تروریستی اسلامی مسلح به سیستم فکری القاعده و داعش است.

در هفته‌های گذشته بسیاری از مردم عادی علوی و مسیحی مورد آزار و حمله نیروهای امنیتی قرار گرفته‌اند و هزاران تن از آنان برای نجات جان خود مجبور به فرار از محل زندگی خود و پناه

بردن به مناطق امن‌تر گشته اند. انتساب این انسان‌ها به رژیم خونخوار اسد چیزی جز از بهانه و حربه نخ نمای حاکمان جدید اسلامی سوریه برای قتل‌عام و نسل‌کشی نیست. جنایات اخیر بار دیگر نشان داد که دخیل بستن دولت‌های غربی به آدمکشان اسلامی و مماشات با این نیروها به بهانه تشکیل "دولت فراگیر" و تأسیس "دمکراسی" در بهترین حالت سیاستی ابلهانه است.

تنها راه برون‌رفت از وضعیت موجود و تضمین رفاه، آزادی و برابری شهروندان سوریه فارغ از مذهب و قومیت و نژاد تأسیس دولتی غیرمذهبی و غیرقومی بر اساس حقوق جهان‌شمول شهروندی

است. نیروهای مترقی، آزادیخواه و برابری‌طلب سوریه باید برای این امر متحدانه به پا خیزند. مردم آزادیخواه و انسان‌دوست جهان باید در کنار مردم سوریه علیه تحمیل یک حکومت مذهبی و قومی و تأسیس دولتی سکولار و تضمین آزادی و حقوق شهروندان و در محکومیت قتل‌عام "علوی‌تباران" و دیگر مخالفان سیاسی و عقیدتی حاکمین اسلامی و قطع فوری این سیاست‌ها و عملیات وحشیانه به دولت‌های غربی فشار سیاسی بیاورند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
/https://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۸۳

۱۰ مارس ۲۰۲۵ – ۲۰ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره:سیاوش آذری

در این شماره ژورنال:

خامنه‌ای در میان دو جام زهر

محسن ابراهیمی

حکومت اشرار و خودکشی ابول کورکور

سیما بهاری

بی‌هویت و بی‌شناسنامه کردن کودکان

سیامک بهاری

وقتی پول "دبش" از اسپانیا و دبی سر در آورد!

سینا پدرام

بحران در مذاکره و بحران در حزب‌الله لبنان

کیوان جاوید

خامنه‌ای در میان دو جام زهر

محسن ابراهیمی

ترامپ ادعا می‌کند در نامه‌ای به خامنه‌ای دوراه دررابطه‌با برنامه هسته‌ای در مقابل او گذاشته است: مذاکره و توافق یا حمله نظامی! خامنه‌ای هم دیروز در جمع سرانی از حکومت گفت "مذاکره آنها برای حل مسائل نیست. برای تحکم است. در باره امکانات دفاعی کشور، توانایی‌های بین‌المللی کشور، اون کار را نکنید، فلان کس را نبینید، فلان‌جا نروید، فلان چیز را تولید نکنید، موشکتان بردش از فلان قدر بیشتر نباشد، مگر کی می‌تواند اینها را قبول کند؟"

خامنه‌ای در ماه‌های گذشته بارها پشتک‌وارو زده است. قبلاً حکم داده بود که "نه جنگ می‌شود، نه

مذاکره می‌کنیم". بعداً جفت پزشکیان و ظریف را از پستوی اصلاح‌طلبان بیرون کشید که می‌توانند پای "معامله" بروند؛ اما باید "مراقب" باشند. یکباره معلوم شد مذاکره "هوشمندانه، عاقلانه، شرافتمندانه" نیست! سخنان دیروز او این بار یک پشتک‌واروی مظلوم‌نمایانه بود. "کی می‌تواند اینها را قبول کند" یعنی اگر جام زهر پیشنهادی ترامپ خیلی کشنده نباشد می‌توان قبول کرد! سخنان نماینده خامنه‌ای در سازمان ملل هم همین فضا را داشت: "اگر هدف از مذاکرات، بررسی نگرانی‌ها در باره هر گونه احتمال نظامی سازی برنامه هسته‌ای ایران باشد، چنین گفتگوهایی ممکن است مورد بررسی قرار گیرد."

مسئله این است که توافق با شرایط ترامپ یعنی دست کشیدن از رؤیای اتمی شدن، دست شستن از

برنامه موشکی و کنارگذاشتن فکر بازسازی پیکر درهم‌شکسته محور مقاومت اسلامی. حتی لاوورف به نمایندگی از پوتین در سفر به تهران صریحاً گفت که از جمهوری اسلامی انتظار دارند امتیازهای جدی به آمریکا بدهد از جمله دررابطه‌با برنامه‌های موشکی و حضور منطقه‌ای. این یعنی تسلیم حقارت بار و فراموش کردن تقلا برای تبدیل شدن به بازیگر اسلامی قدرتمند در منطقه که در تصور خامنه‌ای می‌تواند کمکی برای بقای سیاسی حکومت باشد.

اگر خامنه‌ای تسلیم نشود عملاً زمینه را برای گزینه دوم؛ یعنی اقدام نظامی فراهم می‌کند. اقدامی که ابعاد و آثارش قابل‌پیش‌بینی نیست. اما باید تلاش کرد و امیدوار بود قبل از اینکه اوضاع از کنترل خارج شود، مردم جان‌به‌لب رسیده که در کف خیابان با صدای

بلند اعلام کرده‌اند "دشمن ما همین‌جاست"، جام زهر سقوط را به حلقوم خامنه‌ای و نظامش بریزند.

حکومت اشرار و خودکشی ابول کورکور

سیما بهاری

”ابول کورکور، معترض اهل ایذه شنبه ۱۸ اسفند پس از محاصرهٔ محل اقامتش، توسط مأموران جمهوری اسلامی در پخش زندهٔ اینستاگرام با شلیک گلوله خودکشی کرد.“

سال گذشته جمهوری اسلامی بیش از ۱۰۰۰ نفر را اعدام کرد. جمهوری اسلامی مخالفان خود را اشرار، جاسوس بیگانه، بی‌شرف، و... مورد خطاب قرار می‌دهد. جمهوری اسلامی مهدی یراحی، همان کسی که از انقلاب زن زندگی آزادی دفاع کرد و گفت رانت جنسیتی نمی‌پذیرد را شلاق زد. مأموران

جمهوری اسلامی به کارگران شهرداری تکاب شلیک و چهار نفر را زخمی کردند.

اینها قطره‌ای از دریای بیکران جنایات حکومت است. هر گونه وحشیگری که در باورها نمی گنجد را انجام می‌دهند و با وقاحت جلو دوربین می‌نشینند و اعتراف می کنند. رفیق‌دوست بی‌شرمانه از رهبری ترورهای حکومتش می گوید و با پررویی تمام از قتل فریدون فرخزاد حرف می‌زند و می گوید عملیات کشتن آن قرتی را من رهبری کردم. همانطور که روزنامه‌های حکومتی در مورد خودکشی ابول کورکور نوشتند: "سرکردهٔ اشرار، دست به خودکشی زد." درحالی که در پخش مستقیم اینستاگرام خیلی‌ها صدای کورکور را شنیدند که فریاد می‌زند ما تسلیم می‌شویم. می گویند اشرار و می گویند خودکشی تا توجیهی

برای جنایات بی‌شمارشان درست کنند.

اساس این حکومت مرگ است. با زندگی سر جنگ دارند. هر جا که قدم می‌گذارند نیستی و تباهی می‌آورند. طی یک سال روزانه تقریباً سه نفر را اعدام کرده‌اند. یکی را به‌خاطر مواد مخدر، دیگری را به‌عنوان قصاص و برخی را به جرم عقیده‌ای غیر از خودشان. فقط برای خاموش کردن حیات دست و دلباز هستند.

جامعه در همهٔ عرصه‌ها پسشان می‌زند. فریاد می‌زنند ماه رمضان است، برای نوروز جشن نگیرید. مردم در هر کوی و برزن و با هر نوایی رقص و پایکوبی می‌کنند. روز زن را با قدرت و در جمع‌های بزرگ و کوچک جشن می‌گیرند. زنان و مردان جسورانه چشم

در چشم مزدوران از برابری و آزادی و از شکستن دیوار آپارتاید جنسیتی می‌گویند.

یک حکومت درماندهٔ عاجز، یک حکومت بی‌اعتبار، یک حکومت منفور، در کنج دیوار گیر افتاده و به هر ترفندی آویزان می‌شود، مخالفین خود را شلاق می‌زند، شرور و قرتی و بی‌شرف خطاب می‌کند، در تنگنا قرار می‌دهند و می‌گویند خودکشی کردند، اما همهٔ اینها باران اعتراض می‌شود و بر پیکر نحسشان می‌بارد. خودکشی ابول کورکور باید صف اعتراضمان را فشرده‌تر کند.

بی‌هویت و بی‌شناسنامه کردن کودکان

سیامک بهاری

”قانون اعطای شناسنامه به فرزندان دارای مادر ایرانی اجرا نمی‌شود! “

طبق قوانین ”مدنی“ جمهوری اسلامی، تابعیت بر اساس خون Rule of Blood است. کودک تابع خون پدر است. ”نسب و مشروعیت طفل در حقوق اسلامی بر مبنای نسب پدری استوار است“ بنا بر بند ۲ از ماده ۹۷۶ قانون مدنی: ”کسانی که پدر آنها ایرانی است تبعه ایران محسوب می‌گردند“! در نتیجه اگر کودکی از مادر ایرانی و پدر غیرایرانی تولد یابد، تابعیت او شامل بند

۲ نمی‌شود، حتی اگر در کشور ایران متولد شده باشد.

این اساس و پایهٔ بی‌هویت و بی‌شناسنامه کردن میلیون‌ها کودک از مهاجرینی است که بیش از چهار دهه است در ایران بدون اسناد هویتی معتبر از درس و تحصیل و همه حقوق اجتماعی جاری کشور محروم شده‌اند. در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۸۹ تفاسیر مختلف از دیگر بندهای ماده ۹۷۶، روزنه‌ای بود تا برخی کودکان با احراز تابعیت پدر، دارای شناسنامه ایرانی بشوند. اما با تأسیس سازمان ملی مهاجرت در سال ۱۴۰۱ و تصویب ماده ۴۱ که تصریح می‌کند: "قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی از زمان لازم‌الاجرا شدن

این قانون به‌استثنای افرادی که در سامانه مذکور ثبت‌نام کرده‌اند لغو می‌گردد". صدور شناسنامه برای کودکان اتباع حاصل ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی ممنوع شد.

مرکز پژوهش‌های مجلس اسلامی تعداد کودکان بی‌شناسنامه با پیشینه غیرایرانی را بیش از یک میلیون نفر می‌داند. این کودکان نه اوراق هویتی کشوری که پدر تابع آن است را دارند و نه شناسنامه کشوری که در آن متولد شده‌اند. جمع قابل توجهی از کودکان کار و خیابان حاصل این رفتار خشن اسلامی با حقوق بدیهی کودکان با پیشینه غیرایرانی است.

عقب‌مانده‌ترین قوانین تعیین تابعیت، "تابعیت

بر اساس خون است"، شاخص تفکری قبیله‌ای، ضدبشری، ضد زن و متحجر حکومت اسلامی، نفرت‌پراکنی و بیگانه‌انگاری نهادینه، نسبت به ابتدایی‌ترین و بدیهی‌ترین حقوق پایه‌ای هر انسان برای داشتن هویت رسمی است.

حکومت اسلامی را باید به پذیرش حقوق پایه‌ای کودکان و احراز تابعیت بدون قیدوشرط آنان ملزم کرد. نهادهای مدافع حقوق کودکان در مقابل این کودک‌ستیزی نفرت‌انگیز ایستاده‌اند و تأکید می‌کنند مادام که حکومت با زیر پا گذاشتن بدیهی‌ترین حقوق پایه‌ای در به‌رسمیت‌شناسی هویت کودکان قوانین وضع می‌کند نمی‌تواند در هیچ نهاد بین‌المللی عضو باشد.

وقتی پول "دبش" از اسپانیا و دبی سر در آورد!

سینا پدرام

در شرایطی که کارگران و مردم ایران با مشکلات اقتصادی و تورم شدید روبه‌رو هستند، پرونده "چای دبش" ابعاد گسترده فساد سیستماتیک جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد. این پرونده به تخلفات اقتصادی اکبر رحیمی درآباد و شرکت دبش پرداخته که ارزهای دریافتی خود را به خرید املاک در دبی و اسپانیا اختصاص داده‌اند.

متهمان، از روابط بانکی برای دریافت تسهیلات ریالی و ارز با نرخ پایین بهره بردند و بخشی از این ارز را در امارات به نرخ آزاد فروخته و بدهی‌های

بانکی خود را تسویه کردند. همچنین، این شرکت‌ها از طریق ثبت سفارش‌های جعلی و دست‌کاری تاریخ‌ها، "قوانین" را دور زدند. رحیمی درآباد به اخلال در نظام اقتصادی کشور متهم است و به ۶۶ سال حبس و جزای نقدی ۲۴۴ هزار میلیارد تومان محکوم شده است. وزیران سابق صنعت و کشاورزی نیز به دلیل معاونت در این تخلفات به زندان محکوم شدند.

اما همه در ایران می‌دانند که وضعیت این "محکومان" همیشه با عفو یا آزادی مشروط همراه بوده است. از سوی دیگر، این نوع "سناریوهای مبارزه با فساد مالی" چنان نخ‌نما هستند که هیچ قصد و نیتی جز از لاپوشانی دزدی‌های "دانه‌درشت‌ها" و نزدیکان

سپاه و بیت رهبری ندارند. جالب این است، غالباً، اکثر متهمان اصلی یا از ایران گریخته‌اند و یا بعد از چندی با "عفو رهبری" آزاد شده‌اند.

پرونده‌هایی مانند "چای دبش" تنها یکی از صدها نمونه از فساد نهادینه‌شده در جمهوری اسلامی است که ریشه‌های آن نه در افراد، بلکه در ساختاری قرار دارد که خود، بسترساز اختلاس و غارت دسترنج کارگران و مردم ایران است. تاریخ ایران در صدسال گذشته، تاریخ چپاول و غارت مردم و کارگران توسط سرمایه‌داری سلطنتی و اسلامی بوده است و تا زمانی که کنترل اداره کشور از دست این طبقات سرمایه‌دار خارج نشود، پاشنه در بر همین منوال خواهد چرخید.

مبارزه با فساد و فقر در ایران باید در صدر لیست مبارزه متحدانه مردم قرار بگیرد. رهبران جنبش‌های مختلف و کارگران باید مردم را بر حول این شعار اساسی سازمان داده و رژیم اسلامی را مورد تعرض قرار دهند. دستگاه‌های قضایی این رژیم، "دبش‌تر" از هر ارگان دولتی در این منجلاب فساد غرق است و پرونده فسادشان قطور از این "نمایش‌ها" است.

بحران در مذاکره و بحران در حزب‌الله لبنان

کیوان جاوید

قالیباف رئیس مجلس اسلامی روز یکشنبه ۱۹ اسفند گفت که سخنان ترامپ "مذاکره‌نمایی" با هدف "خلع سلاح" جمهوری اسلامی است. او کلمه‌به‌کلمه حرف خامنه‌ای را تکرار کرده که هدف از مذاکره آمریکا با جمهوری اسلامی محدود به بحران هسته‌ای نخواهد بود و کل سیاست منطقه‌ای و ظرفیت سلاح‌های بالستیک رژیم مدنظر است.

جمهوری اسلامی این را درست تشخیص داده است. خامنه‌ای و کل نظام اسلامی در بد مخمصه‌ای گیرکرده است. جمهوری اسلامی هر چه ضعیف‌تر

شود دامنه توقعات دولت‌های غربی و آمریکا برای عقب راندن این حکومت بیشتر خواهد شد. رژیم اسلامی فقط به‌خاطر گیرکردن در باتلاق اقتصادی نیست که به چنین درماندگی ای افتاده است. هم کل محور مقاومتش شکست‌های سنگینی متحمل شده و در حال زمین‌گیر شدن کامل است و هم درگیر بزرگ‌ترین جنگ با مردم ایران.

از حزب‌الله شروع کنیم. حزب‌الله به‌عنوان بزرگ‌ترین نیروی نظامی غیردولتی دنیا شناخته شده است و گفته می‌شود ذخایر نظامی این نیروی تروریستِ وابسته به جمهوری اسلامی چندین برابر ارتش لبنان است. این نیروی نیابتی برای خودش دولتی بود و تأثیر فراوانی در تصمیم گیری‌های دولت لبنان

داشت. اختلاف‌نظر در صفوف حزب‌الله بر سر معاون نعیم قاسم که حالا جانشین حسن نصرالله است به‌شدت حاد شده است. شمار زیادی از کادرهای حزب‌الله، با گزینه ابراهیم امین السید مخالفت کرده و او را متهم کرده‌اند که با شدت گرفتن درگیری‌ها به عراق گریخته است.

کارت‌های بازی جمهوری اسلامی در منطقه تا حدی زیادی سوخته و باقی‌مانده آنها هم رمقی برایشان نمانده است. این وضعیت یک ارتش شکست‌خورده است. در تاریخ سراغ نداریم که با ارتش شکست‌خورده مذاکره کنند. ارتش شکست‌خورده تسلیم‌نامه را امضا می‌کند و جمهوری اسلامی برای امضا این تسلیم‌نامه امروز و فردا می‌کند.

رژیم شانس داخلی هم ندارد که بتواند با قدرت بزند و مرعوب کند و بماند و در سایه سفت کردن پایه‌های حکومت در داخل کارت برنده‌ای روی میز مذاکره رو کند. هر چه وضعیت داخلی حکومت وخیم‌تر شود اوضاع منطقه‌ای حکومت نیز زارتر می‌شود. در این گیردار برای اینکه جامعه در بهترین حالت ممکن به آرامش برسد، باید در تنور انقلاب بیشتر دمید و رژیم را سرنگون کرد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۸۴

۱۱ مارس ۲۰۲۵ – ۲۱ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

اعترافات رفیق‌دوست، اعتراف رژیم اسلامی به شکست

سیاوش آذری

تحصن اجاره‌ای در حمایت از حجاب اجباری

میلاد رابعی

شکایت از پرویز ثابتی:نه فراموش کرده‌ایم و نه می‌بخشیم

گفتگو با سیما بهاری

اعتراض دیپلماتیک یا بایکوت سیاسی؟

حسن صالحی

اعترافات رفیق‌دوست،
اعتراف رژیم اسلامی به شکست

سیاوش آذری

در پی انتشار اعترافات محسن رفیق‌دوست دررابطه‌با نقش مستقیم رژیم در عملیات تروریستی برون‌مرزی و ترور مخالفان جمهوری اسلامی دفتر او اعلام کرد که وی در سالیان گذشته "جراحی مغز با عوارض گسترده" داشته و سخنانش غیرقابل‌استناد است. از دیگر سو، احمد بخشایش اردستانی، از اعضای کمیسیون امنیت ملی، گفت: "آقای رفیق‌دوست این سخنان را در وقت بدی بیان کرده است؛ چون ایشان وزیر دفاع بوده، خارجی‌ها این را به‌عنوان یک گزاره صحیح" یعنی به معنی اعتراف رسمی در نظر می‌گیرند. وی همچنین گفته که رفیق‌دوست این

سخنان را به‌عنوان نشانه قدرت رژیم بیان کرده و اضافه کرده: "ما از خارج ضربه نمی‌خوریم، ما از داخل ضربه می‌خوریم... اگر ضربه‌ای بخوریم، از داخل است. به‌خاطر معیشت مردم، به‌خاطر تفاوت دیدگاه بین مسئولین و مردم، به‌خاطر اختلاف طبقاتی، تبعیض، معیشت".

این ضدونقیض گویی‌های سران و مسئولان ریزودرشت رژیم نشان‌دهنده حال زار و درماندگی حکومت و اعتراف به شکست است. از یک سو کتمان می‌کنند و به یکدیگر نهیب می‌زنند؛ زیرا در پی تارومار شدن "محور مقاومت" و عیان شدن پوشالی بودن رجزخوانی‌های رژیم، دست‌اندرکاران حکومت در تلاش در چراغ‌سبز نشان دادن به آمریکا و غرب برای مذاکره و مصالحه و سرکشیدن جام زهر به شیوه‌ای

”آبرومندانه“ هستند. در چنین شرایطی اعترافاتی ازاین‌دست موقعیت حکومت در مذاکرات محتمل با قدرت‌های غربی را ضعیف‌تر کرده و قدرت مانور رژیم در این مذاکرات را بیش‌ازپیش کاهش خواهد داد.

اما نکته مهم‌تر اعتراف به شکنندگی موقعیت رژیم اسلامی در تقابل با ”دشمن داخلی“، یعنی مردم جان‌به‌لب‌رسیده‌از فقر و فلاکت اقتصادی، دیکتاتوری اسلامی و نبود آزادی‌های سیاسی و اجتماعی که انقلاب زن زندگی آزادی را رقم زدند و مترصد به زیر کشیدن حکومت الله هستند، است. رژیم می‌تواند به امامزاده مذاکره با غرب و مصالحه و تسلیم دخیل ببندد و در انتظار معجزه نجات باشد؛ اما حتی نزول خود جناب الله بر زمین و ظهور او در تهران قادر به

مهار سیل خروشان انقلاب مردم نخواهد شد و همراه با نمایندگان دنیوی‌اش به زباله‌دان تاریخ خواهد پیوست. حضرات درست می‌فرمایند: دشمنشان همین‌جاست و کارشان را در زمین داخل یکسره خواهد کرد.

تحصن اجاره‌ای در حمایت از حجاب اجباری

میلاد رابعی

نماینده کاشمر در مجلس اسلامی مدعی شد کسانی که روبروی درب مجلس در حمایت از حجاب اجباری تحصن کرده‌اند، بابت این کار پول دریافت کرده‌اند. این تجمع پیش از اظهارنظر جناب "نماینده" هم به‌اندازه کافی اسباب آبروریزی رژیم بود. تعداد انگشت‌شمار زنانی که با ماسک و سایر وسایل صورت‌هایشان را پوشانده بودند و حضور آخوندی که میانه‌دار این لشکر شکست‌خورده بود هر ناظری را متوجه اوضاع وخیم رژیم و هوادارانش می‌کرد. حالا هم که کاشف به‌عمل‌آمده همان تعداد معدود هم "هوادار" رژیم نیستند و با دریافت پول حاضر به

انجام این کار شده‌اند. نمایش چنان مضحک است که صدای خودشان هم درآمده است.

این تصویر حاکی از اوج درماندگی و استیصال رژیمی است که از نظر ایدئولوژیک مدت‌ها است کاملاً پایه مردمی خود را ازدست‌داده است و توان بسیج نیرو را حتی برای همین نوع حرکات را هم ندارد. وضعیت کنونی رژیم روشن‌ترین و واضح‌ترین شکل عملی واژه شکست سیاسی است. شکستی بزرگ در تمام زمینه‌ها و ارکان سیاست و اقتصاد. حتی منفورترین دیکتاتوری‌ها پس از سقوط، اقبال بیشتری میان بخش‌های ناچیزی از مردم دارند تا این نظام "مستقر". حکومت اسلامی نه به لحاظ سیاسی و نه از نظر ارزشی نماینده هیچ بخشی از جامعه نیست. تنها نماینده همان اقلیت حاکم یعنی سران فی‌الحال در

قدرت و یک قشر کوچک مفتخورخارج از حاکمیت است. حتی رؤسای جمهور و مقامات سابق همین نظام کنار گذاشته شده‌اند. این جرگه در قدرت از نظر کمی هر روز در حال آب رفتن است و این عارضه به‌تنهایی برای سقوط هر حکومتی کافی است.

شرایط امروز رژیم از هر زمان دیگری وخیم‌تر است و به همین نسبت سقوطش محتوم‌تر و نزدیک‌تر. حکومت امروز حتی توان از سر گذراندن ضربه‌ای مانند ۱۴۰۱ را ندارد حال آنکه تردیدی نیست ضربه بعدی مردم بدون تردید و طبق تجربه به‌مراتب محکم‌تر و قاطع‌تر خواهد بود.

در این فاصله زمانی اتفاقات بسیار مهم و تعیین کننده‌ای رخ داده است. اعدام‌ها و سرکوب‌هایی که نتوانست

جامعه را عقب براند، بر عزم مردم هزار بار افزوده است.

مثل همیشه آنچه باید در شرایط کنونی مورد توجه اکید مردم و فعالین قرار گیرد موضوع حیاتی تشکل و سازمان‌یابی است. اتحاد همه مردم علیه همان دایره تنگ‌ترشونده قدرت که بالاتر اشاره شد. پایان کرکسان اسلامی نزدیک است.

شکایت از پرویز ثابتی:
نه فراموش کرده‌ایم و نه می‌بخشیم

گفتگو با سیما بهاری

سوسن صابری: به دنبال شکایت سه زندانی سیاسی دوران محمدرضا پهلوی از پرویز ثابتی، رئیس ادارهٔ سوم ساواک، صدها زندانی سیاسی دیگر آن دوران طی بیانیه‌ای از خواست آن سه زندانی مبنی بر محاکمهٔ ثابتی حمایت کردند. شما یکی از امضاکنندگان این بیانیه هستید. کمی در بارهٔ تجربه خودتان برای خوانندگان ژورنال بگوئید و اینکه چه هدفی را از امضای این بیانیه دنبال می‌کنید؟

سیما بهاری: پرویز ثابتی در سال‌های ۵۲ تا ۵۷ در رأس ادارهٔ سوم ساواک یعنی مهم‌ترین و مقتدرترین بخش یک سازمان مخوف امنیتی در یک حکومت توتالیتر و سرکوبگر بود. او طراح و مجری شکنجه سیستماتیک در دههٔ پایانی رژیم پهلوی بود. فکر کنم مردم کم‌وبیش نقش و جایگاه ثابتی را در رژیم شاه می‌دانند. این چند سطر را برای نسل جوانی نوشتم که احیاناً از ساواک چیز زیادی نمی‌دانند.

وقتی من دستگیر شدم ۱۸ یا ۱۹ سال داشتم. تازه با یک گروه مارکسیست دانشجویی آشنا شده بودم. مدرک جرمی که ساواک از خانه‌ام ضبط کرد کتاب "خوشه‌های خشم" بود. ساواک ترس ایجاد می‌کرد. هر حرکتی را سعی می‌کردند در نطفه خفه کنند. اینها با مهندسی امثال ثابتی

طراحی می‌شد. آن زمان من به‌عنوان یک جوان می‌خواستم هر چیز تازه‌ای را تجربه کنم. ساواک امکان کنجکاوی را از ما می‌گرفت. باید دائماً روابطمان را چک می‌کردیم که مبادا ساواک بینمان نفوذ کند. دو ماه در انفرادی بودم. در این دو ماه اجازهٔ ملاقات نداشتم. دو ماه نوار بهداشتی به من ندادند. با بازجوهایی روبرو شدم که علاوه بر نگاه‌های جنسیتی از هر فرصتی برای لمس بدن زندانیان استفاده می‌کردند. زندان، زندان است و محدودیت. اما بدترین چیز این است که نمی‌دانی دقیقاً چرا اینجایی؟

ثابتی قبل از سرنگونی شاه به خارج گریخت. زندگی بی‌سروصدا و دور از انظار عمومی را گذراند. انقلاب زن زندگی آزادی که شروع شد، از سوراخ

خود بیرون خزید. لابد فکر می‌کرد حجم جنایات جمهوری اسلامی آن‌قدر زیاد است که اجازه پیدا کند آفتابی شود و بی خجالت عکس بگیرد. در خیالات خودش فکر کرده که دوباره قدرت را می‌گیرند و آن‌وقت بقایای هم‌پالکی‌های خودش را جمع کرده و با کمک عناصری از ساواما و سپاه، آنها که مورد تأیید شاهزاده هستند، دوباره کاروکاسبی گذشته را با تجربیات زیادتر و ارزنده‌تر بکار گرفته و دوباره بگیرد و شکنجه کند و مخالفین را سر جایشان بنشاند.

من می‌خواهم جزئی از آن نیرویی باشم که بگویم اگر بعد از انقلاب ۵۷ رژیم تازه به‌قدرت‌رسیده از بقایای شما استفاده کرد، و با استفاده از تجربهٔ شماها شکنجه و کشتار کرد، ما اجازه نمی‌دهیم

تاریخ تکرار شود. جنایات بی‌شمار جمهوری اسلامی به شما ساواکی‌ها و شکنجه‌گران این حق را نمی‌دهد که این‌چنین وقیح بیرون بیایید و فکر کنید می‌توانید سوار انقلاب شوید. جنایت علیه نسل ما شامل مرور زمان نمی‌شود. ما یادمان نرفته و نبخشیده‌ایم.

سوسن صابری: به نظر شما محاکمهٔ ثابتی در دادگاه و افشای جنایات سازمان امنیت حکومت پهلوی چه تأثیری در آگاهی بیشتر مردم بخصوص نسل جوانی که دوران پهلوی را ندیده‌اند می‌تواند داشته باشد؟

سیما بهاری: همانطور که گفتم جنایات ساواک شامل مرور زمان نمی‌شود. ما تاریخ را زنده نگه

می‌داریم. من درود می‌فرستم به آن سه زندانی سیاسی دوران شاه که از ثابتی شکایت کردند و این پرونده را باز کردند. با طرح این شکایت نسل جوان می‌بیند که ثابتی با حمید نوری تفاوتی ندارد. مدافعان سلطنت سعی می‌کنند تصویری از آن دوران بدهند که همه‌جا گل‌وبلبل بود. آنها از حلبی‌آبادها و از خانه‌های گلی و بی امکانات و از مدارس روستاها و از کودکان کار و دختران خردسال قالیباف و... نمی‌گویند. نسل جوان می‌بیند که ما هم حق داشتیم ساواک و شاه نخواهیم. ما هم از تبعیض و اختناق خسته بودیم و می‌خواستیم مثل آدم زندگی کنیم. درست مثل جوانان امروز و این آگاهی و شناخت طبعاً در انتخاب امروز و آینده این نسل مؤثر خواهد بود.

اعتراض دیپلماتیک یا بایکوت سیاسی؟

حسن صالحی

روز دوشنبه ۲۰ اسفند، وزارت خارجه جمهوری اسلامی سفیر سوئد در تهران را در واکنش به اظهارات وزیر آموزش‌وپرورش این کشور علیه جمهوری اسلامی احضار کرد. یوهان پرشون، وزیر آموزش سوئد، حدود دو هفته پیش در گفت‌وگویی با روزنامه اکسپرسن، حکومت ایران را به زن‌ستیزی و یهودی‌ستیزی متهم کرده و آن را "یاغی" خوانده بود. اما این اقدام دلایل دیگری نیز داشت.

چند روز پیش‌ازاین اتفاق، وزارت خارجه سوئد سفیر جمهوری اسلامی را در اعتراض به وضعیت

بحرانی احمدرضا جلالی، پژوهشگر ایرانی – سوئدی محکوم‌به‌اعدام، احضار کرد و خواستار آزادی او به دلایل بشردوستانه شد. این اقدام مورد استقبال همسر جلالی، ویدا مهران‌نیا، قرار گرفت.

سیاست‌های مماشات‌جویانه دولت سوئد طی سال‌های گذشته به جمهوری اسلامی اجازه داده بود که با ایجاد مراکز اسلامی مانند مسجد امام علی در استکهلم و حتی اجیرکردن گروه‌های تبهکار، فعالیت‌های خود را در اروپا گسترش دهد. نفوذ عوامل جمهوری اسلامی، از جمله افرادی مانند روزبه پارسی در وزارت خارجه سوئد، نشان‌دهنده عمق این روابط بود.

بااین‌حال، در ماه‌های اخیر دولت سوئد رویکرد سخت‌گیرانه‌تری در قبال جمهوری اسلامی اتخاذ کرده است. نمونه‌ای از این تغییر سیاست، بازداشت و صدور حکم اخراج محسن حکیم‌الهی، رئیس مرکز اسلامی امام علی در استکهلم، در بهمن‌ماه بود.

ما بارها در مذاکرات خود با مقامات وزارت خارجه سوئد، چه از سوی کمیته بین‌المللی علیه اعدام و چه نهادهای دیگر، تأکید کرده‌ایم که ادامه روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی تنها به آن مشروعیت می‌بخشد و فعالیت‌های تروریستی‌اش را تقویت می‌کند. ما خواهان بایکوت سیاسی این رژیم بوده‌ایم، همان سیاستی که علیه حکومت

آپارتاید آفریقای جنوبی اجرا شد. یک سیاست واحد در اتحادیه اروپا می‌تواند جمهوری اسلامی را به‌زانو درآورد و به آزادی گروگان‌های دو تابعیتی کمک کند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۸۵

۱۲ مارس ۲۰۲۵ – ۲۲ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

دستمزد کمتر از سبد معیشت جرم است

شهلا دانشفر

اعدام کودکان جنایتی سبعانه

سینا پدرام

توافق دولت سوریه با نیروهای کردستانی

کاظم نیکخواه

محاکمه ویرانگران انسانیت و اجرای عدالت

سیامک بهاری

دستمزد کمتر از سبد معیشت جرم است

شهلا دانشفر

روز ۲۱ اسفند نشست رسمی شورای‌عالی کار برگزار شد. اما تعیین حداقل دستمزد به نشست بعدی در ۲۷ بهمن موکول گشت. کارگران به زد و بندهای پشت پرده کمیته مزد معترض‌اند و پاسخ را در مبارزه متحد کف خیابان می‌دانند.

حکومت اسلامی هرساله در تدارک تعرضی بیشتر به معیشت کارگران و کل جامعه و در هراس از گسترش اعتراضات، اعلام میزان دستمزد سال آتی را به روزهای پایانی سال موکول می‌کند تا با استفاده از فرصت تعطیلات نوروزی برای خود زمان بخرد.

به دنبال انقلاب زن زندگی آزادی و فضای انفجاری جامعه علیه فقر، تبعیض و اختلاسگری‌ها، اعلام مزدی ناچیز می‌تواند باروتی برای شعله‌ورتر کردن اعتراضات کارگری و کل جامعه باشد. یک کار شورای‌عالی کار بازی با ارقام در اعلام نرخ سبد معیشت به‌عنوان مبنایی برای تعیین حداقل دستمزد است و به رقمی حدود ۲۴ میلیون رسیده است.

کارگران به کل این بساط بردگی و تعیین دستمزد از بالای سر خود اعتراض دارند و بیانیه‌های اعتراضی آنان نشانگر عمق جنبش بر سر معیشت و رفاه است. بیانیه مشترک ۱۰ تشکل کارگری و نهاد اجتماعی با تیتر "مزد کمتر از هزینه واقعی سبد معیشت جرم است! افزایش دستمزد متناسب با افزایش نرخ دلار" یک نمونه آن است.

بیانیه با اشاره به شرایط فلاکت‌بار کل جامعه، مطالبه افزایش حداقل دستمزد طبق سبد معیشت را کیفرخواستی علیه بساط فقر، محرومیت، تبعیض و بردگی مزدی می‌خواند و همچنین بر تعیین حداقل مزد بر مبنای هزینه‌های واقعی سبد معیشت مطابق با شاخص‌های جوامع پیشرفته امروز بشری، اتحاد مبارزاتی تمامی تشکل‌های کارگری و اجتماعی با مطالباتی همسو و ایستادن مقابل سرکوبگری‌های حاکم تأکید می‌کند.

حرف مشخص بیانیه محاسبه حداقل دستمزد بر اساس صعود نرخ دلار و در اولین قدم ۶۰ میلیون تومان و افزایش آن بر اساس رشد تورم است. بعلاوه درمان رایگان، تحصیل رایگان و تسهیلات لازم برای تأمین مسکن را حقوق پایه‌ای جامعه می‌داند.

۵ تشکل کارگری دیگر نیز بر سر خواست افزایش دستمزد بیانیه‌ای مشترک داده‌اند. این بیانیه کارزار دارودسته‌های شورای اسلامی با خواست افزایش ۷۰ درصدی مزد را که نهایتاً به ۱۵ میلیون تومان می‌رسد، به‌نقد کشیده و کارگران را به مبارزه متحد می‌خواند.

حداقل دستمزد نباید کمتر از ۶۰ میلیون تومان باشد، محور مشترک این بیانیه‌ها است. به جنبش بر سر خواست افزایش دستمزد بپیوندیم.

اعدام کودکان جنایتی سبعانه

سینا پدرام

سازمان حقوق بشر ایران در گزارش سالانه خود درباره اعدام‌ها در ایران اعلام کرد که رژیم اسلامی بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۲۲، ۷۷ درصد از اعدام‌های «کودک - مجرمان» جهان را انجام داده است. این کشور همچنین در ۱۰ سال گذشته تنها کشوری بوده که هر سال اعدام کودکان را اجرا کرده است.

اعدام کودکان به هر بهانه‌ای نقض کامل حقوق بشر و زیر پا گذاردن تمامی کنوانسیون‌های جهانی است و این جنایت وحشیانه باید شدیداً توسط تمامی دول جهان محکوم شود.

واقعیت این است کودکانی که در دام بزهکاری و باندهای مافیایی و دزدی‌های مسلحانه و غیره می‌افتند، محصول رژیمی هستند که زندگی بخش بزرگی از آنها را به تباهی کشانده و فقر و بی‌آیندگی را در زندگی کودکان و مردم، نهادینه کرده است. آنچه که باید نابود شود نه زندگی این کودکان به‌دام‌افتاده در ورطه نابودی اجتماعی بلکه مافیای رژیم اسلامی است که چنین سرنوشتی را بر زندگی میلیون‌ها کودک مستولی کرده است.

در طول ۲۰۰ سال گذشته زندان و اعدام ابزارهای اساسی طبقه حاکمه برای به تمکین کشاندن طبقات زیردست بوده‌اند. کل سیستم قضایی رژیم اسلامی بر پایه شریعت و احکام قرون‌وسطایی بنا شده است. این دستگاه "قضایی" اصلاح پذیر نیست و مانند خود

رژیم باید دور انداخته شود.

آنچه در رژیم اسلامی در عرض ۴۶ سال گذشته اتفاق افتاده است استفاده سیستماتیک و بسیار آگاهانه از اعدام و زندان‌های طولانی‌مدت برای سرکوب انقلاب ۵۷، خواباندن اعتراضات اجتماعی و رفاهی بعد از انقلاب و بالاخره ارعاب جامعه متعاقب هر نوع خیزش اجتماعی بوده است. اعدام‌های سال گذشته که بیشتر از ۹۵۰ نفر می‌شود، تلاش مذبوحانه رژیم برای مقابله با انقلاب زن زندگی آزادی است.

آنچه که اساسی است وجود یک جنبش ضد اعدام در ایران است که کاملاً به اهمیت کوتاه کردن دست رژیم اسلامی از این دو ابزار سرکوب آگاه هست. فقط با یک اتحاد گسترده مردمی و با ایجاد یک فرهنگ

مدرن ضد اعدام می‌توان در نبرد با هیولای اعدام و بخصوص اعدام کودکان پیروز شد. باید رژیمی را که باعث‌وبانی وجود بزهکاری جرایم جنائی در میان کودکان است را از میان برداشت.

ایرانیان مقیم کشورهای دیگر نیز بدون شک با اعتراضات مستمر خود پرچم ضد اعدام و بایکوت رژیم اسلامی از مجامع بین‌المللی را باید افراشته نگه دارند.

توافق دولت سوریه با نیروهای کردستانی

کاظم نیکخواه

یک رویداد جنجالی در روزهای اخیر در منطقه، امضای توافقی در ۱۰ مارس (۲۰ اسفند) توسط احمد الشرع رئیس دولت موقت سوریه با مظلوم عبدی رهبر نیروهای سوریه دموکراتیک (SDF) بود که عکس العملهای وسیعی در سطح دنیا برانگیخت. تفاهم‌نامه مزبور بعد از مذاکرات طولانی پشت پرده با وساطت آمریکا و فرانسه صورت گرفته، و در چهاربند اول آن چنین اعلام شده است:

"تضمین حقوق همه سوری‌ها: نمایندگی و مشارکت

در فرآیند سیاسی و نهادهای دولتی بر اساس شایستگی، بدون تبعیض قومی یا دینی.
به‌رسمیت‌شناختن کُردها: جامعه کُرد به‌عنوان جامعه‌ای اصیل شناخته شده و حقوق شهروندی و قانونی آنها تضمین می‌شود.
توقف درگیری‌ها: آتش‌بس کامل در سراسر خاک سوریه برقرار خواهد شد.
ادغام نهادها: تمامی نهادهای مدنی و نظامی شمال شرق سوریه در ساختار دولت سوریه ادغام می‌شوند... ".

توافق مزبور قطعاً با پیام روزهای اخیر اوجالان مبنی بر خلع سلاح پ ک ک در ترکیه بی‌ارتباط نیست. ارزیابی‌های خوش‌بینانه و بدبینانه زیادی نسبت به توافق سوریه صورت گرفته است. باتوجه‌به بی ثباتی

دولت جدید سوریه به رهبری احمدالشرع، و سابقه همکاری او و نیروهایش با القاعده و جریانات اسلامی ارتجاعی، باتوجه‌به قتل‌عام فجیع همین روزهای اخیر از مردم منتسب به علویه، بدبینی نسبت به آینده سوریه و توافقات کنونی موجه است و زمینه واقعی دارد.

اما می‌توان امیدوار بود که حضور نیروها و دولت‌های متعدد با منافع متضاد در سوریه، نظیر اسرائیل، آمریکا، ترکیه، و وجود تفاوت‌های مذهبی و قومی وسیع در این کشور، و گرایش قوی مردم به صلح و آزادی و آرامش باعث شود که دولت جدید سوریه در یک حالت توازن سیاسی و اجتماعی، به‌ناچار بر توافقات مبتنی بر حقوق شهروندی گردن بگذارد و بتوان شاهد فضایی بدون جنگ و

درگیری و بدون سرکوب و پاک‌سازی‌های قومی نظیر فاجعه روزهای اخیر در لاذقیه و حمص بود. در شرایط حساس سوریه اگر توافقات محکمی برای تضمین فضای مدنی و صلح‌آمیز صورت نگیرد، می‌تواند جنگ‌ها و کشاکش‌های فاجعه باری را در پی داشته باشد و دولت جدید سوریه نخواهد توانست به موجودیت خود ادامه دهد.

باتوجه‌به این باید امیدوار بود که با توافق اخیر و تحولات بعدی، حقوق مردم کردستان به رسمیت شناخته شود و فضایی بدون جنگ‌ها و درگیری‌ها در کردستان و در کل سوریه حاکم گردد.

محاکمه ویرانگران انسانیت و اجرای عدالت

سیامک بهاری

«به حکم دادگاه بین‌المللی کیفری، رودریگو دوترته، رئیس جمهور پیشین فیلیپین، به اتهام جنایت علیه بشریت بازداشت شده است».

خبر کوتاه است، «دوترته» پس از بازگشت از کنگو در فرودگاه مانیل پایتخت فیلیپین توسط پلیس اینترپل به جرم جنایت علیه بشریت دستگیر و روانه لاهه شد. او به‌عنوان یک جنایت‌کار حرفه‌ای در رأس یکی از خشن‌ترین باندهای مافیایی دولتی، ۲۲ سال شهردار داوائو سیتی، از بزرگ‌ترین شهرهای جنوب فیلیپین، سپس از سال ۲۰۱۶ به مدت شش سال رئیس‌جمهور و فرمانده کل قوا با خشن‌ترین

جنایات و آدمکشی و سرکوب عریان در قدرت بود.

نعره‌های او هنوز جامعه زخم‌خورده و میلیون‌ها مردم قربانی به زیر خط‌فقر و فلاکت کشیده شده را می‌لرزاند. فریاد می‌زد آماده کشتن همه معتادان کشور است؛ «هیتلر سه میلیون یهودی را کشت، من خوشحال می‌شوم همه سه میلیون معتاد فیلیپین را بکشم»!

«دوترته» دست‌کم متهم به قتل بیش از ۶هزار نفر به جرم اعتیاد و خرده‌فروشی مواد مخدر، توسط جوخه‌های مرگ، کشتاری بی‌رحمانه، علنی و آشکار به نام بازگرداندن امنیت به کشور، قربانیان نظام دیکتاتوری خشن فیلیپین را نشانه گرفته بود بی آنکه دست به ریشه اعتیاد و فحشا و فساد ببرد و حتی

خراشی به بی‌عدالتی و نابرابری نهادینه در کشور بزند. خود در رأس یکی از فاسدترین دستگاه‌های دولتی در جنوب شرق آسیا حکومت کرد. با سرکوب بی‌رحمانه و فوق خشن منتقدانش، احزاب چپ و کمونیست را، «بی‌شعور از نوع ناب‌ترین نوع آن» خطاب می‌کرد. او گله‌ای از لمپن‌ها و آدم‌کش‌ها را در رأس قدرت به‌عنوان متحدین خود به کار گماشت.

اگرچه جناح حاکم کنونی در رقابت‌های بی‌پایان مافیای قدرت در فیلیپین دست‌کمی از او و خاندان فاسدش در تداوم فساد و اختلاس ندارد. اما دستگیری «دوترته»، مردم رنج‌دیده و بازماندگان هولوکاست «معتاد کشی» را بسیار خشنود کرده است، تا محاکمه علنی او را ببینند.

«دوترته» به جرم جنایت علیه بشریت دستگیر و در دادگاه کیفری بین‌المللی لاهه محاکمه خواهد شد. جنایت کارانی مانند نتانیاهو، یوآوگالانت، ولادیمیر پوتین، به همین جرم محکوم اما دستگیر و محاکمه نشده‌اند.

آمران مرگ و نیستی و ویرانگران انسانیت، مانند خامنه‌ای و سایر شرکا در رأس تروریسم اسلامی که بزرگ‌ترین تهدید امنیتی برای بشریت در جهان معاصرند، باید به جرم جنایت علیه بشریت دستگیر و به دست عدالت سپرده شوند و در پیشگاه مردم جهان محاکمه گردند!

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۸۶

۱۳ مارس ۲۰۲۵ – ۲۳ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال:

رعشه‌های مرگ حکومت الله و هراس خامنه‌ای

سیاوش آذری

خامنه‌ای مرفه مخالف رفاه مردم است

سیما بهاری

اعتراف به تلاش برای ترور مسیح علی‌نژاد

کیوان جاوید

سیاست‌های اتحادیه اروپا علیه پناهجویان شدیداً محکوم است

رضا درویش

رعشه‌های مرگ حکومت الله و هراس خامنه‌ای

سیاوش آذری

خامنه‌ای روز چهارشنبه ۲۲ اسفند در ارتباط با مسائل پیش روی رژیم اسلامی از جمله تحریم‌های حداکثری، مذاکره با آمریکا و دیگر موضوعات مرتبط و نامربوط در یک سخنرانی برای جمعی از "دانشجویان" گفت: "امسال در برخی مسائل نسبت به سال قبل قوی‌تر هستیم و در بعضی مسائل اگر قوی‌تر نباشیم، ضعیف‌تر نیستیم."

چنین اظهارات و ادعاها بیش از هر چیز نشانگر بیم و هراس نماینده الله از فروریزی و سرنگونی حکومت اسلامی است. این پریشان‌حالی خود بازتاب اوضاع آشفته رژیم و موقعیت زبون و ذلیل آن چه در مقابل

مردم معترض و چه در تقابل با قدرت‌های غربی است. رژیم امروز ضعیف‌تر و خوارتر از هر زمان دیگر است و قرار نیست رجزخوانی‌های این پهلوان‌پنبه پشم و یال ریخته گره کور وضعیت اسف‌بار حکومت اسلامی را بگشاید.

در تقابل با انقلاب زنانه و به دنبال فتح خاکریز حجاب توسط زنان لایحه مشهور به قانون حجاب و عفاف همچنان چون روحی سرگردان در برزخ دالان‌های میان قوای رژیم در گردش است. نفس تلاش در معرفی چنین قانونی نشانه شکست رژیم در عرصه اجتماعی و فرهنگی و بربادرفتن همیشگی "سنگر حجاب" اسلامی است. زنان مصمم‌تر از گذشته در اشکال گوناگون، از اعتراض برهنه تا گوشمالی‌دادن حجاب‌بانان و تک‌خوانی و اجرای کنسرت زنده

همچنان به پیش می‌تازند.

در تقابل با "استکبار جهانی" محور مقاومت کذایی دود شد و به هوا رفت؛ هنیه، حسن نصرالله و بسیاری از فرماندهان ارشد حزب‌الله و سپاه قدس در حملات اسرائیل کشته شدند؛ حماس و حزب‌الله متحمل سنگین‌ترین شکست‌ها گشتند؛ رژیم اسد به‌گونه‌ای برق‌آسا سقوط کرد. در مقابل، توخالی بودن "وعده‌های صادق" حکومت اسلامی بر همگان آشکار شد.

در عرصه اقتصاد رژیم حتی قادر به تأمین پایه‌ای‌ترین نیازها نظیر برق و گاز و آب نیست؛ اقتصاد کشور در تعطیل به سر می‌برد؛ فقر و فلاکت اقتصادی و بحران معیشتی تعمیق گشته و در مقابل جنبش‌های اجتماعی

از جمله جنبش کارگران، بازنشستگان، فرهنگیان، پرستاران و دیگر اقشار محروم جامعه با قدرت و صلابت بیشتر به پیش می‌رود.

رژیم اسلامی به انتهای خط رسیده است. دیری نخواهد پایید تا مبارزه همبسته و متحدانه مردم در راستای ساخت جامعه‌ای آزاد، برابر، مرفه و انسانی و دنیایی بهتر امارت حکومت الله را در هم کوبد.

خامنه‌ای مرفه مخالف رفاه مردم است

سیما بهاری

مسعود روغنی زنجانی، رئیس سابق سازمان برنامه‌وبودجه ایران گفته است که خامنه‌ای در دیداری با اکبر هاشمی رفسنجانی، با این استدلال که "رفاه مردم آن‌ها را بی‌دین خواهد کرد"، مخالفت خود را با بهبود وضعیت معیشتی مردم اعلام کرده بود!

یک معمای بزرگ حل شد. اینکه چرا با این‌همه فقر و تنگنای اقتصادی و مشکلات عدیده، مردم شبانه‌روز در مساجد در حال دعا و نیایش هستند. آنجا که در مساجد و تکایا جا گیر نمی‌آورند، در خیابان و بازار

و پاساژ دارند دعا می‌کنند و روزه‌داری می‌کنند و تسبیح می‌چرخانند. این‌طور نیست؟

این روزها که مصادف است با نزدیکی عید و چهارشنبه‌سوری و از بخت بد رژیم، ماه رمضان، اوباش حکومت عربده می‌کشند و مردم را از شادی و پایکوبی و رقص برحذر می‌دارند. اما کو گوش شنوا! خامنه‌ای این آدم خودشیفتهٔ منفور، با رفاه مردم از ترس بی‌دین شدنشان مخالفت می‌کرده. اما نتیجه عکس شده. خیلی وقت است که دین و امامزاده و قرآن و ائمه موضوعات جوک و دست‌اندازی مردم هستند. هیچ تبلیغات ضدمذهب نمی‌توانست دین و عملکرد آن را چنین عریان مقابل مردم قرار دهد. مردم دروغ و ریاکاری، خشونت و بی‌رحمی، و کلاه‌برداری و تزویر را یکجا در دین دیدند و تجربه

کردند. این بار مردم با انقلاب پیش رو مذهب و هر آنچه زائدهٔ آن است را در سوراخ خواهند کرد، تا برای همیشه از این تاجران دین و ویرانگران زندگی و حراج‌کنندگان حرمت خلاص شوند.

حتماً رئیس سابق برنامه‌وبودجه مطلع هست که حقوقهای نجومی و دزدی‌های میلیارددلاری سران حکومت، از جمله خودش گویی نه تنها ایمانشان را سست نکرده، که به خدا نزدیک‌تر هم شده‌اند! نکند این دزدان می‌دانند که شکم گرسنه ایمان ندارد و خودشان از راه دزدی و رفاه به خدا نزدیک می‌شوند!

این روزها افشاگری‌های جورواجوری را مطرح می‌کنند. شاید یکی دو روز دیگر هم بگویند رئیس سابق برنامه‌وبودجه پایش لیز خورده و سرش به جایی

خورده و پرت‌وپلا می‌گوید. شاید تلاش کنند حرف را پس بگیرند. ولی کار رژیم و اعتبارش نزد مردم از این حرف و حدیث‌ها گذشته. مردم حکومت دین و مذهب و دزد و چپاولگر نمی‌خواهند. مردم دارند کلیت رژیم با همهٔ اعتقادات و همهٔ عملکردهایشان را به زباله‌دان می‌ریزند.

اعتراف به تلاش برای ترور مسیح علی‌نژاد

کیوان جاوید

خالد مهدی‌اف عضو یک گروه جنایت‌کار روسی روز سه‌شنبه ۱۲ مارس - ۲۲ اسفند اعتراف کرده است که قصد داشت مسیح علی‌نژاد را به قتل برساند. این تروریست حرفه‌ای در ژوئیه سال ۲۰۲۲ میلادی درحالی‌که در خودروی شخصی خود در منطقه بروکلین به کمین نشسته بود با یک قبضه اسلحه کلاشنیکف دستگیر شد.

دادستان فدرال در دادگاه گفت که جمهوری اسلامی به امیراف و عمراف "۵۰۰ هزار دلار برای سازماندهی قتل مسیح علی‌نژاد پیشنهاد کرده

است". این دو عضو مؤثر باند تبهکار، خالد مهدی‌اف را برای به‌قتل‌رساندن مسیح علی‌نژاد به خدمت گرفته بودند.

خصوصاً این روزها که موضوع ترور سازمان‌یافته مخالفین جمهوری اسلامی در ۴ دهه گذشته توسط جمهوری اسلامی داغ شده است، یک‌بار دیگر باید توجه‌ها را به نمونه جدید ترورهای برنامه ریزه شده جمهوری اسلامی جلب کرد و روشن کرد که در برابر این حکومت تروریست چه سیاستی باید در پیش گرفت.

جمهوری اسلامی به تجربه‌دیده است هر بار که یکی از عوامل تروریستش در خارج کشور به دادم می‌افتند با حربه گروگان‌گیری شهروندان اروپایی

و آمریکایی توانسته است دست به معامله بزند و در ازای آزادی گروگان‌ها، تروریست‌های وابسته به خود را آزاد کند. این سیاست کثیف بارها تکرار شده است و دولت‌های اروپایی و آمریکا بارها در این معامله تن به سیاست جمهوری اسلامی داده‌اند. این دولت‌ها در برابر جمهوری اسلامی دست به مماشات و معامله می‌زنند.

این چرخه منزجرکننده باید متوقف شود. در قدم اول باید فوراً سپاه پاسداران به‌عنوان یک سازمان تروریستی شناخته شود. هم‌زمان باید رابطه سیاسی و دیپلماتیک با این حکومت تروریست قطع شود و همه سفارتخانه‌های رژیم اسلامی تعطیل شوند.

یک سیاست تند و تعرضی علیه جمهوری اسلامی

باید در پیش گرفته شود و هیچ تروریست جمهوری اسلامی بعد از دستگیری و محاکمه نباید با گروگان‌ها معاوضه شود. سران حکومت اسلامی به‌عنوان آمرین ترور باید تحت تعقیب قضایی بین‌المللی قرار بگیرند و توسط اینترپل حکم بازداشت بین‌المللی آنها صادر شود. ریشه‌کردن این حکومت البته هدف مستقیم مبارزات مردم در ایران است و دولت‌ها باید با عدم چشم‌پوشی از جنایات رژیم در راستای مبارزات مردم قرار بگیرند. جمهوری اسلامی باید در سطح جهان بایکوت شود و تروریست‌های در خدمت رژیم با احکام سنگین روبرو شوند و به سزای اعمالشان برسند.

سیاست‌های اتحادیه اروپا علیه پناهجویان شدیداً محکوم است

رضا درویش

اتحادیه اروپا روز سه‌شنبه ۲۲ اسفند، طرحی را برای اخراج شمار بیشتر پناهجویانی که درخواست پناهندگی آنان رد شده اعلام کرده است. طرح اعلام شده به‌وضوح نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا از ۲۷ عضو این اتحادیه می‌خواهد که در راستای سیاست‌های ضد پناهنجویان وحدت عمل بیشتری نشان دهند.

طرح جدید مقررات مشترکی را وضع می‌کند که حکم اخراج پناهندگان در یک کشور از سوی دیگر

کشورهای عضو قابل‌اجرا باشد. به‌این‌ترتیب اخراج پناهجویان از یک کشور اروپایی به معنای خروج از کل کشورهای اتحادیه اروپا خواهد بود.

پیشبرد سیاست‌های بیگانه‌ستیز علیه پناهجویان نقض آشکار قوانین سازمان بین‌المللی پناهندگان است که در آوریل ۱۹۴۶ جهت مقابله با مشکلات آوارگان و پناهندگان جان بدر برده از جنگ جهانی دوم تشکیل شده بود و در سال ۱۹۵۰ وظایفش به کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان UNHCR واگذار گردید.

دفاع از حقوق پناهندگان دفاع بی‌قیدوشرط از حق طبیعی انسان‌هایی است که در سخت‌ترین شرایط مجبور به ترک کشور محل اقامتشان می‌شوند.

وظیفه حراست از حقوق پناهندگان و سلامت آنان برعهده کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل UNHCR است. اما این به‌هیچ‌وجه اتخاذ سیاست‌های غیرانسانی توسط دولت‌ها را توجیه نمی‌کند که باید از کنوانسیون حقوق پناهندگان تبعیت کنند. آمارها حاکی است سالانه صدها پناهجو در راه رسیدن به کشورهای عضو اتحادیه اروپا جان خود را از دست می‌دهند.

پناهجویان به همراه جمعیت مهاجر در کشورهای مختلف نقش بز بلاگردان را دارند. اینان در دوره رونق سرمایه‌داری بهترین منبع نیروی کار ارزان برای بردگی مزدی محسوب می‌شوند. اما همین که اقتصاد کشورهای یادشده با بحران مواجه می‌شود اولین قربانیان اوضاع نابسامان اقتصادی

و آماج حملات احزاب دست راستی و گروه‌های نژادپرست در کشورهای میزبان قرار گرفته و برای اخراج آنان و بازگردانده شدن به همان جهنمی که از آن گریخته‌اند حتی بازداشت می‌شوند مبادا از سرنوشتی که برایشان رقم زده‌اند سر پیچی کنند.

فعالین سیاسی، سازمان‌ها و احزاب آزادی‌خواه، مدافعان حقوق بشر و همه انسان‌های آزاده می توانند و باید در یک صف متحد علیه سیاست‌های ضد پناهنده دولت‌های راست و نژادپرست اعتراض کنند و از حقوق مسلم پناهجویان برای برخورداری از تمام حقوق شهروندی دفاع کنند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۸۷

۱۵ مارس ۲۰۲۵ – ۲۵ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره سیاوش آذری

در این شماره ژورنال:

جوان دیگری زیر شکنجه کشته شد

سیما بهاری

آخرین جمعه سال و گلزار خاوران

بابک یزدی

قانون عفاف و حجاب، باتلاق رژیم اسلامی!

سینا پدرام

دست فقه اسلامی از زندگی مردم سوریه کوتاه

محسن ابراهیمی

رمضان، چهارشنبه سوری و درماندگی حکومت

آزاده از ایران

جوان دیگری زیر شکنجه کشته شد

سیما بهاری

”روز پنجشنبه ۲۳ اسفند، حیدر محمدی (حسنوند) اهل خرم آباد توسط ادارهٔ آگاهی نهاوند دستگیر و چند ساعت بعد زیر شکنجهٔ مأموران این نهاد امنیتی کشته شد.“ رسانه های دولتی از ”مرگ مشکوک“ این جوان در بازداشتگاه ادارهٔ آگاهی شهر نهاوند سخن میگویند.

وقتی مهسا امینی را کشتند، گفتند به خاطر ایست قلبی فوت کرد. گفتند در کودکی مشکوک به داشتن تومور مغزی بوده. گفتند آرمیتا گراوند بر اثر افت فشار خون به کما رفت و دیگر بیدار

نشد. ستار بهشتی هم مرگش مشکوک بود. زهرا کاظمی غش کرد و سرش به زمین اصابت کرد.

این لیست میتواند بسیار طولانی باشد. همهٔ کسانی را که زیر شکنجه سلاخی میکنند، یا پیش زمینهٔ بیماری داشته‌اند یا خودکشی کرده‌اند و یا مرگشان مشکوک است. آنجا هم که اقرار میکنند در فلان ارگان کسی به قتل رسیده، یک مأمور جزء که چه بسا بیگناه باشد، را قربانی میکنند و کاسه کوزه‌ها را سرش میشکنند.

با دم و دستگاهی طرفیم که سر تا پایشان دروغ و دغلبازی و بیشرافتی است. کار بدستان این رژیم همگی از ریز و درشت آدمکشند. جنازهٔ حیدر

محمودی را فقط چند ساعت پس از بازداشتش به خانواده تحویل دادند و گفتند عکس نگیرید. همانطور که جنازه‌های بسیاری از قربانیان دیگر را نیز نه اجازهٔ عکس برداری دادند، نه تشیع جنازه، و نه مراسم. از سایهٔ خودشان هم میترسند. باید هم بترسند. مردم انبار باروت هستند. هر لحظه امکان انفجارشان هست. جلو این انفجار را نمیشود گرفت.

کارنامهٔ جنایات جمهوری اسلامی پر است از مواردی همچون حیدر محمدی. مرگ زیر شکنجه. یک مشت مأمور آتش به اختیار قاتل که هر چه شرارت دارند را سر فرد دستگیر شده خالی میکنند. آتش به اختیارند و التزامی برای

توضیح جنایاتشان ندارند. چرا که مأمور بالاتری از خودشان کثافت تر و جانی تر است. همگی دستشان در خون انسانهای بیگناه است. با چنگ و دندان دارند موقعیتشان را پاس میدارند. وحشت زده اند چرا که مردم حرفشان را نمیخوانند.

خاکریزهایشان یکی یکی توسط مردم خشمگین فتح میشود. زندانهایشان کانون پر قدرت مبارزه است. ماه عزاداری و ریاکاری رمضانشان را مردم به هیچ میگیرند. در منگنۀ مذاکره یا عدم مذاکره با شیطان بزرگ گیر کرده‌اند. خودشان میدانند که هر روز به سرنگونی نزدیکتر میشوند. میدانند که پیروز این میدان ما مردم هستیم.

آخرین جمعه سال و گلزار خاوران

بابک یزدی

خانواده های قربانیان کشتار تابستان ۶۷ هر سال سعی دارند در آخرین جمعه سال بر مزار فرضی عزیزانشان رفته و یاد و راهشان را گرامی بدارند.

رژیم اسلامی گورستان خاوران را به گورستان جمعی هزاران کمونیست و مجاهدی که در قتل عام ۶۷ در دادگاه‌های مخفی و چند دقیقه‌ای بدون وکیل و با پرسش هایی نظیر "مسلمانی؟ "نماز می خوانی؟"، "سازمان متبوعت را محکوم می کنی؟"، آیا حاضری در جوخه... شرکت کنی؟" پاسخ منفی داده بودند به اعدام محکوم شدند

تبدیل و آنها را در گورهای جمعی چال کرد. این محاکمات و دادگاه‌ها در کمتر از چند هفته در تابستان ۶۷ دراوین و قزلحصار برپا بود.

جلادان مرگ از اوین به قزلحصار و برعکس، عاملان و آمران کشتار جمعی مبارزان و کمونیست‌ها و انسان‌های آرمانخواهی بودند که تا لحظه پایان بر سر آرمانهایشان ایستادند. زندانیانی که بعضا حکم زندان خود را تمام کرده و یا یکی دو ماه به پایان آن مانده بود! رژیم این محل را "گورستان کفار" و یا "لعنت آباد" می خواند و خانواده‌های قربانیان آن را "گلزار خاوران" می نامند.

شاملو در آن زمان نوشت:

”آنک قصابانند بر گذرگاه ها مستقر
با کنده و ساطوری خون آلود
روزگار غریبی ست نازنین!
و تبسم را بر لب ها جراحی می کنند و ترانه را
بر دهان
شوق را در پستوی خانه نهان باید کرد
کباب قناری بر آتش سوسن و یاس
روزگار غریبی ست نازنین“.

هر سال در سالگرد این جنایت خانواده‌ها بر سر مزار عزیزان رفته و درختچه و یا گلی بر مزار فرضی عزیزان خود می کارند و مزدوران رژیم درختچه‌ها را با بولوذر با خاک یکسان می کنند چون از مزار مبارزین هم وحشت دارند و این

داستان سالهاست ادامه دارد.

در فردای سرنگونی رژیم گلزار خاوران را به موزه جنایات رژیم تبدیل خواهیم کرد. دادگاه‌های مردمی برای آمرین و عاملین باقی مانده از این جنایت را در این محل برگزار خواهیم کرد. جانیان برعکس دادگاه‌های خودشان می توانند برای خود وکیل بگیرند. دادگاه ها علنی خواهد بود و رو به جهان پخش خواهد شد. احکام اعدام به گورستان تاریخ سپرده شده و جهان از این دادگاه‌ها خواهد آموخت تا زندان و شکنجه و اعدام رابرای همیشه به گورستان تاریخ بسپارد. نه می بخشیم و نه فراموش می کنیم!

قانون عفاف و حجاب، باتلاق رژیم اسلامی!

سینا پدرام

احمد علم‌الهدی، نماینده خامنه‌ای در خراسان رضوی، مشکل بی‌حجابی را یکی از مسائل جامعه دانست و اجرای قانون عفاف و حجاب را از مطالبات مردم عنوان کرد. هاشم حسینی بوشهری، امام جمعه قم، نیز از مسافران نوروزی خواست تا حرمت ماه رمضان و شئونات اسلامی را رعایت کنند.

از سوی دیگر فحش و فحش کاری سران رژیم در مورد جمع شدن یک عده "فاطمه کماندو" و "ساندیس خورهای حرفه‌ای" رژیم در تهران در موافقت با قانون "عفاف و حجاب" واقعا مضحک و

در عین حال کریه بود. مجید انصاری، معاون حقوقی مسعود پزشکیان، با اعلام غیرقابل اجرا بودن بخشی از قانون حجاب، به حامیان حجاب اجباری با کنایه گفت "سربسته می گویم که عزیزان، بیش از ۸ ماه از انتخابات گذشته، ستادهای خود را تعطیل کنید. چرا در شرایطی که دولت با پشتیبانی رهبری در پی حل مشکلات است، عده‌ای حاشیه‌سازی می کنند؟"

گنده لات دیگری از طویله اسلامی به نام امیر حسین ثابتی، "طوفان در فنجان" به راه انداخته و خطاب به دولت میگوید "غلط می کنید به چهار نفر جلوی مجلس بگویید تجمع نکنید." در هفته‌های اخیر هم تجمعاتی در حمایت از حجاب اجباری مقابل مجلس برگزار شده است، که فرماندار تهران آن را

”غیرقانونی“ خوانده است.

وضعیت شیر تو شیری حاکم است و سر درگمی در مقابله با موج فزاینده حضور زنان در هر عرصه از اجتماع ایران بدون حجاب و رعایت قوانین متحجر اسلامی تمامی دم و دستگاه رژیم را فرا گرفته است. همین دیروز خبرآنلاین گزارش داد که باوجود مجوز حضور زنان در استادیوم وطنی قائم‌شهر، حضور آنها در بازی‌های نساجی با تیم‌های پرسپولیس، استقلال و دیگر تیم‌ها ممنوع شده است. دلیل این ممنوعیت مشکلات سخت‌افزاری و کمبود گیت‌ها عنوان شده است. باید فقط گفت عجب!

جالب‌است که‌بدانید که کمیته‌مستقل‌حقیقت‌یاب

سازمان ملل در گزارشی هشدار داده که جمهوری اسلامی از نظارت الکترونیکی برای شناسایی زنان و دخترانی که از حجاب اجباری سرپیچی می کنند، استفاده می کند. این گزارش تاکید دارد که زنان در ایران با تبعیض سازمان‌یافته مواجه‌اند و حجاب اجباری ابزاری برای کنترل اجتماعی شده است.

به عنوان ختم کلام باید نوشت که مبارزه زنان و مردان ایران تا روزی که بساط این رژیم برچیده شود ادامه خواهد داشت. ۴۶ سال گذشته دلیل اثبات این مدعاست.

دست فقه اسلامی از زندگی مردم سوریه کوتاه

محسن ابراهیمی

احمد الشرع رئیس خودگمارده اسلامی سوریه، قانون اساسی موقت برای پنج سال را امضا کرد. براساس این قانون کذایی، مذهب رئیس جمهور مسلمان و فقه اسلامی منبع اصلی قانونگذاری خواهد بود. مسئولیت قانونگذاری به عهده کیست؟ یک "مجمع مردمی" که یک سوم اعضایش را شخص احمد الشرع منصوب میکند و دوسومش را هم کمیته ای که منصوب اوست!

می بینیم که تغییر لباس از جلیقه تروریستی تحریرالشام به کت و شلوار و کراوات یک تاکتیک

موقت برای جلب نظر روسای دولتها بود تا کمکی برای تثبیتش باشند. نباید کوچکترین توهمی به خود راه داد که در مغز باندهای اسلامی در قدرت حقوق مدنی و شهروندی جایی داشته باشد.

در کنار انتقاد نیروهای دمکراتیک سوریه (قسد) با این توضیح که این قانون "مغایر واقعیات سوریه و تنوع آن است"، برخورد فرستاده ویژه سازمان ملل حقیقتا شرم آور است. او از این "اقدامات" یعنی فقه اسلامی به عنوان مبنای قوانین کشور، به مثابه تلاشی "در جهت احیای حاکمیت قانون" استقبال کرده است. حتما فرستاده سازمان ملل با ایران تحت سلطه قوانین اسلامی و به تبع آن با عواقب شوم فقه اسلامی در لگدمال کردن حقوق

شهروندی آشناست. معلوم میشود از نهادی مثل سازمان ملل نمیتوان انتظار داشت در جهت حقوق مدنی مردم سوریه گام جدی بردارد. البته انقلاب مردم سوریه توسط دولتهای عضو همین نهاد، با قتل عام توسط بشار اسد و جمهوری اسلامی، با حمایت دولت اسلامی ترکیه از باندهای اسلامی و دخالتهای روسیه و آمریکا و دیگر دولتها به خاک و خون کشیده شد.

تنها پنجره بزرگ امید برای مقابله با آینده شومی که شاخه سنی اسلام سیاسی برای مردم سوریه در نظر دارد، معترضین شجاعی هستند که همان روزهای اول میداندار شدن باند احمد الشرع، با فریاد "بی آزادی زن، آزاد نباشد وطن" در تجمعات

اعتراضی، مبارزه علیه هرگونه تعرض به حقوق شهروندی را آغاز کردند.

میتوان امیدوار بود که با خیز بعدی انقلاب بزرگ زن زندگی آزادی که روزگار خامنه‌ای، متحد سابق بشار اسد و پیشکسوت شیعی احمد الشرع را تیره و تار کرده است، فضا برای همه شاخه‌های اسلام سیاسی تنگتر و میدان برای شهروندان حق طلب سوریه برای مقابله با دست درازی فقه اسلامی به زندگیشان مساعدتر شود. مردم سوریه در نبرد علیه دست درازی مذهب به زندگیشان نباید تنها بمانند.

رمضان، چهارشنبه سوری و درماندگی حکومت آزاده از ایران

در ماه رمضان سال جاری، جامعه ایران شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین چالش‌های خود در برابر رژیم جمهوری اسلامی است. این ماه که به طور سنتی به عنوان زمان روزه‌داری و عبادت شناخته می‌شود، امسال به صحنه‌ای از مقاومت و سرپیچی مردم علیه حکومت تبدیل شده است. مردم ایران به طور گسترده‌ای در برابر قوانین سختگیرانه مذهبی که توسط رژیم اعمال می‌شود، ایستادگی کرده‌اند و این مقاومت نشان‌دهنده یک تغییر عمیق در جامعه ایران است.

در سال‌های گذشته، رژیم جمهوری اسلامی تلاش کرده است تا با استفاده از ابزارهای سرکوب و تبلیغات، ماه رمضان را به عنوان نمادی از اقتدار خود تثبیت کند. اما امسال، این تلاش‌ها با شکست مواجه شده است. گزارش‌ها از سراسر ایران حاکی از آن است که بسیاری از مردم به طور علنی در مکان‌های عمومی روزه‌خواری می‌کنند و این عمل به عنوان یک نماد مقاومت در برابر رژیم تلقی می‌شود. این رفتار نه تنها نشان‌دهنده بی‌اعتنایی به قوانین مذهبی است، بلکه بیانگر نارضایتی عمیق از حکومت و وضعیت موجود است.

این تقابل مردم با رژیم، به ویژه در شهرهای بزرگ به وضوح قابل مشاهده است. مردم بدون ترس از

عواقب آن، در ملاء عام غذا و نوشیدنی مصرف می‌کنند. این صحنه‌ها که در گذشته غیرقابل تصور بودند، اکنون به بخشی عادی از زندگی روزمره تبدیل شده‌اند.

مردم ایران حاضر نیستند به دستورات تحمیلی رژیم تن دهند. این مقاومت نه تنها علیه قوانین مذهبی، بلکه علیه کل ساختار حکومتی است که این قوانین را اعمال می‌کند. دهن کجی به این ماه به عنوان نمادی از مقاومت و آزادی‌خواهی در برابر یک رژیم فاشیستی مذهبی تبدیل شده. این رویدادها نشان می‌دهند که اقتدار رژیم جمهوری اسلامی در حال فروپاشی است و مردم ایران در مسیر رسیدن به آزادی، برابری و رفع تبعیض گام

برمی‌دارند.

همزمانی ایام چهارشنبه سوری با رمضان عدم توجه مردم به مسئولین را بیشتر معنادار میکند. مردم میرقصند، میخوانند، زندگی روزمره را پیش میبرند بی آنکه دین و مذهب را اهمیتی قائل شوند.

چهارشنبه سوری از روی آتش میپریم، حجاب آتش میزنیم، و ترانه و سرود میخوانیم. زن و مرد با هم شادی میکنیم و امیدمان را برای دنیای عاری از تبعیض و فقر فریاد میزنیم. ما جوانیم و میخواهیم زندگی بی ترس و دلهره داشته باشیم. میخواهیم بی ترس عاشق باشیم و باور کنیم که میتوانیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
/https://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۸۸

۱۶ مارس ۲۰۲۵ – ۲۶ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

مادرِ همه مصاف‌ها علیه رژیم در سال ۱۴۰۳

کیوان جاوید

خطر بیخ گوش تهران: مخاطب این هشدار کیست؟

منظر دریاکناری

نبویان عملاً اجرای قانون حجاب را باطل کرد

تهمینه صادقی

شیمین، زنی که شلاق از او هراس دارد

پریسا پوینده

مادرِ همه مصاف‌ها علیه رژیم در سال ۱۴۰۳

کیوان جاوید

به پایان سال ۱۴۰۳ تنها چند روز باقی مانده است. طی سال گذشته از هر زاویه‌ای که به جامعه ایران نگاه کنیم با کوهی از معضلات و خرابی‌ها و حق‌کشی‌ها روبرو می‌شویم. جامعه‌ای که در باتلاق فقر و فلاکت اقتصادی فرو رفته است و شرایطی اجتماعی که تا چشم کار می‌کند درگیر بودن مردم با یک حکومت بغایت عقب‌مانده است که خنده و خوشی را دشنام می‌دهد و رقصیدن را مجازات می‌کند و لباس پوشیدن به سبک انسانی را به تازیانه می‌بندد.

ما سالی را پشت سر گذاشتیم که اعتیاد به مرز انفجار اجتماعی رسیده؛ طبیعت به ویرانه تبدیل شده؛ تن‌فروشی آنچنان ابعاد فاجعه باری پیدا کرده است که حتی زندگی نوجوانان را شدیداً به مخاطره انداخته است و اعدام‌ها در ایران تبدیل به جنون حکومتی شده است و جامعه‌ای درگیر خاموشی‌های گسترده در دل سرمای زمستان و گرمای تابستان. جامعه ای درگیر بی آبی و خشکسالی‌های شدیداً هشداردهنده. ما در شرایطی سال گذشته را پشت سر می‌گذاریم که حقوق‌ها چندین برابر زیر خط فقر به ریال پرداخت می‌شود، اما هزینه‌ها به دلار همچون شلاقی بر پشت مردم فرود می‌آید.

اما پنجره‌ای که به روی ما باز است ورای این حقیقت تلخی است که با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم. ما ادامه جنبش انقلابی زن زندگی آزادی را در ابعادی پیچیده و متنوع هر روز به چشم می‌بینیم. مبارزه در این جامعه یک روز تعطیل نشده است. امید به زندگی هر روز در خیابان‌ها در شکل بی‌حجابی و برگزاری کنسرت‌های مجازی پرچم برافراشته است. ما در سال گذشته اعتراض عریان آهو دریایی را به چشم دیدیم. ما شاهد صدها اعتراض کارگری بودیم. ما کردستان انقلابی را در نبرد با جمهوری اعدام اسلامی دیدم که این بار نه در اعتراض به اعدام‌هایی که صورت گرفته بود، بلکه برای جلوگیری از اعدام‌ها به میدان آمده است. مادر همه این مصاف‌ها علیه

جمهوری اسلامی، اما جنبش انقلابی زن زندگی آزادی است که سرِ باز ایستادن ندارد.

هنوز راه درازی در پیش داریم. بررسی این راه برای پیروزشدن را با شروع سال ۱۴۰۴ پی می‌گیریم. سال نو مبارک.

خطر بیخ گوش تهران: مخاطب این هشدار کیست؟

منظر دریاکناری

مسعود پزشکیان، روز شنبه ۲۵ اسفند با حضور در جلسهٔ شورای برنامه‌ریزی و توسعهٔ استان تهران هشدار داد که "خطر بیخ گوش تهران" است و ناترازی‌های آب، مسکن و آموزش و پرورش به حدی رسیده که عملاً زندگی در پایتخت را ناممکن کرده‌اند.

ظاهراً پزشکیان دارد مشکلات تهران را برمی شمارد و دست یاری به سوی همهٔ کارشناسان، "دانشمندان و علما" برای حل مشکلات پایتخت دراز کرده است. اما این هشدار به کل حکومت

و از جمله دبه شخص خامنه‌ای است که منتظر یک خیزش عظیم مردمی باشند. او از ناترازها می گوید و نیمی از این "ناترازی‌ها" را درز می گیرد. او از حقوق‌های بخور نمیر حرفی نمی‌زند؛ از فروپاشی اقتصادی جمهوری اسلامی هم چیزی نمی گوید. پزشکیان تنها با نیم نگاهی به اوضاع وخیم پایتخت می کند و هشدار می‌دهد اگر به داد حکومت نرسیم با شورش اجتماعی سیل آسا روبرو می‌شویم.

هدف از این هشدار مشخصاً این است که خامنه‌ای از خر شیطان پایین بیاید و جام زهر مذاکره را با هر شرایطی که دیکته می‌شود بپذیرد و در عوض فرصت بخرند تا با آزاد شدن صدها میلیارد دلار

فکری به حال این اقتصاد ویران شده بکنند. اینکه این راه حل باشد نیز خودشان خوب می‌دانند شل کردن سرِ کیسه مذاکره تازه اول بدبختی جمهوری اسلامی خواهد بود. مذاکره فقط بر سر عدم دسترسی جمهوری اسلامی به سلاحِ هسته‌ای نیست. دوره گذشته است و رژیم شدیداً در منطقه و داخل ایران تضعیف شده است. حالا وقت بلند کردن پرچم سفید است نه بیشتر.

هنوز کشمکش دو دیدگاه در جمهوری اسلامی به موازات هم به حیات خود ادامه می‌دهد. یکی همان خط خامنه‌ای که می‌داند با یا بدون مذاکره کلاهش پس معرکه است و یک دیدگاه که می‌گوید تا دیر نشده آنچه که از رژیم باقی

مانده است باید حفظ شود تا در آینده فکری به حال بدبختی‌ها حکومت بشود.

مردم در این میان تماشاچی نیستند. هر دیدگاهی که در بالای حکومت دست بالا پیدا کند، راه مردم همان است. با یا بدون مذاکره باید با تمام قوا برای سرنگونی در میدان بود و کار رژیم را یکسره کرد. تنها در این صورت مهم‌ترین قدم به سوی آزادی و برابری و رهایی برداشته می‌شود.

نبویان عملاً اجرای قانون حجاب را باطل کرد

تهمینه صادقی

یک نماینده مجلس اسلامی و از چهره‌های شاخص "جبهه پایداری" که در طراحی و تصویب لایحه "عفاف و حجاب" نقش داشت اکنون می‌گوید "حفظ قدرت نظام اسلامی" مهم‌ترین اصل حکومت است و اگر این قانون باعث تضعیف نظام شود اجرای آن "باطل است."

نبویان به صراحت می‌گوید بعد از سرنگونی بشار اسد بسرعت از اجرایی شدن قانون حجاب جلوگیری شد. همین اعتراف به خطر سقوط حکومت می‌تواند همه ما مردم و فعالین سیاسی

میدانی را به این نتیجه حقیقی و ساده برساند که حجاب شیشه عمر حکومت است. حجاب یکی از آن معضلات نیست که رژیم بی وقفه با آنها دست به گریبان است. حجاب از بزرگ‌ترین معضلاتی است گرفتار آن است. فکرش را بکنیم اگر هیتلر در شرایط بحرانی، پایان فاشیسم و نژادپرستی را اعلام می‌کرد تا فرصت بخرد در جبهه دیگر دست به نبرد با دشمن بزند. تقریباً هیچ عقل سلیمی فکرش را نمی‌کند که فاشیسم هیتلری دست به چنین عقب‌نشینی مرگباری می‌زد.

در مورد جمهوری اسلامی نیز حجاب هویتی است. نه فقط اسلامی است که سیاسی هم هست.

اینطور نیست که آخوندها ظرفیت این را ندارند که بطور مثال "نواندیش دینی" خودشان را جلو بیندازند و بسته به زمان و مکان و شرایط اجتماعی فتوای جایز بودن آوازخواندن یا بی‌حجابی زنان را بدهند. این جماعت همچون ویروس‌ها هزار بار تغییر ماهیت می‌دهند تا زنده بمانند و جان بگیرند. آنچه که باعث می‌شود رژیم اسلامی نتواند دست از سر زن بردارد، عموماً سیاسی بودن ماجرا است. نبردی که هر اندازه در آن عقب‌نشینی کند دشمن (مردم) بیشتر پیشروی می‌کند.

این جبهه نبرد اساسی و تعیین‌کننده را بهتر و بیشتر درک کنیم و به‌موازات مبارزات در همه

جبهه‌ها، نبرد با جمهوری اسلامی در این میدان را نیز به وسعت کل جامعه علیه حجاب و در دفاع از کرامت و هویت زن بسیج کنیم. اسلام و خرافات و عقب‌ماندگی مذهبی نباید کمترین جایی در ایران داشته باشد. پیروزی در ایران چهره خاورمیانه و به یک معنا جهان را علیه ارتجاع دینی و اسلامی و جریانات تروریست و عقب‌مانده اسلامی تماماً تغییر خواهد داد.

شیمین، زنی که شلاق از او هراس دارد

پریسا پوینده

شیمین (حمیده) زراعی، زندانی سیاسی پیشین از سوی شعبه ۱۰۴ "دادگاه کیفری دو" در رشت در مجموع به ۱۸ ماه حبس و ۱۷۸ ضربه شلاق محکوم شده است که از این حکم، ۹ ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق قابل اجراست.

اینکه بپرسیم یا حتی کنجکاو باشیم چرا شیمین با چنین حکم بغایت ضدبشری روبرو شده است دیگر معنا ندارد. معلوم است که با یک مبارز سرسخت روبرو هستیم. اتهام شیمین زراعی "اخلال در نظم و آسایش عمومی از طریق ایجاد هیاهو"،

”تمرد در برابر مأموران“ و ”توهین به مأموران“ عنوان شده است. شیمین در حال گذراندن دوره اقامت اجباری خود در رشت است و پیش‌تر با نپذیرفتن عفو از سوی خامنه‌ای، یک سال حبس در زندان را تحمل کرد.

شیمین صداهای زیادی دارد. زنان در ایران صدای شیمین‌اند. جامعه مدرن و با فرهنگ پیشرو انعکاس صدای شیمین است. همه مردان آزاداندیش و ضد مذهب و برابری‌طلب تصویری از این زن قهرمانی است که ”عفو خامنه‌ای“ را به صورتش تف کرد و یک سال زندان را به جان خرید. بااین‌همه شیمین مبارز نیز انعکاس مبارزات زنان و جامعه بپاخاسته علیه ارتجاع اسلامی است.

شیمین ۱۸ ماه دیگر از زندان را به جان خرید و محکوم به ۱۷۸ ضربه شلاق شد که ۹ ماه زندان و ۷۴ ضربه شلاق فوراً قابل‌اجرا است. تصور اینکه جمهوری اسلامی در تقابل با این "ناخدایان آزادی" که در دریای طوفانی کشتی انقلاب را به‌پیش می‌رانند قابل‌دوام باشد، ممکن نیست. تا روز سرنگونی جمهوری اسلامی همه ما صدای زندانیان سیاسی و همه مبارزین راه آزادی و برابری و انسانیت باشیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
/https://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۸۹

۱۷ مارس ۲۰۲۵ – ۲۷ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

با اعتراضات متحد و یکپارچه به پیشواز سال نو برویم!

پیام نوروزی حمید تقوائی

اقتصاد و سیاست در روزهای پایانی سال

کیوان جاوید

حجاب تماماً سرنگون شده است

اصغر کریمی

پایان حصر مهدی کروبی و هراس از خیزش مردم

حسن صالحی

۲۵۰ سال بعد از تولد جین آستن

پتی دبونیتاس

بااعتراضات متحد و یکپارچه به پیشواز سال نو برویم!

پیام نوروزی حمید تقوائی

فرا رسیدن نوروز و سال نو را به همه مردم آزاده ایران شادباش میگویم.

سالی که گذشت سال تضعیف و درماندگی بیش از پیش حکومت و تعمیق و پیشروی جنبش زن زندگی آزادی بود: سال تثبیت پیروزی جنبش بی حجابی، سال شکستن دیوارهای آپارتاید جنسیتی با اعتراض عریان و کنسرت و آواز خوانی زنان و رقص و شادمانی خیابانی؛ سال گسترش مبارزات کارگران و بازنشستگان با پرچم اتحاد علیه فقر و فساد؛ و سال هماهنگی و همراهی هر چه بیشتر فعالین

جنبش های اعتراضی و انتشار بیانیه ها و قطعنامه ها و سخنرانی های رادیکال و پرشور در تجمعات و در مراسمهای علنی در عرصه های مختلف مبارزه.

تحولات سال گذشته یکبار دیگر به همه جهانیان و حتی به خود حکومتی ها نشان داد که جمهوری اسلامی رفتنی است. انقلابی که با قتل حکومتی مهسا ژینا امینی آغاز شد اکنون به جنبشی عظیم و فراگیر و پیگیر تبدیل شده است و حکومت را در بحرانی عمیق و همه جانبه و لاعلاج فرو برده است. برای همه روشن است که این روند تا بزیر کشیدن جمهوری اسلامی ادامه خواهد یافت.

اکنون با فرارسیدن نوروز فرصت دیگری برای

بچالش کشیدن حکومت جانیان حاکم فرامیرسد. نوروز موعد نو شدن طبیعت و زایش و بالندگی، و موسم شادی و رقص و پایکوبی است و ازینرو نفس نوروز و جشن نوروزی با کل موجودیت رژیم مرگ و عزای جمهوری اسلامی در تناقض است. مراسم نوروزی را، از چهارشنبه سوری تا سیزده بدر، با رقص و شادی و جشنهای خیابانی، و با اتحاد و همصدائی و همراهی در عرصه های مختلف مبارزه، برگزار میکنیم و بزرگ میداریم.

در آستانه سال نو و در مراسم ها و گردهمائی های نوروزی یاد همه عزیزانی که در نبرد با دژخیمان حاکم از دست دادیم را گرامی میداریم و یکبار دیگر عهد میبندیم که تا سرنگونی حکومت قاتلین

آنها از پای ننشینیم.
پیروزی از آن ماست!

نوروزتان پیروز!

۲۷ اسفند ۱۴۰۳، ۱۷ مارس ۲۰۲۵

اقتصاد و سیاست در روزهای پایانی سال

کیوان جاوید

روز شنبه ۲۵ اسفند کارگران ارکان ثالث واحد نرگسی شرکت نفت و گاز گچساران برای پیگیری خواست‌هایشان و در اعتراض به مصوبه مزدی شورای عالی کار مبنی بر تعیین دستمزد ده میلیون تومانی دست به تجمع زدند.

روز یکشنبه ۲۶ اسفند اهالی روستای کمرکوه شهرستان طارم در اعتراض به بی آبی به خیابان آمدند.

بازنشستگان مخابرات آذربایجان شرقی درتبریز و شهرستان بیجارکردستان تظاهرات کردند.

همین یکشنبه بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد در اعتراض به فقرو گرانی و بی پاسخ ماندن مطالبات خود در شهرهای شوش، رشت و اهواز تجمع و اعتراض کردند.

دوشنبه در ایلام کارکنان جهاد کشاورزی در محوطه سازمان جهاد کشاورزی ایلام همزمان با سراسر کشور به حقوق بسیار پایین این وزارتخانه دست به اعتراض زدند.

موج اخیر اعتراضات و اعتصابات پرستاران و کادر درمان از مراکز اورژانس و فوریت‌های پزشکی تا بهورزان به صورت مستمر و سراسری در شهرهای مختلف جریان داشته و تنها در ماه پایانی سال شاهد برگزاری بیش از ۳۰ اعتصاب و دست از کار کشیدن

به اشکال تجمع و اعتراض در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی بوده‌ایم. شهرهای بزرگ و کلیدی چون تهران، کرج، مشهد، اهواز و اصفهان و تبریز، یزد، زنجان، همدان، اراک، بندرعباس، گلستان، میناب، دهلران، لردگان، باغملک، بهورزان گیلان و مازندران فقط در اسفندماه ۱۴۰۳ دست به اعتراض زدند.

روز دوشنبه در شیراز کارگران و بازنشستگان صنایع مخابراتی راه دور ایران در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه راهپیمایی داشتند.

درعین‌حال که اعتراضات به‌خاطر وضعیت وخیم معیشتی صورت می‌گیرد، اما کل جامعه می‌داند که برای بهبود وضعیت اقتصادی باید تعرض سیاسی به حکومت صورت بگیرد. همه می‌دانند جمهوری اسلامی

از فلاکت اقتصاد وسیله مؤثری برای ادامه چپاول زندگی مردم و پُر کردن هر چه بیشتر کیسه‌های گشاد و بی‌انتهای حکومتیان بهره می‌برد. این نیز بر کسی پوشیده نیست که این اَبَر بحران اقتصادی جمهوری اسلامی ترمز بریده و دست‌یافتن به یک زندگی انسانی در چهارچوب نظام ممکن نخواهد بود. اعتراضات اقتصادی و معیشتی باید کل نظام را هدف قرار بدهد و تبدیل به اعتراضاتی فرارشته‌ای و فرا صنفی شوند. یک جامعه در فقر نگه داشته شده باید دست در دست هم بدهد تا جمهوری اسلامی را به زیر بکشد. اعتصاب و اعتراض و قیام شهری ترکیبی همگون برای سرنگونی است.

حجاب تماماً سرنگون شده است

اصغر کریمی

سخنگوی کمیسیون قضایی و حقوق مجلس اسلامی: "قانون حجاب قابلیت اجرا ندارد و سرنوشت قانون ماهواره را پیدا کرده است."

اعتراف به شکست از زنان و از کل جامعه در یکی از مهمترین و شاید مهمترین موضوع ایدئولوژیک و سیاسی صریح‌تر از این نمی‌شود. رئیس جمهورشان می‌گوید قانون حجاب را اجرا نمی‌کنم و مقام پشت مقام حکومتی می‌گوید شکست خوردیم و دیگر نه برخورد قهری کارساز است نه حتی قانون.

در مقابله با ماهواره و جلوگیری از دسترسی مردم به رسانه‌های اپوزیسیون و رسانه‌های کشورهای دیگر سال‌ها قبل شکست خوردند و در زمینه حجاب با انقلاب زن زندگی آزادی. اما شکست‌ها به اینجا خاتمه نمی‌یابد. شکست در زمینه مذهب، عبور مردم از مذهب و شکل‌گرفتن جنبش عظیم ضد مذهبی، شکست استراتژیک، سیاسی و نظامی در منطقه و نیروهای نیابتی، زمین‌گیر شدن در زمینه اقتصاد، تشتت فراگیر در صفوف حکومت که با هر شکستی عمیق‌تر می‌شود، از جمله شکست‌هایی است که موقعیت رژیم را در مقابل مردم بطور همه جانبه‌ای تغییر داده است. ترس مردم ریخته و سیاست ارعاب یعنی ابزار اصلی حکومت برای بقا تماما زیر سوال رفته است. این دیگر حکومتیان هستند که با شکست‌های پی‌درپی از مردم، هر روز بیشتر از عاقبت خود به

وحشت افتاده‌اند.

بی‌جهت نیست که رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس به حجمی از مشکلات رژیم یعنی شکست‌ها و ناتوانی‌های آن اشاره کرده و می گوید: "قانون حجاب و عفاف با این حجم از مشکلات، سرنوشت قانون ماهواره را پیدا کرده و منزوی و مطرود می‌شود. حتی اگر اصرار به اجرا بشود در یک قسمت کشور اجرا می شود و در یک قسمت دیگر اجرا نمی‌شود."

این شکست‌ها مقدمه شکسته‌های بعدی است. در هفته‌های گذشته شاهد انواع مناسبت‌ها و مراسم‌های مختلط زن و مرد، رد شدن از خط قرمزهای حکومتی، گسترش آوازخوانی‌های زنان و ناتوانی حکومت در مقابله با آنها بوده‌ایم و با نزدیک شدن به نوروز

علیرغم تهدیدات رژیم که ماه رمضان است و جشن و شادی ممنوع است، بیش از هر سالی رقص و پایکوبی جمعی و وسیع در شهرهای مختلف شروع شده و دیوار آپارتاید جنسیتی نیز در حال فروریختن است. دورنمای پیشروی مردم و شکست‌های حکومت کاملا روشن است. این روند را با تلاش بیشتر برای سازماندهی در زمینه‌های مختلف گسترش دهیم و جامعه‌ای یکپارچه سازماندهی شده حول خواست‌های اساسی سیاسی و اقتصادی را شکل بدهیم.

پایان حصر مهدی کروبی و
هراس از خیزش مردم

حسن صالحی

حسین کروبی، فرزند مهدی کروبی، اعلام کرده است که مقامات امنیتی جمهوری اسلامی به پدرش اطلاع داده‌اند که "بر اساس دستور رئیس قوه قضائیه، از امروز حصر خانگی شما برداشته می‌شود. بااین‌حال، نیروهای امنیتی تا ۲۰ فروردین در محل اقامت او باقی خواهند ماند."

مهدی کروبی خواستار پایان حصر میرحسین موسوی نیز شده، اما پاسخ شنیده است که "همین روند طی چند ماه آینده برای موسوی نیز اجرا

خواهد شد.“

کروبی و موسوی، دو مقام بلندپایه جمهوری اسلامی، از نامزدهای مضحکه انتخاباتی سال ۱۳۸۸ بودند که پس از اعتراضات گسترده مردمی و سرکوب وحشیانه آن، از بهمن ۱۳۸۹ در حصر خانگی به سر بردند. رژیم که از خیزش مردم به وحشت افتاده بود، حتی نزدیکان خود را نیز تاب نیاورد

جنبش اعتراضی ۱۳۸۸ که با شعارهایی چون ”موسوی بهانه است، کل نظام نشانه است“ گام‌به‌گام به‌سوی عبور از تمامیت جمهوری اسلامی حرکت کرد. این روند، در سال‌های بعد با شعار ”اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا“ به اوج رسید و در انقلاب ”زن، زندگی، آزادی“ ۱۴۰۱

به شکوفایی کامل رسید.

اکنون که مردم از تمام جناح‌های حکومت عبور کرده و تنها به سرنگونی کل رژیم می‌اندیشند، آزادی کروبی و موسوی برای جمهوری اسلامی دیگر تهدیدی محسوب نمی‌شود. واقعیت این است که تاریخ مصرف کروبی‌ها و موسوی‌های مدت‌هاست که تمام شده است. در اوج رونق فعالیت اصلاح‌طلبان حکومتی آنها هیچگاه در فکر منفعت و مطالبات مردم نبوده‌اند، بلکه با حائل شدن میان مردم و کل حکومت به‌عنوان ضربه گیر برای حفظ رژیم جنایتکار اسلامی عمل کرده‌اند. تلاش آنها همواره بر مهار اعتراضات مردمی در چارچوب حفظ نظام ضدانسانی جمهوری اسلامی بوده است غافل از آنکه مردم، سرنگونی تمامیت

جمهوری اسلامی را می‌خواهند.

خطری که همیشه در کمین رژیم بوده و هست، مردمی‌اند که هر روز باقدرت بیشتری حاکمان جنایتکار را به چالش می‌کشند. مردم ایران در پی برداشتن بساط زندان و سرکوب و شکنجه و اعدام جمهوری اسلامی هستند و می‌خواهند با تداوم انقلاب خود این رژیم ظالم و جنایتکار را ساقط کنند. روز پایان حصر واقعی، روز آزادی میلیون‌ها نفر از مردم ایران است، و آن روز نزدیک است!

۲۵۰ سال بعد از تولد جین آستن

پتی دبونیتاس

جین آستن ۱۶ دسامبر ۱۷۷۵ در روستای "استیونتون همپشایر" به دنیا آمد. رمان "غرور و تعصب" بی تردید مشهورترین اثر جین آستن است.

۴ کتاب از شش کتاب جین آستن در زمان حیاتش با امضای "یک بانو" منتشر شدند، زیرا این نتیجه‌ای بود از موقعیت اجتماعی زنان در یک جامعه و سیستم اشرافی و به‌شدت مردسالار و همچنین بی‌اهمیتی رمان در آن زمان که پست و کم‌ارزش شمرده می‌شد. تنها بعد از مرگ او در سن ۴۱ سالگی بود که برادر جین دو رومان باقی‌مانده او را منتشر و نام نویسنده را فاش کرد. از آن زمان

تاکنون، بسیاری از چیزها تغییر کرده است، حداقل از نظر جایگاه رمان که امروزه آن را اثری بسیار معتبر و ارزشمند در عرصه خلاقیت می‌دانند. اما به یاد داشته باشیم تنها در سال ۱۹۱۸ است که زنان بعد از یک مبارزه طوفانی و طولانی و جنگیدن با سیستم حاکم در انگلیس توانستند از حق رأی برخوردار شوند.

حالا جین آستن به‌عنوان یکی از چهره‌های بزرگ ادبی و آغازگر "رمان مدرن" به زبان انگلیسی مورد ستایش قرار می گیرد. حالا او به دلیل مشاهدات و نقدهایش درباره‌ی جایگاه زن در جامعهٔ آن دوران تحسین می‌شود. امروز راحت است که طبقه حاکمه (از ملکه الیزابت تا مارگارت تاچر که امکانات رفاهی و حمایتی مادران تنها را در دوران نخست‌وزیری خود

قطع کرده بود، طرفدار جین آستن باشند) اما به یاد داشته باشیم در روز خودش این طبقه و نمایندگان فکری و سیاسی‌اش به انکار هویت زنان کمربسته بودند و تنها بعد از شکست در مقابل عزم زنان برای برابر زیستن مجبور به تظاهر در تحسین آنها هستند. این در حالی است که همین حالا نیز جنبش برابری زن و مرد در همین اروپا علی‌رغم دستاوردهای عظیمش به نفع زنان موضوعی برای نبرد است.

در عصر خودش جین آستن یک استثنا بود و بدون شک شرایط خانوادگی‌اش (که هرچند اغلب متزلزل بود، اما به اندازه اکثریت مردم، به فقر و بدبختی دچار نبود) و نگرش حمایتی خانواده‌اش نسبت به نوشتن او، نقش مهمی در توانایی‌اش برای نوشتن، انتشار

آثارش، و تبدیل‌شدن به شخصیتی مورد احترام – البته پس از مرگش – داشت. آیا هنوز، ۲۵۰ سال بعد، برای اکثریت زنان در سراسر جهان، ترکیبی از شرایط مساعد و استثنایی برای ماندگارشدن در تاریخ ضروری نیست؟

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۹۰

۱۸ مارس ۲۰۲۵ – ۲۸ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره سوسن صابری

در این شماره ژورنال:

امشب طنابهای دار را به آتش بکشیم

سیما بهاری

جشن‌های نوروزی مردم در کردستان و عزای رژیم

جمیله نقدی

نگاهی به اعتراضات کارگری در ۱۴۰۳

گفت‌وگو با شهلا دانشفر

گزارش مای ساتو درباره حکومت جنایت اسلامی

کیوان جاوید

امشب طنابهای دار را به آتش بکشیم

سیما بهاری

صدای پای بهار را می‌شود شنید. هر چقدر زمستان و سرما و تاریکی سماجت به خرج دهند، گرما و نور غلبه خواهد کرد. درست مثل رابطهٔ جمهوری اسلامی با جنبش پر قدرت مردم. جلو آمدن بهار را نمی‌شود گرفت. در دل سرد و تاریک خاک، جوانه‌ها شروع به تحرک می‌کنند و زندگی در دل خاک و در انتهای ریشه‌ها نطفه می‌بندد. مردم مثل همان جوانه‌ها هستند. با انواع وسیله‌ها جلو حرکتشان را می‌گیرند و آنها راه دیگری برای رشد و بالندگی می‌یابند.

از شروع انقلاب زن زندگی آزادی قدم‌به‌قدم پیش رفتیم، موانع را از سر راهمان تا حدودی برداشتیم، و تلاش کردیم خودمان را در مواضع تازه تثبیت کنیم. حجاب این خاکریز مهم را فتح کردیم. این فتح را نمی‌توانند پس بگیرند. در سال‌های گذشته در ایام چهارشنبه‌سوری گرد آتش رقصیدیم، هلهله کردیم، زن و مرد در کنار هم ایستادیم و نشان دادیم می‌خواهیم با هم باشیم. حجابمان این سمبل اسارت را در آتش انداختیم و فریادمان به جهان مخابره شد. دنیا ما را و شهامتمان را دید و به احترام تلاش‌های انسانی و برابری‌طلبانهٔ ما کلاه از سر برداشت. تشویق شدیم و ادامه دادیم. نشان دادیم که ایستاده‌ایم تا پایان. به خاکریز اول اکتفا نکردیم و نمی‌کنیم.

خاکریز بعدی شکستن دیوار آپارتاید جنسیتی است.

این روزها چهرهٔ شهرهای مختلف تصاویر زنان و مردان جسوری است که در کنار هم می‌رقصند و به استقبال زنده شدن طبیعت و به استقبال حیات می‌روند. عناصر ریزودرشت حکومت گاه عربده می‌کشند و گاه خط و نشان که ماه مبارک است و عزاداری. نرقصید، نخورید، شادی نکنید و... زنان و مردان اما می‌رقصند، می‌خورند و می‌نوشند و شادی‌کنان به استقبال بهار می‌روند.

سنگر بسیار مهم دیگری که با اراده جمعی ما باید فتح شود، سنگر اعدام است. این حربهٔ ضد زندگی

را باید از دست حکومت، این پیام‌آوران مرگ در آورد. امسال چهارشنبه‌سوری طناب‌های دار را در آتش می‌اندازیم و شعار "زنده‌باد زندگی" سر می‌دهیم. زن و مرد در کنار هم و با هم بی‌حجاب طناب‌های دار را می‌سوزانیم و این ابزار سرکوب و وحشیگری جمهوری اسلامی را با شعار "نه به اعدام" همراه با خانواده‌های دادخواه، به تاریخ می‌سپاریم. این سنگر را نیز فتح خواهیم کرد.

جشن‌های نوروزی مردم در کردستان و عزای رژیم

جمیله نقدی

در روزهای اخیر شاهد برگزاری جشن و پایکوبی هزاران نفره مردم، زن و مرد، در شهرهای کردستان هستیم. تهدیدهای جمهوری اسلامی و مانع‌تراشی‌هایش به بهانه هم‌زمانی نوروز و ماه رمضان نتوانست مردم کردستان را از برگزاری این جشن بازدارد. تلاش جمهوری اسلامی برای تحمیل سکوت و اندوه، با شعله‌های آتش و پایکوبی مردم در خیابان‌ها پاسخ داده شد. حضور گسترده زنان و بی‌حجابی عمومی در این جشن‌ها یک گام مهم دیگر جنبش بی‌حجابی را به جلو برد و دیوار

آپارتاید جنسیتی را در هم شکست.

امسال، از صالح‌آباد سقز تا کرمانشاه، ایلام، سنندج و اشنویه، مردم با برپایی جشن نوروز پیامی رسا به حکومت فرستادند: مردم آزادیخواه کردستان تسلیم نخواهند شد. آن‌ها با روشن‌کردن آتش، نماد زندگی و مقاومت، دیوارهای سرکوب را در هم شکستند و نیروهای حکومتی را به عقب راندند.

مردم آزادیخواه کردستان ۴۶ سال است که در برابر سرکوب و استبداد ایستاده و پرچم مقاومت را برافراشته نگه داشته‌اند. از روزهای نخستین پس از انقلاب ۵۷ تا امروز، این مردم در برابر جمهوری اسلامی سر خم نکرده و همواره در صف مبارزه

برای آزادی جنگیده‌اند. اعتراضات و اعتصابات گسترده علیه اعدام‌ها، نمونه‌ای از این مقاومت بی‌وقفه است. هر بار که حکومت تلاش کرده است با اعدام فعالین سیاسی، مردم را به سکوت وادار کند، نه‌تنها موفق نشده، بلکه موجی از مقاومت و اتحاد را برانگیخته است. اعتصابات عمومی در سراسر کردستان، خیابان‌های خاموش اما پرطنین، و شعارهایی که از هر کوچه و خیابان برخاسته، همه گواه این حقیقت‌اند که مردم آزادیخواه کردستان تسلیم نمی‌شوند. امسال نیز، در ادامه اعتراضات گسترده علیه مجازات اعدام و برگزاری هشتم مارس، با تودهنی به ارزش‌های اسلامی حکومت، با رقص و پایکوبی زن و مرد در کنار هم یک‌صدا به جمهوری اسلامی "نه" گفتند و نشان دادند که

این چرخه وحشیانه سرکوب و کشتار، نه‌تنها آن‌ها را مرعوب نمی‌کند، بلکه بر خشم و اراده‌شان برای سرنگونی رژیم می‌افزاید.

این اتحاد و مقاومت و نافرمانی مدنی، با شکستن دیوار آپارتاید جنسیتی و تقابل جشن و شادی با عزای اسلامی، ضربه‌ای کوبنده بر پیکر حکومت است. بعد از تسخیر خاکریز حجاب توسط زنان، امروز در کردستان و سراسر ایران نوبت غلبه بر فرهنگ عقب‌افتاده گریه و عزاداری رژیم اسلامی است. این خاکریز را هم مردم فتح خواهند کرد.

نگاهی به اعتراضات کارگری در ۱۴۰۳

گفت‌وگو با شهلا دانشفر

سوسن صابری: در سال ۱۴۰۳ هر روز شاهد اعتصاب و تجمع و راهپیمایی کارگران معترض در نقاط مختلف ایران بوده‌ایم. در یک نگاه کوتاه نقاط مثبت و پیشروی‌ها و همچنین ضعف‌های این اعتراضات و کلاً جنبش کارگری در این سال را چطور ارزیابی می‌کنید؟

شهلا دانشفر: سال ۱۴۰۳ به لحاظ معیشتی سالی سخت و دشوار برای کارگران و مردم در ایران بود. سال تشدید سرکوبگری‌های حکومت و اعدام‌های گسترده در هراس از سر بلند کردن قدرتمندتر

انقلاب زن زندگی آزادی بود. و در مقابل سال ۱۴۰۳ یکی از پُرتحرک‌ترین اعتراضات کارگری در متن فضای انقلابی جامعه بود.

حکومت بدنبال شکستهای سختش در منطقه و فلج شدن اقتصادی اش بشدت در هم ریخته است. در نزاع‌هایشان از شکست‌هایشان در منطقه و در مقابل مردم سخن می گویند. در مقابل، مردم خود را در موقعیت قوی‌تری می‌بینند و اعتراضات کارگری و مردمی ابعادی گسترده‌تر، عمیق‌تر و رادیکال‌تر بخود می گیرد.

سال ۱۴۰۳ سال سربلند کردن جنبشی قدرتمند و اجتماعی بر سر معیشت و رفاه بود که جنبش

کارگری یک ستون مهمش است. با آماری تقریبی سال گذشته شاهد بیش از سه هزار حرکت اعتراضی کارگری علیه فقر، بی تامینی، اختلاس‌ها و سرکوبگری‌های حاکم بودیم. کانون‌های داغ آن کارگران نفت، بازنشستگان، پرستاران، معلمان، کارگران معادن و بسیاری از مراکز دیگر کارگری بود. اعتراضات در نفت بخش‌های مختلف آن و بازنشستگان نفتی را فرا گرفته و بسوی سراسری شدن می‌رود. نقش هزاران کارگر ارکان ثالث برجسته است و تجمعات بزرگ آنان همراه با راهپیمایی و حضور خانواده‌ها فضای اعتراض در نفت را به لحاظ کیفی متحول کرده و بر جنبش کارگری تاثیر گذاشته است.

کارگران نفت و نیز پرستاران در اعتراض به مصوبه مز دی حقارت بار شورایعالی کار مبنی بر تعیین حداقل مزد ده میلیونی اولتیماتوم به اعتراضات گسترده‌تر داده‌اند. بازنشستگان با تجمعات پرشور هفتگی و سراسری بر فضای اعتراضی در بسیاری از شهرها تاثیر گذاشته، در دفاع از دستاوردهای انقلاب نقش آفرین بوده و با فریاد "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد " پرچم اتحاد مبارزاتی را برافراشته‌اند و خود با تجمعات مشترک و بزرگ الگو بوده‌اند.

گسترش اتحاد اکتیویستهای بخش‌های مختلف کارگری و اجتماعی بر سر معیشت و علیه سرکوبگری‌های حکومت نقطه امید خوبی برای گسترش اعتراضات کارگری و کل جامعه است.

بیانیه‌های مشترک کارگری و اجتماعی و گردهمایی بخش‌های مختلف آنها در روز جهانی زن نمادهای بارز آنست. اما کافی نیست و سراسری نبودن این اتحاد، یک کمبود در قدرتمندتر شدن جنبش کارگری و حرکت سریع‌تر آن به‌سوی اعتصابات سراسری و تأثیرگذاری کیفی بر فضای جامعه است.

سوسن صابری: باتوجه‌به ارزیابی‌تان از جنبش کارگری در اوضاع سیاسی کنونی، فعالین و رهبران مبارزات کارگری چه اقداماتی را باید برای تقویت نقاط مثبت و برطرف‌کردن نقاط ضعف جنبش در دستور خود بگذارند؟

شهلا دانشفر: ما همواره بر اتحاد فعالین و

اکتیویستهای کارگری و اجتماعی برای پیشروی بیشتر انقلاب و شکل‌دهی شبکه‌های سراسری مبارزاتی آنها در عرصه‌های مختلف تأکید کرده‌ایم. امروز هم زمینه‌های اجتماعی و توازن قوا برای آن فراهم است و هم ضروری و حیاتی است. در سطح بیانیه‌ها و بعضاً فراخوان‌های اعتراض مشترک در سطح محلی شاهد شکل‌گیری چنین اتحادی هستیم. می‌شود و باید این را گسترش داد و دراین‌رابطه فعالین و رهبران کارگری نقش مهمی دارند. بیانیه‌های مشترک، منشوری چون خواست‌های حداقلی بیست تشکل مضمون چنین اتحاد و اجماع نظری را فراهم کرده و همین توافقات می‌تواند محورهای شکل‌گیری اتحادی گسترده‌تر باشد. می‌شود الگوی تجمعات مشترک

بازنشستگان در کرمانشاه را در همه شهرها تکثیر کرد. می‌شود الگوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان را در تمام بخش‌های مبارزتی بکار گرفت و شبکه‌های سراسری اعتراضی را شکل داد. می‌شود شوراهای اعتراضی ای که هم اکنون در نفت شکل گرفته‌اند را در همه بخش‌های دیگرش تکثیر کرد و شورای هماهنگی سراسری مبارزاتی را به‌عنوان چتری برای متحد کردن همه این تشکل‌ها شکل داد. انجام هرکدام از آنها گامی در جهت تقویت و گسترش اعتراضات کارگری و جنبش بر سر معیشت و فراهم‌شدن بستر برای اعتصابات سراسری خواهد بود و بدون شک بر اعتراضات مردمی در کف خیابان قدرت می‌بخشد.

گزارش مای ساتو درباره حکومت جنایت اسلامی

کیوان جاوید

مای ساتو، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور ایران، روز سه‌شنبه ۲۸ اسفند به پنجاه و هشتمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد گزارشی ارائه کرد. وی گزارش خود از افزایش تعداد اعدام‌ها در ایران، نبود شفافیت دربارهٔ اطلاعات مرتبط با مجازات اعدام و بازداشتی‌ها، ادامهٔ سرکوب معترضان در کشور و اعمال تبعیض علیه اقلیت‌ها را از موارد نقض مکرر حقوق بشر در ایران اعلام کرد.

این گزارش دیگر چیزی برای پرده‌پوشی در

مورد ماهیت جنایتکارانه حکومت اسلامی، لااقل در مجامع بین‌المللی باقی نگذاشته است، اما افشاگری جدیدی هم نیست که ما مردم ایران آن را با همه وجودمان حسن نکرده باشیم. مای ساتو ماهیت ضدانسانی و هدف از کشتارهای فجیعی که در ایران صورت می‌گیرد را به‌دقت مورد بحث قرار داده است. این یک پیشرفت سیاسی علیه جمهوری اسلامی است.

جمهوری اسلامی البته بااین‌همه کشتار و نقض ابتدایی‌ترین حقوق انسان یک چیز را به‌خوبی فهمیده است و آن اینکه علی‌رغم این‌همه خون پاشیدن به جامعه نتوانسته سر سوزنی مردم را وادار به عقب‌نشینی و تن‌دادن به این تباهی

حاکم بر جامعه ایران کند. آنچه که در جامعه موج می‌زند، خواست سرنگونی جمهوری اسلامی و پس‌زدن همه جلوه‌های سیاسی و فرهنگی‌ای است که این حکومت نمایندگی می‌کند.

اما بیان این حقیقت تلخ توسط گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران تازه می‌تواند آغاز اقدامات وسیع‌تری باشد که هم در دستور کار نهادهای بین‌المللی و دولت‌های جهان علیه جمهوری اعدامی اسلامی باشد و هم وسیله‌ای در دست همه ما مردم ایران که بتوانیم مبارزات سازمان‌یافته‌تر و وسیع‌تری را علیه اعدام و دیگر اشکال نقض حقوق شهروندی در ایران سازمان بدهیم. بدون این دومی دامنه کشتار رژیم کمتر

نمی‌شود. رژیم همانطور که طبق اعتراف خودش نتوانسته با اسید و شلاق و زندان و انواع گشت‌های ویژه با بی‌حجابی میلیونی زنان مقابله کند، باید با نشان دادن ضرب شست ما مردم ، بداند هر اعدام یا دیگر انواع سرکوبهای اجتماعی با موجی از تعرض سیاسی به حکومت روبرو می‌شود.

قدرت مبارزه ما مردم در ایران و خارج از ایران فشار مضاعفی به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی خواهد بود که در ابعاد وسیع تری جمهوری اسلامی را به‌خاطر نقض حقوق انسانی مورد تعرض سیاسی قرار بدهند. توپ در زمین ما مردم ایران است، دروازه جمهوری اسلامی را توپ باران کنیم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
/https://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۹۱

۱۹ مارس ۲۰۲۵ – ۲۹ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

سال ۱۴۰۳، سال فوران جنبش‌های اجتماعی

مصاحبه با کاظم نیکخواه

صدای زنان خاموش نمی‌شود

نسان نودینیان

چهارشنبه‌سوری و آتش‌زدن طناب‌های دار

بابک یزدی

فقر، فساد، گرانی و "سال نکو"

سینا پدرام

شکست جمهوری اسلامی در شورای حقوق بشر

حسن صالحی

سال ۱۴۰۳، سال فوران جنبش‌های اجتماعی

مصاحبه با کاظم نیکخواه

آذر پویا – در آستانه سال جدید یعنی سال ۱۴۰۴ هستیم، اگر بخواهیم مرور کوتاهی بر وقایع سال ۱۴۰۳ داشته باشیم به نظر شما مهم‌ترین اتفاقات این سال چه بود و چه تأثیری در زندگی مردم داشتند؟

کاظم نیکخواه: تا آنجا که به مردم برمی‌گردد سال گذشته سال آتشفشان "جنبش‌های اجتماعی" بود. تقابل مردم با نکبت‌های حکومت در ادامه، به جنبش‌های اجتماعی برای دفاع از زندگی متحول شده و بخش‌های وسیعی از مردم را در این جنبش‌ها کنار هم قرار داده است. جنبش علیه اعدام، جنبش ضد حجاب، جنبش ضد آپارتاید جنسیتی، جنبش معیشت و

رفاه، جنبش دادخواهی و... وقتی از "جنبش‌ها" صحبت می‌کنم منظورم اعتراضات پیوسته و سروته دار است. یعنی این اعتراضات از حالت تک حرکت و از این موضوع به آن موضوع خارج شده، اشکال گسترده‌ای از اعتراضات برای رسیدن به یک هدف شکل گرفته، و بخش‌هایی از مردم برای رسیدن به یک هدف معین به هم پیوند می‌یابند. همین جنبش علیه اعدام را در نظر بگیرید. یکی از شورانگیزترین حرکت‌های اجتماعی در سال ۱۴۰۳ موج اعتراض به حکم اعدام توماج صالحی بود. اعتراضات در داخل و خارج کشور جریان یافتند و به هم پیوند خوردند و نهایتاً توانستیم از وحشت به دار کشیدن توماج، به جشن آزادی او برسیم. این یک دستاورد فراموش‌نشدنی و تاریخی بود. جنبش ضد حجاب هم به‌راستی کولاک کرد و دنیا را روی سر حکومت اسلامی خراب کرد.

پشت‌سرهم لایحه ضد حجاب دادند، بی‌حجابی را "بلای آسمانی" نام نهادند، حکومتیان مدام علیه زنان بی‌حجاب عربده‌کشی کردند، اما بی‌حجابی در برابر چشم‌هایشان تثبیت شد و غلطی نتوانستند بکنند. اینها از آن نمونه‌هایی است که جنبش‌های اجتماعی به نتیجه ملموس و ماندنی رسیده‌اند. یک سری جنبش‌ها هم هنوز تا پیروزی‌های ملموس و تاریخی راه درازی در پیش دارند. مثل جنبش دادخواهی که می‌خواهد دست‌اندرکاران حکومت را به جرم جنایاتشان در دادگاه‌های مردمی پاسخگو نماید. یا جنبش معیشت که می‌خواهد به دوره تلخ فقر و فلاکت و محرومیت کارگران و پرستاران و معلمان و بازنشستگان پایان دهد. رسیدن به این هدف‌ها به سرنگونی حکومت گره‌خورده که امیدوارم سال ۱۴۰۴ سال رسیدن به چنین هدفی باشد.

برای جمهوری اسلامی سال ۱۴۰۳ سال شکست‌های مهلک بود. مرگ رئیسی جلاد یک ضربه مهلک به "حکومت اعدامی" بود و مردم را به جشن و شادی کشاند. ترور اسماعیل هنیه در تهران و بعد از آن هلاکت حسن نصرالله و ضربات پی‌درپی در تقابل اسرائیل و حکومت اسلامی، رجزخوانی‌های خامنه‌ای را به طنز تبدیل کرد. کلاً می‌توان مشاهده کرد که جمهوری اسلامی با فضای تعرضی جامعه و روحیه بالای مردم، و ضربات متعددی که متحمل شده، در این سال به رعشه مرگ افتاده و مردم بسیار امیدوار و متعرض هستند.

آذر پویا: باتوجه‌به اعتراضات گسترده و همه‌جانبه‌ای که در جامعه وجود دارد از اعتراض علیه گرانی و حجاب گرفته تا اعتراض علیه سرکوب‌های بی‌رویه و غیره... چشم‌انداز تأثیر این اعتراضات را در سال

جدید چگونه می‌بیند؟

کاظم نیکخواه: من واقعاً امیدوارم که سال ۱۴۰۴ سال سرنگونی جمهوری اسلامی باشد. این حکومت کلاً پایه‌های حاکمیتش را ازدست‌داده است. اقتصادش آن‌چنان فروپاشیده که امکان تأمین برق و گاز و آب مردم را هم ندارد. صفوفش زیر فشارهای مختلف تکه‌تکه شده و خامنه‌ای که قرار است ستون حکومت باشد به نقطه‌ضعفش تبدیل شده است. در مقابل این حکومت وامانده و متحجر، مردمی قرار دارند که واقعاً قرن‌ها از ارزش‌ها و سنت‌های آن فاصله دارند. به همین چند نمونه‌ای که در سال ۱۴۰۳ خبرساز شد فکر کنید! به کنسرت پرستو احمدی که غوغا کرد. به اعتراض عریان آهو دریایی و به حرکات زندانیان در داخل زندان‌ها، و هزاران نمونه دیگر که

فضای انسانی و مدرن جامعه را نشان می‌دهد. اینکه این حکومت یک وصله ناجور بر تن جامعه است دیگر برای خودی‌هایشان نیز قابل‌کتمان نیست. اینها فقط به دستگاه سرکوب متکی هستند و آن‌هم دارد به‌هم‌ریختگی و ناکارایی‌اش را بیش‌ازپیش نشان می‌دهد. تردیدی نداشته باشید که سال جدید سال سرنگونی جمهوری اسلامی و شروع یک جامعه انسانی و نمونه‌وار خواهد بود.

صدای زنان خاموش نمی‌شود

نسان نودینیان

یک روز پس از مراسم روز جهانی زن، چند زن مبارز و آزادی‌خواه، لیلا پاشایی، باران ساعدی، سوما محمدرضایی و سهیلا مطاعی به دلیل شرکت در مراسم روز جهانی زن و اعتصاب عمومی بازداشت شدند. قابل‌ذکر است که سهیلا مطاعی چند روز بعد به قید وثیقه آزاد شد.

در اعتراض به این دستگیری‌ها ۳۰۰ نهاد و فعال حقوق زنان با انتشار بیانیه‌ای خواستار آزادی بی‌قیدوشرط آنها، شده‌اند.

این بیانیه نه‌تنها دفاع از حقوق بازداشت‌شدگان، بلکه صدایی رسا در برابر سرکوب سیستماتیک زنان توسط جمهوری اسلامی است. بیانیه رادیکال ۳۰۰ نهاد و فعال سیاسی به ما می‌گوید: به‌عنوان بخشی از جامعه بر بستر دستاوردهای ارزشمند و مبارزاتی زن زندگی آزادی علیه آپارتاید جنسیتی، و تبعیض جنسی ایستاده‌ایم، و تا خلاصی از تبعیض و نابرابری مبارزه را ادامه می‌دهیم، در برابر این سرکوب‌ها سکوت نمی‌کنیم و همبستگی و حمایت جمعی، تنها راه توقف چنین روندهای سرکوبگرانه‌ای است.

پیام‌های مثبت و ارزشمند بیانیه ۳۰۰ نهاد و فعال سیاسی، انعکاس دستاوردهای زن زندگی آزادی و در تداوم آن است. انتشار چنین بیانیه‌ای نشان می‌دهد که زنان دستگیر شده تنها نیستند و از

حمایت گسترده‌ای برخوردارند. بیانیه همچنین بر روحیه مبارزاتی دستگیرشدگان و خانواده‌هایشان تأثیر مثبت داشته و دارد.

بیانیه موجبات همبستگی بیشتر میان فعالان حقوق زنان، نهادهای اجتماعی و مبارزاتی را تقویت و به سازماندهی جنبش‌های اعتراضی علیه دستگیری و تهدیدها کمک خواهد کرد چنین اقداماتی سکوت در برابر بازداشت‌ها و عادی‌سازی سرکوب زنان و فعالین را به صدای متشکل و قدرتمند تبدیل خواهد کرد.

بیانیه به جلب حمایت نهادها، سازمان‌ها و انعکاس در رسانه‌های بین‌المللی کمک خواهد کرد. به‌ویژه در شرایطی که نماینده سازمان ملل خانم مای ساتو

در گزارش خود در ۱۸ ماه مارس به "ادامهٔ نقض فاحش حقوق بشر و جنایات علیه بشریت" اشاره کرده و امکان فشار بین‌المللی بر جمهوری اسلامی را افزایش می‌دهد.

آزادی بازداشت‌شدگان سنندج، خواست فوری و انسانی است. جا دارد همه با هم با برپایی تجمع‌های اعتراضی و پیوستن به این بیانیه برای آزادی دستگیرشدگان متحد شده و صدای آزادی‌خواهی‌مان را رساتر کنیم.

چهارشنبه‌سوری و آتش‌زدن طناب‌های دار

بابک یزدی

چهارشنبه‌سوری یکی از جشن‌های قدیمی و محبوب ایرانیان است که هر سال در غروب آخرین سه‌شنبه سال برگزار می‌شود. خیلی‌ها چهارشنبه‌سوری را جشن، روشنائی بر تاریکی، جشن غلبه شادی بر غم و اندوه و در یک کلام سوزاندن جهل و جهالت و خرافات و هر چه رو به گذشته دارد می‌دانند.

رژیم اسلامی نه‌تنها با نوروز، چهارشنبه‌سوری، سیزده‌بدر و هر چیزی که نشانی از شادی و خوشی دارد مشکل داشته و به بهانه‌های مختلف از

مراسم‌های این چنینی جلوگیری و یا مزاحمت ایجاد می کند، بلکه به‌ویژه می‌داند که از این مناسبت‌ها مردم برای رقص و شادی و در هم شکستن آپارتاید جنسیتی نیز استفاده می کنند. علاوه بر اینها امسال نوروز و چهارشنبه‌سوری مصادف با ماه رمضان نیز هست و به همین دلیل رژیم از پیش هشدار داد و تهدید کرد اما مردم بسیار بیشتر از همیشه به استقبال این روزها رفتند و رقص و پایکوبی کردند و ابعاد دیگری به بی‌حجابی دادند. مردم امسال نیز چندین روز مانده به نوروز در شهرهای مختلف ایران آتش روشن کردند و با جشن و شادی و بی‌حجابی مخالفت خود را با رژیم شادی ستیز نشان دادند.

کارزار جهانی نه به اعدام در ایران امسال در

فراخوانی از مردم خواسته بود که در هر کجا می‌توانند طناب‌های دار را به طور سمبلیک در اعتراض به اعدام به آتش بکشند.

امسال در چهارشنبه‌سوری مردم با جشن و شادی و آتش‌افروزی آتشی بر جان رژیم و عواملش انداختند که دودمان بربادده بود. در بسیاری از این مراسم‌ها عکس‌های دیکتاتور بزرگ و رهبر نظام خامنه‌ای را به آتش کشیدند، در مواردی طناب‌های دار را در حمایت از فراخوان کارزار جهانی نه به اعدام و سه‌شنبه‌های علیه اعدام که در ۳۸ زندان ادامه دارد در مخالفت با اعدام به آتش کشیدند.

همانطور که سنگر مبارزه با حجاب اجباری را زنان مبارز ایران دوفاکتو فتح کرده‌اند دیری نخواهد

گذشت که سنگر مبارزه با اعدام را نیز فتح شود. ر چهارشنبه‌سوری و نوروز واقعی مردم ایران در یک کلام با سرنگونی رژیم جهل و جنایت اسلامی حاصل می‌شود. مردمی که فریاد زده‌اند "بیزارم از دین شما، نفرین به آئین شما". پیروز این میدان خواهند بود.

فقر، فساد، گرانی و "سال نکو"

سینا پدرام

به گزارش خبرگزاری‌های ایران، در روز سه‌شنبه ۲۸ اسفند، قیمت هر قطعه سکه امامی به رکورد ۹۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسید. همچنین قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار به بیش از ۸ میلیون تومان رسید و دلار آمریکا نزدیک به ۱۰۰ هزار تومان شد.

رئیس گمرک ایران نیز از واردات ۱۰۰ تن طلا به کشور در ازای صادرات کالا خبر داد که نسبت به سال گذشته سه برابر شده است.

باز بنا به گزارشات مختلف درآمدهای نفتی ایران نیز کاهش‌یافته و صادرات نفتی کشور در ۱۰ ماه

گذشته ۳۰ میلیارد دلار گزارش شده است. در یک دهه گذشته نه‌تنها سرمایه‌گذاران خارجی بلکه سرمایه‌های داخلی نیز در حال خروج از ایران هستند.

همچنین بر پایه برآوردهای کارشناسان، ذخایر ارزی ایران از بیش از ۱۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به کمتر از ۱۰ میلیارد در سال ۱۴۰۲ رسید. از همین رو، دولت مسعود پزشکیان نه درآمد ارزی کافی دارد و نه می‌تواند به میزان مورد نیاز از ذخیره ارزی برداشت کند.

در ایران کاهش ذخایر، ناپایداری بازار ارز و افزایش قاچاق منابع مالی و طبیعی در طی چند دهه گذشته دیده می‌شود. اینها نمونه‌های کوچکی از فروپاشی اقتصادی است.

ما همواره تأکید کرده‌ایم که معضل بحران اقتصادی در ایران تحت سلطه رژیم اسلامی، تابع سیاست‌های این رژیم، مواضع سیاسی آن در قبال غرب و به‌ویژه آمریکا است.

روند ورشکستگی اقتصادی در ایران، یک بحران فزاینده سیاسی را بر علیه رژیم در کل جامعه دامن زده است. در عالم واقع، بالارفتن دلار یعنی افزایش فقر طبقه کارگر و تمامی فرودستان، نبود طلا یعنی بی‌پشتوانه شدن ارز ملی، یعنی سقوط ریال و تورم اقتصادی که کمر تهی دستان را خم کرده است.

بودجه چند دهه گذشته نشان داده است که برای رژیم تنها یک گزینه آن‌هم سرکوب گسترده جامعه باقی‌مانده است. درعین‌حال چنین فروپاشی

اقتصادی و چنین فقر گسترده که با تعیین دستمزدهای چندین برابر زیر خطفقر سال آینده نیز بیشتر خواهد شد، راه دیگری جز راه‌حل سیاسی برای خلاصی از این وضعیت خطیر اقتصادی برای مردم ایران باقی نمانده است.

همان قدر که رژیم برای ماندن سرکوب می کند، مردم نیز برای بقا خود نیاز به سرنگون کردن این رژیم دارند. فروپاشی اقتصادی با سرنگونی سیاسی و خیزش اجتماعی و انقلابی جواب خواهد گرفت.

شکست جمهوری اسلامی در شورای حقوق بشر

حسن صالحی

در پنجاه و هشتمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل، جمهوری اسلامی شکست سنگینی را متحمل شد. باوجود اعزام هیئتی رسمی و چندین سازمان غیردولتی وابسته، تلاش این رژیم برای انحراف افکار عمومی و توجیه نقض حقوق بشر ناکام ماند.

در یکی از جلسات این نشست، گزارش ۲۵۲ صفحه‌ای هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل و گزارش مای ساتو، گزارشگر ویژه حقوق بشر، تصویری جامع از نقض سیستماتیک حقوق انسانی در ایران ارائه کردند. این گزارش‌ها به افزایش اعدام‌ها به‌عنوان

ابزار سرکوب، سرکوب زنان مخالف حجاب اجباری، سرکوب معترضان و خانواده‌های آنان، و فشار بر اقلیت‌های قومی و مذهبی، به‌ویژه کردها، بلوچ‌ها و جامعه LGBTQ+ اشاره داشتند.

در این گزارش‌ها تأکید شد که جنایات علیه بشریت در ایران ادامه دارد و خطر نقض فاحش حقوق بشر همچنان جدی است. "سامان صیدی"، معروف به "سامان یاسین"، رپر کرمانشاهی که در جریان خیزش "زن، زندگی، آزادی" بازداشت و به اتهام "محاربه" به اعدام محکوم شده بود، از شکنجه‌هایی که در دوران بازداشت متحمل شده بود، پرده برداشت. سخنان او تأثر همگان را برانگیخت. او به اعدام مصنوعی برای گرفتن اعترافات اجباری اشاره کرد و گفت که بازجویان خودکار را در بینی‌اش فروکرده‌اند تا او را

وادار به اعتراف علیه خود کنند.

همچنین، علیرضا آخوندی، نماینده پارلمان سوئد، در یکی از جلسات با اشاره به مستندات تحقیقات شورای حقوق بشر سازمان ملل، اظهار داشت: ” جمهوری اسلامی مردم خود را زندانی، شکنجه و اعدام می‌کند. زنان تحت ضرب و شتم، تجاوز و سرکوب قرار می گیرند. نظامی که با سرکوب مردم خود بر سر کار می‌ماند، مشروعیت ندارد“.

شماری از نمایندگان نهادها و سازمان‌های مدافع حقوق بشر ایران نیز در این جلسات حضور داشتند و جلسه‌ای ویژه برای شنیدن نظرات آن‌ها درباره گزارش‌های مطرح‌شده برگزار شد.
نمایندگان جمهوری اسلامی نتوانستند با توجیهات

و ادعاهای بی‌اساس خود، جنایات متعدد رژیم علیه مردم ایران را پنهان کنند. دادخواهی مردم ایران در شورای حقوق بشر سازمان ملل بازتاب گسترده‌ای یافت. مردم ایران خواهان پایان سیاست‌های مماشات با جمهوری اسلامی و به رسمیت نشناختن این رژیم هستند. جمهوری اسلامی نه‌تنها نماینده مردم ایران نیست، بلکه نماینده سرکوب آنان است. هرچه انزوای بین‌المللی این رژیم بیشتر شود، مردم ایران در شرایط مساعدتری، باتکیه‌بر نیروی انقلاب خود، آن را سرنگون خواهند کرد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

زورنال

شماره ۹۹۲

۲۰ مارس ۲۰۲۵ – ۳۰ اسفند ۱۴۰۳ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

سال نو مبارک!

در این شماره ژورنال:

امید به زندگی در بهار طبیعت

کیوان جاوید

آتش‌بازی مردم و بازی با آتش رژیم

آذر پویا

زن دیگری قربانی فرهنگ متحجر مردسالاری شد!

مهتاب رستگار

عوام‌فریبی تحت نام "امیدآفرینی"

رضا درویش

کودتای اردوغان بر علیه شهردار استانبول!

سینا پدرام

امید به زندگی در بهار طبیعت

کیوان جاوید

اولین روز بهار از راه رسیده است. زیبا و دوست‌داشتنی. بیاییم امروز را علی‌رغم همه سختی‌هایی که داشتیم و همه آن سختی‌هایی که در پیش خواهد بود با امید به رهایی و آزادی شروع کنیم. بیاییم دست هم را بگیریم و پیمان ببندیم در راه رفاه همگانی در کنار هم مبارزه کنیم.

زندگی‌کردن زیر حاکمیت نظامی از هر نظر غیرانسانی "دل شیر می‌خواهد". اینکه هر روز که از خواب بیدار شوی و به این کابوس فکر کنی که چطور از پسِ این‌همه هزینه‌های کمرشکن باید بر آمد خود بزرگ‌ترین ترس از آینده است. ترسی که

غم و افسردگی به دنبال دارد، ترس از اینکه چطور ممکن است که این هیولای فقر و فلاکت را به‌زانو در آورد و از این باتلاقی که بر سر راه ما وجود دارد به‌سلامت گذر کرد؟

اما زندگی را فقط امید به آینده می‌تواند بسازد. به قول حافظ: "اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد / من و ساقی به هم تازیم و بنیادش براندازیم."

حکومت اسلامی با یک برنامه کاملاً معلوم و مشخص به جنگ زندگی آمده است. تباهی جامعه آن هدفی است که رژیم اسلامی یک‌لحظه یادش نرفته است. بااین‌حال اما پیر و جوان و نوجوان علی‌رغم این زندگی سخت و فاجعه باری که روزانه تجربه می‌کنند، روزبه‌روز با چنگ‌ودندان انسانیت خود را

پاس می‌دارند. در این میدان جنگ خونین که بین مردم و حکومت در جریان است البته ما کشته‌های زیادی دادیم، داغ عزیزان زیادی به دلمان مانده، سفره‌های بسیار زیادی‌تر هر روز خالی‌تر می‌شود، اما وقتی با یک فاصله به این میدانگاه نبرد نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که ما توانسته‌ایم روزگار دشمنان زندگی و سازندگان این جهنم برای مردم را تیره‌وتار کنیم. ما صف دشمن را در هم شکستیم و آتش‌به‌جان این جانیان انداختیم. دستاوردهای ما شاید تماماً در این صحنه‌ای که روبروی ما نمایان است به‌خوبی دیده نشود. اما ضربات بسیار سنگینی به حاکمان بی‌رحم زده‌ایم که می‌رود امروز یا فردا کارشان را تمام کند.

برای این که این نبرد آخرین ما مردم باشد، بیاییم با

هم و در کنار هم باشیم و برای شکست نهایی دشمن و ساختن دنیایی بهتر، دنیای برابر و آزاد و انسانی کار حکومت اسلامی را تمام کنیم. در بهار طبیعت به پیشواز بهار زندگی برویم. سال نو مبارک.

آتش‌بازی مردم و بازی با آتش رژیم

آذر پویا

آخرین سه‌شنبه سال ۱۴۰۳ و شب چهارشنبه‌سوری را پشت سر گذاشتیم. مردم از چندی قبل به استقبال این شب رفته، در میادین شهرها و محلات مختلف تجمع کرده و با روشن‌کردن آتش و جمع‌شدن دور آن با رقص و آواز و انداختن عکس سران حکومت در آتش و همچنین به‌آتش‌کشیدن سمبلیک طناب‌های دار، این سنت زیبا را جشن گرفتند.

جمهوری اسلامی که با هر نماد شادی مخالف است و از جمع‌شدن بیش از دو نفر نیز هراس دارد، امسال تصور می‌کرد مستمسک خوبی به‌عنوان ماه رمضان

دارد تا مردم را از برگزاری این مراسم منع کند. از چندی پیش حکام اسلامی هم به پیشواز این روز رفته و رجز خوانده بودند که به علت ماه "مبارک رمضان" همه باید با شکم‌های گرسنه در خانه‌هایشان بمانند و اجازه روشن‌کردن آتش و برگزاری مراسم چهارشنبه‌سوری را ندارند و تهدید کرده بودند که با هنجارشکنان و تضعیف‌کنندگان این "ماه ملکوتی" مقابله می‌کنند.

واقعاً این دو سوی متضاد جامعه، این دو قطب عزا و شادی و این تقابل تحجر اسلامی با فرهنگ مدرن و انسانی تا کی و تا کجا می‌تواند دوام بیاورد؟

مردم با برافروختن آتش نه‌تنها جشنی زیبا را بر پا داشتند؛ بلکه مثل سال‌های گذشته به رژیمی که

فکر می‌کند مسئول توالت رفتن‌های مردم هم هست و برای آن آداب خاصی را هم مدون کرده است فهماندند که نه تهدیدهایش جلودارشان است و نه هیچ سلاح دیگری. یکی از زیباترین عملکردهای مردم در این روز آتش‌زدن طناب‌های دار بود. جنبش علیه اعدام در جامعه هر روز گسترده‌تر شده و چهره زیبای زندگی را ارج می‌نهد. مردم در شب چهارشنبه‌سوری فرصتی یافتند تا مخالفت خود را با اعدام به شکل آتش‌زدن طناب‌های دار نشان دهند.

رژیم علی‌رغم رجزخوانی‌هایش نتوانست جلوی شادی و پایکوبی مردم را بگیرد. برعکس طبق معمول خودشان بجان هم افتادند و به همدیگر اخطار دادند که هوا پس است و بیش از این صلاح نیست فشار بیاوریم! روحانی را بالای منبر فرستادند تا با کلید

کذائی‌اش مشکل را حل کند. آن دیگری اخطار داد که چنانچه لایحه حجاب باعث تضعیف نظام شود آن را اجرا نمی‌کنند. فهمیده‌اند که این آتش زیر خاکستر را نباید شعله‌ور کرد و اگرنه تر و خشکشان با هم خواهند سوخت.

زن دیگری قربانی فرهنگ متحجر مردسالاری شد!

مهتاب رستگار

باز هم خبر کشتن زن دیگری توسط همسرش این بار در گلپایگان جامعه را شوکه کرد. زن‌کشی یا قتل زنان توسط همسرانشان، پدیده‌ای هولناک و نگران‌کننده در ایران است. این پدیده ریشه در عوامل مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و روانی دارد و نیازمند راهکارهای مؤثر قانونی برای پیشگیری است.

از علل زن‌کشی در ایران می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱-فرهنگ مردسالاری: در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، بعضاً مردان به دلیل باورهای غلط فرهنگی - اسلامی، خود را مالک زنان می‌دانند و به نام دفاع از "ناموس" دست به خشونت می‌زنند.

۲- فقر اقتصادی: فشارهای مالی و بیکاری می توانند باعث افزایش تنش در خانواده‌ها شده و در مواردی به خشونت‌های شدید منجر شوند.

۳-عدم آموزش و آگاهی: نبود آموزش‌های لازم درباره حقوق زنان، از عوامل تشدیدکننده این پدیده است.

۴- فقدان قوانین حامی زنان: در ساختار جمهوری اسلامی قوانین حمایتی از زنان با ضمانت اجرایی

وجود ندارند و مجازات‌های کافی برای خشونت‌های خانگی وجود ندارد.

۵- اختلالات روانی: برخی مردان از اختلالات روانی مانند حسادت بیمارگونه یا کنترل گری رنج می‌برند که می‌تواند به خشونت کشیده شود.

راه‌حل‌های زیر را می‌توان جهت کاهش پدیده زن کشی برشمرد:

۱- قوانین حمایتی: تدوین و اجرای دقیق‌تر قوانین حمایتی از زنان و تشدید مجازات‌ها برای خشونت‌های خانگی.

۲- آموزش و آگاهی‌بخشی: برگزاری کارگاه‌های

آموزشی درباره حقوق زنان و تلاش برای تغییر باورهای غلط مردسالاری از طریق رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی.

۳- حمایت اقتصادی دولت: ایجاد فرصت‌های شغلی و حمایت مالی از زنان در معرض خطر تا بتوانند از محیط‌های خشونت‌آمیز خارج شوند.

۴- گسترش مراکز حمایتی و مشاوره: گسترش مراکز مشاوره روانی و گسترش خانه‌های امن دولتی و غیردولتی برای زنان خشونت دیده و دختران در معرض آسیب.

زن‌کشی پدیده‌ای چندوجهی است که در یک

جامعه متعارف نیازمند همکاری دولت، نهادهای مدنی و جامعه برای ریشه‌کن کردن آن است. در جامعه ایران تحت سلطه حکومت اسلامی که قوانین شرع آن خود مصداق بارز زن‌ستیزی است، برای خلاصی از شر چنین پدیده‌ای باید دست به ریشه برد و جامعه را ابتدا از نظام حاکم و قوانین اسلامی‌اش که عوامل اصلی جنایت علیه زنان است نجات داد و سپس با تدوین قوانین انسانی و برابری‌طلبانه و حمایتی، ایجاد خانه‌های امن و آموزش مانع از بروز چنین فجایعی شد.

عوام‌فریبی تحت نام "امید آفرینی"

رضا درویش

چهارشنبه ۲۹ اسفند ۱۴۰۳ علی خیاط، مدیر حوزه علمیه خراسان در گردهمایی طلاب، روحانیون و مبلغان شهرستان سرایان با اشاره به بحران‌های معیشتی، وظیفه طلاب را امید آفرینی خواند و افزود: "قدرت خرید مردم ایران، همچنان بهتر از ۵۰ کشور جهان است."

تلاش ناموفق برای گمراه کردن مردم توسط شیادان حکومتی تازگی ندارد. همشهری در ۲۲ مهر ۱۴۰۲ نوشت: "ایران در رده‌بندی بزرگ‌ترین اقتصادهای دنیا در جایگاه بیست و یکم". همشهری با استناد به آماری از صندوق بین‌المللی پول دررابطه‌با تولید

ناخالص ملی و قدرت خرید مردم، این‌طور القا می‌کرد که گویا قدرت خرید مردم در ایران بالاتر از کشورهای سوئیس، نروژ، بلژیک، اتریش و هلند قرار دارد.

نکته‌ای که این شارلاتان‌های جیره‌خوار رژیم از مردم پنهان می‌کنند نرخ تورم است. تورم یک عامل مهم و تأثیرگذار در قدرت خرید است. مردم در کشورهایی با نرخ تورم بالا همیشه قدرت خریدشان روبه‌کاهش است. مگر اینکه دستمزدها متناسب با نرخ تورم افزایش یابند. هرچند در ایران به دلیل اینکه حداقل دستمزد چندین بار پایین‌تر از خط‌فقر است با افزایش دستمزد بر اساس نرخ تورم هنوز قدرت خرید مردم زیر خط‌فقر باقی می‌ماند. این موضوع همه ساله مورد مناقشه میان کارگران و

کارفرمایان و دولت بوده و همچنان هست.

در آن تبلیغ گمراه‌کننده همشهری در مقایسه کشورها نرخ تورم مسکوت گذارده شد. نرخ تورم کشورهایی مانند نروژ، سوئیس، بلژیک، اتریش و هلند همه بدون استثنا یک‌رقمی است. سرانه درآمد سالانه هم در همین کشورها برای ارگان‌های تبلیغاتی رژیم دم خروس است که پنهان می‌شود، به‌عنوان‌مثال سوئیس ۹۱۳۷۷ دلار، نروژ ۸۰۰۲۶ دلار.

جایگاه واقعی ایران در ارتباط با قدرت خرید محلی بر اساس هزینه زندگی بیانگر تصویر روشن‌تری است: در میان ۱۳۹ کشور ایران در رده‌پایین‌تر از نپال و بعد از سومالی قرار دارد.

مدیر حوزه علمیه خراسان به مخاطبانش می گوید: دشمنان به دنبال القای ناامیدی در جامعه هستند. وظیفه اصلی طلاب و روحانیون روشنگری و امید آفرینی است تا مردم را از خطر افتادن در ناامیدی نجات دهند.

اما مردم مدت‌هاست از کل این نظام پوسیده و غرق در فساد قطع امید کرده‌اند. این سران رژیم با همه اعوان و انصارشان هستند که از نبود راه نجات خودشان در مواجهه با خیزش بعدی مردم معترض نگران‌اند.

کودتای اردوغان بر علیه شهردار استانبول!

سینا پدرام

بنا به گزارش خبرگزاری‌های ترکیه اکرم امام اوغلو، شهردار استانبول و از رقبای اصلی رجب طیب اردوغان، چند روز پیش از نامزدی انتخابات ریاست‌جمهوری بازداشت شد. او به اتهام فساد مالی و کمک به گروه‌های تروریستی دستگیر شد. این اقدام باعث اعتراضات گسترده در ترکیه شد. معترضان در خیابان‌ها، دانشگاه‌ها و ایستگاه‌های مترو تجمع کرده و شعارهای ضددولتی سر دادند. برخی گزارش‌ها از درگیری میان معترضان و پلیس، از جمله استفاده از اسپری فلفل توسط پلیس، حکایت دارند.

امام اوغلو به‌عنوان یک چهره برجسته اپوزیسیون، پس از پیروزی در انتخابات شهرداری استانبول و به چالش کشیدن قدرت اردوغان، از چهره‌های سیاسی مطرح در ترکیه است. حزب جمهوری‌خواه خلق که امام اوغلو به آن تعلق دارد، این بازداشت را «کودتا علیه رئیس‌جمهور بعدی» خوانده و به‌شدت به آن اعتراض کرده است.

خود امام اوغلو نیز در بیانیه‌ای در سوسیال‌مدیا پخش شد گفت "اراده مردم را نمی‌توان خاموش کرد."

اعتراضات دیروز در ترکیه نشان‌دهنده نارضایتی وسیع مردم از اوضاع اقتصادی و سیاسی است که در طی دو دهه گذشته زندگی مردم را با فقر و

فشارهای اقتصادی و سیاسی مضاعف همراه کرده است.

پیش‌بینی اینکه چه بر سر حکومت دیکتاتوری و فاسد اردوغان خواهد آمد به فاکتورهای زیادی بستگی دارد. اما آنچه که کاملاً روشن است حتی خود رژیم اردوغان نیز از این حجم اعتراض در یک روز و به‌ویژه در استانبول و شهرهای بزرگ جاخورده است.

واقعیت این است حزب اپوزیسیون، یعنی حزب جمهوری خلق هم یک حزب ناسیونالیستی دست راستی محسوب می‌شود؛ اما برکناری اردوغان توسط هر جناحی از سیستم سیاسی ترکیه می‌تواند دریچه‌ای برای دیگر گروه‌های اجتماعی و از جمله

اتحادیه‌های کارگری برای تحمیل سیاست‌های رفاهی باز کند.

"کودتای اردوغان" چیزی جز یک اقدام استیصال آمیز نبود و همین غافل گیرشدن خود حکومت در مقابل موج اعتراضات اخیر گواه همین حقیقت ساده است که جامعه در مقابل دیکتاتوری اردوغان ساکت نمی‌نشیند.

آنچه که در انتخابات ریاست‌جمهوری قبل غایب بود امسال پیش از انجام آن در شکل گسترده‌ای اعلام وجود کرده است و آن "اراده مردم" است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
http://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۹۳

۲۲ مارس ۲۰۲۵ – ۲ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

خامنه‌ایِ سیلی‌خورده رجز می‌خواند

کیوان جاوید

نکبت اسلام علیه نوروز در ایران و افغانستان

منظر دریاکناری

فنلاند "شادترین" کشور و ایران در رتبه ۹۹

پتی دبونیتاس

کمپین مالی حزب کمونیست کارگری

لیست شماره ۵

خامنه‌ایِ سیلی‌خورده رجز می‌خواند

کیوان جاوید

خامنه‌ای که در نخستین روز فروردین ۱۴۰۴ در جمع گروهی از هواداران خود سخن می‌گفت، خطاب به مقامات آمریکایی گفت: اگر "خباثتی" نسبت به ملت ایران انجام دهند، "سیلی سختی خواهند خورد."

این ظاهر قضیه است. خامنه‌ای اولاً به نام "ملت ایران" رجز می‌خواند تا وانمود کند رژیم جنایتکار اسلامی یعنی همان مردم ایران. اصل ماجرا این است که خامنه‌ای بهتر از همه می‌داند که رژیمش در چه منجلابی گیرکرده است. قسمت راحت

ماجرا این می‌توانست باشد که رژیم اسلامی اگر کمترین پشتوانه مردمی داشت و می‌توانست نیروهای درهم‌شکسته مقاومتش را سرپا نگه دارد، واقعاً جواب سخت و دندان شکنی به ترامپ و هیئت حاکمه آمریکا بدهد. اگر رژیم دچار فروپاشی اقتصادی نبود و می‌توانست خرج تروریست‌های منطقه خود را به‌راحتی بدهد و حزب‌الله لبنان چنین درهم‌شکسته نمی‌شد و اسد مضمحل نمی‌شد، آنگاه می‌شد گفت حرف خامنه‌ای اعتباری خواهد داشت و جمهوری اسلامی می‌تواند یک بازیگر قدرتمند در صحنه سیاسی و نظامی در منطقه باشد. بااین‌همه شکست‌های سنگین، خامنه‌ای چاره‌ای جز رجزخوانی تو خالی ندارد. اما همه سران ریزودرشت حکومت

می‌دانند اسیر بد منجلابی شده‌اند.

این وضعیت نشان‌دهنده قدرت بازدارندگی آمریکا و اسرائیل نیست. این شرایط را مردم ایران علیه جمهوری اسلامی به وجود آوردند که باعث شده است هر کس که از راه می‌رسد یک سیلی سخت به گوش جمهوری اسلامی بنوازد. آخرین نمونه‌اش هم دولت ترکیه است که اجازه ابراز وجود در منطقه به حکومت اسلامی نمی‌دهد.

بااین‌حال بحث حمله نظامی آمریکا یا اسرائیل به ایران می‌تواند بر تمرکز مبارزه روزمره مردم سایه بیندازد و ذهن‌ها را هر چند موقت به‌سوی یک شرایط جنگی فرضی منحرف کند. درست

در همین شرایط که رژیم اسلامی در فلج سیاسی و اقتصادی گیرکرده است باید با همه قوا به رژیم حمله برد. متحد و یکپارچه با شعارهای سراسری و وحدت‌بخش بین همه مردم ایران که برای آزادی و برابری و رفاه مبارزه می‌کنند، باید به جنگ رژیم رفت. احتمال جنگ با جمهوری اسلامی بسیار ضعیف است و حتی اگر به فرض چنین شود، ما مردم از هر فرصت به‌دست‌آمده کل نیروی خود را برای سرنگونی این حکومت وارد میدان می‌کنیم. اما از امروز با همه توان در ادامه جنبش انقلابی زن زندگی آزاد با همه روشن‌بینی تاکنونی متحد و یکپارچه گام‌های محکم‌تری به‌سوی سرنگونی برداریم. این آمادگی بیش از هر زمان در ایران وجود دارد.

نکبت اسلام علیه نوروز در ایران و افغانستان

منظر دریاکناری

جلال شیرزاد که در شهر مزارشریف بزرگ شده است، هر سال شاهد برگزاری بزرگ‌ترین جشن نوروز در افغانستان بود. هزاران نفر از سراسر کشور به این شهر می‌آمدند تا چند روز از جشن‌وسرور لذت ببرند.

به گفتهٔ شیرزاد که ۳۰ سال دارد نوروز در دورهٔ حکومت طالبان برای بسیاری از مردم افغانستان تنها یک روز عادی شده است. شیرزاد و چند شهروند دیگر در گفتگو با بخش افغانستانی رادیو اروپای آزاد می‌گویند که به دلیل فقر شدید و

محدودیت‌های متعدد طالبان، هیچ برنامه‌ای برای جشن گرفتن نوروز ندارند.

این حرف‌ها برای ما در ایران آشنا است. کجا، چه وقت و از طرف چه کسانی این حرف را با تهدید به اینکه: "اگر در ایام ماه رمضان" جشنی برپا شود با شدت هر چه تمام تر با برپاکنندگان جشن و شادی برخورد خواهد شد را شنیده‌ایم؟ منشأ مشترک اینکه در ایران و افغانستان به یکسان علیه نوروز خط و نشان کشیده می‌شود به کجا می‌رسد؟ غیر از این است که اسلام به‌عنوان یک دین و ایدئولوژی عقب‌مانده و سراپا ارتجاعی منشأ چنین فشارهای اجتماعی به مردمی است که می‌خواهد در ایام نوروز جشن بگیرند و شاد

باشند؟

اگر فکر کنیم فقط دین اسلام است که در خاورمیانه و کشورهای اسلامزده منشأ این تباهی فکری و فرهنگی است، دست به ریشه نبردیم. اسلام و همه مذاهب ضدانسانی هستند، در این شکی نیست. اما آنچه این شرایط را بوجود آورده است که شادی مورد هجوم افسارگسیخته این جاهلان مذهبی قرار بگیرد، اعتقادات مردم یا فقط جهالت مذهبی مشتی آخوند نیست، این قدرت دولتی و استفاده از زور سرکوب و کشتار است که به اسلامیون ضد زندگی اجازه می‌دهد چنین کنند.

این نیز مشهود است که در ایران به یُمن یک مبارزه سخت و سنگینِ مردمی تهدیدات علیه برپایی جشن چهارشنبه‌سوری و نوروز در نطفه خفه شده است و مردم یک سیلی محکم به گوش حکومت نواختند. شرایط اجتماعی در افغانستان متأسفانه متفاوت از ایران است. اما با سرنگونی جمهوری اسلامی راه فوراً برای سرنگونی طالبان در افغانستان نیز باز خواهد شد و زندگی با همه صولت دلنوازش باز خواهد گشت و بهار برای همیشه خجسته خواهد شد.

فنلاند "شادترین" کشور و ایران در رتبه ۹۹

پتی دبونیتاس

"گزارش شادمانی جهانی" موضوعاتی چون ثروت، امید به زندگی، فساد، آزادی و شاخص‌های دیگر مهم کیفیت زندگی را در ۱۴۷ کشور جهان بررسی کرده است فنلاند برای هشتمین سال متوالی "شادترین" کشور جهان و ایران در این رتبه‌بندی در جایگاه ۹۹ قرار گرفت.

شاد بودن یک موقعیت ویژه است که مجموعه‌ای از شرایط اجتماعی و اقتصادی و خانوادگی باعث شدت یا نقصان آن می‌شود. خبرهای روزانه خودکشی از ایران زیاد به گوش می‌رسد تا جایی

که نوجوانان دبیرستانی هم در ایران به‌وفور در معرض خودکشی قرار دارند. زمینه این شرایط بی شک اجتماعی است. یعنی نوعی سیستم حکومتی و مجموعه‌ای از شرایطی اجتماعی که منجر به خوشی و خوشبختی و اطمینان از آینده می‌شود یا عکس آن عمل می‌کند. مجموعه شرایطی که انسان احساس خوشبختی می‌کند، فقط بستگی به این ندارد که چه مقدار پول در جیب داشته باشی که البته این یکی از اطمینان‌بخش‌ترین شرایطی است که به فرد اطمینان می‌دهد که می‌تواند برخوردار از مسکن و بهداشت و تفریح و تحصیل خوب باشد. عدم احساس اطمینان به اینکه فرد احساس خوشی و خوشبختی نکند، به فشارهای عدیده فرهنگی و عقیدتی و سرکوب سیاسی و صدها عامل دیگر

نیز مربوط می‌شود. به همین دلیل است که کشور ایران بااین‌همه منابع طبیعی تقریباً در پایین‌ترین قسمت جدول غمگین‌ترین انسان‌ها در ۱۴۷ کشور جهان قرار گرفته است. این سیاسی است.

اگر اسلام فوراً از زندگی اجتماعی مردم برچیده شود؛ اگر رقص و دیسکو و کارناوال بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزانه باشد؛ اگر زنان تحت‌فشار مردسالاری و مذهب نباشند و به شهروندان درجه چندم در جامعه سقوط نکنند، اگر آزادی و رفاه عمومی باشد و جامعه دائماً زیر فشار فقر و گرانی نباشد... و اگرهای دیگر، بی شک مردم ایران و مردمان همه کشورها که شادی را تجربه نمی‌کنند، پیشرفت محسوسی در رسیدن به شادی و خوشبختی خواهند داشت.

هنوز شاد بودن مردم در کشور فنلاند هم درست به‌اندازه کافی حکایت از خوشبختی انسان نمی کند. خوشبختی مجموعه از شرایطی است که همه انسان‌ها برابر و آزاد و مرفه باشند. این یک هدف انسانی برای کل بشریت باید باشد. جدال مردم ایران برای کناررزدن اسلام از زندگی اسلامی و رسیدن به آزادی و برابری قدمی است در جهت رسیدن به خوشبختی فردی و جمعی.

کمپین مالی حزب کمونیست کارگری

لیست شماره ۵

در پاسخ به فراخوان حزب برای جمع آوری حداقل ۱۵۰ هزار دلار کمک مالی برای تامین بخشی از نیازهای مالی حزب (و از جمله کانال جدید) تا امروز معادل ۱۲۴۰۷۰ دلار آمریکا جمع آوری شد. از تمام عزیزانی که به این کمپین کمک کرده‌اند صمیمانه قدردانی میکنیم. از مخالفین جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور، از همه آنها که قلبشان برای جامعه‌ای آزاد و برابر و خوشبخت می‌تپد و از همه فعالین انقلاب زن زندگی آزادی دعوت می‌کنیم به حزب کمک کنید. به ۲۵۹۳۰ دلار دیگر نیاز داریم تا به هدف اعلام شده کمپین

بررسیم.

کمکهای شما، به هر میزان مایه افتخار و اتکای این حزب است. حمایت مالی شما از حزب به گسترش فعالیت‌های ما علیه جمهوری اسلامی، علیه سرکوب و اعدام و زندان و فعالیت برای متحد و متشکل کردن مردم معترض و پیشروی انقلاب زن زندگی آزادی کمک می‌کند. این حزب همه شما مردمی است که سرنگونی جمهوری اسلامی و ساختن جامعه‌ای خوشبخت و آزاد و انسانی را آرزو می‌کنید و برای آن تلاش می‌کنید.

اسی هدفمند ۳۰۰ یورو
علی ۵۰۰ دلار آمریکا

عبدالله سلیمان ۵۰ دلار کانادا

عمر کریمی ۱۰۰ دلار کانادا

جبار محمد ۱۰۰ یورو

کیوان ۵۰ یورو

کمک به مدیای اجتماعی حزب از آلمان ۹۵۰۰ یورو

رضا اکبری ۷۰۰ کرون

نیما فروزان ۵۰۰ کرون

مهدی نبوی ۲۰۰ یورو

کمیته فرانکفورت حزب ۳۰۰ یورو

علی ترکیه ۵۰ یورو

لیلا احسانی ۲۵ یورو

دانیال آبادانی ۱۰۰ یورو

دوستان کاوش ۹۲۰۰ کرون

۶۷ های امیدوار ۳۰۰ دلار آمریکا

سینا پدرام ۲۰ هزار پوند

مهران ونکوور ۱۰۰ دلار کانادا

حمید ونکوور ۱۰۰ دلار کانادا

راپیک ونکوور ۵۰ دلار کانادا

دوستی از همیلتون ۱۵۰ دلار کانادا

راف ۵۰ پوند

مهرداد ویرجینیا ۵۰ دلار آمریکا

آرمان ۲۰ دلار آمریکا

جمع لیست پنجم ۳۸۷۹۰ دلار آمریکا

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
/https://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۹۴

۲۳ مارس ۲۰۲۵ – ۳ فروردین ۱۴۰۳ سردبیر این شماره کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

لکه ننگ قوم‌پرستی به مردم ارومیه نمی‌چسبد

هه‌ژار علی‌پور

اقرار به بی‌حجابی در تهران و کاشان!

سینا پدرام

یک مدیر شریف مدرسه محکوم به سه سال زندان

پریسا پوینده

فرونشست ۳۰۰ دشت در ایران

کیوان جاوید

زمین زیر پای اردوغان داغ می‌شود

سیاوش آذری

لکه ننگ قوم‌پرستی به مردم ارومیه نمی‌چسبد

هه‌ژار علی‌پور

”پان‌ترک‌های فاشیست“ و ”جاش‌های کورد“ در مراسم نوروزی ارومیه، مشغول کاشتن بذر تفرقه و کینه هستند! این دو جریان، همواره در پیشبرد سیاست‌های تفرقه‌افکنانهٔ رژیم تروریست اسلامی نقش داشته‌اند.

روز شنبه دوم فروردین شاهد شعارهای ناسیونالیستی، ارتجاعی و فاشیستی علیه مردم کُرد بودیم، شعارهایی که چیزی جز بازتولید سیاست‌های نژادپرستانه همیشگی جمهوری اسلامی نیست. فردا هم احتمالاً ”ناسیونالیسم کُرد“ که با پاشاندن بذر

تنفر قومی در نهایت همسو با رژیم عمل می کند، به این جنگ روانی دامن خواهند زد و تلاش خواهد کرد "ترک‌ها و کُردها"را به تقابل بیشتر بکشانند و به جان هم بیندازند.

اما مردم در جریان انقلاب مهسا / ژینا نشان دادند که این تفرقه‌اندازی‌ها و سیاست‌های مرده رژیم اوباشان اسلامی خریداری ندارد و راه بجایی نخواهد برد و هرگز فریب این بازی‌ها را نخواهند خورد.

آنان با شعارهای "یاشاسین کُردستان" و "بژی آذربایجان" علیه هرگونه تفرقه‌افکنی رژیم و در حمایت از همبستگی توده‌ای و "انقلاب زن، زندگی

و آزادی“ به میدان آمدند.

امروز نیز نباید اجازه دهیم که گروهی فاشیست، مرتجع و عقب‌مانده فرقه‌گرا این اتحادِ در مسیر سرنگونی رژیم جنایتکار اسلامی را خدشه‌دار کنند! اینجا وظیفه فوری و مبرم فعالین انقلاب زن زندگی آزادی است که فوراً دست‌به‌کار شوند و بازهم آنطور که در دل انقلاب زیبای ۱۴۰۱ شاهدش بودیم اتحاد و نوع‌دوستی و آزادی و برابری را قوی‌تر از هر زمانی دیگر به میان همه شهروندان ببرند. قدرت انقلاب زن زندگی آزادی همین بس که انسان‌دوستی و حقوق انسانی همه شهروندان را طلب کرده و می‌کند. این اتحاد را قویاً پاس بداریم وضربه کوبنده‌تری به حکومت

اسلامی وارد کنیم.

اقرار به بی‌حجابی در تهران و کاشان!

سینا پدرام

سعید حسینی، نماینده خامنه‌ای در کاشان، گفت مسافران‌نوروزی‌در کاشان "شئونات‌اخلاقی‌وحجاب اسلامی را رعایت کنند". او افزود: "گردشگر مدعی نشود که چون در تهران با پوششی خاص رفت‌وآمد می‌کرده با همان شکل در کاشان رفت‌وآمد کند."

با رجوع به اظهارات تمامی نمایندگان خامنه‌ای در شهرهای مختلف آیا هنوز کسی پیدا می‌شود که نداند که سنگر حجاب فروریخته است؟ به‌هرحال این ابله که هنوز در عهد پیش از قاجار زندگی

می‌کند فکر می‌کند حجاب فقط در تهران لگدمال شده است و در ورودی کاشان می‌توان "دروازه" کشید.

شکست‌های مداوم حکومت در برابر مقاومت‌های اجتماعی در هیچ زمینه‌ای بهتر از معضل حجاب اجباری به عیان دیده نمی‌شود. با شروع انقلاب زن، زندگی، آزادی و افزایش موج بی‌حجابی، حکومت در مواجهه با این پدیده در موقعیتی شکست‌خورده قرار گرفته است. تصویب قانون حجاب و عفاف در سال ۱۴۰۲ که ابتدا با امید به اعمال آن آغاز شد، با مخالفت‌های شدید روبه‌رو شده و عملاً ناکام ماند. قالیباف و دیگر مسئولان حکومتی، به‌ویژه در زمانی که بی‌حجابی در جامعه گسترده شده بود، اذعان

کردند که توان مقابله با این وضعیت را ندارند. قانون "حجاب و عفاف" چنان پس‌گردنی تحویل گرفت که دوباره رفت تا در حجره‌های آخوندی خاک بخورد.

این شکست‌ها نه‌تنها در زمینه حجاب، بلکه در مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز در حال تشدید است. مردم با عبور از محدودیت‌های مذهبی و گسترش سبک زندگی مدرن، در حال ایجاد تغییرات اساسی در جامعه هستند. جوانان به معیار مذهبی و سنتی پشیزی قائل نیستند. "ضدآمریکایی گری" هم در ایران و هم در منطقه به آخر خط رسیده است.

انقلاب زن، زندگی، آزادی نقطه عطفی در این تغییرات بوده و شکست‌های حکومت در این زمینه‌ها، مانند مشکلات اقتصادی و سیاست‌های ارعاب، موقعیت رژیم را شدیداً تضعیف کرده است. شکست حکومت در موضوع حجاب، به‌عنوان نمادی از اسلامیت حکومت، نشانه‌ای از پایان دوره قدرت‌نمایی رژیم است و زمینه برای پیشروی مردم در سایر مسائل اجتماعی و سیاسی فراهم شده است.

به این "دلال حجاب" باید گفت آنچه مشهور است قالی کاشان است که هر چه پا بخورد به ارزش آن افزوده می‌شود. اما حجاب در کاشان سرنوشت متفاوتی خواهد داشت. لگدمال می‌شود و از بین می‌رود.

یک مدیر شریف مدرسه محکوم به سه سال زندان

پریسا پوینده

کبری طاهرخانی، فعال حقوق معلمان و مدیر مدرسه در قزوین، از سوی شعبه دوم دادگاه انقلاب قزوین به سه سال زندان و سه سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شده است. جرم این مدیر شریف: "توهین به رهبر جمهوری اسلامی" و "تبلیغ علیه نظام" اعلام شده است.

این می‌تواند اوج افتخار برای خانم مدیر مبارز باشد که در دفاع از حرمت انسانی خود و دانش‌آموزانش و در دفاع از آزادی و انسانیت مورد

خشم کثیف‌ترین حکومت تاریخ معاصر در جهان قرار گرفته است. کبری طاهرخانی بی‌شک محبوب دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها خواهد بود. این مبارز که افتخار توهین به رهبر الدنگ جمهوری اسلامی را در کارنامه دارد و مدال تبلیغ علیه نظام را به سینه زده است، همان راهی را رفته است که دختران دانش‌آموز در دل انقلاب زن زندگی آزادی با بی‌حجابی و شعار مرگ بر خامنه‌ای رفته بودند. خانم مدیر ما حرف دل میلیون‌ها سرنگونی‌طلب در ایران را زده است و سرنگونی جمهوری اسلامی را پیش چشم سران نظام گرفته است.

از کبری طاهرخانی عزیز با همه توان، چه در شهر قزوین و چه در سطح سراسری، از هر نظر حمایت

کنیم. این نمونه از جنایت جمهوری اسلامی را در اختیار همه نهادهای مدافع حقوق انسانی و تشکل‌های و اتحادیه‌های معلمان در سطح جهان قرار بدهیم و همین تعرض به حقوق مدنی و سیاسی – اجتماعی معلمان و همه مردم ایران را به ابزاری در جهت محکومیت بیشتر جهانی جمهوری اسلامی تبدیل کنیم.

هر اخراج و هر حکم زندان برای فعالین سیاسی و مدافعان آزادی و برابری و مخالفین سیاسی و عقیدتی جمهوری اسلامی را با مبارزه متشکل‌تر و سازمان‌یافته‌تر به ابزاری برای مبارزه با حکومت جانیان اسلامی تبدیل کنیم. با هم بگوییم: زندانی سیاسی آزاد باید گردد. جمهوری اسلامی نابود

باید گردد.

فرونشست ۳۰۰ دشت در ایران

کیوان جاوید

عیسی بزرگ‌زاده، سخنگوی صنعت آب گفت: "حدود ۶۰۹ دشت در کشور داریم که متأسفانه به دلیل اضافه برداشت‌های آب، ۴۲۲ دشت در وضعیت بحرانی قرار دارد". او اضافه کرد: "بیش از ۳۰۰ دشت دچار فرونشست شده‌اند که باید برای آن فکری کرد."

این اعتراف عیسی بزرگ‌زاده به‌وضوح به ما یادآور می‌شود که جمهوری اسلامی فقط متخصص ازبین‌بردن زندگی یک جامعه ۸۶ میلیونی

نیست؛ فقط تخصص در گسترش وسیع اعتیاد و تن‌فروشی و فقر و خودکشی‌های گسترده ندارد که حتی کودکان ۱۰ساله را هم به کام خود می‌کشد. عیسی بزرگ‌زاده به نمایندگی از یک حکومت به زمخت‌ترین و بی رحمان‌ترین شکل ممکن می‌گوید ما فقط متخصص در این زمینه نیستیم که طبیعت ایران را به یک ویرانه تمام‌عیار تبدیل کنیم، طوری که اگر "در بر همین پاشنه بچرخد" با شرایطی روبرو خواهیم شد که انگار یک بمب اتمی وسط ایران منفجر شده باشد.

زندگی برای مردم ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی یک عذاب الهی دائمی است. این را مردم خوب می‌دانند که برای تغییر شرایط در همه

زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن از شر این آفت و بلای اجتماعی خلاص شد. خلاصی از دست جمهوری اسلامی فقط جان ما انسان‌ها را نجات نمی‌دهد. طبیعت این خط از زمین نیز فوراً از دست این حاکمان ضد زندگی نجات پیدا خواهد کرد.

فرونشست زمین در ایران به درجه بسیار بالایی به حاکمیت جمهوری اسلامی مربوط است. این جانیان برای خود عمر درازی متصور نیستند. می‌دانند در یکی از همین خیزش‌های توده‌ای به زیر کشیده می‌شوند تا آن روز می‌خواهند مثل خوره هر چه سر راهشان یافت می‌شود را بخورند و نابود کنند و با نابودی زندگی مردم

بر دارایی‌های خود بیفزایند و خارج کنند. این مأموریت و هدف این اوباش است. وظایف ما مردم سرنگونی‌طلب و فعالان محیط زیست و هر شخص و گروهی که زندگی را پاس می‌دارد باید تشدید مبارزه از همین حالا تا سرنگونی این حکومت باشد. با سرنگونی این حکومت و برقراری یک جامعه آزاد و انسانی طبیعت نیز در ایران نجات خواهد یافت.

زمین زیر پای اردوغان داغ می‌شود

سیاوش آذری

اعتراضات گسترده‌ای که به دنبال دستگیری شهردار منتخب استانبول، اکرم امام‌اغلو آغاز گشت، چهارمین روز متوالی خود را پشت سر گذاشت. اعتراضات و تظاهرات در بسیاری از شهرها و شهرستان‌ها همچنان ادامه دارد. علی‌رغم ممنوعیت تجمعات و تظاهرات توسط فرمانداری‌های شهرهای استانبول، آنکارا و ازمیر و یورش وحشیانه پلیس به معترضین دامنه اعتراضات هر روز گسترده‌تر و مشارکت مردم در تظاهرات بیشتر می‌گردد. در استانبول بیش

از یک میلیون نفر در مقابل شهرداری استانبول به تحصن و اعتراض خود ادامه می‌دهند.

ابعاد و دامنه اعتراضات نشانه عمق و گستردگی نفرت عمومی از اردوغان و حزب عدالت و توسعه است. در طول ۲۴ سال حکومت اردوغان مردم فقیرتر و بی حقوق‌تر شده‌اند و تورم، گرانی و بیکاری افزایش یافته است. در مقابل، به یُمن اقتصاد مافیایی و دزد سالار رژیم، سرمایه‌داران، به‌ویژه اعوان‌وانصار اردوغان به ثروت‌های نجومی دست یافته اند. اقتصاد ترکیه از بحرانی به بحران دیگر رانده شده و موسسات و دستگاه‌های دولتی، از دادگاهها و قوه قضاییه تا وزارتخانه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها با به کار گمارده شدن طرفداران

اردوغان و حزب عدالت و توسعه و اعضای گروه‌ها و انجمن‌های مختلف اسلامی کاملاً فرسوده گشته‌اند.

حمله اخیر رژیم اردوغان به نیروهای اپوزیسیون و دستگیری شهردار منتخب استانبول به بهانه‌های فساد اقتصادی و توطئه سیاسی و اقدامات تروریستی نه از سر قدرت بلکه از سر ناچاری است: اوضاع نابسامان و بحران اقتصادی و فقر و گرانی روزافزون جامعه ترکیه را به مرز انفجار اجتماعی کشانده است. حمله اخیر یک کودتای سیاسی برای ازبین‌بردن کامل ته‌مانده قوانین و آزادی‌های اجتماعی و برقراری کامل دیکتاتوری و نجات رژیم خود در تقابل با نفرت عمومی و

اعتراضات گسترده اجتماعی است.

اردوغان به‌ناچار دست به یک قمار سیاسی زد، اما دامنه و شدت اعتراضات که از همین حالا بسیار گسترده‌تر از اعتراضات سال ۲۰۱۳ پارک گزی است، نشان از به سنگ خوردن تیر او دارد. اینبار اعتراضات با هدف روشن و سیاسی سرنگونی رژیم اردوغان، مهار دیکتاتوری حاکم و تقویت آزادی‌های مدنی و سیاسی و بهبود متعاقب وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم و به شکلی سازمانیافته و یکپارچه به پیش می‌رود. ترکیه روزهای پُر جنب‌وجوشی پیشِ رو دارد و زمین زیر پای اردوغان داغ‌تر و داغ‌تر می‌گردد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
/https://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۹۵

۲۴ مارس ۲۰۲۴ – ۴ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: سیاوش آذری

در این شماره ژورنال

فروپاشی محتوم محور مقاومت

سیامک بهاری

جمهوری اسلامی در موقعیت دوسر باخت

محسن ابراهیمی

علی خامنه‌ای، مسئول فلاکت اقتصادی!

سینا پدرام

قاچاق بنزین: فساد سیستماتیک در جمهوری اسلامی

میلاد رسایی‌منش

جرم واهی هتاکی در برابر زندگی به گرو گرفته شده مردم!

عطیه نیک‌نفس

دختران را در افغانستان دریابیم

پتی دبونیتاس

فروپاشی محتوم محور مقاومت

سیامک بهاری

وزیر خارجه عراق: "عراق بخشی از محور مقاومت نیست و وحدت جبهه‌ها را نمی‌پذیرد".

کشور عراق به‌عنوان جغرافیایی که با شرارت نیروهای نیابتی همسایه‌اش جمهوری اسلامی، جولانگاه انواع جانوران تروریستی اسلامی است، در کشمکش و تحولات اخیر و تعیین و تکلیف با حکومت اسلامی ایران، برای بیرون‌کشیدن خود از باتلاقی که جمهوری اسلامی آفریده است، برای درامان‌ماندن از ترکش‌های نابودکننده و تهدید بالقوه‌ای که با آن روبرو است، هرچه بیشتر حساب

خود را از ماجراجویی حکومت اسلامی جدا می کند.

شکست سیاست‌های ماجراجویانه و جنگ‌افروزانه، ضعف‌وزبونی‌در گردنکشی‌وبحران‌سازی‌منطقه‌ای، ازدست‌دادن آنچه حکومت اسلامی خاکریزهای محور مقاومت می‌خواند، عملاً در عراق به نقطه پایان رسیده است. تروریسم اسلامی در این تنگنای کشنده، نمی‌تواند عرض‌اندام کند!

فروریزی سنگرهای پوشالی محور مقاومتی که به ضرب هزینه‌های نجومی تسلیحات و تدارکات از سفره تهی مردم ایران، با ادعای گسترش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی، دیگر پرونده‌ای مختومه است. دیری است، سقوط ستون خیمه در سوریه و لبنان، نیروهای تا بن دندان مسلح نیابتی‌ها

در عراق را هم به گل نشانده است. رهبرانی فراری و در سوراخ‌موش خزیده و نهایتاً شرارتی که به انصارالله یمن ختم می‌شود، خاتمه سناریویی است که چندین دهه عراق را دستخوش رقابت‌ها و ماجراجویی‌های جمهوری اسلامی ایران کرده است.

حشدالشعبی و جنجال سازمان‌های تروریستی اسلامی؛ کتائب حزب‌الله، عصائب اهل الحق، جنبش النجبا و سرایا خراسانی تا سپاه بدر و دیگران، تار و پودی که سپاه قدس حکومت اسلامی ایران در سراسر عراق تنیده بود، اینک به دست‌وپای خودش پیچیده است.

جبهه مقاومتی‌ها در صورت‌مسئله جدید در منطقه مطلقاً جایی ندارند. در وضعیت دوسر باخت

جمهوری اسلامی چه در پذیرش توافق چه در رویارویی فرضی با آمریکا و اسرائیل تکلیف تمامی این نیروها مشخص است.

دولت عراق به‌خوبی این زبونی را دریافته است، تعیین تکلیف آمریکا و جمهوری اسلامی بر سر "یا توافق یا جنگ"، تناسب قوا در منطقه را به هم زده است. در همین راستا، ممنوعیت تمدید معافیت در خرید برق و مسدودشدن معاملات دلاری در پرداخت هزینه خرید گاز از ایران در اولتیماتوم نشست پاریس به عراق سرِآغاز دور جدیدی از مناسبات با جمهوری اسلامی ایران است. در این کشمکش محور مقاومتی‌ها و حکومت اسلامی با هم در باتلاقی که خود کنده‌اند در حال دست‌وپازدن‌اند.

جمهوری اسلامی در موقعیت دوسر باخت

محسن ابراهیمی

داستان مذاکره یا جنگ یا هیچ کدام میان جمهوری اسلامی از یکطرف و اسرائیل و آمریکا از طرف دیگر ظاهر یک معمای سیاسی غیرقابل‌حل به خود گرفته است. عباس عراقچی، وزیر خارجه خامنه‌ای در رابطه‌با نامه دونالد ترامپ به خامنه‌ای مبنی بر یا مذاکره و تسلیم و پایان‌دادن به برنامه هسته‌ای و یا مواجه‌شدن با عملیات نظامی می گوید که "هیچ فرد عاقل و هوشمندی وارد مذاکرات مستقیم نمی‌شود." و فعلاً تاکتیک و راهکار جمهوری اسلامی "مذاکره غیرمستقیم" با آمریکا است!

خامنه‌ای گفته‌بود که‌مذاکره‌با آمریکا "هوشمندانه و عاقلانه و شرافتمندانه نیست". وزیر خارجه همان حرف‌ها را با یک تغییر تکرار کرده است. او در اظهاراتش "شرافتمندانه" نبودن مذاکره با آمریکا را که رهبرش بر آن تأکید کرده بود را درز گرفته است و تصور می‌کند با کنار هم چیدن "فعلاً" و "تاکتیک" و "مذاکره غیرمستقیم" می‌تواند این واقعیت را پنهان کند که خامنه‌ای و سران حکومت در زمینه مذاکره با آمریکا با شرایط ترامپ نمی‌توانند تصمیم قاطع بگیرند؛ چون مذاکره با شرایط ترامپ یعنی دست شستن از برنامه هسته‌ای که حکومت اسلامی برای بقای سیاسی روی آن حساب می کند و مذاکره نکردن هم یعنی آماده‌شدن برای فشارهای اقتصادی سنگین

از طرف آمریکا این بار با همراهی دول اروپا و حتی احتمال عملیات نظامی از طرف اسرائیل و آمریکا. این یعنی موقعیت دوسر باخت.

وزیر خارجه خامنه‌ای همچنین گفته است که بین جمهوری اسلامی و روسیه "یک اصل" حاکم است: درباره مسائل مربوط "با هم قبل و بعدش مشورت خواهیم داشت" و "هیچ‌کدام از ما دیگری را شگفت‌زده نخواهیم کرد"! این یک تلاش تبلیغاتی مذبوحانه برای اعتبار دادن به "استراتژی" بی‌بنیاد و توخالی "نگاه به شرق" خامنه‌ای است. بر طبق اخبار منتشر شده در رسانه‌های خبری شرق و غرب، ترامپ و پوتین در جریان مکالمه اخیرشان در باره دو موضوع توافق کرده‌اند: جلوگیری از دستیابی

حکومت اسلامی به سلاح اتمی و اینکه جمهوری اسلامی نباید هرگز توان نابودکردن اسرائیل را به دست بیاورد!

خامنه‌ای که با کابوس ساقط شدن توسط مردم سر بر بالین خونین می‌گذارد و ابلهانه برای بقای سیاسی روی بمب اتم حساب بازکرده است، حتماً با شنیدن خبر چنین توافقی هم شگفت‌زده شده است و هم هراسان!

علی خامنه‌ای، مسئول فلاکت اقتصادی!

سینا پدرام

علی‌خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در سخنرانی اول فروردین ۱۴۰۴ اعلام کرد که رهبری در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی دخالت نمی‌کند و حق دخالت ندارد. اما بررسی اختیارات قانونی و عملی رهبر نشان می‌دهد که این ادعا نادرست است. طبق قانون اساسی، رهبری مسئول تعیین سیاست‌های کلی نظام است که شامل مسائل اقتصادی نیز می‌شود.

نمونه‌هایی از این دخالت‌ها شامل افزایش قیمت بنزین در سال ۱۳۹۸ و ممنوعیت واردات

لوازم‌خانگی کره‌ای هستند. همچنین، نهادهایی مانند بنیاد مستضعفان و آستان قدس رضوی تحت نظارت رهبری کنترل بخش بزرگی از اقتصاد کشور را در دست دارند و او بر بخشی از بودجه نفتی و صندوق توسعه ملی نیز نظارت دارد. این بخشی از ظرفیت‌های اقتصادی رهبر و یا بیت رهبری است؛ بنابراین، ادعای او مبنی بر عدم دخالت در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی کذب محض است و یک دروغ گویی بی‌معنا است.

عدم قبول خامنه‌ای از نقش وی در این ویرانی و دزدسالاری فقط ظاهر امر است. این جماعت، در ورای این فروپاشی اقتصادی، سقوط رژیم خود را نیز می‌بینند و در فکر چاره‌جویی هستند. سیاستی مانند مذاکرات "غیرمستقیم" با "شیطان

بزرگ“ بعد از شکست سیاست‌های رژیم در منطقه و در مقابل اسرائیل و آمریکا بخشی از تقلاهای رهبری را نشان می‌دهد.

واقعیت دیگری که در ایران این آچمز سیاسی را حتی برای کشورهای غربی نیز خطرناک‌تر کرده است وجود جنبش سرنگونی و گره‌خوردن آن با جنبش‌های مطالباتی بسیار مدرن و با خواست‌های رفاهی بالا است. هیئت‌های حاکمه بسیاری از کشورها می‌دانند که این مطالبات هم اکنون در دیگر کشورهای منطقه نیز وجود دارد و جنبش ضد فقر و دیکتاتوری می‌تواند هر لحظه در منطقه بالا بگیرد. پیروزی چنین انقلابی با چنین پتانسیل‌هایی برای تمام کشورهای ذی‌نفع یک کابوس وحشتناک است.

قاچاق بنزین: فساد سیستماتیک در جمهوری اسلامی

میلاد رسایی‌منش

قاچاق گسترده بنزین در ایران، به‌ویژه در جاده‌های شمال کشور، بار دیگر ناکارآمدی، فساد سازمان‌یافته و بحران اقتصادی جمهوری اسلامی را آشکار کرده است. گزارش‌ها نشان می‌دهند که قیمت بنزین در بازار سیاه تا ۱۰ برابر نرخ رسمی فروخته می‌شود، مسئله‌ای که ربطی به "سوءمدیریت" ندارد، بلکه از همدستی شبکه‌های فاسد درون حاکمیت حکایت دارد.

در شرایطی که دولت با بحران کسری بودجه و

فشار تحریم‌ها روبه‌روست، سیستم مافیایی در اقتصاد و رانت‌محور موجب شده است که یارانه سوخت به‌جای حمایت از مردم، به جیب مافیای دولتی و دلالان قدرت سرازیر شود. اقتصاد در خدمت مشتی دزد که هدفشان چپاول هست و نیست زندگی مردم است باعث شده تا بسیاری از مردم برای تأمین نیازهای اولیه زندگی خود مجبور به خرید سوخت قاچاق با قیمت‌های نجومی شده‌اند.

این وضعیت نه‌تنها معیشت مردم را تحت‌فشار قرار داده، بلکه آشکارا نشان می‌دهد که ساختار حکومتی جمهوری اسلامی برای نابودی زندگی مردم طراحی شده است. شبکه‌های قاچاق، بدون پشتوانه‌های امنیتی و حکومتی نمی‌توانند چنین ابعاد

وسیعی از تجارت را مدیریت کنند. این موضوع بار دیگر ثابت می‌کند که فساد، یک پدیده فردی یا استثنایی در این نظام نیست، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از ساختار آن است.

تا زمانی که چنین سیستمی بر سرِ کار باشد، بحران‌های اقتصادی و نابسامانی‌های معیشتی نه تنها حل نخواهند شد، بلکه روزبه‌روز تشدید خواهند شد. چاره کار اتحاد عمومی همه مردم علیه فقر و فساد و به‌دست‌آوردن منزلت و معیشت برای همگان است. این مسیر مبارزه را مردم در ایران به‌خوبی تجربه کردند و انقلاب زن زندگی آزادی تجربیات بسیار ارزشمندی در این رابطه در اختیار عموم قرار داده است.

جرم واهی هتاکی
در برابر زندگی به گرو گرفته شده مردم!

عطیه نیک‌نفس

”در پی سردادن شعارهای ضدحکومتی در اماکن گردشگری استان فارس هم‌زمان با آغاز سال نو، مقامات قضایی جمهوری اسلامی از بازداشت گروهی از شهروندان خبر دادند. این افراد به اتهام ”هتاکی، اخلال در نظم و عدم رعایت شئون اسلامی“ بازداشت شده و پرونده‌های قضایی برای آن‌ها تشکیل شده است. بااین‌حال، جزئیاتی درباره تعداد بازداشت‌شدگان یا مصادیق دقیق اتهامات مطرح نشده است.“

مگر از جمهوری اسلامی هتاک‌تر هم وجود دارد که در تمام این سال‌ها به خصوصی‌ترین حریم‌های مردم به واسطه قوانین ضدانسانی و سرکوبگر اسلامی‌اش تجاوز کرده! مگر هتاکی از این بالاتر هم هست که معیشت و رفاه مردم را این اراذل و جنایت‌کاران اسلامی به گرو گرفته‌اند!

جمهوری اسلامی با ساختن مقدسات و در پی آن جرم‌انگاری نقد و به چالش کشیدن همین مقدسات، حق زندگی را از مردم سلب کرده است. در حقیقت مقدسی وجود ندارد و تمام اینها ابزاری‌ست برای سرکوب مردم و حتی شده یک روز بیشتر در قدرت ماندن و مردمی که حتی در زیباترین روزها حتی نمی‌توانند شادی خود را بروز

دهند، این حق ابتدایی و انسانی خود را با شعارهایی که کاملاً درست و بجاست، فریاد می‌زنند.

نوروز روزهای دور هم بودن مردم، شادی کردن و تعاملی انسانی است در زیباترین روزهای سال، اما در ایران اسلام‌زده تمام روزها به واسطه حضور و سرکوب رژیمی که برای در قدرت ماندن از هیچ ظلمی فروگذار نمی‌کند، سیاه است.

مردم جان‌به‌لب رسیده ایران از هر فرصتی برای مبارزه علیه این جنایت و تعفن اسلامی که این‌چنین تمام زندگی‌شان را گرفته، استفاده می‌کنند. زنده‌باد این عزم و شجاعت مردم که می‌خواهند یکبار برای همیشه طومار جمهوری اسلامی را پیچیده و از صحنه روزگار حذف کنند. شادی، رفاه، معیشتی

تضمین شده، برابری، آزادی بیان و در یک‌کلام زندگی انسانی حق همه مردم است که باید آن را با پایین کشیدن این نظام‌های اسلامی به دست آورد.

دختران را در افغانستان دریابیم

پتی دبونیتاس

سال تحصیلی جدید در افغانستان تازه آغاز شده است و ۲,۲ میلیون دختر از تحصیل محروم‌اند، چرا که طالبان حضور دختران در مدارس بالاتر از کلاس ششم را ممنوع کرده است. این به این معناست که هیچ دختری نمی‌تواند به دانشگاه برود یا هیچ حرفه‌ای را بیاموزد.

۲,۲ میلیون دختر که عمرشان در حال هدررفتن است. ۲,۲ میلیون دختری که طالبان با محروم‌کردنشان از حقوقشان، خوشبختی‌شان، حق تعیین سرنوشتشان و زندگی‌شان، آن‌ها را به

بردگی مطلق سوق می‌دهد.

چرا؟ چون آن‌ها دختر هستند.

از زمانی که طالبان بار دیگر توسط رئیس‌جمهور وقت آمریکا، بایدن، به قدرت بازگردانده شد، آن‌ها بار دیگر نفرت مطلق خود از زنان را بی‌وقفه اعمال کرده‌اند، بدون هیچ مزاحمتی از سوی رهبران خودخوانده "جهان آزاد" یا دیگر منادیان دروغین "دموکراسی".

آیا واقعاً باور کنیم که امتناع کنونی از به‌رسمیت‌شناختن رژیم طالبان برای همیشه ادامه خواهد داشت، یا این‌که احتمالاً به‌تدریج شاهد نزدیکی و مصالحه‌ای خواهیم بود، چرا که کسی

به دلایلی تحت عنوان "ضرورت‌ها" چنین تصمیمی خواهد گرفت؟ آیا پیش‌ازاین نیز شاهد نبودیم که طرف‌های مذاکره بین‌المللی به طور کامل زنان و گروه‌های حقوق بشری را از مذاکرات با طالبان کنار گذاشته‌اند؟ وعده‌های توخالی دولت‌ها، وزرا و سازمان‌هایی که ادعا می‌کنند چقدر برای حقوق زنان اهمیت قائل‌اند، منزجرکننده است. آیا واقعاً باور کنیم که رهبران جهان به حقوق زنان و دختران در کشورهای خود اهمیت می‌دهند، درحالی‌که به طالبان اجازه می‌دهند زنان را به وحشیانه‌ترین شکل ممکن سرکوب کند؟

حقوق زنان در سراسر جهان مورد حمله قرار گرفته و در هیچ جایی زنان از برابری کامل برخوردار نیستند. این یک حقیقت است، و پیام روزانه

آشکاری از سوی دولت‌های ما که ما حقیقتاً برابر نیستیم و آن‌ها، واقعاً اهمیتی نمی‌دهند، باوجود تمام وعده‌ها و اقدامات جزئی که گاه‌وبیگاه در اختیار ما قرار می‌دهند.

اما ما اهمیت می‌دهیم. ما نه‌تنها به حقوق، رفاه و برابری خودمان، بلکه به حقوق و سرنوشت دختران و زنان در افغانستان نیز اهمیت می‌دهیم.

خشم ما روزافزون است، و این خشم دیگر رام یا سرکوب نخواهد شد؛ نه در ذهنمان، نه در خیابان‌ها، و نه در خانه‌هایمان. ما دیگر با مرزها از هم جدا نیستیم؛ دشمن را می‌شناسیم، چه در اینجا و چه در آنجا. هیچ زنی آزاد نیست، مگر این‌که همه زنان آزاد باشند.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

---

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۹۶

۲۵ مارس ۲۰۲۵ – ۵ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: سوسن صابری

در این شماره ژورنال

اتفاقات ارومیه:دشمن مشترک ما جمهوری اسلامی است

نسان نودینیان

بر سر دوراهی، انتخاب غیرممکن!

سیامک بهاری

پیام امید و آزادی شریفه محمدی از زندان لاکان رشت

سهیلا دالوند

مردم خشمگین اسرائیل جنگ نمی‌خواهند

سیما بهاری

اتفاقات ارومیه:
دشمن مشترک ما جمهوری اسلامی است

نسان نودینیان

جشن‌های توده‌ای نوروزی، مورد استقبال مردم قرار گرفته است. در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از خیزش مردمی زن زندگی آزادی و اعتراضات گسترده در این سال‌ها، هر گونه حضور پرشور مردم در جشن‌ها، به‌ویژه در فضاهای عمومی، به شکل تعرضی و توده‌ای بیان نارضایتی جمعی است. محدودیت‌های ضد شادی و رقص که حکومت اعمال کرده، باعث شده که هر فرصت برگزاری یک جشن، به‌نوعی بازپس‌گیری حق شادی و آزادی از سوی مردم تبدیل شود. استفاده از نمادهای فرهنگی و توده‌گیر

مانند چهارشنبه‌سوری و نوروز، به ابزاری برای بیان اعتراضات اجتماعی تبدیل شده است. از این نظر، پررنگ‌تر شدن نوروز و استقبال گسترده از آن واکنش عمومی مردم به محدودیت‌های تحمیل‌شده بر شادی و سبک زندگی مردم است.

در آغاز سال نو ۱۴۰۴ هم‌زمان با ماه رمضان و شب‌های قدرش، جشن و شادی و رقص و ترانه‌خوانی، کوچه‌ها و خیابان‌ها را یکی پس از دیگری فتح کرد. مردم با حضور صدها هزارنفری مشت محکمی بر دهان حکومت جنایت‌کار اسلامی زدند.

اما در شهر ارومیه جماعتی از باندهای سیاه، از عناصر مزدور حکومتی جمهوری اسلامی به فراخوان محمد خلیل‌پور، رئیس روحانی شورای شهر ارومیه،

و حضور افرادی چون نادر قاضی‌پور، نماینده سابق ارومیه در مجلس، تجمع علویان با شعارهای "مذهبی و قومی" علیه مردم کُرد مقیم ارومیه و با برافراشتن پرچم عزاداری بر علیه مراسم نوروزی مردم شهر ارومیه، برپا کردند. تجمع علویان طرح مهندسی شده حکومت تبهکار اسلامی با فعال کردن مزدوران محلی امثال پان‌ترکیست‌های فاشیست "بوزقورد" بود. اینها به‌قصد کم‌رنگ کردن تجمع گسترده رقص و شادی مردم، چماق به دست کینه قومی و ضدانسانی را به نمایش گذاشتند.

مردم مبارز در ارومیه همچون در سطح سراسری در خیزش زن، زندگی، آزادی نشان دادند که فراتر از مرزهای ساختگی و تفرقه‌افکنی‌های حکومتی، خواهان آزادی و برابری هستند. در روزهای پرشور

انقلاب ژینا یک‌صدا فریاد زدند: "آذربایجان اویاخدی، کوردستانا دایاخدی!" (آذربایجان بیدار است، پشتیبان کردستان است) و "بژی آذربایجان، یاشاسین کوردستان!". این شعارها تنها کلماتی بر زبان نبودند، بلکه پیمانی از دل‌های بیدار، از اراده مردمی برای شکستن زنجیرهای سرکوب و ستم بودند.

قاطعانه علیه هر نوع تبعیض قومی و نژادپرستی مبارزه کنیم. هویت و عرق ملی و ناسیونالیسم افکار و تمایلات عقب‌مانده، مخرب و مغایر با اصالت انسان و آزادی و برابری انسان‌ها هستند.

بر سر دوراهی، انتخاب غیر ممکن!

سیامک بهاری

"از اول فروردین ۱۴۰۴ خدمات بهداشتی، درمانی، معاملات ملکی و حق ایاب‌وذهاب، اسکان، تحصیل و... به اتباع غیرمجاز ارائه نمی‌شود".

با پایان مهلت آمایش‌ها تا اول فروردین، با مسدودکردن هر روزنه امیدی بر بهبود وضعیت میلیون‌ها نفر که از بد حادثه ناچار به جمهوری اسلامی ایران پناه آورده‌اند و هرگز پناهی نیافتند، جهنمی زیر مهاجرین و پناهندگان افغانستانی دهان بازکرده است. نه جایی برای ماندن نه پایی برای رفتن! دوراهی غیر قابل انتخابی است که مقابل

آنان قرار داده شده است.

جان صدها فعال سیاسی و جامعه مدنی و نظامیان پیشین در خطر جدی است! اخراج فله‌ای پناهندگان و مهاجرین افغانستانی به بهانه "مجاز و غیرمجاز"، وضع قوانین ضد پناهندگی و محروم‌کردن از حق پناهندگی وضعیت غیرانسانی و اضطراری فاجعه‌باری خلق کرده است.

حکومت اسلامی ایران آنان را مقصر و عامل گرانی و بیکاری و مصائب اجتماعی معرفی می‌کند. با چشم‌پوشی عامدانه بر فاجعه تمام‌عیار انسانی، سرکوب قرون‌وسطایی، زن‌ستیزی و محرومیت از حقوق اولیه اجتماعی، فقر و فلاکت و ناامنی گسترده، افغانستان تحت حکومت طالبان را

کشوری امن اعلام کرده است: "اتباع افغانستانی باتوجه‌به ثبات نسبی ایجاد شده و سیاست‌های اعلامی حاکمیت فعلی افغانستان، هیچ مانعی برای بازگشت به کشورشان وجود ندارد، بنابراین طبق هماهنگی‌های صورت‌گرفته با سفارت افغانستان این افراد می‌توانند به کشور خود بازگردند..."

وزارت کشور تحت نام "ساماندهی اتباع افغانستانی و شناسایی اتباع خارجی" با طرح آمایش‌های مکرر با رشوه‌گیری و سرشماری و بازشماری اتباع، و هم‌زمان نیروی انتظامی با هجوم گسترده و سازماندهی شده به دستگیری و اخراج و رد مرز کردن فله‌ای و تحقیر آمیز چندین هزار نفره در روز، فاجعه‌ای انسانی رقم می‌زنند.

هزاران کارگر مهاجر مستأصل افغانستانی علی‌رغم به‌جان‌خریدن خطر گذر از مرزهای مین‌گذاری شده و ناامن‌ترین راه‌ها، رد مرز شوند و مجدداً با پرداخت هزینه سنگین همین راه را مجدداً برگردند، در جستجوی کار و یافتن لقمه‌ای نان در بازار بی‌رحم کار سخت‌ترین و تحقیرآمیزترین شرایط را بپذیرند!

دفتر سازمان ملل باید مسئولیت خود را بپذیرد و پاسخگو باشد. هیچ انسانی غیرقانونی نیست! پناهندگی جرم نیست، مهاجرت حق همه انسان‌هاست. حق شهروندی پناهندگان افغانستانی در ایران باید به رسمیت شناخته شود. حمایت از پناهندگان و مهاجرین افغانستانی را باید سازمان داد!

پیام امید و آزادی شریفه محمدی
از زندان لاکان رشت

سهیلا دالوند

کمپین آزادی شریفه محمدی، با فرارسیدن سال نو پیام نوروزی این زندانی سیاسی شجاع و مقاوم را منتشر کرده است. شریفه مادری که به‌دور از فرزندش در دومین سال حبس به سر می‌برد، از پشت دیوارهای قطور زندان لاکان رشت با امید و عشق با همسر و تنها فرزندش که پشت درهای زندان سفره هفت‌سین چیده‌اند با صدایی که از ایمان و عشق لبریز است گفتگو می‌کند و با اشتیاق و شور به زندگی، با خواندن شعری به استقبال سال نو می‌رود.

شریفه در حرف‌هایش و در شعرش پیامی سرشار از امید به رهایی و آزادی را به گوش می‌رساند. او با تأکید بر آزادی، عدالت و همبستگی انسانی، ناعدالتی‌های موجود را به چالش می‌کشد و هم‌زمان فراخوانی است برای اتحاد و مقاومت در برابر سرکوب. پیام او بیانگر این نکته است که حتی در سخت‌ترین شرایط، روح مقاومت و امید به آینده‌ای روشن زنده می‌ماند.

جمهوری اسلامی که به‌شدت از زنان معترض هراس دارد در تمام این سال‌ها مذبوحانه تلاش کرده است که صدای زنان، این پیشتازان مبارزه علیه سرکوب و تبعیض، قوانین زن‌ستیزانه و ضدانسانی را با بازداشت، شکنجه و احکام اعدام خفه کند. اما در مقابل با طوفانی از استقامت،

و شجاعت زنانی مواجه شده است که حتی دیوارهای قطور و سربه‌فلک‌کشیده زندان‌ها یارای مقاومت در برابر فریاد آنها که نوید رهایی و نابودی رژیم را می‌دهد را ندارند.

شریفه محمدی‌ها امروز به نمادی از مقاومت در برابر سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم تبدیل شده‌اند. این صداها نه‌تنها خاموش نشده؛ بلکه با پیام‌هایشان به فریادی جهانی علیه استبداد بدل گشته‌اند.

مردم خشمگین اسرائیل جنگ نمی‌خواهند

سیما بهاری

”تعداد قربانیان غزه از پنجاه‌هزار نفر گذشت. پزشکان غزه دربارهٔ سوءتغذیه گسترده هشدار دادند.“

گویی اکثریت دولت‌های جهان کور و کر هستند. اسرائیل دوباره حملات خود به غزه را آغاز کرد. در اولین حمله که هفتهٔ گذشته رخ داد ۴۰۰ نفر که بیشتر آنها افراد غیرنظامی، از جمله تعداد زیادی کودک بودند جانشان را از دست دادند. راه‌های ارسال مواد غذایی مسدود شده و مردم مشخصاً کودکان و زخمی‌ها به‌شدت تحت فشارند. گفته

می‌شود طی ۱۸ ماه جنگ بیش از ۵۰ هزار نفر کشته و بیش از ۱۰۰ هزار نفر زخمی شده‌اند. چند هزار آواره؟ چند هزار کودک بی‌سرپرست و چند هزار خانواده بی‌فرزند شده‌اند؟ باز هم تصاویر انسان‌های بی‌پناهی را می‌بینیم که ته‌مانده زندگی فقیرانهٔ خود همراه با کودکان بی‌رمق را به دندان می‌کشند تا از مخمصهٔ بمب و موشک و سلاح‌های مدرن در بروند.

نهادها و سازمان‌های "مدافع" حقوق بشر محکوم می‌کنند، حقوق‌دانان می‌گویند این سیاست‌ها ناقض حقوق بشر است و... این محکومیت‌ها باید به جنبشی علیه دولت فاشیست نتانیاهو تبدیل شود در غیر این صورت تنها عبارات به‌شدت تو خالی و بی‌معنا هستند که ارزش مصرفشان فقط به درد

رسانه‌هایی می‌خورد که می‌خواهند با درج اینها از قافلهٔ خبررسانی عقب نمانند.

اما این همهٔ ماجرا نیست و نباید باشد. نتانیاهو زیر فشار است. او اخراج یاران تا دیروز خود را در دستور می گذارد. نتانیاهو دارد تلاش می کند رئیس سازمان امنیت و همین‌طور دادستان کل اسرائیل را به‌خاطر زیرسؤال‌بردن و افشای سیاست‌هایش در جریان قتل‌عام فلسطینیان و همین‌طور دریافت پول از قطر، استیضاح کند. متعاقب آن ۱۰۰ هزار نفر دست به تظاهرات می‌زنند. مردم خشمگین‌اند. مردم جنگ نمی‌خواهند. گروگان‌های آزاد شده و بعضی خانواده‌های نظامیان و غیرنظامیان اسرائیلی طی نامه‌ای به نتانیاهو خواهان پایان جنگ شده‌اند. به نهادهای دولتی امیدی نیست؛ اما خورشید انسانیت

طلوع خواهد کرد. مردم اسرائیل نمی‌خواهند سایهٔ جنگ بالای سرشان باشد.

آیا واقعاً هدف اسرائیل نابودی حماس و رهبران حماس است یا دنبال کردن طرح "خروج داوطلبانهٔ" فلسطینیان از غزه؟ طی کشتار اخیر گفته می‌شود دو سه‌نفری از سران حماس کشته شده‌اند. بقیهٔ ۴۰۰ نفر مردم بی‌گناهی هستند که دارند از دو طرف می‌خورند. طی همین ۱۸ ماه چندین بار جابه‌جا شده و سر پناهشان را ازدست‌داده‌اند.

پاسخ این وضع بلندشدن صدای میلیونی مردم جهان علیه نتانیاهو و حماس است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

---

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۹۷

۲۶ مارس ۲۰۲۵ – ۶ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: آذر پویا

در این شماره ژورنال:

سال جدید و فروپاشی هرچه بیشتر!

سینا پدرام

افشای جنایات جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی

شهره قنبری

محکوم‌به‌اعدام، بعد از ۴۶ سال زندان تبرئه شد

کاظم نیکخواه

”هنردرمانی“ و نیروی خلاقیت انسان‌ها

آذر پویا

سال جدید و فروپاشی هرچه بیشتر!

سینا پدرام

در نخستین روز بازگشایی بازارها در سال ۱۴۰۴، دلار به رکورد جدیدی رسید و از مرز ۱۰۳ هزار تومان گذشت. این افزایش قیمت پس از تعطیلات نوروزی و در معاملات آنلاین ارز رخ داد.

علی خامنه‌ای در سخنرانی نخستین روز سال جدید، مردم را به دلیل تبدیل نقدینگی به سکه، ارز و زمین، مقصر مشکلات اقتصادی کشور معرفی کرد.

سال جدید مشکلات و معضلات بیشتر و مهلک‌تر

اقتصادی را برای مردم به ارمغان خواهد آورد.

سقوط ریال در مقابل ارزهای خارجی روندی است که سال‌هاست شروع شده و امسال با شتاب بیشتری ادامه خواهد داشت. دلیل سیاسی و اقتصادی آن را در مقالات بسیاری بیان کرده‌ایم.

معنای واقعی این سقوط یعنی گستردگی فقر، سقوط هر چه بیشتر معیشت و در یک کلام خالی‌تر شدن سفره‌های مردم.

رژیم اسلامی و بیت رهبری و باقی گروه‌های ذی‌نفع رژیم از هر جناحی می‌دانند که فروپاشی اقتصادی در ایران با تحرکات و اعتراضات

اجتماعی وسیعی که در گذشته شاهد آن بوده‌اند، همراه خواهد بود. اعتراضاتی که می‌تواند به یک انقلاب تمام‌عیار مبدل شود.

دول غربی و بخصوص آمریکا در این نگرانی با رژیم اسلامی شریک‌اند ازاین‌رو تلاش می‌کنند رژیم را در برابر شروط خود چه از طریق مذاکره مستقیم و چه در یک رودررویی نظامی محدود وادار به تسلیم کنند

دخالت‌های احتمالی نظامی آمریکا و اسرائیل می‌تواند بهانه و فرصتی طلائی برای رژیم و سرکوب اعتراضات و فعالین جنبش‌های انقلابی مختلف در ایران باشد. درهرصورت حتی اگر

دخالت نظامی هم صورت گیرد مردم باید همه نیرویشان را متوجه سرنگونی رژیم کنند.

ما بارها تأکید کرده‌ایم که بایکوت سیاسی رژیم در عرصه بین‌المللی مؤثرترین شیوه برای کمک به امر انقلاب مردم ایران است. اما تمامی قرائن نشان می‌دهند که برای تحمیل این خواسته به دول غربی نیز مردم نیاز به برپایی انقلاب دارند

آنچه برای مردم اهمیت دارد، سرنگونی رژیم و کسب مطالبات رفاهی و اجتماعی است که آنها را از این تباهی اقتصادی رها سازد. مبارزات متحدانه مردم این پتانسیل را دارد که این امر خطیر را عملی سازد.

افشای جنایات جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی

شهره قنبری

جمهوری اسلامی ایران همواره یکی از بزرگ‌ترین ناقضان حقوق بشر در جهان بوده‌است. از اعدام‌های گسترده دهه ۶۰، اعدام‌های دسته‌جمعی سال ۶۷، سرکوب اعتراضات مردمی، شکنجه زندانیان سیاسی، تا ترور مخالفان در خارج کشور، همگی نشان‌دهنده سیاست سرکوبگرانه این حکومت است. درحالی‌که سازمان‌های بین‌المللی مانند شورای حقوق بشر سازمان ملل، دیده‌بان حقوق بشر و عفو بین‌الملل بارها این اقدامات را محکوم کرده‌اند، اما هیچگاه آنچه در ایران می‌گذرد و

گذشته است را به‌خوبی درک نکرده‌اند. جمهوری اسلامی نیز همچنان این جنایات را انکار می کند. بااین‌حال، افشای این جنایات و پاسخگوکردن جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

یکی از مؤثرترین راه‌ها، مستندسازی و ارائه مدارک معتبر درباره نقض حقوق بشر در ایران است. گزارش‌هایی که از سوی شاهدان عینی، زندانیان سابق و خانواده‌های قربانیان ارائه می‌شود، می‌تواند در سازمان‌های حقوق بشری و دادگاه‌های بین‌المللی مورد استناد قرار گیرد. نمونه‌ای از این تلاش‌ها، محاکمه حمید نوری در سوئد بود که به حبس ابد محکوم شد. این

پرونده نشان داد که با وجود انکارهای رسمی رژیم، می‌توان از طریق اسناد و شهادت‌ها، جنایات آن را اثبات کرد.

علاوه بر مستندسازی، ارسال خبر و گزارش به رسانه‌های بین‌المللی نقش مهمی در آگاه‌سازی افکار عمومی جهانی دارد. در سال‌های اخیر بسیاری از رسانه‌های کشورهای مختلف درباره سرکوب معترضان، وضعیت وخیم زندانیان سیاسی و نقش جمهوری اسلامی در ترورهای خارج کشور گزارش داده‌اند. همچنین، شبکه‌های اجتماعی ابزار قدرتمندی برای انتشار اطلاعات و ایجاد فشار بین‌المللی هستند. کمپین‌هایی مانند "اعدام نکنید" در سال‌های اخیر توانسته‌اند توجه

جهانی را به سرکوب مخالفان در ایران جلب کنند.

در سطح حقوقی و دیپلماتیک، فشار بر دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی ضروری است. استفاده از مکانیسم‌هایی مانند تحریم‌های Magnitsky علیه مقامات ناقض حقوق بشر، تسلیم پرونده‌های جنایت‌کاران رژیم به دادگاه‌های بین‌المللی، و تلاش برای ایجاد یک دادگاه ویژه درباره جنایات این حکومت، همگی تأثیرگذار هستند. بسیاری از ما جان‌به‌دربردگان زندان‌های جمهوری اسلامی به همراه خانواده‌های دادخواه از هیچ کوششی برای به محاکمه کشیدن عاملین این جنایات دریغ نمی‌کنیم و با بیان روایت‌ها، شهادت‌دادن

در دادگاهی مانند ایران تریبونال و یا دادگاه حمید نوری از پا نخواهیم نشست و در نهایت همکاری با فعالان بین‌المللی می‌تواند مسیر پاسخگوکردن جمهوری اسلامی را هموارتر کند. تنها از طریق فشار مستمر و سازمان‌یافته، می‌توان این حکومت را در برابر جنایاتش پاسخگو کرد.

محکوم‌به‌اعدام، بعد از ۴۶ سال زندان تبرئه شد

کاظم نیکخواه

یک مرد ژاپنی که به قتل اعضای یک خانواده محکوم شده بود ۴۶ سال را در زندان بود، پس از تبرئه‌شدن، یک و نیم‌میلیون دلار غرامت دریافت کرد.

ایوائو هاکاماتا ۸۹ساله، طولانی‌ترین تحمل زندان را در میان محکومان به اعدام در جهان به خود اختصاص داده است. دادگاه روز دوشنبه چهارم فروردین، دولت را موظف به پرداخت ۲۱۷ میلیارد و ۳۶۲ میلیون و ۵۰۰ هزار ین، معادل حدود یک ونیم میلیون دلار غرامت به هاکاماتا کرد. این

معادل ۱۲ هزار و ۵۰۰ ین (۸۳ دلار) برای هر روز از ۴۶ سالی است که هاکاماتا در زندان گذراند. این بوکسور سابق، به قتل یک مدیر اجرایی، همسرش و دو فرزندشان متهم و محکوم شده بود. این خانواده در ۳۰ ژوئن ۱۹۶۶ (نهم تیر ۱۳۴۵) به طرز وحشیانه‌ای با چاقو کشته شده بودند.

هاکاماتا در نهایت، اوایل مهر سال گذشته پس از کارزار خستگی‌ناپذیر خواهر ۹۲ ساله‌اش و دیگران، از اتهام قتل هر چهار نفر تبرئه شد.

هاکاماتا پنجمین فرد محکوم‌به‌اعدام در تاریخ پس از جنگ ژاپن بود که پرونده‌اش توانست به دادگاه تجدیدنظر راه پیدا کند. هر چهار پرونده

قبل از او نیز به تبرئه متهم منتهی شده بودند.

در مورد این رویداد تکان‌دهنده چه می‌توان گفت جز اینکه یک‌بار دیگر با صدای رسا اعلام کنیم که اعدام جنایت است و باید هرچه زودتر به این توحش پایان داد؟ در ژاپن طی ۲۵ سال گذشته ۱۰۰ نفر اعدام شده‌اند. در ایران تحت حکومت اسلامی طی ۲۵ سال گذشته چند ده‌هزار نفر، یعنی هر سال دو تا سه هزار نفر اعدام شده‌اند. ما بدون حکم تبرئه دادگاه‌ها، هیچ تردیدی نداریم که این اعدام‌شدگان، چه آن صد نفر ژاپنی و چه این ده‌ها هزار نفر که توسط حکومت اسلامی کشته شده‌اند، قربانیان قتل و جنایت دولتی هستند و نمی‌بایست جانشان گرفته می‌شد. وقتی خونخوارانی نظیر خامنه‌ای و

خمینی در حکومت هستند، نتیجه رواج قتل و جنایت است. امیدوار باشیم که جنبش قدرتمند ضد اعدام به‌عنوان بخشی از جنبش سرنگونی بتواند حکومت اعدامی در ایران را به زباله‌دان بیندازد و پرونده این جنایات را برای همیشه ببندد. در آن صورت بی‌تردید دولت‌های ژاپن و چین و همه دنیا نیز تکان اساسی خواهند خورد و به‌ناچار به مجازات شنیع اعدام پایان خواهند داد.

"هنردرمانی" و نیروی خلاقیت انسان‌ها

آذر پویا

گاهی در میان اخبار جنگ، کُشت و کُشتار، بی‌خانمانی انسان‌ها، اخبار دستگیری‌ها و شکنجه و اعدام، به خبرهایی برمی‌خوریم که امید می‌دهند، اخباری که نشان‌دهنده میزان توان انسان‌ها برای تغییر و بهبود زندگی است.

طبق خبر، پزشکان در سوئیس به ایده تازه‌ای رسیده‌اند که بجای تجویز داروهای گران‌قیمت از روش جدیدی بنام "هنردرمانی" استفاده کنند. بدین معنا به بیماران بجای تجویز دارو، بازدید از موزه و تماشای تئاتر را توصیه کنند. این پروژه به

مدت دو سال به طور آزمایشی در شهر نوشاتل سوئیس به اجرا درآمده است. هزینه کامل بازدید از موزه‌ها را هم شهرداری به عهده گرفت. این روش به مراجعه‌کنندگان امکان می‌دهد که هنر را به‌عنوان بخشی از روند درمان تجربه کنند، اقدامی که هم سلامت روان و هم سلامت جسم آن‌ها را تقویت می‌کند. به گفته مسئولان نوشاتل، اگر نتایج این طرح مثبت باشد، گسترش آن به دیگر هنرها مانند رقص نیز در دستور کار قرار خواهد گرفت.

ماریان دو رینیه نفسکی، مدیر بخش ارتباطات فرهنگی در نوشاتل و طراح این پروژه، می‌گوید

یکی از اهداف ما این است که بیماران کم‌تحرک یا منزوی را از خانه خارج کنیم و با قراردادن آن‌ها در محیطی الهام‌بخش و زیبا، به بهبود وضعیت جسمی و روانی‌شان کمک کنیم. کورسیه دولافونتن یکی دیگر از مسئولین پروژه هنردرمانی در نوشاتل می‌گوید هنردرمانی فقط مختص نوشاتل یا سوئیس نیست، این ایده می‌تواند الگویی جهانی باشد.

اگر سری به زندان‌های جمهوری اسلامی بزنیم، تمام آن استادان، دانشجویان، پزشکان، پرستاران، وکلا و کارگرانی که در دستان مشتی قاتل گرفتارند را در نظر بگیریم، کودکان بااستعداد و باهوشی را در نظر بگیریم که مجبور به ترک تحصیل

می‌شوند، و یا کودکانی را که در سنین ۵-۴ سالگی نان‌آور خانواده‌شان هستند، و به همه اینها سیل مهاجرینی را اضافه کنیم که ناخواسته خانه و کاشانه خود را رها کرده و برای نجات جان و زندگی‌شان از دست درنده‌خویان جمهوری اسلامی در کشور دیگری مشغول به کار و زندگی شده‌اند، گاهاً خبر قهرمانی‌هایشان را در روزنامه‌های محل اقامتشان می‌بینیم.

فکرش را بکنید با سرنگونی جمهوری منحوس اسلامی چه نیروی عظیم خلاقی آزاد می‌شود و چه تغییرات شگفت‌انگیزی را با این نیرو می‌توان رقم زد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
/https://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

شماره ۹۹۸

۲۷ مارس ۲۰۲۵ – ۷ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: محسن ابراهیمی

در این شماره ژورنال

”سوانح کاری“: جنایت مستمر علیه کارگران
سیاوش آذری

مافیای اسلامی دارو، دلالان مرگ!
سینا پدرام

اطمینان عراقچی در شرایط نامطمئن
رضا درویش

خیزش علیه حماس در ویرانه‌های غزه
محسن ابراهیمی

"سوانح کاری": جنایت مستمر علیه کارگران

سیاوش آذری

بنا بر گزارش پزشکی قانونی ایران در شش ماه اول سال ۱۴۰۳، هزار و هفتاد و هفت کارگر در "سوانح کاری" جان خود را از دست داده‌اند. با این حساب در شش ماه اول سال مذکور هر ماه ۲۰۰ کارگر قربانی جنایت کاری گشته‌اند. این در حالی است که بر خلاف اظهارات دست‌اندرکاران و مسئولین جمهوری اسلامی مبنی بر کاهش میزان "سوانح کاری"، مرگ و میر کارگران در اثر جنایات کاری رشدی مستمر داشته است. برای نمونه و بر اساس آمار پزشکی قانونی میزان جانباختگان جنایات کاری در شش ماه اول سال ۱۴۰۳ نسبت به دوره

مشابه سال قبل ۱۵.۷ درصد افزایش یافته است.

هدف سرمایه چیزی جز از سوداندوزی هر چه بیشتر نیست و از منظر سرمایه جان و سلامت کارگر امری فرعی به شمار می‌آید. بااین‌وجود، مبارزات چندین صدساله طبقه کارگر قادر به تحمیل برخی قوانین در بسیاری از کشورها در راستای ایجاد شرایط ایمن‌تر کاری که سلامتی بدنی و روانی و جان و زندگی کارگران را تضمین نماید شده است.

در ایران تحت سیطره رژیم اسلامی اما درنده‌خویی سرمایه خود را از تمامی قیدوبندها رهانیده و کشتار کارگران از طریق جنایات کاری به عملی عامدانه مبدل گشته است. در اقتصاد سرمایه‌داری دزدسالار اسلامی که سرمایه‌داران خود از مقربین بیت رهبری

و از دست‌اندرکاران ریزودرشت رژیم و نهادهایی همچون سپاه و بنیاد مستضعفین هستند، یکی از مهم‌ترین شروط به‌جیب‌زدن سودهای نجومی و غارت و چپاول ثروت اجتماعی تحمیل شرایط برده‌وار کاری به کارگران است. کشتار کارگران در جنایات کاری روی دیگر سکه عدم پرداخت دستمزدهای زیر خط‌فقر رسمی، سرکوب اعتراضات کارگران و دیگر اقشار محروم و تحمیل شرایط زندگی مادون انسان بر جامعه است. مسئله عدم اجرای قوانین و مقررات و چشم‌پوشی نهادهای ناظر نیست؛ جنایات کاری جزو لایتجزا و قانون حرکت و سودآوری سرمایه دزدسالار اسلامی است.

اگر استمرار حیات زالوی سرمایه به مکیدن خون کارگران وابسته است استمرار حیات خدای سرمایه

اسلامی اما با جاری کردن خون کارگران امکانپذیر است. مقابله با سرمایه خون آشام اسلامی بخشی از مبارزه با کلیت حکومت الله است. همبستگی مبارزات کارگران برای شرایط کار و زندگی انسانی با جنبش انقلابی زن زندگی آزادی راه در هم کوبیدن و بزیر کشیدن سفاکان اسلامی را هموارتر خواهد نمود.

مافیای اسلامی دارو، دلالان مرگ!

سینا پدرام

معاون غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی شیراز اعلام کرد که یک شبکه تولید و توزیع داروهای تقلبی ضدسرطان منهدم شده است. این داروها که در بسته‌بندی مشابه داروهای مونوکلونال آنتی‌بادی‌ها بودند، در بازار سیاه تا ۱۵۰ میلیون تومان به فروش می‌رسیدند. در همین راستا، بحران کمبود دارو در ایران تشدید شده است، به‌ویژه برای بیماران خاص و سرطانی که واردات دارو برای این بیماری‌ها با مشکلات زیادی مواجه است. توقف پروازهای اروپایی، از جمله به آلمان، موجب کاهش واردات دارو و تشدید بحران شده است.

به دلیل کمبود دارو، بیماران تنها می‌توانند داروهای خاص را از داروخانه‌های خاص با تأیید پزشک و تنهادر زمان‌های خاص تهیه کنند. بیماران سرطانی، برای تهیه دارو مجبور به خرید از بازار سیاه شده‌اند. بازار زیرزمینی دارو که مخلوطی از داروهای تقلبی و واقعی است، به دلیل دست‌داشتن مافیای اسلامی دارو شکل گرفته است. برخی شرکت‌های دارویی و داروخانه‌ها برای کسب سود بیشتر، داروها را به بازار سیاه می‌سپارند.

در خیابان ناصرخسرو تهران و کانال‌های تلگرامی، فروشندگان، داروهای تقلبی و واقعی را با قیمت‌های متفاوت عرضه می‌کنند. برخی فروشندگان داروهای خارجی را وارد کرده و در شیشه‌های خالی و با

لیبل‌های مشابه شرکت‌های معتبر، آنها را به فروش می‌رسانند. این وضعیت، مشکلات زیادی را برای بیماران به‌ویژه در زمینه درمان بیماری‌های خاص ایجاد کرده است.

یکی از منابع درآمد نجومی برای دار و دسته‌های رژیم "بیزینس" داروهای بی کیفیت و قاچاق است. سال‌های سال است که مافیای اسلامی به معنای واقعی خون بیماران را در شیشه کرده‌اند. مافیای اصلی دارو شرکت‌های دارویی وابسته به حکومت هستند که با رانت‌های ارزی میلیاردی به‌جای واردات دارو، به خریدوفروش دلارهای ارزان در ایران و دبی مشغول بوده و هستند.

یکی از اهداف اساسی انقلاب زن زندگی آزادی

رایگان شدن تمامی امکانات درمانی و بهداشتی در ایران است. این امر کاملاً امکان‌پذیر و عملی است. از سوی دیگر با تغییر سیستم درمانی به سیستم‌های پیشگیرانه، هزینه‌های کلانی که صرف مسائل درمانی و بخصوص هزینه‌های دارویی می‌شود به درجات بسیار زیادی می‌تواند تقلیل پیدا کند.

با رویکردی مدرن و انسانی به‌ویژه رویکرد پیشگیرانه می‌توان صنعت سلامت را در ایران بر اساس تأمین سلامتی همه شهروندان دگرگون کرد. تحقق چنین هدفی در گرو پایان‌دادن به مافیای اسلامی حاکم است.

اطمینان عراقچی در شرایط نامطمئن

رضا درویش

عباس عراقچی دوشنبه ۴ فروردین در جلسه ستاد نوروزی هلال‌احمر ضمن تمجید از "خدمات" این نهاد در ایران و جهان گفت: "من مطمئن هستم که با این سطح از آمادگی هیچ‌کس حتی فکر تجاوز به این کشور را نخواهد کرد چرا که با تبعات آن آشنا هستند."

عراقچی می‌داند که فضای اختناق حاکم بر مطبوعات به او امکان می‌دهد در اوج ناتوانی و استیصال رژیم در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی این‌گونه ژست عوام‌فریبانه

بگیرد. تبعاتی که عراقچی می‌گوید و بارها توسط رژیم به نمایش گذاشته شده عبارت بوده از ترور، بمب‌گذاری، آدم‌ربایی، گروگان‌گیری، تجهیز و به میدان فرستادن نیروهای نیابتی.

عراقچی با مرور خاطراتش در سفارت ایران در ژاپن از زلزله فوکوشیما یاد می‌کند و می‌گوید "در شرایط سخت ایران به فکر کمک به مردم گرفتار سایر کشورهاست". به‌راستی که فقط حد اعلایی از بی‌شرمی می‌تواند روباه مکاری را وادارد دروغ‌هایی تا این حد رذیلانه بگوید.

به‌عنوان نمونه سخنگوی سازمان مدیریت بحران در تیرماه سال ۱۴۰۳ برآورد خسارت سیل در سه سال را حدود ۲۱ هزار میلیارد تومان اعلام کرد و

گفت برای آبخیزداری نیازمند ۱۰۰ هزار میلیارد تومان اعتبار هستیم و فقط بخش کوچکی از این مبلغ حدود ۵ هزار میلیارد تومان از سوی دولت تأمین اعتبار می‌شود. حالا این‌گونه چشم‌بستن به نیازهای داخل کشور را بگذاریم کنار میلیاردها دلار کمک به نیروهای نیابتی و بودجه نجومی ده‌ها بنیاد مذهبی تا گوشه‌ای از عمق ناپیدای فلاکت ناشی از حکومت اسلامی نمایان شود.

عراقچی می‌گوید "در حوادث کشورهای دیگر کمک‌کننده باشیم که سایر کشورها هم به کمک ما می‌آیند". اما واقعیتی که مردم ایران تا کنون لمس کرده‌اند سرازیرشدن کمک‌های رژیم به سمت حزب‌الله، حماس، حشدالشعبی و حوثی‌ها بوده و بکار گیری همان نیروی های نیابتی در

سرکوب مردم در اوج‌گیری اعتراضات مردمی.
عراقچی خطاب به تیم امداد هلال‌احمر می‌گوید:
"به شما غبطه می‌خورم" و با اشاره به حدیثی
می‌گوید: "شما برگزیده شده‌اید تا به خلق خدا
کمک کنید و دست نیازمندان را بگیرید". باید
ضمن آفرین به این حیله‌گر کارآزموده گفت بیش
از این‌ها غبطه خواهی خورد روزی که بساط این
سفره تزویر و ریا برچیده شود و کسی را نیابی که
دست تو را بگیرد.

خیزش علیه حماس در ویرانه‌های غزه

محسن ابراهیمی

اعتراضات روز سه‌شنبه ۲۵ مارس در غزه یک نقطه عطف سیاسی است. مردمی که خانه و کاشانه و عزیزانشان را در بمباران‌های بی‌رحمانه نژادپرستان حاکم در اسرائیل ازدست‌داده‌اند، مردمی که زندگی‌شان توسط تروریسم اسلامی حماس به گروگان گرفته شده است، یکباره به خیابان‌های خاک‌آلود محصور در میان ویرانه‌ها سرازیر شدند و رودرروی مسلسل به دستان نقابدار حماس مشت گره کردند و فریاد زدند: "حماس تروریست است"، "حماس برو بیرون"، "می‌خواهیم زندگی کنیم"، "ما نمی‌خواهیم

بمیریم"، "جنگ را متوقف کنید"!

تصاویر ویدئویی معترضانی را نشان می‌دهد که فریاد می‌زدند "مرگ بر حکومت حماس، مرگ بر حکومت اخوان‌المسلمین". آنها رو به دوربین‌ها علناً انزجار و خشم خود را "علیه حماس، اسرائیل، تشکیلات خودگردان فلسطین تحت حمایت غرب و میانجی‌گران عرب" اعلام کردند.

ترکیب بالای جوانان در این اعتراض یادآور مانیفست جوانان غزه است که پانزده سال پیش در آن اعلام کردند: "گند بزنند حماس را. گند بزنند اسرائیل را. گند بزنند الفتح را. گند بزنند سازمان ملل را. گند بزنند آژانس امداد و کار

سازمان ملل برای پناهندگان فلسطینی را. گند بزنند آمریکا را! ما جوانان غزه از اسرائیل، حماس، اشغال، تجاوز به حقوق بشر و بی‌تفاوتی جامعه بین‌المللی حالمان به هم می‌خورد! ”

می‌توان تصور کرد خامنه‌ای با شنیدن شعار ”حماس تروریست است“ به چه حال و روزی می‌افتد. می‌توان تصور کرد نتانیاهو به چه حال روزی می‌افتد؛ چون بیش‌ازپیش معلوم می‌شود غزه با حماس مساوی نیست؛ معلوم می‌شود وزیر دفاع فاشیست اسرائیل همین انسان‌ها را با وقاحتی کم‌نظیر ”حیوان‌های انسان‌نما“ نامید و آب و برق و غذا و دارو را به رویشان بست.

خیزش مردم علیه حماس، نقطه امید بزرگی است

که نشان می‌دهد امید به زندگی، عزم زندگی بدون حماس و بمباران‌های اسرائیل حتی در غزه به خاک و خون کشیده هم قدرتمند است. این خیزش پنجره بزرگی است که از میان خون و آتش و جنازه و کودکان لت‌وپار شده به‌سوی زندگی درخور انسان باز شده است.

مردم به‌پاخاسته غزه برای باز نگه‌داشتن این پنجره به‌سوی آزادی از جنگ و کشتار و تروریسم، به یاری تک‌تک انسان‌دوستان در جهان، در اسرائیل به‌ویژه ما مردم ایران نیاز دارند که برای پایان‌دادن به حیات بزرگ‌ترین حامی حماس به‌پاخاسته‌ایم.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر
به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران)
منتشر می شود.

ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود

تماس با نشریه:

واتس آپ و تلگرام : ۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ایمیل: journalfarsi@gmail.com

تلگرام: https://t.me/journalfarsi

---

*سایت ژورنال را به دوستان و
آشنایان خود معرفی کنید. در انتشار
یادداشتهای ژورنال بکوشید

journalfarsi.com

ژورنال

ژورنال

شماره ۹۹۹

۲۹ مارس ۲۰۲۵ – ۹ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

حداد عادل و اوضاع حکومت در سال جاری

حسن صالحی

لغو کنسرت و دستگیری سهراب پاکزاد

کیوان جاوید

۱۷ میلیون بشکه نفت سرگردان در سواحل مالزی

بابک یزدی

مراسم افطار در کاخ سفید

منظر دریاکناری

حداد عادل و اوضاع حکومت در سال جاری

حسن صالحی

حداد عادل، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا درباره پیش‌بینی خود از وضعیت کشور در سال جاری گفته است: "نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم، اما به لطف الهی و حضور مردم، آینده‌ای خوب و روشن در پیش داریم."

البته آینده‌ای روشن در انتظار ایران است، اما نه با جمهوری اسلامی، بلکه با سرنگونی آن و برقراری یک نظام مردمی و انسانی. حداد عادل اگر نمی‌تواند چنین آینده‌ای را پیش‌بینی کند، نه به این دلیل که از وخامت اوضاع رژیمش بی‌خبر است، بلکه چون سعی

دارد به خود و نیروهای حکومتی دلگرمی بدهد که هنوز امیدی برای بقای این نظام وجود دارد. وضعیت حکومت آن‌قدر بحرانی است که حالا حداد عادل، صرفِ این که سران سه قوه مدتی است به یکدیگر نپریده اند، را نشانه‌ای مثبت قلمداد می کند غافل از اینکه تشتت و درگیری در تمام ارکان این رژیم حاکم است.

برای مردم ایران، سال جاری سال مبارزه برای تحقق آرزوهایی است که در یکصد سال گذشته از آنها دریغ شده است؛ آرزوی زندگی‌ای دور از خفقان و سرکوب، سرشار از رفاه و آسایش. تحقق این آرزوها تنها زمانی ممکن خواهد بود که جمهوری اسلامی و تمام نظامی که این رژیم در خدمت آن

است، از اساس برچیده شود.

به همین دلیل، ما امسال را سال ادامه‌ی جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی" برای سرنگونی جمهوری اسلامی می‌نامیم. آینده روشن و امیدبخش است، زیرا گرمای آن انقلاب همچنان در دل‌های ما زبانه می‌کشد و شعله‌های آن بار دیگر فروزان خواهد شد.

بگذار حداد عادل و دیگر سرکردگان رژیم خود را دلخوش کنند که گویا آینده‌ای برای بقای جمهوری اسلامی متصور است. اما ما اینجا می‌خواهیم به او و تمام سران رژیم اطمینان بدهیم که در سال جاری، حلقه محاصره‌ی مردم بر گرد حکومت جانیان

تنگ‌تر خواهد شد.

هم حکومت و هم مردم به‌خوبی آگاهند که امسال سالی تعیین‌کننده برای جامعه ایران است. اوضاع اقتصادی به مرحله‌ی فلج کامل رسیده، رژیم حتی از تأمین ابتدایی‌ترین نیازهای شهروندان، مانند آب و برق، ناتوان است و مردم از این وضعیت به‌شدت خشمگین و ناراضی‌اند. در سال جاری، تقابل مردم با حکومت شدت خواهد گرفت و خیزش‌های اجتماعی ابعاد گسترده‌تری پیدا خواهد کرد. آنچه در انتظار جمهوری اسلامی است، سونامی خروشان اعتراضات مردمی است که می‌تواند این رژیم ضدانسانی را به ورطه‌ی نابودی بکشاند. برای آن روز آماده و مهیا باشیم.

لغو کنسرت و دستگیری سهراب پاکزاد

کیوان جاوید

در نخستین ساعات روز جمعه در پی انتشار ویدئویی کوتاه از یک کنسرت، قوه قضاییه از برخورد با عوامل این کنسرت خبر داد و اعلام کرد سهراب پاکزاد، خواننده پاپ، بازداشت شده است. وب‌سایت خبری تابناک نیز به نقل از حامیان حکومت در فضای مجازی نوشت که تصویر "زنان بی‌حجاب" در کنسرت سهراب پاکزاد "معادل فحشا" است.

ماه رمضان است و مردم ایران اینچنین قوانین اسلامی و مراسم عقب‌مانده اسلامی را به مصاف می‌طلبند. این مردم هر روز در نبرد با جمهوری اسلامی یک

سنگر جدیدی را به نفع انسانیت فتح می‌کنند. این یک نبرد به‌تمام‌معنا سرنوشت‌ساز در ایران است. نبردی که نشان می‌دهد مذهب و به طور مشخص اسلام در زندگی روزمره جامعه کجا ایستاده است و شرایط فرهنگی جامعه چه سیر پیشرویی به‌سوی آزادی و شادی و دور ریختن فرامین و باورهای اسلامی طی می‌کند.

مذهب آنجا که زورش را داشته باشد با زبان کارد و شلاق و شکنجه و اعدام با مردم صحبت می‌کند. آنجایی که ضعیف‌تر باشد به زبان احترام به اعتقادات مذهبی مردم سخن می‌گوید و معنی زمینی و حقیقی این احترام دروغین این است که هر گندی که پیروان این مذاهب به زندگی می‌زنند و

هر کثافتی که دولت‌های اسلامی و گروه‌های مذهبی بالا می‌آورند باید در برابر آنها سکوت اختیار کرد و اعتراض نکرد.

اگر زن به برده جنسی مشتی مرتجع مذهبی و اسلامی تبدیل می‌شود باید گفت فرهنگ خودشان است؛ اگر مردم در ماه رمضان علیه فرمان حکومتی دست به نافرمانی می‌زنند باید سکوت پیشه کرد تا مبادا حاکمین مستبد و عقب‌مانده رنجیده‌خاطر شوند.

اما این حنای احترام به از گور برخاستگان اسلامی دیگر رنگی ندارد. مردم برای زندگی و خوشی نه‌تنها فقط در روزهای قیام و خیزش‌های خیابانی

بپا می‌خیزند، بلکه هر لحظه و با هر وسیله‌ای این حرکت به‌سوی روشنایی و زندگی انسانی را تقویت می‌کنند. درست مثل قد کشیدن گیاه به‌سوی نور با پیروی از اصل بقا و قانون طبیعت.

ایران بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی می‌تواند پایتخت جهان برای برپاشدن همه کنسرت‌های عالم باشد؛ می‌تواند مبشر آزادی و رهایی بشر از دست همه نابرابری‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی باشد؛ کشور آزادی و برابری همگانی.

۱۷ میلیون بشکه نفت سرگردان در سواحل مالزی

بابک یزدی

بلومبرگ(شرکت رسانهٔ جمعی چندملیتی)می گوید بیش از ۱۰ تانکر حامل نفت خام ایران که توسط آمریکا تحریم شده‌اند، در نزدیکی سواحل مالزی معطل مانده‌اند. همچنین در راستای تحت‌فشار قراردادن جمهوری اسلامی اعلام شده است که "دولت آمریکا برای مصادره درآمد حاصل از یک میلیون بشکه نفت ایران به ارزش ۴۷ میلیون دلار، به‌عنوان غرامت به دلیل ارتباط آن با سپاه پاسداران در یک دادگاه در پایتخت این کشور اعلام شکایت کرده است."

این وضعیتی است که جمهوری اسلامی باعث و بانی آن شده است. وقتی عمیق به تأثیر تحریم و محاصره اقتصادی علیه یک کشور یا دولت بنگریم به این نتیجه می‌رسیم که نهایتاً این مردم هستند که تاوان سنگین این تحریم‌ها را می‌پردازند. نه اینکه همیشه و در همه حال مخالف تحریم اقتصادی علیه یک رژیم مستبد و ضد مردمی باشیم. همانطور که با تحریم همه‌جانبه رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی هیچ انسان شریفی مخالفت نکرد. آنچه باید در مورد جمهوری اسلامی در حال حاضر باید مورد استفاده جهانی قرار بگیرد تحریم‌های سیاسی و بستن سفارتخانه‌ها و قطع رابطه سیاسی با جمهوری اسلامی است.

تصور کنیم که جمهوری اسلامی ای نبود که بخواهد برای بقا به ده‌ها سازمان تروریستی وابسته به خود در منطقه پول و اسلحه برساند و تهدیدی دائمی در صدور تروریسم حکومتی به جهان باشد. در آن صورت تصور کنید استفاده از سلاح مخرب تحریم اقتصادی علیه یک حکومت مردمی با چه اعتراض و عکس‌العمل جهانی از سوی مردم متمدن جهان مواجه می‌شد. همانطور که مردم جهان و تقریباً همه دولت‌ها در حال حاضر مخالف سرسخت تعرفه‌های دولت ترامپ بر کالاهای وارداتی به آمریکا هستند.

هر جنایتی که از جمهوری اسلامی سر می‌زند، مردم ایران تاوان سخت و مخربش را پس می‌دهند.

برای اینکه این چرخه فقر و فساد و جنایت به پایان برسد و مردم ایران از دست یک حکومت آدمکش و ضد مردمی خلاص شوند؛ برای اینکه بتوانیم پایانی باشیم بر تروریسم اسلامی در منطقه و جهان و برای اینکه بتوانیم همه دارایی موجود در جامعه را به نفع زندگی انسانی برای همه مردم بکار گیریم باید دست در دست هم جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم. چنین شرایطی مدت‌ها است که در ایران فراهم است. اتحاد و همبستگی سراسری مهم‌ترین شرط پیروز شدن است.

مراسم افطار در کاخ سفید

منظر دریاکناری

ترامپ در مراسم افطار کاخ سفید از "مسلمانانی که از او در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا حمایت کردند قدردانی کرد و ماه رمضان را به مسلمانان تبریک گفت."

فقط مانده این مسئله برای عموم روشن شود که آیا منتظر شدند تا اذان از مناره مسجدی در نزدیکی‌های کاخ سفید به گوش ترامپ و تیم همراه او رسیده باشد و آنگاه افطار کردند یا نه بدون قرائت کلام خدای محمد شروع به خوردن و نوشیدن کردند. سؤال بعدی این است که آیا نماز هم خواندند یا

فقط دور میز غذا نشستند و به فرامین الهی ترامپ گوش فرادادند.

در عکسی که از این مراسم منتشر شده است به نظر می‌رسد ترامپ با یک گیلاس شراب سفید دارد روزه‌اش را می‌شکند. این هم حتماً یک سنت‌شکنی در جهت به‌روز کردن اسلام است که می‌تواند باعث گرم‌شدن بازار جریانات اسلامی اصلاح‌طلب شود. سؤال‌ها کم نیستند. یکی از آنها هم می‌تواند این باشد: اصولاً برای اینکه کسی افطار کند باید روزه بگیرد. آیا این مگسانی که دور شیرینی گردآمدند این پروسه ناب اسلامی را بجا آوردند یا فقط آنجا نشستند که افطار ماه رمضان را مسلمانان تبریک بگویند.

از این بخش فکاهی ماجرا بگذریم می‌شود دوکلمه جدی‌تر به این مسخره‌بازی ترامپ و شرکا پرداخت. این پیام به مسلمانان نیست، این پیام هیئت حاکمه مرتجع آمریکا اتفاقاً به رژیم‌های اسلامی حاکم در خاورمیانه و... است که خون شهروندان ساکن در کشور خود را در شیشه کرده‌اند. این پیام شیوخ مرتجع عربی است که زنان را به بردگان عصر حاضر تبدیل کرده‌اند که حتی اجازه از خانه بیرون رفتن بدون اجازه پدر و برادر یا شوهر را ندارند.

این سیگنالی است به جمهوری اسلامی که بگوید علی‌رغم اینکه می‌دانیم مردم ایران چه دل خونی از دست ماه رمضان تحمیلی حکومت اسلامی و

قوانین ضدبشری اسلامی دارند، اما اگر جمهوری اسلامی با آمریکا کنار بیاید آنگاه مثل طالبان می‌تواند هر جنایتی که دوست دارد در داخل آنجا بدهد و ترامپ و هیئت حاکمه آمریکا هم می‌تواند چشم بر همه این جنایات فروببندد. باید گفت کور خوانده‌اید. جواب حکومت اسلامی و همه مرتجعین عالم را انقلابیون زن زندگی آزادی به شایستگی تمام خواهند داد.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
/https://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰

ژورنال

ژورنال

شماره ۱۰۰۰

۳۰ مارس ۲۰۲۵ – ۱۰ فروردین ۱۴۰۴ سردبیر این شماره: کیوان جاوید

در این شماره ژورنال:

شماره ۱۰۰۰ نشریه ژورنال منتشر شد

از طرف سردبیران ژورنال

کمدی پایان تحصنِ حجاب پرستان در تهران

تهمینه صادقی

غزه، صدای انسانیت بر علیه حماس

سینا پدرام

اعتراض در ترکیه، اسلام و ناسیونالیسم تُرک

محسن ابراهیمی

شماره ۱۰۰۰ نشریه ژورنال منتشر شد

از طرف سردبیران ژورنال

امروز ۱۰ فروردین ۱۴۰۴، ۳۰ مارس ۲۰۲۵ مصادف با انتشار هزارمین نشریه ژورنال است. شاید این عدد مشخص‌کننده عمق تلاش جمعی ما که این نشریه را تأسیس کردیم نباشد. بیایید مروری کنیم بر این تلاش جمعی و اهمیت وجودی چنین نشریه‌ای که هدفی جز مبارزه انقلابی با جمهوری اسلامی در سر ندارد.

کم نیستند نشریاتی که حتی با کمک‌های مالی فراوان، چه شخصی، گروهی یا دولتی منتشر شده اما بعد از انتشار شماره‌هایی به تاریخ پیوستند.

ژورنال طی سه سال و نیم، و انتشار هزار شماره نشان داده که مسئولین و فعالینش فقط به فراتر رفتن و پیشروی های بیشتر فکر می‌کنند. سازماندهی برای پخش وسیع‌تر، گردآوردن نویسندگان بیشتر، بالاتر بردن کیفیت مطالب مندرج در نشریه و خلاصه تبدیل ژورنال به ابزاری بسیار مؤثرتر در مبارزه با جمهوری اسلامی و روشن‌تر کردن مسیر مبارزه برای تقویت جبهه چپ اجتماعی، آزادیخواهی و برابری‌طلبی و بر دوش‌گرفتن بخشی از تلاش اجتماعی برای برقراری یک جامعه به‌راستی درشان انسان، هدف این نشریه است. تلاش در جهت ساختن جامعه‌ای که خبری از نابرابری اقتصادی و ستم اجتماعی در آن نباشد.

به‌راستی این کار سختی است. ما جمعی داوطلب که بر اساس فکر و اندیشه شخصی و البته نزدیکی سیاسی بسیار بالا و در خور توجه، درگیر یک کار داوطلبانه سیاسی هستیم. اینکه چه مطالبی در این نشریه منتشر می‌شود یا نمی‌شود؛ اینکه نظر نویسنده تماماً تأمین می‌شود یا اینکه سردبیر تا کجا در رد یا قبول یا اصلاح یک یادداشت دخالت گر است، همه موضوعاتی است که هر روزه با آن سروکار داریم. کار راحتی نیست، اما باور کنید که در این زمینه در حد بسیار بالایی موفق بودیم.

سازماندهی در پخش نشریه هر چند که به تیراژ

هزاران رسیده است و ده‌ها نفر را در خارج برای پخش روزانه نشریه بسیج کرده و در ایران نیز توسط فعالین ژورنال دست‌به‌دست می‌شود، اما باز هم کم است و ما اصلاً دراین‌رابطه راضی نیستیم. ما انتظار داریم همه دوستداران ژورنال به‌محض انتشار نشریه آن را برای هر کس که می‌شناسند ارسال کنند. ما انتظار پخش ده‌ها هزار شماره یا صدها هزار ژورنال را داریم. این فقط یک نشریه روشنگری یا فقط ضد حکومت اسلامی نیست. ژورنال کل یک جامعه انسانی و راه متشکل شدن را ترسیم می‌کند و به این دلیل متعلق به همه انسان دوستان و آزادیخواهان و برابری‌طلبان است. ژورنال شمشیر آخته جنبش رهایی زن، آزادی زندانیان سیاسی، جنبش

کارگری و آزادی‌های بی‌قیدوشرط بیان و اندیشه و فعالیت آزادانه احزاب و تشکل‌های سیاسی و انجمن‌های سیاسی و فرهنگی و... است. ما می‌خواهیم این سنگر تقویت بشود. در هزارمین شماره از انتشار ژورنال دست یاری به‌سوی همه شما دراز می‌کنیم. با تقویت ژورنال یک‌قدم بیشتر از جامعه انسانی‌ای که می‌خواهیم بسازیم حمایت کنید. زنده‌باد انسانیت و نابود باد جمهوری اسلامی.

کمدی پایان تحصنِ حجاب پرستان در تهران

تهمینه صادقی

روز شنبه ۹ فروردین، پلیس تهران اعلام کرد: "تحصن غیرقانونی ۴۰ روزه مقابل مجلس شورای اسلامی دو شب پیش با مصوبه شورای امنیت کشور و اقدام پلیس پایان یافت". جواد نیک‌بین، نماینده مجلس روز یکشنبه ۱۸ اسفند گفت افرادی که در حمایت از ابلاغ قانون حجاب و عفاف در مقابل مجلس متحصن شده‌اند بابت "شب‌هایی که اینجا می‌خوابند، کسانی به آنها پول می‌دهند."

واقعاً شادی‌بخش نیست؟ حالا آن‌طرف دیگر

را نگاه کنیم "پرستو احمدی" کنسرت مجازی بی‌حجاب برگزار می‌کند و تأثیر این کنسرت از مرزهای ایران نیز عبور می‌کند و پشت سران حکومت اسلامی را می‌لرزاند و همین چند روز پیش نیز هزاران زن بی‌حجاب در کنسرت سهراب پاکزاد صحنه‌هایی از زیبایی و شجاعت و نبرد سیاسی و فرهنگی علیه اسلام و حکومت اسلامی آفریدند که باز هم انعکاس این انفجار اجتماعی بازتاب وسیع یافت. اینها واقعاً شادی‌بخش است و عمق جنبش انقلابی زن زندگی آزادی را به نمایش می‌گذارد.

هر اندازه که رژیم با بسیج دسته‌های سازمان‌یافته حکومتی و گشت‌های انتظامی و اوباش لباس شخصی

تلاش کرد که حجاب را بر سر زنان بند کند؛ هر مقدار که زنان بازداشت شدند و شلاق خوردند و جریمه دادند، و حکومت تلاش کرد این پارچه ننگین اسلامی را همچون طناب دار بر دور گردن زنان بیشتر بفشارد تا به معنای حقیقی کلمه خفه‌شان کند ؛ هر اندازه که جان‌های عزیزی را برای بی‌حجابی و مقابله همه‌جانبه علیه جمهوری اسلامی دادیم و عزادار شدیم، آری به همان اندازه شاید این تحصن مضحکِ پاسداران حجاب اسلامی و متعاقباً برچیدن بساط این متحصنین کرایه‌ای برای ما شادی‌بخش بود. کمدی این است که رژیمی‌ها برای حفظ حجاب باید تحصن کنند، اما بی‌حجابی همچون طوفان جامعه را در می‌نوردد و حکومت اسلامی یارای مقابله با آن

نیست.

ما مردم این پیروزی را با شادی هر چه بیشتر جشن می‌گیریم و با این سنگر فتح شده، دست به حملات وسیع‌تر و سازمان‌یافته‌تری علیه جمهوری اسلامی می‌زنیم. ما کمتر از آزادی و برابری و برقراری یک جامعه آزاد و انسانی به هیچ‌چیز رضایت نمی‌دهیم. همه با هم همچون اعضای یک پیکر واحد، رژیم اسلامی را در هم می‌شکنیم. ما می‌توانیم. از دریچه همین مضحکه تحصن حجاب بانان هم می‌شود تماشاگر دنیای زیبای خودمان باشیم که با سرنگونی جمهوری اسلامی می‌سازیم.

غزه، صدای انسانیت بر علیه حماس

سینا پدرام

به گزارش خبرگزاری‌های مختلف، صدها نفر از ساکنان غزه در اعتراض به جنگ و وضعیت نابسامان زندگی به خیابان‌ها آمده‌اند و خواهان پایان جنگ میان حماس و اسرائیل و کناره‌گیری حماس از قدرت شده‌اند. این اعتراضات در بیت لاهیا، شمال غزه، گسترده‌ترین تظاهرات ضد حماس از زمان آغاز جنگ در اکتبر ۲۰۲۳ بوده است.

فعالان مخالف حماس ویدئوهای زیادی را در شبکه‌های اجتماعی همرسان کرده‌اند که در آنها

جوانان شعار می‌دهند: "بیرون، بیرون، بیرون، حماس بیرون". معترضین و مردم از شرایط طاقت‌فرسای زندگی، گرسنگی، فقر و مرگ شکایت دارند. آنها می‌گویند از جنگ و ویرانی خسته شده‌اند و خواستار تغییر در حکومت غزه هستند. یکی از معترضین به درست می‌گفت که "ما برای حماس هم یک عدد و رقم هستیم. کنار بروید و بگذارید به زخم‌هایمان رسیدگی کنیم".

اعتراضات اخیر در غزه بر علیه حاکمیت حماس از چند زاویه اهمیت ویژه‌ای داشت. این اعتراضات بهترین افشاگر تبلیغات وحشیانه دولت تروریستی اسرائیل است که مردم غزه را حامیان حماس تصویر می‌کند و تاکنون بیش از ۵۰ هزار نفر از

مردمان غزه را با یک جنگ خونین کشتار کرده است. این اعتراضات از سوی دیگر، تبلیغات عوام‌فریبانه رژیم اسلامی در ایران و حماس را برملا می‌سازد و نشان می‌دهد که این اوباشان نه تنها طرفدار مردم غزه نیستند بلکه از این مردم بی گناه فقط به عنوان امتیاز گیری از اسراییل و غرب استفاده کرده‌اند.

و بالاخره، این اعتراضات با خواست‌ها و مطالباتی کاملاً انسانی، چهره شیاد و منفعت‌طلبانه دولت آمریکا و ترامپ و دیگر دول غرب را به عریانی نشان می‌دهند که در مقابل یک نسل‌کُشی عامدانه توسط نتانیاهو و هیئت حاکمه فاشیست اسرائیل سکوت کردند تا در مقابله با نفوذ رژیم

اسلامی ایران، "نقشه جدید خاورمیانه" را به نفع خود ترسیم نمایند.

سؤال اساسی که باقی است این است که آیا این اعتراضات ضد حماس و ضدجنگ در غزه می‌تواند خود را به اعتراضات ضدجنگ در اسرائیل و علیه دولت نتانیاهو وصل کند و به هر دو طرف این جنگ خود را تحمیل کند؟ انسانیت قرن ما به این پیروزی در غزه نیاز دارد. بشریت متمدن در جهان می‌تواند به میدان بیاید و پایانی باشد به این بزرگ‌ترین جنایت در قرن بیست و یکم.

اعتراض در ترکیه، اسلام و ناسیونالیسم تُرک

محسن ابراهیمی

روز شنبه، ۹ فروردین، شهر استانبول بار دیگر صحنه تظاهرات صدها هزار نفره علیه حزب اسلامی حاکم و رهبر خودکامه آن اردوغان بود.

سال‌ها پیش بعدازاین که حزب اسلامی رفاه به رهبری نجم‌الدین اربکان غیرقانونی اعلام شد، حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان که در نتیجه یک بازبینی تاکتیکی و پراگماتیستی تشکیل شده بود در متن شرایط اقتصادی فلاکت‌بار به قدرت رسید. نقش این حزب بازسازی ساختار سیاسی ترکیه در جهت مقابله

با بحران‌های سیاسی گریبان‌گیر طبقه حاکم ترکیه بود. انتظار حزب عدالت و توسعه این بود که الگوی حکومت اسلامی‌شان توسط طبقات حاکم بحران‌زده در منطقه سرمشق قرار گیرد. اخوان‌المسلمین مصر و النهضه تونس به الگوی ترکیه به‌مثابه تجربه موفق از حاکمیت اسلامی نگاه می‌کردند. حتی جناح اصلاح‌طلب حکومت اسلامی در ایران هم به الگوی اردوغان به‌مثابه راهی برای نجات حکومت اسلامی از بحران نگاه می‌کرد.

قبلاً در جریان سرکوب خشونت‌بار خیزش گزی پارک، بازداشت هزاران نفر، کنترل کامل سیستم قضایی و رسانه‌ها و حمایت علنی از داعش و

باندهای اسلامی در سوریه چهره واقعی اسلام "میانه‌رو" اردوغان برملا شده بود. اما چالش سیاسی اخیر با حضور احزاب و نیروهای سکولار و چپ و نسل جوان با شعارهای علیه دیکتاتوری و فقر و دخالت اسلام در زندگی مردم، تا همین‌جا ضربات سنگین‌تری به موقعیت الگوی اسلام به‌اصطلاح میانه‌رو در قدرت وارد کرده است و به این اعتبار برای مردم ایران که عزمِ جزم دارند حکومت اسلامی را ساقط کنند بسیار شعف‌انگیز است.

در سیاست‌های اردوغان ایدئولوژی پان‌ترکیسم هم جایگاه مهمی دارد. ده سال پیش مردم ترکیه شاهد مراسمی در کاخ ریاست‌جمهوری

بودند که در آن شانزده سرباز در لباس سپاهیان شانزده دولت ترک از جمله غزنویان، سلجوقیان، گورکانیان و اویغورهای چین لحظات مضحکی از رؤیای احیای امپراطوری ترک عثمانی را به نمایش می گذاشت. ناسیونال فاشیست‌های ترک در ایران که در آرزوی تحقق چنین رؤیایی، برای جنایات اردوغان علیه کُردها در کانتون‌های شمال سوریه دست می‌زدند، با به‌خطرافتادن موقعیت سیاسی اردوغان، یک منبع اتکای حکومتی را از دست خواهند داد. موقعیت به‌شدت متزلزل اردوغان آن هم در فضای همبستگی مردم ایران علیه حکومت اسلامی، فرقه‌های پان‌ترکیست در ایران را نگران ازدست‌دادن پدرخوانده پان‌ترکیست کرده است.

ژورنال، نشریه روزانه آنلاین، ساعت ۴ بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی (۶ و نیم به وقت ایران) منتشر می شود. ژورنال جمعه ها منتشر نمی شود،

سایت ژورنال:
/https://journalfarsi.com
ایمیل: journalfarsi@gmail.com
اینستاگرام:
www.instagram.com
تلگرام: https://t.me/journalfarsi
ایکس:
https://twitter.com/Journal_Farsi
واتساپ:
۰۰۴۴۷۳۸۸۵۷۵۰۲۰